



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



المراد
عليه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

دانشنامه امام حسین علیه السلام

بر پایه قرآن، حدیث و تالیفات

محمدی ری شهری

مترجم:

عبد الهادی مسعودی

با همکاری:

سید محمود طباطبائی نژاد

سید روح الله سید طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه امام حسين عليه السلام بر پایه قرآن، حديث و تاريخ

نويسنده:

محمد محمدي ري شهري

ناشر چاپي:

موسسه علمي فرهنگي دارالحدیث

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ جلد ۱۲
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۶	[ادامه بخش سیزدهم]
۱۶	اشاره
۱۷	فصل دهم : تسبیح و نماز ، نزد قبر امام حسین علیه السلام
۱۷	۱۰ / ۱ تسبیح ها و نمازهای روایت شده پس از زیارت امام علیه السلام
۱۹	۱۰ / ۲ ثواب نماز گزاردن ، نزد قبر امام علیه السلام
۲۳	۱۰ / ۳ خواندن نماز حاجت ، نزد قبر امام علیه السلام
۲۳	۱۰ / ۴ ادب نماز خواندن نزد قبر امام علیه السلام
۳۳	فصل یازدهم : آداب وداع با شهیدان
۳۳	۱۱ / ۱ ادب وداع با سید الشهداء علیه السلام
۴۲	۱۱ / ۲ آداب وداع با ابو الفضل العباس علیه السلام
۴۴	۱۱ / ۳ ادب وداع با دیگر شهیدان
۴۸	فصل دوازدهم : زیارت های مخصوص
۴۸	۱۲ / ۱ ثواب زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا
۵۱	۱۲ / ۲ زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «کامل الزیارات» ، از علقمه
۶۳	۱۲ / ۳ زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «مصباح المتهدد» ، از علقمه
۸۸	۱۲ / ۴ زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «المزار القدیم» ، از علقمه
۱۰۱	پژوهشی در باره سند «زیارت عاشورا»
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	بررسی طریق روایت تا محمد بن خالد طیالسی
۱۰۳	بررسی وثاقت محمد بن خالد طیالسی

- ۱۰۸ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «الإقبال»
- ۱۱۸ / ۱۲ ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین
- ۱۱۸ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در روز اربعین ، به روایت صفوان جمال
- ۱۲۵ / ۱۲ زیارت جابر بن عبد الله انصاری
- ۱۳۴ / ۱۲ ثواب زیارت امام علیه السلام در ماه رجب
- ۱۳۹ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در اول رجب
- ۱۶۳ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در نیمه رجب
- ۱۷۰ / ۱۲ ثواب زیارت امام علیه السلام در نیمه شعبان
- ۱۷۸ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در نیمه شعبان
- ۱۹۰ / ۱۲ ثواب زیارت امام علیه السلام در ماه رمضان
- ۱۹۲ / ۱۲ ثواب زیارت امام علیه السلام در شب قدر
- ۱۹۷ / ۱۲ زیارت شب قدر
- ۲۰۴ / ۱۲ ثواب زیارت امام علیه السلام در عرفه
- ۲۱۳ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در شب و روز عرفه
- ۲۴۱ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در عید فطر و قربان
- ۲۶۴ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در شب و روز جمعه
- ۲۶۸ / ۱۲ زیارت امام علیه السلام در روز دوشنبه
- ۲۷۵ / ۱۲ فصل سیزدهم : دو زیارت منسوب به ناحیه مقدسه
- ۲۷۵ / ۱۳ زیارت نخست ، به روایت «المزار الكبير»
- ۳۱۴ / ۱۳ زیارت دوم ، به روایت «الإقبال»
- ۳۳۹ / ۱۳ سخن درباره میزان اعتبار دو زیارت منسوب به ناحیه مقدسه
- ۳۳۹ / ۱۳ اشاره
- ۳۴۰ / ۱۳ میزان اعتبار زیارت نخست (مشهور به «زیارت ناحیه مقدسه»)
- ۳۴۲ / ۱۳ میزان اعتبار زیارت دوم (مشهور به «زیارت شهدا»)
- ۳۴۶ / ۱۳ فصل چهاردهم : زیارتی که سید مرتضی با آن ، امام علیه السلام را زیارت کرد
- ۴۱۵ / ۱۳ فصل پانزدهم : زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور

- ۴۱۵ ۱۵ / تشویق به زیارت امام علیه السلام از راه دور
- ۴۲۱ ۱۵ / زیارت امام علیه السلام از دور ، به روایت «کامل الزیارات»
- ۴۲۶ ۱۵ / زیارت امام علیه السلام از دور ، به روایت «مصباح المتهدّج»
- ۴۳۰ فصل شانزدهم : نایب گرفتن برای زیارت امام حسین علیه السلام
- ۴۳۰ ۱۶ / ثواب نایب گرفتن برای زیارت امام علیه السلام
- ۴۳۲ ۱۶ / ۲دعای نخست ، پس از زیارت نیابتی
- ۴۳۴ ۱۶ / ۳دعای دوم ، پس از زیارت نیابتی
- ۴۳۴ ۱۶ / ۴دعای سوم ، پس از زیارت نیابتی
- ۴۳۶ ۱۶ / ۵دعای چهارم ، پس از زیارت نیابتی
- ۴۴۲ بخش چهاردهم : مزار امام حسین علیه السلام
- ۴۴۲ اشاره
- ۴۴۳ تاریخچه بنای حرم امام حسین علیه السلام
- ۴۴۳ اشاره
- ۴۴۳ مزار امام علیه السلام در قرن اول هجری
- ۴۴۵ مزار امام علیه السلام در قرن دوم هجری
- ۴۴۷ مزار امام علیه السلام در قرن سوم هجری
- ۴۵۰ مزار امام علیه السلام در قرن چهارم هجری
- ۴۵۲ مزار امام علیه السلام در قرن پنجم هجری
- ۴۵۳ مزار امام علیه السلام در قرن ششم هجری
- ۴۵۳ مزار امام علیه السلام در قرن هفتم هجری
- ۴۵۴ مزار امام علیه السلام در قرن هشتم هجری
- ۴۵۴ مزار امام علیه السلام در قرن نهم هجری
- ۴۵۵ مزار امام علیه السلام در قرن دهم هجری
- ۴۵۶ مزار امام علیه السلام در قرن یازدهم هجری
- ۴۵۷ مزار امام علیه السلام در قرن دوازدهم هجری
- ۴۵۸ مزار امام علیه السلام در قرن سیزدهم هجری

- ۴۶۰ مزار امام علیه السلام در قرن چهاردهم هجری
- ۴۶۱ مزار امام علیه السلام در قرن پانزدهم هجری
- ۴۶۴ فصل یکم: ارزش بارگاه امام حسین علیه السلام
- ۴۶۴ ۱ / ۱ بوستانی از بوستان های بهشت
- ۴۶۶ ۱ / ۲ مستجاب شدن دعا زیر گنبدش
- ۴۷۸ ۱ / ۳ سزای توهین کننده به تربت امام علیه السلام
- ۴۸۴ ۱ / ۴ روایت های قلمرو تربت و حریم قبر امام علیه السلام
- ۴۸۸ ۱ / ۵ مَخیر بودن در شکسته یا تمام خواندن نماز در حرم امام علیه السلام
- ۴۸۸ اشاره
- ۴۹۲ محدوده مَخیر بودن میان قصر و اتمام نماز، در حرم امام حسین علیه السلام
- ۴۹۶ فصل دوم: شفاخواهی با تربت مزار امام حسین علیه السلام
- ۴۹۶ ۲ / ۱ بزرگ ترین دارو
- ۵۰۲ ۲ / ۲ آداب شفاخواهی با تربت امام علیه السلام
- ۵۱۶ ۲ / ۳ شرط شفا یافتن با تربت امام علیه السلام
- ۵۱۶ ۲ / ۴ مانع شفا یافتن با تربت امام علیه السلام
- ۵۱۸ ۲ / ۵ نمونه هایی از کسانی که خدا به برکت تربت حسین علیه السلام شفایشان داده است
- ۵۱۸ الف _ محمد بن مسلم
- ۵۲۵ ب _ جابر بن یزید جَعفی
- ۵۲۷ ج _ جعفر خُلدی
- ۵۲۹ فصل سوم: دیگر برکات تربت امام حسین علیه السلام
- ۵۲۹ ۳ / ۱ ایمن شدن از هر ترسی
- ۵۳۱ ۳ / ۲ چند برابر شدن ثواب سجده بر تربت امام علیه السلام
- ۵۳۳ ۳ / ۳ برتری تسبیح تربت امام علیه السلام
- ۵۳۹ ۳ / ۴ تشویق به برداشتن کام کودک با تربت امام علیه السلام
- ۵۴۱ ۳ / ۵ همراه کردن تربت امام علیه السلام با مُرده
- ۵۴۴ توضیحی در باره برکات تربت امام حسین علیه السلام و شفا خواستن با آن

۵۴۴ اشاره

۵۴۴ ۱ . اعتبارسنجی احادیث

۵۴۵ ۲ . حکمت این برکات

۵۴۵ ۳ . محدوده تربت برای استشفای

۵۴۷ ۴ . محدوده تربت برای غیر استشفای

۵۴۷ ۵ . مقصود از استشفای به تربت

۵۴۹ فهرست تفصیلی

۵۵۵ درباره مرکز

يادداشت : ج. 15-16 (چاپ اول: 1393) (فيپا).

موضوع : حسين بن علي (ع)، امام سوم، 4 - 61ق.

موضوع : واقعه كربلا، 61ق.

شناسه افزوده : طباطبائي نژاد، محمود، 1340 -

شناسه افزوده : سيد طباطبائي، سيد روح الله

شناسه افزوده : مسعودي، عبدالهادي، 1343 - ، مترجم

شناسه افزوده : مهريزي، مهدي، 1341 - ، مترجم

رده بندي كنگره : 4/4BP/4م/3435د2 1388

رده بندي ديويي : 297/9534

شماره كتابشناسي ملي : 2037945

ص: 1

اشاره

الفصل العاشر: التَّسْبِيحُ وَالصَّلَاةُ عِنْدَ قَبْرِهِ

10 / 1 التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ وَالصَّلَاةُ بَعْدَ زِيَارَتِهَا كَامِلُ الزِّيَارَاتِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ، إِنَّ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَطْيَبُ الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرُ الطَّاهِرِينَ وَأَبْرَّ الْأَبْرَارِ، وَإِذَا زُرْتَهُ - يَا أَبَا سَعِيدٍ - فَسَبِّحْ عِنْدَ رَأْسِهِ تَسْبِيحَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ مَرَّةٍ، وَسَبِّحْ عِنْدَ رِجْلَيْهِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَلْفَ مَرَّةٍ، ثُمَّ صَلِّ عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا يَسَ وَالرَّحْمَنَ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ، كَتَبَ اللَّهُ لَكَ ثَوَابَ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! عَلَّمَنِي تَسْبِيحَ عَلِيِّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ، تَسْبِيحُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ. وَتَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ (1) الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالتُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ التَّمَلُّ فِي الصَّفَا (2)، وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ. (3)

1- الباذخ: العالی (النهاية: ج 1 ص 110 «بذخ»).

2- الصَّفَا: صخرة ملساء (الصحاح: ج 6 ص 240 «صفا»).

3- كامل الزيارات: ص 384 ح 631، بحار الأنوار: ج 101 ص 166 ح 17.

فصل دهم : تسبیح و نماز ، نزد قبر امام حسین علیه السلام

10 / 1 تسبیح ها و نمازهای روایت شده پس از زیارت امام علیه السلام

کامل الزیارات_ به نقل از ابو سعید مدائنی_ : بر امام صادق علیه السلام در آمدم و گفتم : فدایت شوم! به [زیارت] قبر حسین علیه السلام بروم ؟ فرمود : « آری . ای ابو سعید ! به زیارت قبر حسین علیه السلام ، پاک ترین پاکان ، پاکیزه ترین پاکیزگان ، و نیکوکارترین نیکوکاران برو و_ ای ابو سعید_ هنگامی که او را زیارت کردی ، نزد سرش ، هزار مرتبه تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام را می گویی و نزد پاهایش ، هزار مرتبه تسبیح فاطمه علیها السلام را می گویی . سپس نزد او دو رکعت ، نماز می گذاری که در آنها [سوره های] یس و الرحمن را می خوانی . چون چنین کردی ، خداوند ، پاداش آن را برایت می نویسد ، إن شاء الله تعالی !». گفتم : فدایت شوم! تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز . فرمود : «باشد . ای ابو سعید ! تسبیح علی علیه السلام این است : منزّه است خدایی که خزانه اش پایان نمی پذیرد ! منزّه است خدایی که نشانه هایش از میان نمی رود ! منزّه است خدایی که آنچه نزد اوست ، نابود نمی شود ! منزّه است خدایی که کسی را در حکمرانی اش ، شریک نمی کند ! منزّه است خدایی که افتخار و بزرگی اش از هم نمی پاشد ! منزّه است خدایی که مدّتش گسسته نمی شود ! منزّه است خدایی که خدایی جز او نیست ! و تسبیح فاطمه علیها السلام چنین است : منزّه است شکوهمندِ والای بزرگ ! منزّه است عزّتمند برافراشته رفیع ! منزّه است قدرتمند شوکتمند کهن ! منزّه است شادمان زیبا ! منزّه است کسی که ردای نور و وقار به تن کرده است ! منزّه است کسی که ردّ پای مورچه را در تخته سنگ نرم و حرکت پرنده را در هوا می بیند !» .

10 / 2 فضل الصلاة عند قبرهتهذيب الأحكام عن أبي عبد الله الحرّاني: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: مَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ وَصَلَّى عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ كُتِبَ لَهُ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ (1)، فَإِنْ صَلَّى عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كُتِبَتْ لَهُ حَجَّةٌ وَعُمْرَةٌ. قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! وَكَذَلِكَ لِكُلِّ مَنْ زَارَ إِمَامًا مُفْتَرَضَةً طَاعَتُهُ؟ قَالَ: وَكَذَلِكَ كُلُّ مَنْ زَارَ إِمَامًا مُفْتَرَضَةً طَاعَتُهُ. (2)

كامل الزيارات عن شعيب العرقوفي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لَهُ مِنْ الثَّوَابِ وَالْأَجْرِ؟ جُعِلَتْ فِدَاكَ! قَالَ: يَا شُعَيْبُ، مَا صَلَّى عِنْدَهُ أَحَدٌ الصَّلَاةَ إِلَّا قَبِلَهَا اللَّهُ مِنْهُ، وَلَا دَعَا عِنْدَهُ أَحَدٌ دَعْوَةً إِلَّا اسْتَجِيبَتْ لَهُ عَاجِلَةً وَأَجَلَةً. (3)

-
- 1- بَرَّ اللَّهُ حَجَّكَ: أَي قَبِلَهُ (الصحيح: ج 2 ص 588 «بر»).
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 79 ح 156، المزار للمفيد: ص 134 ح 3، كامل الزيارات: ص 434 ح 666، المزار الكبير: ص 356 ح 3 وليس فيه ذيله من «قلت» وكلها عن أبي علي الحرّاني، بحار الأنوار: ج 101 ص 83 ح 11.
 - 3- كامل الزيارات: ص 435 ح 668، المزار للمفيد: ص 135 ح 4، المزار الكبير: ص 356 ح 4 وليس فيه «وآجلة»، بحار الأنوار: ج 101 ص 83 ح 9.

10 / 2 ثواب نماز گزاردن ، نزد قبر امام علیه السلام

تهذیب الأحكام_ به نقل از ابو عبد الله حَرَّانِي_: به امام صادق علیه السلام گفتم: پاداش کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده، چیست؟ فرمود: «هر کس نزد [قبر] او بیاید و زیارتش کند و دو رکعت نماز، کنار [قبر] او بخواند، يك حج مقبول برایش نوشته می شود، و اگر چهار رکعت (دو نماز دو رکعتی) نماز بخواند، يك حج و يك عمره برایش نوشته می شود». گفتم: فدایت شوم! و همین گونه است برای کسی که هر امام واجب الإطاعة ای را زیارت کند؟ فرمود: «آری. همین گونه است هر کس که امام واجب الإطاعة ای را زیارت کند».

کامل الزیارات_ به نقل از شُعَيْب عَقْرَقُونِي_: به امام [صادق] علیه السلام گفتم: کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام می آید، چه اجر و پاداشی دارد، فدایت شوم؟! فرمود: «ای شعیب! هیچ کس نزد [قبر] او نمازی نمی خواند، جز آن که خدا، آن را از او می پذیرد، و هیچ کس نزد او دعایی نمی کند، جز آن که به زودی و یا در آینده، مستجاب می شود».

كامل الزيارات عن إسحاق بن عمار عن أبي الحسن [الكاظم] عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَمَشَاهِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْحَرَمَيْنِ، وَالتَّطَوُّعِ فِيهِنَّ بِالصَّلَاةِ، وَنَحْنُ مُقَصِّرُونَ. (1) قَالَ: نَعَمْ، تَطَوُّعٌ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ، هُوَ خَيْرٌ. (2)

كامل الزيارات عن مُحَمَّدِ البصري عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِيهِ وَسَأَلَهُ عَنِ الزِّيَارَةِ. فَقَالَ لَهُ: مَنْ تَزُورُ؟ وَمَنْ تُرِيدُ بِهِ؟ قَالَ: اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. فَقَالَ: مَنْ صَلَّى خَلْفَهُ [أَيَّ خَلْفَهُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] صَلَاةً وَاحِدَةً يُرِيدُ بِهَا اللَّهَ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَعَلَيْهِ مِنَ النَّورِ مَا يَغْشَى لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَرَاهُ، وَاللَّهُ يَكْرِمُ زُورَاهُ وَيَمْنَعُ النَّارَ أَنْ تَنَالَ مِنْهُمْ شَيْئًا، وَأَنَّ الزَّائِرَ لَهُ لَا يَتَنَاهَى لَهُ دُونَ الْحَوْضِ، وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَائِمٌ عَلَى الْحَوْضِ يُصَافِحُهُ وَيُرْوِيهِ مِنَ الْمَاءِ، وَمَا يَسْبِقُهُ أَحَدٌ إِلَى وُورِدِهِ الْحَوْضِ حَتَّى يَرُوى، ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَمَعَهُ مَلَكٌ مِنْ قِبَلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُ الصِّرَاطَ أَنْ يَذِلَّ لَهُ، وَيَأْمُرُ النَّارَ أَنْ لَا يُصِيبَهُ مِنْ لَفْحِهَا (3) شَيْءٌ حَتَّى يَجُوزَهَا، وَمَعَهُ رَسُولُهُ الَّذِي بَعَثَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

1- مضافاً لقصر الصلاة الرباعية في السفر فان نوافلها تسقط في السفر أيضاً ولهذا فان الراوي قد سأل عن استثناءات هذه المسألة. جدير بالذكر انه بالاضافة للاماكن الثلاثة المذكورة فان لمسجد الكوفة نفس الحكم يجوز اتمام الصلاة فيه والايتمان بنوافلها (راجع الرسائل العملية لمراجع التقليد).

2- كامل الزيارات: ص 428 ح 651 وح 653 عن علي بن أبي حمزة عن أبي إبراهيم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 79 ح 4.

3- لَفْحُ النَّارِ: حَرُّهَا وَوَهْجُهَا (النهاية: ج 4 ص 260 «لَفْحُ»).

4- كامل الزيارات: ص 238 ح 356، بحار الأنوار: ج 101 ص 78 ح 38.

کامل الزیارات_ به نقل از اسحاق بن عمار_: از امام کاظم علیه السلام در باره نماز نافله نزد قبر حسین علیه السلام و مشاهد مشرف پیامبر صلی الله علیه و آله و حرم مکه و مدینه_ در حالی که مسافر هستیم و نمازهای چهار رکعتی را دو رکعتی می خوانیم_، پرسیدم (1) امام علیه السلام فرمود: «آری. هر چه قدر می توانی، نماز مستحبی بخوان که آن، خیر است».

کامل الزیارات_ به نقل از محمد بصری، از امام صادق علیه السلام_: شنیدم که پدرم [امام باقر علیه السلام] به مردی از وابستگانش که در باره زیارت پرسیده بود، فرمود: «چه کسی را زیارت می کنی؟ و چه کسی را اراده می کنی؟». گفت: خدای_ تبارک و تعالی_ را. فرمود: «هر کس يك نماز به خاطر خدا، پشت قبر حسین علیه السلام بخواند، خداوند را در روز دیدارش در حالی می بیند که هاله ای از نور، او را فرا گرفته و همه چیز را برایش روشن ساخته است و خداوند، زائران او را اکرام می کند و مانع کامل از رسیدن آتش به آنها می شود. زائر حسین علیه السلام به حوض [کوثر] می رسد و امیر مؤمنان علیه السلام که بر سر حوض ایستاده است، با او مصافحه کرده، سیرابش می کند و هیچ کس بر او در ورود به حوض، پیشی نمی گیرد تا او سیراب شود. سپس به جایگاهش در بهشت می رود و فرشته ای از جانب امیر مؤمنان علیه السلام، او را همراهی می کند و به صراط (پل دوزخ)، فرمان می دهد که در برابرش فروتنی کند و به آتش، دستور می دهد که از حرارتش چیزی به او نرساند تا از آن بگذرد و پیک امیر مؤمنان علیه السلام نیز همراه اوست».

1- افزون بر کوتاه شدن نمازهای چهار رکعتی در سفر شرعی، نافله های آنها نیز در سفر، به جا آورده نمی شود. از این رو، راوی در این باره، حکم استثنایی مسئله را پرسیده است. گفتنی است که افزون بر سه مورد یاد شده، مسجد کوفه نیز از حکم کلی سفر، مستثناست و مسافر می تواند نمازهای خود را کامل و همراه نافله ها در آنها بخواند (ر. ک: رساله های مراجع تقلید).

10 / 3 صلاة الحاجّة عند قبرهتهذيب الأحكام عن ابن أبي عمير عن رجل عن أبي جعفر [الباقر] عليه السلام لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ _ : يَا فُلَانُ ، مَا يَمْنَعُكَ إِذَا عَرَضَتْ لَكَ حَاجَةٌ أَنْ تَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَتُصَلِّيَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ ؟ فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ عِنْدَهُ تَعْدِلُ حَجَّةً ، وَالصَّلَاةَ النَّافِلَةَ تَعْدِلُ عِنْدَهُ عُمْرَةً . (1)

كامل الزيارات عن صفوان الجمال عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام ، قال : قُلْتُ : فَمَا لِمَنْ صَلَّى عِنْدَهُ [يَعْنِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ] ؟ قَالَ : مَنْ صَلَّى عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ . (2)

10 / 4 أدب الصلاة عند قبرهالكافي عن الحسن بن عطية عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام : إِذَا فَرَّغْتَ مِنَ السَّلَامِ عَلَى الشُّهَدَاءِ ، فَانْتَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاجْعَلْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ ، ثُمَّ تُصَلِّيْ مَا بَدَأَ لَكَ . (3)

كامل الزيارات عن جعفر بن ناجية عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام : صَلَّى عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (4)

-
- 1- تهذيب الأحكام : ج 6 ص 73 ح 141 ، المزار للمفيد : ص 133 ح 1 ، كامل الزيارات : ص 433 ح 664 ، المزار الكبير : ص 354 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 82 ح 7 .
 - 2- كامل الزيارات : ص 248 ح 369 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 50 ح 2 .
 - 3- الكافي : ج 4 ص 578 ح 4 ، كامل الزيارات : ص 425 ح 642 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 81 ح 3 و ص 151 ح 2 .
 - 4- كامل الزيارات : ص 424 ح 640 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 81 ح 1 .

10 / 3 خواندن نماز حاجت ، نزد قبر امام علیه السلام

تهذیب الأحكام_ به نقل از ابن ابی عمیر ، از مردی _: امام باقر علیه السلام به مردی از همراهانش فرمود : «ای فلانی ! چه چیز ، مانع تو می شود از این که به گاه حاجتمند شدن ، به نزد قبر حسین علیه السلام بروی و نزد او چهار رکعت ، نماز بخوانی و حاجتت را بخواهی ؟ بی تردید ، خواندن نماز واجب نزد او ، برابر با يك حج است و خواندن نماز نافله نزد او ، برابر با يك عمره است» .

کامل الزیارات_ به نقل از صفوان جمّال _: به امام صادق علیه السلام گفتم : پاداش نمازگزار نزد [قبر] حسین علیه السلام چیست ؟ فرمود : «هر کس نزد او دو رکعت نماز بخواند ، از خدای متعال ، چیزی نمی خواهد ، جز آن که به او عطا می کند» .

10 / 14 ادب نماز خواندن نزد قبر امام علیه السلام

الکافی_ به نقل از حسن بن عطیه ، از امام صادق علیه السلام _: هنگامی که از سلام دادن بر شهیدان ، فارغ شدی ، به نزد قبر ابا عبد الله علیه السلام بیا و آن را پیش روی خود بگیر و هر اندازه که می خواهی ، نماز بخوان .

کامل الزیارات_ به نقل از جعفر بن ناجیه ، از امام صادق علیه السلام _: نزد سر قبر حسین علیه السلام نماز بخوان .

كامل الزيارات عن أبي حمزة الشمالي عن الصادق عليه السلام_ في زيارة الحسين عليه السلام وكيفية الصلاة عنده: ... ثم تدور من خلف الحسين عليه السلام إلى عنده رأسه، وصل عند رأسه ركعتين، تقرأ في الأولى الحمد ويس، وفي الثانية الحمد والرحمن، وإن شئت صليت خلف القبر، وعند رأسه أفضل. فإذا فرغت فصل ما أحببت، إلا أن الركعتين_ ركعتي الزيارة_ لا بد منهنما عند كل قبر. فإذا فرغت من الصلاة فارفع يديك وقل ... (1)

مصباح الزائر: صفة صلاة لزيارة الحسين بن عليّ_ صلوات الله عليهما وسلامه: وهي أربع ركعات بالحمد و«قل هو الله أحد»، و«قل يا أيها الكافرون»، وتدعو بعدها فتقول: اللهم إني أشهدك وأشهد أهل طاعتك من جميع خلقك، بإني أشهد مع كل شاهد يشهد بما شهدت به أجمع، في حياتي وبعد وفاتي، حتى ألقاك على ذلك يوم فاتي، وأشهد أن الله ولي الذين آمنوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (2) وأشهد أن النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم وأولو الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله (3)، وأشهد أن ولينا الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون (4)، وأن ذريتهما أولو الأرحام بعضهم أولى ببعض (5)، ذرية بعضنا من بعض والله سميع عليم. (6) وأشهد أنكم أعلام الدين، وأولو الأرحام، الحكام على الورى، والحجة على أهل الدنيا، انتجتهم واصطفيتهم واختصصتهم، وأطلعتهم على سرّك، فقاموا بأمرك، وأمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر، ودعوا العباد إلى التّأويل والتّزليل، كلما مضى منهم داع خلف فيهم داعياً، فرضت طاعتهم وأمرت بمؤالاتهم، ولم تجعل لأحد من خلقك عذراً في تركهم، والإنجاز عنهم، والميل إلى غيرهم، وجعلتهم أهل بيت النبوة، وأفضل البرية، ومعدن الرسالة، ومختلف الملائكة، ومهبط الوحي والكرامة، وأولاد الصّفوة، وأسباط الرّسل، وأقران (7) الكتاب، وأبواب الهدى، والعروة الوثقى، لا يخافون فيك لومة لائم، ولا يقوم بحقهم إلا مؤمن، ولا يهدى بهداهم إلا مُتَّجِبٌ. اللهم فصل عليهم بأفضل صلواتك، وبارك عليهم بأجزل بركاتك، وبنوهم (8) من كرمك بأكرم كراماتك في الدنيا والآخرة، اللهم اجعل أحب الأشياء إليّ وأبرها لديّ، وأهمها إليّ، حبك وحب رسولك، وحب أهل بيته الطيبين، وحب من أحبهم من جميع خلقك، وحب من عمل المحب (9) لك ولهم، وبغض من أبغضك وأبغضهم من جميع خلقك، وبغض من عمل المبغض لك ولهم، حيّاً وميتاً. وارزقني صبراً جميلاً، وديناً سليماً، وفرجاً قريباً، وأجراً عظيماً، ورزقاً هنيئاً، وعيشاً رغيداً، وجسماً صديحاً، وعيناً دامعةً، وقلبا خاشعاً، وبيئناً ثابتاً، وعمراً طويلاً، وعقلاً كاملاً، وعبادة دائمة. وأسألك الثبات على الهدى، والقوة على ما تحب وترضى، اللهم واجعل حبك أحب الأشياء إليّ، وخوفك أخوف الأشياء عندي، وارزقني حبك وحب من ينفعني حبه عنده، وما رزقتني وترزقني مما أحب، فأجعل لي فراغاً فيما تحب، واقطع حوائج الدنيا بالشوق إلى لقائك. وإذا أقررت عيون أهل الدنيا بدنياهم، فأجعل قرة عيني في طاعتك ورضاك ومرضاتك برحمتك، إن رحمتك قريب من المحسنين. 10

1- كامل الزيارات: ص 393 - 417 ح 639 وراجع: هذه الموسوعة: ج 11 ص 342 ح 3236.

2- تضمين وإشارة إلى الآية 257 من سورة البقرة.

3- تضمين وإشارة إلى الآية 75 من سورة الأنفال.

4- تضمين وإشارة إلى الآية 55 من سورة المائدة.

5- تضمين وإشارة إلى الآية 34 من سورة آل عمران.

6- القُرْنُ: الكُفَّ والنظير ، ويُجمع على أقران (النهاية : ج 4 ص 55 «قرن»).

7- بَوَّأْتُ للرجل منزلاً : أي هيَّأته ومكَّنْتُ له فيه (الصحاح : ج 1 ص 37 «بوأ»).

8- قال العلامة المجلسي قدس سره : قوله : «من عمل المحبِّ» هو على بناء اسم المفعول ، فإنَّه يأتي كذلك وإن كان قليلاً والأكثر أن يبنى مفعوله على محبوب على خلاف القياس وكذا المبغض على اسم المفعول ، ويمكن أن يقرأ المحبِّ على اسم الفاعل ، ويكون من بمعنى ما . والأوَّل أظهر (بحار الأنوار : ج 101 ص 289).

9- مصباح الزائر : ص 528 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 285 ح 2 .

کامل الزیارات_ به نقل از ابو حمزه ثمالی ، از امام صادق علیه السلام ، در بیان زیارت امام حسین علیه السلام و چگونگی نماز نزد او: ... سپس از پشتِ سر [قبر] حسین علیه السلام به سوی سر او می چرخد و نزد سرش ، دو رکعت نماز می گزارد که در رکعت اول ، «حمد» و «یس» و در رکعت دوم ، «حمد» و «الرحمن» را می خواند و اگر خواستی ، پشت قبر نماز بخوان ؛ ولی نزد سرش ، بهتر است . و چون فارغ شدی ، هر اندازه که دوست داری ، نماز بخوان ، جز این که دو رکعت نماز زیارت نزد هر قبری لازم است ، و چون نماز را به پایان بُردی ، دستانت را بالا ببر و بگو: ... (1)

مصباح الزائر: نماز زیارت حسین بن علی _ که درودها و سلام خدا بر آن دو باد _ ، چهار رکعت است که در آنها ، «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ يٰـأَيُّهَا الْكٰفِرُونَ» را می خواند و پس از آن ، دعا می کنی و می گویی : خدایا ! تو و اهل طاعتت از همه خلقت را گواه می گیرم که من ، با هر که همچون من گواهی می دهد ، گواهی می دهم که در زندگی و پس از مرگ تا روز نیازم ، با همین عقیده ، تو را دیدار کنم . و گواهی می دهم که خداوند ، ولی مؤمنان است . آنان را از تاریکی ها به سوی نور ، بیرون می برد و کافران ، سرپرست هایشان طاغوت اند و آنان را از نور به سوی تاریکی می برند . آنان ، همراهان آتش و در آن ، جاودانه اند . و گواهی می دهم که پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان ، از خودشان اختیار بیشتری دارد ، همسرانش ، مادران آنهاست و در کتاب خدا ، برخی خویشان نسبت به برخی دیگر ، اولویت دارند . و گواهی می دهم که ولی ما ، خدا ، پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز می خوانند و در حال رکوع ، صدقه می دهند و فرزندان آن دو ، خویشانی هستند که برخی بر برخی دیگر ، اولویت دارند؛ فرزندان آن که برخی از برخی دیگرند ، و خداوند ، شنوا و داناست . و گواهی می دهم که شما ، نشانه های دین ، خویشاوندان [صاحب حق بر ما] ، حاکمان بر مردم و حجت بر مردم دنیا هستید . [ای خدا !] آنها را برگرفته و برگزیده و ویژه شان ساختی و بر راز خودت ، آگاهشان کردی و آنان ، به کارت قیام کردند و امر به معروف و نهی از منکر کردند و بندگان را به تأویل و تنزیل [قرآن] ، فرا خواندند و هر گاه یکی از آن دعوتگران در می گذشت ، دعوتگر دیگری جایش را می گرفت . اطاعت ایشان را واجب ساختی و به ولایت ایشان ، فرمان دادی و در ترك ایشان و کنار نهادن آنان و گراییدن از آنها به سوی دیگران ، عذری برای کسی نهادی و آنان را خاندان نبوت و برترین مردم ، معدن رسالت ، و جایگاه آمد و شد فرشتگان ، محل فرود وحی و کرامت ، فرزندان برگزیده [پیامبر خدا] ، نوادگان پیامبران ، هم تران کتاب ، دریچه های هدایت و ریسمان محکم [خدا] قرار دادی که در راه تو ، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی هراسند ؛ و جز مؤمن ، به حق ایشان ، قیام نمی کند و جز برگزیده ، به هدایت ایشان ، ره نمون نمی شود . خدایا ! با برترین درودها ، بر ، ایشان درود فرست و با فراوان ترین برکت هایت ، ایشان را برکت ده و به بزرگوانه ترین بزرگداشت هایت ، ایشان را در دنیا و آخرت ، در جایگاه بزرگی جای بده . خدایا ! محبوب ترین چیزها و نیک ترین آنها و مهم ترینشان را نزد من ، محبت خودت ، پیامبرت و خاندان پاکش ، و محبت هر کس از خلقت که آنان را دوست می دارد ، قرار ده و هر کس که اعمال محبوب تو و آنان را انجام می دهد ، و نیز دشمنی با دشمن خودت و ایشان را ، هر کس از خلقت که باشد ، و نیز هر کس را که عمل ناخوشایند ایشان را انجام می دهد ، زنده یا مُرده . و صبر زیبا ، دین سالم ، گشایش نزدیک [در گرفتاری ها] ، پاداش بزرگ ، روزی گوارا ، زندگی آسوده ، تن درستی ، چشم اشکبار ، دل خاشع ، یقین استوار ، عمر طولانی ، عقل کامل و عبادت دائم ، روزی ام کن . از تو ، استواری بر هدایت و قوت بر آنچه دوست داری و می پسندی ، می طلبم . خدایا ! محبتت را محبوب ترین چیزها نزد من ، و هراست را بیمناک ترین چیزها نزد من قرار ده . محبتت و محبت هر کس را که محبتش نزد تو به من سود می رساند ، روزی ام کن و آنچه را دوست دارم و روزی ام کرده و می کنی ، فراغتی برای پرداختن به آنچه تو دوست داری ، قرار ده و حاجت های دنیایی ام را با شوق به دیدارت بگسل و هنگامی که چشمان اهل دنیا را به دنیایشان روشن می کنی ، روشنی چشم مرا به رحمتت ، در اطاعت و رضایت و خشنودی ات قرار ده که رحمت تو به نیکوکاران ، نزدیک است .

1- متن زیارت را در زیر عنوان «زیارت های امام علیه السلام و یارانش / زیارت هفتم» در فصل نهم ببینید . در این باره ، ر.ك: ج 11 ص 343 ح 3236 .

مصباح الزائر: صِفَةُ صَلَاةٍ أُخْرَى عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - ، وَهُمَا رَكَعَتَانِ بِالرَّحْمَنِ وَتَبَارَكَ ؛ فَمَنْ صَلَّى هُمَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ حَجَّةً ، مَقْبُولَةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (1)

راجع : ص 132 (الفصل الثاني عشر / فضل زيارته في النصف من شعبان) وج 11 ص 406 (الفصل التاسع / ما يزار به الإمام عليه السلام وأنصاره / الزيارة العاشرة) .

1- . مصباح الزائر : ص 531 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 287 ذيل ح 2 .

مصباح الزائر: نماز دیگر نزد سرِ حسین _ که درودهای خدا بر او باد _ ، این گونه است که دو رکعت با [سوره های] «الرحمن» و «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» ، خوانده می شود و هر کس آن را بخواند ، خداوند ، بیست و پنج حجّ پاکیزه مقبول به همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایش می نویسد .

ر . ك : ص 133 (فصل دوازدهم / ثواب زیارت امام علیه السلام در نیمه شعبان) وج 11 ص 407 (فصل نهم / زیارت های امام علیه السلام و یارانش / زیارت دهم) .

الفصل الحادى عشر: أدبُ الوداعِ معَ الشهداءِ 11 / 11 أدبُ وداعِ سيِّدِ الشُّهداءِ عليه السلامِ كاملِ الزياراتِ عن أبي حمزة الثمالي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا أردتَ الوداعَ بعدَ فراغِكَ مِنَ الزياراتِ، فأكثرَ منها ما استطعتَ، وليكنْ مقامُكُ بالثينوى أو الغاضريةِ، (1) ومتى أردتَ الزيارةَ فاغتسلْ وزرُ زورةِ الوداعِ. فإذا فرغتَ من زيارتكِ، فاستقبلِ بوجهك وجهه، والتمسِ القبرَ، وقُل: السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عبدِ اللَّهِ، أنتَ لي جنةٌ مِنَ العذابِ، وهذا أو أن اصيرَ في عنك، غيرَ راغِبٍ عنك، ولا مُستبدِّلٍ بِكَ سِوَاكَ، ولا مُؤثِّرٍ عَلَيْكَ غيرَكَ، ولا زاهدٍ في قُربِكَ، وجِدْتُ بِنَفْسِي لِلحَدَثَانِ، وتركتُ الأهلَ والأوطانَ، فكنْ لي يومَ حاجتي وفقري وفاقتي، ويومَ لا يُغني عني والدي ولا وادي، ولا حميمي (2) ولا قريبي. أسألُ اللهَ الَّذي قدَّرَ وخلقَ، أن يُنْفَسَ بِكَ كربي، وأسألُ اللهَ الَّذي قدَّرَ عليَّ فراقَ مكانِكَ، أن لا يجعلَهُ آخرَ العهدِ مِنِّي ومن رجعتي، وأسألُ اللهَ الَّذي أبكى عَلَيْكَ عيني أن يجعلَهُ سندا لي، وأسألُ اللهَ الَّذي تَقَلَّني إليك من رحلي (3) وأهلي، أن يجعلَهُ ذخرا لي. وأسألُ اللهَ الَّذي أراني مكانَكَ وهَداني لِلتَّسليمِ عَلَيْكَ ولزيارتي إليك، أن يوردني حوضَكَ، ويرزقني مُرافقتَكُم في الجنانِ معَ آبائِكَ الصَّالحينَ، صلَّى اللهُ عَلَيْهِم أَجمعينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفوةَ اللهِ، السَّلامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ، حبيبِ اللهِ وصَفوةِ، وأمينِهِ وَرَسُولِهِ، وسَيِّدِ النَّبِيِّينَ، السَّلامُ عَلَى أميرِ الْمُؤمِنينَ، وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمينَ، وقائِدِ الغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، السَّلامُ عَلَى الأئمةِ الرَّاشدينَ المَهديينَ. السَّلامُ عَلَى مَنْ فِي الحائِرِ مِنْكُم، السَّلامُ عَلَى ملائِكَةِ اللهِ الباقينَ المُقيمينَ المُستبجحينَ، الَّذينَ هُم بِأمرِ رَبِّهِم قائمونَ، السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالحينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمينَ. وتقولُ: سَلامُ اللهِ وَسَلامُ ملائِكَتِهِ المُقَرَّبينَ، وأنبيائِهِ المُرسَلينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالحينَ _ يابنَ رَسُولِ اللهِ _ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ وَمَنْ حَضَرَكَ مِنْ أوليائِكَ، أَسْتودِعُكَ اللهُ وَأَسْتَرَعِيكَ، وأقرأُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمنا باللهِ وبرَسُولِهِ، وبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبنا مَعَ الشَّاهِدِينَ. وتقولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ولا تَجْعَلَهُ آخِرَ العهدِ مِنْ زيارَتِي ابنَ رَسُولِكَ، وارزُقني زيارتهُ أبدا ما أبقيتني، اللَّهُمَّ وانفَعني بِحُبِّهِ يا رَبَّ الْعَالَمينَ، اللَّهُمَّ ابعثهُ مَقاما محمودا إنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أسألكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسليمِ أن تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وأن لا تَجْعَلَهُ آخِرَ العهدِ مِنْ زيارَتِي إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ يا رَبِّ فَاحشِدْني مَعَهُ، وَمَعَ آبائِهِ وَأولِيائِهِ، وإن أبقيتني يا رَبِّ فارزُقني العودَ إِلَيْهِ، ثُمَّ العودَ إِلَيْهِ بَعْدَ العودِ، بِرَحمتِكَ يا أرحَمَ الرَّاحِمينَ. اللَّهُمَّ اجعلْ لي لسانَ صِدقٍ في أوليائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشايدَهُم، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ولا تُسْغَلني عَن ذِكْرِكَ بِإِكثارِ عَلَيٍّ مِنَ الدُّنيا تُلهيني عَجائبُ بَهجَتِها، وتفتي زَهْرَاتُ زِينَتِها، ولا بِإِقلالِ يَضْرِبُ بِعَمَلِي كُدَّهُ، وَيَمْلأُ صَدْرِي هَمُّهُ، أعطني مِنْ ذَلِكَ غِنى عَن أَشْرارِ خَلْقِكَ، وبِلاغا أنالَ بِهِ رِضاكَ يا رَحمانُ، السَّلامُ عَلَيْكُم يا ملائِكَةَ اللهِ وَزُوارَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللهِ. ثُمَّ ضَعْ خَدَكَ الأيمنَ عَلَى القَبْرِ مَرَّةً، والأيسرَ مَرَّةً، وألِحَّ فِي الدُّعاءِ وَالْمَسأَلَةِ، فَإِذا خَرَجْتَ فلا تَوَلَّ وَجْهَكَ عَنِ القَبْرِ حَتَّى تَخْرُجَ. (4)

1- راجع: الخريطة رقم 4 في آخر مجلد 5.

2- حميمك: قريك الذي تهتم لأمره (الصحاح: ج 5 ص 1905 «حم»).

3- الرِّحالُ: يعني الدور والمسكن والمنزل، وهي جمع رَحَل (النهاية: ج 2 ص 209 «رحل»).

4- كامل الزيارات: ص 437 ح 670، بحار الأنوار: ج 101 ص 280 ح 1.

فصل یازدهم: آداب وداع با شهیدان

11 / 11 وداع با سید الشهداء علیه السلام

کامل زیارات_ به نقل از ابو حمزه ثُمالی، از امام صادق علیه السلام: هنگامی که پس از فراغت از زیارت ها، خواستی خداحافظی کنی، تا می توانی [قبل از وداع] بر آنها (زیارت ها) بیفزای، و جایت را در نینوا یا غاضریّه (1)، قرار ده، و هر گاه خواستی زیارت کنی، غسل کن و [هنگام وداع، ابتدا] زیارت وداع را به انجام رسان. و چون زیارتت را به پایان بُردی، رو به روی امام علیه السلام بایست و قبر را ببای و بگو: سلام بر تو، ای ولیّ خدا! سلام بر تو، ای ابا عبد الله! تو، سپر عذاب منی و اکنون، هنگام بازگشت من است، نه از سرِ روی گرداندن، و نه جای گزین کردن کس دیگری به جای تو، و نه مقدّم داشتن غیر تو بر تو، و نه بی رغبتی به نزدیکی تو، که خود را در معرضِ پیشامدها نهادم و خانه و کاشانه را رها نمودم. مرا در روز نیاز و فقر و بیچارگی ام در یاب؛ روزی که پدر و مادرم، فرزندانم، دوستان و خویشانم، هیچ یک، به کار من نمی آیند. از خدایی که اندازه کرد و آفرید، می خواهم که به خاطر شما، گره از کارم بگشاید، و از خدایی که دوری از جایت را بر من مقدر کرده، می خواهم که این را آخرین دیدار و بازگشت من، قرار ندهد، و از خدایی که چشمم را بر تو گریبان ساخته، می خواهم آن را تکیه گاه من قرار دهد، و از خدایی که مرا از خانه و کاشانه ام به این جا رسانده، می خواهم که آن را اندوخته من قرار دهد، و از خدایی که مکان تو را به من نشان داد و مرا به تسلیم شدن در برابر تو و زیارتت ره نمود، می خواهم که مرا به حوض شما در آورد و همراهی با شما را در بهشت و کنار پدران صالحت_ که خدا بر همه آنان، درود فرستد_، روزی ام سازد. سلام بر تو، ای گزیده خدا! سلام بر محمد بن عبد الله، حبیب خدا و برگزیده او، امین و پیام آورش و سرور پیام آوران! سلام بر امیر مؤمنان، وصیّ فرستاده خدای جهانیان و پیشوای روسپیدان! سلام بر امامان ره یافته در راه! سلام بر هر کس از شما که در حائر (کربلا) است! سلام بر فرشتگان جای گرفته و اقامت گزیده [در حرم حسین] و تسبیحگوی خدا که قیام کننده به فرمان خدا هستند! سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا! و ستایش، ویژه خدای جهانیان است.» و می گوئی: سلام خدا و سلام فرشتگان مقرریش، پیامبران مُرسَلش و بندگان صالحش_ ای فرزند پیامبر خدا_، بر تو، و بر روح و پیکرت، و بر فرزندان تو و هر کس از اولیایت که در محضر حضرت حاضر است! تو را به خدا می سپارم و خدا را به مراقبت از تو، فرا می خوانم و بر تو سلام می کنم. به خدا، پیامبرش و آنچه از نزد خدا آورده است، ایمان آوردیم. خدایا! ما را جزو گواهان بنویس. و می گوئی: خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را آخرین زیارت من از فرزند پیامبرت، قرار مده و زیارت او را تا همیشه بودنم روزی ام کن. خدایا! مرا از محبت ایشان، بهره مند کن، ای خدای جهانیان! خدایا! او را به جایگاه ستوده برسان که تو بر هر کاری، توانایی. خدایا! از تو می خواهم بعد از این سلام ها و درودها، [باز] بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و این را آخرین زیارت او از جانب من قرار ندهی؛ ولی اگر چنین کردی_ ای پروردگار من_، مرا با او، پدران و دوستانش محشور بگردان و اگر مرا باقی گذاردی_ ای خدا_، بازگشت دوباره و دوباره به او را در سایه رحمت، روزی ام کن، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا! مرا نزد اولیایت، نیک نام بدار و مرقدهایشان را محبوب من بگردان. خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و مرا از یاد خود، غافل مگردان و به افزون کردن دنیا و سرگرم شگفتی های شادی زای آن و گرفتار جلوه های زیبایش شدن و یا تنگ گرفتن بر من، آن گونه که رنج تحصیلش، به کردارم زیان برساند و دلم از اندیشه آن، پُر شود، مشغول مساز و از دنیا، آن اندازه به من عطا کن که از مردم شرورت، بی نیاز شوم و مرا به رضایت تو برساند، ای [خدای] رحمان! سلام بر شما، ای فرشتگان خدا، زائران قبر ابا عبد الله! پس گونه راستت را یک بار و گونه چپت را نیز یک بار بر قبر می گذاری و در دعا و درخواست، پافشاری می کنی و هنگام بیرون رفتن، از قبر روی نمی گردانی تا این که خارج شوی.

كامل الزيارات عن يوسف الكناسي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا أردت أن تُودَعَ الحُسينَ بنَ عليٍّ عليه السلام فقل: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوِدِعُكَ اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّكَ عَلَيْهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَمِنْهُ. اللَّهُمَّ إِذَا سَأَلْتُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبِّهِ، اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا، تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ، وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، وَتُبِيرُ (1) بِهِ مَنْ نَصَبَ حَرْبًا لِأَلِ مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّكَ وَعَدْتَهُ ذَلِكَ، وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْكُمْ شُهَدَاءُ نُبِيَّائِ، جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَابْنِ رَسُولِهِ كَثِيرًا، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ. أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَنْصَارُ رَسُولِهِ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعَدَهُ، وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ، وَصَدَّقَنِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ، لَا يَكْثَارُ تُلْهِينِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا، وَتَفْتِنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا، وَلَا يَاقِلَالٍ يَصْدُرُّ بِعَمَلِي كُدُّهُ، وَيَمَلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنِ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغًا أَنْالُ بِهِ رِضَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَدَّقَنِي اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (2)

1- مُبِيرٌ: مُهْلِكٌ، يُقَالُ: بَارَ الرَّجُلُ يَبُورُ بَوْرًا (النهاية: ج 1 ص 161 «بور»).

2- كامل الزيارات: ص 435 ح 669، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 597 ح 3200 نحوه، بحار الأنوار: ج 101 ص 282 ح

کامل الزیارات_ به نقل از یوسف کُناسی ، از امام صادق علیه السلام_: هنگامی که خواستی با حسین بن علی علیه السلام وداع کنی ، بگو: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو! تو را به خدا می سپارم و بر تو سلام می رسانم . به خدا ، پیامبرش و آنچه آوردی و بدان ره نمودی ، ایمان آوردیم و از فرستاده [ی خدا] پیروی کردیم . پس ما را با گواهان بنویس . خدایا! آن را آخرین دیدار ما و او قرار مده . خدایا! از تو می خواهیم که محبت ما به او را برایمان سودمند ، قرار دهی . خدایا! او را به منزلگاه ستوده ، برسان . دینت را با او یاری می دهی ، دشمنت را با او می گشی و هر کس را که پرچم ستیزه با خاندان محمد بر افراشته است ، با او هلاک می سازی که تو ، آن را وعده داده ای و تو خُلفِ وعده نمی کنی . سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! گواهی می دهم که شما ، شهیدان و نجیبان هستید . در راه خدا جهاد کردید و در راه پیامبر خدا و فرزندش ، کشته های فراوان دادید . شما ، پیشی گیرندگان مهاجران و انصار هستید . گواهی می دهم که شما ، یاوران خدا و یاوران پیامبرش هستید . ستایش ، خدایی را که وعده اش به شما را محقق کرد و آنچه را دوست می دارید ، به شما نمایاند . خداوند بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستد ، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد! خدایا! مرا در دنیا از سپاس گذاری نعمت به کارهایی چنین ، سرگرم مکن : افزودن بر دارایی به گونه ای که شگفتی های شادی آورش مرا سرگرم کند و جلوه های زیبایش ، مرا گرفتار سازد ، و نه تنگ دستی ای که رنج طلب روزی به عملم زیان رساند و دلم را از اندیشه آن ، پُر کند . در این میان ، مرا از مردم شرویت ، بی نیاز کن و آن اندازه که به رضایت تو برسم ، به من عطا کن ، ای مهربان ترین مهربانان! خداوند بر پیامبرش محمد بن عبد الله و خاندان پاک و نیکوکارش درود فرستد ، و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد!

كامل الزيارات عن صفوان الجمال عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ اغْتَسَلَ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَزَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، كَانَ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ صِفْرًا مِنَ الذُّنُوبِ وَلَوْ اقْتَرَفَهَا كَبَائِرَ ، وَكَانُوا يُحِبُّونَ الرَّجُلَ إِذَا زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اغْتَسَلَ ، وَإِذَا وَدَّعَ لَمْ يَغْتَسِلْ ، وَمَسَحَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ إِذَا وَدَّعَ . (1)

1- . كامل الزيارات : ص 342 ح 578 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 143 ح 14 .

کامل الزیارات_ به نقل از صفوان جمّال_: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در آب فرات، غسل کند و قبر حسین علیه السلام را زیارت کند، مانند روزی [می شود] که مادرش او را زاده است؛ تھی از گناهان، حتی اگر مرتکب گناه کبیره شده باشد». [امامان علیهم السلام] دوست می داشتند که وقتی کسی حسین علیه السلام را زیارت می کند، غسل کند و هنگامی که وداع می کند، غسل نکند؛ بلکه دستش را به هنگام خداحافظی بر صورتش بکشد.

11 / 2 أدب وداع أبي الفضل العباس عليه السلام كامل الزيارات عن أبي حمزة الثمالي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا ودعت العباس عليه السلام، فأتته وقل: أستودعك الله وأسترعيك، وأقرأ عليك السلام، آمنا بالله ويرسوله، وبكتابه وبما جاء به من عند الله، اللهم فاكثبنا مع الشهداء. اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتي قبر ابن أخي نبيك، وارزقني زيارته أبدا ما بقيتني، واحشد رني معه ومع آباءه في الجنان، وعرف بني وبينه وبين رسولك وأوليائك. اللهم صل على محمد وآل محمد وتوفني على الإيمان بك، والتصدق برسولك، والولاية لعلي بن أبي طالب والأئمة من ولده، والبراءة من عدوهم؛ فإني قد رضيت بذلك يا رب. وتدعو لنفسك ولوالديك وللمؤمنين والمسلمين، وتخير من الدعاء. (1) بيان قال العلامة المجلسي قدس سره: أقول: قد مضى ذكر زيارة العباس عليه السلام في الزيارة الكبيرة المنقولة عن المفيد رحمه الله على وجه أوسط، وذكر الأصحاب في زيارته الصلاة، والخبر خال عنها، ولذا بعض المعاصرين يمنع من الصلاة لغير المعصوم لعدم التصريح في النصوص بالصلاة لهم عند زيارتهم، لكن لو أتى الإنسان بها لا على قصد أنها مأثورة على الخصوص، بل للعمومات التي في إهداء الصلاة والصدقة والصوم وسائر أفعال الخير للأئمة والمؤمنين والمؤمنات، وإتباعها تدخل على المؤمنين في قبورهم وتنفعهم، لم يكن به بأس وكان حسنا، مع أن المفيد وغيره - رحمهم الله - ذكروها في كتبهم، فلعلهم وصل إليهم خبر آخر لم يصل إلينا، وسيأتي زيارة جابر رضى الله عنه عليه السلام في باب زيارة الأربعين وهي مشتملة على الصلاة. ثم اعلم أن ظاهر تلك الرواية جواز الوقوف على قبره رضى الله عنه، على أي وجه كان، ولو كانت السقيفة في الزمن السابق على نحو بناء زماننا لكان ظاهر الخبر مواجهته عند الزيارة، لكن ظاهر كلام الأصحاب وعملهم أن في زيارة غير المعصوم لا ينبغي مواجهته بل ينبغي استقبال القبلة فيها والوقوف خلفه، ولم أر تصريحاً في أكثر الزيارات المنقولة بذلك. نعم ورد في زيارة المؤمنين مطلقاً استحباب استقبال القبلة كما سيأتي، لكن لا يبعد أن يقال كما أنهم امتازوا عن سائر المؤمنين بهذه الزيارات المشتملة على المخاطبات، فلعلهم امتازوا عنهم باستقبالهم كما هو عادة المكالمات والمحاورات، لكن ورد في بعض الروايات المنقولة الأمر باستقبال القبلة عند زيارة بعضهم، كزيارة علي بن الحسين عليه السلام فيما ورد عن الناحية المقدسة، وقد مر في الباب السابق، والتخيير فيما لم يرد فيه شيء على الخصوص أظهر، والله يعلم. (2)

1- كامل الزيارات: ص 442 ح 672، بحار الأنوار: ج 101 ص 278 ح 2.

2- بحار الأنوار: ج 101 ص 278 ذيل ح 2.

11 / 2 آداب وداع با ابو الفضل العباس علیه السلام

کامل الزیارت_ به نقل از ابو حمزه ثُمالی ، از امام صادق علیه السلام : هنگامی که عباس علیه السلام را وداع می کنی ، نزد او بیا و بگو :
 تو را به خدا و خود را به تو می سپارم و بر تو سلام می رسانم . به خدا ، پیامبرش ، کتابش و آنچه از نزد خدا آورده است ، ایمان آوردیم .
 خدایا ! ما را همراه گواهان بنویس . خدایا ! آن را آخرین زیارت من از قبر فرزند برادر پیامبرت ، قرار مده و زیارت او را تا همیشه ماندنم
 روزی ام کن ، و مرا با او و پدرانش در بهشت ، محشور بگردان ، و مرا با او ، پیامبرت و اولیای آشنا کن . خدایا ! بر محمد و خاندانش ،
 درود فرست و مرا بر ایمان به تو ، تصدیق پیامبرت ، ولایت علی بن ابی طالب و امامان از نسلش ، و بیزاری از دشمنشان بمیران که من به
 آن راضی ام ، ای خدای من ! و برای خودت ، پدر و مادرت ، مؤمنان و مسلمانان ، دعا کن و هر دعایی را که خواستی ، برگزین .

توضیحاً معلّمه مجلسی می گوید : زیارت عباس علیه السلام در زیارت نامه بلندی که از شیخ مفید قدس سره نقل کردیم ، به شکل مفصل
 تری گذشت و عالمان شیعه در زیارت او ، نماز را هم ذکر کرده اند ؛ اما روایت ، از آن ، تهی است و از این رو ، برخی معاصران ، از نماز
 خواندن برای غیر معصوم ، منع می کنند ؛ زیرا در روایات ، به نماز خواندن به هنگام زیارتشان اشاره ای نشده است ؛ اما اگر کسی نه به
 قصد این که در روایتی بخصوص گفته شده باشد ، بلکه به دلیل روایات فراگیری که هدیه کردن نماز ، صدقه ، روزه و دیگر کارهای خیر را
 برای پیامبران ، امامان ، و مردان و زنان باایمان ، تجویز می کند و می گوید که این کارها ، بر قبرهای مؤمنان ، وارد می شود و به آنان سود
 می رساند ، نماز بخواند ، اشکالی ندارد و کار نیکویی است . افزون بر این ، شیخ مفید و دیگران _ رحمهم الله _ ، نماز خواندن را در
 کتاب هایشان نقل کرده اند . پس شاید روایت دیگری به دست ایشان رسیده که به ما نرسیده است و به زودی ، روایت جابر در باب «زیارة
 الأربعین» می آید که مشتمل بر نماز است . سپس بدان که ظاهر آن روایت ، جواز ایستادن بر سر قبر او به هر صورت است و اگر سایه بان
 در گذشته ، مانند بنای کنونی آن باشد ، از ظاهر روایت ، رو به روی قبر ایستادن ، فهمیده می شود ؛ اما ظاهر سخنان عالمان شیعه و سیره
 آنان در زیارت غیر معصوم ، آن است که رو به رو ایستادن را خوب نمی دانند ، بلکه رو به قبله بودن و ایستادن در پشت قبر را پسندیده می
 دانند ؛ اما من در بیشتر روایات نقل شده ، تصریحی به این کار نیافتم . آری ! در زیارت همه مؤمنان ، استحباب رو به قبله ایستادن ، آمده
 است ، همان گونه که خواهد آمد ؛ اما دور نیست که گفته شود همان گونه که امام زادگان از دیگر مؤمنان با این زیارت نامه های مشتمل بر
 گفتگو ، جدا شده اند ، شاید در رو به روی ایشان ایستادن نیز این امتیاز را دارند ، آن سان که عادت در گفتگو و سخن گفتن رو در روست ؛
 اما در برخی روایت ها ، رو به قبله ایستادن هنگام زیارت برخی از ایشان هم نقل شده است ، مانند آنچه در زیارت علی اکبر علیه السلام
 از سوی ناحیه مقدّسه (امام زمان علیه السلام) آمده است که در باب قبل گذشت ، و آزاد بودن در برگزیدن یکی از دو حالت ، در جایی
 که روایت خاصی نرسیده ، ظاهرتر است ؛ و الله یعلم !

11 / 3 أدب وداع سائر الشهداء المزار للمفيد: ثُمَّ حَوَّلَ وَجْهَكَ إِلَى قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَوَدَّعْتَهُمْ ، وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ ، فِي صَالِحِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ عَلَى نُصْرَتِهِمْ ابْنَ نَبِيِّكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَجِهَادِهِمْ مَعَهُ . اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ، وَحَسِّنْ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهِمْ ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . 1

11 / 3 ادب و داع با دیگر شهیدان

المزار، مفید: سپس صورتت را به سوی قبرهای شهیدان کن و با آنان، خداحافظی کن و بگو: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! خدایا! آن را آخرین زیارت من از ایشان، قرار مده و مرا در عمل صالح یاری دادنشان به فرزند پیامبرت و حجتت بر خلقت و جهاد همراه او، با ایشان، شریک گردان. خدایا! ما و ایشان را در بهشتت، همراه شهیدان و صالحان، گرد هم آور، که نیکو همراهانی اند. شما را به خدا می سپارم و به شما سلام می رسانم. خدایا! بازگشت به سوی ایشان را روزی ام کن و مرا با ایشان، محشور کن، ای مهربان ترین مهربانان! (1)

1- .علامه مجلسی رحمه الله می گوید: ازقرینه ها برداشت می شود که وداع با شهیدان نیز از تتمه روایت ابو حمزه ثمالی است و همه آن ، از تتمه روایت بلندی که پیش تر، از ثمالی نقل کردیم.

الفصل الثاني عشر: الزياراتُ المخصوصةُ 12 / 1 فضلُ زيارتهِ في العاشرِ من شهرِ مُحَرَّمِ الحَرَامِ المزارِ للمفيدِ عن جابرِ الجعفي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ بَاتَ عِنْدَ قَبْرِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَطَّخًا بِدَمِهِ، وَكَأَنَّمَا قُتِلَ مَعَهُ فِي عَصْرِهِ (1).

المزار للمفيد عن جابر الجعفي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ الحُسَيْنِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَبَاتَ عِنْدَهُ، كَانَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ يَدَيْهِ. (2)

كامل الزيارات عن محمد بن جمهور العمي عمّن ذكره عنهم عليهم السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، كَانَ كَمَنْ تَشَحَّطَ (3) بِدَمِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ. (4)

1- المزار للمفيد: ص 51 ح 2، كامل الزيارات: ص 323 ح 548، المزار الكبير: ص 351 ح 2 وفيهما «عرصته» بدل «عصره»، مصباح المتهجد: ص 771، الإقبال: ج 3 ص 50 وفيهما «عرصة كربلاء» بدل «عصره»، بحار الأنوار: ج 101 ص 103 ح 4.

2- المزار للمفيد: ص 52 ح 2، مصباح المتهجد: ص 771، كامل الزيارات: ص 323 ح 549، بحار الأنوار: ج 101 ص 104 ح 7.

3- يتشحط في دمه: أي يتخبط فيه ويضطرب ويتمرغ (النهاية: ج 2 ص 449 «شحط»).

4- كامل الزيارات: ص 324 ح 552، بحار الأنوار: ج 101 ص 105 ح 13.

فصل دوازدهم : زیارت های مخصوص

12 / 1 ثواب زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا

المزار ، مفید_ به نقل از جابر جُعفی ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس شب عاشورا ، نزد قبر حسین علیه السلام بماند ، روز قیامت ، خدا را دیدار می کند ، در حالی که به خوش آغشته است و گویی که در روزگار امام علیه السلام با او شهید شده است .

المزار ، مفید_ به نقل از جابر جُعفی ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس روز عاشورا ، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند و شب را نزد او سپری کند ، مانند کسی است که پیش روی او شهید شده است .

کامل الزیارات_ به نقل از محمد بن جمهور عَمّی ، از کسی که از او یاد کرده است ، از یکی از اهل بیت علیهم السلام_: هر کس قبر حسین علیه السلام را روز عاشورا زیارت کند ، مانند کسی است که پیش روی او در خون خویش غلتیده است .

عوالي اللآلي عن الصادق عليه السلام: مَنْ زَارَهُ [يَعْنِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَام] يَوْمَ عَاشُورَاءَ حَتَّى يَظُلَّ عِنْدَهُ بِأَكْبَا حَزِينَا ، كَانَ كَمَنْ اسْتَشْهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، حَتَّى يُشَارِكَهُمْ فِي مَنَازِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ . (1)

تهذيب الأحكام عن حريز عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ ، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (2)

12 / 2 زيارة عاشوراء برواية كامل الزيارات عن علقمة بن كامل الزيارات عن علقمة بن محمد الحضرمي: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا أَنَا زُرْتُهُ مِنْ قَرِيبٍ ، وَدُعَاءً أَدْعُو بِهِ إِذَا لَمْ أَزُرْهُ مِنْ قَرِيبٍ وَأَوْمَأْتُ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِ الْبِلَادِ وَمِنْ دَارِي . قَالَ : فَقَالَ : يَا عَلْقَمَةُ ، إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ تَوَمَّيَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ ، وَقُلْتَ عِنْدَ الْإِيْمَاءِ إِلَيْهِ وَبَعَدَ الرُّكْعَتَيْنِ هَذَا الْقَوْلُ ؛ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مَنْ زَارَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ، وَكَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ حَسَنَةٍ ، وَمَحَى عَنْكَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ ، وَرَفَعَ لَكَ مِئَةَ أَلْفِ فَالِدَةٍ ، وَكُنْتَ كَمَنْ اسْتَشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تُشَارِكَهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ ، وَلَا تُعْرِفُ إِلَّا فِي الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتَشْهِدُوا مَعَهُ ، وَكُتِبَ لَكَ ثَوَابُ [زِيَارَةِ] كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ ، وَزِيَارَةِ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْذُ يَوْمِ قُتِلَ . تَقُولُ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمَوْتُورَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ ، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ . يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، لَقَدْ عَظَّمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَهْلَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ . يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، فَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرُوانَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً ، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أُسْرَجَتْ وَالْجَمَّتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ . يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي ، لَقَدْ عَظَّمْتَ مُصَابِي بِكَ ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ ، وَيُرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي وَجِيهًا عِنْدَكَ بِالْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . يَا سَيِّدِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ _ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ _ بِمُؤَالَاتِكَ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَمِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَمِنْ جَمِيعِ أَعْدَائِكُمْ ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ الْجَوْرَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ ، وَأَجْرَى ظُلْمَهُ وَجَوْرَهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، وَلِيَّ (3)

لِمَنْ وَالِا-كُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ . فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَانِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ يُنَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ، وَأَنْ يُرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ نَاطِقٍ لَكُمْ ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالسَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ مُصَابَا بِمُصِيبَتِهِ ، أَقُولُ : إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ، يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيئَتُهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَسْأَلُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَنَزَّلَتْ فِيهِ اللَّعْنَةُ عَلَى آلِ زِيَادٍ وَآلِ أُمَيَّةَ وَابْنِ أَكْلَةَ الْأَكْبَادِ ، اللَّعِينِ ابْنَ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ العنِ أَبَا سَفِيَانَ وَمُعَاوِيَةَ ، وَعَلَى يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفِ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةَ أَبَدًا لِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي ، بِالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُؤَالَاتَةِ لِنَبِيِّكَ وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . ثُمَّ تَقُولُ مِنْهُ مَرَّةً : اللَّهُمَّ العنِ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ

عَلَى ذَلِكَ ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي حَارَبَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَتَابَعَتْ أَعْدَاءَهُ عَلَى قَتْلِهِ وَقَتْلِ أَنْصَارِهِ ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعًا . ثُمَّ تَقُولُ مِنْهُ مَرَّةً : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَانِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ ، عَلَيْكُمْ مِنِّْي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . ثُمَّ تَقُولُ مِنْهُ مَرَّةً : اللَّهُمَّ خُصِّصْ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ ، ثُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، اللَّهُمَّ الْعَنِ يَزِيدَ وَأَبَاهُ ، وَالْعَنِ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ ، وَآلَ مَرْوَانَ ، وَبَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَةً تَقُولُ فِيهَا : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي فِيهِمْ ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شِفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ ، وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ، الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَرُورَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ مِنْ دَهْرِكَ (4) فَافْعَلْ ، فَلَكَ ثَوَابُ جَمِيعِ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (5)

- 1- .عوالي اللآلي : ج 4 ص 82 ح 90 .
- 2- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 51 ح 121 ، المزار للمفيد : ص 52 ح 3 ، كامل الزيارات : ص 324 ح 550 ، المزار الكبير : ص 352 ح 4 ، مصباح المتهجد : ص 772 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 104 ح 8 .
- 3- .في بحار الأنوار «موالٍ» بدل «وليٍّ» .
- 4- .كذا في المصدر ، والظاهر أنّ الصواب : «من دارك» كما سيأتي في الرواية الآتية .
- 5- .كامل الزيارات : ص 327 ح 556 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 291 ح 1 .

عوالی اللّالی _ از امام صادق علیه السلام _ هر کس حسین علیه السلام را روز عاشورا زیارت کند و آن روز را گریان و اندوهگین سپری کند ، مانند کسی است که پیش روی او شهید شده است تا آن جا که شریک منزل هایشان در بهشت می شود .

تهذیب الأحكام _ به نقل از حرّیز ، از امام صادق علیه السلام _ هر کس روز عاشورا ، حسین علیه السلام را زیارت کند ، بهشت برایش واجب می شود .

12 / زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «کامل الزیارات» ، از علقمه

کامل الزیارات _ به نقل از علقمة بن محمد حصرمی _ : به امام باقر علیه السلام گفتم : دعایی به من یاد بده که در این روز با آن ، از نزدیک امام حسین علیه السلام را زیارت کنم و دعایی یاد بده تا هنگامی که نزدیک نیستم و از جایی دور و از خانه ام به او اشاره می کنم ، آن را بخوانم . فرمود : «ای علقمه ! هنگامی که با اشاره به او سلام دادی و دو رکعت ، نماز خواندی و پس از دو رکعت نماز و با اشاره به او چنین گفتمی [که می آید] ، در واقع ، با این گفته هایت ، با دعایی که فرشتگان او را زیارت می کنند ، دعا کرده ای و خداوند ، هزار هزار حسنه ، برایت می نویسد و هزار هزار سیئه ، از تو محو می کند و هزار هزار درجه ، تو را بالا می برد و مانند کسی می شوی که همراه حسین بن علی علیه السلام شهید شده است و شریک و هم رتبه آنان می شوی و جز در میان شهیدان همراه او ، شناخته نمی شوی و پاداش زیارت هر پیامبر و فرستاده ای و پاداش زیارت هر کسی را که حسین علیه السلام را از همان روز شهادتش زیارت کرده است ، می بری . چنین می گویی : سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او ! سلام بر تو ، ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور اوصیا ! سلام بر تو ، ای فرزند فاطمه ، سرور زنان جهان ! سلام بر تو ، ای کسی که خدا ، برایت خونخواهی می کند و زاده کسی که خدا ، برای او خونخواهی می نماید ؛ و ای کشته ای که انتقام خون تو و کسانت ، ستانده نشده است ! سلام بر تو و روان هایی که به آستان تو در آمده و در کنار خیمه های تو ، فرود آمدند ! از من بر همه شما ، درود و سلام خدا باد ؛ جاودانه ، تا آن دم که زنده ام و روزها و شب ها پا بر جاست ! ای ابا عبد الله ! به راستی که سوگ و مصیبت تو بر ما و بر همه آسمانیان ، بس بزرگ و گران آمد . خداوند ، لعنت کند کسانی را که بیداد و ستم بر شما خاندان رسالت را بنیاد نهادند ؛ و خداوند ، لعنت کند کسانی را که شما را از جایگاهتان ، دور نمودند و از مقامتان برکنار کردند ؛ همان مقامی که خدا به شما عطا فرموده بود ! و خداوند ، لعنت کند کسانی را که شما را کشتند ! و خداوند ، لعنت کند کسانی را که جنگ با شما را زمینه سازی و فراهم نمودند ! ای ابا عبد الله ! همانا من تا روز رستاخیز ، در آشتی ام با هر که با شما در آشتی باشد ، و در جنگم با هر که با شما در پیکار باشد ! و خدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مروان را ! و خداوند ، لعنت کند بنی امیه را ، جملگی ! و خداوند ، لعنت کند زاده مرجانه را ! و خداوند ، لعنت کند عمر ، زاده سعد را ! و خداوند ، لعنت کند شمر را ! و خداوند ، لعنت کند کسانی را که برای جنگ با تو ، اسب زین کردند و لگام زدند و آماده شدند [و به راه افتادند] ! ای ابا عبد الله ! پدر و مادرم به فدایت ! به راستی سوگواری من بر تو ، بس بزرگ است . اینک از خدایی که مقام تو را بلند و گرامی داشت ، می خواهم که مرا هم به خاطر تو ، گرامی بدارد و خونخواهی تو را همراه رهبری پیروزمند از خاندان محمد _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _ ، نصیب گرداند . خدایا ! مرا به خاطر حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ، آبرومند گردان . ای سرور من ، ای ابا عبد الله ! همانا من به درگاه خدا ، تقرب می جویم و به پیشگاه پیامبرش و به امیر مؤمنان و به فاطمه و به حسن و به سوی تو تقرب می جویم ، به خاطر محبت و دوستی تو ؛ و با بیزاری از دشمنان و کسانی که تو را کشتند و جنگ افروختند ، و نیز از همه دشمنان شما ؛ و با بیزاری از کسانی که ستم و بیداد بر شما را بنیاد نهادند . و بیزاری می جویم به درگاه خدا و پیشگاه پیامبر ، از کسانی که بنیاد و بنای آن ستم را افراشتند و در حق شما و پیروانتان ، بیداد روا داشتند . بیزاری می جویم به درگاه خدا و به پیشگاه شما ، از ایشان و به درگاه خدا ، تقرب می جویم . از آن پس ، به

شما تقرّب می جویم ، به خاطر دوستی شما ، و دوستی دوستان شما و به خاطر بیزاری از دشمنان شما و بر پا کنندگان جنگ علیه شما ، و به خاطر بیزاری از یاران و پیروان ایشان . همانا من ، در آشتی ام با هر که با شما در آشتی باشد ، و در جنگم با هر که با شما در جنگ باشد ، و دوستم با هر که شما را دوست بدارد ، و دشمنم با هر که شما را دشمن بدارد . پس ، از خداوندی که مرا به شناخت شما و دوستانتان گرامی داشت و از دشمنانتان بیزاری داد ، می خواهم که مرا همراه شما در دنیا و آخرت ، قرار دهد و گام راستی مرا در دنیا و آخرت ، در نزد شما استوار دارد ؛ و از خدا می خواهم که مرا به جایگاه ستوده و پسندیده شما در نزد خدا برساند و خونخواهی شما را همراه با پیشوای ره یافته و گویا [ی به حق] از خاندان شما ، به من ارزانی فرماید ؛ و از خدا می خواهم به حق شما و به مقامی که نزد او دارید ، بهترین پاداشی را که به هر داغ دیده ای عطا می کند ، به خاطر داغدار بودنم برای شما ، به من عطا فرماید . می گویم : ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم . چه بزرگ مصیبتی است ! و چه گران داغی است در اسلام و در همه آسمان ها و زمین ! خدایا ! مرا در این جایگاه ، از کسانی قرار ده که درود و رحمت و آمرزش ، بدانان می رسد . خدایا ! زندگانی ام را همانند زندگانی محمد و خاندان محمد گردان و مرگم را نیز همانند مرگ محمد و خاندان محمد ، قرار ده . خدایا ! این روز (عاشورا) ، روزی است که لعنت تو بر خاندان زیاد و خاندان امیه و زاده هند جگرخوار ، فرود آمده است ؛ آن لعنت شده ، فرزند لعنت شده ، بر زبان پیامبرت ، در هر جا و مکانی که پیامبر _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _ ، در آن جا ایستاد . خدایا ! ابو سفیان و معاویه و یزید پسر معاویه را لعنت کن . لعنت جاودان تو بر آنان باد ، برای همیشه ! خدایا ! لعنت خود را بر آنان به دلیل کشتن حسین علیه السلام ، دوچندان فرما . خدایا ! همانا من در این روز ، در این جا و در دوران زندگی ام ، با بیزاری جستن از ایشان و نفرین بر آنان ، و به خاطر دوستی با پیامبرت و خاندان پیامبرت ، به درگاه تو تقرّب می جویم ، که درود بر او و بر همگی ایشان باد ! سپس صد مرتبه می گویی : خدایا ! لعنت کن نخستین کسی را که در حق محمد و خاندان محمد ، ستم کرد ؛ و آخرین ستمگری که از آن ستمگر ، پیروی کرد . خدایا ! لعنت کن بر آن گروهی که به پیکار با حسین علیه السلام بر خاستند و بر کشتن او و یارانش ، با دشمنان او همراهی نموده ، به دنبال هم حرکت کردند . خدایا ! جملگی آنان را لعنت فرما . سپس صد مرتبه می گویی : درود بر تو ، ای ابا عبد الله ، و بر روح هایی که بر آستان تو در آمده و در کنار خیمه های تو فرود آمدند ! از من بر همه شما تا ابد ، درود و سلام خدا باد تا آن دم که زنده ام و روز و شب ، پا بر جاست ؛ و خدا ، این زیارت مرا ، آخرین زیارت از شما قرار ندهد ! درود بر حسین ، و بر علی [اکبر] پسر حسین ، و بر یاران حسین _ که درودهای خداوند بر همگی آنان باد _ . سپس صد مرتبه می گویی : خدایا ! نخستین ستمگر را که بر خاندان پیامبرت ستم کرد ، به لعن من مخصوص گردان . سپس دشمنان خاندان محمد صلی الله علیه و آله را از اوّل تا آخر ، لعنت کن . خدایا ! لعنت کن یزید و پدرش را ، و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد ، و خاندان مروان و خاندان بنی امیه را ، جملگی ، تا به روز رستاخیز ! سپس به سجده می روی و می گویی : خدایا ! ستایش ، ویژه توست ؛ ستایش سپاس گزاران بر مصیبتشان . ستایش ، از آن خداوند است بر اندوه و سوگ بزرگم بر مصیبتشان . خدایا ! شفاعت حسین علیه السلام را در روز رستاخیز ، بهره ام فرما و مرا با حسین علیه السلام و یاران حسین علیه السلام که بی دریغ ، در ره حسین علیه السلام جان باختند ، به راستی نزد خود ، ثابت قدم بدار . . علقمه می گوید که امام باقر علیه السلام [همچنین] فرمود : «اگر می توانی او را از خانه ات ، هر روز با این زیارت نامه ، زیارت کنی ، بکن که پاداش همه آن را می بری ، این شاء الله تعالی !» .

12 / 3 زيارة عاشوراء برواية مصباح المتهجد عن علقمة مصباح المتهجد عن علقمة بن محمد الحضرمي: قلت لأبي جعفر عليه السلام: علمني دعاء أَدْعُو بِهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِذَا آتَا زُرْتُهُ مِنْ قُرْبٍ، ودُعَاءٌ أَدْعُو بِهِ إِذَا لَمْ أَزُرْهُ مِنْ قُرْبٍ وَأَوْمَأْتُ مِنْ بَعْدِ الْبِلَادِ وَمِنْ دَارِي بِالسَّلَامِ إِلَيْهِ. قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا عَلْقَمَةُ، إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ الرُّكْعَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ تُوْمِي إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ، فَقُلْ بَعْدَ الْإِيمَاءِ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِ التَّكْبِيرِ هَذَا الْقَوْلَ: فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ زُورُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَكَتَبَ اللَّهُ لَكَ مِئَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَكُنْتَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تُشَارِكَهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ، وَلَا تُعْرِفُ إِلَّا فِي الشَّهَادَةِ الَّذِينَ اسْتَشْهَدُوا مَعَهُ، وَكُتِبَ لَكَ ثَوَابُ زِيَارَةِ كُلِّ نَبِيٍّ وَكُلِّ رَسُولٍ، وَزِيَارَةُ كُلِّ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْذُ يَوْمِ قُدِيلٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ؛ [تقول:] السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ (1)، عَلَيْكُمْ مَنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ وَجَلَّتْ وَعَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظَمْتَ مُصِيبَتَكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهَّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ. بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ، وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرَوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أُسْرَجَتْ وَأَلْحِمَتْ وَتَنَقَّبَتْ (2) لِقِتَالِكَ. يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي، لَقَدْ عَظَمْتُ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلِ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي [بِكَ] (3) أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ، وَبِالْبِرَاءَةِ [مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ] (4) مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ. إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَوَلَّيْتُ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدَّوْهُ لِمَنْ عَادَاكُمْ. فَاسْأَلِ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ (5)، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالسَّلَامِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَابًا بِمُصِيبَتِي، مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيئَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالَهُ مِنْكَ صَمَلُوتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ، اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَّ فِيهِ نَبِيُّكَ. اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا سَفِيَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرَوَانَ بِقَتْلِهِمْ الْحُسَيْنَ صَمَلُوتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ وَالْعَذَابَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي، بِالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ وَالتَّعَنُّةِ عَلَيْهِمْ، وَبِالْمُؤَالَاتَةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ثُمَّ يَقُولُ مِثْلَ مِثْرَةٍ: (6) اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ (7) وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعًا. يَقُولُ ذَلِكَ مِثْرَةً مِثْرَةً. ثُمَّ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ (8)، عَلَيْكَ مَنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مَنِّي لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (9)، وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ (10). يَقُولُ ذَلِكَ مِثْرَةً مِثْرَةً. ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مَنِّي، وَأَبَدًا بِهِ أَوَّلًا، ثُمَّ الثَّانِي، ثُمَّ الثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ (11)، اللَّهُمَّ الْعَنِ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنِ عُبيدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ

أبي سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة . (12) ثُمَّ تَسْجُدُ وَقُولُ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي سُدْفَاعَةَ الْحَسَنِ يَوْمَ الْوُرُودِ ، وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحَسَنِ ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مُهَجَبَهُمْ دُونَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . قَالَ عُلَقَمَةُ : قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَزُورَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ مِنْ دَارِكَ فَافْعَلْ ، وَلَكَ ثَوَابُ جَمِيعِ ذَلِكَ . وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيُّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ ، قَالَ : خَرَجْتُ مَعَ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ وَعِنْدَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا إِلَى الْغُرِيِّ بَعْدَمَا خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَسَرْنَا مِنَ الْحِيرَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ ، فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الزِّيَارَةِ صَرَفَ صَفْوَانٌ وَجْهَهُ إِلَى نَاحِيَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَنَا : تَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ هَذَا الْمَكَانِ مِنْ عِنْدِ رَأْسِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ هَاهُنَا . أَوْ مَا إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا مَعَهُ . قَالَ : فَدَعَا صَفْوَانٌ بِالزِّيَارَةِ الَّتِي رَوَاهَا عُلَقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ . ثُمَّ صَدَّقَنِي رَأْسُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَوَدَّعَ فِي ذُبْرَاهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَوْ مَا إِلَيْهِ الْحُسَيْنِ بِالسَّلَامِ مُنْصَرِفًا وَجْهَهُ نَحْوَهُ وَوَدَّعَ . وَكَانَ فِيمَا دَعَا فِي ذُبْرَاهَا : يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ ، يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، وَيَا صَدْرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ، وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبُهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ ، وَيَا مَنْ لَا تُغْلِطُهُ الْحَاجَاتُ ، وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ (13) إِلَّا حَاحَ الْمُطْلِحِينَ . يَا مُدْرِكَ كُلِّ قُوْتٍ ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَيَا بَارِيَّ التُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ ، يَا قَاضِيَّ الْحَاجَاتِ ، يَا مُنْفَسَّ الْكُرْبَاتِ ، يَا مُعْطِيَّ السُّؤْلَاتِ ، يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ ، يَا كَافِيَّ الْمُهْمَاتِ ، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ؛ فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا ، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعِزُّمُ عَلَيْكَ ، وَبِالشَّيْءِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ ، وَبِهِ أَبْنَيْتَهُمْ وَأَبْنَيْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ ، حَتَّى فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكُرْبِي ، وَتَكْفِينِي الْمُهَمَّ مِنْ أُمُورِي ، وَتَقْضِي عَنِّي دِينِي ، وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ ، وَتُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ ، وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ ، وَجُورَ مَنْ أَخَافُ جُورَهُ ، وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ ، وَحُزُونََ (14) مَنْ أَخَافُ حُزُونَتَهُ ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ ، وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ ، وَبَغْيَ مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ ، وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ ، وَمَقْدُرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَيَّ ، وَتَرَدُّدَ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ . اللَّهُمَّ ، مَنْ أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيَّتَهُ ، وَامْنَعْ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَتَى شِئْتَ . اللَّهُمَّ اشْغَلْ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ ، وَبِإِبْلَاءٍ لَا تَسْرُهُ ، وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا ، وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ ، وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ ، وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا . اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِي ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ ، حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ ، وَأَنْسَهُ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَى بَيْتَهُ ذِكْرَكَ ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ ، حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي . وَكَافِينِي يَا كَافِيَّ مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ ؛ فَإِنَّكَ الْكَافِيَّ لَا- كَافِيَّ سِوَاكَ ، وَمُفَرِّجَ لَا- مُفَرِّجَ سِوَاكَ ، وَمُعِيتَ لَا مُعِيتَ سِوَاكَ ، وَجَارَ لَا جَارَ سِوَاكَ ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ ، وَمُعِيتُهُ سِوَاكَ ، وَمَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ وَمَلْجُؤُهُ إِلَى غَيْرِكَ ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ ، فَإِنَّتَ ثِقْتِي وَرَجَائِي وَمَفْرَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجُؤِي وَمَنْجَايَ ، فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَسْتَجِجُ ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ . فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ ، وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكُرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا ، كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَعَمَّهُ وَكُرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ (15) عَدُوِّهِ ، فَكَاشِفَ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ ، وَفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ ، وَكَافِينِي كَمَا كَفَيْتَهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ ، وَمَوْوَدَّةَ مَا أَخَافُ مَوْوَدَّتَهُ ، وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ ، بِإِلا مَوْوَدَّةٍ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ ، وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَكَفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمَّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ . يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، عَلَيَّكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا ، وَلَا فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا . اللَّهُمَّ أَحْبِبْنِي

حياة مُحَمَّدٍ وَدُرِّيَّتِهِ ، وَأَمْتِي مَمَاتِهِمْ ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ ، وَاحْشُرْنِي فِي زَمَرَتِهِمْ ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، أَتَيْتُكُمْ زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ ، وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمْ ، وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي حَاجَتِي هَذِهِ ، فَاشْفَعَا لِي ؛ فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاءَ الْوَجِيهَ وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ ، إِنِّي أَتَقَلَّبُ مِنْكُمْ مُنْتَظِرًا لِتَنْجِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا مِنَ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ ، فَلَا أُخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَاسِرًا ، بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاحِيًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ الْحَوَائِجِ ، وَتَشَفَّعًا لِي إِلَى اللَّهِ . أَتَقَلَّبُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، مُفَوَّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ، مُلْجِنًا ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ ، وَمُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى ، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا ، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهَى ، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَوِدِعُكُمْمُ اللَّهُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ . انصرفت يا سيدي يا أمير المؤمنين ومولاي ، وأنت يا أبا عبد الله يا سيدي ، وسلامي عليكم متصّل ما اتصل الليل والنهار ، واصل ذلك إليكم غير محجوب عنكمم سلامي إن شاء الله ، وأسأله بحقكم أن يشاء ذلك ويفعل فإنه حميدٌ مجيدٌ . إنقلب يا سيدي عنكم تائبًا حامدًا لله ، شاكرًا راجيًا للإجابة ، غير آيسٍ ولا قاطئٍ ، أتينا عائدًا راجعًا إلى زيارتكم ، غير راغبٍ عنكم ولا عن زيارتكم ، بل راجعٌ عائدٌ إن شاء الله ، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم . يا سادتي ! رغبتم إليكم وإلى زيارتكم بعد أن زهدت فيكم وفي زيارتكم أهل الدنيا ، فلا خيبني الله ما رجوت وما أملت في زيارتكم إنّه قريبٌ مجيبٌ . قال سيف بن عميرة : فسألت صفوان ، فقلت له : إن علقمة بن محمد الحضرمي لم يأتنا بهذا عن أبي جعفر عليه السلام ، إنّما أتانا بدعاء الزيارة . فقال صفوان : وردت مع سيدي أبي عبد الله عليه السلام إلى هذا المكان ، ففعل مثل الذي فعلناه في زيارتنا ، ودعا بهذا الدعاء عند الوداع بعد أن صلى كما صلينا ، وودّع كما ودّعنا . ثم قال لي صفوان : قال لي أبو عبد الله عليه السلام : تعاهد هذه الزيارة وأدع بهذا الدعاء وذر به ؛ فإنني ضامنٌ على الله تعالى لكل من زار بهذه الزيارة ودعا بهذا الدعاء من قرب أو بعد ، أن زيارته مقبولةٌ وسعيه مشكورٌ وسلامه واصلٌ غير محجوبٍ ، وحاجته مقضيةٌ من الله بالغا ما بلغت ولا يحيبه . يا صفوان ، وجدت هذه الزيارة مضمونةً بهذا الضمان عن أبي ، وأبي عن أبيه علي بن الحسين عليهم السلام مضمونةً بهذا الضمان عن الحسين ، والحسين عن أخيه الحسن مضمونةً بهذا الضمان ، والحسن عن أبيه أمير المؤمنين مضمونةً بهذا الضمان ، وأمير المؤمنين عن رسول الله صلى الله عليه وآله مضمونةً بهذا الضمان ، ورسول الله صلى الله عليه وآله عن جبرئيل عليه السلام مضمونةً بهذا الضمان ، وجبرئيل عن الله عز وجل مضمونةً بهذا الضمان . قد آلى الله على نفسه عز وجل أن من زار الحسين عليه السلام بهذه الزيارة من قرب أو بعد ودعا بهذا الدعاء ، قبلت منه زيارته وشفعته في مسألته بالغا ما بلغ وأعطيته سؤلته ، ثم لا يتقلب عني خائبًا ، وأقلبه مسرورًا قيرًا عينه بقضاء حاجته ، والفوز بالجنة والعتق من النار ، وشفعته في كل من شفع خلا ناصب لنا أهل البيت ، آلى الله تعالى بذلك على نفسه وأشهدنا بما شهدت به ملائكة ملكوته على ذلك . ثم قال جبرئيل : يا رسول الله ، [إن الله] (16) أرسلني إليك سرورًا وبشرى لك ، وسرورًا وبشرى لعلي وفاطمة والحسن والحسين ، وإلى الأئمة من ولدك إلى يوم القيامة ، فدام يا محمد سرورك وسرور علي وفاطمة والحسين والأئمة وشيعتكم إلى يوم البعث . ثم قال صفوان : قال لي أبو عبد الله عليه السلام : يا صفوان ، إذا حدث لك إلى الله حاجة فزر بهذه الزيارة من حيث كنت ، وأدع بهذا الدعاء وسل ربك حاجتك تأتاك من الله ، والله غير مخلّف وعدّه رسوله صلى الله عليه وآله بمنّه والحمد لله . (17)

1- زاد في مصباح الزائر والمزار للشهيد هنا : «وأناخت برحلك» .

2- قال العلامة المجلسي قدس سره: لعله كان النقب بينهم متعارفا عند الذهاب إلى الحرب، بل إلى مطلق الأسفار حذرا من أعدائهم لئلا يعرفوهم، فهذا إشارة إلى ذلك. وقال الكفعمي: يمكن أن يكون المعنى مأخوذا من النقب الذي للمرأة؛ أي اشتملت بآلة الحرب كاشتمال المرأة بنقابها، فيكون النقب هنا استعارة. أو يكون مأخوذا من النقبة؛ وهو ثوب يشتمل به كالإزار. أو يكون معنى تنقبت: سارت في نقوب الأرض؛ وهي طرفها، الواحد نقب (بحار الأنوار: ج 101 ص 301). أقول: وفي كامل الزيارات كما سبق في الرواية السابقة:

«تهيات لقتالك يا ابا عبد الله» بدل «تقبت لقتالك» وفي المزار للشهيد وبحار الأنوار: «... وتقتبت وتهيات لقتالك» وفي المصباح للكفعمي والبلد الأمين: «تهيات وتقتبت لقتالك».

3- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار: ج 101 ص 294 .

4- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار و مصباح الزائر والمصباح للكفعمي والبلد الأمين .

5- في مصباح الزائر: «ناطق بالحق منكم»، وفي المزار للشهيد: «مهدي هدى ظاهر ناطق بالحق منكم» .

6- مما يجدر ذكره أنه كتب في حاشية كتاب شفاء الصدور في شرح زيارة العاشور بالفارسية: (ج 1 ص 110) سندا مجهولا عن أحد محدثي البحرين من صدر إلى صدر إلى أن يصل إلى الإمام الهادي عليه السلام أنه قال: من قرء لعن زيارة العاشوراء المشهورة مرة واحدة ثم قال: «اللهم العنهم جميعا» تسعا وتسعين مرة، كان كمن قرأه مئة مرة، ومن قرأ سلامها مرة واحدة ثم قال: «السلام على الحسين، وعلى علي بن الحسين، وعلى أولاد الحسين، وعلى أصحاب الحسين» تسعا وتسعين مرة، كان كمن قرأه مئة تامة من أولها إلى آخرها. الخبر. كما نقل في كتاب الذريعة (ج 15 ص 29) ما يشبه هذا المضمون. ولكن من البديهي أن هذا النوع من الروايات فاقد للاعتبار.

7- في المصدر: «تابعت»، والتصويب من بحار الأنوار .

8- زاد في المصباح للكفعمي والبلد الأمين هنا: «وعلى أولاد الحسين» .

9- زاد في مصباح الزائر هنا: «الذين بذلوا مهجهم دون الحسين» .

10- ورد في أقدم مخطوطة لكتاب مصباح المتهجد والتي تعود لعام 502 بدل هذه العبارة كالتالي: «وابدأ به جميع الظالمين لهم، اللهم العن يزيد وعبيد الله بن زياد...»، علما أن بقية المقطع غير مقروء .

11- وفي كامل الزيارات _ كما سبق في الرواية السابقة _ : «اللهم خصص أنت أول ظالم ظلم آل نبيك باللعن، ثم العن أعداء آل محمد من الأولين والآخرين، اللهم العن يزيد وأباه، والعن عبيد الله بن زياد، وآل مروان، وبني أمية قاطبة إلى يوم القيامة» بدل «اللهم خصص _ إلى _ يوم القيامة» .

12- يبرم برما: إذا سئمه ومله (النهاية: ج 1 ص 121 «برم»).

13- الحزونة: الحشونة (النهاية: ج 1 ص 380 «حزن»).

14- الهول: وهو الخوف والأمر الشديد (النهاية: ج 5 ص 283 «هول»).

15- ما بين المعقوفين سقط من المصدر، وأثبتناه من بحار الأنوار .

16- مصباح المتهجد: ص 773 _ 782 ، مصباح الزائر: ص 268 _ 277 ، المصباح للكفعمي: ص 640 ، البلد الأمين: ص 269 ، المزار للشهيد الأول: ص 178 وليس في الثلاثة الأخيرة ذيله من «قال سيف بن عميرة...»، بحار الأنوار: ج 101 ص 293 ح 2 وص 296 ح 3 .

17- مصباح المتهجد: ص 773 _ 782 ، مصباح الزائر: ص 268 _ 277 ، المصباح للكفعمي: ص 640 ، البلد الأمين: ص 269 ، المزار للشهيد الأول: ص 178 وليس في الثلاثة الأخيرة ذيله من «قال سيف بن عميرة...»، بحار الأنوار: ج 101 ص 293 ح 2 وص 296 ح 3.

12 / 3 زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «مصباح المتجهّد» ، از علقمه

مصباح المتجهّد_ از علقمة بن محمد حَضَرَمی_ : به امام باقر علیه السلام گفتم : دعایی به من آموزش بده که در روز عاشورا ، هنگامی که خواستم او را از نزدیک زیارت کنم ، آن را بخوانم و دعایی هم برای هنگامی که او را از نزدیک ، زیارت نمی کنم ؛ بلکه از دور و از خانه ام سلامی به او می دهم . امام علیه السلام به من فرمود : «ای علقمه ! هنگامی که دو رکعت نماز_ بعد از آن که با اشاره به او سلام نمودی_ خواندی ، بعد از نماز و با اشاره به او ، این سخن (زیارت) را می گویی که اگر آن را بگویی ، دعایی را که فرشتگان زائر حسین علیه السلام می کنند ، کرده ای و خداوند ، برایت یکصد هزار هزار درجه می نویسد ، و تو مانند شهید در کنار حسین علیه السلام هستی تا آن جا که در درجاتشان ، با ایشان شریک هستی و جز میان شهیدانی که با او شهید شدند ، شناخته نمی شوی ، و پاداش زیارت هر پیامبر و فرستاده ای ، و زیارت هر کس که حسین علیه السلام را از روز شهادتش زیارت کرده ، برای تو نوشته می شود ، که بر او و اهل بیتش سلام باد !] می گویی: [1] سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور اوصیا ! سلام بر تو ، ای فرزند فاطمه ، بانوی زنان جهانیان ! سلام بر تو ، ای کسی که خدا ، خونخواهی تو را می کند و زاده کسی که خدا ، خونخواهی او را می نماید ، و ای کشته ای که انتقام خون تو و کسانت ، ستانده نشده ! سلام بر تو و روان هایی که بر آستان تو فرود آمده اند ! از من بر همه شما ، درود و سلام خدا باد ؛ جاودانه ، تا آن دم که زنده ام و روز و شب ، پا بر جاست ! ای ابا عبد الله ! به راستی که سوگ و مصیبت تو بر ما و همه مسلمانان ، بس بزرگ و گران آمد و مصیبت تو در آسمان بر همه آسمانیان ، بس بزرگ و گران نمود . پس خدا لعنت کند کسانی را که بیداد و ستم بر شما خاندان رسالت را بنیاد نهادند ! و خدا لعنت کند کسانی را که شما را از جایگاهتان ، دور نمودند و از مقامتان برکنار کردند ؛ همان مقامی که خدا به شما عطا فرموده بود ! و خدا لعنت کند کسانی را که شما را کشتند ! و خدا لعنت کند کسانی را که جنگ با شما را زمینه سازی و فراهم نمودند ! بیزاری می جویم به درگاه خدا و به پیشگاه شما ، از ایشان و از پیروان و همراهان و دوستانشان . ای ابا عبد الله ! همانا من تا روز رستاخیز ، در آشتی ام با هر که با شما در آشتی باشد ، و در جنگم با هر که با شما در جنگ باشد ؛ و خدا ، لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مروان را ! و خدا ، لعنت کند همه بنی امیه را ! و خدا ، لعنت کند زاده مرجانه را ! و خدا ، لعنت کند عمر ، زاده سعد را ! و خدا ، لعنت کند شمر را ! و خدا ، لعنت کند کسانی را که برای جنگ با تو ، اسب زین کردند و لگام زدند ، و نقاب پوشیدند ! 2 پدر و مادرم به فدایت ! به راستی ، سوگ من بر تو ، بس بزرگ شد . اینک ، از خدایی که مقام تو را بلند و گرامی داشت و مرا هم به خاطر تو گرامی داشت ، می خواهم که خونخواهی تو را همراه رهبری پیروزمند از خاندان محمد _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _ ، نصیبم گرداند . خدایا ! مرا به خاطر حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ، آبرومند گردان . ای ابا عبد الله ! همانا من به درگاه خدا تقرب می جویم و به پیشگاه پیامبرش و به پیشگاه امیر مؤمنان و به پیشگاه فاطمه و به پیشگاه حسن و به سوی تو ، تقرب می جویم ، به خاطر دوستی تو ؛ و با بیزاری از کسانی که تو را کُشتند و جنگ افروختند ؛ و با بیزاری از کسانی که ستم کردن و بیداد ورزیدن بر شما را بنیاد نهادند ؛ و بیزاری می جویم به درگاه خدا و پیشگاه پیامبر ، از کسانی که بنیاد و بنای آن ستم را افراشتند و در حق شما و پیروانتان ، بیداد روا داشتند . بیزاری می جویم به درگاه خدا و به پیشگاه شما ، از ایشان ، و به درگاه خدا تقرب می جویم . پس از آن ، به شما تقرب می جویم ، به خاطر دوستی شما و دوستی دوستان شما ، و به خاطر بیزاری از دشمنان شما و بر پا کنندگان جنگ علیه شما ، و به خاطر بیزاری از یاران و پیروان ایشان . همانا من در آشتی ام با هر که با شما در آشتی باشد ، و در جنگم با هر که با شما در جنگ باشد ، و دوستم با هر که شما را دوست بدارد ، و دشمنم با هر که شما را دشمن بدارد . پس ، از خداوندی که مرا به شناخت شما و دوستانتان ، گرامی داشت و از دشمنانتان بیزاری داد ، می خواهم که مرا همراه شما در دنیا و آخرت ، قرار دهد و گام راستی مرا در دنیا و آخرت ، نزد شما استوار دارد . از خدا می خواهم که مرا به جایگاه ستوده و پسندیده شما در نزد خدا برساند و خونخواهی شما را همراه با پیشوای ره

یافته نمایان و گویای به حق از خاندان شما، به من ارزانی فرماید. از خدا می خواهم به حق شما و به مقامی که نزد او دارید، بهترین پاداشی را که به هر داغدیده ای عطا می کند، به خاطر داغدار بودنم بر شما، به من عطا فرماید. چه بزرگ مصیبتی است! و چه گران داغی است در اسلام و در همه آسمان ها و زمین! خدایا! مرا در این جایگاه، از کسانی قرار ده که درود و رحمت و آمرزشت، بدانان می رسد. خدایا! زندگانی ام را همانند زندگانی محمد و خاندان محمد گردان، و مرگم را نیز همانند مرگ محمد و خاندان محمد، قرار ده. خدایا! این روز (عاشورا)، روزی است که بنی امیه و زاده هند جگرخوار، آن را فرخنده دانستند؛ آن لعنت شده و فرزند لعنت شده، بر زبان تو و زبان پیامبرت _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _، در هر جا و مکانی که پیامبر _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _ در آن جا ایستاد. خدایا! لعنت کن ابو سفیان و معاویه و یزید پسر معاویه را! لعنت جاودان تو بر آنان باد، برای همیشه! و امروز، روزی است که خاندان زیاد و خاندان مروان، به خاطر کشته شدن حسین _ که درود خدا بر او باد _، شادمان شدند. پس لعنت و کفر دردناک خود را بر آنان، دوچندان فرما. خدایا! همانا من در این روز، در این جا و در دوران زندگی ام با بیزاری جستن از ایشان و نفرین بر آنان، و به خاطر دوستی با پیامبرت و خاندان پیامبرت، به درگاه تو تقرب می جویم که درود بر او و ایشان باد! سپس صد 3 مرتبه گفته شود: خدایا! لعنت کن نخستین کسی را که در حق محمد و خاندان محمد، ستم کرد، و آخرین ستمگری را که از آن ستمگر، پیروی کرد! خدایا! لعنت کن بر آن گروهی که به پیکار با حسین برخاستند و بر کشتن او، همراهی کردند و پیمان بستند و به دنبال هم حرکت کردند. خدایا! جملگی آنان را لعنت فرما. سپس صد مرتبه گفته شود: سلام بر تو، ای ابا عبد الله و بر روح هایی که بر آستان تو فرود آمدند! از من بر همه شما تا ابد، درود و سلام خدا باد، تا آن دم که زنده ام و روز و شب، پا بر جاست. خداوند، این زیارت مرا، آخرین زیارت از شما قرار ندهد. سلام بر حسین و بر علی بن الحسین (2) و بر یاران حسین! (3) پس می گویی: خدایا! نخستین ستمگر را به لعن من، مخصوص گردان و بدان، آغاز کن، لعن اولی را و سپس، دومی و سومی و چهارمی را. (4) خدایا! لعنت کن یزید را در مرتبه پنجم، و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد و زاده مرجانه و عمر پسر سعد و شمر و دودمان ابو سفیان و خاندان زیاد و خاندان مروان را تا روز رستاخیز. (5) پس به سجده می روی و می گویی: خدایا! ستایش سپاس گزاران تو بر مصیبتشان، ویژه توست. ستایش، از آن خداوند است بر سوگ بزرگم. خدایا! شفاعت حسین را در روز رستاخیز، بهره ام فرما و مرا نزد خود، با حسین علیه السلام و یاران حسین _ که بی دریغ در راه حسین علیه السلام جان باختند _، به صدق (راستی) ثابت قدم بدار». امام باقر علیه السلام [سپس] فرمود: «اگر می توانی که او را در هر روز، با این زیارت از خانه ات زیارت کنی، بکن که پاداش همه آن را می بری». و محمد بن خالد طیالسی، از سیف بن عمیره، چنین روایت کرده است: با صفوان بن مهران جمال و گروهی از اصحاب، در پی امام صادق علیه السلام به سوی نجف، بیرون آمدیم و از حیره به سوی شهر، حرکت کردیم. هنگامی که از زیارت فارغ شدیم، صفوان، صورتش را به سوی [منطقه کربلا، مدفن] ابا عبد الله الحسین علیه السلام کرد و به ما گفت: از این جا، کنار سر امیر مؤمنان علیه السلام، حسین علیه السلام را زیارت می کنید؟ امام صادق علیه السلام، [از این جا] به او اشاره کرد و من، همراهش بودم. سیف بن عمیره می گوید: سپس صفوان، زیارتی را خواند که علقمه بن محمد حصرمی، از امام باقر علیه السلام در روز عاشورا نقل کرده است. آن گاه، دو رکعت نماز نزد سر امیر مؤمنان علیه السلام خواند و در پی آن، با امیر مؤمنان علیه السلام وداع کرد و سپس، رو به سوی امام حسین علیه السلام کرد و با اشاره، به او سلام داد و با او نیز وداع نمود. و در دعای پس از زیارت، چنین خواند: (6) ای خدا، ای خدا، ای خدا! ای اجابت کننده دعای بیچارگان! ای زدا کننده اندوهمندان! ای دادرس دادخواهان! ای فریادرس فریادخواهان! و ای آن که از رگ گردن به من نزدیک تر است! و ای آن که میان آدمی و دلش حائل است! و ای آن که در مقام بالاتر و در کرانه آشکار است! و ای آن که بخشاینده و مهربان است و بر عرش هستی استیلا دارد! و ای آن که خیانت دیدگان را و آنچه را در سینه ها نهان است، می داند! و ای آن که هیچ امر پنهانی بر او پوشیده نمی ماند! ای آن که آواها بر او مشتبه نمی شود! و ای آن که نیازها [ی نیازمندان]، او را به اشتباه نمی افکند! و ای آن که پافشاری اصرارگران، او را به ستوه نمی آورد! ای دریابنده هر چه از دست رود! و ای گردآورنده هر چه پراکنده شود! و ای انگیزنده جان ها از پس مرگ! ای آن که هر روز، در کاری است

ای برآورنده نیازها! ای زُداينده اندوه ها! ای بخشنده خواسته ها! ای صاحبِ رغبت ها و اشتیاق ها! ای کفایت کننده کارهای دشوار!
ای آن که هر چیز را کفایت می کند و چیزی در آسمان ها و زمین ، او را کفایت نمی کند! از تو می خواهم به حقّ محمّد ، خاتم پیامبران و
علی ، امیر مؤمنان و به حقّ فاطمه ، دختر پیامبرت و به حقّ حسن و حسین که همانا من ، در این جایگاه ، به وسیله ، ایشان به توری می
آورم و بدیشان ، توسّل می جویم و به وسیله ایشان ، از درگاهت شفاعت می جویم . به حقّ شأن ایشان نزد تو ، درخواست می کنم و تو را
سوگند می دهم و بر آن ، پافشاری می کنم ، و به شأن ایشان نزد تو و به مرتبه ای که پیش تو دارند و بدانچه ایشان را بر جهانیان برتری دادی
، و به نامت که آن را نزد ایشان نهادی و تنها بدان نام ، آنان را در میان جهانیان ، مخصوص داشتی و بدان نام ، آشکارشان کردی و فضل
ایشان را بر جهانیان نمایانندی ، چندان که فضل ایشان بر فضل همه جهانیان ، برتر آمد . [به حقّ همه اینها] از تو می خواهم بر محمّد و
خاندان محمّد ، درود فرستی و اندوه و پریشانی و گرفتاری مرا برطرف نمایی ، امور مهمّ مرا کفایت فرمایی و دینم را ادا کنی و در برابر فقر و
تنگ دستی ، پناهم دهی و از درخواست نزد خلق ، بی نیازم کنی ؛ و کفایت کنی از اندوه کسی که از اندوهش می ترسم ، و از بیداد آن که
از بیدادش می ترسم ، و از دشواری کسی که از دشواری اش می ترسم ، و از درشتی آن که از درشتی اش می ترسم ، و از شرّ آن که از
شرّش می ترسم ، و از نیرنگ آن که از نیرنگش می ترسم ، و از ستم آن که از ستمش می ترسم ، و از قدرت آن که از قدرتش می ترسم ، و
از فریب آن که از فریبش می ترسم ، و از توانایی آن که از گزندِ توانایی اش می ترسم ، و این که نیرنگِ نیرنگبازان و فریبِ فریبکاران را از
من بگردانی . خدایا! هر که قصد من می کند ، او را قصد کن ؛ و هر که به من نیرنگ می زند ، به نیرنگش بگیر ، و مکر و حيله و نیرو و
آرزوهایش را از من بگردان ، و هر گونه و هر جا که می خواهی ، شرّش از من بدار . خدایا! او را از من به فقری مشغول دار که جبرانش
نکنی ، و به بلایی که نپوشانی و مسکنتی که رخنه اش را پُر نکنی ، و [به] مرضی که عافیتش ندهی ؛ و [به] خواری ای که عزّتش نبخشی ،
و به فقری که جبرانش نکنی . خدایا! خواری و ذلّت را در برابر دیدگانش پدید آور و تنگ دستی را در خانه اش در آور ، و درد و بیماری را
در بدنش وارد ساز تا از من به کاری مشغولش داری که هرگز از آن نیاساید ، و مرا از یادِ او ببر ، همان سان که یادِ خودت را از دلش بُردی ،
و گوش و چشم و زبان و دست و پا و دل و همه اعضا و جوارحش را از گزند رساندن به من ، باز دار ، و بر همه آنها دردی در آور که آن را
شفا نبخشی تا از من ، [به چیز دیگری] مشغول شود و یادِ من از خاطرش برود . و مهمّات مرا کفایت فرما ، ای کفایت کننده مهمّاتی که
غیر از تو ، کسی آن را کفایت نمی تواند کرد که همانا تویی ، کفایت کننده ای که جز تو ، کفایت کننده ای نیست . تویی گشایش دهنده ای
که جز تو گشایش دهنده ای نیست . تویی دادرسی که جز تو دادرسی نیست . تویی پناه دهنده ای که جز تو پناه دهنده ای نیست . نوید
باد آن که پناه دهنده و دادرس و پناهگاه و گریزگاه و رستگارش جز تو باشد ؛ زیرا که تویی مایه اعتماد و امید و پناهگاه و گریزگاه و
رستگارم . پس به وسیله تو ، گشایش می خواهم و کامیابی می جویم ، و به حقّ محمّد و خاندان محمّد ، به توری می آورم و به تو
توسّل می جویم و از تو شفاعت می خواهم . و از تو درخواست کنم ، ای خدا ، ای خدا ، ای خدا! ستایش و سپاس ، ویژه توست و
شکایت ، به درگاه توست . تویی آن که از او درخواست یاری شود . پس ای خدا ، ای خدا ، ای خدا! به حقّ محمّد و خاندان محمّد ، از
تو خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و مرا در این جایگاه ، از اندوه و پریشانی و گرفتاری برهانی ، همان سان که اندوه و
پریشانی و گرفتاری را از پیامبرت ، برطرف کردی و هراس دشمن را از او راندی ، و مرا نیز برهان ، چنان که او را رَهاندی ، و همان گونه که
کار او گشودی ، کارم را بگشا ، و همان سان که او را کفایت نمودی ، مرا نیز کفایت فرما . از من بگردان ، بیم آنچه را از آن بیمناکم ، و
دشواری آنچه را از آن ترسانم ، و اندوه آنچه را از آن اندوهگینم ، بی هیچ رنجی . بازم گردان با بر آوردن نیازم و کفایتِ مهمّاتِ دنیوی و
أخروی ام که اندوهم می دهد! ای امیر مؤمنان! و ای ابا عبد الله! درود جاودانم بر شما باد ، تا واپسین دم حیاتم ، و تا روز و شب ، پا
برجاست! خداوند ، این زیارت را آخرین دیدارم از شما قرار ندهد و میان من و شما دو بزرگوار ، جدایی نیفکند! خدایا! زندگانی مرا
همانند زندگانی محمّد و فرزندان او قرار ده ، و مرا به مردن آنان ، بمیران ، و جانم را بر آیین ایشان ، بستان ، و مرا با آنان ، محشور فرما ، و به
اندازه چشم برهم زدنی ، میان من و آنان در دنیا و آخرت ، جدایی میفکن! ای امیر مؤمنان و ای ابا عبد الله! به دیدار شما آمدم ، زیارت

کنان و توسل جویان به درگاه خدا که پروردگار من و پروردگار شماست، و به درگاه او، به وسیله شما روی می کنم و به وسیله شما، به درگاه خدای متعال در این حاجتم، شفاعت می خواهم. پس شفاعتم کنید که همانا شما دو بزرگوار، نزد خدا، مقامی ستوده و جایگاهی آبرومند و مرتبه ای والا و وسیله (تقرّب) دارید. اینک از زیارت شما باز می گردم و چشم به راه برآمدن حاجتم و توفیق خود از لطف خدا به وسیله شفاعت شما دو بزرگوارم که نومید نشوم و ناکام و زیانکار، باز نگردم؛ بلکه از آن درگاه، رستگار و پیروز و کامیاب و مستجاب، با حاجت های بر آورده شده، باز آیم و شما دو بزرگوار به درگاه خدا، مرا شفاعت کنید. بدانچه خدا خواهد، باز می آیم، و هیچ جنبش و نیرویی نیست، مگر به [خواست] خدا. کارم را به خدا می سپارم و بر او تکیه می کنم و توکل می نمایم و می گویم: بس است خداوند، مرا! خداوند، دعای هر که را که او را می خواند، می شنود. ای سرورانم! جز خدا و شما، آرمان و مقصودی ندارم. هر چه پروردگار خواهد، همان شود و هر چه نخواهد. نمی شود؛ و هیچ جنبش و نیرویی نیست، مگر به [خواست] خدا. شما را به خدا می سپارم و امیدوارم که خداوند، این زیارت را آخرین زیارت از شما قرار ندهد. اینک، باز گشتم، ای سرورم، ای امیر مؤمنان، و ای سرپرستم! و تو نیز، ای ابا عبد الله، سرورا! و درود من بر شما دو بزرگوار، جاودانه باد تا آن گاه که روز و شب، پشت هم در آیند. این درود، بر شما جاودانه باد و این درودم به خواست خدا، از شما پوشیده مباد! و از خدا خواهم به حق شما دو بزرگوار، رسیدن درودم را به شما، اراده فرماید و آن را به جای آورد، که همانا اوست ستوده بزرگوار. سرورا! از نزد شما، توبه کنان و ستایش کنان و سپاس گویان و امیدوار به پذیرش دعایم باز آمدم، بی آن که نومید و مأیوس باشم، و بی آن که به شما و زیارت شما بی اشتیاق باشم؛ بلکه به حضور شما و زیارت شما، باز خواهم گشت. اگر خدا خواهد؛ و هیچ جنبش و نیرویی نیست، مگر به [خواست] خدا. ای سرورانم! به شما و زیارت شما بس مشتاقم، پس از آن که دنیاخواهان، از شما و زیارت شما رُخ برتافته اند. پس خداوند، امید و آرزویم به دیدار و زیارت شما را به نومیدی نگرداند، که همانا اوست نزدیک و اجابت کننده. سیف بن عمیره می گوید: از صفوان پرسیدم: علقمة بن محمد حَضَرَمی، تنها زیارت نامه را برای ما از امام باقر علیه السلام نقل کرد و این دعا را نیآورد. صفوان گفت: با سرورم امام صادق علیه السلام، به این جا وارد شدم و امام علیه السلام، همین گونه که ما در زیارتمان کردیم، انجام داد و پس از نماز، این دعا را همان گونه که ما خواندیم، خواند و همان گونه که ما وداع کردیم، وداع کرد. صفوان، سپس به من گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «این زیارت را به یاد بسپار و آن را بخوان و با آن، [امام حسین علیه السلام را] زیارت کن که من از جانب خدای متعال، ضامن هستم که هر کس با این زیارت نامه، زیارت کند و این دعا را بخواند، از نزدیک یا دور، زیارتش پذیرفته می گردد، کوشش وی سپاس گزاری می شود، سلامش در پس پرده نمی ماند و می رسد، و حاجتش هر چه باشد، از سوی خدا بر آورده می شود و ناامید، باز نمی گردد. ای صفوان! این زیارت را با همین ضمانت از پدرم یافتم و پدرم از پدرش علی بن الحسین علیه السلام با همین ضمانت از حسین علیه السلام، و حسین علیه السلام با همین ضمانت از برادرش حسن علیه السلام، و حسن علیه السلام با همین ضمانت از پدرش امیر مؤمنان علیه السلام، و امیر مؤمنان با همین ضمانت از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با همین ضمانت از جبرئیل علیه السلام، و جبرئیل با همین ضمانت از خدای. بی تردید، خداوند، به خود این گونه سوگند یاد کرده است: هر کس حسین را از نزدیک یا دور، با این زیارت نامه زیارت کند و این دعا را بخواند، زیارتش را می پذیرم و او را شفیع در خواستش می کنم تا به هر کجا که برسد، و خواسته اش را به او عطا می کنم و از نزد من، ناکام باز نمی گردد؛ بلکه او را شادمان و با روشنی چشمش به روآشدن حاجتش و دستیابی به بهشت و آزادی، از آتش، باز می گردانم و شفاعت او را در باره هر کس، جز دشمن اهل بیت، می پذیرم. خدای متعال، بر این مطلب در برابر خود، سوگند یاد کرده و ما را گواه گرفته است بر آنچه فرشتگان ملکوتش بر آن گواه بودند. سپس جبرئیل علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا! خداوند، مرا به شادی و مژده رسانی بر تو، روانه کرد، و نیز شادی و مژده رسانی برای علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام و نیز امامان از نسل تو تا روز قیامت. پس شادی ات، ای محمد! و شادی علی، فاطمه، حسن و حسین، امامان و شیعیان، تا روز قیامت، مستدام باد! سپس صفوان گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای صفوان! هنگامی که نیازی به خدا

پیدا می‌کنی، در هر جا که هستی، این زیارت را بخوان و این دعا را بکن و حاجتت را از خدایت بخواه که از سوی خدا، بر آورده می‌شود، و خدا به خاطر لطف و عنایتی که نسبت به پیامبرش دارد، با وی خُلف وعده نمی‌کند؛ و البته ستایش، ویژه خداست».

1- ترجمه متن زیارت، از کتاب زبده مفاتیح الجنان که به وسیله کریم زمانی انتخاب و ترجمه شده، با اندکی تصرّف، آمده است.

2- در البلد الامین و المصباح کفعمی، این افزوده هم آمده است: «و بر فرزندان حسین».

3- در مصباح الزائر، در این قسمت، «کسانی که خون قلب خویش را در راه حسین، نثار کردند» افزوده شده است.

4- در کهن ترین نسخه (خطی موجود مصباح المتهجد، نگاشته شده به سال 502ق) به جای این جمله، چنین آمده است: «و بدان، آغاز کن همه ستم کنندگان در حق محمد و خاندان محمد را خدایا! لعنت کن یزید را و عبیدالله بن زیاد را...» ادامه این بند از نسخه، خوانا نیست.

5- همان گونه که در روایت پیشین گذشت در کامل الزیارات، به جای: «خدایا! نخستین ستمگر را به لعن من، مخصوص گردان ... تا روز قیامت»، چنین آمده: «خدایا! اولین ظالمی را که به خاندان پیامبرت ستم کرد، لعن مخصوص کن. سپس دشمنان خاندان محمد صلی الله علیه و آله را از اولین و آخرین، لعن نما. خدایا! یزید و پدرش را لعن کن! و عبیدالله بن زیاد و خاندان مروان و بنی امیه را، همگی تا روز رستاخیز، لعن کن».

6- ترجمه متن دعا، از کتاب زبده مفاتیح الجنان کریم زمانی، با اندکی تصرّف، گرفته شده است.

12 / 4 زيارة عاشوراء برواية المزار القديم عن علقمة مستدرک الوسائل: المزار القديم عن علقمة بن محمد الحضرمي، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام، قال: من أراد زيارة الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام يوم عاشوراء - وهو اليوم العاشر من المحرم - فليصل فيه باكيا متفجعا حزينا، لقي الله عز وجل بثواب ألفي حجة وألفي عمرة وألفي غزوة، ثواب كل حجة وعمرة وغزوة كتاب من حج واعتمر وغزا مع رسول الله صلى الله عليه وآله ومع الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين. قال علقمة بن محمد الحضرمي: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلت فداك، فما يصنع من كان في بعد البلاد وأقاصيها، ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: «إذا كان في ذلك اليوم - يعني يوم عاشوراء - فليغتسل من أحب من الناس أن يزوره من أقاصي البلاد أو قريها، فليبرز إلى الصحراء أو يصعد سطح داره، فليصل ركعتين خفيفتين يقرأ فيهما سورة الإخلاص، فإذا سلم أو ما إليه بالسلام، ويقصد إليه بتسليمه وإشارته ونيته إلى الجهة التي فيها أبو عبد الله الحسين عليه السلام، ثم تقول وأنت خاشع مستكين: السلام عليك يا ابن رسول الله، السلام عليك يا ابن البشير النذير 1، وابن سيد الوصيين، السلام عليك يا بن فاطمة سيده نساء العالمين، السلام عليك يا خيرة الله وابن خيرته، السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره، السلام عليك أيها الوتر الموتور، السلام عليك أيها الإمام الهادي الزكي، وعلى أرواح حلت بفنائك، وأقامت في جوارك، ووفدت مع زوارك، السلام عليك مني ما بقيت وبقي الليل والنهار. فلكم عظمة بك الرزية وجلت في المؤمنين والمسلمين، وفي أهل السماوات وأهل الأرضين أجمعين، فإنا لله وإنا إليه راجعون، صلوات الله وبركاته ونجاته عليك يا أبا عبد الله الحسين، وعلى آباءك الطيبين المنتجبين، وعلى ذريأتكم الهداة المهديين. لعن الله أمة خذلتك وتركت نصرتك ومعونتك، ولعن الله أمة أسست أساس الظلم لكم ومهدت الجور عليكم، وطرقت إلى أديتكم وتحيفكم (1)، وجارت ذلك في دياركم وأشياكم، برئت إلى الله عز وجل وإليكم يا ساداتي وموالي وأئمتي منهم ومن أشياهم وأتباعهم، وأسأل الله الذي أكرم يا موالي مقامكم، وشرف منزلتكم وشأنكم، أن يكرمني بولايتكم ومحبتكم والائتمار بكم، والبراءة من أعدائكم، وأسأل الله البر الرحيم أن يرزقني مودتكم، وأن يوفقني للطلب بئاركم مع الإمام المنتظر الهادي من آل محمد، وأن يجعلني معكم في الدنيا والآخرة، وأن يبلغني المقام المحمود لكم عند الله، وأسأل الله عز وجل بحقكم وبالشأن الذي جعل الله لكم أن يعطيني بمصابي بكم أفضل ما أعطى مصابا بمصيبة، إنا لله وإنا إليه راجعون، يا لها من مصيبة ما أفجعها وأنكها لقلوب المؤمنين والمسلمين، فإذا لله وإنا إليه راجعون. اللهم صل على محمد وآل محمد، واجعلني في مقامي ممن تناله منك صلاة ورحمة ومغفرة، واجعلني عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين، فإني أتقرب إليك بمحمد وآل محمد صلواتك عليه وعليهم أجمعين. اللهم وإني أتوسل وأتوجه بصفتك من خلقك، وخيرتك من خلقك محمد وعلي والطيبين من ذريتهما، اللهم فصل على محمد وآل محمد، واجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم، ولا تفرق بيني وبينهم في الدنيا والآخرة، إنك سميع الدعاء. اللهم وهذا يوم تجدد فيه النعمة وتنزل فيه اللعنة على اللعين يزيد وعلى آل يزيد، وعلى آل زياد وعمربن سعد والشمر، اللهم العنهم والعن من رضي بقولهم وفعالهم، من أول وأخر لعنا كثيرا، وأصلحهم حر نارك، وأسكنهم جهنم وساءت مصيرا، وأوجب عليهم وعلى كل من شايهم وبايعهم وتابعتهم وساعدتهم ورضي بفعالهم، وافتح لهم وعليهم وعلى كل من رضي بذلك، لعناتك التي لعنت بها كل ظالم، وكل غاصب وكل جاحد وكل كافر وكل مشرك وكل شيطان رجيم وكل جبار عنيد. اللهم العن يزيد وآل يزيد وبني مروان جميعا، اللهم وصد عف غصبك وسد خطك وعدابك وبقمتك على أول ظالم ظلم أهل بيت نبيك، اللهم والعن جميع الظالمين لهم، وانتم منهم إنك ذو نعمة من المجرمين. اللهم والعن أول ظالم ظلم آل بيت محمد، والعن أرواحهم وديارهم وقبورهم، والعن اللهم العصابة التي نازلت الحسين ابن بنت نبيك وحرابته، وقتلت أصحابه وأنصاره وأعوانه وأولياءه وشيعته ومحببيه وأهل بيته وذريته، والعن اللهم الذين نهوا ماله وسبوا حريمه ولم يسمعوا كلامه ولا مقاله، اللهم والعن كل من بلغه ذلك فرضي به من الأولين والآخرين والخلائق أجمعين إلى يوم الدين. السلام عليك يا أبا عبد الله الحسين، وعلى من ساعدك وعاونك وواساك بنفسه وبذل مهجته في الدب عنك، السلام عليك يا مولاي وعليهم وعلى روحك وعلى أرواحهم وعلى تربيتك وعلى تربيتهم، اللهم لهم رحمة ورضوانا وروحا وريحانا، السلام عليك يا مولاي يا أبا عبد الله يا ابن خاتم النبيين يا ابن سيد

الْوَصِيَّيْنَ وَيَابْنَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ يَابْنَ الشَّهِيدِ ، اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْوَقْتِ وَكُلِّ وَقْتٍ تَحْيَةٍ وَسَلَامًا . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلِ ، السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهِدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحْيَةً . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَآدِكَ الْحُسَيْنِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَآدِكَ الْحُسَيْنِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ يَا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَآدِكَ الْحُسَيْنِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ . السَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُمُ الْعَزَاءَ فِي مَوْلَاهُمْ الْحُسَيْنِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُعَزُّ بِهِ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ . ثُمَّ اسْجُدْ وَقُلْ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَابَ مِنْ خَطْبٍ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى فِي عَظِيمِ الْمَهْمَاتِ بِخَيْرَتِكَ وَأَوْلِيَانِكَ ، وَذَلِكَ لِمَا أَوْجَبَتْ لَهُمْ مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْفَضْلِ الْكَثِيرِ ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْزُقْنِي شِفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ ، وَالْمَقَامَ الْمَشْهُودَ ، وَالْحَوْضَ الْمُرُودَ ، وَاجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ وَاسَوْهُ بِأَنْفُسِهِمْ ، وَبَذَلُوا دُونَهُ مَهْجَهُمْ ، وَجَاهَهُ دُونَ مَعَهُ أَعْدَاءَكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَائِكَ ، وَتَصَدِيقًا بِوَعْدِكَ وَخَوْفًا مِنْ وَعِيدِكَ ، إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَذِهِ الزِّيَارَةُ يُرَازُ بِهَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ مِنْ عِنْدِ رَأْسِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . قَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ اسْتَطَعْتَ يَا عَلْقَمَةُ أَنْ تَزُورَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ فِي دَارِكَ وَنَاجِيَّتِكَ وَحَيْثُ كُنْتَ مِنَ الْبِلَادِ فِي أَرْضِ اللَّهِ فَافْعَلْ ذَلِكَ ، وَلَكَ ثَوَابٌ جَمِيعِ ذَلِكَ ، فَاجْتَهِدْ دُونَ الدُّعَاءِ عَلَى قَاتِلِهِ وَعَدُوِّهِ ، وَيَكُونُ فِي صَدْرِ النَّهَارِ قَبْلَ الزَّوَالِ . يَا عَلْقَمَةُ ، وَانْدُبُوا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (2)

1- . تحيقت الشيء مثل تحوفته : إذا تنقصته (لسان العرب : ج 9 ص 60 «حوف»).

2- . مستدرک الوسائل : ج 10 ص 308 ح 12066 و ص 412 ح 12273 كلاهما نقلًا عن المزار القديم . وراجع : تمام الخبر في مستدرک الوسائل : ج 10 ص 316 ح 12080 .

12 / 4 زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «المزار القدیم» ، از علقمه

مستدرک الوسائل : [در] المزار القدیم ، به نقل از علقمه بن محمد حَضَرَمی ، از امام باقر علیه السلام [آمده است] : «هر کس روز عاشورا _ که روز دهم محرم است _ بخوهد حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کند و با گریه و درد و اندوه ، روز را سپری کند ، خدا را با پاداش دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد ، دیدار می کند که پاداش هر یک از حج و عمره و جهادها ، مانند پاداش حج و عمره گزاردن و جهاد کردن همراه پیامبر خدا و امامان _ که دروهای خدا بر همه آنان باد _ ، است» . علقمه بن محمد حَضَرَمی می گوید : به امام باقر علیه السلام گفتم : فدایت شوم ! پس کسی که در سرزمین های دوردست است و آمدن به زیارت در این روز ، برایش ممکن نیست ، چه کند ؟ فرمود : «وقتی این روز (یعنی روز عاشورا) می شود ، هر کس از مردم که دوست دارد او را از دور یا نزدیک ، زیارت کند ، به بیابان بیاید و یا به بام خانه اش برود و دو رکعت نماز سَبْک بخواند که در هر دو رکعت ، سوره اخلاص را قرائت کند و چون سلام داد ، با اشاره ، به او سلام کند و با اشاره و سلام و نیتش ، همان جهتی را قصد کند که [قبر] ابا عبد الله الحسین علیه السلام در آن قرار دارد . سپس با تسلیم و دل شکسته می گویی : سلام بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای فرزند مژده و بیم دهنده ، ای فرزند سرور اوصیا ! سلام بر تو ، ای فرزند فاطمه ، سرور زنان جهانیان ! سلام بر تو ، ای برگزیده خدا و فرزند او ! سلام بر تو ، ای خون طلبیده خدا و فرزند خون طلبیده او ! سلام بر تو ، ای کشته ای که انتقام خونت گرفته نشده ! سلام بر تو ، ای امام هدایتگر پاک ، و بر روح هایی که بر گرد تو فرود آمده اند و در جوار تو ، اقامت گزیده اند و با زائران تو ، بر تو میهمان شدند ! از من به تو سلام ، تا همیشه ماندنم و همیشه شب و روز ! سوگ تو میان مؤمنان و مسلمانان ، بزرگ و سنگین است ، و نیز میان همه آسمانیان و زمینیان ، که ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم . دروهای ، برکت ها و سلام های خدا بر تو ، ای ابا عبد الله الحسین ، و بر پدران پاک و برگزیده ات ، و بر فرزندان ره نما و ره یافته تان ! خداوند ، لعنت کند کسانی که تو را و نهادند و یاری و کمک به شما را ترک کردند ! و خداوند ، لعنت کند کسانی را که اساس ستم بر شما را بنیان نهادند و ظلم بر شما را فراهم ساختند و راه آزار شما و عیبجویی از شما را هموار ساختند و این را در خانه هایتان و پیروانتان ، جاری کردند ! از ایشان و پیروان و دنباله روهایشان ، به سوی خدای عزوجل و شما _ ای سروران و دوستداران و امامان من _ ، بیزاری می جویم . ای سرپرستان من ! از خدایی که مقام شما را بزرگ داشت و منزلت و شأن شما را شرافت بخشید ، می خواهم که مرا با ولایت و محبت و پیروی شما ، و بیزاری از دشمنان شما ، بزرگ بدارد . از خدای نیکی کننده مهربان ، می خواهم که دوستی شما را روزی من کند و مرا همراه امام منتظر و هدایتگر از خاندان محمد ، موفق بدارد که انتقام خون شما را بگیرم و در دنیا و آخرت ، مرا با همراه شما قرار دهد و مرا به مقام ستوده شما نزد او برساند . از خداوندت می خواهم که به حق شما و منزلتی که خداوند برایتان قرار داده ، به مصیبت رسیده به من [به سبب شهادت شما] ، برترین پاداشی را که به مصیبت دیده می دهد ، بدهد . ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم . چه مصیبتی ! چه قدر فجیع و ریش کننده دل های مؤمنان و مسلمانان است ! ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم . خدایا ! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و مرا در این جا ، از کسانی قرار ده که به درود و رحمت و مغفرت تو دست می یابند ، و مرا در دنیا و آخرت ، از آبروداران و مقربان درگاهت قرار ده ، که من با محمد و خاندان محمد _ که دروهای تو بر او و همه آنان باد _ ، به تو تقرب می جویم . خدایا ! من با برگزیده خلقت و برگرفته خلقت ، محمد ، و نیز علی و فرزندان پاک آن دو ، به تو توسل و توجه می جویم ! خدایا ! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و مرگ و زندگی مرا مانند مرگ و زندگی آنان ، قرار ده و میان من و ایشان در دنیا و آخرت ، جدایی مینداز ، که تو شنونده دعایی . خدایا ! این ، روزی است که کیفر را تجدید می کنی و لعنت را بر یزید لعین و خاندان او ، و بر خاندان زیاد و عمر بن سعد و شمر ، فرود می آوری . خدایا ! آنان را لعنت کن و کسی را که به سخن و کار آنان خشنود شده ، لعنت کن ، لعنتی فراوان از اول تا به آخر ، و آنان را با آتش سوزان بسوزان و آنان را در دوزخ جای ده ، که بد مقصدی

است! و بر ایشان و هر کس که دنباله رو آنان بود و با ایشان، بیعت نمود و پیروی شان کرد و یاری شان داد و به کارشان راضی شد، آن [آتش] را لازم بگردان، و لعنت هایت را که بر هر ستمکار و غاصب و منکر و کافر و مشرک و هر شیطان رانده شده و زورگوی لجوجی فرو می ریزی، برای ایشان و بر آنان، بگشای. خدایا! یزید و خاندان یزید و خاندان مروان، همگی را لعنت کن. خدایا! خشم و ناخشنودی و عذاب و انتقامت را بر نخستین ستمکاری که بر اهل بیت پیامبرت ستم کرد، دوچندان کن. خدایا! همه ستمکاران به ایشان را لعنت کن و از آنان، انتقام بگیر، که تو از مجرمان انتقام گیرنده ای. خدایا! نخستین ظالمی را که به خاندان محمد، ظلم کرد، لعنت کن و جان ها و خانه ها و قبرهایشان را لعنت کن؛ و گروهی را که در برابر حسین، فرزند دختر پیامبرت، صف آرایی کردند و با او جنگیدند و همراهان و یاوران و یاران و دوستان و پیروان و دوستداران و خاندان و فرزندان را کُشتند، لعنت کن. خدایا! کسانی که مالش را به غارت بردند و حَرَمش (زن و فرزندش) را اسیر کردند و سخن و گفتارش را نشنیدند، لعنت کن. خدایا! هر کس را از اولین تا آخرین و از همه مردمان تا روز جزا که خبر این کارها به او رسید و به آن راضی شد، لعنت کن. سلام بر تو، ای ابا عبد الله الحسین، و بر هر کس که تو را یاری داد و کمک کرد و با جان خود، با تو همراهی کرد و در راه دفاع از تو خوشش را داد! سلام بر تو، ای مولای من و بر ایشان، و بر روح تو و روح های ایشان، و بر خاک تو و خاک های ایشان! خدایا! مهر و خشنودی و آرامش و حُرْمی را نثار آنان گردان. سلام بر تو، ای مولای من، ای ابا عبد الله، ای فرزند خاتم پیامبران، و ای فرزند سرور و صیّان و ای فرزند سرور زنان جهانیان! سلام بر تو، ای شهید، فرزند شهید! خدایا! در این لحظه و در این روز و این هنگام و هر زمان، از من به او درود و سلام برسان. سلام بر تو، ای فرزند سرور جهانیان و بر شهیدان همراه تو؛ سلامی به پیوستگی شب و روز! سلام بر حسین بن علی شهید! سلام بر علی بن الحسین شهید! سلام بر عباس شهید، فرزند امیر مؤمنان! سلام بر شهیدان نسل امیر مؤمنان! سلام بر شهیدان نسل جعفر و عقیل! سلام بر هر مؤمن شهید! خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و از جانب من به ایشان، درود برسان. سلام بر تو، ای پیامبر خدا و رحمت و برکات و سلام خدا بر تو! خداوند، عزای تو را در مصیبت فرزندت حسین، نیکو گرداند. سلام بر تو، ای ابو الحسن، ای امیر مؤمنان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! خداوند، عزای تو را در مصیبت فرزندت حسین، نیکو گرداند! سلام بر تو، ای فاطمه، ای دختر پیامبر خدای جهانیان و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! خداوند، عزای تو را در مصیبت فرزندت حسین، نیکو گرداند! سلام بر تو ای ابا محمد، حسن، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! خداوند، عزای تو را در مصیبت برادرت حسین، نیکو گرداند! سلام بر روح های مردان و زنان مؤمن، زندگان و مُردگان آنان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد! خداوند، عزایشان را در مصیبت مولایشان حسین، نیکو گرداند! خدایا! ما را از انتقام گیرندگان خون او - همراه آن امام عادل که اسلام و اهل آن را با او عوّت می دهی - قرار ده، ای خدای جهانیان! سپس به سجده برو و بگو: خدایا! تو را بر پیشامدهای سهمگینی که نزدیک می شوند، می ستایم. ستایش، در هر کاری از آن توست و شکوه مصیبت های بزرگ، به توست که بر برگزیدگان و دوستان وارد می کنی تا کرامت و فضل فراوان تو، بر ایشان واجب گردد. خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و در روز ورود [به محشر]، شفاعت حسین، جایگاه شهود و ورود به حوض [کوثر] را روزی ام کن و نزد خودت برایم ثبات قدم در کنار حسین و یاران حسین، قرار ده؛ کسانی که با جان خود، او را یاری کردند و برای او، خون خود را دادند و همراه او و به خاطر رضایت تو و به امید تو و از سر تصدیق به وعده ات و بیم از تهدیدت، با دشمنان جنگیدند، که تو هر چه را بخواهی، خوب می بینی [و پاس می داری]، ای مهربان ترین مهربانان!». امام صادق علیه السلام [سپس] فرمود: «با این زیارت، حسین بن علی علیه السلام را از بالای سر امیر مؤمنان - که درودهای خداوند بر همه آنان باد - زیارت می کنند». علقمه بن محمد حَضَرَمی، از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده است: «ای علقمه! اگر می توانی او را هر روز در خانه ات و منطقه ات و یا هر جای دیگری از زمین خدا که هستی، با این زیارت نامه زیارت کنی، بکن، که پاداش همه آن را می بری. پس در نفرین بر قاتل و دشمنش بکشید و زیارت، در اوّل روز و قبل از زوال خورشید باشد. ای علقمه! بر حسین بگریید و ناله کنید...».

راجع : ص 218 (الفصل الثالث عشر / الزيارة الأولى برواية المزار الكبير).

ر.ك: ص 219 (فصل سيزدهم / زيارت نخست به روايت «المزار الكبير»).

پژوهشی در باره سند «زیارت عاشورا»

اشاره

(1)

صرف نظر از تأییدات غیبی ای که از طرق معتبر، در باره زیارت عاشورا وارد شده که خود، دلیل بر اعتبار این زیارت شریف است، سندی که شیخ طوسی در مصباح المتهجد در ذیل این زیارت آورده و با «روی محمد بن خالد الطیالسی» آغاز می شود، صحیح است. در آن جا، بعد از نقل زیارت سید الشهداء علیه السلام از علقمه، چنین آمده است:

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ وَعِنْدَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا إِلَى الْغَرِيِّ... فَلَمَّا فَرَغْنَا مِنَ الزِّيَارَةِ صَفَّوَانَ وَجَّهَهُ إِلَى نَاحِيَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَنَا:

تَزُورُونَ (/ نَزُورُ) الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ هَذَا الْمَكَانِ مِنْ عِنْدِ رَأْسِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ هَاهُنَا. أَوْ مَا إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا مَعَهُ.

قَالَ: فَدَعَا صَفْوَانَ بِالزِّيَارَةِ الَّتِي رَوَاهَا عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيُّ عَنْ أَبِي

1- این بیان، از طرف آیه الله سید موسی شبیری زنجانی، در پاسخ استفتایی از ایشان در باره سند زیارت عاشورا، به تاریخ 20 جمادی الاولی 1428 صادر شده است. گفتنی است که ایشان در این پاسخ، در صدد بررسی همه اسناد زیارت عاشورا نبوده اند و معرفی یکی از اسناد آن (سند مذکور در مصباح المتهجد) را برای پاسخگویی به استفتای یاد شده، کافی دانسته اند.

جَعَفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ . (1) مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ طِيَالَسِيِّ ، از سیف بن عمیره ، چنین روایت کرده است : با صفوان بن مهران جمّال و گروهی از شیعیان ، به سوی نجف به راه افتادیم ... هنگامی که از زیارت فارغ شدیم ، صفوان ، صورتش را به سوی [کربلا ، مدفن] ابا عبدالله [الحسین] گرداند و به ما گفت : از این جا ، کنار سر امیر مؤمنان علیه السلام ، [امام] حسین علیه السلام را زیارت می کنید . امام صادق علیه السلام ، در حالی که من همراهش بودم ، از این جا به آن حضرت ، اشاره کرد . سیف بن عمیره می گوید : سپس صفوان ، زیارتی را خواند که علقمة بن محمد حَضَرَمِی ، از امام باقر علیه السلام در روز عاشورا نقل کرده است . ظاهر این عبارت ، این است که امام صادق علیه السلام همان زیارتی را که علقمة از امام باقر علیه السلام نقل کرده ، رو به جانب مدفن سید الشهداء علیه السلام و با اشاره به آن ، بر زبان رانده و آن امام را این گونه زیارت کرده است . در این طریق ، در باره وثاقت سیف بن عمیره و صفوان بن مهران ، تردیدی نیست ؛ بلکه دو مطلب ، نیازمند بررسی است : 1 . طریق ذکر شده به محمد بن خالد طیالسی ، 2 . وثاقت خود محمد بن خالد .

بررسی طریق روایت نا محمد بن خالد طیالسی

از دوراه ، می توان اعتبار طریق روایت به طیالسی را به اثبات رسانید : راه اوّل : ظاهر عبارت «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ» (به جای «رَوَى عَنْ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ» ، (2) این است که شیخ طوسی نسبت روایت را به محمد بن خالد طیالسی ثابت

1- مصباح المتهجد : ص 777 ، مصباح الزائر : ص 272 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 296 ح 3 .

2- عبارت شیخ طوسی ، صیغه معلوم و نسبت جزمی دارد ، نه صیغه مجهول که از تردید شیخ طوسی در نسبت روایت به محمد بن خالد طیالسی حکایت کند .

می دانسته و همین امر برای اثبات اعتبار سند روایت از این جهت، کفایت می کند. راه دوم: ظاهراً این حدیث، از کتاب محمد بن خالد طیالسی گرفته شده است. شیخ طوسی در کتاب فهرست خود، کتابی به وی نسبت داده (1) و آن را با این سند، نقل کرده است: «حسین بن عبید الله (غضائری)، از احمد بن محمد بن یحیی عطار، از پدرش، از محمد بن علی بن محبوب، از محمد بن خالد». این افراد، همگی از بزرگان و اجلای امامیه بوده اند. احمد بن محمد بن یحیی عطار هم از مشایخ اجازه بوده و بنابر تحقیق، مشایخ اجازه، نیازمند توثیق نیستند.

بررسی وثاقت محمد بن خالد طیالسی

چند دلیل بر وثاقت محمد بن خالد طیالسی در دست است: 1. محمد بن علی بن محبوب _ که خود، از بزرگان طائفه امامیه است _، کتاب طیالسی را از او روایت می کند (2) که دلیل بر آن است که بر وی اعتماد کرده است. 2. محمد بن خالد طیالسی در طریق بزرگان به کتاب های جماعتی _ که در زیر، به برخی از آنها اشاره می کنیم _ واقع است. از جمله این مؤلفان، سیف بن عمیره است که ابوطاهر محمد بن سلیمان زُراری (جدّ ابو غالب زراری) و محمد بن جعفر رَزَّاز _ که هر دو از بزرگان وثقات مشایخ امامیه هستند _، (3) از محمد بن خالد طیالسی، از سیف بن عمیره، کتاب وی را روایت می کنند (4) که نشانگر اعتماد ابو طاهر و رَزَّاز بر طیالسی است.

1- الفهرست، طوسی: ص 228.

2- همان جا.

3- رجال النجاشی: ج 2 ص 241، رسالة أبي غالب الزراري: ص 118 و 140.

4- رجال النجاشی: ج 1 ص 425، رسالة أبي غالب الزراري: ص 48.

از جمله این مؤلفان، عاصم بن حمید و علاء بن رزین و اسماعیل بن عبد الخالق اند که ابوطاهر (جدّ ابو غالب زراری)، کتب ایشان را با چیزهایی دیگر، از محمد بن خالد طیالسی روایت می کند. (1) از جمله این مؤلفان، رُزَیق بن زبیر است که کتابش را عبدالله بن جعفر حمیری، از محمد بن خالد طیالسی، از او روایت می کند. (2) و نیز حمید بن زیاد_ که با این که واقفی است، شیخ طوسی و نجاشی وی را توثیق کرده اند (3)_ اصل های بسیاری را از محمد بن خالد طیالسی روایت می کند. (4) 3. بسیاری از بزرگان و ثقات، از وی روایت می کنند. (5) راویان ثقه وی_ علاوه بر کسانی که پیش تر به نام ایشان اشاره شد_، عبارت اند از: حمدان بن احمد قلابسی، (6) سعد بن عبد الله، سلمة بن خطاب_ که بنا بر اظهار، ثقه است (7)_ و فرزند وی عبدالله بن محمد بن خالد طیالسی، (8) علی بن ابراهیم، علی بن سلیمان زراری، (9)

-
- 1- رساله ابی غالب الزراری: ص 48 و 182، از برخی طرق و اسناد، بر می آید که بزرگان دیگری نیز کتاب های برخی از این مؤلفان را روایت می کنند. در این باره، ر. ک: الفهرست، طوسی: ص 183، قرب الإسناد: ص 29 ح 96 و ص 32 ح 103 و ص 125 ح 439 و ص 130 ح 453.
 - 2- رجال النجاشی: ج 1 ص 383. نیز، ر. ک: الأملی، طوسی: ص 697 ح 1488 و ص 700 ح 1497.
 - 3- الفهرست، طوسی: ص 114، رجال النجاشی: ج 1 ص 321.
 - 4- رجال الطوسی: ص 441.
 - 5- در معجم رجال الحدیث (ج 16 ص 70) به نشانی روایت برخی از این راویان از محمد بن خالد طیالسی اشاره شده است. ما در پانوشت بعدی، نشانی روایت دیگر راویان را از وی خواهیم آورد.
 - 6- شواهد التنزیل: ج 1 ص 191 ح 203.
 - 7- ر. ک: کتاب النکاح (تقریرات دروس النکاح)، [آیه الله] سیّد موسی شبیری: ج 10، درس 368 ص 7 و 6.
 - 8- الخصال: ص 517 ح 4، رجال الکشی: ج 1 ص 388 ح 278، ج 2 ص 707 ح 762، فلاح السائل: ص 455 ح 310، دلائل الإمامة: ص 487 ح 486.
 - 9- الأملی، طوسی: ص 72 ح 105 و ص 78 ح 114 که هر دو گرفته شده اند از: الأملی، مفید: ص 298 ح 8 و ص 308 ح 7، علل الشرائع: ص 446 ح 4، تأویل الآیات: ج 1 ص 432 ح 11 و ص 303 ح 6 و ص 324 ح 3؛ ولی در این دو جا، «زراری» به «رازی» تصحیف شده است.

محمد بن حسن صفّار (1) و معاویة بن حکیم . این شواهد ، از قوی ترین نشانه ها بر وثاقت محمد بن خالد طیالسی هستند . از سوی دیگر ، هیچ مذمت و تضعیفی نسبت به وی نقل نشده است ، حتی از ابن غضائری _ که از وی مذمت و تضعیف نسبت به بسیاری از ثقات ، حکایت شده است _ . بنا بر این ، در وثاقت محمد بن خالد طیالسی تردیدی نیست . از مجموع آنچه گذشت ، در می یابیم که این سند زیارت عاشورا ، سندی است صحیح .

1- .. بصائر الدرجات : ص 164 ح 6 و ص 206 ح 13 و ص 386 ح 10 ، الفهرست ، طوسی : ص 183 .

12 / 5 زيارة عاشوراء برواية الإقبال لإقبال: ذُكِرَ الزَّيَارَةُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ مِنْ كِتَابِ «الْمُخْتَصَرِ مِنَ الْمُنتَحَبِ». فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا هَذَا لَفْظُهُ : ثُمَّ تَنَاهَبَ لِلزَّيَارَةِ فَتَبَدُّوا فَتَغْتَسِلُ وَتَلْبَسُ ثَوْبَيْنِ طَاهِرَيْنِ ، وَتَمْشِي حَافِيَا إِلَى فَوْقِ سَدِّ طَحْكٍ أَوْ فُضَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ ، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَتَقُولُ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ أَمِينِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ النَّبِيِّينَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، وَأَفْضَلِ السَّابِقِينَ ، وَسِبْطِ خَاتِمِ الْمُرْسَلِينَ ، وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ سَدِّ يَدِي ، وَأَنْتَ إِمَامُ الْهُدَى وَحَلِيفُ الثَّقَلَيْنِ وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ ، زُبَيْتَ فِي حِجْرِ الْإِسْلَامِ ، وَرَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ ، فَطَبْتَ حَيَا وَمَيْتَا . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّكْبِيِّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبُرِّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكْبِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِسَاحَتِكَ ، وَجَاهَدَتْ فِي اللَّهِ مَعَكَ ، وَشَرَّتْ نَفْسَهَا ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ فِيكَ ، السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ . أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبَاكَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ ، إِمَامُ افْتِرَاضِ اللَّهِ طَاعَتَهُ عَلَى خَلْقِهِ ، وَكَذَلِكَ أَخُوكَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَكَذَلِكَ أَنْتَ وَالْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ . أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَجَاهَدْتُمُ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَاكُمْ الْيَقِينَ مِنْ وَعْدِهِ ، فَأَشْهَدُ اللَّهُ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي بِاللَّهِ مُؤْمِنٌ وَبِمُحَمَّدٍ مُصَدِّقٌ وَبِحَقِّكُمْ عَارِفٌ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ ، وَعَبَدْتُمُوهُ حَتَّى آتَاكُمْ الْيَقِينَ . يَا بَابِي وَأُمِّي أَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَايَعَ عَلَى ذَلِكَ ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَأَنْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَقَعَدُوا عَنْ نُصْرَتِكَ مِمَّنْ دَعَاكَ فَأَجَبْتَهُ ؛ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ ، فَقَدْ أَجَابَكَ رَأْيِي وَهَوَايَ ، أَنَا أَشْهَدُ أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ ، وَأَنَّ مَنْ خَالَفَكَ عَلَى ذَلِكَ بَاطِلٌ ، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا . فَأَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي ذُنُوبِي ، وَأَنْ يُلْحِقَنِي بِكُمْ وَيَشْفِعَنِيكُمْ ، وَأَنْ يَأْذَنَ لَكُمْ فِي الشَّفَاعَةِ وَأَنْ يُشَفِّعَكُمْ فِي ذُنُوبِي ، فَإِنَّهُ قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ : «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (1) . صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَوْلَادِكَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقِيمِينَ فِي حَرَمِكَ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَعَلَى الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتَشْهَدُوا مَعَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ . صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى وَلَدِكَ عَلِيٍّ الْأَصْغَرَ الَّذِي فُجِعَتْ بِهِ . ثُمَّ تَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ ، وَقَدْ تَحَرَّمْتُ بِمُحَمَّدٍ وَعَتَرْتَهُ ، وَتَوَجَّهْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ ، وَتَوَسَّلْتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لِتَقْضِي عَنِّي مُفْتَرَضِي وَدِينِي ، وَتُقَرِّجَ عَمِّي ، وَتَجْعَلَ فَرَجِي مَوْصُولًا بِفَرَجِهِمْ . ثُمَّ أَمُدُّ يَدَيْكَ حَتَّى تُرِيَ (2) بِيَاضَ إِبْطِيكَ ، وَقُلْ : يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَهْتِكُ سِتْرِي ، وَلَا تُبَدِّ عَوْرَتِي ، وَأَمِنْ رَوْعَتِي ، وَأَقْلُنِي عَتْرَتِي ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا قَدْ رَضِيَتْ عَمَلِي وَاسْتَجَبَتْ دَعْوَتِي يَا اللَّهُ الْكَرِيمُ . ثُمَّ تَقُولُ : السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ . ثُمَّ تَبْدَأُ وَتَقُولُ : السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ الرَّكْبِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الصَّدِيقِ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، السَّلَامُ عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْقَائِمِ بِحَقِّ اللَّهِ وَحُجَّةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الرَّاشِدِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . ثُمَّ تُصَلِّي سِتَّ رَكَعَاتٍ مَثْنَى مَثْنَى ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، وَتَقُولُ بَعْدَ فَرَاغِكَ مِنْ ذَلِكَ : اللَّهُمَّ يَا اللَّهُ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ ، يَا أَحَدُ يَا صَدِّدُ ، يَا فَرْدُ يَا وَتَرُ ، يَا سَمِيعُ يَا عَلِيمُ يَا عَالِمُ ، يَا كَبِيرُ يَا مُكَبَّرُ ، يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ ، يَا حَلِيمُ يَا قَوِيُّ ، يَا عَزِيزُ يَا مُعَزِّزُ ، يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ ، يَا جَبَّارُ يَا عَلِيُّ يَا مُعِينُ ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا تَوَّابُ ، يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ ، يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ ، يَا مَعْبُودُ يَا مَوْجُودُ ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ ، يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَيَا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّلْطَانِ . أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ يَا اللَّهُ ، وَبِحَقِّ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَكَرْبٍ وَضُرٍّ وَضَيْقٍ أَنَا فِيهِ ، وَتَقْضِي عَنِّي دِينِي وَتُبَلِّغَنِي أَمْنِيَّتِي وَتُسَهِّلَ لِي مَحَبَّتِي ، وَتُيسِّرَ لِي إِرَادَتِي ، وَتُوَصِّلَنِي إِلَى

بُغِيَّتِي سَرِيحاً عَاجِلاً، وَتُعْطِينِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي، وَتَزِيدَنِي فَوْقَ رَغْبَتِي، وَتَجْمَعُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (3)

1- البقرة: 255.

2- في بحار الأنوار: «يُرى»، وهو الأنسب.

3- الإقبال: ج 3 ص 70، بحار الأنوار: ج 101 ص 313 ح 7.

12 / زیارت امام علیه السلام در روز عاشورا ، به روایت «الإقبال»

الإقبال: یاد کرد زیارت روز عاشورا از کتاب المختصر من المنتخب _ : [امام علیه السلام] سپس سخنی فرمود که متن آن ، چنین است : «سپس برای زیارت ، آماده می شوی و با غسل ، آغاز می کنی و دو جامه پاک به تن می کنی و پابرهنه ، به بام خانه ات یا جای بازی از زمین می روی و رو به قبله می ایستی و می گویی : سلام بر تو ، ای وارثِ آدم ، برگزیده خدا ! سلام بر تو ، ای وارث نوح ، امین خدا ! سلام بر تو ، ای وارث ابراهیم ، خلیل خدا ! سلام بر تو ، ای وارث موسی ، هم سخن خدا ! سلام بر تو ، ای وارث عیسی ، روح خدا ! سلام بر تو ، ای وارث محمد ، پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای وارث پیامبران و امیر مؤمنان ، سرور و صبیان ، برترین پیشی جستگان ، نوه خاتم فرستادگان ! و ای سرور من ! چگونه چنین نباشد که تو ، امام هدایت ، همراه پرهیزگاری و پنجمین نفر از اصحاب کسا هستی ، در دامان اسلام ، پرورش یافتی و از سینه ایمان ، شیر خوردی ، پاکیزه زیستی و پاک درگذشتی . سلام بر تو ، ای وارث حسن پاک ! سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام بر تو ، ای صدیق شهید ! سلام بر تو ، ای وصی نیکوکار پرهیزگار ، پسندیده و پاک ! سلام بر تو و بر روح هایی که گرداگرد تو جا گرفتند و در کنار تو نشستند و برای خدا ، همراه تو جنگیدند و برای رضایت خدا ، برایت جان دادند ! سلام بر فرشتگان گرداگرد تو ! گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه بی انباز نیست و گواهی می دهم که محمد _ که درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندانش _ ، بنده و فرستاده اوست ، و گواهی می دهم که پدرت ، علی بن ابی طالب ، امیر مؤمنان _ که درود خدا بر او و خاندانش _ ، سرور اوصیا ، رهبر روسپیدان و امامی است که خداوند ، اطاعتش را بر آفریدگانش واجب کرده ، و همین گونه است برادرت ، حسن بن علی _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _ و نیز تو و امامان از نسل تو . گواهی می دهم که شما ، نماز خواندید و زکات دادید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و آن گونه که باید ، در راه خدا جهاد کردید تا آن که وعده یقینی او به شما رسید . خدا و شما را گواه می گیرم که من ، به خدا ایمان دارم ، محمد را تصدیق می کنم و حق شما را می شناسم ، و گواهی می دهم که آنچه را خدای عزوجل به شما فرمان داده بود ، رساندید و او را عبادت کردید تا اجلتان در رسید . پدر و مادرم فدایت ، ای ابا عبد الله ! خداوند ، لعنت کند هر که تو را کُشت ! خداوند ، لعنت کند هر که را فرمان به کُشتن تو داد ! خداوند ، لعنت کند هر که را از این کار ، پشتیبانی کرد ! خدا لعنت کند هر کس را که خبر یافت و به آن ، راضی شد ! گواهی می دهم آنان که خونت را ریختند و حرمت را دریدند و تو را فرا خواندند و پس از اجابت تو ، از یاری ات دست کشیدند ، بر زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله لعنت شده اند . سرور و مولای من ! اگر به گاه یاری خواهی ات ، بیکرم به تو پاسخی نداد ، اندیشه و خواستم تو را اجابت می کند . من گواهی می دهم که حق با توست و هر که با تو بر سر آن مخالفت کرد ، بر باطل است . کاش با شما بودم و به رستگاری بزرگی دست می یافتم ! سرورم ! از تو می خواهم که از خداوند _ که یادش بزرگ باد _ ، آمرزش گناهان مرا بخواهی ، و نیز پیوستن من به شما و پیروانتان را ، و اجازه ای را به شما در شفاعت از من و [آمرزش] گناهانم را ، که خداوند _ که یادش بزرگ باد _ فرمود : « چه کسی جز به اذن او نزدش شفاعت می کند؟ » . خداوند بر تو ، پدرانت ، فرزندان و فرشتگان مقیم در حرمت ، درود فرستد . درود خدا بر تو و همگی آنان و شهیدانی که در کنار تو و پیش رویت شهید شدند ! خداوند ، بر تو و بر ایشان و بر فرزندان علی اصغر که با مصیبت دردناکش رو به روشدی ، درود فرستد . سپس می گویی : خدایا ! با خود تو ، به توری آورده ام و حرمت محمد و خاندانش را واسطه قرار داده ام و با ایشان ، به توری کرده ام و ایشان را نزد تو ، شفیع خود نموده ام و به محمد و خاندانش ، توسل جسته ام تا حقوق واجب و قرضم را از جانب من ، ادا کنی ، غم [و غصه] مرا برطرف کنی ، و گشایش کارم را به فرج ایشان ، پیوسته سازی . سپس دستانت را آن قدر بکش تا سپیدی زیر بغلت دیده شود و بگو : ای خدای یگانه ای که جز تو خدایی نیست ! پرده ام را مدران ، زشتی ام را آشکار مکن ، هراسم را ایمن بدار و عذرخواهی از لغزشم را بپذیر . خدایا ! مرا کامیاب و پیروز و راضی از عملم و با استعجابت دعایم باز گردان ، ای خدای کریم ! سپس می گویی : سلام و رحمت خدا بر تو باد ! آن گاه ، از نو چنین می گویی : سلام بر امیر مؤمنان ! سلام بر فاطمه زهرا !

سلام بر حسن پاک! سلام بر حسین صدیق شهید! سلام بر علی بن الحسین! سلام بر محمد بن علی! سلام بر جعفر بن محمد! سلام بر موسی بن جعفر! سلام بر رضا، علی بن موسی! سلام بر محمد بن علی! سلام بر علی بن محمد! سلام بر حسن بن علی! سلام بر امام قائم به حق خدا و حجت او در زمینش! درود خدا بر او و بر پدران ره یافته، پاکیزه و پاکش! و درود و سلام فراوان بر آنان! سپس، شش رکعت نماز دو رکعتی با حمد و صد مرتبه «قل هو الله» در هر رکعت، می خوانی و پس از آن، چنین می گویی: خدایا، خدایا! ای رحمان، ای رحمان! ای والا! ای سترگ! ای یگانه! ای بی نیاز! ای یکتا! ای بی نظیر! ای شنوا! ای دانا! ای آگاه! ای بزرگ! ای صاحب کبریا! ای جلیل! ای زیبا! ای بردبار! ای نیرومند! ای عزیز عزتمند! ای ایمنی بخش چیره! ای مسلط و جبران کننده! ای والا! ای یاور! ای مهربان! ای نعمت دهنده! ای بازگردنده! ای برانگیزنده! ای ارث برنده! ای ستوده! ای بشکوه! ای معبود! ای موجود! ای آشکار! ای نهان! ای آغاز! ای فرجام! ای زنده! ای بر پا دارنده! ای صاحب جلال و اکرام! ای دارای عزت و سیطره! ای خدا! به حق این نام ها و به حق همه نام هایت، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و هر اندوه و غم و گرفتاری و زیان و تنگنایی را که در آن هستم، بر من بگشایی و بدهی ام را ادا کنی و مرا به آرزویم برسانی و راه محبت را بر من، هموار گردانی و خواسته ام را برایم آسان کنی، مرا به سرعت و شتابان، به مطلوبم برسانی و خواسته و درخواستم را به من ببخشی و بیشتر از رغبتم به من بدهی و خیر دنیا و آخرت را برایم گرد آوری» .

12 / 6 فضل زيارته في الأربعاء المزار للمفيد: روي عن أبي محمد الحسن بن علي [العسكري] عليه السلام أنه قال: علامات المؤمنين خمس: صلاة الإحدى والخمسين، وزيارة الأربعين، والتختم في اليمين، وتغفير الجبين، والجهر بيسم الله الرحمن الرحيم. (1)

12 / 7 زيارة الأربعين برواية صفوان الجمال: قال لي مولاي الصادق صلوات الله عليه في زيارة الأربعين: تزور عند ارتفاع النهار وتقول: السلام على وليي الله وحبيبي، السلام على خليل الله ونجيبه، السلام على صفيي الله وابن صفيي، السلام على الحسين المظلوم الشهيد، السلام على أسير الكربات وقتيل العبرات. اللهم إني أشهد أنه وليك وابن وليك، وصفيك وابن صفيك، الفائز بكرامتك، أكرمته بالشهادة وحبوته (2) بالسعادة واجتبيته بطيب الولادة، وجعلته سيّدا من السادة وقائدا من القادة وذائدا (3) من الدادة، وأعطيته موارث الأنبياء، وجعلته حجة على خلقك من الأوصياء، فأعذر في الدعاء، ومنح النصح وبدل مهجته فيك ليستنفذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة. وقد توازَرَ عليه من غرته الدنيا وباع حظه بالأردل الأدنى، وشرى آخرته بالثمن الأوكس (4)، وتغطرس (5) وتردى في هواه (6)، وأسخط نبك وأطاع من عبادك أهل الشقاق والتفاق وحملة الأوزار المستوجبين النار، فجاهدهم فيك صابرا محتسبا، حتى سفيك في طاعتك دمه واستبيح حريمه، اللهم فالعنهم لعنا وبيلا وعدبهم عذابا أيما (7). السلام عليك يابن رسول الله، السلام عليك يابن سيّد الأوصياء، أشهد أنك أمين الله وابن أمينه، عشت سعيدا ومضيت حميدا وميت فقيدا مظلوما شهيدا، وأشهد أن الله منجز ما وعدك ومهلك من خذلك ومعدب من قتلك، وأشهد أنك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيله حتى أتاك اليقين، فلعن الله من قتلك، ولعن الله من ظلمك، ولعن الله أمة سمعت بذلك فرضيت به. اللهم إني أشهدك أني وليي لمن والاه وعدو لمن عاداه، بأبي أنت وأمي يابن رسول الله، أشهد أنك كنت نورا في الأصلاب الشامخة والأرحام الطاهرة، لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها ولم تلبسك المدلهمات (8) من ثيابها، وأشهد أنك من دعائم الدين وأركان المسلمين ومعقل المؤمنين، وأشهد أنك الإمام البرّ النقي الرضيّ الرضيّ الهادي المهدي، وأشهد أن الأئمة من ولدك كلمة التقوى وأعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا، وأشهد أني بكم مؤمن وبإيابكم موقن، بشرائع ديني وخواتيم عملي، وقلبي لقلبيكم سيلم وأمري لأمركم متبع ونصرتي لكم معدة، حتى يأذن الله لكم، فمعكم معكم لا مع عدوكم، صلوات الله عليكم وعلى أرواحكم وأجسادكم وشاهديكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم، آمين رب العالمين. وتصلّي ركعتين، وتدعو بما أحببت وتنصرف. (9)

1- المزار للمفيد: ص 53 ح 1، مصباح المتجهد: ص 788، مصباح الزائر: ص 286، الإقبال: ج 3 ص 100، مصباح الزائر: ص 286، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 52 ح 122 وفيه «الخمسين» بدل «إحدى والخمسين»، بحار الأنوار: ج 85 ص 75 ح 7 و ج 98 ص 348 ح 1 و ج 101 ص 329 ح 1.

2- حباه كذا بكذا: أي أعطاه. والحباء العطية (النهاية: ج 1 ص 325 «حبا»).

3- الدادة: جمع ذاند وهو الحامي الدافع (النهاية: ج 2 ص 172 «ذود»).

4- الوكس: النقص (الصحيح: ج 3 ص 989 «وكس»).

5- التغطرس: الكبّر (النهاية: ج 3 ص 372 «غطرس»).

6- وزاد في مصباح الزائر والإقبال وبحار الأنوار هنا: «وأسخطك».

7- زاد في الإقبال ومصباح الزائر هنا: «أنا يا مولاي عبد الله وزارك، جنتك مشتاقا فكن لي شفيعا إلى الله، يا سيدي، أستشفع إلى الله

بجدك سيّد النبيّن ، وبأبيك سيّد الوصيّن ، وبأمّك سيّدة نساء العالمين» .

8- .ادلّهَمّ الظلام : كتّف واسودّ (القاموس المحيط : ج 4 ص 113 «ادلّهَمّ») هذا وفي بحار الأنوار : «من مُدَلِّهَمَّت ثيابها» ، وهو الأنسب للسياق .

9- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 113 ح 201 ، مصباح المتهدّد : ص 788 ، المزار الكبير : ص 514 ح 10 ، مصباح الزائر : ص 288 ، الإقبال : ج 3 ص 101 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 331 ح 2 .

12 / 6 ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین

المزار، مفید: از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نشانه های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز [گزاردن در شبانه روز]، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم».

12 / 7 زیارت امام علیه السلام در روز اربعین، به روایت صفوان جمّال

تهذیب الأحکام_ به نقل از صفوان بن مهران جمّال: _ مولایم امام صادق _ که درودهای خدا بر او باد _، در باره زیارت اربعین فرمود: «هنگام بالا آمدن روز، به زیارت می روی و می گویی: سلام بر ولی خدا و حبیب او! سلام بر خلیل خدا و نجیب او! سلام بر برگزیده خدا و فرزند برگزیده او! سلام بر حسین مظلوم شهید! سلام بر اسیر غم های جانکاه و گشته اشک ها! خدایا! من گواهی می دهم که او، ولی تو و فرزند ولی توست. برگزیده تو و فرزند برگزیده توست و به کرامت، دست یافته است. او را با شهادت، بزرگ داشتی و سعادت را به او بخشیدی. او را به پاکي ولادت، برگزیدی و سروری از سروران و رهبری از رهبران و مدافعی از مدافعان قرار دادی. میراث پیامبران را به او بخشیدی و او را حجتی از اوصیا بر خلقت قرار دادی، و او نیز در دعوت، جای عذری باقی نهاد و خیرخواهی اش را عرضه داشت و خوش را به خاطر تو بذل کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گم راهی، بیرون آورد. و فریفتگان دنیا و آنان که نصیب خود را به پست ترین و فروترین چیزها، و آخرت خود را به پایین ترین قیمت فروختند و کبر ورزیدند و در هوس خویش، سقوط کردند و پیامبرت را خشمگین ساختند و از میان بندگانت، از منافقان تفرقه افکن و بر دوش کشندگان گناه و مستحق آتش، پیروی کردند، بر ضد او، پشت به پشت هم دادند، و او نیز به خاطر تو و شکیبانه و برای جلب رضای تو، با آنان جهاد کرد تا آن که خونش در راه اطاعت تو ریخته گشت و حریمش حلال شمرده شد. خدایا! برای آنان، لعنتی سخت و عذابی دردناک، قرار داده. (1) سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند سرور اوصیا! گواهی می دهم که تو، امین خدا و فرزند امین اویی، با سعادت زیستی و ستوده، در گذشتی و مظلومانه، از دست رفتی و شهید گشتی. گواهی می دهم که خداوند، آنچه را به تو وعده داده، محقق می سازد و آن که تو را وا می نهد، هلاک می گرداند و هر کس را که تو را کُشت، عذاب می کند. گواهی می دهم که تو به پیمان خدا، وفا نمودی و در راهش جهاد کردی تا اَجَلت در رسید. خداوند، لعنت کند کسی را که تو را کُشت! خداوند، لعنت کند کسی را که به تو ستم کرد! خداوند، لعنت کند کسانی را که این را شنیدند و به آن، راضی شدند! خدایا! تو را گواه می گیرم که هر که او را دوست می دارد، دوست می دارم و هر که او را دشمن می دارد، دشمن می دارم. پدر و مادرم فدایت باد، ای فرزند پیامبر خدا! گواهی می دهم که تو، نوری در پشت های والا و زهدان های پاک بودی. جاهلیت، تو را به پلیدی هایش نیالود و جامه های چرکینش را به تو نپوشاند. گواهی می دهم که تو، از استوانه های دین و ستون های مسلمانان و قلعه مؤمنان هستی. گواهی می دهم که تو، امام نیکوکار پرهیزگار، پسندیده، پاک، راه نما و ره یافته هستی. گواهی می دهم که امامان از نسل تو، واژه های پرهیزگاری، نشانه های هدایت، ریسمان استوار و حجت بر اهل دنیا هستند. گواهی می دهم که من، به شما ایمان دارم و به بازگشت شما، باور دارم، با همه اعتقاد و تا فرجام کارم. دلم در برابر دل شما، تسلیم است و کارم، در پی کار شماست و یاری ام، برای شما آماده است، تا خداوند به شما اذن دهد. من با شما هستم، نه با دشمنان شما. درودهای خدا بر شما، بر روح ها و پیکرهایتان، بر حاضر و غایبتان، و بر آشکار و نهانتان! آمین، ای پروردگار جهانیان! و دو رکعت نماز می خوانی و هر دعایی که دوست داشتی، می کنی و باز می گردی».

1- در الإقبال و مصباح الزائر، در این جا این افزوده آمده است: «ای مولای من! بنده خدا و زائر تو هستم . با شوق آمده ام . پس شفیع من به درگاه خدا باش . ای سرور من ! به جدّت ، سرور پیامبران ، و پدرت ، سرور وصیّان و مادرت، سرور زنان جهانیان، نزد خدا شفاعت می جویم» .

الإقبال: وَجَدْتُ لَهُذِهِ الزِّيَارَةَ وَدَاعَا يَخْتَصُّ بِهَا، وَهُوَ أَنْ تَقِفَ قُدَّامَ الصَّرِيحِ وَتَقُولَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الشَّهِيدَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ. أَتَيْتُكَ - يَا مَوْلَايَ - زَائِرًا وَإِدَا رَاغِبًا مُقَرًّا لَكَ بِالذُّنُوبِ، هَارِبًا إِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا، لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَرَمَكَ وَعَصَبَ حَقَّكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَعَوْتَهُ (1) فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعْنِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ أَبِيكَ وَأَخِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شَرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ، لَعْنَا كَثِيرًا يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا. «اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (2)، «وَسَدِّعِلْمَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (3)، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ وَارزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَحْيِيَّتُ يَا رَبِّ، وَإِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَأَمَّا زِيَارَةُ الْعَبَّاسِ ابْنِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَزِيَارَةُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مَوْلَانَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَرَوُهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ بِمَا قَدَّمْنَا مِنْ زِيَارَتِهِمْ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، وَإِنْ شَاءَ بَغَيْرِهَا مِنْ زِيَارَاتِهِمْ الْمَنْقُولَةِ عَنِ الْأَصْفِيَاءِ (4).

1- في مصباح الزائر: «دعاك» بدل «دعوته».

2- الزمر: 46.

3- الشعراء: 227.

4- الإقبال: ج 3 ص 103، مصباح الزائر: ص 290، بحار الأنوار: ج 101 ص 332 ذيل ح 2.

الإقبال: برای این زیارت (اربعین)، وداعی مخصوص آن یافتیم، و آن، این است که پیش روی ضریح می ایستی و می گویی: سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی، وصی پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان! سلام بر تو، ای وارث حسن پاک! سلام بر تو، ای حجت خدا در زمینش و گواه او بر خلقش! سلام بر تو، ای ابا عبد الله شهید! سلام بر تو، ای مولای من و فرزند مولای من! گواهی می دهم که نماز خواندی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و در راه خدا، جهاد کردی تا اجلت در رسید. گواهی می دهم که تو، بر دلیلی آشکار از جانب خدایت هستی. ای مولای من! با رغبت و اقرار به گناهانم نزد تو، به زیارت و مهمانی آمده ام. از گناهانم گریخته ام تا نزد خدایت، مرا شفاعت کنی. ای فرزند پیامبر خدا! خدا بر زنده و درگذشته تو، درود فرستد که تو نزد خدا، جایگاهی معلوم و شفاعتی مقبول داری. خداوند، لعنت کند کسی را که به تو ستم کرد! خداوند، لعنت کند کسی را که تو را محروم و حقت را غصب کرد! خداوند، لعنت کند کسی را که تو را کشت! خداوند، لعنت کند کسی را که تو را وا نهاد! خداوند، لعنت کند کسی را که او را فرا خواندی، اما تو را پاسخ نداد و یاری ات نکرد. خداوند، لعنت کند کسی را که تو را از حرم خدا (مکه) و حرم پیامبرش (مدینه) و حرم پدر و برادرت (کوفه) منع کرد! خداوند، لعنت کند کسی را که تو را از نوشیدن آب فرات، باز داشت؛ لعنتی فراوان و پی در پی. «خدایا! آفریدگار آسمان ها و زمین، دانای نهان و آشکار! تو میان بندگان در اختلاف هایشان، حکم می رانی»، «و ستمکاران، به زودی خواهند دانست که به کجا بازمی گردند». خدایا! این را آخرین زیارت من از ایشان، قرار مده و تا همیشه بودنم و زنده ماندنم، روزی ام ساز_ پروردگارا _، و اگر مردم، مرا در گروه او محشور کن، ای مهربان ترین مهربانان! و اما زیارت عباس فرزند مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام و زیارت شهیدان همراه مولایمان حسین علیه السلام. آنان را در این روز، با همان زیارتی که برای روز عاشورا آوردیم، زیارت می کنی. و اگر کسی خواست، با دیگر زیارت های نقل شده از برگزیدگان الهی، زیارت کند.

12 / 8 زيارة جابر بن عبد الله الأنصاري مصباح الزائر عن عطا: كُنت مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْ صَفَرٍ، فَلَمَّا وَصَلْنَا الْغَاضِرِيَّةَ (1) اغْتَسَلَ فِي شَرِيْعَتِهَا وَلَيْسَ فَمِيصًا كَانَ مَعَهُ طَاهِرًا، ثُمَّ قَالَ لِي: أَمَعَكَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْبِ (2) يَا عَطَا؟ قُلْتُ: مَعِيَ سَعْدٌ (3)، فَجَعَلَ مِنْهُ عَلَى رَأْسِهِ وَسَائِرِ جَسَدِهِ، ثُمَّ مَشَى حَافِيًا حَتَّى وَقَفَ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَبَّرَ ثَلَاثًا ثُمَّ خَرَّ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ، فَلَمَّا أَفَاقَ سَدَّ مِعْتَهُ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لِيُوثَ الْغَابَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ بَنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ بَنِ الْقَتِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اقْتَمَتِ الصَّلَاةُ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَبَرَرْتَ وَالِدِيكَ، وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيْبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيَّتِهِ، زُرْتُكَ مُشْتَاقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ، يَا سَدِّدِي أَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَدِّدِ النَّبِيِّينَ، وَبِأَبِيكَ سَدِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَبِأُمَّكَ سَدِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَظَالِمِيكَ وَشَانِيكَ وَمُبْغِضِيكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. ثُمَّ انْحَنَى عَلَى الْقَبْرِ وَمَرَّغَ خَدَّيْهِ عَلَيْهِ، وَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ جَاءَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ! لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمَكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّكُمْ. ثُمَّ قَبَّلَهُ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَالتَفَّتْ إِلَى قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شَيْعَةَ اللَّهِ وَشَيْعَةَ رَسُولِهِ وَشَيْعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ، جَمَعَنِي اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ تَحْتَ عَرْشِهِ. ثُمَّ جَاءَ إِلَى قَبْرِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَوَقَفَ عَلَيْهِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ لَقَدْ بِالْغَتِّ فِي النَّصِيحَةِ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَخِيكَ، فَصَلَّوْتُ اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ أَخٍ خَيْرًا. ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَدَعَا إِلَى اللَّهِ وَمَضَى. (4)

- 1- الغاضية: قرية من نواحي الكوفة قريبة من كربلاء (معجم البلدان: ج 4 ص 183) وراجع: الخريطة رقم 4 في آخر مجلد 5.
- 2- قال العلامة المجلسي قدس سره: هذا الخبر يدل على أن جابرا رضی الله عنهما كان يستحسن الطيب لزيارته عليه السلام، وقد مر في بعض الأخبار المنع عنه، ولا يبعد أن يحمل أخبار المنع على ما إذا كان المقصود منه التلذذ لا حرمة الروضة المقدسة وإكرامها وتطييبها (بحار الأنوار: ج 101 ص 330).
- 3- السعد: من الطيب (الصحيح: ج 2 ص 488 «سعد»).
- 4- مصباح الزائر: ص 286، بحار الأنوار: ج 101 ص 329 ح 1.

12 / 8 زیارت جابر بن عبد الله انصاری

مصباح الزائر_ به نقل از عطا_: روز بیستم ماه صفر، با جابر بن عبد الله بودم. هنگامی که به غاضریّه [در نزدیکی کربلا (1)] رسیدیم، در نهر آن، غسل کرد و لباس پاکی را که همراه داشت، به تن کرد و سپس به من گفت: ای عطا! آیا چیز خوش بو کننده ای با تو هست؟ (2) گفتم: آری. من سُدْعَد (گونه ای عطر) به همراه دارم. جابر، از آن بر سر و بقیّه بدنش زد و سپس، پابرنه رفت تا این که نزد سرِ امام حسین علیه السلام ایستاد و سه بار تکبیر گفت و سپس، مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، شنیدم که می گوید: سلام بر شما، ای خاندان خدا! سلام بر شما، ای برگزیدگان خدا! سلام بر شما، ای گزیدگان خدا از خلقش! سلام بر شما، ای سرور سروران! سلام بر شما، ای شیران بیشه ها! سلام بر شما، ای کشتی نجات! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای ابا عبد الله! سلام بر تو، ای وارث علم پیامبران! سلام بر تو، ای وارث آدم، برگزیده خدا! سلام بر تو، ای وارث نوح، پیامبر خدا! سلام بر تو، ای وارث ابراهیم، خلیل خدا! سلام بر تو، ای وارث اسماعیل، ذبیح خدا! سلام بر تو، ای وارث موسی، هم سخن خدا! سلام بر تو، ای وارث عیسی، روح خدا! سلام بر تو، ای فرزند محمد مصطفی! سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا! سلام بر تو، ای شهید، فرزند شهید! سلام بر تو، ای کشته شده، فرزند کشته شده! سلام بر تو، ای ولی خدا و فرزند ولی او! سلام بر تو، ای حجت خدا و فرزند حجت او بر خلقش! گواهی می دهم که تو، نماز خواندی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و به پدر و مادرت، نیکی کردی و با دشمنت، جهاد کردی. گواهی می دهم که سخن را می شنوی و پاسخ می دهی، و تو، حبیب خدا و خلیل او و نجیب او و برگزیده او و فرزند برگزیده اوئی. تو را با شوق، زیارت کردم. پس نزد خدا، شفیع باش. ای سرور من! به جدّت سرور پیامبران، نزد خداوند شفیع می جویم و نیز به پدرت، سرور وصیّان، و به مادرت، سرور زنان جهانیان. خداوند، قاتلان تو، ستمکاران بر تو، دشمنان تو و کینه توزان بر تو را از نخستین تا آخرین آنان، لعنت کند! سپس، بر روی قبر، خم شد و گونه هایش را بر آن سایید و چهار رکعت، نماز خواند. سپس به نزد قبر علی اکبر علیه السلام آمد و گفت: سلام بر تو، ای مولای من و فرزند مولای من! خداوند، قاتلت را لعنت کند! خداوند، ستمکار بر تو را لعنت کند! با محبت شما، به خدا تقرب می جویم و از دشمنتان، به خداوند، بیزاری می جویم. آن گاه، آن را بوسید و دو رکعت نماز خواند و به قبور شهیدان، رو کرد و گفت: سلام بر روح های بنشسته بر کنار قبر ابا عبد الله! سلام بر شما، ای پیروان خدا و پیروان پیامبرش و پیروان امیر مؤمنان و حسن و حسین! سلام بر شما، ای پاکان! سلام بر شما، ای هدایت شدگان! سلام بر شما، ای نیکوکاران! سلام بر شما و فرشتگان گرداگرد قبرهایتان! خداوند، من و شما را در جایگاه رحمتش در زیر عرش خود، گرد هم آورد. سپس به نزد قبر عباس فرزند امیر مؤمنان علیه السلام آمد و بر سر قبر ایستاد و گفت: سلام بر تو، ای ابو القاسم! سلام بر تو، ای عباس بن علی! سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان! گواهی می دهم که تو در خیر خواهی، کوشیدی و امانت را پرداختی و با دشمنت و دشمن برادرت، جهاد کردی. دروهای خدا، بر روح پاکت باد و خدا از جانب برادرت، به تو جزای خیر دهد. سپس، دو رکعت نماز خواند و به درگاه خدا، دعا کرد و روانه شد.

1- ر. ک: نقشه شماره 4 در پایان جلد 5.

2- علامه مجلسی گفته است: این روایت، بر آن دلالت دارد که جابر، عطر زدن برای زیارت امام علیه السلام را نیکو می شمرده است، در حالی که در برخی اخبار، منع آن گذشت، و دور نیست که اخبار منع را بر جایی حمل کنیم که مقصود، لذت جویی است، نه حرمت نهادن به روضه مقدّس امام علیه السلام و بزرگداشت و خوش بو کردن آن.

بشارة المصطفى عن عطية العوفي: خَرَجْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ زَائِرِينَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا وَرَدْنَا كَرْبَلَاءَ دَنَا جَابِرٌ مِنْ شَاطِئِ الْفُرَاتِ فَاعْتَسَلَ، ثُمَّ اتَّرَرَ بِإِزَارٍ وَارْتَدَى بِأَخْرَ، ثُمَّ فَتَحَ صُرَّةً فِيهَا سَعْدٌ فَنَثَرَهَا عَلَى بَدَنِهِ، ثُمَّ لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى، حَتَّى إِذَا دَنَا مِنَ الْقَبْرِ قَالَ: أَلْمَسْنِيهِ فَأَلْمَسْتُهُ، فَخَرَّ عَلَى الْقَبْرِ مَغْشِيًا عَلَيْهِ، فَرَشَّشْتُ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمَاءِ، فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ: يَا حُسَيْنُ - ثَلَاثًا - ثُمَّ قَالَ: حَبِيبٌ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ. ثُمَّ قَالَ: وَآتَى لَكَ بِالْجَوَابِ وَقَدْ شَدَّ حَطَّتْ أوداجُكَ عَلَى أَثْبَاحِكَ (1)، وَفَرَّقَ بَيْنَ بَدَنِكَ وَرَأْسِكَ، فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَابْنُ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنُ حَلِيفِ النَّقْوَى؛ وَسَدِّ لَيْلِ الْهُدَى، وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، وَابْنُ سَيِّدِ النَّقَبَاءِ (2)، وَابْنُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ، وَمَا لَكَ لَا تَكُونُ هَكَذَا وَقَدْ عَدَّتْكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَرُيِّتَ فِي حِجْرِ الْمُتَّقِينَ، وَرَضَعَتْ مِنْ نَدَى الْإِيمَانِ، وَفُطِمَتْ بِالْإِسْلَامِ (3)، فَطَبَّتْ حَيَا وَطَبَّتْ مَيِّتًا، غَيْرَ أَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ طَيِّبَةٍ لِإِفْرَاقِكَ، وَلَا شَاكَّةٍ فِي الْخَيْرَةِ لَكَ، فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَى عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ أَخُوكَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا. ثُمَّ جَالَ بِبَصَرِهِ حَوْلَ الْقَبْرِ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَاءِ الْحُسَيْنِ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِينَ، وَعَبَدْتُمُ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ، وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيهَا دَخَلْتُمْ فِيهِ. قَالَ عَطِيَّةٌ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا جَابِرُ، كَيْفَ لَمْ نَهَبِطْ وَادِيَا وَلَمْ نَعْلُ جَبَلًا وَلَمْ نَضْرِبْ بِسَيْفٍ، وَالْقَوْمُ قَدْ فَرَّقَ بَيْنَ رُؤُوسِهِمْ وَأَبْدَانِهِمْ، وَأَوْتَمَّتْ أَوْلَادُهُمْ وَأُرْمِلَتْ أَزْوَاجُهُمْ؟ فَقَالَ: يَا عَطِيَّةُ، سَدَّعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُبًّا مَعَهُمْ، وَمَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمًا أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ، وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا، إِنَّ نَبِيَّتِي وَنَبِيَّةَ أَصْحَابِي عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ، خُذْنِي نَحْوَ آيَاتِ كُوفَانَ. فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ قَالَ: يَا عَطِيَّةُ هَلْ أَوْصِيكَ؟ - وَمَا أَظُنُّ أَنَّي بَعْدَ هَذِهِ السَّفَرَةِ مُلَاقِيكَ - أَحِبِّ مَحَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَحَبَّهُمْ، وَأَبْغِضْ مُبْغِضَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا أَبْغَضَهُمْ وَإِنْ كَانَ صَوَامًا قَوْمًا، وَارْفُقْ بِمُحَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ تَزَلَّ لَهُ قَدَمٌ بِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ ثَبَّتَ لَهُ أُخْرَى بِمُحَبَّتِهِمْ؛ فَإِنَّ مَحَبَّتَهُمْ يَعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمُبْغِضَتُهُمْ يَعُودُ إِلَى النَّارِ. (4)

1- قال العلامة المجلسي قدس سره: قوله عليه السلام: «وقد شحطت» بكسر الحاء على بناء المجرد من الشحط وهو الاضطراب في الدم، أو على بناء المجهول من باب التفعيل يقال: شحطه تشحيطاً ضرجه بالدم فتشحط تضرج به واضطرب فيه، وعلى التقديرين تعديته بعلى لتضمين معنى الصب، والأظهر شحبت بالخاء المعجمة المفتوحة والباء الموحدة كما في بعض النسخ. والشخب السيلان، وقد ورد مثله في الحديث كثيرا كقوله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ المَقْتُولَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُودَاجُهُ تَشْخَبُ دَمَا». والأوداج هي ما أحاط بالعنق من العروق التي يقطعها الذابح، وقيل: الودجان عرقان غليظان عن جانبي ثغرة النحر. والشخب: الوسط وما بين الكاهل إلى الظهر، والجمع باعتبار الأجزاء (بحار الأنوار: ج 101 ص 197).

2- التُّقْبَاءُ: جمع نقيب؛ وهو كالعريف على القوم المقدم عليهم، الذي يتعرّف أخبارهم (النهاية: ج 5 ص 101 «نقب»).

3- قال العلامة المجلسي قدس سره: قوله عليه السلام: «وفطمت بالإسلام» كناية عن سبق الإسلام واستقراره فيه بأن كان عند الفطام مغدّى بالإيمان والإسلام (بحار الأنوار: ج 101 ص 197).

4- بشارة المصطفى: ص 74، بحار الأنوار: ج 101 ص 195 ح 31.

بشارة المصطفى_ به نقل از عطیّه عوفی_ : با جابر بن عبد الله انصاری ، به قصد زیارت قبر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام بیرون آمدم . هنگام ورود به کربلا ، جابر در رود فرات ، غسل کرد و لنگی را به خود بست و لنگی را نیز بر دوش انداخت و سپس ، کیسه ای را که در آن عطر بود ، گشود و بر بدنش افشاند و گامی نهاد ، جز آن که خدای متعال را یاد کرد تا نزدیک قبر رسید و گفت : [دست] مرا بگیر ! گرفتم و او مدهوش ، روی قبر افتاد . چند قطره ای آب بر او پاشیدم . چون به هوش آمد ، سه بار گفت : ای حسین ! سپس گفت : دوست ، پاسخ دوستش را نمی دهد؟! آن گاه گفت : و چگونه پاسخ دهی ، در حالی که خون رگ های گلویت ، تا پایین گردنت رسیده است و سرت را از بدنت جدا کرده اند؟ گواهی می دهم که تو ، فرزند خاتم پیامبران و فرزند سرور مؤمنان و فرزند همدوش پرهیزگاری هستی . تو ، از تبار هدایت و پنجمین اصحاب کسا و فرزند سرور نقیبان و فرزند فاطمه ، سرور زنان هستی ؛ و چرا چنین نباشی که سرور فرستادگان ، تو را تغذیه کرده است و در دامان پرهیزگاران ، پرورش یافته ای و از سینه ایمان ، شیر خورده ای و با اسلام ، از شیر ، باز گرفته شده ای . پاک زیستی و پاک در گذشتی ، جز آن که دل های مؤمنان ، از فراق ، خوش نیست ، هر چند در خیر خواسته شده برای تو ، تردیدی نیست . سلام و خشنودی خدا بر تو باد ! گواهی می دهم که تو ، بر همان روانه شدی که برادرت یحیی بن زکریا ، روانه شد . سپس ، نگاهی به گرداگرد قبر انداخت و گفت : سلام بر شما روح هایی که به گرد حسین ، فرود آمده اید و در کنار او نشسته اید ! گواهی می دهم که شما ، نماز خواندید و زکات دادید و امر به معروف و نهی از منکر کردید ، با ملحدان جنگیدید و خدا را پرستیدید تا اجلتان در رسید . سوگند به آن که محمد را به حق به پیامبری برانگیخت ، ما با شما در آنچه به آن در آمده اید ، شریکیم . عطیّه می گوید : به او گفتم : ای جابر ! چگونه شریک هستیم ، در حالی که نه به دشتی در آمدیم ، نه از کوهی بالا- رفتیم و نه شمشیری زدیم ، حال آن که اینان ، سرشان از پیکرشان جدا شده و فرزندانشان یتیم گشته و همسرانشان بیوه شده اند ؟ گفت : ای عطیّه ! شنیدم که حبیب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : « هر کس ، گروهی را دوست بدارد ، با آنان محشور می شود و هر کس ، کردار گروهی را دوست بدارد ، در کردارشان شریک است » . سوگند به خدایی که محمد را به حق به پیامبری برانگیخت ، نیت من و همراهانم ، بر همان است که حسین علیه السلام و همراهانشان رفته اند ! مرا به سوی خانه های کوفه ببر . [عطیّه می گوید :] هنگامی که بخشی از راه را آمدیم ، جابر گفت : ای عطیّه ! به تو سفارشی بکنم که گمان ندارم دیگر ، پس از این سفر ، تو را ببینم ؟ دوستدار خاندان محمد را دوست بدار ، هر اندازه که ایشان را دوست دارد ، و دشمن خاندان محمد را دشمن بدار ، تا زمانی که آنها را دشمن دارد ، هر چند که روزه دار و شب زنده دار باشد . با دوستدار محمد و خاندان محمد ، همراه باش که اگر به خاطر گناه فراوانش ، یک پایش بلغزد ، پای دیگرش به خاطر محبت به آنان ، استوار می ماند . دوستدار ایشان ، به بهشت باز می گردد و دشمن ایشان ، به آتش .

12 / 9 فضلُ زيارته في شهر رَجَبِتهذيب الأحكام عن بشير الدهان عن جعفر بن محمد [الصادق] عليه السلام: مَنْ زارَ قَبْرَ الحُسَيْنِ عليه السلام أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ البَّتَّةَ . (1)

1- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 48 ح 107 ، المزار للمفيد : ص 39 ح 1 ، كامل الزيارات : ص 339 ح 570 ، المزار الكبير : ص 345 ح 1 ، مصباح المتهجد : ص 801 ، الإقبال : ج 3 ص 219 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 97 ح 21 .

12 / 9 ثواب زیارت امام علیه السلام در ماه رجب

تهذیب الأحكام_ به نقل از بشیر دَهَّان ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس قبر حسین علیه السلام را در نخستین روز ماه رجب زیارت کند ، خداوند ، حتما او را می آمرزد .

تهذيب الأحكام عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام: في أي شهر نَزُرُ الحُسينَ عليه السلام؟ فقال: في النصفِ من رَجَبٍ والنَّصفِ من شَعْبَانَ. (1)

مستدرک الوسائل عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام عن فضل زيارة النصف من رَجَبٍ وشَعْبَانَ؛ فأورد من الثواب والأجر ما لا نهاية له ولا حد. (2)

12 / 10 زيارته في أول رَجَبٍ لإقبال: إن هذه الزيارة مما يُزارُ بها الحُسنُ على السلام أول رَجَبٍ أيضا (3) وإنما أحرنا ذكرها في هذه الليلة [النصف من شَعْبَانَ] لأنها أعظم، فدكرناها في الأشرف من المكان. وهي: ... إذا أردت ذلك فَاغْتَسِلْ وَالبَسِ أَطَهَرَ ثِيَابِكَ، وقف على باب قُبَّتِهِ عليه السلام مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ، وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ، وَعَلَيْهِ وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. ثُمَّ ادْخُلْ وَقفْ عِنْدَ ضَرْحِهِ، وَكَبِّرِ اللَّهُ تَعَالَى مِئَةَ مَرَّةٍ وَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَابْنَ حَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ وَابْنَ سَفِيرِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خازِنَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِيَّةَ (4) عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ وَالْوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرِحْلِكَ. يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَلَّتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا. يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ! أَشْهَدُ لَقَدْ اقْتَسَمَتْ لِدِمَائِكُمْ أَظْلَمَةُ الْعَرْشِ مَعَ أَظْلَمَةِ الْخَلَائِقِ، وَبَكَتْكُمْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، وَسُكَّانُ الْجَنَانِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ، لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ، إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِصْرَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمِعِي وَبَصَرِي، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا. أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ، فَطَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادَ، وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ فِيهَا وَطَهَّرْتَ حَرَمَكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا، وَأَنَّكَ صَادِقٌ صِدْقٌ صِدْقٌ صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَأَنَّكَ نَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ وَعَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ وَعَنْ أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَنَصَّحْتَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرَ جَزَاءِ السَّابِقِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَقفْ عَلَيْهِ وَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الطَّيِّبُ الرَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ، وَابْنَ رِيحَانَةِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدِ مُحْتَسِبٍ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، مَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ وَأَجَزَلَ ثَوَابَكَ، وَالْحَقَّكَ بِالذُّرَّةِ الْعَالِيَةِ حَيْثُ الشَّرْفُ كُلُّ الشَّرْفِ، وَفِي الْغُرْفِ كَمَا مَنْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ، فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ فِي حَطِّ الْأَنْقَالِ عَنْ ظَهْرِي وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي، وَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي لَكَ وَلِلْسَيِّدِ أَبِيكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا. ثُمَّ انْكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ: زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ كَمَا شَرَّفَكُمْ فِي الدُّنْيَا، وَأَسْعَدَكُمْ كَمَا أَسْعَدَ بِكُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ وَنُجُومُ الْعَالَمِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَى الشَّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، وَقُلَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ ، وَأَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ ، وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَأَنْصَارَ الْإِسْلَامِ ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَّحْتُمْ لِلَّهِ وَجَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ ، فُرْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ الشَّهَدَاءُ وَالشَّعَدَاءُ ، وَأَنْكُمْ الْفَائِزُونَ فِي دَرَجَاتِ الْعُلَى ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ عُدَّ إِلَى الرَّأْسِ فَصَلَّ صَلَاةَ الزِّيَارَةِ ، وَادْعُ لِنَفْسِكَ وَلِوَالِدَيْكَ وَلَا عِوَانِكَ . [6] ثُمَّ امْضِ وَقِفْ عَلَى ضَرْبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (7) مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَقُلْ : السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ ، وَالسَّلَامُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ أَهْلِ طَاعَتِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلَمٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ . صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَيْبِكَ إِذْ قَالَ فِيكَ : قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُواكَ يَا بُنَيَّ ، مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَعَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ ! عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا (8) . أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ حُجَّةِ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ ، حَكَمَ اللَّهُ عَلَى قَاتِلِكَ وَأَصْلَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ، وَجَعَلْنَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ مُلَاقِيكَ وَمُرَافِقِيكَ ، وَمُرَافِقِي جَدِّكَ وَأَيْبِكَ وَعَمَّكَ وَأَخِيكَ وَأُمَّكَ الْمَظْلُومَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِكَ ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ مُرَافَقَتَكُمْ فِي دَارِ الْخُلُودِ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (9) . السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (10) ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ (11) ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (12) . السَّلَامُ عَلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ (13) ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ بْنِ الْحَسَنِ (14) ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ (15) . السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ عَقِيلٍ ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَقِيلٍ ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمٍ (16) ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعْدِ بْنِ عَقِيلٍ (17) ، السَّلَامُ عَلَى عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (18) . السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الْمُصْطَفَى ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الشُّكْرِ وَالرِّضَى . السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَرِجَالَهُ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْبَلْوَى وَالْمُجَاهِدِينَ عَلَى بَصِيرَةٍ فِي سَبِيلِهِ ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَكَايِنَ مَنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (19) . فَمَا ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقَيْتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَنَصْرِهِ وَكَلِمَةِ اللَّهِ التَّامَّةِ . صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا ، وَفُرْتُمْ وَاللَّهُ لَوَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا ، أَبْشِرُوا بِمَوَاعِيدِ اللَّهِ الَّتِي لَا خُلْفَ لَهَا إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ . أَشْهَدُ أَنْكُمْ التَّجْبَاءُ وَسَادَةُ الشَّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَشْهَدُ أَنْكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ ، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُجَاهِدُونَ ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعَدَهُ وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ التَّبَتَّ فَسَلَّمَ عَلَى الشَّهَدَاءِ فَقُلْ : السَّلَامُ عَلَى سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى حُرِّ بْنِ يَزِيدَ الرَّيَّاحِيِّ (20) ، السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرٍ ، السَّلَامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ ، السَّلَامُ عَلَى عُقْبَةَ بْنِ سَمْعَانَ ، السَّلَامُ عَلَى بُرَيْرِ بْنِ خُضَيْرٍ ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرٍ . السَّلَامُ عَلَى نَافِعِ بْنِ هِلَالٍ ، السَّلَامُ عَلَى مُنْذِرِ بْنِ الْمُفْضَلِ الْجُعْفِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى عَمْرٍو بْنِ قُرْظَةَ الْأَنْصَارِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي ثَمَامَةَ الصَّائِدِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى جَوْنِ مَوْلَى أَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَعَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ عُرْوَةَ ، السَّلَامُ عَلَى سَيْفِ بْنِ الْحَارِثِ ، السَّلَامُ عَلَى مَالِكِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَارِثِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى حَنْظَلَةَ بْنِ أَسْعَدِ الشُّبَامِيِّ (21) . السَّلَامُ عَلَى قَاسِمِ بْنِ الْحَارِثِ الْكَاهِلِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى بِشْرِ بْنِ عَمْرِو بْنِ خَلْفٍ وَسَعِيدِ مَوْلَاهُ ، السَّلَامُ عَلَى حَسَّانِ بْنِ الْحَارِثِ (24) . السَّلَامُ عَلَى مُجَمَّعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مَسْرُوقِ الْجُعْفِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى عَمْرٍو بْنِ خَلْفٍ وَسَعِيدِ مَوْلَاهُ ، السَّلَامُ عَلَى حَسَّانِ بْنِ الْحَارِثِ (24) . السَّلَامُ عَلَى مُجَمَّعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَائِذِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى نُعَيْمِ بْنِ عَجَلَانَ ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَزِيدَ ، السَّلَامُ عَلَى عُمَرَ بْنِ أَبِي كَعْبٍ (25) . السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ عَوْفِ الْحَضْرَمِيِّ (26) ، السَّلَامُ عَلَى قَيْسِ بْنِ مُسَهْرِ الصَّيْدَاوِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ فَرَوَةَ الْغِفَارِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى غَيْلَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، السَّلَامُ عَلَى قَيْسِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَمْدَانِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى عُمَيْرِ بْنِ كِنَادٍ (27) ، السَّلَامُ عَلَى جَبَلَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (28) ، السَّلَامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ كِنَادٍ . السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَزْدِيِّ (29) ، السَّلَامُ عَلَى حَمَادِ بْنِ حَمَادِ الْمُرَادِيِّ ، السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ وَمَوْلَاهُ مُسْلِمٍ ، السَّلَامُ عَلَى بَدْرِ بْنِ رَقِيطٍ وَإِبْنَيْهِ عَبْدِ اللَّهِ وَعُبَيْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى رُمَيْثِ بْنِ عُمَرَ (30) ، السَّلَامُ عَلَى سَفْيَانَ بْنِ مَالِكٍ ، السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ سَيَّارٍ

(31). السَّلَامُ عَلَى قَاسِمِ طِ وَكَرِشِ ابْنِي زُهَيْرٍ، السَّلَامُ عَلَى كِنَانَةَ بْنِ عَتِيقٍ، السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ مَالِكٍ، السَّلَامُ عَلَى مَنِيْعِ بْنِ زِيَادٍ، السَّلَامُ عَلَى نُعْمَانَ بْنِ عَمْرٍو. السَّلَامُ عَلَى جُلَاسِ (32) بْنِ عَمْرٍو، السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ جُلَيْدَةَ، السَّلَامُ عَلَى زَانِدَةَ بْنِ مُهَاجِرٍ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّهْشَلِيِّ (33)، السَّلَامُ عَلَى حَجَّاجِ بْنِ يَزِيدِ (34)، السَّلَامُ عَلَى جُوَيْرِ بْنِ مَالِكِ (35). السَّلَامُ عَلَى ضُبَيْعَةَ بْنِ عَمْرٍو، السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ بَشِيرٍ، السَّلَامُ عَلَى مَسْعُودِ بْنِ الْحَجَّاجِ، السَّلَامُ عَلَى عَمَّارِ بْنِ حَسَّانَ، السَّلَامُ عَلَى جُنْدَبِ بْنِ حُجَّيْرٍ، السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ كَثِيرٍ، السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ سُلَيْمَانَ (36)، السَّلَامُ عَلَى قَاسِمِ بْنِ حَبِيبِ (37). السَّلَامُ عَلَى أَنَسِ بْنِ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ (38)، السَّلَامُ عَلَى ضَرَّغَمَةَ بْنِ مَالِكِ، السَّلَامُ عَلَى زَاهِرِ مَوْلَى عَمْرٍو بْنِ الْحَمِقِ، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَقْطَرِ رَضِيْعِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى مُنَجِّحِ مَوْلَى الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى سُويْدِ مَوْلَى شَاكِرِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّائِيُونَ، أَنْتُمْ خَيْرَةُ اللَّهِ، اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَنْتُمْ خَاصَّتُهُ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى الدُّعَاءِ إِلَى الْحَقِّ، وَنَصَّرْتُمْ وَوَفَيْتُمْ وَبَدَلْتُمْ مُهَجَّكُمْ مَعَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْتُمْ سُعْدَاءُ سَعِدْتُمْ وَفُزْتُمْ بِالذَّرَجَاتِ. فَجَزَاكُمْ اللَّهُ مِنْ أَعْوَانٍ وَإِخْوَانٍ خَيْرَ مَا جَازَى مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، هَنِيئًا لَكُمْ مَا أَعْطَيْتُمْ وَهَنِيئًا لَكُمْ بِمَا حُبَيْتُمْ (39)، طَافَتْ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ الرَّحْمَةُ وَبَلَّغْتُمْ بِهَا شَرَفَ الْآخِرَةِ (40). بيان قال السيد ابن طاووس رحمه الله: قد تقدّم عدد الشهداء في زيارة عاشوراء برواية تخالف ما سطرناه في هذا المكان، ويختلف في أسمائهم أيضا وفي الزيادة والنقصان، وينبغي أن تعرف _أيّدك الله بتقواه_ أننا تبعنا في ذلك ما رأيناه أو روينا وتقلنا في كلّ موضع كما وجدناه. فإذا فرغت _وقفتك الله_ ممّا ذكرناه، فعد إلى عند رأس الحسين عليه السلام فصلّ صلاة الزيارة وما بدا لك من الصلوات، وأكثر لنفسك ولوالديك ولإخوانك من الدعاء؛ فإنّه يستجاب إن شاء الله تعالى، فإذا أردت وداعه صلوات الله عليه فودّعه ببعض وداعاته المذكورة عقيب ما قدّمناه من زيارته. (41)

- 1- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 48 ح 108، المزار للمفيد: ص 40 ح 1، كامل الزيارات: ص 339 ح 568، المزار الكبير: ص 346 ح 2، مصباح المتهدّد: ص 807 وفيه «تزور» بدل «نزور»، الإقبال: ج 3 ص 236، بحار الأنوار: ج 101 ص 96 ح 14.
- 2- مستدرک الوسائل: ج 10 ص 287 ح 12029 نقلاً عن زوائد الفوائد.
- 3- على أساس ذلك قد سمّاه العلماء «بالزيارة الرّجبيّة».
- 4- المراد من العيبة هنا هو الوعاء. وهي في الأصل وعاءٌ من آدم يكون فيه المتاع (راجع: تاج العروس: ج 2 ص 270 «عيب»).
- 5- أورد الكفعمي الزيارة في المصباح إلى هنا، ثمّ قال: «وزر عليّ بن الحسين والشهداء والعبّاس عليهم السلام بما يأتي ذكره في زيارة عرفة إن شاء الله تعالى».
- 6- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار: ج 101 ص 337 ح 1، وكذلك في المزار للشهيد الأوّل: ص 145.
- 7- في المزار للشهيد الأوّل: «زيارة أخرى لعلّي بن الحسين عليه السلام وسائر الشهداء على التفصيل، فإذا أردت ذلك فقف على ضريح عليّ بن الحسين عليه السلام...» بدل «ثمّ امض وقف على ضريح عليّ بن الحسين عليه السلام...».
- 8- العفّاء: الدُّروس والهلاک (الصّحاح: ج 6 ص 2431 «عفا»).
- 9- زاد في المزار للشهيد الأوّل هنا: «السلام على عبد الله بن الحسين الطفل الرضيع، لعن الله راميّه حرمله بن كاهل الأسدي وذويه».
- 10- زاد في المزار للشهيد الأوّل وبحار الأنوار هنا: «السَّلَامُ عَلَى عبيدالله بن أمير المؤمنين».
- 11- في المزار للشهيد الأوّل: «أبي بكر محمّد».
- 12- ليس في بحار الأنوار: «السَّلَامُ عَلَى عبدالله بن أمير المؤمنين... عثمان بن أمير المؤمنين».
- 13- ليس في بحار الأنوار: «السَّلَامُ عَلَى القاسم بن الحسن».
- 14- ليس في المزار للشهيد الأوّل: «السَّلَامُ عَلَى أبي بكر بن الحسن».

- 15- زاد في المزار للشهيد الأول هنا : «السَّلَامُ على عبيدالله بن الحسن» ، وفي بحار الأنوار «السَّلَامُ على عبدالله بن الحسين» .
- 16- في المزار للشهيد الأول : «عبدالله بن عقيل» .
- 17- في مصباح الزائر وبحار الأنوار : «مُحَمَّد بن أبي سعيد بن عقيل» .
- 18- زاد في مصباح الزائر والمزار للشهيد الأول هنا : «السَّلَامُ على عبدالله بن مسلم بن عقيل» .
- 19- آل عمران : 146 .
- 20- وفي مصباح الزائر وبحار الأنوار : «جرير بن يزيد الرياحي» بالإضافة إلى «حرّ بن يزيد الرياحي».
- 21- وفي مصباح الزائر «الشامي» بدل «الشبامي».
- 22- وفي مصباح الزائر والمزار للشهيد الأول وبحار الأنوار : «بشير بن عمرو الحضرمي» .
- 23- وفي المزار للشهيد الأول : «عابس بن أبي شبيب الشاكري» .
- 24- وفي مصباح الزائر والمزار للشهيد الأول وبحار الأنوار : «حَيَّان بن الحارث» .
- 25- وفي المزار للشهيد الأول : «عمران بن كعب الأنصاري» وفي نسخة «عمرو...» .
- 26- وفي بحار الأنوار : «سليمان بن عون الحضرمي» .
- 27- وفي مصباح الزائر وبحار الأنوار «عمر» بدل «عمير».
- 28- وفي المزار للشهيد الأول : «جبلّة بن علي الشيباني» .
- 29- وفي المزار للشهيد الأول : «سلمان بن سليمان الأزدي» .
- 30- وفي مصباح الزائر وبحار الأنوار : «رميث بن عمرو» .
- 31- وفي المزار للشهيد الأول «زهير بن سياب» وفي نسخة «زهير بن سائب» وفي بحار الأنوار : «زهير بن سائب» .
- 32- وفي المزار للشهيد الأول : «الحلاس بن عمرو» .
- 33- وفي مصباح الزائر والمزار للشهيد الأول وبحار الأنوار : «شبيب بن عبدالله النهشلي» .
- 34- وفي المزار للشهيد الأول : «الحجّاج بن بدر» وفي نسخة «الحجّاج بن زيد السعدي».
- 35- وفي المزار للشهيد الأول : «جوين بن مالك» .
- 36- وفي مصباح الزائر وبحار الأنوار : «زهير بن سلمان» وفي المزار للشهيد الأول «زهير بن سليم» وفي نسخة «زهير بن سلمان».
- 37- وزاد في المزار للشهيد الأول هنا : «السَّلَامُ على أنس بن كثير» .
- 38- وزاد في مصباح الزائر والمزار للشهيد الأول وبحار الأنوار هنا : «السَّلَامُ على الحرّ بن يزيد الرياحي» .
- 39- في المصدر : «حَيِّتَم» ، والتصويب من مصباح الزائر وبحار الأنوار .
- 40- الإقبال : ج 3 ص 341 ، مصباح الزائر : ص 291 ، المزار للشهيد الأول : ص 142 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 336 ح 1 وراجع : المصباح للكفعمي : ص 651 .
- 41- مصباح الزائر : ص 299 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 341 .

تهذيب الأحكام_ به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی_ : از امام رضا علیه السلام پرسیدم : در چه ماهی حسین علیه السلام را زیارت کنیم ؟ فرمود : «در نیمه رجب و نیمه شعبان» .

مستدرک الوسائل_ به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی_ : از امام رضا علیه السلام در باره فضیلت زیارت نیمه رجب و شعبان پرسیدم . آن قدر پاداش و اجر شمرد که حدّ و مرز ندارد .

12 / 10 زیارت امام علیه السلام در اول رجب

الإقبال: این زیارت نیز از زیارت هایی است که امام حسین علیه السلام را در اول رجب (1) با آن زیارت می کنند و ما از آن رو، این زیارت را در نیمه شعبان آوردیم و در ماه رجب نیاوردیم ؛ چون اهمیت نیمه شعبان ، بیشتر است و ما آن را در مکان افضل آوردیم . متن آن ، چنین است : ... هنگامی که خواستی زیارت کنی ، غسل کن و پاک ترین لباس هایت را بپوش و بر درگاه گنبدش ، رو به قبله بایست و بر سرورمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بر امیر مؤمنان ، فاطمه و حسن علیهم السلام ، و بر او و امامان از نسل او_ که دروهای خدا بر او و بر همه ایشان باد _ ، سلام بده و سپس ، وارد شو و نزد ضریحش بایست و خدای متعال را صد مرتبه بزرگ بدار (صد تکبیر بگو) و بگو : سلام بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای فرزند خاتم پیامبران ! سلام بر تو ، ای فرزند سرور فرستادگان ! سلام بر تو ، ای فرزند سرور وصیّان ! سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام بر تو ، ای حسین بن علی ! سلام بر تو ، ای فرزند فاطمه ، سرور زنان جهانیان ! سلام بر تو ، ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ او ! سلام بر تو ، ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او ! سلام بر تو ، ای حجّت خدا و فرزند حجّت او ! سلام بر تو ، ای حبیب خدا و فرزند حبیب او ! سلام بر تو ، ای سفیر خدا و فرزند سفیر او ! سلام بر تو ای نگه دارنده کتاب نوشته شده ! سلام بر تو ، ای وارث تورات و انجیل و زبور ! سلام بر تو ، ای امین رحمان ! سلام بر تو ، ای شریک قرآن ! سلام بر تو ، ای ستون دین ! سلام بر تو ، ای در حکمت خدای جهانیان ! سلام بر تو ، ای صندوق علم الهی ! سلام بر تو ، ای جایگاه راز خدا ! سلام بر تو ، ای خون طلبیده خدا و فرزند خون طلبیده او و ای خون انتقام نا گرفته ! سلام بر تو و بر جان هایی که به گرد تو جای گرفتند و کنار تو فرود آمدند ! پدر و مادر و جانم فدایت باد ، ای ابا عبد الله ! مصیبت تو ، بر ما بزرگ است و سوگت بر ما و همه اهل اسلام ، سنگین است . خداوند ، کسانی را که بنیان ظلم و ستم را بر شما اهل بیت پی نهادند ، لعنت کند ! خداوند ، کسانی را که شما را از جایگاهتان راندند و از مرتبتی که خدا در آن جایتان داده بود ، برکنار کردند ، لعنت کند ! پدر و مادر و جانم فدایت باد ، ای ابا عبد الله ! گواهی می دهم که سایه بان های عرش ، همراه سایه بان های مردم ، از خون های شما بر خود لرزید و آسمان و زمین ، و ساکنان بهشت و خشکی و دریا ، بر شما گریستند . خدا بر شما به عدد آنچه در علم اوست ، درود فرستد . ای دعوتگر خدا ! من آماده ام ، آماده . اگر پیکرم به هنگام یاری خواهی ات و زبانم به گاه کمک خواستنت ، پاسخت را نداد ؛ اما دل و گوش و دیده ام ، به تو پاسخ می دهد . منزّه است پروردگار ما ! بی تردید ، وعده پروردگار ما ، [محقق] شدنی است . گواهی می دهم که تو ، پاکیزه ، پاک و پاکیزه شده ای و از پاک و پاکیزه و پاکیزه شده هستی . سرزمین ها ، با تو پاک شد . زمینی که تو در آن هستی ، به سبب تو ، پاک است و حرمت ، پاکیزه است . گواهی می دهم که تو ، به عدالت و دادگری فرمان دادی و به آن ، فرا خواندی . تو ، راستگو و صدیقی و در آنچه که به آن فرا خواندی ، راست گفتی . تو ، خون طلب شده خدا در زمین هستی . گواهی می دهم که تو [آنچه را که گفتی] از طرف خدا و جدّت پیامبر خدا و پدرت امیر مؤمنان و برادرت حسن ، ابلاغ کردی و در راه خدا ، خیر خواهی و جهاد کردی و خدا را مخلصانه ، عبادت کردی تا اجلت در رسید ، و خدا ، به تو بهترین جزای پیشتانان [در راه حق] را بدهد و بر تو ، درود و سلام فراوان بفرستد . خدایا ! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و بر حسین مظلوم ، شهید ، هدایت یافته ، کشته اشک ها و اسیر غم ها ، درود فرست ؛ درودی بالنده ، پاکیزه و مبارک ، که آغاز آن تا آسمان ، اوج گیرد ، بی آن که انجامش

پایان پذیرد، برترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران و فرستادگانت می فرستی، ای خدای جهانیان! سپس، ضریح را ببوس (2) و گونه راست و چپت را بر آن بگذار و گرد ضریح بچرخ و از چهارسو، آن را ببوس. شیخ مفید، گفته است: سپس به سوی ضریح علی اکبر علیه السلام برو و نزد سرش بایست و بگو: سلام بر تو، ای صدیق پاک و پاکیزه، دوست نزدیک خدا، فرزند ریحانه پیامبر خدا! سلام بر تو، ای شهیدی که برای جلب رضایت خدا شهید شدی، و نیز رحمت خدا و برکات او! جایگاهت بسی والا و بازگشتگاهت، شریف است. گواهی می دهم که خداوند، کوششت را ارج نهاد و پاداشت را فراوان قرار داد و تو را به بالاترین قلّه های شرف و افتخار و در غرّفه هایی که بر تو منت نهاد. همان گونه که پیش از این بر تو منت نهاده بود، ملحق ساخت، و تو را از خاندانی که آلودگی را از آنان زدود و پاک و پاکیزه شان ساخت، قرار داد. درودها و رحمت و برکات و رضوان خدا بر تو باد! ای سرور پاک! در درگاه خدایت، در برداشتن بارهای سنگین گناه از پشتم و سبک بار کردن من، شفیع باش. بر خواری و فروتنی ام در برابر تو و سرور [همگان] پدرت. که خدا بر شما دو تن، درود فرستد، رحم کن. سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: خداوند، بر شرافت آخری شما بیفزاید، همان گونه که در دنیا، به شما شرافت بخشید و شما را سعادتمند گرداند، همان گونه که با شما [مردمانی را] سعادتمند کرد. گواهی می دهم که شما، نشانه های دین و ستارگان جهانیان هستید، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! آن گاه به شهیدان. که خشنودی خداوند بر آنان باد، رو کن و بگو: سلام بر شما، ای یاوران خدا و یاوران پیامبرش، یاوران علی بن ابی طالب و یاوران فاطمه، یاوران حسن و حسین و یاوران اسلام! گواهی می دهم که برای خدا، خیرخواهی نمودید و در راه او، جهاد کردید. خداوند، از جانب اسلام و مسلمانان، بهترین پاداش را به شما جزا دهد. به خدا سوگند، به کامیابی بزرگی دست یافتید. کاش با شما بودم و به کامیابی بزرگی دست می یافتم! گواهی می دهم که شما، زنده اید و نزد خدایتان، روزی می خورید. گواهی می دهم که شما، شهیدان و نیک بختان و دست یافتگان به درجات والا هستید. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! سپس به نزد سر، باز گرد و نماز زیارت بخوان و برای خودت، پدر و مادرت و برادرانت، دعا کن. آن گاه، برو و کنار ضریح علی اکبر علیه السلام، (3) رو به قبله بایست و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب، پیامبران مُرسَل، بندگان شایسته و همه مطیعانش از آسمانیان و زمینیان، بر ابا عبد الله الحسین، و نیز رحمت و برکات خدا! سلام بر تو، ای نخستین کُشته از نسل بهترین فرزند از نسل ابراهیم خلیل! خداوند، بر تو درود فرستد و نیز بر پدرت، آن گاه که در باره تو گفت: «خداوند، کُشندگان تو را بکُشد، ای پسر عزیزم! چه گستاخ اند بر [خدای] رحمان و بر پرده دری از حرمت پیامبر! دنیا، پس از تو، ویران باد!». گواهی می دهم که تو، فرزند حجّت خدا و فرزند امین اویی. خداوند، بر کُشندگان حکم برآند و آنان را به دوزخ برساند، و چه مقصد بدی! خداوند، روز قیامت، مرا از دیدار کنندگان و همراهان تو و همراهان جد و پدر و عمو و برادر و مادر مظلوم و پاکیزه ات قرار دهد. از کُشندگان تو، نزد خدا بیزاری می جویم و همراهی با شما را در سرای جاودان، خواستارم. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! (4) سلام بر عباس، فرزند امیر مؤمنان! سلام بر جعفر، فرزند امیر مؤمنان! (5) سلام بر عبد الله، فرزند امیر مؤمنان! سلام بر ابو بکر (6)، فرزند امیر مؤمنان! سلام بر عثمان، فرزند امیر مؤمنان! (7) سلام بر قاسم بن حسن! (8) سلام بر ابو بکر بن حسن! (9) سلام بر عبد الله بن حسن! (10) سلام بر محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب! سلام بر جعفر بن عقیل! سلام بر عبد الرحمان بن عقیل! سلام بر عبد الله بن مسلم بن عقیل! (11) سلام بر محمد بن ابی سعد بن عقیل! (12) سلام بر عون بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب! (13) سلام بر شما خاندان مصطفی! سلام بر شما، اهل سپاس و خشنودی! سلام بر شما، یاوران و مردان خدا از میان حق مداران و آزمودگان و مجاهدان بینای در راهش! گواهی می دهم که شما همان گونه اید که خداوندت فرمود: «و بسی پیامبر که گروه های فراوانی همراه او جنگیدند و در برابر مصیبت هایی که در راه خدا به ایشان رسید، سست و ناتوان نشدند و در هم نشکستند»؛ و شما، نه ناتوان گشتید، و نه خواری نشان دادید تا آن که خدا را در همان راه حق و یاری او و کلمه کامل خدا، دیدار کردید. خداوند، بر جان ها و بدن هایتان، درود و سلامی فراوان بفرستد. به خدا سوگند، رستگار شدید و من، دوست داشتم که با شما بودم و به رستگاری می رسیدم. به وعده تخلف ناپذیر خدایی که خُلف وعده نمی کند، مژده دهید. گواهی می دهم که شما، برگزیدگان و سروران شهیدان در دنیا و آخرت

هستید . گواهی می دهم که در راه خدا کوشیدید و در راه پیامبر خدا ، جان دادید . شما ، پیشتازان و مجاهدان هستید . گواهی می دهم که شما ، یاران خدا و پیامبر او هستید . ستایش ، ویژه خدایی است که وعده اش را به شما ، راست گردانید و آنچه را دوست می داشتید ، به شما ارائه داد ، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد ! سپس به شهیدان ، روکن و چنین ، سلام بده : سلام بر سعید بن عبد الله حنفی ! سلام بر حرّ بن یزید ریاحی ! سلام بر زهیر بن قین ! سلام بر حبيب بن مظاهر ! سلام بر مسلم بن عوسجه ، سلام بر عقبه بن سمعان ! سلام بر بریر بن خضیر ! سلام بر عبد الله بن عمیر ! سلام بر نافع بن هلال ! سلام بر منذر بن مفضل جعفی ! سلام بر عمرو بن قرظّه انصاری ! سلام بر ابو ثمامه صاندی ! سلام بر جون ، غلام ابو ذر غفاری ! سلام بر عبد الرحمان بن عبد الله ازدی ! سلام بر عبد الرحمان و عبد الله ، دو فرزند عروه ! سلام بر سیف بن حارث ! سلام بر مالک بن عبد الله حائری ! سلام بر حنظله بن اسعد شبامی (14) ! سلام بر قاسم بن حارث کاهلی ، سلام بر بشر بن عمر حصرمی ! (15) سلام بر عابس بن شیب شاکری ! (16) سلام بر حجاج بن مسروق جعفی ! سلام بر عمرو بن خلف و سعید ، غلامش ! سلام بر حسان بن حارث ! (17) سلام بر مجمع بن عبد الله عائذی ! سلام بر نعيم بن عجلان ، سلام بر عبد الرحمان بن یزید ! سلام بر عمر بن ابی کعب ! (18) سلام بر سلیمان بن عوف حصرمی ! (19) سلام بر قیس بن مسهر صدیادی ! سلام بر عثمان بن فروه غفاری ، سلام بر غیلان بن عبد الرحمان ، سلام بر قیس بن عبد الله همدانی ! سلام بر عمیر بن کناد (20) ! سلام بر جبلة بن عبد الله ! (21) سلام بر مسلم بن کناد ! سلام بر سلیمان بن سلیمان ازدی ! (22) سلام بر حماد بن حماد مرادی ! سلام بر عامر بن مسلم و غلامش مسلم ! سلام بر بدر بن رقیط و دو پسرش ، عبد الله و عبید الله ! سلام بر زمیث بن عمر ! (23) سلام بر سفیان بن مالک ! سلام بر زهیر بن سیار ! (24) سلام بر قاسط و کرش ، دو پسر زهیر ! سلام بر کینانه بن عتیق ! سلام بر عامر بن مالک ! سلام بر منیع بن زیاد ! سلام بر نعمان بن عمرو ! سلام بر جلاس بن عمرو ! (25) سلام بر عامر بن جلیده ! سلام بر زائده بن مهاجر ! سلام بر حبيب بن عبد الله نهشلی ! (26) سلام بر حجاج بن یزید ! (27) سلام بر جویر بن مالک ! (28) سلام بر ضبیعة بن عمرو ! سلام بر زهیر بن بشیر ! سلام بر مسعود بن حجاج ! سلام بر عمار بن حسان ! سلام بر جندب بن حَجیر ! سلام بر سلیمان بن کثیر ! سلام بر زهیر بن سلیمان ! (29) سلام بر قاسم بن حبيب ! (30) سلام بر انس بن کاهل اسدی ! (31) سلام بر ضرغامه بن مالک ! سلام بر زاهر ، غلام عمرو بن حمق ! سلام بر عبد الله بن یقطر ، همشیر حسین ! سلام بر منجیح ، غلام حسین ! سلام بر سُوید ، غلام شاکر ! سلام بر شما ، ای خدایان ! شما ، گزیده خدا هستید . خداوند ، شما را برای ابا عبد الله الحسین علیه السلام برگزید و خاصان او هستید که خداوند ، شما را ویژه او ساخت . گواهی می دهم که شما بر دعوت به سوی حق ، کشته شدید و یاری و وفا کردید و خونتان را در کنار فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، بذل کردید و شما ، نیک بختانی بهره مند و دست یافته به درجات [بهشت] هستید . خداوند ، جزای یاری و برادری شما را بهترین جزای کسانی که با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شکیب ورزیدند ، قرار دهد . گوارایتان باد ، آنچه عطا شدید و نوش جاتان ، آنچه به شما بخشیده شد ! رحمت خدا به گرد شما چرخید و با آن ، به شرف آخرت رسیدید .

1- به همین دلیل ، علما آن را «زیارت رجبیه» نامیده اند .

2- کفعمی در المصباح ، این زیارت را تا این جا آورده و سپس گفته است : و علی اکبر علیه السلام و [دیگر] شهیدان و عباس علیه السلام را با آنچه در «زیارت عرفه» خواهد آمد ، زیارت کن .

3- در کتاب المزار شهید اول ، به جای عبارت «آن گاه برو و کنار ضریح علی اکبر...» ، چنین آمده است : «زیارت دیگری برای علی اکبر و دیگر شهیدان ، به تفصیل : هنگامی که خواستی آنها را زیارت کنی ، کنار ضریح علی اکبر بایست ...» .

4- در المزار شهید اول ، در این جا این افزوده آمده است : «سلام بر عبد الله بن حسین ، طفل شیرخوار ! خداوند ، تیرانداز به او ، حرمله بن کاهل اسدی و یارانش را لعنت کند !» .

- 5- در المزار شهید اول و بحار الأنوار ، در این جا این افزوده آمده است: «سلام بر عبید الله ، فرزند امیر مؤمنان !» .
- 6- در المزار شهید اول «ابی بکر محمد» آمده است.
- 7- در بحار الأنوار ، این عبارت نیست: «سلام بر عبد الله ، فرزند امیر مؤمنان !... عثمان ، فرزند امیر مؤمنان!» .
- 8- در بحار الأنوار ، این عبارت نیست: «سلام بر قاسم بن حسن !» .
- 9- در المزار شهید اول ، این عبارت نیست: «سلام بر ابو بکر بن حسن !» .
- 10- در المزار شهید اول ، در این جا این افزوده آمده است: «سلام بر عبید الله بن حسن ! و در بحار الأنوار ، این افزوده که : «سلام بر عبد الله بن حسین !» .
- 11- در المزار شهید اول ، آمده است: «عبد الله بن عقیل» .
- 12- در مصباح الزائر و بحار الأنوار آمده است : «محمد بن ابی سعید بن عقیل» .
- 13- در مصباح الزائر و المزار شهید اول ، در این جا آمده است: «سلام بر عبد الله بن مسلم بن عقیل !» .
- 14- در مصباح الزائر، به جای «شمامی»، «شامی» آمده است.
- 15- در مصباح الزائر و المزار شهید اول و بحار الأنوار ، آمده : «بشیر بن عمرو حَضْرَمِی» .
- 16- در المزار شهید اول آمده : «عابس بن ابی شیبب شاکری» .
- 17- در مصباح الزائر و المزار شهید اول و بحار الأنوار آمده : «حِیَّان بن حارث» .
- 18- در المزار شهید اول آمده : «عمران بن کعب انصاری» .
- 19- در بحار الأنوار ، آمده : «سلیمان بن عون حَضْرَمِی» .
- 20- در مصباح الزائر و بحار الأنوار به جای «عمیر» ، «عمر» آمده است.
- 21- در المزار شهید اول ، آمده : «جبله بن علی شیبانی» .
- 22- در المزار شهید اول ، آمده : «سلیمان بن سلیمان اَزْدِی» .
- 23- در مصباح الزائر و بحار الأنوار ، آمده : «رمیث بن عمرو» .
- 24- در المزار شهید اول آمده «زهیر بن سیّاب» و در بحار الأنوار ، آمده : «زهیر بن سائب» .
- 25- در المزار شهید اول ، آمده : «حلاس بن عمرو» .
- 26- در مصباح الزائر ، المزار شهید اول و بحار الأنوار ، آمده است: «شیبب بن عبد الله نهشلی» .
- 27- در المزار شهید اول ، آمده است: «حجّاج بن بدر» .
- 28- در المزار شهید اول ، آمده است : «جوین بن مالک» .
- 29- در مصباح الزائر و بحار الأنوار ، آمده است: «زهیر بن سلمان» و در المزار شهید اول آمده « زهیر بن سلیم » .
- 30- در المزار شهید اول ، در این جا این افزوده آمده است: «سلام بر انس بن کثیر !» .
- 31- در مصباح الزائر و المزار شهید اول و بحار الأنوار ، در این جا این افزوده آمده است: «سلام بر حُرّ بن یزید ریاحی !» .

توضیح‌حسید ابن طاووس می گوید : تعداد شهیدان در «زیارت عاشورا» با نقلی دیگر ، خلاف آنچه در این جا نوشته ایم ، گذشت و گاه در نام هایشان ، کاهش و افزایش و تفاوت هایی دیده می شود و سزاوار است که بدانی _ خداوند ، تو را با پروامندی از خویش ، تأیید کند _ که ما در این موضوع ، از آنچه [در کتاب ها] دیده ایم یا برایمان روایت شده ، پیروی می کنیم و در هر جا ، آن گونه که یافته ایم ، نقل می کنیم . پس هنگامی که از آنچه ذکر کردیم ، فارغ شدی _ خدایت توفیق دهد _ ، به نزد سرِ حسین علیه السلام باز گرد و نماز زیارت و هر نمازی از آنچه ذکر کردیم ، خواستی ، بخوان و برای خودت ، پدر و مادرت و برادرانت ، فراوان دعا کن که مستجاب می شود ، این شاء الله تعالی ! و چون خواستی با او _ که درودهای خداوند بر او باد _ ، وداع کنی ، با برخی از وداع هایی که در پایان زیارت های پیشین آوردیم ، با او وداع کن .

12 / 11 زيارته في النصف من رجب المزار للشهيد الأول: ومنها [أي الزيارات المخصوصة] زيارة الغفيلة في النصف من رجب 1 ، فإذا أردت ذلك وأتيت الصحن فادخل فكبر الله تعالى ثلاثا ، وقف على القبر وقُل: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى لُيُوثِ الْغَابَاتِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفْمَنَ النَّجَاةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثَرَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثَرَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثَرَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثَرَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثَرَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ ابْنِ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ ابْنِ الْقَتِيلِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ، وَبَرَرْتَ بِوَالِدَيْكَ وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ ، وَنَجِيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ . يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ ، زُرْتُكَ مُشْتَاقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ ، يَا سَيِّدِي وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ ، وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، وَبِأُمَّكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ . أَلَا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِيكَ وَمُبْغِضِكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ . ثُمَّ قَبَّلَ الصَّرِيحَ وَتَوَجَّهَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَزُرَّهُ فَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِكَ ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ وَبِمَحَبَّتِكَ ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ امْشِ حَتَّى تَأْتِيَ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ ، فَقِفْ وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيِّينَ (1) ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَرْبَابَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ أَجْمَعِينَ ، جَمَعَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . زِيَارَةُ 3 الْعَبَّاسِ ، ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَإِذَا آتَيْتَ مَشْهَدَهُ فَقِفْ عَلَى بَابِ الْقُبَّةِ وَقُلْ : سَلَامٌ لِلَّهِ وَسَلَامٌ لِلْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَغْتَدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَشْهَدُ لَكَ بِالنَّصِيحَةِ وَالتَّصَدِيقِ وَالتَّسْلِيمِ وَالْوَفَاءِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، الشَّهِيدِ الْمُرْسَلِ وَالسَّبْطِ الْمُتَنَجِّبِ ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ . فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ فَاطِمَةَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ ، بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتَ فَنِعَمَ عَقَبَى الدَّارِ ، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ اسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفِرَاتِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَإِنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ بِهِ . جِئْتُكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا إِلَيْكَ ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ، مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ ، إِنِّي بِكُمْ وَبِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ . ثُمَّ انكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ ، عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ ، أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَالْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ ، الذَّابُونَ (2) عَنْ أَجْبَائِهِ ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ ، وَأَوْفَرَ جَزَاءِ أَحَدٍ وَفِي بَيْعَتِهِ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ وَأَطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بِالْغَتِ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي النَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّعَدَاءِ ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَوْسَعَ مَنَزِلًا وَأَفْسَحَ حَرْفًا ، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيِّينَ وَحَشْرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . (3)

- 1- في المصدر: «يا مهديين»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 2- الذَّبُّ: المنع والدفع (الصحاح: ج 1 ص 126 «ذب»).
- 3- المزار للشهيد الأول: ص 161، بحار الأنوار: ج 101 ص 345 ح 1 نقلاً عن الشيخ المفيد قدس سره.

12 / 11 زیارت امام علیه السلام در نیمه رجب

المزار، شهید اول: از جمله زیارات مخصوص [امام حسین علیه السلام]، زیارت غفیله (1) در نیمه رجب است. هنگامی که خواستی زیارت کنی و به صحن آمدی، وارد شو و سه بار تکبیر بگو و بر سر قبر بایست و بگو: سلام بر شما، ای خاندان خدا! سلام بر شما، ای برگزیدگان خدا! سلام بر شما، ای سرور سروران! سلام بر شما، ای شیران بیشه ها! سلام بر شما، ای کشتی های نجات! سلام بر تو، ای ابا عبد الله الحسین! سلام بر تو، ای وارث علم پیامبران، و رحمت و برکات خدا بر تو باد! سلام بر تو، ای وارث اسماعیل، ذبیح خدا! سلام بر تو، ای وارث موسی، هم سخن خدا! سلام بر تو، ای وارث عیسی، روح خدا! سلام بر تو، ای وارث محمد، حبیب خدا! سلام بر تو، ای فرزند محمد مصطفی! سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا! سلام بر تو، ای فرزند خدیجه کبرا! سلام بر تو، ای شهید، فرزند شهید! سلام بر تو، ای کشته شده، فرزند کشته شده! سلام بر تو، ای ولی خدا، فرزند ولی خدا! سلام بر تو، ای حجت خدا، فرزند حجت خدا بر خلقش! گواهی می دهم که نماز خواندی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و خدا را مخلصانه پرستیدی تا اجلت در رسید و به پدر و مادرت، نیکی کردی و با دشمنت، جنگیدی. گواهی می دهم که تو، سخن مرا می شنوی و پاسخ می دهی و تو، حبیب خدا، خلیل او، نجیب او، برگزیده او و فرزند برگزیده اوئی. ای مولای من و فرزند مولای من! باشوق به زیارت آمده ام تا شفیع من نزد خدا باشی. ای سرور من! من با جدت، سرور پیامبران، پدرت، سرور وصیان، مادرت فاطمه، سرور زنان جهانیان، نزد خدا شفاعت می جویم. هان! خداوند، کُشندگان را لعنت کند! خداوند، ستمکاران بر تو را لعنت کند! خداوند، برهنه کنندگان تو را لعنت کند، و نیز دشمنان تو را از نخستین تا آخرین آنان! خداوند، بر سرورمان محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش درود فرستد. آن گاه، ضریح را ببوس و به علی اکبر علیه السلام رو کن و او را زیارت کن و بگو: سلام بر تو، ای مولا و فرزند مولای من! خداوند، کُشندگان تو و ستمکاران بر تو را لعنت کند! من با زیارت و محبت شما، به خداوند تقرب می جویم و از دشمنان شما، به خداوند بیزار می جویم. سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای مولای من! سپس می روی تا به قبرهای شهیدان می رسی. می ایستی و می گویی: سلام بر روح های فرود آمده کنار قبر ابا عبد الله الحسین! سلام بر شما پاکیزگان از آلودگی! سلام بر شما ره یافتگان! سلام بر شما نیکان خدا! سلام بر شما و بر همه فرشتگان گرداگرد قبرهایتان! خداوند، ما و شما را در جایگاه رحمتش و زیر عرشش، گرد هم آورد که او مهربان ترین مهربانان است، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! زیارت عباس، 2 فرزند امیر مؤمنان علیه السلام: چون به مرقدش رسیدی، بر درگاه گنبد بایست و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش، پیامبران فرستاده اش، بندگان صالحش، همه شهیدان و صدیقان، پاکان و پاکیزگان [از فرشتگان] که هر صبح و شام بر تو در می آیند، بر تو باد! ای فرزند امیر مؤمنان! گواهی می دهم که تو، در حق فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، خیر خواهی کردی، او را تصدیق نمودی، در برابرش تسلیم بودی و وفاداری کردی، در حق شهید فرستاده شده و سبب برگزیده و راه نمای دانا و وصی دعوتگر و مظلوم حق برده شده. خداوند، به تو از جانب پیامبر، امیر مؤمنان، فاطمه، حسن و حسین، بهترین پاداش را بدهد، در برابر شکیبایی ای که کردی و به حساب خدا نهادی و یاری دادی، که بهترین سرای فرجامین را داری. خداوند، لعنت کند کسی را که تو را کُشت! خداوند، لعنت کند کسی را که حق تو را نشناخت و حرمتت را خوار داشت! خداوند، لعنت کند کسی را که میان تو و آب فرات، جدایی انداخت! گواهی می دهم که تو، مظلومانه کشته شدی و خداوند، وعده ای را که به شما داده، محقق خواهد ساخت. ای فرزند امیر مؤمنان! به میهمانی بر تو در آمده ام. دلم در برابر شما تسلیم است و من، پیرو شما هستم، یاری ام برایتان، آماده است تا آن که خداوند حکم کند، که او بهترین حکم کنندگان است. من با شما هستم، با شما، نه با دشمن شما. من به شما و بازگشتتان، ایمان دارم و به مخالفان و قاتلان شما، کفر می ورزم. خداوند، کسانی را که شما را با دست ها و زبان هایشان کُشتند، لعنت کند! سپس، خود را روی قبر بینداز و بگو: سلام بر تو، ای

بنده صالح مطیعِ خدا و پیامبرش و امیر مؤمنان و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام! سلام و رحمت و برکات و مغفرت و رضایت خدا بر تو و روح و بدن تو! گواهی می‌دهم و خدا را گواه می‌گیرم که تو، بر همانی رفتی که بدریان و مجاهدان در راه خدا و خیرخواهان او در جهاد با دشمنانش و کوشندگان در یاریِ اولیایش و مدافعان از دوستانش رفتند. خداوند، به تو بهترین پاداش و فراوان‌ترین پاداشی را بدهد که به وفاداران به بیعتش و پاسخ‌دهندگان به دعوتش و مطیعان حاکمان امرش می‌دهد. گواهی می‌دهم که تو، در خیرخواهی کوشیدی و نهایتِ توان خود را نهادی. پس خداوند، تو را میان پیامبران و شهیدان برانگیخت و روح را با روح های نیک بختان، قرار داد و گسترده‌ترین مکان‌ها و بازترین غرفه‌های بهشتش را به تو بخشید و یادت را تا بلندای حضور، بالا برد و تو را با پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، محشور ساخت که چه نیکو همراهانی هستند! و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد!

1- این زیارت را به این دلیل «غُفِیْلَه» نامیده اند که بیشتر مردم، از خواندن و درک فضیلت آن، غافل بوده اند.

بيانقال العلامة المجلسي قدس سره : أقول : هذه الزيارة هي التي زاره عليه السلام بها جابر الأنصاري رضی الله عنهما في يوم الأربعاء ، وقد قدّمنا ذكرها . وقال السيّد رضي الله عنه عند ذكر زيارة النصف من رجب : روي عن ابن أبي نصر قال : سألت الرضا عليه السلام في أيّ شهر نزور الحسين عليه السلام ؟ قال : « في النصف من رجب والنصف من شعبان » . ثمّ قال : فأما كيفية زيارته عليه السلام في هذا الوقت ، فينبغي أن يزار بالزيارة الجامعة في أيام رجب ، وسيأتي ذكرها في الزيارات الجامعة أو بما تقدّم من الزيارات المنقولة لسائر الشهور ، فإني لم أقف على زيارة مختصة بهذا الوقت المذكور . (1)

راجع : ج 11 ص 190 (الفصل الثامن : الزيارات الجامعة / الزيارة الرابعة) .

12 / 12 فضلُ زيارته في النصف من شعبان الإقبال عن أبي حمزة الثمالي : سمعتُ عليّ بن الحُسَيْن عليهما السلام يقولُ : مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُصَافِحَهُ مِئَةَ أَلْفِ نَبِيِّ وَأَرْبَعَةَ وَعِشْرُونَ أَلْفَ نَبِيِّ ، فَلْيُزِرِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ وَأَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ يَسْتَأْذِنُونَ اللَّهَ فِي زيارته فَيَأْذِنُ لَهُمْ ، فَطُوبَى لِمَنْ صَافَحَهُمْ وَصَافَحُوهُ مِنْهُمْ خَمْسَةَ أَوْلِيَ الْعَزْمِ مِنَ الْمُرْسَلِينَ : نُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . قُلْتُ : لِمَ سَمَّوْا أَوْلِيَ الْعَزْمِ؟ قَالَ : لِأَنَّهُمْ بُعِثُوا إِلَى شَرْقِهَا وَغَرْبِهَا وَجَنِّهَا وَإِنْسِهَا . (2)

1- بحار الأنوار : ج 101 ص 346 .

2- الإقبال : ج 3 ص 338 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 48 ح 109 ، مصباح المتهدّد : ص 830 وليس فيهما ذيله من «فطوبى ...» ، المزار للمفيد : ص 42 ح 1 كلّها عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، كامل الزيارات : ص 334 ح 558 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 11 ص 58 ح 61 و ص 32 ح 25 و ج 101 ص 93 ح 2 .

توضیح‌حعلامه مجلسی رحمه الله می گوید: این زیارت را جابر انصاری رضی الله عنه در روز اربعین، خوانده است که ما پیش تر آوردیم و سید (ابن طاووس) رضی الله عنه، هنگام ذکر زیارت نیمه رجب، گفته است: از ابن ابی نصر، روایت شده که از امام رضا علیه السلام پرسیدم: در کدام ماه، حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ فرمود: «در نیمه رجب و نیمه شعبان». [سید،] سپس گفته است: اما کیفیت زیارتش در این وقت. سزاوار است که با «زیارت جامعه»، در روزهای رجب، زیارت شود که به زودی در «زیارت های جامعه»، ذکر می شود، یا با زیارت های نقل شده برای سایر ماه ها زیارت شود که پیش تر گذشت و من، بر زیارت مخصوص این وقت ذکر شده، دست نیافته ام.

ر.ك: ج 11 ص 191 (فصل هشتم: زیارت های جامعه / زیارت چهارم).

12 / 12 ثواب زیارت امام علیه السلام در نیمه شعبان

الإقبال_ به نقل از ابو حمزه ثُمالی_: شنیدم که امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «هر کس دوست دارد که صد و بیست و چهار هزار پیامبر، با او مصافحه کنند، حسین علیه السلام را شب نیمه شعبان، زیارت کند که فرشتگان و روح های پیامبران، از خداوند، اجازه زیارتش را می طلبند و او به ایشان، اجازه می دهد. پس خوشا به حال کسی که با آنان، مصافحه می کند و آنان هم با او مصافحه می کنند! در میان ایشان، پنج پیامبر اولو العزم هستند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد_ که دروهای خدا بر او و همه ایشان باد_». پرسیدم: چرا آنان را اولو العزم می نامند؟ فرمود: «چون آنها به سوی شرق و غرب عالم، و جن و انس آن، مبعوث شدند».

فضل زيارة الحسين عليه السلام عن أبي حمزة الثمالي عن علي بن الحسين [زين العابدين] عليه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ صَافِحَهُ رَوْحٌ أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ، كُلُّهُمْ يَسْأَلُ اللَّهَ زِيَارَةَ تِلْكَ اللَّيْلَةِ (1).

الأمامي للطوسي عن داوود الرقي عن الباقر محمد بن علي بن الحسين عليه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ، وَلَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ فِي سَنَّتِهِ حَتَّى تَحُولَ عَلَيْهِ السَّنَةُ، فَإِنْ زَارَهُ فِي السَّنَةِ الْمُسْتَقْبَلَةِ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ. (2)

الإقبال عن الصادق عليه السلام: يَغْفِرُ اللَّهُ لِزَائِرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي نِصْفِ شَعْبَانَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ. (3)

1- فضل زيارة الحسين عليه السلام: ص 76 ح 63.

2- الأمامي للطوسي: ص 48 ح 59، بشارة المصطفى: ص 77، مصباح المتهجد: ص 830 عن مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدِ التَّمِيمِيِّ وَلَيْسَ فِيهِ «ليلة»، المزار للمفيد: ص 43 ح 3 عن الإمام الصادق عليه السلام، كامل الزيارات: ص 335 ح 561 عن داوود بن كثير الرقي وفيهما «زائر الحسين عليه السلام في النصف» بدل «من زار الحسين في ليلة النصف»، بحار الأنوار: ج 97 ص 85 ح 4 وص 87 ح 10 وج 101 ص 100 ح 33 وص 94 ح 9.

3- الإقبال: ج 3 ص 340، كامل الزيارات: ص 337 ح 565، فضل زيارة الحسين عليه السلام: ص 77 ح 64 كلاهما عن زيد الشحام وفيهما «من زار قبر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر»، بحار الأنوار: ج 101 ص 98 ح 28 وص 93 ح 1.

فضل زیارة الحسین علیه السلام_ به نقل از ابو حمزه ثُمالی ، از امام زین العابدین علیه السلام_: هر کس حسین علیه السلام را شب نیمه شعبان ، زیارت کند ، روح بیست و چهار هزار پیامبر ، با او مصافحه می کنند که همگی زیارت [حسین علیه السلام در] آن شب را از خدا می طلبند .

الأمالی ، طوسی_ به نقل از داوود رقی ، از امام باقر علیه السلام_: هر کس حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان ، زیارت کند ، گناهانش آمرزیده می شود و در آن سال ، گناهی بر او نوشته نمی شود تا سال دیگر برسد ، و اگر در سال بعد نیز او را زیارت کند ، باز گناهانش آمرزیده می شود .

الإقبال_ از امام صادق علیه السلام_: خداوند ، گناهان پیشین و پسین زائر حسین علیه السلام در شب نیمه شعبان را می آمرزد .

الإقبال عن معاوية بن وهب عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا كانَ أوَّلَ يَوْمٍ مِن شَعْبَانَ نادى مُنادٍ مِن تَحْتِ العَرشِ : يا وَفدَ الحُسَيْنِ ، لا تَخْلُوا لَيْلَةَ النُّصْفِ مِن شَعْبَانَ مِن زِيَارَةِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، فَلَوْ تَعَلَّمُونَ ما فِيها لَطالَتْ عَلَيْكُمُ السَّنَةُ حَتَّى يَحْيِيَ النُّصْفُ . (1)

مصباح الزائر عن الصادق عليه السلام: مَنْ زارَ الحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فِي النُّصْفِ مِن شَعْبَانَ ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ . (2)

تهذيب الأحكام عن يونس بن ظبيان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ زارَ قَبْرَ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِن شَعْبَانَ وَلَيْلَةَ الفِطْرِ وَلَيْلَةَ عَرَفَةَ فِي سَنَةٍ واحِدَةٍ ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ ، وَأَلْفَ عُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ ، وَقُضِيَتْ لَهُ أَلْفُ حَاجَةٍ مِن حَوَائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ . (3)

الكافي عن هارون بن خارجة عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا كانَ النُّصْفُ مِن شَعْبَانَ نادى مُنادٍ مِن الأُفُقِ الأعلى : ألا زائِرِي قَبْرِ الحُسَيْنِ! إرْجِعُوا مَغْفُورًا لَكُمْ ، وَثَوابُكُمْ عَلَي رَبِّكُمْ وَمُحَمَّدٍ نَبِيِّكُمْ . (4)

المزار للمفيد عن الصادق عليه السلام: مَنْ زارَ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثَلَاثَ سِنِينَ مُتَوالياتٍ لا فَصَلَ فِيها فِي النُّصْفِ مِن شَعْبَانَ ، غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ . (5)

-
- 1- الإقبال: ج 3 ص 339، بحار الأنوار: ج 101 ص 98 ح 26 .
 - 2- مصباح الزائر: ص 312، بحار الأنوار: ج 101 ص 100 ح 35 .
 - 3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 51 ح 119، المزار للمفيد: ص 50 ح 1، كامل الزيارات: ص 319 ح 541، بحار الأنوار: ج 101 ص 95 ح 11 .
 - 4- الكافي: ج 4 ص 589 ح 9، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 582 ح 3178 وفيه «يا» بدل «ألا»، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 49 ح 110 وفيه «ليلة النصف» بدل «النصف»، المزار للمفيد: ص 43 ح 2 وليس فيهما «ألا»، بحار الأنوار: ج 101 ص 94 ح 5 .
 - 5- المزار للمفيد: ص 44 ح 4، كامل الزيارات: ص 335 ح 560 عن صافي البرقي، المزار الكبير: ص 347 ح 4، مصباح المتهجد: ص 830 عن خدش نحوه، بحار الأنوار: ج 101 ص 94 ح 7 و ج 97 ص 87 ح 11 .

الإقبال_ به نقل از معاویة بن وهب ، از امام صادق علیه السلام_: هنگامی که اوّل شعبان می شود ، منادی ای از زیر عرش ، فریاد بر می آورد : «ای میهمانان حسین ! شب نیمه شعبان ، از زیارت حسین علیه السلام جا نمانید که اگر می دانستید چه در آن است ، سال بر شما طولانی می نمود [و دیر می گذشت] تا این که نیمه شعبان بیاید» .

مصباح الزائر_ از امام صادق علیه السلام_: هر کس امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان ، زیارت کند ، خداوندت هزار حج برایش می نویسد .

تهذیب الأحکام_ به نقل از یونس بن ظبیان ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس قبر حسین علیه السلام را شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عَرَفَه ، در يك سال زیارت کند ، خداوند ، برایش هزار حجّ مقبول و هزار عمره پذیرفته می نویسد و هزار حاجت از حاجت های دنیوی و آخروی اش برآورده می شود .

الکافی_ به نقل از هارون بن خارجه ، از امام صادق علیه السلام_: هنگامی که نیمه شعبان می رسد ، مُنادی ای از افق بالا ندا می دهد : «ای زائران قبر حسین ! آمرزیده باز گردید که پاداشتان ، بر عهده خدایتان و پیامبرتان محمد ، است» .

المزار ، مفید_ از امام صادق علیه السلام_: هر کس ابا عبد الله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان ، سه سال پی در پی و بدون فاصله گذاشتن میان آنها زیارت کند ، گناهانش آمرزیده می شود .

الإقبال عن الشيخ أبي الحسن محمد بن هارون بإسناده: من صلاة ليلة النصف من شعبان عند قبر سيدنا أبي عبد الله الحسين بن عليّ عليهما السلام: أربع ركعات تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب خمسين مرة، و«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خمسين مرة، وتقرأهما في الركوع عشر مرات، وإذا استويت من الركوع مثل ذلك، وفي السجدة بينهما مثل ذلك، كما تفعل في صلاة التسيح، وتدعو بعدهما وتقول: أنت الله الذي ... (1)

كامل الزيارات عن يونس بن يعقوب عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: يا يونس، ليلة النصف من شعبان يغفر الله لكل من زار الحسين عليه السلام من المؤمنين ما تقدم من ذنوبهم وما تأخر، وقيل لهم: استقبلوا العمل. قلت: هذا كله لمن زار الحسين عليه السلام في النصف من شعبان؟ فقال: يا يونس، لو أخبرت الناس بما فيها لمن زار الحسين عليه السلام، لقامت ذكور الرجال (2) على الخشب. (3)

1- الإقبال: ج 3 ص 347، بحار الأنوار: ج 101 ص 342 ح 4.

2- رَجُلٌ ذَكَرَ: قوي، شجاع، أبي. والجمع ذُكُورٌ (المعجم الوسيط: ج 1 ص 313 «ذكر»). ويراد بالحديث أنه لو بين الأجر الواقعي لزيارة الحسين عليه السلام لبذل الرجل الشجاع دونها مهجته.

3- كامل الزيارات: ص 337 ح 566، الإقبال: ج 3 ص 339 وفيه «قدموا من ذنوبهم وقيل لهم: استأنفوا» بدل «تقدم... استقبلوا»، بحار الأنوار: ج 101 ص 95 ح 12.

الإقبال_ به نقل از ابو الحسن محمد بن هارون ، به سندش _: از نمازهای نیمه شعبان کنار قبر سرورمان ابا عبد الله الحسين عليه السلام ، چهار رکعت [در دو نماز] است که در هر رکعت ، پنجاه مرتبه «حمد» و پنجاه مرتبه «قل هو الله أحد» می خوانی و این دو سوره را در رکوع ، ده مرتبه می گویی و هنگامی نیز که از رکوع برخاستی ، همین گونه ، و در هر دو سجده و میان آنها نیز همین کار را می کنی ، مانند آنچه در نماز تسبیح (نماز جعفر طیار) می کنی و پس از آن دو [نماز دو رکعتی] ، دعا می خوانی و می گویی : «تو خدایی هستی که ..» .

کامل الزیارات_ به نقل از یونس بن یعقوب ، از امام صادق علیه السلام _: ای یونس ! شب نیمه شعبان ، خداوند ، گناهان پیشین و پسین زائران باایمان حسین علیه السلام را می آمرزد و به آنها گفته می شود : «عمل را از سر بگیرید» . گفتم : این همه ، برای زائر حسین علیه السلام در شب نیمه شعبان است؟! فرمود : «ای یونس ! اگر مردم را از همه پاداش زیارت حسین علیه السلام در آن شب آگاه کنم ، مردان شجاع ، بر چوبه دار خواهند رفت» . (1)

1- . یعنی حاضرند در راه زیارت آن شب، جان خود را نیز فدا کنند .

12 / 13 زيارته في النصف من شعبان المصباح للكفعمي: أما زيارة نصف شعبان وهي للحسين عليه السلام، فتزوره في ليلة نصفه ويومه بما سَنَدُكُرُ فتقول ما روي عن الصادق عليه السلام بعد الغسل والاستندان والتكبير منه: الحمد لله العلي العظيم، والسلام عليك أيها العبد الصالح الزكي، أودعك شهادة مني لك تقربني إليك في يوم شه فاعتك، أشهد أنك قتلت ولم تمت، بل برجاء حياتك حييت قلوب شيعتك، وبضياء نورك اهتدى الطالبون إليك، وأشهد أنك نور الله الذي لم يطفأ ولا يطفأ أبدا، وأنت وجه الله الذي لم يهلك ولا يهلك أبدا، وأشهد أن هذه التربة تربتك وهذا الحرم حرمك، وهذا المصراع مصراع بدنك، لا ذليل والله معزك، ولا مغلوب والله ناصرك، هذه شهادة لي عندك إلى يوم قبض روعي بحضرتك، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته. ثم قل ما روي عن الهادي عليه السلام: السلام عليك يا أبا عبد الله! السلام عليك يا حجة الله في أرضه وشاهده على خلقه، السلام عليك يا بن رسول الله، السلام عليك يا بن علي المرتضى، السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء، أشهد أنك قد أقيمت الصلاة وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر، وجاهدت في سبيل الله حتى أتاك اليقين، فصلى الله عليك حيا وميتا. ثم ضع خدك الأيمن على القبر وقل: أشهد أنك على بيته من ربك، جئتكم مقرا بالذنوب لتشفع لي عند ربك يا بن رسول الله. ثم سلم على الأئمة عليهم السلام بأسمائهم واحدا واحدا، وقل: أشهد أنكم حجة الله، فاكثب لي يا مولاي عندك ميثاقا وعهدا، أني أتيتك أجدد الميثاق، فأشهد لي عند ربك إنك أنت الشاهد. ثم زره بالزيارة التي مر ذكرها في أول رجب. (1) ثم زر علي بن الحسين والشهداء والعباس عليه السلام بما سنذكره إن شاء الله تعالى في زيارة عرفة. (2) ثم صل عند رأسه ركعتين، وقل بعدهما ما مر في زيارة عاشوراء (3). 4

1- راجع: ص 106 (زيارته في أول رجب).

2- راجع: ص 170 (زيارته ليلة عرفة ويومها).

3- راجع: ص 44 (زيارة عاشوراء برواية مصباح المتعجب عن علقمة).

12 / 13 زیارت امام علیه السلام در نیمه شعبان

المصباح، کفعمی: اما زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان. او را در شب و روز نیمه آن، با آنچه به زودی می‌گوییم، زیارت می‌کنی. . . . پس از غسل و اذن ورود خواستن و گفتن صد تکبیر، آنچه را از امام صادق علیه السلام روایت شده است، می‌گویی: ستایش، ویژه خدای والا و بزرگ است! سلام بر تو، ای بنده شایسته و پاک! گواهی ام بر تو را نزد توبه امانت می‌سپارم تا در روز شفاعت کردنت، مرا به تو نزدیک کند. گواهی می‌دهم که تو گشته شدی و نمردی؛ بلکه دل‌های پیروانت، به امید زندگی ات، زنده است و به پرتو نور تو، طالبان به توره نمون می‌شوند. گواهی می‌دهم که تو، نور خاموش ناشده خدایی که هرگز هم خاموش نخواهد شد، و تو نشان خدایی که هلاک نشده و هلاک نخواهد شد. گواهی می‌دهم که این خاک، خاک قبر توست و این حرم، حرم توست و این جا، جایگاه افتادن پیکرت. به خدا سوگند، عزیز کننده تو، خوار نیست! به خدا سوگند، یاور تو، مغلوب نیست! این گواهی من نزد تو باشد تا روزی که قبض روح کنند و نزد تو آورند، و سلام و رحمت و برکات خدا بر توباد! سپس آنچه را از امام هادی علیه السلام روایت شده است، بگو: سلام بر تو، ای ابا عبد الله! سلام بر تو، ای حجت خدا در زمینش و گواه او بر خلقش! سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا! گواهی می‌دهم که تو، نماز خواندی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا، جهاد کردی تا اجلت در رسید. خداوند، بر زنده و درگذشته تو، درود فرستد. آن گاه، گونه راستت را بر قبر بگذار و بگو: گواهی می‌دهم که تو، بر دلیلی روشن از سوی خدایت بودی. با اقرار به گناهانم، نزد تو آمده ام تا نزد خدایت برایم شفاعت کنی، ای فرزند پیامبر خدا! پس از آن، بر یک یک امامان علیهم السلام، با اسم، سلام بده و بگو: گواهی می‌دهم که شما، حجت خدا هستید. مولای من! پیمان و عهد مرا نزد خود بنویس. من آمده ام تا تجدید عهد کنم. پس نزد خدایت برای من، گواهی بده که تنها تو گواهی. سپس، او را با زیارتی که برای اوّل رجب ذکر شد، زیارت کن. (1) آن گاه علی اکبر علیه السلام و دیگر شهیدان و عباس علیه السلام را با آنچه - إن شاء الله تعالی - در زیارت عرفه ذکر می‌کنیم، زیارت کن. (2) سپس نزد سرش دو رکعت نماز بخوان و پس از آن، آنچه را در «زیارت عاشورا» گذشت، بگو. 3

1- ر. ک: ص 107 (زیارت امام علیه السلام در روز اوّل رجب).

2- ر. ک: ص 171 (زیارت امام علیه السلام در شب و روز عرفه).

الإقبال: إِنَّ هَذِهِ الزَّيَارَةَ مِمَّا يُزَارُ بِهَا الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلَ رَجَبٍ أَيْضًا (1) وَإِنَّمَا أُخْرِنَا ذِكْرَهَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ [النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ] لِأَنَّهَا
أَعْظَمُ، فَذَكَرْنَاهَا فِي الْأَشْرَفِ مِنَ الْمَكَانِ . وَهِيَ : ... (2)

1- .على أساس ذلك قد سمّاه العلماء «بالزيارة الرجبية» .

2- .الإقبال: ج 3 ص 341 ومرّ تمامه في هذه الموسوعة : ج 12 ص 106 ح 3280 .

الإقبال: این زیارت نیز از زیارت هایی است که امام حسین علیه السلام را در اوّل رجب (1) با آن زیارت می کنند و ما از آن رو، این زیارت را در نیمه شعبان آوردیم و در ماه رجب نیاوردیم؛ چون اهمّیت نیمه شعبان، بیشتر است و ما آن را در مکان افضل آوردیم. متن آن، چنین است: ... (2)

1- به همین دلیل، علما آن را «زیارت رجبیه» نامیده اند.

2- متن کامل این زیارت، در «زیارت امام علیه السلام در اول رجب» آمد. (ر. ك: ص 107 ح 3280).

كامل الزيارات عن سالم بن عبد الرحمن عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ بَاتَ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، فَقَرَأَ أَلْفَ مَرَّةٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَلْفَ مَرَّةٍ، وَيَحْمَدُ اللَّهَ أَلْفَ مَرَّةٍ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ؛ وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَلَكَيْنِ يَحْفَظَانِهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَسُلْطَانٍ، وَيَكْتُبَانِ لَهُ حَسَنَاتِهِ وَلَا تَكْتُبُ عَلَيْهِ سَيِّئَةً، وَيَسْتَغْفِرَانِ لَهُ مَا دَامَا مَعَهُ. (1)

الإقبال عن الشيخ أبي الحسن محمد بن هارون بإسناده: وَمِنْ صَلَاةِ لَيْلَةِ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ عِنْدَ قَبْرِ سَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ خَمْسِينَ مَرَّةً وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خَمْسِينَ مَرَّةً، وَتَقْرَأُ هُمَا فِي الرُّكُوعِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَإِذَا اسْتَوَيْتَ مِنَ الرُّكُوعِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَفِي السَّجْدَتَيْنِ وَبَيْنَهُمَا مِثْلَ ذَلِكَ، كَمَا تَفْعَلُ فِي صَلَاةِ النَّسِيحِ، وَتَدْعُو بَعْدَهَا وَتَقُولُ: أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَحَوَّاءَ حِينَ قَالَا: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (2)، وَنَادَاكَ نُوحٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ وَأَلَّهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَأَطَقَاتِ نَارَ نُمْرُودَ عَنْ خَلِيدِكَ إِبْرَاهِيمَ فَجَعَلْتَهَا عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا. وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَيُّوبَ حِينَ نَادَاكَ: «أَنْتَى مَسْنَى الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (3)، فَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَأَتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذَكَرَى لِأَوْلِي الْأَبَابِ (4). وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِذِي التَّوْنِ حِينَ نَادَاكَ فِي الظُّلُمَاتِ: «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (5)، فَجَنَّبْتَهُ مِنَ الْعَمِّ. وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسَى وَهَارُونَ دَعْوَتَهُمَا حِينَ قُلْتَ: «قَدْ أَجَبْتِ دَعْوَتُكُمَا» (6)، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَغَفَرْتَ لِداوودَ ذَنْبَهُ، وَتَبَّهْتَ قَلْبَهُ وَأَرْضَيْتَ خَصَمَهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَذَكَرَى. وَأَنْتَ الَّذِي فَدَيْتَ الذَّبِيحَ بِذَبْحِ عَظِيمٍ حِينَ «أَسَلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ» (7)، فَنَادَيْتَهُ بِالْفَرَجِ وَالرَّوْحِ. وَأَنْتَ الَّذِي نَادَاكَ زَكَرِيَّا زَيْدًا خَفِيًّا قَالَ: «رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَاؤِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (8)، وَقُلْتَ: «وَيَدْعُونَنا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (9). وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَتَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ، رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي أَهْوَنَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَطَهَّرْنِي وَتَقَبَّلْ صَلَاتِي وَحَسَنَاتِي وَطَيِّبْ بَقِيَّةَ حَيَاتِي، وَطَيِّبْ وَفَاتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ أَخْلَفَ وَاحْفَظْهُمْ رَبِّ بِدُعَائِي، وَاجْعَلْ دُرِّيَّ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً تَحُوطُهَا بِحِبَابَتِكَ مِنْ كُلِّ مَا حُطَّتْ مِنْهُ ذُرِّيَّةٌ أَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سَائِلٍ قَرِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ دَاعٍ مِنْ خَلْقِهِ مُجِيبٌ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، تَمْلِكُ الْقُدْرَةَ (10) الَّتِي عَلَوْتَ بِهَا فَوْقَ عَرْشِكَ، وَرَفَعْتَ بِهَا سَمَاوَاتِكَ، وَأَرَسَيْتَ بِهَا جِبَالَكَ، وَفَرَشْتَ بِهَا أَرْضَكَ، وَأَجْرَيْتَ بِهَا الْأَنْهَارَ وَسَخَّرْتَ بِهَا السَّحَابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَاللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الْخَلَائِقَ. أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَأَضَاءَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِينِي أَمْرًا مِنْ يُعَادِينِي، وَأَمْرًا مُعَادِي (11) وَمَعَاشِي. وَأُصَلِّحُ يَا رَبِّ شَأْنِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأُصَلِّحُ أَمْرَ وُلْدِي وَعِيَالِي، وَأُغْنِنِي وَإِيَّاهُمْ مِنْ خَزَائِنِكَ وَسِعَةِ رِزْقِكَ وَفَضْلِكَ، وَارْزُقْنِي الْفِقْهَ فِي دِينِكَ، وَأَنْفَعْنِي بِمَا نَفَعْتَ بِهِ مَنْ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْعَلْنِي لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا كَمَا جَعَلْتَ إِبْرَاهِيمَ؛ فَإِنَّ بَتُوفِيكَ يَفُورُ الْمُتَّقُونَ وَيَتُوبُ التَّائِبُونَ وَيَعْبُدُكَ الْعَابِدُونَ، وَبِتَسْديدِكَ وَإِرْشَادِكَ نَجَا الصِّدِّيقِينَ وَالْحَوْنَ. اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَأَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْ رَكَاهَا. اللَّهُمَّ بَيْنَ لَهَا رَشَادَهَا (12) وَتَقْوَاهَا، وَنَزَلْهَا مِنَ الْجَنَانِ أَعْلَاهَا، وَطَيِّبْ وَفَاتِهَا وَمَحْيَاهَا، وَأَكْرِمِ مُنْقَلَبَهَا وَمَثْوَاهَا وَمُسْتَقَرَّهَا وَمَأْوَاهَا، أَنْتَ رَبُّهَا وَمَوْلَاهَا. اللَّهُمَّ اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْحُجْبَةَ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ عِنْدَكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ لَدَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (13)

- 1- .كامل الزيارات : ص 336 ح 564 ، مصباح المتهجد : ص 853 ، الإقبال : ج 3 ص 338 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 342 ح 3 .
- 2- .الأعراف : 23 .
- 3- .الأنبياء : 83 .
- 4- .اللُّبُّ : العقل ، وجمعه ألباب (النهاية : ج 4 ص 223 «لب»).
- 5- .الأنبياء : 87 .
- 6- .يونس : 89 .
- 7- .الصافات : 103 .
- 8- .مريم : 3 و 4 .
- 9- .الأنبياء : 90 .
- 10- .في مصباح الزائر : «وأسألك بقدرتك» بدل «تملك القدرة» .
- 11- .مَعَادِي : أي ما يعود إليه يوم القيامة (النهاية : ج 3 ص 316 «عود»).
- 12- .الرَّشَادُ : خلاف الغيِّ (الصحاح : ج 2 ص 474 «رشد»).
- 13- .الإقبال : ج 3 ص 347 ، مصباح الزائر : ص 532 نحوه ولم يذكر فيه اختصاصه بليلة النصف من شعبان ، بحار الأنوار : ج 101 ص 342 ح 4 و ص 287 ذيل ح 2 .

کامل الزیارات_ به نقل از سالم بن عبد الرحمان ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس شب نیمه شعبان را در سرزمین کربلا سپری کند و هزار مرتبه « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » بخواند و هزار مرتبه ، استغفار کند و هزار مرتبه ، « حمد » بگوید و سپس برخیزد و چهار رکعت نماز [در دو نماز دو رکعتی] بگزارد و در هر رکعت ، هزار مرتبه « آیه الكرسي » بخواند ، خداوند متعال ، دو فرشته بر او می گمارد تا او را از هر بدی ای و شرّ هر شیطان و سلطانی ، محافظت کنند و نیکی هایش را بنویسند و بدی هایش را ننویسند و تا هر زمان که با او هستند ، برایش آمرزش بطلبند .

الإقبال_ به نقل از ابو الحسن محمّد بن هارون ، به سندش_: از نمازهای نیمه شعبان کنار قبر سرورمان ابا عبد الله الحسین علیه السلام ، چهار رکعت [در دو نماز] است که در هر رکعت ، پنجاه مرتبه « حمد » و پنجاه مرتبه « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » می خوانی و این دو سوره را در رکوع ، ده مرتبه می خوانی و هنگامی نیز که از رکوع برخاستی ، همین گونه ، و در هر دو سجده و میان آنها نیز همین کار را می کنی ، مانند آنچه در نماز تسبیح (نماز جعفر طیار) ، انجام می دهی و پس از آن دو [نماز دو رکعتی] ، دعا می خوانی و می گویی : تو ، خدایی هستی که دعای آدم و حوّا را مستجاب کردی ، هنگامی که گفتند : « پروردگارا ! ما به خود ، ظلم کردیم و اگر تو ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی ، ما از زیانکاران خواهیم بود » ، و نوح ، تو را ندا داد و تو ، پاسخش را دادی و او و خاندانش را از گرفتاری بزرگ ، نجات دادی و آتش نمود و را بر خلیت ابراهیم ، خاموش کردی و آن را بر او سرد و سلامت کردی . و تو کسی هستی که به ندای ایوب ، پاسخ دادی ، هنگامی که ندایت داد : « بی تردید ، من ، گرفتار شده ام و تو مهربان ترین مهربانان هستی » . پس گرفتاری او را برطرف کردی و از سر رحمت و یادآوری برای خردمندان ، خانواده اش را و مانند آنچه را که با خود داشتند ، به آنان باز گرداندی . و تو کسی هستی که به ذوالنون (یونس) پاسخ دادی ، هنگامی که در دل تاریکی ها ندایت داد : « جز تو خدایی نیست . تو منزه ای ! من ، از ستمکاران بودم » ، و او را از غم ، نجات دادی . و تو همویی که دعای موسی و هارون را مستجاب کردی ، هنگامی که فرمودی : « دعای شما دو نفر ، مستجاب شد » ، و فرعون و گروهش را غرق کردی و از سر رحمت و تذکر ، گناه داوود را آمرزیدی و دلش را بیدار نمودی و طرف دعوایش را راضی کردی . و تو کسی هستی که ذبحی بزرگ را جان فدای اسماعیل کردی ، هنگامی که « هر دو (ابراهیم و اسماعیل) ، تسلیم فرمان تو شدند و ابراهیم ، پیشانی اسماعیل را بر خاک نهاد » و تو ، به او ندای گشایش و آسودگی دادی . و تو کسی هستی که زکریّا ، آهسته ندایت کرد و چون گفت : « پروردگارا ! استخوان هایم سست شده و برف پیری بر سرم نشسته و تا کنون_ پروردگارا_ ، در دعاهایم از تو بی بهره نمانده ام » ، تو فرمودی : « به بیم و امید ، ما را می خوانند و در برابر ما ، خاشع هستند » . و تو کسی هستی که مؤمنانِ درستکار را اجابت کردی تا از فضلت بر آنها بیفزایی . پروردگارا ! مرا از فروترین مشتاقان ، قرار مده و همان گونه که آنها را اجابت کردی ، به حقشان بر تو ، مرا نیز اجابت کن و مرا پاک کن و نماز و نیکی هایم را بپذیر و باقی مانده زندگی ام را پاکیزه بگردان و مُردنم را نیز پاکیزه قرار ده و جانشین من ، میان کسانی که بر جای می گذارم ، باش و به دعایم_ پروردگارا_ ، آنان را محافظت کن و نسل مرا نسلی پاکیزه قرار ده و از همه آنچه نسل اولیا و مطیعان را از آن مراقبت کردی ، نسل مرا نیز از آن مراقبت کن ، به رحمتت ای رحیم ! ای که بر همه چیز ، توانایی و بر همه چیز ، مراقب ، نزدیک به هر خواهنده و اجابتگر هر خواننده از خلقش ! تو خدایی هستی که جز تو ، خدایی نیست ، زنده و بر پا دارنده ، یکتا و بی نیاز ، نه زاده و نه زاده شده و نه مانندی دارد . قدرتی داری که بدان ، به بالای عرش رفته ای و آسمان هایت را برافراشته ای و کوه هایت را استوار داشته ای و زمینت را گسترانده ای و رودها را روان کرده ای و ابرو و خورشید و ماه و شب و روز را تسخیر نموده ای و خلایق را آفریده ای . به عظمت سیمای بزرگواری که با آن ، آسمان ها نور می گیرند و تاریکی ها روشن می شوند ، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی ، و کار دشمن و معاد و معاشم را خودت به عهده بگیری و مرا از آن ، آسوده کنی . پروردگارا ! کارم را به سامان کن و لحظه ای مرا به خودم وا مگذار و کار فرزندان و عیالم را به سامان آور و مرا و ایشان را از خزانه هایت و روزی گسترده و

فضلت، بی نیاز بگردان و فهم دینت را روزی ام کن و با هر آنچه بدان به بندگان پسندیده ات سود رساندی، به من سود برسان، و مرا پیشوای پرهیزگاران قرار ده، همان گونه که ابراهیم را قرار دادی که به توفیق تو، پرهیزگاران، رستگار می شوند و توبه کنندگان، توبه می کنند و عابدان، عبادت می کنند و با استوار کردن و راه نمایی تو، صالحان، نجات می یابند. خدایا! به نفس من، پرهیزگاری بده که تو، ولی آن و مولای آن و بهترین تزکیه کننده آن هستی. خدایا! رشد و پروایش را برایش آشکار کن و در بالاترین جای بهشت، جایش بده و مرگ و زندگی اش را پاکیزه ساز و بازگشتگاه و جایگاه و سرای اقامت و خانه اش را گرامی بدار، که تو مالک و مولای آنی. خدایا! [دعایم را] بشنو و به رحمتت و منزلت محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجت قائم که درودهای خدا بر او و بر ایشان باد، نزد تو و منزلت ایشان نزد تو، مستجاب کن، ای مهربان ترین مهربانان! (1)

1- در مصباح الزائر، اشاره ای به نیمه شعبان نشده و این اعمال مطلق (بدون قید زمان) آمده است.

12 / 14 فضل زيارته في شهر رمضان لإقبال عن علي بن محمد بن فيض بن مختار عن أبيه عن جعفر بن محمد [الصادق] عليه السلام: أنه سئل عن زيارة أبي عبد الله الحسين عليه السلام، فقيل: هل في ذلك وقت هو أفضل من وقت؟ فقال: زوروه - صلى الله عليه - في كل وقت وفي كل حين، فإن زيارته عليه السلام خير موضوع، فمن أكثر منها فقد استكثر من الخير، ومن قلل قلل له، وتحرروا بزيارتكم الأوقات الشريفة، فإن الأعمال الصالحة فيها مضاعفة، وهي أوقات مهبط الملائكة لزيارته. قال: فسئل عن زيارته في شهر رمضان؟ فقال: من جاءه عليه السلام خاشعاً محتسباً مستقيلاً مستغفراً، فشهد قبره في إحدى ثلاث ليالٍ من شهر رمضان: أول ليلة من الشهر أو ليلة النصف أو آخر ليلة منه، تساقطت عنه ذنوبه وخطاياها التي اجترحها (1)، كما يتساقط هسيم الورق بالريح العاصف، حتى أنه يكون من ذنوبه كهينة يوم ولدته أمه، وكان له مع ذلك من الأجر مثل أجر من حج في عامه ذلك واعتمر، ويناديه ملكان يسمعان نداءهما كل ذي روح إلا الثقلين من الجن والإنس، يقول أحدهما: يا عبد الله، طهرت فاستأنف العمل، ويقول الآخر: يا عبد الله أحسنت فأبشر بمغفرة من الله وفضل (2).

1- اجترح: عمل بيده واكتسب (المصباح المنير: ص 95 «جرح»).

2- الإقبال: ج 1 ص 45، بحار الأنوار: ج 101 ص 98 ح 29.

12 / 14 ثواب زیارت امام علیه السلام در ماه رمضان

الإقبال_ به نقل از علی بن محمد بن فیض بن مختار ، از پدرش _: از امام صادق علیه السلام در باره زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام پرسیدند و گفتند : آیا زیارتش وقتی بهتر از وقت دیگر دارد ؟ فرمود : «او را _ که درود خدا بر او باد _ ، در هر وقت و هر زمان ، زیارت کنید که زیارت او ، بهترین چیزی است که وضع شده است . پس هر کس آن را بسیار [به جا] آورد ، خیر بسیار [به جا] آورده است و هر کس کم [به جا] بیاورد ، کمش می گذارند . زمان های شرافت دار را برای زیارتتان بجوید که کارهای نیک در آنها ، چند برابر می شوند ، و آن ، زمان های فرود فرشتگان برای زیارت اوست» . از زیارت امام حسین علیه السلام در ماه رمضان ، سؤال شد . امام صادق علیه السلام فرمود : «هر کس خاشع و به حساب خدا [نه از روی ریا] و عذرخواه و آمرزش خواه ، به سوی او برود و در یکی از سه شب نخست یا نیمه یا آخر ماه رمضان ، نزد قبرش حاضر باشد ، گناهان و خطاهایی که با دست خود کرده ، از او ، فرو می ریزند ، آن گونه که برگ های خشک با باد تند فرو می ریزند ، تا آن جا که مانند روزی که مادرش او را زاده است ، بی گناه می شود و با این همه ، پاداشش ، مانند پاداش کسی است که در آن سال ، حج و عمره گزارده است و دو فرشته ، او را ندا می دهند و همه جانداران ، جز آدمیان و جّیان ، آن ندا را می شنوند . یکی از آن دو می گوید : ای بنده خدا ! پاک شدی . عمل ، از سر گیر و دیگری می گوید : ای بنده خدا ! نیکی کردی . پس تو را به مغفرت و فضل خدا ، مژده باد ! .

الإقبال عن أبي المُفضَّل الشَّيبانيِّ بإسناده من كتابِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ النَّهْدِيِّ فِي حَدِيثِ يَقُولُ فِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: فَمَا تَرَى لِمَنْ حَضَرَ قَبْرَهُ - يَعْنِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: بَخٍ بَخٍ! (1) مَنْ صَلَّى عِنْدَ قَبْرِهِ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَشْرَ رَكَعَاتٍ مِنْ بَعْدِ الْعِشَاءِ مِنْ غَيْرِ صَلَاةِ اللَّيْلِ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَاسْتَجَارَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، كَتَبَهُ اللَّهُ عَتِيقًا مِنَ النَّارِ، وَلَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى فِي مَنَامِهِ مَلَائِكَةً يُسْئِرُونَهُ بِالْجَنَّةِ وَمَلَائِكَةً يُؤَمِّنُونَهُ مِنَ النَّارِ. (2)

كامل الزيارات عن مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَاتَ فِي الطَّرِيقِ، لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يُحَاسَبْ، وَيُقَالُ لَهُ: أُدْخِلَ الْجَنَّةَ آمِنًا. (3)

12 / 15 فضلُ زيارته في لَيْلَةِ الْقَدْرِ تهذيب الأحكام عن أبي الصباح الكناني عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا كانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ - وفيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ - نَادَى مُنَادٍ تِلْكَ اللَّيْلَةَ مِنْ بَطْنَانِ (4) الْعَرْشِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ غَفَرَ لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ. (5)

1- بَخٍ بَخٍ: هي كلمة تقال عند المدح والرضى بالشيء (النهاية: ج 1 ص 101 «بخ»).

2- الإقبال: ج 1 ص 294، بحار الأنوار: ج 101 ص 349 ح 1.

3- كامل الزيارات: ص 546 ح 836، فضل زيارة الحسين عليه السلام: ص 77 ح 65 عن عبيد بن الفضل، بحار الأنوار: ج 101 ص 97 ح 20.

4- من بطنان العرش: أي من وسطه. وقيل: من أصله. وقيل: البطنان: جمع بطن؛ وهو الغامض من الأرض، يريد من دواخل العرش (النهاية: ج 1 ص 137 «بطن»).

5- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 49 ح 111، المزار للمفيد: ص 54 ح 1، كامل الزيارات: ص 341 ح 576، المزار الكبير: ص 353 ح 2، الإقبال: ج 1 ص 384 نحوه، بحار الأنوار: ج 98 ص 166 و ج 101 ص 100 ح 32 و ج 101 ص 96 ح 18.

الإقبال_ به نقل از ابو مُفَضَّل شیبانی ، به سندش ، از کتاب علی بن عبد الواحد نَهْدی _ : به امام صادق علیه السلام گفته شد : چه می بینی در کسی که شب نیمه ماه رمضان ، نزد قبر حسین علیه السلام حضور می یابد ؟ فرمود : «به به! هر کس شب نیمه ماه رمضان ، نزد قبر او ، پس از نماز عشا ، ده رکعت نماز ، افزون بر نماز شب بخواند و در هر رکعت ، ده مرتبه «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را بخواند و از آتش [دوزخ] ، به خدا پناه ببرد ، خداوند ، او را رهیده از آتش می نویسد و نمی میرد تا فرشتگانی را که او را به بهشت ، بشارت می دهند و فرشتگانی را که او را از آتش ، ایمن می دارند ، در رؤیایش ببیند .

کامل الزیارات_ به نقل از محمد بن فضیل _ : شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید : «هر کس قبر حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند و در راه [برگشت] بمیرد ، اعمالش عرضه و محاسبه نمی شود و به او گفته می شود : ایمن ، وارد بهشت شو .»

12 / 15 ثواب زیارت امام علیه السلام در شب قدر

تهذیب الأحكام_ به نقل از ابو صباح کِنانی ، از امام صادق علیه السلام _ : هنگامی که شب قدر می شود که در آن ، هر امر حکیمانه ای از هم جدا [و مقدر] می شود ، منادی ای در آن شب ، از دلِ عرش ، فریاد بر می آورد : «خداوند متعال ، کسی را که در این شب نزد قبر حسین بیاید ، می آمرزد» .

الإقبال عن زيد بن أبي أسامة عن أبي عبد الله جعفر بن محمد [الصادق] عليه السلام في قوله تعالى: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (1) -: هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، يُقْضَى فِيهِ أَمْرُ السَّنَةِ... فَمَنْ أَدْرَكَهَا _ أَوْ قَالَ: شَهِدَهَا _ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ أَوْ مَا تَبَسَّرَ لَهُ وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الْجَنَّةَ وَاسْتَعَاذَ بِهِ مِنَ النَّارِ، آتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا سَأَلَ، وَأَعَاذَهُ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ. وَكَذَلِكَ إِنْ سَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُؤْتِيَهُ مِنْ خَيْرِ مَا فَرَّقَ وَقَضَى فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ، وَأَنْ يَقِيَهُ مِنْ شَرِّ مَا كُتِبَ فِيهَا، أَوْ دَعَا اللَّهَ وَسَأَلَهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي أَمْرٍ لَا إِثْمَ فِيهِ، رَجَوْتُ أَنْ يُؤْتِيَ سُؤْلَهُ، وَيُوقِيَ مَحَازِيرَهُ وَيُشَفِّعَ فِي عَشْرَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا الْعَذَابَ، وَاللَّهُ إِلَى سَائِلِهِ وَعَبْدِهِ بِالْخَيْرِ أَسْرَعُ. (2)

الإقبال عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: سَمِعْتُ الرِّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: عُمْرَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَاعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّةً وَاعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِنْدَ قَبْرِ يَعْدِلُ حَجَّةً وَعُمْرَةً، وَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْتِكَفُ عِنْدَهُ الْعَشْرَ الْعَوَابِرَ (3) مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَأَنَّمَا اعْتِكَفَ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ اعْتِكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ. قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلِيَحْرِصَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَلَّا يَقُوتَهُ لَيْلَةُ الْجَهَنِّيِّ عِنْدَهُ؛ وَهِيَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ، فَإِنَّهَا اللَّيْلَةُ الْمَرْجُوءَةُ. قَالَ: وَأَدْنَى الْإِعْتِكَافِ سَاعَةٌ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ، فَمَنْ اعْتِكَفَهَا فَقَدْ أَدْرَكَ حَظَّهُ _ أَوْ قَالَ: نَصِيْبَهُ _ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ. (4).

1- الدخان: 4.

2- الإقبال: ج 1 ص 383، بحار الأنوار: ج 101 ص 99 ح 30.

3- الغابر: الباقي (الصحاح: ج 2 ص 765 «غبر»).

4- الإقبال: ج 1 ص 358، بحار الأنوار: ج 98 ص 151.

الإقبال_ به نقل از زید بن ابی أُسامه ، از امام صادق علیه السلام ، در باره سخن خدای متعال : « در آن شب ، همه کارهای حکیمانه ، از هم جدا [و مقدر] می شوند » _ آن ، شب قدر است که کارهای سال ، در آن تدبیر و تقدیر می شوند پس هر که آن شب ، نزد قبر حسین علیه السلام حضور یابد و دو رکعت ، نماز بخواند یا هر چه که برایش امکان پذیر است [نماز بخواند] و از خدای متعال ، بهشت را بطلبد و از آتش [دوزخ] به او پناه ببرد ، خداوند متعال ، آنچه را بخواهد ، به او می دهد و از آنچه پناه برده است ، پناهِش می دهد . و همین گونه ، اگر از خدای متعال بخواهد که از خیر آنچه در آن شب ، جدا [و مقدر] کرده است ، به او بدهد و از شر آنچه در آن شب نوشته است ، نگاهش بدارد یا دعا کند و از خداوند _ تبارک و تعالی _ چیزی بخواهد که گناهی در آن نیست ، امید می برم که درخواستش را به او بدهد و از آنچه بیم دارد ، نگاهش دارد و در حقّ ده نفر از خانواده اش که همگی عذاب برایشان واجب شده است ، شفیعش گرداند ؛ و خداوند ، به خیر درخواست کننده و بنده اش ، پُرشتاب تر است .

الإقبال_ به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر _ شنیدم که امام رضا علیه السلام می فرماید : « يك عمره در ماه رمضان ، برابر با يك حج است و اعتكاف يك شب در ماه رمضان ، برابر با يك حج است و اعتكاف يك شب در مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و نزد قبر او ، برابر با يك حج و عمره است ، و هر کس حسین علیه السلام را در دهه آخر ماه رمضان ، زیارت کند و نزد او اعتکاف کند ، گویی که نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله معتکف شده است ، و هر کس نزد قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اعتکاف کند ، برایش از حج و عمره پس از حجّة الإسلام ، بهتر است » . [همچنین] امام رضا علیه السلام فرمود : « و هر کس که حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت می کند ، باید بکوشد تا شب جُهنی را از دست ندهد ؛ همان شب بیست و سوم را که امید می رود شب قدر باشد » . [نیز] فرمود : « و کمترین اندازه اعتکاف ، ساعتی میان نماز مغرب و عشاء است که هر کس آن را در اعتکاف به سر برد ، نصیبش را از شب قدر ، برده است » .

الإقبال عن عبد العظيم الحسيني عن أبي جعفر الثاني [الجواد] عليه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَهِيَ اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى أَنْ تَكُونَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، صَافِحَهُ رُوحٌ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَنَبِيٌّ كُلُّهُمْ يَسْتَأْذِنُ اللَّهَ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ. (1)

12 / 16 زيارَةُ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الْمَزَارِ الْكَبِيرِ: زِيَارَةُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْضًا مُخْتَصِرَةً، يُزَارُ بِهَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الْعِيدَيْنِ (2)، بِالإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلْتَأْتِ مَشْهَدَهُ بَعْدَ أَنْ تَغْتَسِلَ وَتَلْبَسَ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ، فَإِذَا وَقَفْتَ عَلَى قَبْرِهِ فَاسْتَقْبِلْهُ بِوَجْهِكَ، وَاجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتِفَيْكَ وَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصَّادِقَةِ الطَّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ 3 مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ، وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ. أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. ثُمَّ تَنَكَّبْتُ عَلَى الْقَبْرِ وَتَضَعْتُ خَدَّكَ عَلَيْهِ وَتَتَحَوَّلُ إِلَى عِنْدِ الرَّأْسِ، وَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَاءِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ثُمَّ تَنَكَّبْتُ عَلَى الْقَبْرِ وَتَقْبَلُهُ وَتَضَعُ خَدَّكَ عَلَيْهِ، وَتَتَحَرَّفُ إِلَى عِنْدِ الرَّأْسِ فَتَضَعُ لِي رِجْلَيْكَ لِلزِّيَارَةِ، وَتَضَعُ لِي بَعْدَهُمَا مَا تَيَسَّرَ. ثُمَّ تَتَحَوَّلُ إِلَى عِنْدِ الرَّأْسِ (3)، وَتَزُورُ عَلَيَّ بِنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ مَنْ قَتَلَكَ (4)، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ. وَتَدْعُو بِمَا تُرِيدُ. وَتَزُورُ الشُّهَدَاءَ مُنَحْرِفًا مِنْ عِنْدِ الرَّجُلَيْنِ إِلَى الْقِبْلَةِ، فَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الصَّادِقُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ. ثُمَّ تَمْضِي إِلَى مَشْهَدِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَإِذَا وَقَفْتَ عَلَيْهِ فَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْحَقَّهُمْ بِدَرْكِ (5) الْجَحِيمِ. ثُمَّ يُصَلِّي فِي مَسْجِدِهِ تَطَوُّعًا مَا أَرَادَ وَيَنْصَرِفُ. (6)

1- الإقبال: ج 1 ص 383، بحار الأنوار: ج 98 ص 166 و ج 101 ص 100 ح 31.

2- قال العلامة المجلسي قدس سره: قال السيد رحمه الله: «هذه الزيارة مختصة بليلة القدر ويزار بها في العيدين»، أقول: يظهر من الرواية أنها من الزيارات المطلقة ولا اختصاص لها بالأزمان المخصوصة (بحار الأنوار: ج 101 ص 351).

3- في المزار للشهيد الأول وبحار الأنوار: «الرجلين» بدل «الرأس».

4- وزاد في المزار للشهيد الأول هنا: «ولعن الله من استخف حرمته».

5- الدرر: أقصى قعر البحر (مفردات ألفاظ القرآن: ص 311 «درك»).

6- المزار الكبير: ص 414 ح 1، مصباح الزائر: ص 325، المزار للشهيد الأول: ص 167 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل

البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 101 ص 350 ح 2 وص 351 ح 3.

الإقبال_ به نقل از عبد العظیم حسنی ، از امام جواد علیه السلام_ : هر کس در شب بیست و سوم ماه رمضان ، حسین علیه السلام را زیارت کند ، یعنی همان شبی که امید می رود شب قدر باشد و هر امر حکیمانه ای در آن مقدر می شود ، روح بیست و چهار هزار فرشته و پیامبر که اجازه زیارت حسین علیه السلام را در آن شب از خدا خواسته اند [و فرود آمده اند] ، با او مصافحه می کنند .

12 / 16 زیارت شب قدر

المزار الکبیر : زیارت مختصر دیگری برای امام حسین علیه السلام که در شب قدر و دو عید (فطر و قربان) با آن زیارت می شود ، (1) به همان سند است [که قبلاً گذشت] از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود : «هنگامی که خواستی ابا عبد الله الحسین علیه السلام را زیارت کنی ، پس از غسل و به تن کردن پاک ترین جامه هایت ، به حَرَمَش برو و چون بر سر قبرش ایستادی ، رو به روی آن بایست و قبله را پشتِ سرت و میان شانه هایت قرار بده و بگو : سلام بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای فرزند امیر مؤمنان ! سلام بر تو ، ای فرزند صدیقه طاهره ، سرور زنان جهانیان ! سلام بر تو ، ای مولای من ، ای ابا عبد الله ، و رحمت و برکات خدا بر تو باد ! گواهی می دهم که نماز بر پا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و کتاب را ، آن گونه که شایسته آن بود ، تلاوت کردی و در راه خدا ، آن گونه که باید ، جهاد کردی و بر آزار آن ، شکیب ورزیدی و به حساب خدا نهادی تا اجلت در رسید . و گواهی می دهم که مخالفان و محاربان با تو و واگذارندگان تو و قاتلان تو ، بر زبان پیامبر اُمّی ، لعنت شده اند و البته هر کس تهمت بزند ، ناکام می شود . خداوند ، ستمکاران به شما از آغاز تا انجام را لعنت کند و عذاب دردناک را بر آنان ، دوچندان کند ! ای مولای من ! ای فرزند پیامبر خدا ! به قصد زیارت و با شناخت حَقّت ، دوستدار دوستان و دشمن دشمنانت ، با بینش به هدایتی که تو بر آبی و با شناخت گم راهی مخالفانت ، نزد تو آمده ام . پس مرا نزد پروردگارت ، شفاعت کن . آن گاه ، خود را بر روی قبر می اندازی و گونه ات را بر آن می گذاری . سپس به سوی سر امام علیه السلام می چرخ می گویی : سلام بر تو ، ای حجت خدا در زمین و آسمانش ! خداوند ، بر روح پاک و پیکر پاکیزه ات ، درود فرستد و بر تو_ ای مولای من_ سلام و رحمت و برکات خدا باد ! سپس ، خود را بر روی قبر می اندازی و آن را می بوسی و گونه ات را بر آن می گذاری . سپس به بالای سر امام علیه السلام می روی و دو رکعت نماز زیارت می خوانی . آن گاه ، تا می توانی ، نماز بخوان . سپس به سوی پاها می روی و فرزند حسین علیه السلام ، علی اکبر را زیارت می کنی و می گویی : سلام بر تو ، ای مولای من و فرزند مولای من ! رحمت خدا و برکات او بر تو باد ! خداوند ، ستمکار بر تو و قاتل تو را لعنت کند و عذاب دردناک را بر ایشان ، دوچندان کند ! سپس هر دعایی که خواستی ، می کنی و از کنار پاها ، به سوی قبله ، کج می شوی و [دیگر] شهیدان را زیارت می کنی و می گویی : سلام بر شما ، ای صدیقان ! سلام بر شما ، ای شهیدانِ شکیبا ! گواهی می دهم که شما در راه خدا کوشیدید و بر آزار آن ، شکیبایی ورزیدید و برای خدا و پیامبرش ، خیرخواهی کردید تا اجلتان در رسید . گواهی می دهم که شما ، زنده اید و نزد خدایتان ، روزی می خورید . خداوند ، از جانب اسلام و مسلمانان ، بهترین جزای نیکوکاران را به شما عنایت کند و در سرای نعمت جاوید ، ما را با شما جمع گرداند . پس از آن ، به سوی قبر عباس علیه السلام ، فرزند امیر مؤمنان ، می روی . چون به آن جا رسیدی ، نزد سرش بایست و بگو : سلام بر تو ، ای فرزند امیر مؤمنان ! سلام بر تو ، ای بنده شایسته و مطیع خدا و پیامبرش ! گواهی می دهم که تو ، جهاد نمودی و خیرخواهی کردی و شکیبایی ورزیدی تا اجلت در رسید . خداوند ، ستمکاران به شما از آغاز تا انجام را لعنت کند و آنان را به دَرَك جحیم (از طبقات زیرین دوزخ) ملحق کند . سپس [زائر] ، در مسجد آن [مزار] ، دو رکعت نماز مستحبی ، به شکل دلخواه ، می خواند و باز می گردد .

1- .علامه مجلسی رحمه الله می گوید: سید (ابن طاووس) رحمه الله گفته است: این زیارت ، مخصوص شب قدر و دو عید (فطر و قربان) است ؛ اما من می گویم : از روایت ، ظاهر می شود که این ، از زیارت های مطلقه (همیشگی) است و اختصاص به زمان مخصوصی ندارد .

12 / 17 فضل زيارته في عرفة مصباح المتهجد عن ابن ميثم التمار عن الباقر عليه السلام: من زار الحسين عليه السلام - أوقال: - من زار ليلة عرفة أرض كربلاء وأقام بها حتى يُعيد ثم ينصرف، وقاته الله شر سنته. (1)

مصباح المتهجد عن أبي حمزة الثمالي: سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول: من عَرَفَ (2) عند قبر الحسين عليه السلام لم يرجع صيفاً، ولكن يرجع ويده (3) مملوءة تان. (4)

تهذيب الأحكام عن حنان بن سدير عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: يا حنان، إذا كان يوم عرفة، أطلع الله عز وجل على زوار الحسين عليه السلام، فقال لهم: استأنفوا؛ فقد غفر لكم. (5)

كامل الزيارات عن عمر بن الحسن العرزمي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا كان يوم عرفة نظر الله إلى زوار قبر الحسين عليه السلام، فيقول: إرجعوا مغفوراً لكم ما مضى، ولا يكتب على أحدٍ منهم ذنبٌ سبعين يوماً من يوم ينصرف. (6)

-
- 1- مصباح المتهجد: ص 716، المزار للمفيد: ص 48 ح 3، كامل الزيارات: ص 452 ح 683، المزار الكبير: ص 349 ح 3 وفيها «بات» بدل «زار»، الإقبال: ج 2 ص 56، بحار الأنوار: ج 101 ص 91 ح 34.
 - 2- في بحار الأنوار: «من عرف صدقه عند...».
 - 3- في المصدر: «ويده»، والتصويب من بحار الأنوار.
 - 4- مصباح المتهجد: ص 716، بحار الأنوار: ج 101 ص 91 ح 33.
 - 5- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 51 ح 117، كامل الزيارات: ص 319 ح 542، مصباح المتهجد: ص 716، بحار الأنوار: ج 101 ص 88 ح 15 و ص 92 ح 35.
 - 6- كامل الزيارات: ص 319 ح 543، مصباح المتهجد: ص 716، بحار الأنوار: ج 101 ص 88 ح 16.

12 / 17 ثواب زیارت امام علیه السلام در عرفه

مصباح المتجهّد_ به نقل از ابن میثم تمار_: امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند» یا فرمود: «هر کس شب عرفه، سرزمین کربلا را زیارت کند و در آن بماند تا عید قربان را آن جا سپری کند و سپس باز گردد، خداوند، او را از شرّ آن سال، نگاه می دارد» .

مصباح المتجهّد_ به نقل از ابو حمزه ثُمّالی_: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس روز عرفه را در کنار قبر حسین علیه السلام به سر ببرد، دست خالی باز نمی گردد؛ بلکه با دستان پُر، باز می گردد» .

تهذیب الأحکام_ به نقل از حنان بن سَدير، از امام صادق علیه السلام_: ای حنان! چون روز عرفه می شود، خداوندت به زائران حسین علیه السلام نظر می کند و به آنان می فرماید: «عمل، از سر گیرید، که آمرزیده شدید» .

کامل الزیارات_ به نقل از عمر بن حسن عَزْرَمی، از امام صادق علیه السلام_: هنگامی که روز عرفه می شود، خداوند به زائران قبر حسین علیه السلام نظر می کند و می فرماید: «باز گردید که گذشته تان، آمرزیده شد»، و تا هفتاد روز پس از بازگشت نیز گناه هیچ يك از آنها نوشته نمی شود .

ثواب الأعمال عن بشير الدهان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ أَتَاهُ [قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام] فِي يَوْمِ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ ، كُتِبَتْ لَهُ أَلْفُ حَبَّةٍ وَأَلْفُ عُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَاتٍ ، وَأَلْفُ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ . (1)

تهذيب الأحكام عن يونس بن ظبيان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَبَّةٍ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ ، وَأَلْفَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَعِتْقَ أَلْفِ أَلْفِ نَسَمَةٍ ، وَحُمْلَانَ أَلْفِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَسَمَاءَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدِي الصِّدِّيقِ آمَنَ بِوَعْدِي ، وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ : فُلَانٌ صِدِّيقٌ زَكَاةَ اللَّهِ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ ، وَسُمِّيَ فِي الْأَرْضِ كَرُوبِيًّا (2) . (3)

تهذيب الأحكام عن معاوية بن وهب البجلي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ عَرَفَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَقَدْ شَهِدَ عَرَفَةَ (4) .

ثواب الأعمال عن عبد الله بن مسكان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَتَجَلَّى لِرُؤُارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ ، وَيَقْضِي حَوَائِجَهُمْ وَيَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَيُسَفِّعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ ، ثُمَّ يَثْنِي بِأَهْلِ عَرَفَاتٍ فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ . (5)

-
- 1- ثواب الأعمال: ص 115 ح 25 ، الأمالي للطوسي: ص 201 ح 342 ، الأمالي للصدوق: ص 207 ح 227 كلاهما بزيادة «مبرورات» بعد «عمرة»، كامل الزيارات: ص 316 ح 536 ، المزار للمفيد: ص 48 ح 4 نحوه ، بحار الأنوار: ج 101 ص 85 ح 1 .
 - 2- الكروبيون: سادة الملائكة ، وهم المقربون (النهاية: ج 4 ص 161 «كرب»).
 - 3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 49 ح 113 ، المزار للمفيد: ص 46 ح 1 ، كامل الزيارات: ص 321 ح 545 ، المزار الكبير: ص 348 ح 1 ، مصباح المتهجد: ص 715 ، بحار الأنوار: ج 101 ص 88 ح 18 .
 - 4- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 51 ح 118 ، مصباح المتهجد: ص 716 ، بحار الأنوار: ج 101 ص 92 ح 37 .
 - 5- ثواب الأعمال: ص 116 ح 28 ، مصباح المتهجد: ص 715 ، كامل الزيارات: ص 309 ح 522 ، الإقبال: ج 2 ص 61 نحوه ، بحار الأنوار: ج 101 ص 37 ح 50 .

ثواب الأعمال_ به نقل از بشیر دَهَّان ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس روز عرفه با شناخت حقِّ حسین علیه السلام به زیارتش بیاید ، هزار حج و هزار عمره پذیرفته و هزار جهاد همراه پیامبرِ مُرسَل یا امام عادل ، برایش نوشته می شود .

تهذیب الأحكام_ به نقل از یونس بن ظَبَّیان ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس قبر حسین علیه السلام را روز عرفه زیارت کند ، خداوند ، برای او هزار حج همراه قائم علیه السلام و هزار هزار عمره همراه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و آزاد کردن هزار بنده و فرستادن هزار هزار سوار به کارزار در راه خدا می نویسد و خداوندت او را چنین می نامد : «بنده صدیق من ، به وعده ام ایمان آورده است» و فرشتگان می گویند : «فلائی ، صدیق است . خداوند ، او را از بالای عرشش تزکیه کرده است» و در زمین ، کَرَوِی (بزرگ فرشتگان) نامیده می شود .

تهذیب الأحكام_ به نقل از معاویه بن وَهَب بَجَلِی ، از امام صادق علیه السلام_: هر که روز عرفه را نزد قبر حسین علیه السلام به سر ببرد ، [گویی] عرفات را درك کرده است .

ثواب الأعمال_ به نقل از عبد الله بن مَسْکَانَ ، از امام صادق علیه السلام_: خداوند _ تبارك و تعالی _ برای زائران حسین علیه السلام پیش از اهل عرفات ، تجلّی می کند و حاجت های آنان را برآورده می کند و گناهانشان را می آمرزد و آنان را شفیع خواسته هایشان قرار می دهد . آن گاه ، به اهل عرفات می پردازد و اینها را برایشان انجام می دهد .

كامل الزيارات عن يونس بن يعقوب بن عمّار عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ فَاتَتْهُ عَرَفَةُ بِعَرَفَاتٍ فَأَدْرَكَهَا بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَقْتُلْهُ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَبْدَأُ بِأَهْلِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ، ثُمَّ يُخَاطِبُهُمْ بِنَفْسِهِ. (1)

كامل الزيارات عن ابن أبي يعفور: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ ذَلِكَ فَأَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَرَفَ عِنْدَهُ، يُجْزِيهِ ذَلِكَ عَنِ الْحَجِّ (2). (3)

تهذيب الأحكام عن بشّار عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: الموسرُ إذا كان قد حجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَقِلَ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَمَنَعَهُ عَنِ ذَلِكَ شِدُّ غُلِّ دُنْيَا أَوْ عَائِقُ، فَأَتَى الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ، أَجْزَأَهُ ذَلِكَ عَنِ أَدَاءِ حَجَّتِهِ وَعُمْرَتِهِ، وَضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً. قُلْتُ: كَمْ تَعْدِلُ حَجَّةً؟ وَكَمْ تَعْدِلُ عُمْرَةً؟ قَالَ: لَا يُحْصَى ذَلِكَ. قُلْتُ: مِثَّةٌ؟ قَالَ: وَمَنْ يُحْصِي ذَلِكَ؟ قُلْتُ: أَلْفٌ؟ قَالَ: وَأَكْثَرُ. ثُمَّ قَالَ: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (4). (5)

الكافي عن بشير الدهان: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زُبَيْمًا فَاتَنِي الْحَجُّ فَأَعْرَفْتُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ، أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمِ عِيدٍ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرِينَ حَجَّةً وَعَشْرِينَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مَقْبُولَاتٍ، وَعَشْرِينَ حَجَّةً وَعُمْرَةً مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ، وَمَنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِثَّةَ حَجَّةٍ وَمِثَّةَ عُمْرَةٍ وَمِثَّةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ لِي بِمِثْلِ الْمَوْقِفِ؟ قَالَ: فَتَنَظَّرْ إِلَيَّ شَيْءَ الْمُغْضَبِ، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا بَشِيرُ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ وَاغْتَسَلَ مِنَ الْفُرَاتِ ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً بِمَنَاسِكَهَا_ وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَغَزْوَةً. (6).

- 1- كامل الزيارات: ص 318 ح 540، بحار الأنوار: ج 101 ص 87 ح 14 وراجع: تهذيب الأحكام: ج 6 ص 50 ح 31 وكتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 580 ح 3171 وثواب الأعمال: ص 116 ح 27.
- 2- المراد به الحج المستحب لا الواجب كما يتضح ذلك من الحديث التالي له.
- 3- كامل الزيارات: ص 296 ح 489، بحار الأنوار: ج 101 ص 32 ح 25.
- 4- إبراهيم: 34.
- 5- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 50 ح 114، المزار للمفيد: ص 47 ح 2، كامل الزيارات: ص 321 ح 547، بحار الأنوار: ج 101 ص 89 ح 21.
- 6- الكافي: ج 4 ص 580 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 46 ح 101، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 580 ح 3169 وفيه «ألف» بدل «مئة» في جميع المواضع وفيهما «إلا قال: وعمره» بدل «إلا قال: وغزوة»، ثواب الأعمال: ص 115 ح 25 بزيادة «وعمره» بعد «إلا قال:»، الأملالي للطوسي: ص 201 ح 342، كامل الزيارات: ص 316 ح 536 وفيها «غزوة مع نبي» بدل «حجّة وعمره مع نبي»، بحار الأنوار: ج 101 ص 85 ح 1.

کامل الزیارات_ به نقل از یونس بن یعقوب بن عمّار ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس عرفه را در عرفات از دست بدهد و خود را به قبر حسین علیه السلام برساند ، آن را از دست نداده است و خداوند _ تبارک و تعالی_ ، پیش از اهل عرفات ، با زائران قبر حسین علیه السلام آغاز می کند و خود ، با آنان سخن می گوید .

کامل الزیارات_ به نقل از ابن ابی یَعْفُور_: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید : «اگر مردی قصد حج کردن داشته باشد و برایش میسر نشود ، اما خود را به قبر حسین علیه السلام برساند و عَرَفَه را آن جا به سر بَرَد ، جای حج را برایش می گیرد» . (1)

تهذیب الأحکام_ به نقل از بَشَّار_: امام صادق علیه السلام فرمود : «چون توانگری حَجَّةَ الإسلام (حج واجب) را گزارد و هنگامی که خواست حج و عمره مستحبی بگزارد ، گرفتاری های دنیا و پیشامدی مانعش شد ، اگر روز عرفه نزد حسین بن علی علیه السلام بیاید ، این زیارت ، او را از ادای حج و عمره مستحبی اش ، بی نیاز می کند و خداوند ، آن را برایش چندین و چند برابر می کند» . گفتم : برابر با چند حج است ؟ و برابر با چند عمره است ؟ فرمود : «به شماره نمی آید» . گفتم : صد ؟ فرمود : «این را که کسی شماره نمی کند (یعنی : صد که زیاد نیست) !» . گفتم : هزار ؟ فرمود : «و بیشتر» . سپس فرمود : « و اگر بخواهید نعمت خدا را شماره کنید ، [نمی توانید] آن را شماره کنید » .

الکافی_ به نقل از بشیر دَهَّان_: به امام صادق علیه السلام گفتم : گاه ، حج از من فوت می شود ، اما عرفه را نزد قبر حسین علیه السلام به سر می برم . فرمود : «کار خوبی می کنی ، ای بشیر ! هر مؤمنی که در روزی که عید نیست ، به نزد قبر حسین علیه السلام بیاید و به حق او آگاه باشد ، خداوند ، بیست حج و بیست عمره نیکو و پذیرفته ، و بیست حج و عمره همراه پیامبر مُرْسَل یا پیشوای عادل ، برایش می نویسد ، و هر کس در روز عید به زیارتش بیاید ، خداوند ، یکصد حج و یکصد عمره و یکصد جهاد همراه پیامبر مُرْسَل یا پیشوای عادل ، برایش می نویسد» . گفتم : چگونه جای موقف (عرفات) را برای من می گیرد ؟ امام علیه السلام با نگاهی خشم آلود ، به من نگریست و سپس به من فرمود : «ای بشیر ! هنگامی که مؤمن ، روز عرفه به سوی قبر حسین علیه السلام می آید و با آب فرات ، غسل می کند و سپس به او رو می کند ، خداوند ، برای هر گامش ، یک حج با اعمالش را می نویسد» و جز این نمی دانم که فرمود : «و یک جهاد [برایش می نویسد]» .

(2)

- 1- منظور ، حج مستحب است ، نه حَجَّةَ الإسلام (حج واجب) ، همان گونه که از حدیث بعد ، آشکار می شود . م .
- 2- در کتاب من لا یحضره الفقیه به جای «یکصد» در همه جا «هزار» آمده است و در آن و در تهذیب الأحکام ، به جای «غزوه (جهاد)» ، «عمره» آمده است . در ثواب الأعمال ، هم «عمره» و هم «غزوه» ، هر دو ، آمده است . همچنین در کامل الزیارات ، به جای «جهاد همراه پیامبر مُرْسَل» آمده است : «حج و عمره ای همراه پیامبر مُرْسَل» .

كامل الزيارات عن بشير الدهان: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَهُوَ نَازِلٌ بِالْحَيْرَةِ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ، فَأَقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِهِ، فَقَالَ: يَا بَشِيرُ، أَحْبَبْتَ الْعَامَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَا، وَلَكِنْ عَرَفْتُ بِالْقَبْرِ، قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ: يَا بَشِيرُ، وَاللَّهِ مَا فَاتَكَ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ لِأَصْحَابِ مَكَّةَ بِمَكَّةَ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فِيهِ عَرَفَاتٌ؟ فَسَّرَهُ لِي. فَقَالَ: يَا بَشِيرُ، إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَغْتَسِلُ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ، ثُمَّ يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، فَيُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا أَوْ يَضَعُهَا مِثَّةَ حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ، وَمِثَّةَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ، وَمِثَّةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ وَأَعْدَاءِ رَسُولِهِ. يَا بَشِيرُ، اسْمَعْ وَأَبْلِغْ مَنْ احْتَمَلَ قَلْبُهُ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ (1).

1- . كامل الزيارات: ص 320 ح 544 و ص 343 ح 580 ، بحار الأنوار: ج 101 ص 87 ح 13 .

کامل الزیارات_ به نقل از بشیر دَهان_: هنگامی که امام صادق علیه السلام در حیره فرود آمده بود و گروهی از شیعیان هم نزدش بودند ، به من رو کرد و شنیدم که فرمود : «ای بشیر ! آیا امسال ، حج گزارده ای ؟» . گفتم : فدایت شوم ! نه ؛ اَمّا عرفه را نزد قبر حسین علیه السلام به سر برده ام . فرمود : «ای بشیر ! به خدا سوگند که چیزی از آنچه حاجیان در مکه دارند ، از دست تو نرفته است .» . گفتم : فدایت شوم ! آن (زیارت حسین علیه السلام) عرفات دارد ؟ برایم روشن کن . فرمود : «ای بشیر ! مردی از شما که بر کرانه رود فرات ، غسل می کند و سپس با شناخت حقّ حسین علیه السلام به زیارت قبرش می آید ، خداوند ، در برابر هر گامی که بر می دارد و یا می گذارد ، [پاداش] یکصد حج پذیرفته و یکصد عمره نیکو و یکصد جهاد همراه پیامبری مُرسل با دشمنان خدا و پیامبرش ، به او می بخشد . ای بشیر ! بشنو و به هر کس که دلش تاب تحمّل آن را دارد ، برسان که زائر حسین علیه السلام در روز عرفه ، مانند زائر خدا در عرش است .» .

كتاب من لا يحضره الفقيه عن داود الرقي: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَأَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَأَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَهُمْ يَقُولُونَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِعَرَفَةَ، فَلَبَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَلَاثَ (1) الصَّدْرِ. (2)

12 / 18 زيارته ليلة عرفة ويومها المصباح للكفعمي: وأما زيارة ليلة عرفة ويومها زيارة ليلة الأضحى ويومه، فقل بعد الغسل والاستئذان إن كانت الزيارة من قرب: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (3)، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ. ثُمَّ سَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقُل: سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ وَرَحْمَتِهِ وَبَرَكَاتِهِ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الشَّهِيدَ الْمَظْلُومَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَخَادِلَكَ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُمْ وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ وَمِمَّنْ شَايَعَ وَرَضِيَ بِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمْ كُفَّارٌ مُشْرِكُونَ، وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْهُمْ بُرَاءٌ (4). ثُمَّ قُل: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ الْمُوَالِي لَوْلِيكَ الْمُعَادِي لِعَدُوِّكَ، اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ، وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ. ثُمَّ قَفَّ مِمَّا يَلِي رَأْسَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُل: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي خَدِيجَةَ الْكُبْرَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُتَوَرَّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتَ بِهِ. يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُجَسَّكِ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُدِّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى (5)، أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآءُهُ وَرُسُلُهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا بَابَكُمْ مَوْقِفٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، فَصَلِّ لِمَاوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ، وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ثُمَّ انكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَقُل: يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظَّمْتَ الرَّزِيَّةَ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَصَدْتُ حَرَمَكَ وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَبِالمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِمَنْنِهِ وَرَحْمَتِهِ. ثُمَّ صَلَّى عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكَعَتَيْنِ، وَقُلْ بَعْدَهُمَا مَا مَرَّ فِي زِيَارَةِ عَاشُورَاءَ. ثُمَّ زُرَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ الْأَكْبَرُ عَلَى الْأَصْحَ، مِنْ عِنْدِ رَجُلٍ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ ابْنَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنَ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتَ بِهِ. ثُمَّ انكَبَّ عَلَى قَبْرِهِ وَقَبْلَهُ وَقُل: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظَّمْتَ الْمُصِيبَةَ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ. ثُمَّ صَلَّى عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ أَتَى الشُّهَدَاءَ وَقُل: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدَاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، يَا بَنِي أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ وَطَابَتْ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَفُرْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فَوْزًا عَظِيمًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. وَتَقُولُ فِي وَدَاعِهِمْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صَالِحِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ عَلَى نُصْرَتِهِمْ ابْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، اجْعَلْنَا وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، أَسْتَوِدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهِمْ وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ثُمَّ عُدَّ إِلَى عِنْدِ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ تَصَلَّى رَكَعَتَيْ زِيَارَةِ الشُّهَدَاءِ ، وَانْكَبَّ عَلَى قَبْرِهِ إِذَا أُرِدَتْ وَدَاعَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ ، سَلَامٌ مُودَعٌ لَا قَالٍ وَلَا سَدِّمْ ، فَإِنْ أَمْضَ فَلَا عَن مَلَالَةٍ وَإِنْ أَقِمَ فَلَا عَن سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ يَا مَوْلَايَ آخِرَ الْعَهْدِ مَتَّى لِيُزَارَتِكَ ، وَرَزَقْنِي الْعُودَ إِلَى مَشْهَدِكَ وَالْمُقَامَ فِي حَرَمِكَ ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . ثُمَّ أَخْرَجَ وَلَا تَوَلَّى ظَهْرَكَ ، وَأَكْثَرَ مِنْ قَوْلٍ : «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (6) حَتَّى تَغِيبَ عَنِ الْقَبْرِ . وَتَقُولُ فِي زِيَارَةِ الْعَبَّاسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ ، وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ ، أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَصْدِقٌ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ الْأَعْدَاءِ ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَوْفَرَ جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيائِكَ رَفِيقًا ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَتَدَعَوْ بَعْدَهُمَا ، وَكَذَا بَعْدَ رَكَعَتَيْ زِيَارَةِ الشُّهَدَاءِ وَرَكَعَتَيْ زِيَارَةِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بِمَا مَرَّ عَقِيبَ رَكَعَتَيْ زِيَارَةِ عَاشُورَاءَ . وَتَزُورُ الْحَرَّ بْنَ يَزِيدَ وَهَانِيَّ بْنَ عُرْوَةَ وَمُسْلِمَ بْنَ عَقِيلٍ بِزِيَارَةِ الْعَبَّاسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَتُودِّعُهُمْ بِوَدَاعِهِ ، وَهُوَ : أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَكِتَابِهِ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ أَخِي رَسُولِكَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ - أَوْ فُلَانٍ وَتَدَكَّرُهُ بِاسْمِهِ - وَارْزُقْنِي (7) زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ ، وَعَرِّفْ بَيْنِي وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَائِكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ ، وَالْوَالِيَّةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَلَدِهِ الْأَيْمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ ؛ فَإِنِّي رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (8) . (9)

- 1- .يقال : تَلَجَّتْ نَفْسِي بِالْأَمْرِ : إِذَا اطْمَأَنَّتْ إِلَيْهِ وَسَكَنْتْ ، وَتَبَّتْ فِيهَا وَوَقِفْتُ بِهِ (النهاية : ج 1 ص 219 «تلج»).
- 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 580 ح 3170 ، ثواب الأعمال : ص 115 ح 26 ، كامل الزيارات : ص 317 ح 537 وليس فيه «أبا الحسن موسى بن جعفر عليه السلام» ، مصباح المتهجد : ص 715 عن بشير عن الإمام الصادق عليه السلام فقط وفيه «بعثه الله يوم القيامة» بدل «قلبه الله تعالى» ، وفي كلها «الفؤاد» بدل «الصدر» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 86 ح 8 .
- 3- .الأصيل : الوقت بعد العصر إلى المغرب (الصحاح : ج 4 ص 1623 «أصل»).
- 4- .ليس في البلد الأمين : «سلام الله وسلام ملائكته» إلى «منهم براء» .
- 5- .ليس في البلد الأمين : «أشهد أنك كنت نورا» إلى «والعروة الوثقى» .
- 6- .البقرة: 156.
- 7- .في المصدر: «وترزقني» وهو لا يستقيم مع السياق وما في المتن أثبتناه من البلد الأمين .
- 8- .ليس في البلد الأمين : «وعرّف بيني وبينه» إلى «وصلّى الله على مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» .
- 9- .المصباح للكفعمي : ص 664 ، البلد الأمين : ص 289 .

کتاب من لایحضره الفقیه - به نقل از داوود زرقی - شنیدم که امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام فرمودند: «هر کس در عرفه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام بیاید، خداوند متعال، او را با دلی آرام و آسوده، باز می گرداند».

12 / 18 زیارت امام علیه السلام در شب و روز عرفه

المصباح، کفعمی: و اما در زیارت شب و روز عرفه و زیارت شب و روز عید قربان، پس از غسل و اذن ورود، اگر از نزدیک زیارت می کنی، بگو: خدا، بسی بزرگ است. ستایش فراوان، و ویژه اوست. خدا را صبح و عصر، منزه می دارم. ستایش، ویژه خدایی است که ما را به این، ره نمود که اگر هدایت خدا نبود، ما ره نمون نمی شدیم. فرستادگان پروردگار ما به حق آمده اند. سپس بر پیامبر و امامان علیهم السلام سلام بده و بگو: سلام و رحمت و برکات خدا و سلام فرشتگان، پیامبران، فرستادگان، بندگان صالح و همه خلقش، بر محمد و اهل بیتش، و بر تو، ای مولای شهید و مظلوم من! خداوند، قاتلان و واگذارندگان تو را لعنت کند! از آنان و کارهایشان، و هر کس که آنها را پشتیبانی کرد و به کارشان راضی شد، بیزاری می جویم، و گواهی می دهم که آنان، کافر و مشرک اند و خدا و پیامبرش، از آنها، بیزار است. سپس بگو: سلام بر تو، ای ابا عبد الله! سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو، دوستدار دوستدارت و دشمن دشمنت، به مرقدت پناه برده و با قصد تو کردن، به تو تقرب جسته است. خدا را سپاس که مرا به ولایت، ره نمون کرد و به زیارتت، ویژه ساخت و قصد تو کردن را بر من، هموار نمود. آن گاه، نزدیک به سر امام علیه السلام بایست و بگو: سلام بر تو، ای وارث آدم، برگزیده خدا! سلام بر تو، ای وارث نوح، پیامبر خدا! سلام بر تو، ای وارث ابراهیم، خلیل خدا! سلام بر تو، ای وارث موسی، هم سخن خدا! سلام بر تو، ای وارث عیسی، روح خدا! سلام بر تو، ای وارث محمد، حبیب خدا! سلام بر تو، ای وارث امیر مؤمنان، ولی خدا! سلام بر تو، ای فرزند محمد مصطفی! سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا! سلام بر تو، ای فرزند خدیجه کبرا! سلام بر تو، ای خون طلب شده خدا و فرزند خون طلب شده خدا و ای خون تاوان گرفته نشده! گواهی می دهم که تو، نماز بر پا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و از خدا اطاعت کردی تا اجلت در رسید. خداوند، لعنت کند کسانی را که تو را کشتند! و خداوند، لعنت کند کسانی را که به تو ستم کردند! و خداوند، لعنت کند کسانی را که آن را شنیدند و بدان، راضی شدند! ای مولای من، ای ابا عبد الله! گواهی می دهم که تو، نوری در پشت های والا و زهدان های پاک بودی. جاهلیت، تو را به پلیدی هایش نیالود و جامه های چرکینش را به تو نپوشاند. گواهی می دهم که تو، از استوانه های دین و ستون های مؤمنان هستی. گواهی می دهم که امامان از نسل تو، واژه های پرهیزگاری، نشانه های هدایت و ریسمان استوار هستند. خدا و فرشتگانش و پیامبران و فرستادگانش را گواه می گیرم که من، به شما ایمان و به بازگشت شما باور دارم، با همه اعتقاد و تا فرجام کارم. دلم در برابر دل شما، تسلیم و کارم در پی کار شماست. دروهای خدا و رحمت و برکات او بر شما، بر روح ها و پیکرهایتان، بر حاضر و غایبتان، و بر آشکار و نهانتان باد! سپس خود را بر روی قبر بینداز و بگو: پدر و مادرم فدایت، ای فرزند پیامبر خدا! پدر و مادرم فدایت، ای ابا عبد الله! بر ما و همه آسمانیان و زمینیان، سوگ تو بزرگ و مصیبت تو سترگ است. خداوند، لعنت کند کسانی را که اسب هایشان را زین کردند و لگام زدند و برای جنگ با تو، آماده شدند! ای مولای من، ای ابا عبد الله! حرمت را قصد کرده و به مرقدت آمده ام. به شأنی که نزد خدا داری و به جایگاهت نزد او، از خدا می خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت، همراه شما قرار دهد، به احسان و رحمتش. سپس نزد سر امام علیه السلام، دو رکعت نماز بگزار و بعد از آن، آنچه را که در «زیارت عاشورا» گذشت، بگو. سپس علی بن الحسین را - که بنا به قول صحیح، همان علی اکبر است -، از سمت پای پدرش زیارت کن و بگو: سلام بر تو، ای فرزند فرستاده خدا! سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان! سلام بر تو، ای فرزند حسین شهید! سلام بر تو، ای شهید و فرزند شهید! سلام بر تو، ای مظلوم و فرزند مظلوم! خداوند، لعنت کند کسانی را که تو را کشتند! و خداوند، لعنت کند کسانی

را که به تو ستم کردند! و خداوند، لعنت کند کسانی را که آن را شنیدند و بدان، راضی شدند! آن گاه، خود را روی قبر بینداز و آن را ببوس و بگو: سلام بر تو، ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ او! بر ما و همه مسلمانان، مصیبت تو بزرگ و سوگ تو سترگ است. خداوند، کسانی را که تو را کُشتند، لعنت کند! و من از آنان، در درگاه خدا و تو، بیزاری می جویم. سپس نزد سرش دو رکعت نماز بخوان و به سوی شهیدان برو و بگو: سلام بر شما، ای اولیا و دوستان خدا! سلام بر شما، ای برگزیدگان و دوستان راستین خدا! سلام بر شما، ای یاوران دین خدا و یاوران پیامبرش و یاوران امیر مؤمنان و یاوران حسن علیه السلام و حسین علیه السلام! پدر و مادرم فدایتان باد، که پاک و پاکیزه اید، و پاک و پاکیزه است زمینی که شما در آن، دفن شدید و به رستگاری بزرگی دست یافتید. کاش همراه شما بودم و با شما به رستگاری بزرگی دست می یافتم! سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! و در وداع شهیدان می گویی: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! خدایا! آن را آخرین دیدار من از ایشان، قرار مده و مرا در عمل صالح یاری دادن و جنگیدن همراه فرزند پیامبرت و حجّتت بر خلقت که به ایشان عطا کردی، شریک کن، و ما را با ایشان و در بهشتت، کنار شهیدان و صالحان، قرار بده که همراهان نیکویی اند. شما را به خدا می سپارم و بر شما سلام می کنم! خدایا! بازگشت به سوی ایشان را روزی ام کن و مرا با ایشان، محشور بفرما، ای مهربان ترین مهربانان! آن گاه، بعد از خواندن دو رکعت نماز زیارت شهیدان، به نزد سر حسین علیه السلام باز گرد و هر گاه خواستی او را وداع کنی، روی قبر بیفت و بگو: سلام بر تو، ای مولای من! سلام بر تو، ای حجّت خدا! سلام بر تو، ای برگزیده خدا! سلام بر تو، ای برگرفته خدا! سلام بر تو، ای امین خدا؛ سلام کسی که خدا حافظی می کند، نه از سر نفرت یا ناراحتی! و اگر باز می گردم - ای مولای من -، از ملالت نیست و اگر بمانم، از بدگمانی به وعده خدا به شکیبایان نیست. مولای من! خداوند، این زیارت را آخرین دیدار من از شما، قرار ندهد و بازگشت به سوی شما و اقامت در حرمت را روزی ام کند، و مرا در دنیا و آخرت، همراهتان قرار دهد. سپس خارج شو؛ ولی پشتت را به قبر مکن و فراوان بگو: «ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم»، تا آن که دیگر، قبر را نبینی. و در زیارت عباس علیه السلام می گویی: سلام بر تو، ای بنده صالح و مطیع خدا و پیامبرش و امیر مؤمنان و حسن و حسین، که سلام بر آنها بر تو، و رحمت و برکات و مغفرت خدا بر روح و بدن تو باد! خدا را گواه می گیرم که تو، بر همان رفتی که بدریان و مجاهدان در راه خدا و خیرخواهانش در جهاد با دشمنانش و کوشندگان در یاری اولیایش رفتند. خداوند، به تو بهترین جزا و فراوان ترین جزایی را بدهد که به وفاداران به بیعتش و پاسخ دهندگان به دعوتش می دهد، و تو را با پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، محشور کند، که چه نیکو همراهانی هستند! و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! سپس، دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن، دعا کن. همچنین بعد از دو رکعت نماز زیارت شهدا و دو رکعت نماز زیارت علی بن الحسین علیه السلام [دعا کن] با همان دعایی که بعد از دو رکعت نماز «زیارت عاشورا» گذشت. و با همان زیارت نامه عباس علیه السلام، حُرّ بن یزید و هانی بن عروه و مسلم بن عقیل را زیارت می کنی و با دعای وداع عباس علیه السلام، از آنها خدا حافظی می کنی و آن دعای وداع عباس علیه السلام، این است: تو را به خدا می سپارم و خدا را به مراقبت تو، فرا می خوانم و بر تو، سلام می دهم. به خدا و پیامبر او و کتابش، ایمان آوردیم، و نیز به آنچه از جانب خدا آورد. خدایا! ما را در گروه گواهان بنویس. خدایا! آن را آخرین دیدار و زیارت من از قبر فرزند برادر پیامبرت، عباس بن علی، [\(1\)](#) قرار مده، و زیارت او را همیشه، تا هر گاه که مرا باقی می داری، روزی ام کن و مرا با او و پدرانش در بهشت، محشور کن، و مرا با او و پیامبر و اولیایت، آشنا کن. خدایا! بر محمّد، و خاندان محمّد، درود فرست و بر ایمان به خودت، تصدیق پیامبرت، ولایت علی بن ابی طالب و امامان علیهم السلام، و بیزاری از دشمنانشان بمیران، که من به آن، راضی هستم؛ و خداوند، بر محمّد و خاندانش درود فرستد!

1- و در زیارت حُرّ، هانی و مسلم، به جای «قبر فرزند برادر پیامبرت، عباس بن علی» می گویی: «قبر حُرّ بن یزید» یا «قبر هانی بن عروه» یا «قبر مسلم بن عقیل».

المزار الكبير: زيارة أبي عبد الله عليه السلام في يوم عرفة: ومن لم يمكنه حضور الموقف للحج، وقدّر على إتيان قبر الحسين عليه السلام يوم عرفة فليحصّر؛ فإنّ في ذلك فضلاً كبيراً. فينبغي أن تغتسل من الفرات إن أمكنك، وإلا فمين حيث تقدّر عليه، وتمشي على سكة كينة ووقار، فإذا بلغت باب الحائر فكبر الله تعالى وقل: الله أكبر كبيراً، والحمد لله كثيراً، وسبحان الله بكرة وأصيلاً، و«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ» (1). (ثمّ تسلّم على النبيّ صلى الله عليه وآله وعلى أمير المؤمنين وعلى الأئمة عليهم السلام من بعده ثمّ تقول: (2) السّلام عليك يا أبا عبد الله، عبدك وابن عبدك وابن أمّتك، الموالى لوليّك المعادي لعدوّك، استجار بمشهدك وتقرّب إليك بقصدك، والحمد لله الذي هداني لولايتك وخصّني بزيارتك وسهّل لي قصدك. ثمّ تأتي باب القبّة فتعقب ممّا يلي الرّأس وتقول: السّلام عليك يا وارث آدم صفة الله، السّلام عليك يا وارث نوح نبيّ الله، السّلام عليك يا وارث إبراهيم خليل الله، السّلام عليك يا وارث موسى كليم الله، السّلام عليك يا وارث عيسى روح الله، السّلام عليك يا وارث محمد حبيب الله، السّلام عليك يا وارث أمير المؤمنين حجة الله، السّلام عليك يا ابن محمّد المصطفى، السّلام عليك يا ابن عليّ المرتضى، السّلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء، السّلام عليك يا ابن خديجة الكبرى. السّلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور، أشهد أنّك قد أقمّت الصلاة وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر، وأطعت الله حتّى أتاك اليقين. لعن الله أمة قتلتك، ولعن الله أمة ظلمتك، ولعن الله أمة سمعت بذلك فرضيت به. يا مولاي يا أبا عبد الله، أشهد الله وملائكته وأنبياءه ورسله، إنّي بكم مؤمن، وبإيابكم موقن، بشرائع ديني وحواتم عملي، فصلموا الله عليكم وعلى أرواحكم وعلى أجسادكم، وعلى شاهديكم وغائبكم، وظاهركم وباطنكم 3. ثمّ انكب على القبر وقبله وقل: يا أبا عبد الله، لقد عظمت الرزية وجلّت المصيبة بك علينا وعلى جميع أهل السماوات والأرض، فلعن الله أمة أسرجت والعجت وتهيّأت لقتالك، يا مولاي يا أبا عبد الله، قصدت حرّمك وآتيت مشهدك، أسأل الله بالتأثر (3) الذي لك عنده، والمحلّ الذي لك لديه، أن تصلّي عليّ محمّد وآل محمّد، وأن يجعلني معكم في الدنيا والآخرة. ثمّ تصلّي عند الرّأس (4)، تقرّأ فيها ما أحببت، فإذا فرغت فقل: اللهمّ إني صليت وركعت وسمعت جدت لك وحدك لا شريك لك؛ لأنّ الصلاة والركوع والسجود لا تكون إلا لك، لا لك أنت الله لا إله إلا أنت، اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد، وأبلغهم عني أفضل السّلام والتّحية، واردّد عليّ منهم. ثمّ صبر إلى عند رجلي الحسين، ورر عليّ بن الحسين عليهما السلام ورأسه عند رجلي أبي عبد الله عليه السلام، وقل: السّلام عليك يا ابن رسول الله، السّلام عليك يا ابن نبيّ الله، السّلام عليك يا ابن أمير المؤمنين، السّلام عليك يا ابن الحسين الشهيد، السّلام عليك أيّها الشهيد ابن الشهيد، السّلام عليك أيّها المظلوم وابن المظلوم، لعن الله أمة قتلتك، ولعن الله أمة ظلمتك، ولعن الله أمة فرضيت به. ثمّ انكب على القبر وقبله وقل: السّلام عليك يا وليّ الله وابن وليّ الله، لقد عظمت المصيبة وجلّت الرزية بك علينا وعلى جميع المسلمين، فلعن الله أمة قتلتك، وأبرأ إلى الله وإليك منهم. ثمّ اخرج من الباب الذي عند رجل عليّ بن الحسين عليهما السلام، فتوجّه هناك إلى الشّهداء وررهم وقل: السّلام عليكم يا أولياء الله وأحبّاءه، السّلام عليكم يا أصفياء الله وأودّاءه، السّلام عليكم يا أنصار دين الله وأنصار نبيّه وأنصار أمير المؤمنين والحسن والحسين عليهم السّلام، يا أبي أنتم وأمي طبتم وطابت الأرض التي فيها دفنتم وفزتم فوزاً عظيماً، فيا ليتني كنت معكم فأفوز معكم. ثمّ عد إلى عند رأس الحسين عليه السلام، وأكثر من الدعاء لنفسك ولأهلك وإخوانك المؤمنين، فإذا أزدت الخروج فأنكب على القبر وقل: السّلام عليك يا مولاي، السّلام عليك يا حجة الله، السّلام عليك يا صفة الله، السّلام عليك يا خالصة الله، السّلام عليك يا أمين الله، سلام مودّع لا قال ولا سئم، فإن أمض فلا عن ملالة، وإن أقم فلا عن سوء ظنّ بما وعد الله الصابرين. لا جعله الله يا مولاي آخر العهد لزيارتك، ورزقني العود إلى مشهدك والمقام في حرّمك، وأن يجعلني معكم في الدنيا والآخرة. ثمّ اخرج ولا تولّ ظهرك، وأكثر من قول: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (5). ثمّ امض إلى مشهد العباس بن عليّ عليهما السلام، فإذا أتيت فقف عليه وقل: (السّلام عليك أيّها العبد الصّالح، المطيع لله ورسوله ولأمر المؤمنين والحسن والحسين، وعليك السّلام ورحمة الله وبركاته ومعرفته على روحك وبدنك. أشهد الله أنّك مصّيبت على ما مصّى البدريون والمجاهدون في سبيل الله، المناصير حون في جهاد الأعداء،

المُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَانِهِ . فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ ، وَأَوْفَرَ جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا) 7 . ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ الرَّأْسِ ، وَادْعُ اللَّهَ بَعْدَهُمَا بِمَا أَحْبَبْتَ ، فَإِذَا أُرِدْتَ الْخُرُوجَ فَوَدِّعْهُ وَقُلْ : اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ ، وَارزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ . وَادْعُ لِنَفْسِكَ وَلِوَالِدَيْكَ وَلِإِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ . ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْوَدَاعِ ، فَإِذَا أُرِدْتَ وَدَاعَهُ تَقِفْ كَوُفُوكَ عَلَيْهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، أَنْتَ لِي جَنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ ، وَهَذَا أَوْانُ انصِرَافِي ، غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ سِوَاكَ ، وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ غَيْرِكَ وَلَا- زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ . أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَمِنْ رُجُوعِي ، أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ ، وَهَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ ، وَلِزِيَارَتِي إِيَّاكَ ، أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ وَيَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ آبَائِكَ الصَّالِحِينَ . ثُمَّ سَلِّمْ عَلَى النَّبِيِّ وَالْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاحِدًا وَاحِدًا وَانصَرِفْ إِنْ شِئْتَ ، وَتَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ . ثُمَّ حَوِّلْ وَجْهَكَ إِلَى قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَوَدِّعْهُمْ وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صَالِحِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ عَلَى نَصْرِهِمْ ابْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا ، اسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ . اللَّهُمَّ ارزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهِمْ ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ثُمَّ أَخْرُجْ وَلَا تُؤَلِّ وَجْهَكَ عَنِ الْقَبْرِ حَتَّى تَغِيبَ عَنِ مُعَايِنَتِكَ ، وَقِفْ عَلَى الْبَابِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ ، وَادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ وَانصَرِفْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (6)

1- الأعراف : 43 .

2- . جاء في المصادر الأخرى بدل ما بين القوسين العبارة التالية : «السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْمُنتَظَرِ» .

3- . في المصادر الأخرى : «بالشأن الذي» ، وهو الأنسب .

4- . في المصادر الأخرى : «ثُمَّ قَبْلَ الصَّرِيحِ وَصَلَ عِنْدَ الرَّأْسِ رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا . . .» .

5- . البقرة: 156 .

6- . المزار الكبير : ص 462 ، مصباح الزائر : ص 347 ، الإقبال : ج 2 ص 62 ، المزار للشهيد الأول : ص 171 كلُّها نحوه ، بحار الأنوار

: ج 101 ص 359 ح 1 .

المزار الكبير: زیارت امام صادق علیه السلام در «روز عرفه» [چنین بود]: «و هر کس، امکان حضور در موقوف حج را نیافت، می تواند به نزد قبر حسین علیه السلام در آید و در آن جا حضور یابد که فضیلت بزرگی دارد. و سزاوار است که اگر ممکن شد، از فرات، غسل کنی؛ و گر نه، از هر جا که توانستی، و با آرامش و وقار، راه بروی و چون به در بارگاه قبر رسیدی، خدای متعال را بزرگ بدار («اللّه اکبر») و بگو: خداوند، بسی بزرگ است. ستایش فراوان، ویژه اوست. خدا را در صبح و عصر، منزه می دارم. «ستایش، ویژه خدایی است که ما را به این، ره نمود که اگر هدایت خدا نبود، ما ره نمون نمی شدیم. فرستادگان پروردگار ما، به حق آمده اند». سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان و امامان بعد از او، سلام می دهی و می گویی: (1) سلام بر تو، ای ابا عبد الله! بنده تو، فرزند بنده و کنیز تو، دوستدار ولی تو و دشمن دشمن تو، به مرقدت پناهنده گشته و با این قصد، نزدیکی به تو را می جوید. ستایش، ویژه خدای یکتای یگانه، تنها و بی نیاز است؛ کسی که مرا به ولایت تو، ره نمود و مرا به زیارتت، مخصوص کرد و قصد تو کردن را بر من، آسان نمود. سپس به درگاه گنبد می آیی و در کنار سر می ایستی و می گویی: سلام بر تو، ای وارث آدم، برگزیده خدا! سلام بر تو، ای وارث نوح، پیامبر خدا! سلام بر تو، ای وارث ابراهیم، خلیل خدا! سلام بر تو، ای وارث موسی، هم سخن خدا! سلام بر تو، ای وارث عیسی، روح خدا! سلام بر تو، ای وارث محمد، حبیب خدا! سلام بر تو، ای وارث امیر مؤمنان، ولی خدا! سلام بر تو، ای فرزند محمد مصطفی! سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا! سلام بر تو، ای فرزند خدیجه کبرا! سلام بر تو، ای خون خدا و فرزند خون خدا و ای خون بی توان مانده! گواهی می دهم که تو، نماز بر پا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و از خدا، اطاعت کردی تا اجلت در رسید. خداوند، لعنت کند کسانی را که تو را کشتند! و خداوند، لعنت کند کسانی را که به تو ستم کردند! و خداوند، لعنت کند کسانی را که آن را شنیدند و بدان، راضی شدند! ای مولای من، ای ابا عبد الله! خدا و فرشتگانش و پیامبران و فرستادگانش را گواه می گیرم که من، به شما ایمان دارم و به بازگشت شما باور دارم، با همه اعتقاد و تا فرجام کارم. درودهای خدا و رحمت و برکات او بر شما، بر روح ها و پیکرهایتان، بر حاضر و غایب، و بر آشکار و نهانتان باد! 2 سپس، خود را بر روی قبر بینداز و آن را بیوس و بگو: پدر و مادرم فدایت، ای ابا عبد الله! بر ما و همه آسمانیان و زمینیان، سوگ تو بزرگ و مصیبت تو سترگ است. خداوند، لعنت کند کسانی که اسب هایشان را زین کردند و لگام زدند و برای جنگ با تو آماده شدند! ای مولای من، ای ابا عبد الله! حرمت را قصد کرده و به مرقدت آمده ام. به شأنی که نزد خدا داری و به جایگاهت نزد او، از خدا می خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت، همراه شما قرار دهد. سپس، نزد سر [امام علیه السلام] دو رکعت نماز می گذاری و هر سوره ای که خواستی، در آن دو رکعت می خوانی. هنگامی که از نمازت فارغ شدی، بگو: خدایا! من برای تو که یگانه و بی انبازی، نماز خواندم و به رکوع و سجده رفتم؛ زیرا نماز خواندن و رکوع و سجده کردن، تنها برای تو سزااست، چون تنها تو خدای یگانه ای. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و از جانب من، بهترین درود و سلام را به آنها برسان و پاسخ سلام آنها را به من، باز گردان. سپس به سوی پاهای حسین علیه السلام برو و آن جا، علی اکبر علیه السلام را - که سرش نزد پاهای امام حسین علیه السلام است - زیارت کن و بگو: سلام بر تو، ای فرزند فرستاده خدا! سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان! سلام بر تو، ای فرزند حسین شهید! سلام بر تو، ای شهید و فرزند شهید! سلام بر تو، ای مظلوم و فرزند مظلوم! خداوند، لعنت کند کسانی را که تو را کشتند! و خداوند، لعنت کند کسانی را که به تو ستم کردند! و خداوند، لعنت کند کسانی را که آن را شنیدند و بدان، راضی شدند! آن گاه، خود را روی قبر بینداز و آن را بیوس و بگو: سلام بر تو، ای ولی خدا و فرزند ولی او! بر ما و همه مسلمانان، مصیبت تو، بزرگ و سوگ تو سترگ است. خداوند، کسانی را که تو را کشتند، لعنت کند! و من از آنان، به درگاه خدا و تو، بیزاری می جویم. سپس، از دری که نزد پای علی اکبر علیه السلام است، بیرون برو و به سوی شهیدان، رو کن و بگو: سلام بر شما، ای اولیا و دوستان خدا! سلام بر شما، ای برگزیدگان و دوستان راستین خدا! سلام بر شما، ای یاوران دین خدا و یاوران پیامبر خدا و یاوران امیر مؤمنان و یاوران حسن علیه السلام و

حسین علیه السلام! پدر و مادرم فدایتان باد! شما پاك و پاکیزه هستید، و پاك و پاکیزه است زمینی که شما در آن، دفن شدید، و به رستگاری بزرگی دست یافتید. کاش همراه شما بودم و با شما، رستگار می شدم! آن گاه، به نزد سر حسین علیه السلام باز گرد و برای خود، خانواده و فرزندان و برادران مؤمنان، فراوان دعا کن، و هنگامی که خواستی بیرون بیایی، روی قبر بیفت و بگو: سلام بر تو، ای مولای من! سلام بر تو، ای حجت خدا! سلام بر تو، ای برگزیده خدا! سلام بر تو، ای برگرفته خدا! سلام بر تو، ای امین خدا؛ سلام کسی که خدا حافظی می کند، نه از سر نفرت یا ناراحتی! و اگر باز می گردم _ ای مولای من _، از ملالت نیست، و اگر بمانم، از بدگمانی به وعده خدا به شکیبایان نیست. مولای من! خداوند، این زیارت را آخرین دیدار من از تو، قرار ندهد و بازگشت به مرقدت و اقامت در حرمت را روزی ام کند و مرا در دنیا و آخرت، همراهتان قرار دهد! سپس، خارج شو؛ ولی پشتت را به قبر مکن و فراوان بگو: «ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم». سپس، به مرقد عباس بن علی علیه السلام برو و هنگامی که به آن رسیدی، در کنار قبر بایست و بگو: سلام بر تو، ای بنده صالح مطیع خدا و پیامبرش و امیر مؤمنان و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام! سلام و رحمت و برکات و مغفرت خدا، بر تو و روح و بدن تو! خدا را گواه می گیرم که تو، بر همان رفتی که بدریان و مجاهدان در راه خدا، خیرخواهان در جهاد با دشمنان، و کوشندگان در یاری اولیایش رفتند. خداوند، به تو بهترین جزا و فراوان ترین جزایی را بدهد که به وفاداران به بیعتش و پاسخ دهندگان به دعوتش می دهد، و تو را با پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان محشور کند، که چه نیکو همراهانی هستند! (2)

آن گاه، نزد سرش دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن، با هر دعایی که خواستی، خدا را بخوان، و هر گاه خواستی که خارج شوی، با او وداع کن و بگو: تو را به خدا می سپارم و خدا را به مراقبت از تو، فرا می خوانم و بر تو سلام می دهم. به خدا و پیامبرش ایمان آوردیم، و نیز به آنچه از جانب خدا آورد. خدایا! ما را در گروه گواهان بنویس. خدایا! آن را آخرین دیدار و زیارت من از قبر ولایت و فرزند برادر پیامبرت، قرار مده و زیارت او را همیشه، تا هر گاه که مرا باقی می داری، روزی ام کن و مرا با او و پدرانش در بهشت، محشور کن. آن گاه، برای خود و پدر و مادرت و برادران مؤمنان، دعا کن. سپس، برای وداع به مرقد حسین علیه السلام باز گرد. به هنگام وداع [در کنار قبرش] می ایستی، همان گونه که بار اول [برای زیارت] ایستادی و بگو: سلام بر تو، ای ولی خدا! سلام بر تو، ای ابا عبد الله! تو، عذاب را از من می رانی، و اکنون، هنگام بازگشت من است، نه از سر روی گرداندن و نه جای گزین کردن کس دیگری به جای تو، و نه مقدم داشتن غیر تو بر تو، و نه بی رغبتی به نزدیک تو بودن. از خدای متعال می خواهم که این [دیدار] را آخرین دیدار و بازگشت من، قرار ندهد، و از خدایی که مکان تو را به من نشان داد و مرا به سلام دادن به تو و زیارتت ره نمود، می خواهم که مرا به حوض شما در آورد و همراهی با شما را در بهشت و کنار پدران صالحان، روزی ام سازد. سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و یك امامان علیهم السلام سلام کن، و اگر خواستی، باز گرد و هر چه خواستی، دعا کن. آن گاه، به سوی قبرهای شهیدان، رو کن و با آنان، خدا حافظی کن و بگو: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! خدایا! آن را آخرین دیدار من از ایشان، قرار مده و مرا در عمل صالح یاری دادن [و جنگیدن همراه] فرزند پیامبرت و حجتت بر خلقت که به ایشان عطا کردی، شریک کن. خدایا! ما را با ایشان و در بهشت، کنار شهیدان و صالحان، گرد هم آور، که همراهان نیکویی اند! شما را به خدا می سپارم و بر شما سلام می کنم. خدایا! بازگشت به سوی ایشان را روزی ام کن و مرا با ایشان، محشور بفرما، ای مهربان ترین مهربانان! سپس، بیرون برو و رویت را از قبر مچرخان تا از جلوی چشمانت، ناپیدا شود و کنار در، رو به قبله بایست و و هر دعایی که دوست داشتی، بکن و به یاری خدا باز گرد!

1- در منابع دیگر، به جای عبارت «سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ... می گویی»، این عبارت آمده است: «سلام بر پیامبر خدا! سلام بر امیر مؤمنان! سلام بر فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان! سلام بر حسن و حسین! سلام بر علی بن الحسین! سلام بر محمد بن علی! سلام بر جعفر بن محمد! سلام بر موسی بن جعفر! سلام بر علی بن موسی! سلام بر محمد بن علی! سلام بر علی بن محمد!

سلام بر حسن بن علی! و سلام بر آن جانشین صالح منتظر!». .

2- در منابع دیگر به جای عبارات این بند از دعا آمده است: «سلام بر تو، ای ابو الفضل عباس بن امیر المؤمنین! سلام بر تو، ای پسر سرور اوصیا! سلام بر تو، ای پسر اولین اسلام آورنده، و پیشگام در ایمان، و استوارترین در دین خدا، و یگانه ترین پاسدار اسلام! گواهی می دهم که تو برای خدا و پیامبر خدا و برادرت خالص بودی! و چه برادر ایثارگری! لعنت خدا بر گروهی که تو را کشتند! لعنت خدا بر گروهی که به توستم کردند! لعنت خدا بر گروهی که حریم های تو را شکستند و با کشتن تو حریم اسلام را هتک کردند! چه برادر شکیبیا، جهادگر، حامی و یابوری؛ و برادری مدافع برادر، که مطیع پروردگارش و مشتاق به ثواب فراوان و نام نیکویی که دیگران به آن، بی رغبتی نشان دادند. خداوند، تو را در بهشت به درجات پدران برساند، که همانا او ستوده و با عظمت است» .

12 / 19 زيارته في العيدين هذيب الأحكام عن عبدالرحمن بن الحجاج عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام ليلة من ثلاث غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر. قلت: أي الليالي؟ جعلت فداك! قال: «ليلة الفطر، وليلة الأضحى، وليلة النصف من شعبان». (1)

مصباح الزائر عن الكاظم عليه السلام: ثلاث ليالٍ من زار الحسين عليه السلام فيهن غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر: ليلة النصف من شعبان، وليلة ثلاث وعشرين من رمضان، وليلة العيد. (2)

المزار الكبير: زيارة أخرى لأبي عبد الله الحسين صلوات الله عليه، يُزارُ بها أيضا في العيدين، إذا أردت زيارته عليه السلام فصم ثلاثة أيام، واغتسل في اليوم الثالث، واجمع أهلك إليك وكذلك وقل: اللهم إني أستودعك اليوم نفسي وأهلي ومالي وولدي وكل من كان مني بسبيل، الشاهد منهم والغائب، اللهم احفظنا بحفظ الإيمان واحفظ علينا. اللهم اجعلنا في حرك، ولا تسلبنا نعمتك، ولا تغير ما بنا من نعمة وعافية، وزدنا من فضلك إنا إليك راغبون. واخرج من منزلك خاشعا، وأكثر من التهليل والتكبير والتحميد والتمجيد والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله، وامض عليك السكينة والوقار. وزوي أن الله تعالى يخلق من عرق زوار قبر الحسين، من كل عرق سبعين ألف ملك يسبحون الله ويستغفرون له ولزوار الحسين إلى أن تقوم الساعة. فإذا لاح لك القبة السامية فقل: الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى الله خير أما يشركون، وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين، وسلام على آل يس، إنا كذلك نجزي المحسنين، وسلام على الطيبين الطاهرين، الأوصياء الصادقين، القائمين بأمر الله وحجته، الساعين إلى سبيل الله، المجاهدين في الله حق جهاده، الناصحين لجميع عباده، المستخلفين في بلاده، المرشدين إلى هديته وإرشاده. فإذا أشرفت على قنطرة العلقمي فقل: اللهم إليك قصد القاصدون، وفي فضلك طمع الراغبون، وبك اعتصم المعتصمون، وعلبك توكل المتوكلون، وقد قصدتك وأفدا وفي رحمتك طامعا، ولعزتك خاضعا ولؤلؤة أملك طائعا ولأمرهم متابعا. اللهم تبني على محبة أوليائك، ولا تقطع أثري عن زيارتهم، واحشد رني في زمرتهم، وأدخلني الجنة بشفاعتهم. فإذا أتيت الفرات فكبر الله مئة تكبيرة، وهلل مئة تهليلية، وصل على النبي صلى الله عليه وآله مئة مرة ثم قل: اللهم أنت خير من وقد إليه الرجال وشدت إليه الرحال، وأنت سيدي أكرم مزور وأفضل مقصود، وقد جعلت لكل زائر كرامة ولكل وافد تحفة، فأسألك أن تجعل تحفتك إياي فكأ رقتي من النار، وأشكر سعيي، وأرحم مسيري إليك من أهلي، بغير من مني عليك بل لك المن علي؛ إذ جعلت لي السبيل إلى زيارة ابن نبيك، وعرفتني فضله، وحفظتني بالليل والنهار حتى بلغتني هذا المكان، وقد رجوتك فلا تقطع رجائي، وقد أمثلت فلا تخيب أملي، واجعل مسيري هذا كفارة لذنوبي يا رب العالمين. فانزل فأغسل، وقل في غسلك: بسم الله وبالله ولا حول ولا قوة إلا بالله، وعلى ملة رسول الله والصادقين عن الله جل وعز، اللهم طهر [به] (3) قلبي، وأشرح به صدري، وتور به قلبي، ويسر به أمري. اللهم اجعله لي نورا وطهورا، وشفاء من كل داء وآفة وعاهة وسوء ما أخاف وأحذر، اللهم اجعل لي شاهدا يوم حاجتي وفقري وفاقتي إليك يا رب العالمين، إنك على كل شيء قدير. باب الصلاة في مشرعة الصادق عليه السلام: فإذا فرغت من غسلك فالبس ثوبين طاهرين، وصل ركعتين خارج المشرعة، وهو المكان الذي قال الله جل وعز: «وفي الأرض قطع متجاورات وجرنت من أعناب وزرع ونخيل صنوان وغير صنوان يُسقى بماء واحد ويُفضل بعضها على بعض في الأكل» (4)، تقرأ في الأولى فاتحة الكتاب و«قل يأيها اللف فرون»، وفي الثانية فاتحة الكتاب و«قل هو الله أحد». فإذا سلمت فسبح ثم قل: الحمد لله الواحد المتوحد في الأمور كلها، الرحمن الرحيم، الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، لقد جاءت رسل ربنا بالحق، اللهم لك الحمد حمدا كثيرا أبدا لا ينقطع ولا ينفي، حمدا يصعد أوله ولا ينفد آخره، حمدا يزيد ولا يبئد، وصلى الله على محمد البشير النذير، وعلى آله الأخيار الأبرار وسلم تسليمًا. فإذا توجهت إلى الحائر على ساكنه السلام فقل: اللهم إليك توجهت، ولبابك فرعت، وبفناك نزلت، وبحبلك اعتصمت

، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ ، وَبِوَلِيَّتِكَ تَوَسَّلْتُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ زِيَارَتِي مَبْرُورَةً وَدُعَائِي مَقْبُولاً . ثُمَّ امشِ وَقْصِرْ خُطَاكَ ، وَعَلَيْكَ
السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ وَالْحُشُوعُ ، وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّمْجِيدُ ، وَالثَّنَاءُ عَلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ ، وَالصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،
وَالْبَرَاءَةُ مِمَّنْ أَسَسَ الْجَوْرَ وَالظُّلْمَ عَلَيْهِمْ ، وَدَفَعَهُمْ عَن مَقَامَاتِهِمْ وَأَزَالَهُمْ عَن مَرَاتِبِهِمْ ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا وَجَحَدَهُمْ حَقًّا . بَابُ
الإِسْتِيذَانِ (5) : فَإِذَا أَرَدْتَ الإِسْتِيذَانَ فَقُمْ عِنْدَ بَابِ الْقُبَّةِ ، وَارْمِ بِطَرْفِكَ نَحْوَ الْقَبْرِ وَقُلْ : يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا بِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ، عَبْدُكَ وَابْنُ
أُمَّتِكَ ، الذَّلِيلُ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَالْمُصَدَّرُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكَ ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ ، جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِكَ ، قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ ، مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ ،
مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ . أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ ، أَدْخُلْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ .
فَإِنْ خَشِعَ قَلْبُكَ وَدَمَعَتْ عَيْنُكَ ، فَهُوَ عِلْمٌ الْقَبُولِ وَالْإِذْنِ ، وَأَدْخَلَ رِجْلَكَ الْيُمْنَى وَأَخْرَجَ الْيُسْرَى وَقُلْ : بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى
مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ . ثُمَّ قُلْ : اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ ، الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ ، وَسَدَّ هَلَّ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِإِحْسَانِهِ ، وَلَمْ
يَجْعَلْنِي عَن زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا ، وَلَا عَن ذِمَّتِهِ مَدْفُوعًا ، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ . ثُمَّ ادْخُلْ ، فَإِذَا تَوَسَّطْتَ وَصَبَرْتَ ، فَقُمْ حِذَاءَ الْقَبْرِ بِخُشُوعٍ وَبُكَاءٍ وَتَضَرُّعٍ
، وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ
وَلِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ النَّقِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُتَوَتَّرَ . أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ،
وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى اسْتَبِيحَ حَرَمُكَ وَقُتِلْتَ مَظْلُومًا . ثُمَّ قُمْ عِنْدَ رَأْسِهِ خَاشِعًا قَلْبُكَ ،
دَامِعَةً عَيْنُكَ ، ثُمَّ قُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَطْلَ الْمُسْلِمِينَ . يَا مَوْلَايَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِحَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ ،
لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهِهَا ، وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكْبِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى ، وَأَعْلَامُ الْهُدَى ، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى ، وَالْحُجَّةُ
عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا . ثُمَّ تَنَكَّبْ عَلَى الْقَبْرِ وَقُولْ : إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ، يَا مَوْلَايَ أَنَا مُوَالٍ لَوْلِيكُمْ وَمُعَادٍ لِعَدُوِّكُمْ ، وَأَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا بَابَكُمْ
مَوْقِنٌ ، بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي ، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِوَمَا أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ . يَا مَوْلَايَ أَتَيْتُكَ خَائِفًا فَاثْمَنِي ، وَأَتَيْتُكَ مُسْتَجِيرًا فَأَجْرِنِي ،
وَأَتَيْتُكَ فَقِيرًا فَأَغْنِنِي . سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، أَنْتَ مَوْلَايَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، آمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَّتِكُمْ ، وَبِظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ ، وَأَوْلَاكُمْ
وَأَخْرَكُمْ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ التَّالِي لِكِتَابِ اللَّهِ ، وَأَمِينُ اللَّهِ ، الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتَكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتَ بِهِ . ثُمَّ صَلِّ عِنْدَ الرَّأْسِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ، فَإِذَا سَلَّمْتَ فَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ ، وَلَكَ رَكَعْتُ ، وَلَكَ سَجَدْتُ ، وَحَدِّكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ ؛ لِأَنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،
وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ . اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي ، وَأَجْرِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي أَوْلِيَانِكَ ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ . ثُمَّ تَنَكَّبْ عَلَى الْقَبْرِ
وَتَقَبَّلْهُ وَقُولْ : السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ ، قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّكَ وَابْنُ نَبِيِّكَ ، الثَّائِرُ
بِحَقِّكَ ، أَكْرَمَتَهُ بِكَرَامَتِكَ ، وَخَتَمَتَهُ لُهُ بِالشَّهَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ ، وَأَكْرَمْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ ،
وَجَعَلْتَهُ حُجَّتَكَ عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ . فَأَعِذْ فِي الدُّعَاءِ ، وَمَنْحِ النَّصِيحَةَ ، وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ
الضَّلَالَةِ ، وَقَدْ تَوَارَرَ عَلَيْهِ مَن غَرَّتُهُ الدُّنْيَا ، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى ، وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ ، وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَبِيَّكَ ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَوْلِي
الشُّفَاقِ وَالتَّنَاقِقِ ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ وَالْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ . (6) فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا ، مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ ، لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ،
حَتَّى سُدَّ فِيكَ فِي طَاعَتِكَ ذِمَّتُهُ ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيئًا ، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا . ثُمَّ اعْطَفْ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
، وَهُوَ عِنْدَ رِجْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ الشَّهِيدُ ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي عِشْتَ سَعِيدًا وَقُتِلْتَ مَظْلُومًا شَهِيدًا . ثُمَّ انْحَرَفَ إِلَى قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَقُلَّ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّابُّونَ عَنِ تَوْحِيدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي فُرْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا . بَابُ زِيَارَةِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . تَقِفُ عَلَيْهِ وَتَقُولُ : السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الصَّالِحُ وَالصَّدِيقُ الْمُوَاسِي ، أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ ، وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ ، وَوَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ وَبَدَلْتَ مُهْجَتَكَ ، فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ . ثُمَّ تَنَكَّبُ عَلَى الْقَبْرِ وَتَقُولُ : يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحَسَنِ بْنِ الصَّدِيقِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحَسَنِ بْنِ الشَّهِيدِ ، عَلَيْكَ مِنِّي السَّلَامُ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ . ثُمَّ تُصَلِّي عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ ، وَتَقُولُ مَا قُلْتَ عِنْدَ رَأْسِ الْحَسَنِ ، وَتَرْجِعُ إِلَى مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتُقِيمُ عِنْدَهُ مَا أَحْبَبْتَ ، إِلَّا أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَلَّا تَجْعَلَهُ مَوْضِعَ مَبِيتِكَ . فَإِذَا أُرِدْتَ وَدَاعَهُ ، فَتَقُمْ عِنْدَ الرَّأْسِ وَأَنْتَ تَبْكِي وَتَقُولُ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُودِعٌ ، لَا قَالَ وَلَا سَمِيمٌ ، فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَن مَلَأَةٍ ، وَإِنْ أَقَمَ فَلَا عَن سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ ، يَا مَوْلَايَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ ، وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ إِلَيْكَ ، وَالْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ ، وَالْكَوْنَ فِي مَشْهَدِكَ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . ثُمَّ قَبَّلَهُ وَأَمَرَ سَائِرَ وَجْهِكَ عَلَيْهِ ، وَأَمَسَّحَ عَلَى سَائِرِ بَدَنِكَ ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ وَحِرْزٌ ، وَأَخْرُجَ مِنْ عِنْدِهِ الْقَهْقَرَى لَا تُؤَلِّهُ دُبْرُكَ ، وَقُلَّ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ الْمَقَامِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْحَرَمِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ . وَتَقُولُ : إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . إِلَى أَنْ تَغِيْبَ عَنِ الْقَبْرِ ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ . (7)

- 1- تهذيب الأحكام : ج 6 ص 49 ح 112 ، المزار للمفيد : ص 45 ح 1 ، كامل الزيارات : ص 335 ح 562 وفيهما «أو ليلة» بدل «وليلة» في الموضوعين ، المزار الكبير : ص 348 ح 5 ، الإقبال : ج 2 ص 190 عن أبان وليس فيه «ليلة الفطر» و «ليلة النصف من شعبان» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 94 ح 10 و ص 90 ح 26 و ج 91 ص 126 ح 22 .
- 2- مصباح الزائر : ص 329 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 101 ح 36 .
- 3- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
- 4- الرعد : 4 .
- 5- أورد هذه الزيارة من هنا إلى آخره في مصباح الزائر : ص 329 والمزار للشهيد الأول : ص 154 وفيهما : «إذا أردت زيارته عليه السلام في هذه الليلة أو في عيد الأضحى فقم عند باب القبة وأومئ بطرفك نحو القبر ، وقل مستأذنا : يا مولاي يا أبا عبد الله ...» .
- 6- في المصدر : «للنار» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار .
- 7- المزار الكبير : ص 417 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 356 ح 2 و 3 و ص 352 ح 1 .

12 / 19 زیارت امام علیه السلام در عید فطر و قربان

تهذیب الأحكام_ به نقل از عبد الرحمان بن حجاج_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قبر حسین علیه السلام را در یکی از این سه شب، زیارت کند، خداوند، گناهان پیشین و پسین او را می آمرزد». گفتم: کدام شب ها _ فدایت شوم_؟ فرمود: «شب عید فطر و شب عید قربان و شب نیمه شعبان».

مصباح الزائر_ از امام کاظم علیه السلام_: سه شب است که هر کس حسین علیه السلام را در آنها زیارت کند، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود: شب نیمه شعبان، شب بیست و سوم رمضان، و شب عید.

المزار الکبیر: زیارت دیگری که با آن، در دو عید [فطر و قربان]، امام حسین علیه السلام زیارت می شود [، این است]: هنگامی که خواستی به زیارت ابا عبد الله الحسین_ که دروذهای خدا بر او باد_ بروی، سه روز روزه بگیر و روز سوم، غسل کن و خانواده و فرزندان را گرد بیاور و بگو: خدایا! من، امروز، جان و خانواده و دارایی و فرزندانم را به تو می سپارم، و نیز حاضر و غایب را و هر کس را که چشم به راه من است. خدایا! ما را به حفظ ایمان، حفظ کن و [آنچه پشت سر گذاشته ایم] برایمان حفظ کن. خدایا! ما را در پناه و در خودت، قرار ده و نعمت هایت را از ما بگیر و آنچه از نعمت و عافیت که به ما داده ای، دگرگون نکن و فضلت را بر ما بیفزای که ما مشتاق تویم. و خاشعانه، از خانه ات بیرون بیا و [در مسیر سفر،] بسیار تهلیل (لا إله إلا الله) و تکبیر (الله أكبر) و تحمید (الحمد لله) و تمجید [خدا] را جای بیاور و بر پیامبر، درود فرست و با آرامش و وقار، ره بسپار. و روایت شده که خدای متعال، از هر قطره عرق زائران قبر حسین علیه السلام، هفتاد هزار فرشته می آفریند که خدا را تسبیح می گویند و برای او و زائرانش تا روز قیامت، آمرزش می طلبند. و چون آن گنبد والا برایت پدیدار شد، بگو: ستایش، ویژه خداست، و سلام بر بندگان برگزیده اش! آیا خداوند، بهتر است یا شریک هایی که برایش می تراشند؟ سلام بر فرستادگان، و ستایش، ویژه خدای جهانیان است. سلام بر آل یاسین! ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. و سلام بر پاکان پاکیزه، اوصیای راستین، بر پا دارندگان حکم و حجت خدا، کوشندگان در راه خدا، جهاد کنندگان به خاطر خدا، آن گونه که حق اوست، خیرخواهان همه بندگان خدا، جانشینانش در سرزمین هایش، و راه نمایان به راه و هدایتش! و چون بر پل نهر علقمه در آمدی، بگو: خدایا! قصد کنندگان، قصد تو را دارند و مشتاقان، به فضل تو طمع دارند. آنان که در پی حفظ خویش هستند، به تو چنگ زده اند و توکل کنندگان، بر تو توکل کرده اند، و من، به قصد میهمانی تو آمده ام و به رحمت تو، طمع دارم. در برابر عزت تو، خاضع و برای سرپرستان کارهایت، مطیع و پیرو فرمانشان هستم. خدایا! مرا بر محبت اولیایت، استوار بدار و پایم را از زیارتشان مبر و مرا در گروه ایشان، محشور کن و با شفاعت ایشان، مرا به بهشت، در آور. و چون به فرات آمدی، خدا را با یکصد تکبیر (الله أكبر) بزرگ بدار و یکصد «لا إله إلا الله» بگو و صد صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرست و سپس بگو: خدایا! تو بهترین کسی هستی که آدمیان، به سوی او می آیند و بار سفر، برایش بسته می شود؛ و تو_ ای سرور من_، گرمی ترین زیارت شده و بهترین مقصودی و برای هر زائری، کرامت و برای هر میهمانی، رهاوردی قرار داده ای، و من از تو می خواهم رهاوردت را به من، آزادی ام از آتش، قرار دهی. سعی ام را سپاس بگزار و بر سیرم به سوی تو، رحمت آور، بی آن که من بر تو منتی داشته باشم؛ بلکه تو بر من، منت داری که راهی به زیارت فرزند پیامبرت برای من گشودی و فضیلت و شرفش را برای من بر نمودی، و شب و روز، مرا حفظ کردی تا به این مکان رساندی. من به تو امید دارم، پس امیدم را قطع مکن، و آرزوی تو را دارم، پس آرزویم را بر باد مده و این حرکتم را کفاره گناهانم قرار ده، ای پروردگار جهانیان! آن گاه، پیاده شو و غسل کن و هنگام غسل کردن بگو: به نام خدا و یاری او. جنبش و نیرویی، جز به یاری خدا نیست، و بر دین پیامبر خدا و امامان راستین. بار خدایا! دلم را با آن [غسل]، پاک بدار و سینه ام را

گشاده و قلبم را نورانی کن و کارم را آسان گردان . خدایا! آن را برای من ، نور و پاك كننده، قرار ده و شفای هر درد و بیماری و آفت و آسیب ، و نیز بدی آنچه از آن می ترسم و می هراسم . خدایا! آن را برای من ، شاهی در روز بنبوی و ناداری و نیازم به تو قرار ده ، ای پروردگار جهانیان ، که تو بر هر چیزی توانایی! باب نماز گزاردن در آنگاه امام صادق علیه السلام : و چون از غسلت فارغ شدی ، دو جامه پاك بپوش و بیرون از مَشْرَعَه (آنگاه) ، (1) دو رکعت نماز مستحبی بخوان ؛ همان جایی که خداوندت فرمود : « و در زمین ، قطعه های در کنار هم و باغ های انگور و کشت و خرمای هم ریشه و متفاوت اند که با يك آب ، آبیاری می شوند ؛ اما میوه برخی را از برخی دیگر ، بهتر قرار دادیم . » و در رکعت اول ، « حمد » و « قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ » و در رکعت دوم ، « حمد » و « قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ » را می خوانی . چون سلام دادی ، تسبیح بگو و سپس بگو : ستایش ، ویژه خدای یگانه در همه امور است ؛ بخشنده و مهربان ! خدایی که ما را به این امر ، ره نمود ، و اگر خدا ره نمی نمود ، ما راه را نمی یافتیم که پیامبران پروردگار ما ، حقیقت را آورده اند . خدایا ! ستایش فراوان ، جاویدان و بی پایان ، همیشگی و زوال ناپذیر ، از آن توست ؛ ستایشی که آغاز آن ، پیوسته و پایان آن ، ناپیداست ؛ ستایشی روزافزون و بدون نابودی ؛ و خداوند ، بر محمّد بشارت دهنده و ترساننده ، و بر خاندان نیک و نیکوکارش ، درود و سلام فرستد . و چون به سوی حرم حسینی _ که بر ساکنش سلام باد _ ، رو کردی ، بگو : خدایا ! به سوی تو ، روی آورده ام و در خانه تو را کوبیده ام و در پیشگاه تو ، فرود آمده ام و به رشته تو چنگ زده ام و به رحمت تو ، دست یازیده ام و به ولایت [حسین علیه السلام] ، توسّل جستۀ ام . خدایا ! بر محمّد و خاندانش ، درود فرست و زیارتم را نیکو گردان و دعایم را پذیرفته بدار . آن گاه ، با آرامش و وقار و خشوع و گام های کوتاه ، راه برو ، در حالی که تکبیر و تهلیل و ستایش و ثنای خدا را می گویی و بر پیامبر ، صلوات می فرستی و از بنیان گذاران تجاوز و ستم بر ایشان ، بیزاری می جویی ، و نیز از کسانی که ایشان را از جایگاهشان دور کرده ، از مقام هایشان بر کنار کردند ، و کسانی که پرچم جنگ با ایشان را بر افراشتند و حقّشان را انکار کردند . باب اذن ورود گرفتن : (2) چون خواستی اذن ورود بگیری ، بر درگاه گنبد بایست و گوشه چشمی به قبر بینداز و بگو : ای مولای من ! ای ابا عبد الله ! ای فرزند پیامبر خدا ! بنده ات [و فرزند بنده ات] و فرزند کنیزت ، خوار در پیش روی تو ، کوچک در مقابل مرتبه ولایت و معترف به حقّت ، به تو پناه آورده و آهنگِ حرمت را کرده و به مقام تو ، رو آورده است و با تو ، به خداوند _ تبارک و تعالی _ توسّل جستۀ است . آیا داخل شوم ، ای مولای من ؟ آیا داخل شوم ، ای ولیّ خدا ؟ آیا داخل شوم ، ای فرشتگان حلقه زده در این حرم و مقیم در این مرقد شریف ؟ « پس چنانچه دلت ، رقت یافت و اشکت جاری شد ، این ، نشانه قبول و اذن است . پای راستت و آن گاه ، پای چپت را به درون بگذار و بگو : به نام خدا و با یاری خدا و در راه خدا و بر آیین پیامبر خدا . خدایا ! مرا در منزلگاه مبارکی فرود آور ، که تو بهترین فرودآوردگانی . سپس بگو : خداوند ، بسی بزرگ است ، و ستایش فراوان ، ویژه اوست و او را در آغاز و پایان روز ، تسبیح می گویم . ستایش ، ویژه خدای یکتای یگانه ، بی نیاز و یگانه است ؛ افزون بخشِ نعمت ده و چیره ؛ کسی که با نعمتش بر من ممتّ نهاد و زیارت مولایم را برایم آسان ساخت و مرا از زیارتش مانع نگشت و از پناه خود نراند ؛ بلکه نعمت داد و بخشش نمود . سپس ، داخل شو و وقتی که مسیر را طی کرده ، [به ضریح] رسیدی ، با خشوع و گریه و زاری ، رو به روی آن بایست و بگو : سلام بر تو ، ای وارث آدم ، برگزیده خدا ! سلام بر تو ، ای وارث نوح ، پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای وارث ابراهیم ، خلیل خدا ! سلام بر تو ، ای وارث موسی ، هم سخن خدا ! سلام بر تو ، ای وارث عیسی ، روح خدا ! سلام بر تو ، ای وارث محمّد ، محبوب خدا ! سلام بر تو ، ای وارث علی ، ولیّ خدا ! سلام بر تو ، ای وصیّ نیکوکار پرهیزگار ! سلام بر تو ، ای خون خدا و فرزند خون خدا ! ای [کشته ای] که تاوان خونس ستانده نشده است ! گواهی می دهم که تو ، نماز بر پا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا ، آن گونه که باید ، جهاد کردی تا آن جا که [شکستن] حرمت را مباح شمردند و مظلومانه ، کُشته شدی . آن گاه ، با خشوع قلب و چشمان گریان ، نزد سر امام علیه السلام بایست و بگو : سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای فرزند سرور اوصیا ! سلام بر تو ، ای فرزند فاطمه زهرا ، سرور زنان جهانیان ! سلام بر تو ، ای قهرمان مسلمانان ! . ای مولای من ! گواهی می دهم که تو ، نوری در پشت های والا و رَحِم های پاك بودی و جاهلیت ، شما را با آلودگی های خود ، آلوده نکرد . گواهی می دهم _ ای مولای من _ که تو ، از ستون های

دین و پایه های مسلمانان و پناهگاه مؤمنان هستی. گواهی می دهم که تو، امام نیکوکار پرهیزگار، پاکیزه و پسندیده و ره نما و ره یافته هستی. گواهی می دهم که امامان از نسل تو، واژه پرهیزگاری و نشانه های هدایت و رشته محکم خدا و حجت بر اهل دنیا هستند. آن گاه، خود را روی قبر بینداز و بگو: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم. ای مولای من! من دوستدار ولیّ شما، و دشمن دشمن شما هستم. من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان باور دارم، با همه اعتقاد و تا فرجام کارم. دلم در برابر دل شما، تسلیم و کارم در پی کار شماست. مولای من! بیمنك، نزد تو آمده ام. پس مرا ایمن بدار. به پناه، نزد تو آمده ام. پس مرا پناه ده. با ناداری نزد تو آمده ام. پس بی نیازم کن. سرور من! تو ولیّ و مولای منی و حجت خدا بر همه مردمی. به نهان و آشکار و ظاهر و باطن و اوّل و آخر شما، ایمان آورده ام. گواهی می دهم که تو، تلاوت کننده کتاب خدایی، و امین اویی، و دعوتگر به سوی خدا با حکمت و اندرز نیکو هستی. خداوند، کسانی را که به تو ستم کردند، لعنت کند! و نیز کسانی را که آن را شنیدند و بدان، راضی شدند، لعنت کند! سپس، نزد سر [امام علیه السلام]، چهار رکعت نماز بخوان و پس از آن که سلام دادی، بگو: خدایا! من برای تو که یگانه و بی انبازی، نماز خواندم و به رکوع و سجده رفتم؛ زیرا نماز و رکوع و سجده، فقط برای تو سزاست، چون تنها تو خدای یگانه ای. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و از جانب من، بهترین درود و سلام را به آنها برسان و پاسخ سلام آنها را به من باز گردان. خدایا! این دو رکعت، هدیه من برای سرورم ابا عبد الله الحسین است. خدایا! بر محمّد و بر او (حسین علیه السلام) درود فرست و آن را از من بپذیر و مرا به برترین آرزو و امیدم به تو و اولیایت برسان، ای ولیّ مؤمنان! سپس خود را روی قبر بینداز و آن را ببوس و بگو: سلام بر حسین بن علیّ مظلوم شهید، کشته اشک ها و اسیر سختی ها! خدایا! من گواهی می دهم که او ولیّ تو، و فرزند پیامبر تو، و قیام کننده به حقّ توست. او را با کرامت، گرمی داشتی و پایان عمرش را به شهادت، ختم کردی و او را سه روزی از سروران و رهبری از رهبران کردی و به پاکي ولادت، گرمی اش داشتی و میراث پیامبران را به او بخشیدی و او را حجتی از اوصیای بر خلقت، قرار دادی، و او نیز در دعوت، جای عذری باقی نهاد و خیرخواهی اش را عرضه داشت و خودش را به خاطر تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گم راهی بیرون آورد. فریفتگان دنیا و آنان که نصیب خود را به پست ترین و فروترین چیزها، و آخرت خود را به پایین ترین قیمت فروختند و در هوس خویش، سقوط کردند و پیامبرت را خشمگین ساختند و از میان بندگان از منافقان تفرقه افکن و بر دوش کینندگان گناه و مستحقّ آتش، پیروی کردند، بر ضدّ او پشت به پشت هم دادند؛ و او نیز در راه تو و برای جلب رضایت تو، شکیبایانه، با آنان جهاد کرد، در حالی که به دشمن پشت نکرد و سرزنش هیچ سرزنشگری در او اثر نکرد تا آن که خودش در راه اطاعت تو ریخته شد و حریمش حلال شمرده شد. خدایا! آنان را لعنتی سخت و عذابی دردناک کن. سپس، به علی اکبر علیه السلام که در پایین پای امام علیه السلام قرار گرفته، رو کن و بگو: سلام بر تو، ای ولیّ خدا! سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند خاتم پیامبران! سلام بر تو، ای فرزند فاطمه، سه روز زنان جهانیان! سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان! سلام بر تو، ای مظلوم شهید! پدر و مادرم فدایت باد! با سعادت زیستی و مظلومانه، کشته شدی و شهید گشتی. سپس به سوی قبرهای [دیگر] شهیدان برو و بگو: سلام بر شما که دفاع کنندگان از یگانگی خدایید! سلام بر شما به خاطر شکیبایی ای که کردید، و چه نیکو سرایی است سرای فرجامین شما! پدر و مادرم فدایتان باد! به رستگاری بزرگی دست یافتید. سپس، نزد قبر عباس بن علی علیه السلام بایست و بگو: سلام بر تو، ای ولیّ صالح و یاری کننده راستین! گواهی می دهم که تو، به خدا ایمان آوردی و فرزند پیامبرش را یاری دادی و به راه خدا خواندی و با جانت، از خود گذشتگی کردی و خون دادی، سلام و درود کامل خدا بر تو باد! آن گاه، خود را روی قبر بینداز و بگو: پدر و مادرم فدایت باد، ای یاور دین خدا! سلام بر تو، ای یاور حسین صدیق! سلام بر تو، ای یاور حسین شهید! از من بر تو درود تا همیشه ماندنم و همیشه روزگار! آن گاه، بالای سرش دو رکعت نماز بخوان و آنچه را که نزد سر حسین علیه السلام گفתי، این جا هم بگو. سپس به مرقد حسین علیه السلام باز گرد و هر اندازه که دوست داشتی، نزد او بمان؛ ولی مستحبّ است که آن جا را خوابگاه خود نگردانی. و هنگامی که خواستی خداحافظی کنی، نزد سر امام علیه السلام بایست و در حالی که می گویی، بگو: مولای من! سلام بر تو؛ سلام کسی که خداحافظی می کند، نه از سر نفرت یا ناراحتی! و اگر باز می گردم - ای مولای

من _ از روی ملالت نیست ، و اگر بمانم ، از بدگمانی به وعده خدا به شکیبایان نیست . مولای من ! خداوند ، این زیارت را آخرین دیدار من از تو قرار ندهد ، و بازگشت به سوی تو و اقامت در حرمت و بودن در مرقدت را روزی ام گرداند ، آمین ، ای پروردگار جهانیان ! سپس ، قبر را ببوس و بقیه پیکر و صورتت را بر قبر بمال که [به اذن خدا ، مایه] امان و حرز است . سپس عقب عقب ، بیرون برو و پشتت را [به قبر] مکن و بگو : سلام بر تو ، ای دروازه منزلت ! سلام بر تو ، ای شریک قرآن ! سلام بر تو ، ای حجت در برابر دشمن ! سلام بر تو ، ای کشتی نجات ! سلام بر تو ، ای فرشتگان پروردگار من که در این حرم ، مقیم هستید ! سلام بر تو ، تا همیشه بودنم و همیشه روزگار ! و بگو : ما ، از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم ؛ و جنبش و توانی نیست ، جز به یاری خدای والای بزرگ . تا این که از قبر دور شوی که اگر این گونه زیارت کنی ، مانند کسی هستی که خدا را در عرشش زیارت کرده است .

1- به کناره رود که از آن جا آب بر می دارند ، «مشرعه» گفته می شود .

2- این زیارت ، از این عبارت تا پایانش در مصباح الزائر و نیز المزار شهید اول ، آمده است . در این دو کتاب ، آمده : «هرگاه خواستی آن امام را در این شب یا در عید قربان زیارت کنی ، کنار درگاه گنبد بایست و با انگشتت به قبر ، اشاره کن و با درخواست اجازه ، بگو : ای مولای من ! ای ابا عبدالله ...» .

المصباح للكفعمي: أما زيارة ليلة الفطر ويومه للحسين عليه السلام (1)، فقل بعد الغسل والاستئذان إن كانت الزيارة من قرب: الله أكبر كبيراً، والحمد لله كثيراً، وسبحان الله بكرة وأصيلاً، والحمد لله الفرد الصمد المجدد الأحد، المفضل المنان المتطوّل الحنان، الذي من تطوّل سَهْلَ لي زيارة مولاي بإحسانه، ولم يجعلني عن زيارته ممنوعاً ولا عن ذمته مدفوعاً، بل تطوّل ومنح. ثم ادخل، فإذا صيرت حذاء القبر فقم حذاء بخشوع وبكاء وتضرّع، وقل ما روي عن الصادق عليه السلام، وهو أن تفعل على باب عليه السلام وتقول: السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا وارث نوح نبي الله، السلام عليك يا وارث إبراهيم خليل الله، السلام عليك يا وارث موسى نبي الله، السلام عليك يا وارث عيسى روح الله، السلام عليك يا وارث محمد سيد رسل الله، السلام عليك يا وارث علي أمير المؤمنين وخير الوصيين، السلام عليك يا وارث أخيه الحسن الرضي الطاهر الرضي، السلام عليك أيها الصديق، السلام عليك أيها الوصي الباطن، النبي، السلام عليك وعلى الأرواح التي حلت بفنائك وأناخت برحلك، السلام عليك وعلى الملائكة الحاقين بك، أشهد أنك قد أقيمت الصلاة وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر، وعبدت الله مخلصاً حتى أتاك اليقين، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته. ثم امش إليه واستلم القبر وقل: السلام عليك يا أبا عبد الله، السلام عليك يا حجة الله ورحمة الله وبركاته. ثم قل أيضاً ما روي عن الصادق عليه السلام: السلام عليك يا بن رسول الله، السلام عليك يا بن أمير المؤمنين، السلام عليك يا أبا عبد الله، السلام عليك يا سيد شباب أهل الجنة ورحمة الله وبركاته، السلام عليك يا من رضاه رضا الرحمن وسخطه سخط الرحمن، السلام عليك يا أمين الله وحجة الله وباب الله والدليل على الله والداعي إلى الله، أشهد أنك قد حلت حلال الله وحرمت حرام الله، وأقيمت الصلاة وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر، ودعوت إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة، أشهد أنك ومن قتل معك شهداء أحياء عند ربكم تزفون، أشهد أن قاتلك في النار، وأدين الله عز وجل بالبراءة ممن قتلك ومن قاتلك وشايع على قتلك، ومن جمع عليك، ومن سمع صوتك فلم يعنك، يا ليتني كنت معك فأفوز فوزاً عظيماً. ثم تنكب على القبر وتقبله وتقول: السلام عليك يا ولي الله وحبيبه، إلى آخر زيارة صفر، وقد مر ذكرها، ثم صل ركعتي الزيارة، وقل بعدهما ما مر في زيارة عاشوراء، ثم زر علي بن الحسين والشهداء والعباس عليهم السلام بما يأتي ذكره إن شاء الله تعالى في زيارة عرفة. (2)

1- وقال في ص 858: «يستحب في يوم الفطر وليلته زيارة الحسين عليه السلام وقد مر ذكرها».

2- المصباح للكفعمي: ص 663، البلد الأمين: ص 287 نحوه.

المصباح، کفعمی: اما زیارت شب و روز عید فطر امام حسین علیه السلام [، چنین است]: پس از غسل و اذن ورود خواستن، اگر از نزدیک زیارت می کنی، بگو: خداوند، بسی بزرگ است؛ و ستایش فراوان، ویژه اوست، و او را در آغاز و پایان روز، تسبیح می گویم. ستایش، ویژه خدای یکتای یگانه، بی نیاز و بی همتاست؛ افزون بخشِ نعمتِ ده و چیره؛ کسی که با نعمتش بر من منت نهاد زیارت مولایم را برایم آسان ساخت و مرا از زیارتش مانع نگشت و از پناه خود نراند؛ بلکه نعمت داد و بخشش نمود. سپس به داخل مرقد برو و با خشوع و گریه و زاری، روبه روی آن بایست و بگو آنچه را که از امام صادق علیه السلام روایت شده است؛ و آن، چنین است که بر درگاه امام علیه السلام بایستی و بگویی: سلام بر تو، ای وارث آدم، برگزیده خدا! سلام بر تو، ای وارث نوح، پیامبر خدا! سلام بر تو، ای وارث ابراهیم، خلیل خدا! سلام بر تو، ای وارث موسی، هم سخن خدا! سلام بر تو، ای وارث عیسی، روح خدا! سلام بر تو، ای وارث محمد، سرور فرستادگان خدا! سلام بر تو، ای وارث علی، امیر مؤمنان و بهترین اوصیا! سلام بر تو، ای وارث برادرش حسن پاک و پاکیزه خشنود و پسندیده! سلام بر تو، ای صدیق! سلام بر تو، ای وصی نیکوکار پرهیزگار! سلام بر تو و بر جان های به آستان تو در آمده و در کنار خیمه های تو بنشسته! سلام بر تو و بر فرشتگان گرداگرد تو! گواهی می دهم که تو، نماز بر پا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و خدا را مخلصانه، عبادت کردی تا اجلت در رسید؛ و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! آن گاه به نزد امام علیه السلام برو و قبر را استلام (لمس) کن و بگو: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای ابا عبدالله! سلام بر تو، ای حجت خدا! سپس آنچه را که از امام صادق علیه السلام روایت شده، بگو: سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان! سلام بر تو، ای ابا عبد الله! سلام بر تو، ای سرور جوانان بهشتی، و رحمت و برکات خدا بر تو باد! سلام بر تو که خشنودی اش، خشنودی [خدای] رحمان و ناخشنودی اش، ناخشنودی [خدای] رحمان است! سلام بر تو، ای امین خدا، حجت خدا، باب [و درگاه] خدا، راه نمایی به سوی خدا و دعوتگر به سوی خدا! گواهی می دهم که تو، حلال خدا را حلال دانستی و حرام خدا را حرام دانستی و نماز بر پا داشتی و زکات پرداخت کردی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و به راه پروردگارت، با حکمت و اندرز نیکو، فرا خواندی. و گواهی می دهم که تو و هر کس با تو شهید شده، شهیدان زنده و روزیخوار نزد پروردگارتان هستید. گواهی می دهم که قاتل تو، در آتش است. با بیزاری از قاتلانت، و نیز کسانی که با تو جنگیدند، و آنان که در پشت سر آنان کوشیدند، و کسانی که بر ضد تو، نیرو گرد آوردند، و آنان که صدای تو را شنیدند و به یاری ات نیامدند، فرمان خدا را گردن می نهم. کاش با شما می بودم و به رستگاری بزرگی دست می یافتم! سپس خود را روی قبر بینداز و آن را ببوس و بگو: «سلام بر تو، ای ولی خدا و حبیب او» تا آخر. که در زیارت ماه صفر گذشت. آن گاه، دو رکعت نماز زیارت و سپس، دعایی را که بعد از «زیارت عاشورا» گذشت، می خوانی. آن گاه، علی اکبر علیه السلام و شهیدان دیگر و عباس علیه السلام را با زیارتی که در «روز عرفه» ذکر خواهیم کرد، زیارت کن.

20 / 12 زيارته في ليلة الجمعة ويومها تهذيب الأحكام عن حفص بن البختري (1): من خرج من مكة أو المدينة أو مسجد الكوفة أو حائر الحسين صلوات الله عليه قبل أن ينتظر الجمعة، نادته الملائكة: أين تذهب؟ لا ردك الله! (2)

كامل الزيارات عن داوود بن فرقد عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام في كل جمعة غفر الله له البتة، ولم يخرج من الدنيا وفي نفسه حسرة منها، وكان مسكنه في الجنة مع الحسين بن عليّ عليهما السلام. ثم قال: يا داوود، من لا يسره أن يكون في الجنة جاز الحسين عليه السلام؟! قلت: من لا أفلح. (3)

-
- 1- الحفص بن البختري ممن روى عن الإمام الصادق عليه السلام.
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 107 ح 188، المزار للمفيد: ص 227 ح 11، بحار الأنوار: ج 100 ص 132 ح 19.
 - 3- كامل الزيارات: ص 341 ح 574، بحار الأنوار: ج 101 ص 96 ح 17.

12 / 20 زیارت امام علیه السلام در شب و روز جمعه

تهذیب الأحكام_ به نقل از حفص بن بختری (1)_ : هرکس منتظر جمعه نماز و پیش از آن ، از مکه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حائر حسین علیه السلام بیرون برود ، فرشتگان ، او را ندا می دهند : کجا می روی ؟ خداوند ، تو را باز نگرداند!

کامل الزیارات_ به نقل از داوود بن فرقد_ : امام صادق علیه السلام فرمود : « هر کس هر جمعه ، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند ، خداوند ، بی تردید ، او را می آمرزد و بدون هیچ حسرتی از دنیا می رود و جایگاهش در بهشت ، کنار حسین بن علی علیه السلام است » . سپس فرمود : « ای داوود ! چه کسی خوشش نمی آید که در بهشت ، همسایه حسین علیه السلام باشد ؟! » . گفتم : کسی که رستگار نیست .

1- . حفص بختری ، از کسانی است که از امام صادق علیه السلام روایت می کنند .

كامل الزيارات عن صفوان الجمال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام لَمَّا أَتَى الْحَيْرَةَ (1): هَلْ لَكَ فِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قُلْتُ: وَتَزْوَرُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أَزْوَرُهُ وَاللَّهِ يَزْوَرُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ، يَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَمُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَنَحْنُ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ؟! فَقَالَ صَفْوَانُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَتَزْوَرُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ حَتَّى تُدْرِكَ زِيَارَةَ الرَّبِّ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا صَفْوَانُ، الزَّمْ ذَلِكَ يُكْتَبُ لَكَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَذَلِكَ تَفْضِيلٌ، وَذَلِكَ تَفْضِيلٌ. (2)

مصباح المتهجد_ في أعمال يوم الجمعة_- وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَدْعُوَ أَيْضًا بِدُعَاءِ الْمَظْلُومِ، عِنْدَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَرُ بِدِينِكَ وَأَكْرُمُ بِهَدَايَتِكَ، وَفُلَانٌ يُدْلِنِي بِشَرِّهِ، وَيُهَيِّئُنِي بِأَذِيَّتِهِ، وَيَعِينُنِي بِوَلَاءِ أَوْلِيَانِكَ وَيَهْتِنُنِي بِدَعْوَاهُ، وَقَدْ جِئْتُ إِلَى مَوْضِعِ الدُّعَاءِ وَضَمَانِكَ الْإِجَابَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِدْنِي (3) عَلَيْهِ السَّاعَةَ السَّاعَةَ. ثُمَّ يَنْكَبُ عَلَى الْقَبْرِ وَيَقُولُ: مَوْلَايَ إِمَامِي، مَظْلُومٌ اسْتَعْدَى عَلَى ظَالِمِهِ النَّصْرَ النَّصْرَ، حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ. (4)

-
- 1- الْحَيْرَةُ: مَدِينَةٌ كَانَتْ عَلَى ثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ مِنَ الْكُوفَةِ عَلَى مَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ النَّجْفُ (معجم البلدان: ج 2 ص 328) وراجع: الخريطة رقم 4 في آخر مجلد 5.
 - 2- كامل الزيارات: ص 222 ح 326، بحار الأنوار: ج 101 ص 60 ح 32.
 - 3- قال العلامة المجلسي قدس سره: يقال: أعدى فلانا عليه، أي نصره وأعانته وقواه. واستعداه أي استعانته واستنصره (بحار الأنوار: ج 101 ص 285).
 - 4- مصباح المتهجد: ص 279، بحار الأنوار: ج 101 ص 285.

کامل الزیارات_ به نقل از صفوان جمّال_: امام صادق علیه السلام هنگامی که به حیره (1) آمد، به من فرمود: «آیا به [زیارت] قبر حسین علیه السلام، مایلی؟». گفتم: می خواهی او را زیارت کنی، فدایت شوم؟ فرمود: «و چگونه او را زیارت نکنم، در حالی که خداوند، او را در هر شبِ جمعه، زیارت می کند؟ با فرشتگان، پیامبران و اوصیا، به سوی او فرود می آید؛ و محمّد، برترین پیامبران است و ما برترین اوصیا هستیم». گفت [م]: فدایت شوم! پس ما هر جمعه، او را زیارت کنیم تا خداوند را زیارت کرده باشیم؟ فرمود: «آری، ای صفوان! بر این کار، مداومت کن تا زیارت قبر حسین علیه السلام برایت نوشته شود، و این، فضیلت مضاعفی است. این، فضیلت مضاعفی است».

مصباح المتهجد_ در اعمال روز جمعه_: و مستحب است که شخص نزد قبر ابا عبد الله الحسین علیه السلام، دعای مظلوم را نیز بخواند که چنین است: خدایا! من به دینت، عزّت می یابم و به هدایتت، کرامت می جویم. فلانی، با شرارتش، مرا خوار کرده و با آزارش، به من اهانت نموده است و دوستی با اولیایت را بر من عیب می گیرد و با ادّعایش، مرا منکوب کرده است و اکنون، به جایگاه دعا و ضمانتت در اجابت آن آمده ام. خدایا! بر محمّد و خاندانش، درود فرست و مرا هم اکنون و اینک، در برابر او یاری ده. سپس بر قبر بیفتد و بگوید: «مولای من، امام من! مظلومی، خواهان یاری [تو] در برابر ظلم کننده به اوست. کمک، کمک!» تا آن جا که نفسش بریده شود.

1- حیره، شهری در سه میلی کوفه و تقریباً در محلّ نجف کنونی بود (ر. ک: نقشه شماره 4 در پایان جلد 5).

21 / 12 زيارته في يوم الإثنين جمال الأسبوع في ذكر زيارة الإمام الحسين عليه السلام يوم الإثنين: السلام عليك يا بن رسول الله، السلام عليك يا بن أمير المؤمنين، السلام عليك يا بن سيّدة نساء العالمين، أشهد أنك أقمّت الصلاة وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر، وعبدت الله مخلصاً وجاهدت في الله حق جهاده حتى أتاك اليقين، فعليك السلام مني ما بقيت وبقي الليل والنهار وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين. أما يا مولاي مولى لك ولآل بيتك، سيد لم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم، مؤمن بسركم وجهركم وظاهركم وباطنكم، لعن الله أعداءكم من الأولين والآخرين، وأنا أبرأ إلى الله تعالى منهم، يا مولاي يا أبا محمّد، يا مولاي يا أبا عبد الله، هذا يوم الإثنين وهو يومكم وباسمكم، وأنا فيه صديفكم، فأضيفاني وأحسبنا ضيافتي، فنعمة من استضيف به أنتم، وأنا فيه من جواركم فأجيراني، فإنكم ما موران بالضيافة والإجارة، فصلّى الله عليكمم وآلكم الطيبين. (1)

12 / 21 زیارت امام علیه السلام در روز دوشنبه

جمال الأسبوع_ در یادکرد زیارت امام حسین علیه السلام در روز دوشنبه_: سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان! سلام بر تو، ای فرزند سرور زنان جهان! گواهی می‌دهم که تو، نماز بر پا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و خدا را مخلصانه عبادت کردی و در راه خدا، آن‌گونه که باید، جهاد کردی تا اجلت در رسید. از من، بر تو و خاندان پاک و پاکیزه ات سلام، تا همیشه بودنم و تا همیشه روزگار! ای مولای من! وابسته تو و خاندان تو هستم. با هر که در آشتی باشید، در آشتی ام و با هر که در جنگ باشید، در جنگم، و به نهان و آشکار و بیرون و درونتان ایمان دارم. خداوند، دشمنان شما را از اول تا به آخر، لعنت کند! و من از ایشان، به خدای متعال، بیزاری می‌جویم. ای مولای من، ای ابا محمد [حسن بن علی]! ای مولای من، ای ابا عبد الله الحسین! امروز، دوشنبه است، که روز شما و به نام شماست و من در آن، میهمان شما هستم. مرا میهمان کنید و خوب میهمان نوازی کنید که شما بهترین میهمان نوازان هستید. امروز، به پناه شما آمده‌ام. پناه دهید که شما به میهمان نوازی و پناه دادن، فرمان یافته‌اید. خداوند، بر شما و خاندان پاکتان، درود فرستد!

الفصل الثالث عشر: زيارتان منسوبتان إلى النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ 13 / 1 الزيارة الأولى بِرِوَايَةِ الْمَزَارِ الْكَبِيرِ الْمَزَارِ الْكَبِيرِ: زيارَةٌ أُخْرَى فِي يَوْمِ عَاشُورَاءِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَمِمَّا خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَحَدِ الْأَبْوَابِ (1) قَالَ: تَقَفُ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شِيثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ. السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَدَّاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُوْسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ (2) بِعَظَمَتِهِ. السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَتَقَى اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَى دَاوُودَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَى عُزَيْرِ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ. السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَقَهُ (3) اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِدْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ. السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ جُعِلَ الشَّفَاءُ فِي تَرْبَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ إِجَابَتُهُ تَحْتَ قَبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةَ الْمُنتَهَى (4)، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمَزَمَ وَالصَّفَا، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ (5) بِالْأَدْمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَهْتُوكِ الْخَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَرْكَاءُ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ (6) الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجِيُوبِ (7) الْمُضْطَّرَّجَاتِ. السَّلَامُ عَلَى الشَّفَاهِ الذَّابِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الثُّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ (8)، السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّسُوءِ الْبَارِزَاتِ. السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ. السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَرِيبَةِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدَّلِينَ (9) فِي الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِأَكْفَانِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِأَنْصَارِهِ. السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الرَّايكَةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقَبَّةِ السَّامِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرئِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ (10) فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِّتَ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هَتِكَتْ حُرْمَتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، السَّلَامُ عَلَى الْمُعْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضْطَمِّ الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْجُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ تَوَلَّى دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى، السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ (11)، السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِأَمْعِينِ. السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى التَّخَدُّ التَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلْبِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْوَدَجِ (12) الْمَقْطُوعِ (13)، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ تَنْهَشُهَا الذَّنَابُ الْعَادِيَاتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الصَّارِيَاتُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قَبَّتِكَ، الْحَاقِقِينَ بِتَرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرَصَتِكَ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي وِلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيءِ مِنَ

أعدائك ، سلام من قلبه بمصائبك مقروح ، ودمعه عند ذكرك مسفوح ، سلام المفجوع المحزون ، الواله (14) المستكين . سلام من لو كان معك بالطوف لوقاك بنفسه حد السيوف ، وبذل حشاشته (15) دونك للحتوف (16) ، وجاهد بين يديك ، ونصرك على من بغى عليك ، وفداك بروحه وجسده وماله وولده ، وروحه لروحك فداء ، وأهله لأهلك وقاء . فلئن أخرتني الدهور ، وعاقني عن نصرك المقدور ، ولم أكن لمن حازبك محاربا ، ولمن نصب لك العداوة مناصبا ، فلأندبتك صباحا ومساء ، ولأبكين عليك بدل الدموع دما ، حسرة عليك وتأسفا على ما دهاك وتلهفا ، حتى أموت بلوعة المصاب وعصاة الإتياب . أشهد أنك قد أقيمت الصلاة وآتيت الزكاة ، وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر والعدوان ، وأطعت الله وما عصيته ، وتمسكت به وبجبله فأرضيته وحشيتته ، وراقبته واستجبته ، وسنت السنن ، وأطقت الفتن ، ودعوت إلى الرشاد ، وأوضحت سبل السداد ، وجاهدت في الله حق الجهاد . وكنت لله طائعا ، ولجذك محمد صلى الله عليه وآله تابعا ، ولقول أبيك سامعا ، وإلى وصية أخيك مسارعا ، ولإمام الدين رافعا ، وللطغيان قامعا ، وللطغاة مقارعا ، ولإمامة ناصحا . وفي غمرات الموت سايحا ، وللفساق مكافحا ، وبحجج الله قائما ، وللإسلام والمسلمين راحما ، وللحق ناصرا ، وعند البلاء صابرا ، وللدين كائنا (17) ، وعن حوزته مراميا ، وعن شريعته محاميا (18) . تحوط الهدى وتنصره ، وتسبط العدل وتنشره ، وتنصر الدين وتظهره ، وتكف العايب وترجئه ، وتأخذ للدين من الشرب ، وتسوي في الحكم بين القوي والضعيف . كنت ربيع الأيتام ، وعصمة الأنام ، وعز الإسلام ، ومعدن الأحكام ، وحليف الإنعام ، سالكا طرائق جدك وأبيك ، مسبها في الوصية لأخيك ، وفي الذمم (19) ، رضي السيم (20) ، ظاهر الكرم ، متهجدا في الظلم ، قويم الطرائق ، كريم الخلائق ، عظيم السوابق ، شريف النسب ، منيف الحسب ، رفيع الرتب ، كثير المناقب ، محمود الضرائب ، جزيل المواهب ، حلیم رشيد منيب ، جواد عليم شديد ، إمام شهيد ، أوأه (21) منيب ، حبيب مهيب . كنت للرسول صلى الله عليه وآله ولآدا ، وللقرآن منقذا ، ولإمامة عضدا ، وفي الطاعة مجتهدا ، حافظا للعهد والميثاق ، ناكبا (22) عن سبل الفساق ، باذلا للمجهود ، طويل الركوع والسجود . زهدا في الدنيا زهد الراحل عنها ، ناظرا إليها بعين المستوحشين منها ، آمالك عنها مكفوفة ، وهمتك عن زينتها مصروفة ، وأحاطك عن بهجتها مطروفة ، ورغبتك في الآخرة معروفة . حتى إذا الجور مد باعه ، وأسفر الظلم قناعه ، ودعا العي أتباعه ، وأنت في حرم جدك قاطن ، وللطالمين مباین ، جلس البيت والمحراب ، معتزل عن اللذات والشهوات ، تنكر المنكر بقلبك ولسانك على قدر طاقتك وإمكانك . ثم اقتضاك العلم للإنكار ، ولزمك أن تجاهد الفجار ، فسرت في أولادك وأهلك ، وشيعتك ومواليك ، وصدعت بالحق والبينة ، ودعوت إلى الله بالحكمة والموعظة الحسنة ، وأمرت بإقامة الحدود ، والطاعة للمعبود ، ونهيت عن الخباث والطغيان ، وواجهوك بالظلم والعدوان . فجاهدتهم بعد الإيعاض لهم ، وتأکید الحجة عليهم ، فنكثوا ذمامك وبيعتك ، وأسخطوا ربك وجدك ، وبدؤوك بالحرب ، فثبت للظعن والضرب ، وطحنت جنود الفجار ، واقتحمت قسطل العبار ، مجالدا بذی الفقار ، كأنك علي المختار . فلما رأوك ثابت الجأش ، غير خائف ولا خاش ، نصبوا لك غوائل (23) مكرهم ، وقاتلوك بكيدهم وشدهم ، وأمر اللعين جنوده فمنعوك الماء ووروده ، وناجزوك القتال ، وعاجلوك النزال ، ورشدقوك بالسهم والنبال ، وبس طوا إليك أكف الإصطلام (24) ، ولم يرعوا لك ذماما ، ولا راقبوا فيك أثاما في قتلهم أوليائك ونهيبهم رحالك ، أنت مقدم في الهبات (25) ، ومحممل للأذيات ، وقد عجت من صبرك ملائكة السموات . وأحدقوا بك من كل الجهات ، وأثخنوك بالجراح ، وحالوا بينك وبين الروح ، ولم يبق لك ناصر ، وأنت محتسب صابر ، تذب عن نسوتك وأولادك . حتى نكسوك عن جوادك ، فهويت إلى الأرض جريحا ، تطوك الخيول بحوافرها ، وتعلوك الطغاة ببواترها (26) ، قد رشح للموت جبينك ، واختلفت بالانقباض والانبساط شيمالك ويمينك ، تدير طرفا خفيا إلى رحلك وبيتك ، وقد شغلت بنفسك عن ولدك وأهلك ، وأسرع فرسك شاردا ، وإلى خيامك قاصدا ، محمجا باكيا . فلما رأين النساء جوادك مخزيا (27) ، ونظرن سرجك عليه ملويا ، برزن من الخدور ، ناشرات الشهور ، على الخدود لاطمات ، للوجوه (28) سافرات ، وبالعيول داعيات ، وبعد العز مذللات ، وإلى مصرعك مبادرات . والشمر جالس على صدرك ، مولع سيفه على نحرک ، قابض على شبيبك بيده ، ذابح لك بمهنته (29) ، قد سكت حواسك ، وخفيت أنفاسك ، ورفع على القنا رأسك ، وسبي أهلك كالعبيد ، وصدفوا (30) في الحديد ، فوق أفتاب المطيات ، تلفح وجوههم حر الهاجرات ، يساقون في البراري والفلات ، أيديهم مغلوطة إلى الأعناق ، يطاف بهم في الأسواق . فالويل للعصاة الفساق ، لقد قتلوا بقتلك الإسلام ،

وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ ، وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ ، وَحَرَفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ ، وَهَمَلَجُوا (31) فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ . لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا ، وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَهْجُورًا ، وَغَوَدَ الْحَقُّ إِذْ فَهَرَّتْ مَقْهُورًا ، وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ ، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ ، وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ ، وَالإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ ، وَالأَهْوَاءُ وَالأَضَالِيلُ ، وَالفِتْنُ وَالْأَبْاطِيلُ . فِقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ قَائِلًا : يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِدِّ بَطْلِكَ وَفَتَاكَ ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ ، وَسُيِّتَ بَعْدَكَ ذُرَارِيكَ ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِكَ وَذَوِيكَ ، فَانزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ ، وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ . وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَقِيَمَتْ لَكَ الْمَاتَمَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا ، وَالْجِنَانُ وَخُرَّائِهَا ، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا ، وَالْأَرْضُ وَأَقْطَارُهَا ، وَالبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا ، وَمَكَّةُ وَبُنْيَانُهَا ، وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا ، وَالبَيْتُ وَالْمَقَامُ ، وَالْمَشْعُرُ الْحَرَامُ ، وَالْجِلُّ وَالْإِحْرَامُ . اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُتَيْفِ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْشُرْنِي فِي زُمرَتِهِمْ ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ . اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ ، وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ (32) الْبَطِينِ ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَبِالْحَسَنِ الرَّكِّيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ ، وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ ، وَبِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَّابِينَ (33) ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبَرَاهِينِ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدِينَ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الرَّاهِدِينَ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ ، وَالْحُجَّةَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارَ ، آلِ طِهٍ وَيَسَ ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمْنِينَ الْمُطْمَئِنِّينَ ، الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ . اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ، وَانصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ ، وَاقْبِضْ عَنِّي أَيَدِي الظَّالِمِينَ ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ ، وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسِئُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ ، وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتَمِ ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ ، وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ (34) ، الْمَوْسَدِ فِي كَنَفِهِ الإِمَامِ الْمَعْصُومِ ، الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُومِ ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتَمِ ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ . اللَّهُمَّ جَلِّلِنِي بِنِعْمَتِكَ ، وَرَضِّنِي بِقِسْمِكَ ، وَتَعَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ . اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الرَّزْلِ ، وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ ، وَافْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ ، وَأَعْنِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَالِ ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيٍّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَبْلِ تَوْبَتِي ، وَارْحَمْ عِبْرَتِي ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي ، وَنَفْسَ كُرْبَتِي ، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي ، وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي . اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ، ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ ، وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ ، وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمَرْتَهُ ، وَلَا فُسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ ، وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ ، وَلَا مَضْنِيقًا إِلَّا فَرَجْتَهُ ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أْتَمَمْتَهُ ، وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ ، وَلَا حُلُقًا إِلَّا حَسَنْتَهُ ، وَلَا إِفْطَاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ ، وَلَا حَالًا إِلَّا عَمَرْتَهُ ، وَلَا حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا أَرْدَيْتَهُ ، وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ ، وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْبَيْتَهُ ، وَلَا شَرًّا عِنَّا (35) إِلَّا لَمَمْتَهُ ، وَلَا سُؤْلًا إِلَّا أَعْطَيْتَهُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ وَثَوَابَ الْآجِلَةِ ، اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحِلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ ، وَبِفَضْلِكَ عَنِ جَمِيعِ الْأَنَامِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا ، وَيَقِينًا شَافِيًا ، وَعَمَلًا زَاكِيًا ، وَصَبْرًا جَمِيلًا ، وَأَجْرًا جَزِيلًا . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَرًّا كَرِيمًا نِعْمَتِكَ عَلَيَّ ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ ، وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا ، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا ، وَآثِرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعًا ، وَعَدُوِّي مَقْمُوعًا (36) . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ ، فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ ، وَاكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ ، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ (37) ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ ، وَأَدْخِلْنِي دَارَ الْقَرَارِ ، وَاغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ ، وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، وَتَقَرَّأَ فِي الْأُولَى سُورَةَ الْأَنْبِيَاءِ ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَشْرَ ، وَتَقَنَّتْ فَتَقُولُ : لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ ، خِلَافًا لِأَعْدَائِهِ ، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ عَدَلَ بِهِ ، وَإِقْرَارًا لِرُبُوبِيَّتِهِ ، وَخُشُوعًا لِعِزَّتِهِ ، الْأَوَّلِ بَغَيْرِ أَوَّلٍ ، وَالْآخِرِ بَغَيْرِ آخِرٍ ، الظَّاهِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بِقُدْرَتِهِ ، الباطنُ دونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلَطْفِهِ . لا تَقْفُ العُقُولُ على كُنْهِ عَظَمَتِهِ ، ولا تُدْرِكُ الأوهامُ حَقِيقَةَ ما هَيْبَتِهِ ، ولا تَتَصَوَّرُ الأَنْفُسُ مَعانِي كَيْفِيَّتِهِ ، مُطَّلِعاً على الصَّمائِرِ ، عارفاً بالسَّرائِرِ ، يَعْلَمُ خائِئَةَ الأَعْيُنِ وما تُخْفِي الصُّدُورُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ على تَصَدِيقِي رَسولَكَ صَدِّ لِي اللّهِ عَلَيْهِ وآلِهِ ، وإيمانِي بِهِ ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ ، وإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ ، وبَشَّرَتِ الأنبياءُ بِهِ ، ودَعَتِ إلى الإِقْرارِ بِما جاءَ بِهِ ، وَحَثَّتْ على تَصَدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعالَى : «الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّورَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (38) . فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ رَسولِكَ إلى التَّغْلِبِ ، وسَيِّدِ الأنبياءِ المُصْطَفِيِّ ، وعلى أخِيهِ وابنِ عَمِّهِ اللَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أبداً ، وعلى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِساءِ العالَمِينَ ، وعلى سَيِّدِي شِبابِ أَهلِ الجَنَّةِ الحَسَنِ والحُسَيْنِ ، صلاةً خالِدةً الدَّوامِ ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ (39) ، وزِنَةَ الجِبَالِ والآكامِ ، ما أوزَقَ السَّلَامِ (40) ، واخْتَلَفَ الضِّياءِ وَالظُّلَامِ ، وعلى آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، الأئِمَّةِ المُهْتَدِينَ ، الذَّائِدِينَ عَنِ الدِّينِ ، عَلِيٍّ ، ومُحَمَّدٍ ، وَجَعْفَرٍ ، ومُوسَى ، وَعَلِيٍّ ، ومُحَمَّدٍ ، وَعَلِيٍّ ، وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ ، القَوْمِ بِالْقِسْطِ ، وسُدِّ لالةِ السَّبْطِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الإِمامِ فَرجاً قَريباً ، وصَبِراً جَمِلاً ، ونَصِراً عَزيزاً ، وَغِنًى عَنِ الخَلْقِ ، وثَباتاً في الهُدَى ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وتَرْضَى ، ورِزْقاً واسعاً حَلاً لا طَيباً مَرِيئاً داراً ، سائِغاً فاضِلاً مُفضِلاً ، صَباباً ، مِن غَيْرِ كَدٍّ ولا نَكْدٍ ، ولا مَنَّةٍ مِن أَحَدٍ ، وَعافِيَةً مِن كُلِّ بلاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ ، وَالشُّكْرَ على العافِيَةِ والنِّعماءِ ، وإِذا جاءَ المَوْتُ فَاقْبِضْنا على أَحْسَنِ ما يَكُونُ لَكَ طِعاةً ، على ما أَمَرْتَنَا مُحافِظِينَ ، حَتَّى تُؤدِّبَنا إلى جَناتِ النِّعَمِ ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَوْحِشْني مِنَ الدُّنْيا وَأَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ ؛ فَإِنَّهُ لا- يوحِشُ مِنَ الدُّنْيا إِلا خَوْفُكَ ، ولا يُؤَسِّسُ بِالْآخِرَةِ إِلا رِجاؤُكَ . اللَّهُمَّ لَكَ الحُجَّةُ لا عَلَيكَ ، وإِلَيْكَ المُشْتَكى لا مِنْكَ ، فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَأَعِنِّي على نَفْسِي الظَّالِمَةَ العاصِيَةَ ، وشَهَوَتِي الغالِيَةَ ، واخْتِمْ لي بِالْعَفْوِ وَالْعافِيَةِ . اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفارِي إِياكَ وَأنا مُصِيرٌ على ما نَهَيْتَ ، قَلَّةٌ حَياءٍ ، وَتَرْكِي الإِسْتِغْفارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ جَلْمِكَ ، تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرِّجاِ . اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤَيِّسُني أن أَرْجُوكَ ، وَأَنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُني أن أَخْشَاكَ ، فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَصَدِّقْ رِجاِئِي لَكَ ، وَكذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ ، وَكُنْ لي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ ، يا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيِّدِي بِالْعِصْمَةِ ، وَأَنْطِقْ لِسانِي بِالْحِكْمَةِ ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَنْدِمُ على ما ضَيَّعَهُ في أَمْسِهِ ، ولا يَغْبَنُ (41) حَظَّهُ في يَوْمِهِ ، ولا يَهُمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ . اللَّهُمَّ إِنَّ الغِنْيَ مِنْ اسْتِغْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ ، وَالْفَقِيرَ مِنْ اسْتِغْنَى بِخَلْقِكَ عَنكَ ، فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْنِنِي عَنِ خَلْقِكَ بِكَ ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ لا يَسْطُ كُفْراً إِلا إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَطَعَ وَأَمامَهُ التَّوْبَةَ وَوِراءَهُ الرَّحْمَةَ ، وَإِنْ كُنْتُ صَهِيفَ العَمَلِ فَإِنِّي في رَحْمَتِكَ قَويُّ الأَمَلِ ، فَهَبْ لي صَدْعَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي . اللَّهُمَّ إِنَّ كُنْتُ تَعَلَّمْتُ أَنَّ في عِبادِكَ مَنْ هُوَ أَفْسَى قَلْباً مِنِّي ، وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْباً ، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لا مَولِي أَعْظَمُ مِنْكَ طَولاً ، وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْواً ، فِيا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ في رَحْمَتِهِ ، واغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بأَوْحَدٍ في خَطِيئَتِهِ . اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا فَعَصَّينا ، وَنَهَيْتَ فَمَّا اتَّهَيْنا ، وَذَكَرْتَ فَتَنَّاسَنا ، وَبَصَّرْتَ فَتَعامينا ، وَحَدَدْتَ فَتَعَدَّينا ، وما كانَ ذَليكَ جِزااً إِحسانِكَ إِليْنا ، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِما أَعْلَمْنَا وَأَخْفينا ، وَأَخْبَرُ بِما نَأْتِي وما أَتينا ، فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ولا- تُؤاخِرْنا بِما أَخطأنا وَنَسينا ، وَهَبْ لَنا حُقوقَكَ لَدِنا ، وَأَتِّمِّ إِحسانَكَ إِليْنا ، وَأَسبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَينا . اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الإِمامِ ، وَنَسأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِجَدِّهِ رَسولِكَ ، وَالأَبِيِّ عَليٍّ وَفاطِمَةَ أَهلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ ، إِدْراارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوامُ حِياتِنا ، وَصَدِّ لِحِ أحوالِ عِيالِنا ، فَأَنْتَ الكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مِنَ سَعَةٍ ، وَتَمْنَعُ مِنَ قُدْرَةٍ ، وَنَحْنُ نَسأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ ما يَكُونُ صَدِّ لِحِا لِلدُّنْيا وَبِلاغا لِلْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ صَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لَنا وَلِوالِدِنا ، وَلِجَمِيعِ المُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِماتِ الأَحياءِ مِنْهُمُ وَالأمواتِ ، وَأَتِّنا في الدُّنْيا حَسَنَةً وَفي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النَّارِ . ثُمَّ تَرَكُّعٌ وَتَسْجُدٌ وَتَجَلِيسٌ فَتَسَبُّحٌ هَدُّ وَتُسْلُمٌ ، فَإِذا سَبَّحْتَ فَعَفَّرْ خَدَيْكَ ، وَقُلْ : سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا إِلهَ إِلا اللّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ - أَرْبَعِينَ مَرَّةً - . وَاسأَلِ اللّهُ العِصْمَةَ وَالنَّجاةَ ، وَالْمَغْفِرَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِحَسَنِ العَمَلِ وَالقَبولَ لِمَا تَقَرَّبَ بِهِ إِليهِ وَتَبَتَّغِي بِهِ وَجْهَهُ ، وَقِفْ عِنْدَ الرَّاسِ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ على ما تَدَّ مَمَّ . ثُمَّ انكَبَّ على القَبْرِ وَقَبَّلَهُ وَقُلْ : زادَ اللّهُ في شَرَفِكُمْ ، وَالسَّلَامُ عَلَيبُكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاؤُهُ . وَادْعُ لِنَفْسِكَ وَلِوالِدِكَ وَلِمَنْ أَرَدْتَ ، وَانصَرِفْ إِنا شاءَ اللّهُ تَعالَى . (42)

- 1- المراد بهم وكلاء الأئمة وخواصهم .
- 2- الجُبُّ : أي بئر لم تُطَوَّ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 182 «جَبُّ»).
- 3- أَرْفَعَهَا : قَدَّمَهَا ، والأصل فيه القُرب والتقدُّم (النهاية : ج 2 ص 309 «زلف»).
- 4- سِدْرَةُ الْمُنتَهَى : شجرة في أقصى الجَنَّة إليها ينتهي علم الأولين والآخرين (النهاية : ج 2 ص 353 «سدر»).
- 5- رَمَلَهُ بالدماء فترمَّل : أي تَلَطَّخَ (الصحاح : ج 4 ص 1713 «رمل»).
- 6- اليعسوب : السيّد والرئيس والمقدّم . وأصله : فحل النحل (النهاية : ج 3 ص 234 «عسب»).
- 7- الجَيْبُ : القميص ما يفتح على النحر والجمع : أجياب وجيوب (المصباح المنير : ص 115 «جيب»).
- 8- الاصطلام : افتعال من الصَّلَم : القطع (النهاية : ج 3 ص 49 «صلم»).
- 9- مُجَدِّلاً : أي مَرَمِيًا ملقى على الأرض قتيلاً (النهاية : ج 1 ص 248 «جدل»).
- 10- نَاعَتِ الأُمَّ صَبِيهَا : لاطفته وشاغلته بالمحادثة والملاعبة (النهاية : ج 5 ص 88 «نغا»).
- 11- الوَتِينُ : عرق في القلب إذا انقطع مات صاحبه (النهاية : ج 5 ص 150 «وتن»).
- 12- الأوداجُ : هي ما أحاط بالعنق من العروق (النهاية : ج 5 ص 165 «ودج»).
- 13- ليس في بحار الأنوار : «السَّلامُ على الودج المقطوع» .
- 14- وَالِةٌ : إذا ذهب عقله من فرح أو حزن (المصباح المنير : ص 672 «وَلِةٌ»).
- 15- الحُشاشَةُ : روح القلب ، وَرَمَقَ من حياة النفس (لسان العرب : ج 6 ص 284 «حشش»).
- 16- الحَتْفُ : الهلاك (النهاية : ج 1 ص 337 «حتف»).
- 17- كَلَاةٌ : أي حفظه وحرسه (الصحاح : ج 1 ص 69 «كلا»).
- 18- ليس في بحار الأنوار : «وعن شريعته محامياً» .
- 19- الذِّمَّةُ والذِّمَامُ : وهما بمعنى العهد والأمان والضمان والحرمة والحق (النهاية : ج 2 ص 168 «ذمم»).
- 20- الشَّيْمَةُ : الخُلُقُ (الصحاح : ج 5 ص 1964 «شيم»).
- 21- الأَوَاةُ : المتأوّه المُتَضَرِّع (النهاية : ج 1 ص 82 «أوه»).
- 22- نَكَبَ عنه : عَدَلَ (القاموس المحيط : ج 1 ص 134 «نكب»).
- 23- الغَوَائِلُ : أي المهالك (النهاية : ج 3 ص 397 «غول»).
- 24- الاصطلام : افتعال من الصلم : القطع (النهاية : ج 3 ص 49 «صلم»).
- 25- الهَبْوَةُ : الغَبْرَةُ ، ويقال لدقاق التراب إذا ارتفع : هبا يهبو (النهاية : ج 5 ص 241 «هبا»).
- 26- البَايِرُ : السيف القاطع (الصحاح : ج 2 ص 584 «بتر»).
- 27- خَزِي خَزِيًا : ذَلَّ وهان (المصباح المنير : ص 168 «خزي»).
- 28- في المصدر : «الوجه» ، والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.
- 29- المُهَنَّدُ : السيف المطبوع من حديد الهند (الصحاح : ج 2 ص 557 «هند»).
- 30- صَفَدَهُ : أي شدّه وأوثقه (الصحاح : ج 2 ص 498 «صفد»).
- 31- الهملجة : حسن سير الدابة في سرعة . وأمر مهملج : أي مذلل منقاد (تاج العروس : ج 3 ص 520 «هملج»).
- 32- رجل أنزع : وهو الذي انحسر الشعر عن جانبي جبهته (الصحاح : ج 3 ص 1289 «نزع»).
- 33- الأوابين : جمع أواب ؛ وهو الكثير الرجوع إلى الله تعالى بالتوبة . وقيل : هو المطيع . (النهاية : ج 1 ص 79 «أوب»).

- 34- الإلْمَامُ : النزول ، وقد أَلِمَ به : أي نزل به (الصحاح : ج 5 ص 2032 «لمم»).
- 35- تَلَّمَّ بِهَا شَعَثِي : أي تجمع بها ما تفرَّق من أمري (النهاية : ج 2 ص 478 «شعث»).
- 36- قَمَعْتُهُ قَمَعًا : أذَلُّتُهُ (المصباح المنير : ص 516 «قمع»).
- 37- الوِزْرُ : الإِثْمُ وَالتَّقْلُّ (الصحاح : ج 2 ص 845 «وزر»).
- 38- الأعراف : 157 .
- 39- الرَّهْمَةُ : المَطْرَةُ الضعيفة الدائمة . والجمع : رهام (الصحاح : ج 5 ص 1939 «رهم»).
- 40- السَّلَامُ : شجر (الصحاح : ج 5 ص 1951 «سلم»).
- 41- غَبِنَ رَأْيَهُ : إذا نقصه (الصحاح : ج 6 ص 2172 «غبن»).
- 42- المزار الكبير : ص 496 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 317 ح 8 نقلًا عن المزار للمفيد من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام .

فصل سیزدهم: دو زیارت منسوب به ناحیه مقدسه

13 / 1 زیارت نخست، به روایت «المزار الکبیر»

المزار الکبیر: زیارت دیگری در روز عاشورا برای امام حسین _ که درودهای خدا بر او باد _، از ناحیه مقدسه به دست یکی از باب‌ها (1) رسیده است که در آن، آمده است: «نزد سر او _ که درود خدا بر او باد _ می ایستی و می گویی: سلام بر آدم، برگزیده خدا از میان آفریدگانش! سلام بر شیث، ولی و برگرفته خدا! سلام بر ادریس، قیام کننده با حجت خدا برای او! سلام بر نوح مستجاب الدعوه! سلام بر هود، کمک گرفته از خدا! سلام بر صالح، گرامی داشته شده از سوی خدا! سلام بر ابراهیم که خداوند، او را دوست خود قرار داد! سلام بر اسماعیل که خداوند، ذیحی بزرگ را از بهشتش، جان فدای او کرد! سلام بر اسحاق که خدا نبوت را در نسل او قرار داد! سلام بر یعقوب که خداوند، بینایی اش را با رحمتش، به او باز گرداند! سلام بر یوسف که خداوند، او را با بزرگی خود از چاه، نجات بخشید! سلام بر موسی که خداوند، دریا را با قدرتش برای او شکافت! سلام بر هارون که خداوند، به پیامبری، ویژه اش ساخت! سلام بر شعیب که خداوند، او را بر امّش غلبه داد! سلام بر داوود که خداوند، از خطایش گذشت! سلام بر سلیمان که خداوند، جن را با عزّت خویش، رام او کرد! سلام بر ایوب که خداوند، او را از درد، شفا بخشید! سلام بر یونس که خداوند، وعده ضمانت شده اش را برایش محقق ساخت! سلام بر عزیر که خداوند، او را پس از مرگش زنده کرد! سلام بر زکریای شکیبیا در گرفتاری اش! سلام بر یحیی که خداوند، با شهادتش او را به خود، نزدیک کرد! سلام بر عیسی، روح خدا و کلمه او! سلام بر محمد، حبیب خدا و برگزیده او! سلام بر امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب، تنها برادر او! سلام بر فاطمه زهرا، دختر او! سلام بر ابو محمد، حسن، وصی پدر و جانشینش! سلام بر حسین که بی دریغ و بزرگوارانه، خون خود را نثار کرد! سلام بر آن که خداوند را در نهان و آشکار خویش، اطاعت کرد! سلام بر کسی که شفا را در تربتش قرار دادند! سلام بر کسی که اجابت دعا، زیر گنبد اوست! سلام بر امامان از نسل او! سلام بر فرزند خاتم پیامبران! سلام بر فرزند سرور و صبیان! سلام بر فرزند فاطمه زهرا! سلام بر فرزند خدیجه کبرا! سلام بر فرزند سِدْرَةُ الْمُتَهَيِّیة! (2) سلام بر فرزند جَنَّةِ الْمَأْوَى! سلام بر فرزند زمزم و صفا! سلام بر آن که در خون خود غلتیده و خیمه اش دریده شده! سلام بر پنجمین تن از اصحاب کساء! سلام بر غریب غریبان! سلام بر شهید شهیدان! سلام بر کشته حرامیان! سلام بر ساکن کربلا! سلام بر آن که فرشتگان آسمان، بر او می گریند! سلام بر کسی که نسلش پاکان اند! سلام بر سالار دین! سلام بر جایگاه برهان ها! سلام بر امامان سرور! سلام بر گریبان های خون آلود! سلام بر لب های خشکیده! سلام بر نفس های بریده! سلام بر روح های از بدن برون رفته! سلام بر پیکرهای برهنه! سلام بر بدن های رنگ پریده! سلام بر خون های ریخته شده و روان! سلام بر اندام های قطعه قطعه شده! سلام بر سرهای بالای نیزه رفته! سلام بر زنان از پرده بیرون دویده! سلام بر حجت خدای جهانیان! سلام بر تو و بر پدران پاکت! سلام بر تو و بر پسران شهیدت! سلام بر تو و بر فرزندان یاریگرت! سلام بر تو و بر فرشتگان هم بالینت! سلام بر گشته ستم! سلام بر برادر کشته به سَمّت! سلام بر علی اکبر! سلام بر شیرخوار خُرد! سلام بر پیکرهای برهنه شده! سلام بر خاندان نزدیک [و خویشاوند]! سلام بر افتادگان در دشت ها! سلام بر بیرون آورده شدگان از وطن ها! سلام بر به خاک سپرده شدگان بدون کفن! سلام بر سرهای بریده از بدن! سلام بر شکیبیا در راه خدا و به حساب او! سلام بر مظلوم بی یاور! سلام بر ساکن خاك پاك! سلام بر دارای گنبد والا! سلام بر آن که [خدای] جلیل، او را پاك کرده! سلام بر مایه افتخار جبرئیل! سلام بر همبازی میکائیل در گاهواره! سلام بر کسی که پیمانش را شکستند! سلام بر کسی که حُرمتش را هتک کردند! سلام بر کسی که خونش را ستمکارانه ریختند! سلام بر شسته شده به خون زخم! سلام بر نوشیده از کاسه نیزه ها! سلام بر ستم دیده حق برده شده ای که حَقّش را حلال شمردند! سلام بر مهجور شده میان مردم! سلام بر آن که روستانشینان، عهده دار به خاک سپردنش شدند! سلام بر آن که رگ قلبش بریده شده! سلام بر حمایتگر بدون یاور! سلام بر موی سپید خضاب شده [با خون]! سلام بر گونه خاك آلوده! سلام بر

بدن برهنه شده! سلام بر دندان با چوب نواخته شده! سلام بر رگ گردن بریده! سلام بر سر بالا رفته [بر نیزه]! سلام بر پیکرهای برهنه و خوراک گرسنگان درنده بیابان شده و جایگاه آمد و شد دیگر حیوانات درنده گشته! سلام بر تو - ای مولای من - و بر فرشتگان صف کشیده در پیرامون قبه ات که گرداگرد تربت را گرفته اند، در حیاط تو طواف می کنند و به زیارت آمده اند! سلام بر تو که من، آهنگ تو کرده ام و رستگاری نزد تو را امید می برم! سلام بر تو؛ سلام عارف به حرمت، خالص در ولایت، تقرب جوینده به خدا با محبت، و بیزار از دشمنان! سلام کسی که دلش به مصیبت تو، زخم دار، و اشکش به گاه یاد تو، جاری است! سلام فاجعه دیده اندوهگین، سرگردان و در هم شکسته! سلام کسی که اگر با تو در طاف (کربلا) بود، تو را با جانش از تیزی شمشیرها، نگاه می داشت و جانش را سپر تو می نمود و پیش رویت می جنگید و بر سرکشان بر تو، یاری ات می داد و تن و جان و مال و فرزندش را فدایت می کرد! جانش فدای جان تو و خاندانش سپر حفظ خاندان تو باد! اکنون که روزگار، مرا عقب آورده و تقدیر، مرا از یاری تو باز داشته است و نبوده ام تا با جنگجویان با تو بجنگم و در برابر برافرانندگان پرچم دشمنی با تو، بایستم، پس هر صبح و شام، بر تو می نالم و به جای اشک، از دیده، خون می افشانم، از سر حسرت و تأسف بر تو، و دریغ و افسوس بر گرفتاری هایی که به تو رسیده، تا آن گاه که از سوز مصیبت و غم فقدانت بمیرم. گواهی می دهم که تو، نماز را به جای آوردی و زکات پرداختی، و امر به معروف و نهی از تجاوز و زشتکاری کردی، و خدا را پیروی کردی و سرپیچی نمودی، و به او و به ریسمانش چنگ زدی، و او را خشنود ساختی؛ و از او ترسیدی، و او را در نظر داشتی، و [دعوت] او را اجابت کردی، سنت ها را پایه نهادی، و فتنه ها را خاموش کردی، و به رشد، فرا خواندی، و راه های استوار را روشن نمودی و در راه خدا، آن گونه که باید، جهاد کردی. خدا را مطیع، و جدت محمد صلی الله علیه و آله را پیرو، و پدرت را گوش به فرمان، و به وصیت برادرت، شتابان بودی. پایه دین را برافرانده، و طغیان را براندازنده، و طاغوت ها را کوبنده، و امت را نصیحت کننده بودی، و در دریای مرگ، شنا کننده، با فاسقان، رو در رو شونده، حجت های خدا را بر پا دارنده، و اسلام و مسلمانان را مهربان، و حق را یاور بودی. هنگام بلا، شکیبیا، و دین را پاسدار، و قلمرو آن را مرزبان، و آیینش را پشتیبان بودی. گرد هدایت را گرفته و یاری اش می کردی، عدالت را گسترش داده، منتشر می کردی، و دین را یاری و آشکار می نمودی، بیهوده کار را باز می داشتی و نهی می کردی، و حق فرودست را از فرادست، می ستاندی، و میان نیرومند و ناتوان، یکسان حکم می راندی. تو، بهار یتیمان، و دستاویز مردمان، و عزت اسلام، و معدن احکام، و همواره نعمت بخش، و پوینده راه های جدت و پدرت بودی، و مانند برادرت در وصیت [به امامت]، به پیمان ها وفادار بودی، و با خوی های پسندیده و کرامت آشکار، شب زنده دار در دل تاریکی ها بودی. با روش های استوار و طبعی کریمانه و سابقه هایی سترگ، از تباری شریف و خاندانی والا، بلند مرتبه، پرفضیلت، نیکو سرشت، با بخشش هایی فراوان، بردبار، ره یافته، بخشنده، دانا، باصلابت، امام شهید، گریان و بازگردنده [به خدا]، محبوب و باهویت بودی. تو فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، و رهایی دهنده قرآن، و بازوی مردمان، و کوشنده در اطاعت فرمان، و حافظ عهد و پیمان، و کناره گیر از راه های فاسقان، و بذل کننده همه توان، و طول دهنده رکوع و سجود بودی. به دنیا، بی رغبت بودی، همچون بی رغبتی کوچ کننده از آن و در نگرنده به دنیا، با چشم بیمناکان از آن. آرزوهایت از آن، برچیده، و همتت از زیور آن، چرخیده، و نگاه هایت از زیبایی آن، کنار کشیده، و رغبتت به آخرت، شناخته شده بود. تا ستم، دست خود را دراز کرد و ظلم، نقاب خود را باز کرد و گم راهی، پیروانش را فرا خواند، در حالی که تو در حرم جدت [مدینه] ساکن بودی، از ستمکاران، جدا شدی و با خانه و محراب، همنشین گشتی، و از لذت ها و شهوت ها، بر کنار بودی. منکر را با دل و زبان، به اندازه تاب و توانت، انکار می کردی و سپس، علمت، مقتضی انکار گشت و جهاد با کافران، بر تو لازم شد و تو با فرزندان، خاندان و پیروان و وابستگان، حرکت کردی و حقیقت و برهان روشن را فراز آوردی و با حکمت و اندرز نیکو، به سوی خدا، فرا خواندی و به اجرای حدود شرعی و اطاعت از معبود هستی، فرمان دادی و از پلیدی ها و طغیان، باز داشتی و آنان، با ستم و تجاوز، با تو رویارو شدند و تو، پس از اندرز دادن و تأکید حجت هابرای ایشان، با آنان جهاد کردی، و آنان، پیمان و بیعت با تو را شکستند و پروردگار و جدت را خشمگین کردند و به جنگ، آغازیدند، و تو در برابر ضرب نیزه و شمشیر، پایداری کردی و لشکر

فاجران را در هم شکستی و در غبار جنگ، فرورفتی و با شمشیر ذوالفقار، قهرمانانه جنگیدی، گویی که علی برگزیده، تویی. و هنگامی که تو را استوازدل و بدون ترس و واهمه دیدند، نیرنگ های نابود کننده شان را بر تو بر افراشتند و با مکر و شرارت، با تو جنگیدند و [عمر بن سعد] لعین، سربازانش را فرمان داد تا تو را از آب و ورود به آن، باز دارند و به کارزار با تو، شتاب کردند و به جنگ با تو، اقدام نمودند و تو را هدف تیر و سنگ خود، قرار دادند و دست نابودی به سوی تو گشودند و پیمان تو را رعایت نمودند و کیفر کشتن دوستان تو و غارت کاروان تو را نادیده گرفتند. تو در غبار [جنگ]، پیش آمدی و آزارها را به جان خریدی و با شکیبایی ات، فرشتگان آسمان ها را به شگفت آوردی. دشمنانت، از همه سو، گردت را فرا گرفتند و با زخم های کاری، تو را زمین گیر کردند و تو را از حرکت کردن، باز داشتند و یآوری برای تو نمائند و تو برای رضای خدا، شکیبا بودی. از زنان و فرزندان دفاع می کردی تا آن که تو را از اسبت، به زیر کشیدند و زخمی و خونین، به زمین افتادی و اسب ها، تو را زیر سُم هایشان گرفتند و طاغیان، با شمشیرهای بُزان، بر سرت ریختند و عرق مرگ، بر پیشانی ات نشست و چپ و راست پیکرت، منقبض و منبسط می شد و نیم نگاهی از زیر چشم، به چادرها و سَرایت داشتی و [دردهایت] تو را به خود، نه فرزندان و خانواده ات، مشغول کرد و اسبت به شتاب گریخت و با شیبه و زاری، آهنگ خیمه هایت را کرد. هنگامی که زنان، اسبت را خوار و پریشان، و زین تو را بر آن، واژگون دیدند، از پرده بیرون آمدند، موهایشان را پریشان کردند و بر گونه های خود زدند، صورت های خود را گشودند و ناله، سر دادند و پس از عزّت، خوار شدند و به سوی قتلگهت شتافتند. و شمر، بر سینه ات نشسته، شمشیرش را در گودی گلویت فرو برد، محاسن سپیدت را به دستش گرفت و با شمشیر هندی خود، تو را ذبح کرد. حواس تو، آرام گرفت و نفس هایت، آهسته گشت، و سرت به بالای نیزه رفت، و خاندانت را مانند بندگان به اسارت گرفته، غل و زنجیر کرده اند و بر پشت شتران [بدون جهاز] نشانند و آفتاب سوزان نیم روز، چهره هایشان را سوزاند و در صحراها و دشت ها، رانده شدند، در حالی که دست هایشان را به گردن، بسته بودند و آنها را در بازارها می چرخاندند. پس وای بر عاصیان فاسق! با کشتن تو، اسلام را کُشتند و نماز و روزه را تعطیل کردند و سنت ها و احکام را زیر پا گذاشتند و پایه های ایمان را منهدم کردند و آیه های قرآن را تحریف کردند و در تجاوز و سرکشی، فرورفتند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، داغدار خون تاوان نگرفته تو شد و کتاب خدای عزوجل، مهجور گشت و به حق، خیانت شد، هنگامی که تو را مقهور سلطه خود کردند. با از دست رفتن تو، تکبیر و تهلیل و حرام و حلال و تنزیل و تأویل [قرآن]، از دست رفت و پس از تو، تغییر و دگرگونی و کفر و معطل گذاردن [احکام الهی] و هوس و گم راهی و فتنه و باطل، آشکار شد. خبررسان شهادت، با چشم اشکبار، نزد قبر جدّت پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و گفت: «ای پیامبر خدا! نوه و جوانت را کُشتند و حرمت خاندانت را شکستند و پس از تو، فرزندان را به اسارت بردند و آنچه می ترسیدی، بر خاندان و خویشانت فرود آمد»، و پیامبر صلی الله علیه و آله، دلش پریشان و ترسان و گریان شد و فرشتگان و پیامبران، او را به شهادت تو، تسلیت دادند و مادرت زهرا، به تو داغدار گشت. فرشتگان مقرب، دسته دسته می آمدند و می رفتند و پدرت امیر مؤمنان را تسلیت می دادند و در اعلیٰ علیّین (بالا ترین جایگاه قُرب بهشت)، مجلس سوگواری تو بر پا شد و حوریان بهشتی، بر مصیبت تو، به صورت خود زدند و آسمان و ساکنانش، بهشت و خزانه دارانش، کوه های گسترده و دامنه هایش، زمین و کرانه هایش، دریاها و ماهیانش، مگّه و پایه های آن (کعبه)، بهشت و جوانانش، کعبه و مقام [ابراهیم]، و مشعر الحرام و حرم و غیر حرم، بر تو گریستند. خدایا! به احترام این مکان والا، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا در زمره آنان، محشور کن و با شفاعت ایشان، به بهشت در آور. خدایا! ای سریع ترین حسابرسان و نیز ای کریم ترین کریمان، و حاکم ترین حاکمان! به وسیله محمّد، خاتم پیامبران و فرستاده ات به سوی همه جهانیان، و همچنین به وسیله برادر و پسرعمویش که مو از جبینش آویخته و علم به درونش ریخته، دانشمند والا مقام، علی امیر مؤمنان، و فاطمه، سَرور زنان جهانیان، و حسن پاک، دستاویز پرهیزگاران، و ابا عبد الله الحسین، بزرگوارترین شهیدان و فرزندان کشته شده و خاندان ستم دیده اش، و علی بن الحسین، زیور پرستشگران، و محمّد بن علی، قبله توبه کنندگان، و جعفر بن محمّد، راستگوترین راستگویان، و موسی بن جعفر، آشکار کننده برهان ها، و علی بن موسی، یاور دین، و محمّد بن علی، الگوی ره یافتگان، و علی بن محمّد، زاهدترین زاهدان،

و حسن بن علی، وارث جانشینان، و نیز به وسیله حجّت بر همه خلق، به تو توسّل می جویم که بر محمّد و خاندان محمّد، راستان نیکوکار و خاندان طاها و یاسین، درود فرستی و مرا در قیامت، از دل آرامان در امان و رستگاران شادان و خندان، قرار دهی. خدایا! مرا جزو مسلمانان بنویس و به صالحان، پیوند، و مرا میان پسینان، نیک نام گردان، و در برابر ستمکاران، یاری ام ده، و از نیرنگ حسودان، کفایت کن، و مکر مکرورزان را از من بچرخان، و دست های ظالمان را از من، برگیر و مرا با سروران خجسته و با پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان _ که به آنها نعمت بخشیدی _، در اعلیٰ علیین (بالا ترین جایگاه قرب بهشت) گرد هم آور، به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا! تو را به پیامبر معصوم، و به حکم حتمی ات، و نهی پنهانت، و به این قبری که بر آن در آمده ام و در زیر آن، امام معصوم مقتول و مظلوم، آرمیده است، سوگند می دهم که غم های مرا بگشایی و شرّ قدر حتمی ات را از من بچرخانی و از آتش مسموم، پناهم دهی. خدایا! مرا با نعمت، بزرگ گردان، و به قسمت، خشنود بدار، و به جود و کرمّت، فراگیر، و از مکر و عقوبتت، دور ساز. خدایا! مرا از لغزش ها، نگاه و در گفتار و کردار، استوار بدار. مهلت رسیدن اجلم را بیشتر بگردان و از دردها و بیماری ها، عافیتم ده و به وسیله دوستانم و به فضلت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و توبه ام را قبول کن، و بر اشکم رحم آور، و عذر لغزشم را بپذیر، و گرفتاری ام را گشایش ده، و خطایم را بپوشان، و نسلم را صالح بگردان. خدایا! در این مرقد شریف و بزرگ و جایگاه گرامی، گناهی از من مگذار، جز آن که آن را بیمارزی، و نه عیبی، جز آن که بپوشانی، و نه غمی، جز آن که بگشایی، و نه روزی ای، جز آن که گسترده سازی، و نه منزلتی، جز آن که آبادش بداری، و نه تباهی ای، جز آن که اصلاحش کنی، و نه آرزویی، جز آن که مرا به آن برسانی، و نه دعایی، جز آن که مستجابش کنی، و نه تنگنایی، جز آن که گشایشش دهی، و نه پریشانی ای، جز آن که سامانش دهی، و نه کاری، جز آن که به پایانش بری، و نه آمالی، جز آن که فراوانش کنی، و نه خوبی، جز آن که نیکویش کنی، و نه انفاقی، جز آن که جایش را پُر کنی، و نه حالتی، جز آن که آبادش کنی، و نه حسودی، جز آن که قلع و قمعش کنی، و نه دشمنی، جز آن که خوارش کنی، و نه شرّی، جز آن که کفایتش کنی، و نه بیماری ای، جز آن که شفایش دهی، و نه دوری ای، جز آن که نزدیکش کنی، و نه پراکندگی ای، جز آن که جمعش کنی، و نه درخواستی، جز آن که عطایش کنی. خدایا! از تو خیر اکنون و پاداش آینده را می خواهم. خدایا! مرا به حلالیت از حرامت، و به فضلت از همه مردمان، بی نیاز کن. خدایا! از تو علمی سودمند، دلی خاشع، یقینی شفافبخش، عملی پاک، صبری زیبا و اجری فراوان می خواهم. خدایا! سپاس گزاری نعمتی را که به من داده ای، روزی ام کن، و بر احسان و کرمّت به من بیفزای، و گفته ام را میان مردم، شنیده شده و مورد قبول، و کردارم را نزد تو بالا برده شده، و کار خیرم را دنباله دار، و دشمنم را خوار بگردان. خدایا! بر محمّد و خاندان برگزیده محمّد، در نیمه های شب و دو سوی روز، درود فرست، و شرّ اشرار را از من، کفایت کن و مرا از گناهان و بار سنگین آن، پاک بگردان و از آتش، پناهم ده و به سرای ماندن، واردم کن. من و همه مردان و زنان با ایمان را که به خاطر تو با آنان دوستی می کنم، بیمارز، به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان! سپس، رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز می گزاری که در رکعت اول، سوره انبیا و در رکعت دوم، سوره حشر را می خوانی و در قنوتش می گویی: خدایی جز خدای بردبار بزرگوار نیست. خدایی جز خدای والای بزرگ نیست. خدایی جز خداوند مالک آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و میان آنهاست، نیست، بر خلاف دشمنانش و با انکار شریک گیرندگانش، با اقرار به ربوبیتش و خشوع در برابر عزّتش. اول است، بدون آن که اولی باشد، و آخر است، بدون این که آخری باشد. با قدرتش بر همه آشکار است و نهان تر از هر چیز است، با دانش و لطافتش. خردها بر ژرفای بزرگی اش آگاه نمی شوند و وهم ها، حقیقت چپستی اش را در نمی یابند و جان ها، چگونگی معانی او را تصوّر نمی نمایند. بر درون ها، آگاه است و به باطن ها، شناسا. چشم های خیانتکار را می شناسد و پنهانکاری های سینه ها را می داند. خدایا! تو را بر تصدیقم نسبت به فرستاده ات و ایمانم به او و آگاهی ام به منزلتش، گواه می گیرم. گواهی می دهم که او، پیامبری است که حکمت، به فضلش زبان گشوده است و پیامبران، به او بشارت داده اند و به اقرار به آنچه آورده، فرا خوانده اند و به تصدیق او، ترغیب کرده اند؛ و [دلیل این همه، [سخن خدای متعال است که: «او را که نزد خود، در تورات و انجیل، مکتوب می یابند. ایشان را

امر به معروف و نهی از منکر می کند و پاکی ها را بر ایشان، حلال، و خبیث ها را بر ایشان، حرام می نماید و سنگینی و بندهایی را که بر ایشان بود، از آنان بر می دارد». پس بر محمد، فرستاده ات به سوی انس و جن و سرور پیامبران برگزیده، و بر برادر و پسر عمیش - که هیچ گاه و چشم بر هم زدنی، به تو شرک نوزیدند -، درود فرست، و نیز بر فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، و بر دو سرور جوانان بهشتی، حسن و حسین؛ درودی ماندگار و جاودان، به عدد قطره های ریز باران و به وزن کوه ها و درّه ها تا هر زمان که بر درختان، برگ می روید و شب و روز می آیند و می روند؛ و همچنین بر خاندان پاکش، امامان ره یافته، مدافعان دین: علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت؛ بر پادارندگان عدالت و فرزند نواده پیامبر! خدایا! به حق این امام، از تو، گشایش زود هنگام، و شکیبایی زیبا و یاری پیروزمندانه، و بی نیازی از مردم، و استوارگامی در راه هدایت، و توفیق به آنچه دوست می داری و می پسندی، روزی گسترده، حلال، پاک، گوارا، روان، فراوان، افزون و زیاده، ریزان و پُر جریان، بدون رنج و کاستی، و بی منت کسی، و نیز عافیت از هر گرفتاری و بیماری و مرضی، و سپاس نهادن بر عافیت و نعمت را می خواهم و هنگامی که مرگ می آید، ما را بر بهترین حالت طاعت و نگاهدار فرمانت به ما، قبض روح کن تا ما را به بهشت نعمت های جاودانت برسانی، به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و مرا از دنیا، بیگانه و با آخرت، مأنوس بگردان، که جز بیم تو داشتن، از دنیا بیگانه نمی کند و جز امید به تو، انس به آخرت نمی دهد. خدایا! حجت، از آن توست، نه علیه تو، و به سوی تو شش کوه می شود، نه از تو. پس بر محمد و خاندانش، درود فرست و مرا در برابر نفس ستمکار و نافرمانم و شهوت چیره ام، یاری ام ده و سرانجام مرا به عفو و عافیت، ختم بفرما. خدایا! آموزش خواهی ام با وجود پافشاری بر آنچه از آن، نهی کردی، کم حیایی است و آموزش خواهی نکردم با وجود آگاهی ام به گستره بردباری ات، تباه کردن حق امیدواری است. خدایا! گناهانم، مرا از امیدواری به تو، مأیوس کرده اند و آگاهی ام به گستردگی رحمت، مرا از ترسیدن از تو، باز داشته است. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و امیدم را به تو، تصدیق کن و هراسم را از تو، بی پایه گردان و همان جا [و همان گونه] باش که بهترین گمانم می گوید، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و مرا با عصمت، تأیید فرما، و زبانم را به حکمت بگشای، و مرا از کسانی قرار ده که بر آنچه در دیروز خود تباه کرده اند، پشیمان می شوند و از نصیب امروز خود، کم نمی گذارند و به روزی فردایشان نمی اندیشند. خدایا! توانگر، کسی است که به تو نیاز برد و از دیگران، بی نیازی جوید، و فقیر، کسی است که با خلق، از تویی نیازی جوید. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و مرا با خود، از خلق خود، بی نیاز گردان، و مرا از کسانی قرار ده که دست طلب، جز به سوی تو نمی گشایند. خدایا! شور بخت، آن ناامیدی است که پیش رویش، توبه و پشت سرش، رحمت است [و آنها را نمی بیند]، و اگر من در عمل ضعیفم، اما در امید به رحمت، نیرومندم، پس ضعف عملم را به نیرومندی امیدم، ببخش. خدایا! اگر تو می دانی که میان بندگان، سنگ دل تر از من و گنهکارتر از من هست، من نیز می دانم که مولایی بخشنده تر و گسترده رحمت تر و باگذشت تر از تو نیست. ای که در رحمت، یگانه ای! آن را که در خطایش تنها نیست، بیامرز! خدایا! به ما فرمان دادی و نافرمانی ات کردیم. ما را باز داشتی و دست نکشیدیم. به یادمان آوردی و از یاد بردیم. بینایمان نمودی و نادیده گرفتیم. برایمان مرز نهادی و آن را زیر پا گذاشتیم، و این، جزای احسان تو به ما نبود و تو به آنچه آشکار و نهان کرده ایم، داناتری، و به آنچه می آوریم و آورده ایم، آگاه تری. بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و ما را به آنچه در آن خطا و فراموش کردیم، سرزنش مکن، و حقوق خود را بر ما ببخش و احسانت را بر ما کامل کن و رحمتت را بر ما سرازیر کن. خدایا! با این امام راستین، به تو توسل می جویم و به حقی که برای او و برای جدش، فرستاده ات، و برای پدر و مادرش علی و فاطمه، خاندان رحمت، قرار داده ای، فراوانی روزی ای که قوام زندگی ما، به آن است، و سامان حال خانواده مان را از تو می خواهیم که تو بزرگواری هستی که از سر گستردگی، می بخشی و از سر قدرت، باز می داری و ما از روزی، آن چیزی را می خواهیم که سامان دهنده دنیایمان و رساننده به آخرتمان باشد. خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و ما، والدین ما و همه مردان و زنان با ایمان و مسلمان، زنده و مرده آنها را بیامرز و در دنیا و آخرت، به ما نیکی بده و از عذاب دوزخ، نگاهمان دار. سپس، رکوع و سجود و نشستن و

تشهد و سلام را به انجام می‌رسانی و چون تسبیحات را گفتی، گونه‌هایت را بر خاک بگذار و چهل مرتبه بگو: منزّه است خدا! ستایش، ویژه خداست. خدایی، جز الله نیست. خدا، بزرگ‌تر است. و عصمت و نجات و آمرزش و توفیق عمل نیکو و قبولی آنچه را برای تقرّب به او و به قصد دیدار او می‌کنی، از خدا بخواه و نزد سر [امام علیه السلام] بایست و دو رکعت نماز، به همان گونه که گذشت، بخوان. سپس، خود را بر روی قبر بینداز و آن را ببوس و بگو: خداوند، بر شرفتان بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خدا، بر شما باد! و برای خودت و پدر و مادرت و هر کسی که خواستی، دعا کن و به یاری خداوند، باز گرد.

1- مقصود، وکلا و یاران خاص ائمه است.

2- سدرۃ المنتهی: آخرین درخت سدر. مقصود، درخت سدر خاصّی است که در بالاترین جای بهشت، قرار دارد و منشأ همه علوم گذشتگان و آیندگان است.

13 / 2 الزيارَةُ الثانيةُ بِرِوَايَةِ الإِقْبَالِ (1) الإقبال عن أبي منصور بن عبد المنعم بن النعمان البغدادي : خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ سَدَّةً اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَمِئَتَيْنِ (2) عَلَى يَدِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ الْأَصْفَهَانِيِّ حِينَ وَفَاةِ أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ ، وَكُنْتُ حَدِيثَ السَّنِّ ، وَكَبَّبْتُ أَسْتَاذُنُ فِي زِيَارَةِ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَزِيَارَةَ الشَّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، فَخَرَجَ إِلَيَّ مِنْهُ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الشَّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَفَقِّفْ عِنْدَ رِجْلَيْ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَهُوَ قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا ، فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ ؛ فَإِنَّ هُنَاكَ حَوْمَةَ الشَّهَدَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَأَوْمِ وَأَشِرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ ، إِذْ قَالَ فِيكَ : « قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُواكَ ، يَا بَنِيَّ مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَعَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ ! عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا » ، كَأَنِّي بَكَ بَيْنَ يَدَيْهِ مَائِلًا ، وَلِلْكَافِرِينَ قَاتِلًا : أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَى بِالنَّبِيِّ أُطْعَمُكُمْ بِالرَّمْحِ حَتَّى يَنْشِيَا ضَرْبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمِي عَنْ أَبِي صَدْرٍ غَلَامٍ هَاشِمِيٍّ عَرَبِيًّا وَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِيِّ (3) حَتَّى قَضَيْتَ نَحْبَكَ وَلَقَيْتَ رَبَّكَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَى بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ ، وَأَنَّكَ ابْنُ رَسُولِهِ ، وَحُجَّتُهُ وَأَمِينُهُ (4) ، وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَمِينِهِ . حَكَّمَ اللَّهُ عَلَى قَاتِلِكَ مُرَّةً بِنِ مُنْقِذِ بْنِ النُّعْمَانِ الْعَبْدِيِّ - لَعَنَهُ اللَّهُ وَأَخْزَاهُ - وَمَنْ شَرِكَةٌ فِي قَتْلِكَ ، وَكَانُوا عَلَيْكَ ظَهِيرًا ، أَصْلَاهُمْ اللَّهُ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ، وَجَعَلْنَا اللَّهُ مِنْ مُلَاقِيكَ وَمُرَاقِيكَ ، وَمُرَاقِي جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمَّكَ وَأَخِيكَ وَأُمَّكَ الْمَظْلُومَةَ (5) ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ أَوْلَى الْجُحُودِ (6) ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الطُّفْلِ الرِّضِيِّ ، المَرْمِيِّ الصَّرِيحِ ، المَشْتَحِطِ دَمًا ، المَصْعَدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ ، المَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ فِي حِجْرِ أَبِيهِ (7) ، لَعَنَ اللَّهُ رَامِيَهُ حَرَمَلَةَ بْنَ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ وَذَوِيهِ . السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، مُبْلِئِ الْبَلَاءِ ، وَالمُنَادِي بِالْوَلَاءِ فِي عَرَصَةِ كَرْبَلَاءَ ، المَضْرُوبِ مُقْبِلًا - وَمُدْبِرًا ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ هَانِيَّ بْنَ ثُبَيْتِ الحَضْرَمِيِّ . السَّلَامُ عَلَى أَبِي الفَضْلِ (8) العَبَّاسِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، المُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ ، الآخِذِ لِعَدُوِّهِ مِنْ أَمْسِهِ ، الفَادِي لَهُ ، الوَاقِي ، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ ، المَقْطُوعَةِ يَدَاهُ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيهِ يَزِيدَ بْنَ الرُّفَادِ الحِيتِي وَحَكِيمَ بْنَ الطُّفَيْلِ الطَّائِي . السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، الصَّابِرِ بِنَفْسِهِ مُحْتَسِبًا ، وَالنَّائِي عَنِ الْأَوْطَانِ مُغْتَرِبًا ، المُسْتَسَلِمِ لِلْقِتَالِ ، المُسْتَقْدِمِ لِلنِّزَالِ ، المَكْثُورِ (9) بِالرِّجَالِ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ هَانِيَّ بْنَ ثُبَيْتِ الحَضْرَمِيِّ . السَّلَامُ عَلَى عُثْمَانَ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، سَمِيِّ عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ ، لَعَنَ اللَّهُ رَامِيَهُ بِالسَّهْمِ خَوْلِيَّ بْنَ يَزِيدِ الْأَصْبَحِيِّ الْإِيَادِي الدَّارِمِيِّ . السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، قَتِيلِ الْإِيَادِي الدَّارِمِيِّ لَعَنَهُ اللَّهُ وَضَاعَفَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الصَّابِرِينَ . السَّلَامُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ بْنِ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزُّكِّيِّ الْوَلِيِّ ، المَرْمِيِّ بِالسَّهْمِ الرِّدِّيِّ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُقْبَةَ الْغَنَوِيِّ . السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزُّكِّيِّ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَرَامِيَهُ حَرَمَلَةَ بْنَ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ . السَّلَامُ عَلَى الفَاسِمِ بْنِ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، المَضْرُوبِ عَلَى هَامَتِهِ ، المَسْلُوبِ لَامَتَهُ (10) ، حِينَ نَادَى الحُسَيْنَ عَمَّهُ ، فَجَلَا (11) عَلَيْهِ عَمُّهُ كَالصَّفَرِ ، وَهُوَ يَفْخَصُ (12) بِرِجْلَيْهِ التُّرَابَ ، وَالحُسَيْنُ يَنْقُلُ : « بَعْدًا لِقَوْمِ قَتَلُواكَ ! وَمَنْ خَصَمَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَدُّكَ وَأَبُوكَ » . ثُمَّ قَالَ : « عَزَّ وَاللَّهِ عَلَى عَمِّكَ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكَ ، أَوْ أَنْ يُجِيبَكَ وَأَنْتَ قَتِيلٌ جَدِيلٌ (13) فَلَا يَنْفَعُكَ ، هَذَا وَاللَّهِ يَوْمَ كَثُرَ وَاتْرَهُ وَقَلَّ نَاصِرُهُ » ، جَعَلَنِي اللَّهُ مَعَكُمْ يَوْمَ جَمْعِكُمْ ، وَبِوَأَنِّي مُبَوَّأَكُمْ ، وَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ عُمَرَ بْنَ سَعْدِ بْنِ عُرْوَةَ بْنِ نُفَيْلِ الْأَزْدِيِّ ، وَأَصْلَاهُ جَحِيمًا وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا أَلِيمًا . السَّلَامُ عَلَى عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الطُّيَّارِ فِي الحِنَانِ ، حَلِيفِ الْإِيمَانِ ، وَمُنَازِلِ الْأَقْرَانِ ، التَّاصِحِ لِلرَّحْمَنِ ، التَّالِي لِلْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ فُطْبَةَ النَّبْهَانِيِّ (14) . السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ ، الشَّاهِدِ مَكَانَ أَبِيهِ ، وَالتَّالِي لِأَخِيهِ ، وَوَاقِيهِ بِيَدَيْهِ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ عَامِرَ بْنَ نَهْشَلِ التَّمِيمِيِّ . السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ عَقِيلٍ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَرَامِيَهُ بَشْرَ بْنَ خُوَطِ الهَمْدَانِيِّ . السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَقِيلٍ ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَرَامِيَهُ عُمَرَ بْنَ خَالِدِ بْنِ أَسَدِ الْجُهَنِيِّ . السَّلَامُ عَلَى القَتِيلِ ابْنِ القَتِيلِ ، عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ ، وَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ (15) عَامِرَ بْنَ صَعَصَعَةَ . وَقِيلَ : أَسَدُ بْنُ مَالِكٍ . السَّلَامُ عَلَى عُبَيْدِ اللَّهِ (16) بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلِ (17) ، وَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَرَامِيَهُ عَمْرُو بْنُ صَبِيحِ الصَّيْدَاوِيِّ . السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعِيدِ بْنِ عَقِيلٍ ، وَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ لَقِيطَ بْنَ نَاشِرِ الْجُهَنِيِّ (18) . السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ مَوْلَى الحُسَيْنِ بْنِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ سُلَيْمَانَ بْنَ عَوْفِ الحَضْرَمِيِّ . السَّلَامُ عَلَى قَارِبِ مَوْلَى الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ . السَّلَامُ عَلَى مُنْجِحِ مَوْلَى الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ . السَّلَامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ الْأَسَدِيِّ ، القَائِلِ لِلْحُسَيْنِ وَقَدْ أَدْنَى لَهُ فِي

الإنصريف: «أَنْحَنُ نُحْلِي عَنكَ؟ وَبِمَ نَعْتَذِرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَدَاءِ حَقِّكَ؟ لَا وَاللَّهِ حَتَّى أَكْسِرَ فِي صُدُورِهِمْ رُمْحِي هَذَا، وَأَضْرِبُهُمْ بِسَيْفِي مَا ثَبَتَ قَائِمُهُ فِي يَدِي، وَلَا أَفَارِقُكَ، وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مَعِيَ سِلَاحٌ أَفَاتِلُهُمْ بِهِ لَقَدْ ذَفْتُهُمْ بِالْحِجَارَةِ، وَلَمْ أَفَارِقْكَ حَتَّى أَمُوتَ مَعَكَ». وَكُنْتَ أَوَّلَ مَنْ شَرَى (19) نَفْسَهُ، وَأَوَّلَ شَهِيدٍ شَهِدَ اللَّهُ وَقَضَى نَحْبَهُ، فَفَزَتِ رَبِّبُ الكَعْبَةِ، شَكَرَ اللَّهُ اسْتِقْدَامَكَ وَمُؤَاسَاتِكَ إِمَامَكَ، إِذْ مَشَى إِلَيْكَ وَأَنْتَ صَرِيحٌ، فَقَالَ: «يَرَحْمَكَ اللَّهُ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَوْسَةَ حَجَّةً»، وَقَرَأَ: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا بُدَيْلًا» (20)، لَعَنَ اللَّهُ الْمُشْتَرِكِينَ فِي قَتْلِكَ: عَبْدَ اللَّهِ الضَّبَّائِيَّ، وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ حُشَكَارَةَ البَجَلِيَّ. السَّلَامُ عَلَى سَعْدِ (21) بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الحَنْفِيِّ، القَائِلِ لِلْحُسَيْنِ وَقَدْ أذِنَ لَهُ فِي الإِنْصِرَافِ: «لَا وَاللَّهِ لَا نُحْلِيكَ حَتَّى يَعْلَمَ اللَّهُ أَنَا قَدْ حَفِظْنَا غَيْبَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ، وَاللَّهِ لَوْ أَعْلَمْتُ أَنِّي أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَى ثُمَّ أُحْرَقُ ثُمَّ أُدْرَى، وَيُفَعَّلُ بِي ذَلِكَ سَبْعِينَ مَرَّةً مَا فَارَقْتُكَ، حَتَّى أَلْقَى حِمَامِي (22) دُونَكَ، وَكَيْفَ لَا أَفَعَلُ ذَلِكَ وَإِنَّمَا هِيَ مَوْتَةٌ أَوْ قَتْلَةٌ وَاحِدَةٌ، ثُمَّ هِيَ بَعْدَهَا الكِرَامَةُ الَّتِي لَا انْقِضَاءَ لَهَا أَبَدًا». فَقَدَّ لَقِيَتْ حِمَامَكَ، وَوَأَسَيْتَ إِمَامَكَ، وَلَقِيَتْ مِنَ اللَّهِ الكِرَامَةَ فِي دَارِ المُقَامَةِ، حَشَدَرْنَا اللَّهُ مَعَكُمْ فِي المُسْتَشْهِدِينَ، وَرَزَقْنَا مُرَافَقَتَكُمْ فِي أَعْلَى عَلِيَّيْنِ. السَّلَامُ عَلَى بَشْرِ (23) بْنِ عَمَرَ الحَضْرَمِيِّ، شَكَرَ اللَّهُ لَكَ قَوْلَكَ لِلْحُسَيْنِ وَقَدْ أذِنَ لَكَ فِي الإِنْصِرَافِ: «أَكَلْتَنِي إِذْنِ السَّبَاعِ حَيًّا إِنْ فَارَقْتُكَ وَأَسَأَلُ عَنكَ الرُّكْبَانَ، وَأَخَذْتُكَ مَعَ قَلَّةِ الأَعْوَانِ، لَا يَكُونُ هَذَا أَبَدًا». السَّلَامُ عَلَى يَزِيدَ بْنِ حُصَيْنِ (24) الهَمْدَانِيِّ المِشْرَقِيِّ القَارِي، المُجَدَّلِ بِالمِشْرَفِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَمَرَ بْنِ أَبِي كَعْبِ الأَنْصَارِيِّ (25). السَّلَامُ عَلَى نَعِيمِ بْنِ عَجَلَانَ الأَنْصَارِيِّ. السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ القَيْنِ البَجَلِيَّ، القَائِلِ لِلْحُسَيْنِ وَقَدْ أذِنَ لَهُ فِي الإِنْصِرَافِ: «لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ ذَلِكَ أَبَدًا، أَتْرُكُ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أُسِيرًا فِي يَدِ الأَعْدَاءِ وَأَنْجُو! لَا أَرَانِي اللَّهُ ذَلِكَ اليَوْمَ». السَّلَامُ عَلَى عَمْرٍو بْنِ قَرْظَةَ الأَنْصَارِيِّ (26). السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرِ الأَسَدِيِّ. السَّلَامُ عَلَى الحُرِّ بْنِ يَزِيدِ الرِّيَاحِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرِ الكَلْبِيِّ (27). السَّلَامُ عَلَى نَافِعِ بْنِ هِلَالِ بْنِ نَافِعِ البَجَلِيِّ المُرَادِيِّ. السَّلَامُ عَلَى أَنَسِ بْنِ كَاهِلِ الأَسَدِيِّ. السَّلَامُ عَلَى قَيْسِ بْنِ مُسَهْرِ الصَّيْدَاوِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدِ الرَّحْمَنِ ابْنَيْ عُرْوَةَ بْنِ حِرَاقِ العِفَارِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَى جَوْنِ بْنِ حَرِيٍّ (28) مَوْلَى أَبِي ذَرِّ العِفَارِيِّ. السَّلَامُ عَلَى شَيْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّهْشَلِيِّ. السَّلَامُ عَلَى الحَجَّاجِ بْنِ يَزِيدِ السَّعْدِيِّ (29). السَّلَامُ عَلَى قَاسِطِ وَكَرْشِ (30) ابْنَيْ ظَهيرِ (31) التَّغْلِبِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَى كِنَانَةَ بْنِ عَتِيقِ. السَّلَامُ عَلَى ضِرْغَامَةَ بْنِ مَالِكِ. السَّلَامُ عَلَى حُوَيِّ بْنِ مَالِكِ الضَّبْعِيِّ (32). السَّلَامُ عَلَى عَمَرَ (33) بْنِ ضُبَيْعَةَ الضَّبْعِيِّ (34). السَّلَامُ عَلَى زَيْدِ بْنِ ثُبَيْتِ القَيْسِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ وَعَبِيدِ اللَّهِ ابْنَيْ يَزِيدَ بْنِ ثُبَيْتِ (35) القَيْسِيِّ (36). السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ مُسْلِمِ. السَّلَامُ عَلَى قَعْنَبِ بْنِ عَمْرٍو التَّمْرِيِّ (37). السَّلَامُ عَلَى سَالِمِ مَوْلَى عَامِرِ بْنِ مُسْلِمِ (38). السَّلَامُ عَلَى سَيْفِ بْنِ مَالِكِ. السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ بَشْرِ الحَنْعَمِيِّ. السَّلَامُ عَلَى زَيْدِ بْنِ مَعْقِلِ الجُعْفِيِّ. (39) السَّلَامُ عَلَى الحَجَّاجِ بْنِ مَسْرُوقِ الجُعْفِيِّ. (40) السَّلَامُ عَلَى مَسْعُودِ بْنِ الحَجَّاجِ وَابْنِهِ. السَّلَامُ عَلَى مُجَمِّعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ العَانِذِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَمَارِ بْنِ حَسَّانَ بْنِ شُرَيْحِ الطَّائِيِّ (41). السَّلَامُ عَلَى حَيَّانَ (42) بْنِ الحَارِثِ السَّلْمَانِيِّ الأَزْدِيِّ. السَّلَامُ عَلَى جُنْدَبِ بْنِ حُجْرِ الخَوْلَانِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَمَرَ (43) بْنِ خَالِدِ الصَّيْدَاوِيِّ. السَّلَامُ عَلَى سَعِيدِ مَوْلَاهُ. السَّلَامُ عَلَى يَزِيدَ بْنِ زِيَادِ بْنِ المُهَاجِرِ (44) الكِنْدِيِّ (45). السَّلَامُ عَلَى زَاهِرِ (46) مَوْلَى عَمْرٍو بْنِ الحَمِقِ الخُزَاعِيِّ (47). السَّلَامُ عَلَى جَبَلَةَ بْنِ عَلِيٍّ الشَّيْبَانِيِّ. السَّلَامُ عَلَى سَالِمِ مَوْلَى ابْنِ المَدِينَةِ الكَلْبِيِّ (48). السَّلَامُ عَلَى أَسْلَمَ بْنِ كَثِيرِ الأَزْدِيِّ الأَعْرَجِ (49). السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ سُلَيْمِ الأَزْدِيِّ (50). السَّلَامُ عَلَى قَاسِمِ بْنِ حَبِيبِ الأَزْدِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَمَرَ بْنِ جُنْدَبِ الحَضْرَمِيِّ (51). السَّلَامُ عَلَى أَبِي ثُمَامَةَ (52) عَمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الصَّائِدِيِّ. السَّلَامُ عَلَى حَنْظَلَةَ بْنِ أَسْعَدِ (53) الشُّبَامِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الكَدْرِ (54) الأَرَحْبِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَمَارِ بْنِ أَبِي سَلَامَةَ الهَمْدَانِيِّ. السَّلَامُ عَلَى عَابِسِ بْنِ شَبِيبِ (55) الشَّكْرِيِّ. السَّلَامُ عَلَى شَوْذَبِ مَوْلَى شَاكِرِ (56). السَّلَامُ عَلَى شَيْبِ بْنِ الحَارِثِ بْنِ سَرِيحِ. السَّلَامُ عَلَى مَالِكِ بْنِ عَبْدِ (57) بْنِ سَرِيحِ. السَّلَامُ عَلَى الجَرِيحِ المَأسُورِ سَوَّارِ بْنِ أَبِي حَمِيرِ (58) الفَهْمِيِّ الهَمْدَانِيِّ. السَّلَامُ عَلَى المُرْتَثِ (59) مَعَهُ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الجُنْدَعِيِّ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَ أَنْصَارِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، بَوَّأَكُمُ اللَّهُ مَبُوءًا الأَبْرَارِ، أَشْهَدُ لَقَدْ كَشَفَ اللَّهُ لَكُمْ الغِطَاءَ، وَمَهَّدَ لَكُمْ الوِطَاءَ، وَأَجْرَلْ لَكُمْ العِطَاءَ، وَكُنْتُمْ عَنِ الحَقِّ غَيْرِ بَطَاءٍ، وَأَنْتُمْ لَنَا فُرْطَاءُ، وَنَحْنُ لَكُمْ خُلَطَاءُ فِي دَارِ البَقَاءِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (60)

1- قال العلامة المجلسي قدس سره بعد أن أورد هذه الزيارة : واعلم أنّ هذه الزيارة أوردتها المفيد والسيد في مزاريهما وغيرهما ، بحذف الإسناد في زيارة عاشوراء ، وكذا قال مؤلف المزار الكبير : زيارة الشهداء رضوان الله عليهم في يوم عاشوراء : أخبرني الشريف أبو الفتح مُحَمَّد بن مُحَمَّد الجعفريّ أدام الله عزّه ، عن الفقيه عماد الدين مُحَمَّد بن أبي القاسم الطبريّ ، عن الشيخ أبي عليّ الحسن بن مُحَمَّد الطوسي . وأخبرني عالياً الشيخ أبو عبد الله الحُسَيْن بن هبة الله بن رطبة ، عن الشيخ أبي عليّ ، عن والده أبي جعفر الطوسيّ ، عن الشيخ مُحَمَّد بن أحمد بن عيَّاش ، وذكر مثله سواء ، وإنّما أوردناها في الزيارات المطلقة لعدم دلالة الخبر على تخصيصه بوقت من الأوقات (بحار الأنوار : ج 101 ص 274) .

2- قال العلامة المجلسي قدس سره : واعلم أنّ في تاريخ الخبر إشكالاً لتقدّمها على ولادة القائم عليه السلام بأربع سنين ، لعلّها كانت اثنتين وستين ومئتين ، ويحتمل أن يكون خروجه عن أبي محمّد العسكري عليه السلام (بحار الأنوار : ج 101 ص 274هـ.ق) إلاّ أنّه ينبغي الالتفات إلى أنّ التاريخ المذكور (252) يتزامن مع إمامة الإمام الهادي عليه السلام (212 _ 254 هـ.ق) ، وعلى هذا فإنّ ما ذكره العلامة من امكانيّة نسبتها إلى الإمام العسكري عليه السلام لا يمكن قبوله .

3- الدّعويّ : المنسوب إلى غير أبيه (لسان العرب : ج 14 ص 261 «دعا»).

4- في المصدر : «دينه» بدل «أمينه»، والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار: ج 45 ص 65 نقلاً عن المصدر.

5- زاد في المزار الكبير ومصباح الزائر وبحار الأنوار هنا: «وأبرأ إلى الله من قاتلك واسأل الله مرافقتك في دار الخلود».

6- الجُحُودُ : الإنكار مع العلم (الصحيح : ج 2 ص 451 «جحد»).

7- ليس في المزار الكبير : «المرميّ الصريع» إلى «حجر أبيه» .

8- ليس في مصباح الزائر وبحار الأنوار «أبي الفضل».

9- المَكْتُورُ : المغلوب ، وهو الذي تكاثر عليه الناس فقهره (النهاية : ج 4 ص 153 «كثر»).

10- الَّلَامَةُ _ بهمزة ساكنة ويجوز تخفيفها _ : الدَّزَعُ (المصباح المنير : ص 560 «لوم»).

11- جلا : علا (القاموس المحيط : ج 4 ص 313 «جلا»).

12- فحصت : أي حفرت . والفحص : البحث والكشف (النهاية : ج 3 ص 415 «فحص»).

13- مجدّل : أي ملقى على الأرض قتيلاً (لسان العرب : ج 11 ص 104 «جدل»).

14- في المصدر : «البهبهاني»، والتصويب من المصادر الأخرى.

15- وفي مصباح الزائر : «ولعن الله قاتله أسد بن مالك».

16- وفي مصباح الزائر وبحار الأنوار: ج 101 «أبي عبد الله» بدل «عبيد الله» وفي بحار الأنوار : ج 45 «أبي عبيد الله».

17- ليس في المزار الكبير «ولعنَ الله قاتله عامر... عبيدالله بن مسلم بن عقيل» .

18- وفي المزار الكبير : «لقيط بن ياسر الجهني» .

19- شَرِيْتُ : بمعنى بعْتُ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 453 «شرى»).

20- الأحزاب : 23 .

21- وفي المزار الكبير : «سعيد» بدل «سعد».

22- الحِمَام : الموت (النهاية : ج 1 ص 446 «حمم»).

23- وفي المزار الكبير : «بشير» بدل «بشر».

24- وفي المزار الكبير : «زيد بن حصين» ، وفي مصباح الزائر : «برير بن خضير» .

25- وفي المزار الكبير ومصباح الزائر وبحار الأنوار : ج 101 «عمران بن كعب الأنصاري» وفي بحار الأنوار: ج 45 «عمر بن كعب

الأنصاري».

- 26- وفي مصباح الزائر : «عمر بن قرظة الأنصاري» .
- 27- وفي مصباح الزائر : «عبدالله بن عمر الكلبي» .
- 28- ليس في مصباح الزائر والمزار الكبير وبحار الأنوار: ج 101 «بن حري» وفي بحار الأنوار: ج 45 «حوي» بدل «حري».
- 29- وفي المزار الكبير ومصباح الزائر وبحار الأنوار ج 45 «الحجاج بن زيد السعدي» .
- 30- وفي المزار الكبير : «وكردوس» ، وفي مصباح الزائر : «وكرسي» .
- 31- وفي مصباح الزائر و المزار الكبير وبحار الأنوار ج 101 : «ابني زهير» .
- 32- وفي المزار الكبير وبحار الأنوار : «جوين بن مالك الضبعي» .
- 33- وفي مصباح الزائر والمزار الكبير وبحار الأنوار: ج 101 «النمري» بدل «التمري».
- 34- وفي المزار الكبير : «عمرو بن ضبيعة» .
- 35- وفي مصباح الزائر «نبيط» بدل «ثبيت».
- 36- ليس في المزار الكبير : «السَّلامُ على عبدالله وعبيدالله ابني يزيد بن ثبيت القيسي» .
- 37- ليس في المزار الكبير : «السَّلامُ على قعنب بن عمرو التمري . السَّلامُ على سالم مولى عامر بن مسلم» .
- 38- وفي المزار الكبير ومصباح الزائر وبحار الأنوار : ج 101 «بدر بن معقل الجعفي» .
- 39- ليس في المزار الكبير «السَّلام على الحجاج بن مسروق الجعفي».
- 40- وفي المزار الكبير : «عمَّار بن حيَّان بن شريح الطائي» .
- 41- وفي بحار الأنوار: ج 45 «حَبَّاب» بدل «حيَّان».
- 42- وفي مصباح الزائر: «عمرو» بدل «عمر».
- 43- في بحار الأنوار: ج 45 «مهاصر» بدل «مهاجر».
- 44- وفي المزار الكبير ومصباح الزائر وبحار الأنوار : ج 101 «يزيد بن زياد بن المظاهر الكندي» .
- 45- في بحار الأنوار: ج 45 «زاهد» بدل «زاهر».
- 46- ليس في المزار الكبير : «السَّلامُ على زاهر مولى عمرو بن الحمق الخزاعي» .
- 47- ليس في المزار الكبير : «السَّلامُ على سالم مولى ابن المدتية الكلبي» .
- 48- ليس في بحار الأنوار: ج 101 «الأعرج».
- 49- ليس في بحار الأنوار : ج 101 «السَّلامُ على زهير بن سليم الأزدي» .
- 50- وفي المزار الكبير وبحار الأنوار : «عمر بن الاحدوث الحضرمي» ، وفي مصباح الزائر : «عمرو بن الاحدوث الحضرمي» .
- 51- في مصباح الزائر «تمامة» بدل «ثمامة».
- 52- ليس في مصباح الزائر «بن أسعد» وفي بحار الأنوار: ج 45 «سعد» بدل «أسعد».
- 53- وفي بحار الأنوار : ج 101 «الكدن» بدل «الكدر» وفي نسخ مصباح الزائر اختلاف.
- 54- في بحار الأنوار: ج 45 «أبي شبيب».
- 55- ليس في المزار الكبير : «السَّلامُ على شوذب مولى شاکر» .
- 56- وفي المزار الكبير و مصباح الزائر وبحار الأنوار : ج 101 «عبد الله» بدل «عبد» .
- 57- وفي مصباح الزائر : «حميد» بدل «حمير».

58- الإزّتثاث : أن يحمل الجريح من المعركة وهو ضعيف قد أئخنته الجراح ، والرثيث أيضا : الجريح كالمرثّ (النهاية : ج 2 ص 195 «رثث»).

59- الإقبال : ج 3 ص 73 ، المزار الكبير : ص 486 ح 8 ، مصباح الزائر : ص 278 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 269 ح 1 و ج 45 ص 65 . وينبغي الإشارة هنا إلى أنّ مصدر بحار الأنوار بكلا نقليه هو الإقبال، إلّا أنّ هناك اختلافا فيما بين هذين النقلين. ونذكر أيضا إلى أن هناك اختلافات بين المصادر أشرنا في الهامش إلى جملة منها.

60- الإقبال: ج 3 ص 73، المزار الكبير: ص 486 ح 8، مصباح الزائر: ص 278، بحار الأنوار: ج 101 ص 269 ح 1 و ج 45 ص 65. وينبغي الإشارة هنا إلى أنّ مصدر بحار الأنوار بكلا نقليه هو الإقبال، إلّا أنّ هناك اختلافا فيما بين هذين النقلين. ونذكر أيضا إلى أن هناك اختلافات بين المصادر أشرنا في الهامش إلى جملة منها.

13 / 2 زیارت دوم، به روایت «الإقبال»

(1) الإقبال_ به نقل از ابو منصور بن عبد المُنعم بن نُعمان بغدادی: از ناحیه مقدّسه، در سال 252 هجری (2) و هنگام وفات پدرم، این نوشته به دست شیخ محمّد بن غالب اصفهانی بیرون آمد. من تازه سال بودم و در نامه ام، برای زیارت مولایم ابا عبد الله الحسین علیه السلام و شهیدان [کربلا]_ که رضوان خداوند بر ایشان باد، اجازه خواسته بودم. پاسخ نامه، چنین آمد: «به نام خداوند رحمتگر مهربان. هنگامی که خواستی شهیدان را_ که رضوان خداوند بر ایشان باد_ زیارت کنی، نزد پاهای حسین علیه السلام که همان قبر علی اکبر، فرزند امام حسین_ که دروذهای خدا بر هر دوشان باد_ است، رو به قبله بایست_ که آن جا، محلّ [دفن] شهیدان علیهم السلام است_ و با ایما و اشاره، به علی اکبر علیه السلام خطاب کن و بگو: سلام بر تو، ای نخستین کُشته از نسل بهترین بیرون آمده از نسل ابراهیم خلیل! خداوند، بر تو و پدرت درود فرستد، هنگامی که در باره تو گفت: «خداوند، کسانی را که تو را کُشتند، بکُشد! پسر عزیزم! چه گستاخ اند ایشان بر [خدای] رحمان و در پرده دری از حرمت پیامبر! دنیا پس از تو، ویران باد!». گویی تو را می بینم که پیش رویش ایستاده ای و به کافران می گویی: من، علی بن حسین بن علی ام. به خانه خدا سوگند که ما، به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک تریم. آن قدر نیزه به شما می زخم شود و شما را در حمایت از پدرم، با شمشیر می زخم؛ شمشیر زدن جوان هاشمی و عرب. به خدا سوگند، فرزند حرام زاده، بر ما حکم نمی راند! تا آن که مدّت را به پایان بردی و خدایت را دیدار کردی. گواهی می دهم که تو به خدا و پیامبرش نزدیک تری و تو فرزند پیامبر او، حجّت، امین و فرزند حجّت و امین اویی. خداوند، بر قاتل مُرّة بن مُنقذ بن نُعمان عبدی_ که خداوند، لعنت و رسوایش کند_ و هر کس که با او در قتل تو شرکت جست و وی را پشتیبانی کرد، حکم براند و آنان را به دوزخ برساند، که بد سرانجامی است! و خداوند، ما را از دیدار کنندگان و همراهان تو قرار دهد، و نیز همراهان جدّت، پدرت، عمویت، برادرت و مادر ستم دیده ات. (3) از دشمنان انکار کننده [ی حق]، به سوی خدا بیزاری می جویم. سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! سلام بر عبد الله بن الحسین، طفل شیرخوار، تیر خورده افتاده، در خون غلتیده و خورش به آسمان پاشیده، سر بُریده با تیر در دامان پدر! خداوند، تیرانداز به او، حرمله بن کاهل اسدی و همراهانش را لعنت کند! سلام بر عبد الله، فرزند امیر مؤمنان، خوب امتحان داده در بلا، ندا دهنده به ولایت در عرصه کربلا، ضربه خورده از جلو و پشت! خداوند، قاتلش هانی بن تُبیت حَضرمی را لعنت کند! سلام بر ابو الفضل العباس، فرزند امیر مؤمنان، از خود گذشتگی کننده با جان برای برادر، گیرنده از دیروزش برای فردایش، فدایی او، نگه دارنده و کوشنده برای رساندن آب به او که دست هایش بُریده شد! خداوند، قاتلانش یزید بن زُقاد حیتی و حکیم بن طُفیل طایی را بکُشد! سلام بر جعفر، فرزند امیر مؤمنان، شکّیبا به جان دادن در راه خدا، دور و غریب از وطن، آماده کارزار، پیشاهنگ در نبرد که خیل جنگجویان بر او یورش بردند تا بر او چیره گشتند! خداوند، قاتلش هانی بن تُبیت حَضرمی را لعنت کند! سلام بر عثمان، فرزند امیر مؤمنان، همنام عثمان بن مظعون! خداوند، تیرانداز به او، خولی بن یزید اَصبَحی ایادی دارمی را لعنت کند! سلام بر محمّد، فرزند امیر مؤمنان، کشته شده به دست ایادی دارمی_ که خداوند، لعنتش کند و عذاب دردناک را بر او دوچندان سازد_! خداوند، بر تو_ ای محمّد_ و بر خاندان شکّیبا، درود فرستد! سلام بر ابو بکر فرزند حسن بن علی زکی و ولی! آن تیر خورده با تیر کُشنده! خداوند، قاتلش عبد الله بن عُقبه غَنَوی را لعنت کند! سلام بر عبد الله، فرزند حسن بن علی زکی! خداوند، قاتل و تیرانداز به او، حرمله بن کاهل اسدی را لعنت کند! سلام بر قاسم، فرزند حسن بن علی، ضربت خورده بر سرش، و زره کُنده شده به هنگامی که عمویش حسین را صدا زد! پس عمویش، خود را مانند بازی شکاری بر بالای سرش رساند و او پا به خاک می سایید و حسین علیه السلام می فرمود: «از رحمت خدا دور باشند قاتلان تو؛ کسانی که روز قیامت، خصمشان جدّ تو و پدر توست!». و سپس فرمود: «به خدا سوگند، بر عمویت گران است که او را بخوانی و پاسخت ندهد یا پاسخت را بدهد، ولی تو کشته بر خاک افتاده باشی و سودت ندهد. به خدا سوگند، امروز، روزی است که

کُشندگان او (عمویت)، فراوان و یاورش اندک اند!». خداوند، مرا در روز قیامت، با شما دو نفر (قاسم و امام حسین علیه السلام)، قرار دهد و در جایگاه شما، جای دهد. خداوند، قاتلت عمر بن سعد بن عروه بن نُفیل اَزْدی را لعنت کند و او را به دوزخ برساند و عذابی دردناک، برایش آماده سازد! سلام بر عون بن عبد الله بن جعفر طیار (گردش کننده) در بهشت، همدوش ایمان، جنگنده با همگنان، خیرخواه به خاطر [خدای] رحمان، تلاوت کننده مثنوی و قرآن! خداوند، قاتلش عبد الله بن قُطبه نَبْهانی را لعنت کند! سلام بر محمد بن عبد الله بن جعفر، حاضر شده [در کربلا] به جای پدر و [به میدان آمده] در پی برادرش و حفظ کننده او با پیکرش! خداوند، قاتلش عامر بن نَهْشَل تمیمی را لعنت کند! سلام بر جعفر بن عقیل! خداوند، قاتل و تیرانداز به او، پُشَر بن حَوط هَمْدانی را لعنت کند! سلام بر عبد الرحمان بن عقیل! خداوند، قاتل و تیرانداز به او، عمر بن خالد بن اسد جُهَنی را لعنت کند! سلام بر کُشته شده، پسر کُشته شده، عبد الله بن مسلم بن عقیل! خداوند، قاتلش عامر بن صعصعه (و گفته شده: اسد بن مالک) را لعنت کند! سلام بر عبید الله (4) بن مسلم بن عقیل! خداوند، قاتل و تیرانداز به او، عمرو بن صَبیح صَیداوی را لعنت کند! سلام بر محمد بن ابی سعید بن عقیل! خداوند، قاتلش لَقِیْط بن نَاشِر جُهَنی را لعنت کند! سلام بر سلیمان، غلام حسین پسر امیر مؤمنان! خداوند، قاتلش سلیمان بن عوف حَضْرَمی را لعنت کند! سلام بر قارب، غلام حسین بن علی! سلام بر مُنَجِّح، غلام حسین بن علی! سلام بر مسلم بن عَوْسَجَه اسدی! آن که چون حسین علیه السلام به او اجازه بازگشت داد، گفت: آیا ما، تو را رها کنیم؟ آن گاه در پیشگاه خدا، چه عذری در ادای حق تو خواهیم داشت؟! نه. به خدا سوگند، تا آن که این نیزه ام را در سینه های آنان بشکنم و تا قبضه این شمشیر در دستم است، آنان را با شمشیر می زنم، و از تو جدا نمی شوم، و اگر سلاح نداشتم تا با آنان بجنگم، به آنان سنگ پرتاب می کنم و از تو جدا نمی شوم تا با تو بمیرم. تو، نخستین کسی بودی که جان خود را تقدیم کرد و نخستین شهیدی بودی که به دیدار خدا رسید و پیمان عمرش به پایان رسید. سوگند به خدای کعبه، رستگار شدی! خداوند، قرار گرفتن تو پیش روی امامت و از خود گذشتگی ات را برای او سپاس نهاد، آن گاه که حسین علیه السلام به سوی تو_ که بر زمین افتاده بودی_ آمد و فرمود: «خدایت رحمت کند، ای مسلم بن عوسجه!» و تلاوت کرد: «برخی از آنان، پیمان عمرشان را به سر رساندند و برخی، به انتظار [شهادت] نشستند، [پیمان خود را] هرگز تغییر ندادند». خداوند، همدستان در قتل تو: عبد الله صَبابی و عبد الله بن خُشکاره بَجَلی را لعنت کند! سلام بر سعد بن عبد الله حَنْفِی (5) که حسین علیه السلام به او اجازه بازگشت داد؛ اما او گفت: نه! به خدا سوگند، ما تو را رها نمی کنیم تا خداوند بداند که ما در غیاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حرمت او را پاس داشته و تو را حفظ کرده ایم. به خدا سوگند، اگر می دانستم که کشته می شوم و زنده می شوم و آن گاه، سوزانده می شوم و خاکسترم را به باد می دهند و این را هفتاد مرتبه با من می کنند، باز از تو جدا نمی شدم تا مرگم را پیش روی تو ببینم. پس چگونه این کار را نکنم، در حالی که فقط یک مرگ است و یک کشته شدن و پس از آن، کرامت جاوید بی پایان؟! بی تردید، تو مرگت را دیدی و برای امامت از خود گذشتگی کردی و کرامت خدا را در سرای ماندن، دیدی. خداوند، ما را با شما، جزو شهیدان، محشور کند و همراهی با شما را در بالاترین درجه قرب به خدا، روزی مان سازد! سلام بر پُشَر بن عمر حَضْرَمی (6)! خداوند، گفته ات به حسین علیه السلام را سپاس گزارد که چون به تو اجازه بازگشت داد، گفتی: درندگان، مرا زنده زنده بخورند، اگر از تو جدا شوم و از قافله ها حال تو را بپرسم و تو را با کمی یاورانت، وا گذارم! این، هرگز نمی شود. سلام بر یزید بن حُصَین (7) هَمْدانی مِشْرِقی قاری؛ کشته و برخاک افتاده به شمشیر مَشْرِقی! سلام بر عمر بن ابی کعب انصاری! (8) سلام بر نَعیم بن عَجَلان انصاری! سلام بر زُهَیر بن قَین بَجَلی که چون حسین علیه السلام، به او اجازه بازگشت داد، گفت: نه! به خدا سوگند، این هرگز نمی شود! فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در دست دشمنان اسیر، و اگذارم و خود را نجات دهم؟! خداوند، هیچ گاه این روز را برایم پیش نیاورد! سلام بر عمرو بن قَرظَه انصاری! (9) سلام بر حبیب بن مُظَاهِر اسدی! سلام بر حرّ بن یزید ریاحی! سلام بر عبد الله بن عُمَیر کلبی! (10) سلام بر نافع بن هلال بن نافع بَجَلی مرادی! سلام بر انس بن کاهل اسدی! سلام بر قیس بن مُسَهَر صَیداوی! سلام بر عبد الله و عبد الرحمان، دو پسر عروه بن حَرّاقِ غِفاری! سلام بر جون بن حَرّی (11)، غلام ابو ذر غِفاری! سلام بر شیبب بن عبد الله نَهْشَلی! سلام بر حَجّاج بن یزید سعدی! (12) سلام بر قاسط و کرش،

(13) دو پسر ظهیر (14) تغلیبی! سلام بر کِنَانَة بن عتیق! سلام بر ضِرغامَة بن مالک! سلام بر حُوَیّ بن مالک ضُبَعی! (15) سلام بر عمر بن ضُبَیعه ضُبَعی! (16) سلام بر زید بن ثُبَیت قِیسی! سلام بر عبد الله و عبید الله، دو پسر یزید بن ثُبَیت قِیسی! (17) سلام بر عامر بن مسلم! سلام بر قَعَنَب بن عمرو تَمَری! (18) سلام بر سالم، غلام عامر بن مسلم! سلام بر سیف بن مالک! سلام بر زُهَیر بن بِشَر خَثَعَمی! سلام بر زید بن مَعْقِل جُعفی! (19) سلام بر حَجّاج بن مسروق جُعفی! (20) سلام بر مسعود بن حَجّاج و پسرش! سلام بر مُجَمَّع بن عبد الله عانذی! سلام بر عَمّار بن حَسّان (21) بن شُرَیح طایبی! سلام بر حیّان بن حارث سلمانی اَزْدی! سلام بر جُنْدَب بن حُجر خَوْلانی! سلام بر عمر بن خالد صَدَیدای! سلام بر سعید، غلام او! سلام بر یزید بن زیاد بن مهاجر کِنْدی! (22) سلام بر زاهر، غلام عمرو بن حَمِق خُزاعی! (23) سلام بر جَبَلَة بن علی شیبانی! سلام بر سالم، غلام ابن مَدَنیّه کلبی! (24) سلام بر اَسَلَم بن کثیر اَزْدی اَعْرَج! سلام بر زُهَیر بن سَلِیم اَزْدی! (25) سلام بر قاسم بن حبیب اَزْدی! سلام بر عُمَر بن جُنْدَب حَضَرَمی! (26) سلام بر ابو ثَمَامه، عمر بن عبد الله صائدی! سلام بر حَنْظَلَة بن اسعد شِیامی! سلام بر عبد الرحمان بن عبد الله بن کَدِر اَرَحَبی! (27) سلام بر عَمّار بن ابی سلامه هَمْدانی! سلام بر عابِس بن شَبِیب شاکری! سلام بر شَوذَب، غلام شاکر! 28 سلام بر شَبِیب بن حارث بن سریع! سلام بر مالک بن عبد بن سریع! سلام بر زخمی اسیر، سوّار بن ابی حَمِیر فَهَمی هَمْدانی! 29 سلام بر زخمی همراه او، عمرو بن عبد الله جُنْدَعی! سلام بر شما، ای بهترین یاوران! سلام بر شما، به خاطر صبرتان، که چه عاقبت نیکویی دارید! خداوند، شما را در جایگاه نیکان، جای دهد! گواهی می دهد که خداوند، پرده از چشمان شما بر گرفت و برایتان، جایگاهی [آسوده در بهشت] آماده ساخت و به شما عطای فراوان داد. شما هم در همراهی حق، درنگ نکردید و پیشروان ما [به سوی بهشت] شدید و ما [این شاء الله] همنشینان شما در سرای جاویدان هستیم. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! 30

-
- 1- .عَلّامه مجلسی، پس از آوردن این زیارت، گفته است: بدان که [شیخ] مفید و سیّد [ابن طاووس]، این زیارت را در کتاب هایشان با حذف سند برای «روز عاشورا» آورده اند و مؤلّف المزار الکبیر، چنین گفته: «زیارت شهیدان در روز عاشورا: ابو الفتح محمّد بن محمّد جعفری - اَدَام اللّهُ عَزّه - برای من روایت کرد از... و نیز شیخ محمّد بن احمد بن عیّاش، به من خبر داد از... و عینا همین زیارت را نقل کرد؛ اما ما آن را در زیارت های مطلقه آوردیم؛ زیرا روایت، دلالتی بر اختصاص داشتن آن به زمان خاصی ندارد».
 - 2- .عَلّامه مجلسی فرموده: «بدان که در تاریخ روایت [و توقیع]، اشکالی وجود دارد؛ زیرا چهار سال زودتر از تولّد امام مهدی علیه السلام است. از این رو، شاید تاریخ آن 262 باشد [و نه 252 ق]. نیز ممکن است که از سوی امام حسن عسکری علیه السلام صادر شده باشد؛ لیکن باید توجه داشت که تاریخ یاد شده (252 ق) هم زمان با دوران امامت امام هادی علیه السلام (212_ 254 ق) است: بنابراین، سخن عَلّامه در مورد امکان نسبت دادن آن به امام حسن عسکری علیه السلام صحیح به نظر نمی رسد.
 - 3- .در المزار الکبیر، مصباح الزائر و بحار الأنوار، این افزوده هم دیده می شود: «واذ قاتلان تو، به خدا بیزاری می جویم و همراهی تو را در سرای جاوید، از خدا خواستارم».
 - 4- .در برخی نقل ها «ابو عبد الله» و «ابو عبید الله» آمده است.
 - 5- .در المزار الکبیر آمده «سعید بن عبد الله حنفی».
 - 6- .در المزار الکبیر آمده «بشیر بن عمر حضرمی».
 - 7- .در المزار الکبیر آمده: «زید بن حصین» و در مصباح الزائر آمده: «بریر بن خضیر».
 - 8- .در برخی نقل ها آمده: «عمران بن کعب انصاری» و «عمر بن کعب انصاری».
 - 9- .در مصباح الزائر، آمده: «عمر بن قَرظَه انصاری».

- 10- در مصباح الزائر ، آمده : «عبد الله بن عمر كلبی»
- 11- در برخی نقل ها «بن حری» نیامده است.
- 12- در المزار الكبير و در مصباح الزائر و بحار الأنوار ، آمده : «حجاج بن زيد سعدي» .
- 13- در المزار الكبير ، آمده: «و كردوس» و در مصباح الزائر ، آمده : «و كرسى» .
- 14- در بحار الأنوار ، آمده :«دوپسر زهير» .
- 15- در المزار الكبير و بحار الأنوار ، آمده : «جوين بن مالك ضبعی» .
- 16- در المزار الكبير آمده: «عمرو بن ضبيعه» .
- 17- در المزار الكبير سلام بر این دو نیامده است.
- 18- در المزار الكبير «سلام بر تقعب بن عمرو تمرى و سلام بر سالم ، غلام عامر بن مسلم» نیامده است و در برخی نقل ها «نمرى» به جای «تمرى» آمده است.
- 19- در المزار الكبير و بحار الأنوار ، آمده : «بدر بن معقل جعفى» .
- 20- نام وی در نقل المزار الكبير نیامده.
- 21- در المزار الكبير ، آمده : «عمّار بن حیان» .
- 22- در المزار الكبير ، مصباح الزائر و بحار الأنوار ، آمده : «يزيد بن زياد بن مظاهر كندى» .
- 23- نام وی در نقل بحار الأنوار نیامده.
- 24- در المزار الكبير و بحار الأنوار ، آمده : «عمر بن احدث حضرى» و در مصباح الزائر ، آمده : «عمرو بن احدث حضرى» .
- 25- در مصباح الزائر و بحار الأنوار ، آمده : «عبد الرحمان بن عبد الله بن كدن أرخبى» .
- 26- در مصباح الزائر ، آمده : «سوّار بن ابى حميد فهمى همدانى» .
- 27- قابل توجه است كه مصدر بحار الأنوار در جلد 45 و 101 همان نقل الإقبال است ؛ ولى این دو متن با هم تفاوت هاى پيدا کرده اند. ضمنا ما تنها برخی از اختلاف هاى مصادر را در پانوشته ها آورده ایم .

سخنی درباره میزان اعتبار دو زیارت منسوب به ناحیه مقدسه

اشاره

دو زیارتی که متن آنها در آغاز این فصل گزارش شد، به ناحیه مقدسه (1) نسبت داده شده اند و از آن جا که در آنها (بویژه در زیارت نخست) به مصائب سید الشهداء و یاران آن بزرگوار، اشاره شده، مورد استناد و استفاده اهل منبر و ذاکران مصائب اهل بیت علیهم السلام قرار دارند. از این رو، آگاهی از میزان اعتبار آنها، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ ولی پیش از پرداختن به این موضوع، توجه به چند نکته لازم به نظر می رسد: 1. هر چند هر دو زیارت، منسوب به ناحیه مقدسه اند، لیکن زیارتی که به «زیارت ناحیه مقدسه» شهرت دارد، همان زیارت نخست این فصل است. این زیارت، در کتاب موسوم به المزار الکبیر (نگاشته ابن مهدی) (2) آمده است. (3) 2. علامه مجلسی، در بحار الأنوار، زیارت نخست را از کتاب المزار شیخ مفید نیز

-
- 1- ناحیه مقدسه، اصطلاحی است که امامیه، از نیمه اول قرن سوم هجری و به خاطر شرایط سخت سیاسی-اجتماعی، در نقل مطلب از امامان: هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام و مهدی علیه السلام یا گفتگو درباره ایشان، آن را به جای نام امام، به کار می برده اند و عمدتاً در عصر غیبت صغرا و برای امام زمان علیه السلام به کار می رفته است.
 - 2- وی، محمدبن جعفر مهدی حائری (م ح 574 ق) است.
 - 3- المزار الکبیر: ص 496_ 513.

گزارش کرده است؛ (1) لیکن در نسخه های موجود از کتاب المزار مفید، این متن، وجود ندارد. 3. بخشی از این زیارت، در زیارت نامه منسوب به سیّد مرتضیٰ _ که ما آن را در فصل چهاردهم آورده ایم _، بدون انتساب به ناحیه مقدّسه آمده است. علامه مجلسی در این باره می گوید: ای بسا اختلاف میان این زیارت و زیارت منسوب به سیّد مرتضیٰ، به خاطر اختلاف روایت باشد و ظاهر، این است که سیّد، این زیارت را گرفته و از خودش، بر آن، افزوده است. (2)

میزان اعتبار زیارت نخست (مشهور به «زیارت ناحیه مقدّسه»)

همان طور که در متن منقول از کتاب المزار الکبیر ملاحظه شد، این زیارت، سند متّصل به ناحیه مقدّسه ندارد و روایت آن، اصطلاحاً «مُرسَل» است و قابل ارزیابی سندی نیست؛ ولی مؤلف کتاب المزار الکبیر، در مقدمه این کتاب، آورده است: اما بعد: من در این کتابم، زیارت های گوناگونی را برای مشاهده مشرّف، و نیز آنچه را در آداب مسجدهای فرخنده وارد شده است، و دعاهایی را که پس از نمازها خوانده می شوند، و مناجات های لذت بخشی را که در خلوتگاه ها با خداوند اَزلی می شود، و آن دسته دعاهایی را که در امور مهم، با آنها به خداوند پناه برده می شود، گرد آورده ام؛ دعاهایی که راویان مورد اعتماد، با سند، از بزرگان [امت]، نقل کرده اند. (3)

برخی گفته اند که این عبارت، در توثیق عمومی همه کسانی که در اسناد روایات

1- بحار الأنوار: ج 101 ص 317.

2- بحار الأنوار: ج 101 ص 328.

3- المزار الکبیر: ص 27.

کتاب یاد شده قرار دارند، صراحت دارد و از جمله کسانی که بر این مطلب اصرار دارند، محدث نوری است؛ ⁽¹⁾ لیکن در این باره، توجه به چند نکته ضروری است: 1. ممکن است مقصود ابن مشهدی از عبارت مذکور، توثیق مشایخ بلا واسطه روایی خویش باشد. بنا بر این، او می خواهد بگوید کسانی که این روایات را برای وی نقل کرده اند یا در کتب خود نوشته اند، مورد وثوق هستند، نه این که همه کسانی که در سلسله اسناد روایات کتاب وی (المزار الکبیر) آمده اند، مورد وثوق او باشند. 2. وقتی برخی از روایان کتاب هایی مانند الکافی (با آن همه دقت مؤلف آن)، ثقه نیستند، بعید به نظر می رسد مؤلفی ادعا کند که همه روایان کتاب او، مورد وثوق او هستند. 3. بر فرض که از عبارت یاد شده، استنباط شود که ابن مشهدی، همه روایان کتاب المزار الکبیر را توثیق کرده است، با عنایت به این که وی از متأخران محسوب می شود، قطعاً توثیق او هم بر پایه حدس و نظر بوده و از اعتبار لازم، برخوردار نیست. بر این اساس، هر چند مورد وثوق بودن مشایخ ابن مشهدی، موجب اعتبار نسبی روایات کتاب اوست، لیکن این اعتبار، به گونه ای نیست که بتوان با اطمینان، زیارت نامه یاد شده را به طور مستقیم، به امام زمان علیه السلام نسبت داد و لذا به کسانی که «زیارت ناحیه مقدسه» را بازگو می نمایند، توصیه می شود که آن را مستقیماً به امام زمان علیه السلام نسبت ندهند؛ بلکه آن را به نقل از کتاب المزار الکبیر، از ناحیه مقدسه، گزارش نمایند.

1- ر.ک: خاتمه مستدرک الوسائل: ج 1 ص 359 و ج 2 ص 451.

گفتنی است درباره کتاب ابن مهدی، نکات دیگری نیز هست که در این مختصر، فرصت پرداختن به آنها نیست.

میزان اعتبار زیارت دوم (مشهور به «زیارت شهدا»)

این زیارت نامه نیز منسوب به ناحیه مقدسه است؛ لیکن به «زیارت شهدا» مشهور است. در این باره نیز چند نکته قابل توجه است: 1. این زیارت، در کتاب های: الإقبال، (1) المزار الكبير (2) و مصباح الزائر (3) آمده است؛ لیکن در مصادر کهن، مانند: کامل الزیارات و مصباح المتهدج، گزارش نشده است. 2. با عنایت به این که شیخ طوسی در سلسله سند این روایت (زیارت) است، جای این پرسش وجود دارد که: چرا ایشان، این زیارت را در مصباح المتهدج نیاورده است؟ 3. بر فرض آن که سند این روایت را تا شیخ طوسی معتبر بدانیم، به نظر می رسد که پس از شیخ طوسی، سند، دچار گسستگی و ساقط است؛ زیرا در فاصله طولانی دوران حیات شیخ طوسی (385_460 ق) تا زمان صدور روایت (سال 252 ق)، تنها دو واسطه، آن را گزارش کرده اند که عادتاً ممکن نیست. 4. زمان صدور زیارت نامه یاد شده، سال 252 ق، یعنی دوران امامت امام هادی علیه السلام و قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام گزارش شده است. بنا بر این، مقصود از «ناحیه مقدسه» در این روایت، نه امام مهدی علیه السلام، بلکه امام هادی علیه السلام (214_254 ق) است.

1- ر. ک: الإقبال: ج 3 ص 73.

2- ر. ک: المزار الكبير: ص 485.

3- ر. ک: مصباح الزائر: ص 278.

با توجه به نکات یاد شده ، این زیارت نامه نیز سند معتبر ندارد . البته باید توجه داشت که معتبر نبودن سند ، به معنای مجعول بودن روایت نیست ؛ بلکه بدین معناست که نمی توان آن را به طور مستقیم و صریح ، به اهل بیت علیهم السلام نسبت داد و در این گونه موارد ، شایسته است که متن مورد نظر ، با استناد به منبعی که آن را گزارش کرده ، مورد بهره برداری قرار گیرد .

الفصل الرابع عشر: زيارَةُ زَارِ بِهَا عَلَمُ الْهُدَى مصباح الزائر: زيارَةُ ثَانِيَةٌ بِالْفَاظِ شَافِيَّةٌ، يُذَكَّرُ فِيهَا (1) بَعْضُ مَصَائِبِ يَوْمِ الطَّفِّ، يُزَارُ بِهَا الْحَسَنُ بْنُ صَدِّ لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، زَارَ بِهَا الْمُرْتَضَى عَلَمُ الْهُدَى رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَسَادَّكُرُّهَا عَلَى الْوَصْفِ الَّذِي أَشَارَ هُوَ إِلَيْهِ. قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ مِنْ بَيْتِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ اسْتَعَنْتُ، وَوَجَّهَكَ طَلَبْتُ، وَلِزِيَارَةِ ابْنِ نَبِيِّكَ أَرَدْتُ، وَلِرِضْوَانِكَ تَعَرَّضْتُ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي سَفَرِي وَحَضْرِي، وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي، وَأَعُوذُ بِعِظَمَتِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِمَا حَفِظْتَ بِهِ كِتَابَكَ الْمُنَزَّلَ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ، يَا مَنْ قَالَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (2). وَإِذَا بَلَغْتَ الْمَنْزِلَ تَقُولُ: «رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (3)، «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَنًا نَصِيرًا» (4)، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ وَخَيْرِ أَهْلِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا، اللَّهُمَّ حَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ سَعَةِ رِزْقِكَ، وَوَقِّفْنِي لِلْقِيَامِ بِأَدَاءِ حَقِّكَ، بِرَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَنِّكَ وَإِحْسَانِكَ يَا كَرِيمٌ. فَإِذَا رَأَيْتَ الْقَبَّةَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ءَإِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ» (5)، «وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (6)، «وَسَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُحْيَىٰ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ * إِنَّكَ كَانَتْ لَكُمُ الْوَجْهُاءُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (7)، وَالسَّلَامُ عَلَى الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَوْصِيَاءِ الصَّادِقِينَ، الْقَائِمِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ وَحُجَّجِهِ، الدَّاعِينَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُجَاهِدِينَ فِي اللَّهِ حَتَّىٰ جِهَادِهِ، النَّاصِحِينَ لِجَمِيعِ عِبَادِهِ، الْمُسْتَخْلَفِينَ فِي بِلَادِهِ، الْمُرْشِدِينَ إِلَى هِدَايَتِهِ وَرِشَادِهِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. فَإِذَا قَرَّبْتَ مِنَ الْمَشْهَدِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ قَصَدَ الْقَاصِدُونَ، وَفِي فَضْلِكَ طَمَعَ الرَّاعِبُونَ، وَبِكَ اعْتَصَمَ الْمُعْتَصِمُونَ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلَ الْمُتَوَكِّلُونَ، وَقَدْ قَصَدْتُكَ وَإِذَا، وَإِلَى سَبِيَّتِكَ وَبِحَبْلِكَ وَارِدًا، وَبِرَحْمَتِكَ طَامِعًا، وَلِعِزَّتِكَ خَاضِعًا، وَلِوَلَاةِ أَمْرِكَ طَائِعًا، وَلَا مَرِهَمَ مُتَابِعًا، وَبِكَ وَبِمَنِّكَ عَائِدًا، وَبِقَبْرِ وَلِيِّكَ مُتَمَسِّكًا، وَبِحَبْلِكَ مُعْتَصِمًا، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّةِ أَوْلِيائِكَ، وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زَمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ. فَإِذَا بَلَغْتَ مَوْضِعَ الْقَتْلِ فَقُلْ: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلْمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (8)، «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (9) «قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (10) «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ * مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ * وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوْ لَمْ نَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلِ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ * وَسَكَنتُمْ فِي مَسْكِنٍ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ * وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ * فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفًا وَعْدَهُ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» (11)، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (12)، «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا بُدِيلًا» (13). عِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ مُصِيبَتَنَا فِي سَبَطِ نَبِيِّنَا وَسَيِّدِنَا وَإِمَامِنَا، أَعَزَّ عَلَيْنَا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بِمَصْرَعِكَ هَذَا فَرِيدًا وَحِيدًا قَتِيلًا غَرِيبًا عَنِ الْأُوطَانِ، بَعِيدًا عَنِ الْأَهْلِ وَالْإِحْوَانِ، مَسْلُوبَ الثِّيَابِ، مُعَفَّرًا فِي الثَّرَابِ، قَدْ نَجَرَ نَحْرُكَ، وَخُسِفَ صَدْرُكَ، وَاسْتَيْحَ حَرِيمَتُكَ، وَدُبِحَ فَطِيمَتُكَ، وَسُيِّبَ أَهْلُكَ، وَانْتَهَبَ رَحْلُكَ، تَقَلَّبَ يَمِينًا وَشِمَالًا، وَتَجَرَّعَ مِنَ الْعُصَصِ أَهْوَالًا. لَهْفِي عَلَيْكَ لَهْفَانُ (14)، وَأَنْتَ مُجَدَّلٌ عَلَى الرَّمضاءِ ضَمَانًا، لَا تَسْتَطِيعُ خِطَابًا، وَلَا تُرَدُّ جَوَابًا، قَدْ فُجِعَتْ بِكَ نِسْوَانُكَ وَوُلْدُكَ، وَاحْتَزَّتْ رَأْسُكَ مِنْ جَسَدِكَ. لَقَدْ صَرَخَ بِمَصْرَعِكَ الْإِسْلَامُ، وَتَعَطَّلَتِ الْحُدُودُ وَالْأَحْكَامُ، وَأظْلَمَتِ الْأَيَّامُ، وَانْكَسَفَتِ الشَّمْسُ، وَأظْلَمَ الْقَمَرُ، وَاحْتَسِسَ الْغَيْثُ وَالْمَطَرُ، وَاهْتَرَّتِ الْعَرْشُ وَالسَّمَاءُ، وَاقْشَعَرَّتِ الْأَرْضُ وَالْبَطْحَاءُ (15)، وَشَدَّ مَلَّ الْبَلَاءِ، وَاخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ، وَفُجِعَ بِكَ الرَّسُولُ، وَأَزْعَجَتِ الْبَتُولُ، وَطَاشَتِ الْعُقُولُ. فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ جَارَ عَلَيْكَ وَظَلَمَكَ، وَمَنْعَكَ الْمَاءَ وَاهْتَضَمَكَ، وَعَدَرَ بِكَ وَخَذَلَكَ، وَالْبَّ عَلَىكَ وَقَتْلَكَ، وَنَكَتَ بَيْعَتَكَ وَعَهْدَكَ وَوَعْدَكَ، وَأَخْلَفَ مِيثَاقَكَ، وَأَعَانَ عَلَيْكَ ضِدَّكَ، وَأَغْصَبَ بِفِعَالِهِ جَدَّكَ، وَسَلَّمَ اللَّهُ وَرِضْوَانَهُ وَبَرَكَاتَهُ وَتَحِيَّاتَهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى الْأَرْكَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَالنُّجَبَاءِ مِنْ عِتْرَتِكَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

- 1- .في المصدر : «نذكر منها» ، وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار .
- 2- .الحجر : 9 .
- 3- .المؤمنون : 29 .
- 4- .الإسراء : 80 .
- 5- .النمل : 59 .
- 6- .الصافات : 181 و 182 .
- 7- .الصافات : 130 و 131 .
- 8- .الحج : 39 .
- 9- .آل عمران : 169 _ 171 .
- 10- .الزمر : 46 .
- 11- .إبراهيم : 42 _ 47 .
- 12- .الشعراء : 227 .
- 13- .الأحزاب : 23 .
- 14- .قوله: «لَهْفَانُ»: أي يا لَهْفَانُ (بحار الأنوار: ج 101 ص 249). و اللَّهْفَانُ : المكروب (النهاية : ج 4 ص 282 «لهف»).
- 15- .الأَبْطَحُ : مسيل واسع فيه دقاق الحصى ، والبطحاء مثل الأبطح (الصحاح : ج 1 ص 356 «بطح»).

فصل چهاردهم: زیارتی که سید مرتضی با آن، امام علیه السلام را زیارت کرد

مصباح الزائر: زیارت دوم، با واژه های شفافبخش که برخی مصیبت های واقعه کربلا در آن، یاد می شود و حسین _ که درودها و سلام خدا بر او باد _، با آن، زیارت می شود. سید مرتضی عَلم الهدی رحمه الله با آن، امام حسین علیه السلام را زیارت کرده است و من، آن را همان گونه که او خوانده، می آورم. سید مرتضی می گوید: هنگامی که خواستی از خانه ات بیرون بیایی، بگو: خدایا! به سوی تو، رو آورده ام و بر تو، توکل کرده ام و از تو، یاری جسته ام و آهنگ روی تو را دارم و زیارت فرزند پیامبرت را قصد کرده ام و به رضایت، چنگ زده ام. خدایا! مرا در سفر و حَضَر، و از پیش رو و از پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین من، حفظ کن و از شرّ هر شروری به عظمت پناه می برم. خدایا! با آنچه کتاب فرو فرستاده ات بر پیامبر فرستاده ات را حفظ کردی، مرا حفظ کن، ای کسی که گفت _ و راستگوترین گویندگان است _ که: « بی تردید، ما ذکر را فرو فرستادیم، و ما، حافظ آن هستیم ». و هنگامی که به منزل رسیدی، می گویی: « خدای من! مرا در منزلی مبارک، فرود آور که تو بهترین فرود آوردگانی ». « خدایا! مرا [در این محل] با صداقت، داخل کن و با صداقت، خارج ساز و برایم از جانب خودت، حجتی یاری کننده قرار ده ». خداوند، بزرگ تر است. خداوند، بزرگ تر است. خداوند بزرگ تر است. خدایا! خیر این بقعه مبارک و خیر اهل آن را از تو می خواهم، و از شرّ آن و شرّ اهلش، به تو پناه می برم. خدایا! مرا محبوب خلقت بگردان و از روزی گسترده ات، بر من سرازیر کن و مرا بر قیام به ادای حَقّت، موفق بدار، به رحمت و رضوان و کَرَم و احسانت، ای کریم! و چون گنبد را دیدی، بگو: « ستایش، ویژه خداست، و سلام، بر بندگان برگزیده خدا! آیا خدا بهتر است یا آنچه را شریک خدا می گیرند؟ ». « و سلام بر فرستادگان! و ستایش، ویژه خدای جهانیان است ». « و سلام بر ایاسین (آل یاسین)! ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم ». و سلام بر پاکیزگان پاک، و صیّان راستین، قیام کنندگان به فرمان خدا و حجت های او، فراخوانان به راه خدا، مجاهدان در راه خدا، آن گونه که باید، خیرخواهان همه بندگان، جانشینان در سرزمین هایش، و راهبران به راه هدایت و درست، که او ستوده و بزرگ است! و هنگامی که به مرقد نزدیک شدی، بگو: خدایا! قصد کنندگان، آهنگ تو کرده اند، و راغبان، به فضل تو طمع نموده اند، و پناهجویان، به تو چنگ زده اند، و توکل کنندگان، به تو توکل کرده اند، و من، به آهنگ [زیارت] تو به این جا آمده ام و بر نواده پیامبرت، وارد شده ام و به رحمت، طمع ورزیده ام و در برابر عزّت، خاضع و سرپرستان کارت را مطیع و فرمانشان را دنباله روم، و به تو و فضلت، پناه آورنده و به قبر ولیّت، چنگ زنده، و به ریسمانت، در آویزنده ام. خدایا! مرا بر محبت دوستانت، ثابت بدار و ردّ پایم را از زیارتشان، مگسل و مرا در زمره ایشان، محشور بگردان و به شفاعتشان، مرا به بهشت، در آور. و هنگامی که به قتلگاه رسیدی، بگو: « به آنان که جنگ برایشان تحمیل می شود، اجازه جهاد داده شد؛ زیرا به آنها ستم شده است؛ و خدا بر یاری آنها، کاملاً تواناست ». « و کشته شدگان در راه خدا را مُرده مپندار؛ بلکه آنان، زنده اند و نزد خدایشان، روزی می خورند. به آنچه خداوند، از فضلش به ایشان داده، شادمان اند و به کسانی که در پی آنان، هنوز به ایشان نپیوسته اند، بشارت می دهند، که ترسی ندارند و اندوهگین نمی شوند. به نعمت و فضل خدا، بشارت می دهند و این که خداوند، پاداش مؤمنان را تباه نمی کند ». « بگو: خدایا! آفریدگار آسمان ها و زمین، دانای غیب و حضور! تو میان بندگان در آنچه اختلاف می کردند، حکم می رانی ». « و هرگز، خدا را از آنچه ستمکاران می کنند، غافل مشمار! او به آنها مهلت می دهد برای روزی که چشم ها در آن، خیره می شوند. با گردن های کشیده، سر به بالا نموده، بی آن که پلک بزنند، دل هایشان [از وحشت] خالی شده است. و مردم را بیم ده از روزی که عذاب، به آنها می رسد و ستمکاران می گویند: خدایا! [عذاب] ما را اندکی به تأخیر بینداز تا دعوت را پاسخ گوئیم و از فرستادگانت، پیروی کنیم. [گفته می شود:] آیا شما نبودید که پیش تر سوگند می خوردید که ما را فنائی نیست؟ و در خانه های ستمکاران بر خود، جای گرفتید و برایتان روشن شد که با آنان، چه کردیم و مثال ها برایتان زدیم [؛ اما سودی نبخشید]. و بی تردید، آنها حيله های خود را به کار بستند و

مکرشان، نزد خدا هست و مکرشان، کوه ها را از جا می‌کنند [؛ اما خداوند، مانع شد]. پس هیچ‌گاه خدا را تخلف کننده از وعده اش به فرستادگانش مپندار که خداوند، همیشه پیروز و انتقام گیرنده است. « و به زودی، ظالمان می‌دانند که به کجا باز می‌گردند ». « از میان مؤمنان، مردانی اند که بر پیمان خود با خدا، راست ماندند. پس برخی از آنها، پیمان خویش را به پایان آوردند [و شهید شدند] و برخی از آنان، انتظار می‌کشند، بی آن که تغییری در [پیمان] خود بدهند ». ما مصیبت خود را به پای خدا می‌گذاریم؛ مصیبت درگذشت نواده پیامبرمان، سرورمان و پیشوایمان را. چه قدر بر ما گران است _ ای ابا عبد الله _ که در این جا، تنها و بی کس، غریبانه و دور از وطن، کشته شده و فتاده باشی، دور از خاندان و برادران، برهنه، بر خاک غلتیده و با گلوی بُریده، و با سینه ای چاک چاک و حریمی مباح گشته! شیرخواره ات را ذبح کردند، و خانواده ات را به اسیری بردند، و کاروانت را غارت کردند. به راست و چپ می‌رفتی و جرعه های هراس را می نوشیدی. دریغ و صد دریغ بر تو که تشنه، بر زمین سوزان [کربلا] افتادی، بی آن که بتوانی سخنی بگویی و یا پاسخی بدهی و زنان و فرزندان، به درد از دست دادنت، گرفتار شدند و سرت از پیکرت، جدا گشت. با به خاک افتادن تو، اسلام، به خاک افتاد و حدود و احکام [الهی]، تعطیل گشت و روزگار سیاهی، فرارسید و خورشید، گرفت و ماه، تیره شد و ابر و باران، محبوس گشتند و عرش و آسمان، به لرزه در آمد و زمین و صحرا، بر خود لرزیدند و بلا، فراگیر شد و هوس ها، گونه گون شد و پیامبر، به فقدان، دردمند شد و [زهرای] بتول، ناآرام گشت و خردها، سرگردان شدند. لعنت خدا بر کسی که بر تو ظلم و بیداد کرد و آب را از تو، باز داشت و تو را خُرد نمود و به تو، خیانت کرد و تو را و نهاد و بر تو شورا نهد و تو را کُشت و عهد و پیمان با تو را شکست و وعده اش را زیر پا نهاد و به میثاقش عمل نکرد و دشمن تو را یاری داد و با کردارش، جدّت را به خشم آورد! سلام و رضوان و برکات و دروهای خدا، بر تو و بر پاکان از نسلت، و نجیبان از خاندانت باد که همانا او ستوده و بزرگ است!

ثُمَّ تَدخُلُ القُبَّةَ الشَّرِيفَةَ وَتَقِفُ عَلَى القَبْرِ الشَّرِيفِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ فِي خَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شِيثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إدْرِيسِ القَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحِ المُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هُودِ المُؤَيَّدِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الَّذِي وَجَّهَهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخَلْقَتِهِ (1)، السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ التُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُوْسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الجُبِّ بِعَظَمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلقَ اللَّهُ لَهُ البَحْرَ بِقُدْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى دَاوُودَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ بَعْدِ خَطِيئَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الجِنُّ بِعِزَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضمونَ عِدَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ عَلَى مِحْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى العَزِيزِ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَلَهُ (2) اللَّهُ بِشَدِّ هَادِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى الَّذِي هُوَ رُوحُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِدِّقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أميرِ المُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ المَخْصُوصِ بِكَرَامَتِهِ وَبِأُخُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشَّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الأنبياءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةَ المُنتَهَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ المَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمَرَمَ وَالصَّفَا، السَّلَامُ عَلَى المُرْمَلِ بِالدَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى المَهْتُوكِ الخَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ الكِسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الأَرْكَبَاءُ. السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْزِلِ البَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَى الأَئِمَّةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الجُيُوبِ المُضَرَّجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّفَاهِ الدَّابِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ المُصْطَلَمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الأَرْوَاحِ المُخْتَلَسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الأَجْسَادِ العَارِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الجُسُومِ الشَّاخِبَاتِ (3)، السَّلَامُ عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الأَعْضَاءِ المُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ المُشَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النُّسُوءِ البَارِزَاتِ. السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ العَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ المُسْتَشْهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى المَلَائِكَةِ المُضَاجِعِينَ. السَّلَامُ عَلَى القَتِيلِ المَظْلُومِ، السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ المَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الرِّضِيِّ الصَّغِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى العِترَةِ الغَرِيبَةِ، السَّلَامُ عَلَى المَجْدَلِينَ فِي الفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى المَدْفُونِينَ بِلا أَكْفَانِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ المُفَرَّقَةِ عَنِ الأَبْدَانِ، السَّلَامُ عَلَى المُحْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى المَظْلُومِ بِلا ناصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الرَّائِكَةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ القُبَّةِ السَّامِيَّةِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَشَّرَ (4) بِهِ جَبْرَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي المَهْدِ ميكَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِّثَ ذِمَّتَهُ وَذِمَّةَ حَرَمِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ انْتَهَكَتْ حُرْمَةُ الإِسْلَامِ فِي إِراقَةِ دَمِهِ، السَّلَامُ عَلَى المُغَسَّلِ بِدَمِ الجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى المُجَرَّعِ بِكَاسَاتِ مَرَارَاتِ الرِّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى المُسْتَضَامِ المُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى المَهْجُورِ فِي الوَرَى، السَّلَامُ عَلَى المُتَفَرِّدِ بِالعَرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ تَوَلَّى دَفَنَهُ أَهْلُ القُرَى، السَّلَامُ عَلَى المَقْطُوعِ الوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى المُحَامِي بِلا مُعِينِ، السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الخَدِّ الثَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى البَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ المَقْرُوعِ بِالقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الوُدْجِ المَقْطُوعِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ المَرْفُوعِ، السَّلَامُ عَلَى الشَّلْوِ (5) المَوْضُوعِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى عِنْدِ الرَّأْسِ، وَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرَةِ رَبِّ العَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ العَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَكَتْ فِي مُصَابِهِ السَّمَاوَاتُ العُلَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَكَتْ لِقَدْحِهِ الأَرْضُونَ السُّفلى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَدْرِيعَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ العَبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِيبَ الكَبِدِ الحَرَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ يَعْسُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ المُتَّقِينَ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الْمُهْتَدِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْكُبْرَى ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْمَقْطُومِ مِنَ الرَّزْلِ ، الْمُبْرَأِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ الرَّسُولِ وَفِرَّةِ عَيْنِ الْبَتُولِ ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ يُنَاغِيهِ جَبْرَيْلُ ، وَيُلَاعِبُهُ مِيكَائِيلُ ، السَّلَامُ عَلَى التَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ ، السَّلَامُ عَلَى كِفَّتِي الْمِيزَانِ الْمَذْكُورِ فِي سُورَةِ الرَّحْمَنِ ، الْمُعَبَّرِ عَنْهُمَا بِاللُّوْلُوِّ وَالْمَرْجَانِ ، السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْمُهَيَّمِينَ الْمَنَانِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . السَّلَامُ عَلَى الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ ، السَّلَامُ عَلَى الْمَمْنُوعِ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ السَّادَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى قَائِدِ الْقَادَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ وَأَبَا حُجَجِهِ ، أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللَّهُ بِكَ التُّرَابَ ، وَأَوْصَحَ بِكَ الْكِتَابَ ، وَأَعْظَمَ بِكَ الْمُصَابَ ، وَجَعَلَكَ وَجَدَكَ وَأَبَاكَ وَأُمَّكَ وَأَخَاكَ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَبَابِ . [يَابْنَ الْمِيَامِينَ الْأَطْيَابِ ، التَّالِينَ الْكِتَابِ ، وَجَهْتُ سَلَامِي إِلَيْكَ ، وَعَوَّلْتُ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي بَعْدَ اللَّهِ عَلَيْكَ ، مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ ، وَلَجَأَ إِلَيْكَ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ ، وَجَعَلَ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ] (6) . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرَةِ الْأَخْيَارِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عُنْصُرِ الْأَبْرَارِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالتَّارِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ بَقِيَّةِ النَّبِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ ، وَأَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوكَ وَالَّذِينَ خَذَلُوكَ ، وَأَنَّ الَّذِينَ جَدَّوْا حَقَّكَ وَمَنَعُواكَ إِرْثَكَ ، مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ، عَذَابًا لَا يَعْذُبُهُ أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ . ثُمَّ انكَبَّ عَلَى الصَّرِيحِ وَقَبَّلَ التُّرْبَةَ وَقُلَّ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ مَظْلُومٍ انْتَهَكَ دَمَهُ وَضَعَتْ فِيهِ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ ؛ فَالْعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ آسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ، أَشْهَدُ أَنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمْتَ ، وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتَ ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتَ ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتَ ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّي وَرَبِّكَ ، فِي خَلَاصِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى جَانِبِ الْقَبْرِ وَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ ، وَتَرَفَعَ يَدَيْكَ وَتَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِيَّاكَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَى مَا نَهَيْتَ قَلَّةَ حَيَاءٍ ، وَتَرْكِي الْإِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ ، اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤْيِسُنِي أَنْ أَرْجُوكَ ، وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يُؤْمِنُنِي أَنْ أَخْشَاكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَقِّقْ رَجَائِي لَكَ ، وَكَذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ ، وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، وَابْتَدِئْ بِالْعِصْمَةِ ، وَأَنْطِقْ لِلسَّانِي بِالْحِكْمَةِ ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدُمُ عَلَى مَا صَنَعَهُ فِي أَمْسِهِ . اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنْيَ مِنْ اسْتِغْنَى عَن خَلْقِكَ بِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي يَا رَبِّ عَن خَلْقِكَ ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَسْطُرُ كَفَّهُ إِلَّا إِلَيْكَ ، اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَطَعَ (7) وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ وَخَلْفَهُ الرَّحْمَةُ ، وَإِنْ كُنْتُ صَدِّعَ الْعَمَلَ فَلِإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ ، فَهَبْ لِي صَدِّعَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي . اللَّهُمَّ أَمَرْتَ فَعَصَيْنَا ، وَنَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنَا ، وَذَكَّرْتَ فَتَنَاسْنَا ، وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا ، وَحَدَّرْتَ فَتَعَدَيْنَا ، وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا ، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَمْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا ، وَأَخْبِرُ بِمَا نَأْتِي وَمَا أَتَيْنَا ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤَاخِرْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا فِيهِ وَنَسِينَا ، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لَدِينَا ، وَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا ، وَأَسْبِغْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا . إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْإِمَامِ ، وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ وَوَجَدَهُ رَسُولَكَ وَوَلَّابُوبِهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ ، إِدْرَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا ، وَصَلَاحِ أحوَالِ عِيَالِنَا ، فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ ، وَتَمْنَعُ عَن قُدْرَةٍ ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ مَا يَكُونُ صَلَاحًا لِلدُّنْيَا ، وَبَلَغًا لِلْآخِرَةِ ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ .

1- الخُلَّةُ _ بالضم _ : الصداقة والمحبة ، والخليل : الصديق (النهاية : ج 2 ص 72 «خلل»).

2- أَرْزَلَهَا : قَدَّمَهَا ، وَالْأَصْلُ فِيهِ الْقُرْبُ وَالتَّقَدُّمُ (النهاية : ج 2 ص 309 «زلف»).

3- الشَّخْبُ : الدَّمُ ، وَكُلُّ مَا سَالَ فَقَدْ شَخِبَ . وَشَخِبَ أَوْدَاجُهُ دَمًا : قَطَعَهَا (لسان العرب : ج 1 ص 485 «شخب»). وفي بحار الأنوار : «الشاحبات» بدل «الشاحبات» .

4- في بحار الأنوار : «افتخر» بدل «بشر» .

5- الشَّلْوُ : العَضْوُ مِنْ أَعْضَاءِ اللَّحْمِ ، وَأَشْلَاءُ الْإِنْسَانِ : أَعْضَاؤُهُ بَعْدَ الْبَلْبِ وَالتَّفَرُّقُ (الصحيح : ج 6 ص 2395 «شلا»).

- 6- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار : ج 101 ص 236 .
- 7- القُنُوطُ : أشدّ اليأس ، يقال : فَنَطَ يَقْنُطُ (النهاية : ج 4 ص 113 «قنط»).

سپس ، به زیر گنبد شریف می آیی و بر سر قبر شریف [_ امام علیه السلام] می ایستی و می گویی : سلام بر آدم ، برگزیده خدا میان مردمانش ! سلام بر شایث ، ولی و برگرفته خدا ! سلام بر ادريس ، قیام کننده برای خدا به همراه حجّتش ! سلام بر نوح مستجاب الدعوه ! سلام بر هود تأیید شده با یاری خدا ! سلام بر صالح ، که خدا با کرامت خویش به او آبرو بخشید ! سلام بر ابراهیم که خدا دوستی اش را نثارش کرد ! سلام بر اسماعیل که خداوند ، ذبحی بزرگ از بهشت را جان فدايش کرد ! سلام بر اسحاق که خداوند ، نبوت را در نسل او قرار داد ! سلام بر یعقوب که خداوند ، دیده اش را با رحمتش به او باز گرداند ! سلام بر یوسف که خداوند با بزرگی اش او را از چاه ، رهایی بخشید ! سلام بر موسی که خداوند ، دریا را برایش با قدرتش شکافت ! سلام بر هارون که خدا ، او را به پیامبری مخصوص کرد ! سلام بر شعیب که خداوند ، در برابر امتش یاری اش داد ! سلام بر داوود که پس از خطایش ، خداوند به سوی او باز گشت ! سلام بر سلیمان که جن به عزّت خداوند ، در برابرش رام شد ! سلام بر ایوب که خداوند ، بیماری اش را شفا داد ! سلام بر یونس که خداوند ، به وعده تضمینی اش به او وفا کرد ! سلام بر زکریّا ، شکیبیا بر گرفتاری اش ! سلام بر عزّیر که پس از مرگش ، خداوند ، زنده اش کرد ! سلام بر یحیی که خدا با شهادتش ، به خود ، نزدیک اش کرد ! سلام بر عیسی که روح و کلمه خداست ! سلام بر محمّد ، حبیب خدا و برگزیده او ! سلام بر امیر مؤمنان ، علی بن ابی طالب ؛ آن ویژه شده به کرامت محمّد صلی الله علیه و آله و برادری اش ! سلام بر فاطمه زهرا ، دخترش ! سلام بر ابو محمّد ، حسن ، وصی پدرش و جانشین او ! سلام بر حسین که از خون و جان خویش گذشت ! سلام بر آن که خدا را در نهان و آشکار ، اطاعت کرد ! سلام بر آن که خداوند ، شفا را در تربت او قرار داد ! سلام بر کسی که اجابت دعا ، زیر گنبد اوست ! سلام بر امامان از نسل او ! سلام بر فرزند خاتم پیامبران ! سلام بر فرزند سرور اوصیا ! سلام بر فرزند فاطمه زهرا ! سلام بر فرزند خدیجه کبرا ! سلام بر فرزند سِدْرَةُ الْمُنتَهَى ! سلام بر فرزند جَدَّةِ الْمَأْوَى ! سلام بر فرزند زمزم و صفا ! سلام بر آن که در خون خود غلتیده و خیمه اش دریده ! سلام بر پنجمین تن از اصحاب کساء ! سلام بر غریبِ غریبان ! سلام بر شهیدِ شهیدان ! سلام بر کشته شده به دست حرام زادگان ! سلام بر ساکن کربلا ! سلام بر کسی که فرشتگان آسمان ، بر او می گریند ! و سلام بر آن که فرزندانش ، پاکان اند ! سلام بر بزرگ دین ! سلام بر جایگاه برهان ها ! سلام بر امامان بزرگ ! سلام بر گریبان های خون آلود ! سلام بر لب های خشکیده ! سلام بر نفّس های بُریده ! سلام بر جان های تَرک تن گفته ! سلام بر پیکرهای برهنه ! سلام بر بدن های خونین ! سلام بر خون های جاری ! سلام بر عضوهای قطع شده ! سلام بر سرهای بالا رفته [بر نیزه] ! سلام بر زنان بیرون دویده [از خیمه] ! سلام بر حجّتِ خدای عالمیان ! سلام بر تو و بر پدران پاک شهیدت ! سلام بر تو و بر فرزندان یاری دهنده ات ! سلام بر تو و بر فرشتگان همراهت ! سلام بر کشته مظلوم ! سلام بر برادر مسموم او ! سلام بر علی اکبر ! سلام بر شیرخوار خُرد ! سلام بر پیکرهای برهنه ! سلام بر خاندان غریب ! سلام بر افتادگان در صحراها ! سلام بر جدا افتادگان از وطن ها ! سلام بر دفن شدگان بی کفن ! سلام بر سرهای جدا از بدن ! سلام بر شکیبیا به پای خدا ! سلام بر ستم دیده بدون یاور ! سلام بر ساکن تربت پاک ! سلام بر صاحب گنبد بلند ! سلام بر آن که [خدای] جلیل ، پاکیزه اش کرد ! سلام بر کسی که جبرئیل به او بشارت داد (/ افتخار کرد) ! سلام بر آن که میکائیل برایش در گهواره ، لالایی می خواند ! سلام بر آن که بیعتش و احترام حرمش را شکستند ! سلام بر کسی که با ریخته شدن خونش ، حرمت اسلام ، شکسته شد ! سلام بر غسل کرده با خونِ زخم ! سلام بر جرعه نوش کاسه های تلخی سرنیزه ها ! سلام بر ستم دیده [خون] مباح گشته ! سلام بر مهجور میان مردم ! سلام بر تن های در دشت ! سلام بر کسی که دفنش را روستانشینان ، عهده دار شدند ! سلام بر آن که رگ قلبش بُریده شده ! سلام بر حمایتگر بدون یاور ! سلام بر موی سپید رنگین شده [به خون] ! سلام بر گونه بر خاک ساییده ! سلام بر بدن برهنه شده ! سلام بر دندان با چوب نواخته شده ! سلام بر رگ بُریده ! سلام بر سر بالا رفته [بر نیزه] ! سلام بر بدن تگّه تگّه شده ! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ! آن گاه ، به نزد سر بگرد و بگو : سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای فرزند سرور وصیّان ! سلام بر تو ، ای فرزند برگزیده خدای جهانیان ! سلام بر تو ، ای فرزند فاطمه زهرا ، سرور زنان جهانیان ! سلام بر تو ، ای فرزند خدیجه کبرا ! سلام بر تو ، ای که آسمان های برین در مصیبتش گریستند

! سلام بر تو، ای که زمین های زیرین بر فقداش گریستند! سلام بر تو، ای حجت خدا بر اهل دنیا! سلام بر تو، ای فتاده اشك های جانسوز و ریزان! سلام بر تو، ای ذوب کننده جگر سوزان! سلام بر تو، ای فرزند بزرگ دین! سلام بر تو، ای عصمت پرهیزگاران! سلام بر تو، ای نشان ره یافتگان! سلام بر تو، ای حجت بزرگ خدا! سلام بر امام بریده از لغزش ها و پاکیزه از همه عیب ها! سلام بر فرزند پیامبر و نور چشم بتول! سلام بر آن که جبرئیل، هم سخنش و میکائیل، همبازی اش بود! سلام بر انجیر و زیتون! سلام بر دو کفه ترازوی یاد شده در سوره «الرحمن»، با تعبیر «لؤلؤ و مرجان»! سلام بر اُمناى خدای چیره مَنان! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! سلام بر کشته ستم دیده! سلام بر منع شده از آب فرات! سلام بر سرور سروران! سلام بر رهبر رهبران! سلام بر ریسمان استوار خدا! سلام بر تو، ای حجت خدا و فرزند حجتش و پدر حجتش! گواهی می دهم که خدا، خاك را با تو پاکیزه (متبرک) و کتاب را با تو روشن ساخت، و مصیبت را با تو سنگین کرد و تو را و جدت و پدرت و مادرت و برادرت را سرمشق خردمندان گرداند! ای فرزند خجستگان پاك و تلاوت کنندگان کتاب! سلام را به روی تو، روانه کرده و برای بر آورده شدن حاجت هایم، پس از خدا، بر تو اتکا کرده ام. آن که به تو تمسک و پناه جست، ناکام نگشت. خداوند، بر تو درود فرستد و دل هایی از مردمان را هوادار تو قرار دهد. سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد!

(1) سلام بر تو، ای فرزند برگزیده برگزیدگان! سلام بر تو، ای فرزند جوهر نیکان! سلام بر تو، ای فرزند تقسیم کننده بهشت و دوزخ!

سلام بر تو، ای فرزند بازمانده پیامبران! سلام بر تو، ای فرزند صالح مؤمنان! سلام بر تو، ای فرزند خبر بزرگ! سلام بر تو، ای فرزند راه راست! گواهی می دهم که تو، حجت خدا در زمینش هستی. گواهی می دهم که مخالفان تو، کُشنندگان تو، واگذارندگان تو، منکران حقت و مانعان تو از ارثت، بر زبان پیامبر مکی، لعنت شده اند و بی تردید، آن که افترا می بندد، ناکام می شود. خداوند، ستمکاران به شما را از اولین و آخرین، لعنت کند و عذاب دردناک را بر ایشان، دوچندان گرداند؛ عذابی که هیچ يك از جهانیان را آن گونه عذاب نکرده است! سپس، خود را بر ضریح بیفکن و تربت [مزار] را ببوس و بگو: سلام بر تو، ای نخستین مظلومی که حرمت مسلمانی و خوشن، زیر پا نهاده شد! خداوند، گروهی را که پایه های ظلم و بیداد بر شما اهل بیت را بنیان نهادند، لعنت کند! گواهی می دهم که من در برابر هر کس که با او در آشتی هستی، در آشتی ام و با هر که در جنگی، در جنگم، آنچه را باطل می دانی، باطل می شمرم و آنچه را حقیقت می دانی، حقیقت می بینم. نزد خدای من و خدای خویش، برای رهایی ام از آتش و بر آورده شدن حاجت هایم در دنیا و آخرت، شفاعتم کن. درودهای خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد! آن گاه، به کنار قبر می روی و رو به قبله، دستانت را بالا می بری و می گویی: خدایا! آمرزش خواهی ام با وجود پافشاری بر آنچه از آن نهی کردی، کم حیایی است و آمرزش خواهی نکردن با وجود آگاهی ام به گستره بردباری ات، تباه کردن حق امیدواری است. خدایا! گناهانم، مرا از امیدواری به تو، مأیوس کرده، و آگاهی ام به گستردگی رحمت، مرا از ترس تو، ایمن کرده است. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و امیدم را به تو، تصدیق کن و هراسم را از تو، تکذیب بنما و همان جا [و همان گونه] باش که بهترین گمانم می گوید. ای مهربان ترین مهربانان. و مرا با عصمت، تأیید فرما و زبانم را به حکمت، بگشای و مرا از کسانی قرار ده که بر آنچه در دیروز خود تباه کرده اند، پشیمان می شوند. خدایا! توانگر، کسی است که با تو از خلقت، بی نیازی جوید. بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و مرا از خلقت، بی نیاز گردان و مرا از کسانی قرار ده که دست طلب، جز به سوی تو نمی گشایند. خدایا! شور بخت، آن ناامیدی است که پیش رویش، توبه و پشت سرش، رحمت است [و آنها را نمی بیند]؛ اما من اگر در عمل، ضعیفم، در امید به رحمت، نیرومندم. پس ضعف عملم را به نیرومندی امیدم، ببخش. خدایا! به ما فرمان دادی و نافرمانی ات کردیم، و ما را باز داشتی و دست نکشیدیم، و به یادمان آوردی و از یاد بردیم، و بینایمان نمودی و نادیده گرفتیم، و برایمان مرز نهادی و آن را زیر پا گذاشتیم، و این، جزای احسان تو به ما نبود و توبه آنچه آشکار و نهان کردیم، داناتری و به آنچه می آوریم و آوردیم، آگاه تری. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و ما را به آنچه در آن خطا و فراموش کردیم، بازخواست مکن و حقوق خود را بر ما ببخش و احسانت را بر ما کامل کن و رحمتت را بر ما سرازیر نما. خدایا! با این امام راستین، به تو توسل می جویم و به حقی که برای او و برای جدش، فرستاده ات، و برای پدر و مادرش علی و فاطمه، خاندان رحمت، قرار داده ای،

فراوانیِ روزی ای را که قوامِ زندگی ما و سامان حال خانواده مان به آن است ، از تو می خواهیم ، که تو بزرگواری هستی که از سرِ گستردگی می بخشی و از سرِ قدرت ، باز می داری و ما از خیر ، آن چیزی را می خواهیم که سامان دهنده دنیایمان و رساننده به آخرتمان باشد . در دنیا و آخرت ، به ما نیکی بده و از عذاب دوزخ نگاهمان دار .

1- .مطالب این بند ، از بحار الأنوار ، افزوده شده است .

ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى عِنْدِ الرَّجَلَيْنِ وَقُلَّ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، وَعَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُرْفَرِفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ ، الْحَافِينَ بِتُرَّتِكَ ، الطَّائِفِينَ بِعَرَصَتِكَ ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ ، الْمُخْلِصِ فِي وِلَايَتِكَ ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ ، الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ ، سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكَ مَفْرُوحٌ ، وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ ، سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْمَحْزُونِ ، الْوَالِيهِ الْمَسْكِينِ ، سَلَامَ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْقَاكَ بِنَفْسِهِ مِنْ حَدِّ السُّيُوفِ ، وَبَدَلْ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ ، وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ ، وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ الْفِدَاءِ ، وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً . فَلَمَّا أَخَّرْتَنِي الدُّهُورَ ، وَعَاقَنِي عَنْ نُصْرَتِكَ الْمَقْدُورَ ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا ، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مُنَاصِبًا ، فَلَا تُدْبِنَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً ، وَلَا بَكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا ، حَسْرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسُفًا ، وَتَحَسُّرًا عَلَى مَا ذَهَبَ وَتَلَهَّفًا ، حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِنَابِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ ، وَتَمَسَّكَتَ بِحَبْلِهِ فَارْتَضَى يَتَهُ ، وَخَشِيْتَهُ وَرَاقَبْتَهُ وَاسْتَحْيَيْتَهُ ، وَسَدَنْتَ الشُّنْنَ وَأَطْفَأْتَ الْفِتْنَ ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ ، وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا ، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا ، وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا ، وَإِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا ، وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا ، وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا ، وَلِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا ، وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحًا ، وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا ، وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا ، وَبِحُجُجِ اللَّهِ قَائِمًا ، وَلِلْإِسْلَامِ عَاصِمًا ، وَلِلْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا ، وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا ، وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا ، وَلِلدِّينِ كَالِنَا (1) ، وَعَنْ حَوَازَتِهِ مُرَامِيًا ، وَعَنْ الشَّرِيعَةِ مُحَامِيًا . تَحَوُّطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ ، وَتَبَسُّطُ الْعَدْلِ وَتَشْدُرُهُ ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ ، وَتَكْفُ الْعَابِثَ وَتَرْجُرُهُ ، تَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ ، وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ ، كُنْتَ رَيْعَ الْإِيْتَامِ ، وَعِصْمَةَ الْأَنَامِ ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ ، وَمَعْدِنَ الْأَحْكَامِ ، وَحَلِيفَةَ الْإِنْعَامِ ، سَالِكًا فِي طَرِيقَةِ جَدِّكَ وَأَبِيكَ ، مُشْتَبِهًا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ ، وَفِي الدَّمِ رِضِيَّ الشِّيمِ (2) ، مُجْتَهِدًا فِي الْعِبَادَةِ فِي حِنْدِسِ (3) الظُّلَمِ ، قَوِيمَ الطَّرَائِقِ ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ ، شَرِيفَ النَّسَبِ ، مُنِيفَ الْحَسَبِ ، رَفِيعَ الرُّتَبِ ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ ، مَحْمُودَ الصَّرَائِبِ (4) ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ ، حَلِيمًا شَدِيدًا ، عَلِيمًا رَشِيدًا ، إِمَامًا شَهِيدًا ، أَوَاهَا مَنِيَا ، جَوَادًا مُشِيَا ، حَبِيبًا مَهِيَا . كُنْتَ لِلرَّسُولِ وَآلِهِ ، وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا ، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا ، وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا ، حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ ، نَاكِبًا عَنِ سَبِيلِ الْفُسَاقِ ، تَنَاقُوهَ تَأَوُّهُ ، الْمَجْهُودِ ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدًا (5) الرَّاحِلِ عَنْهَا ، نَظِيرًا إِلَيْهَا بَعِينِ الْمُسْتَوْحِشِ مِنْهَا ، أَمَّا لَكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ ، وَهَمَّتُكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ ، وَلِحَافِظِكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ ، وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ ، حَتَّى إِذَا الْجُورُ مَدَّ بَاعَهُ ، وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ ، وَدَعَا الْغِيَّ أَتْبَاعَهُ ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ ، وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ ، جَلِيسُ السَّيِّئِ وَالْمَحْرَابِ ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالْأَحْبَابِ . تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ ، ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ ، وَأَزَدَتْ (6) أَنْ تُجَاهِدَ الْكُفَّارَ ، فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلَالِكَ ، وَشِيعَتِكَ وَمَوَالِيكَ ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ، وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ ، وَطَاعَةِ الْمَعْبُودِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْخِيَاذَةِ وَالطُّغْيَانِ ، فَوَاجَهوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ ، فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِعَادِ إِلَيْهِمْ ، وَتَأَكِيدُ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ ، فَتَكْتُمُوا ذِمَامَكَ وَبَيْعَتَكَ ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ ، وَأَغْصَبُوا جَدِّكَ ، وَأَنْذَرُوكَ بِالْحَرْبِ ، وَثَبَّتَ لِلطُّغَيْنِ وَالضَّرْبِ ، وَطَحَطَحَتْ (7) جُنُودَ الْكُفَّارِ ، وَشَرَدَتْ جُيُوشَ الْأَشْرَارِ ، وَاقْتَحَمَتْ قَسَطَلَ (8) الْغُبَارِ ، مُجَالِدًا بِذِي الْفَقَارِ ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ . فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَلْسِ ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ ، نَصَبُوا لَكَ عَوَائِلَ مَكْرِهِمْ ، وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ ، وَأَجْلَبَ اللَّعِينُ عَلَيْكَ جُنُودَهُ ، وَمَنْعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ ، وَعَاجَلُوكَ النَّزَالَ ، وَرَشَّ قَوْكَ بِالسَّهَامِ ، وَبَسَّ طَوَا إِلَيْكَ الْأَكْفَ لِلْإِصْطِلَامِ ، وَلَمْ يَرَعُوا لَكَ الدَّمَامَ ، وَلَا رَاقِبُوا فِيكَ الْأَنَامَ ، وَفِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ وَنَهْبِهِمْ رَحَالَكَ ، وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَاتِ (9) ، مُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ 10 ، وَقَدْ عَجِبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ ، وَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ ، وَأَخْشَنُوكَ بِالْجِرَاحِ ، وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ ، تَدُبُّ عَنْ نِسْوَانِكَ وَأَوْلَادِكَ . فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ طَرِيحًا ضَمَانًا جَرِيحًا ، تَطُوكَ الْخِيُولُ بِحَوَافِرِهَا ، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا ، قَدْ رَشَّحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ ، وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْسِاطِ وَالْإِنْقِبَاضِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ ، تُدِيرُ طَرَفًا مُنْكَسِرًا إِلَى رَحْلِكَ ، وَقَدْ شَغَلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهْلِكَ ، فَاسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا ، وَأَتَى خِيَامَكَ قَاصِدًا ، مُحْمَجِمًا بَاكِيًا . فَلَمَّا رَأَى النَّسَاءَ جَوَادَكَ مَحْزِيًا ، وَأَبْصَرَ نَسْرَجَكَ مَلُوبِيًا ، بَرَزَ مِنَ الْخُدُورِ ، لِلشُّعُورِ نَاشِرَاتٍ ، وَلِلخُدُودِ لَاطِمَاتٍ ، وَلِلوُجُوهِ سَافِرَاتٍ ، وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ ، وَبَعْدَ الْعِزِّ

مُدَلَّلَاتٍ، وَإِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ، وَشِمْرٌ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، مُوَلِّغٌ سَيْفَهُ فِي نَحْرِكَ، قَابِضٌ شَيْبَتَكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ، وَقَدْ سَكَنْتَ حَوَاشِكَ، وَخَمَدَتْ أَنْفَاسُكَ، وَوَرَدَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَسُيِّبَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَدُّمُوا فِي الْحَدِيدِ فَوْقَ أَقْتَابِ (10) الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ حَرُورُ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْفَلَوَاتِ، أَيْدِيهِمْ مَغْلُوبَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ. فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقِتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَعَطَلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَتَقَضُّوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا (11) فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ. لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَجْلِكَ مَوْتُورًا، وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ مَهْجُورًا، وَغَوَدَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرَتْ مَقْهُورًا، فَقَدْ بَفَقَدِكَ التَّكْبِيرَ وَالتَّهْلِيلَ، وَالتَّحْرِيمَ وَالتَّحْلِيلَ، وَالتَّنْزِيلَ وَالتَّوِيلَ، وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَصَالِيلُ، وَالْفِتْنُ وَالْأَبَاطِيلُ. وَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالذَّمِّ الْهَطُولِ، قَانِلًا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَتَلَ سَبَطُكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ، وَسُيِّبَ بَعْدَكَ ذُرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِكَ وَبَيْنِكَ، فَفَزَعَ الرَّسُولُ الرَّدَاءَ، وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءَ، وَفَجَعَتِ بِكَ أُمَّكَ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ، وَاخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُتَرَبِّينَ تُعَزِّي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَقِيَمَتِ عَلَيْكَ الْمَاتَمَ، تَلْطِمُ عَلَيْكَ فِيهَا الْحُورُ الْعَيْنُ، وَتَبْكِيكَ السَّمَاوَاتُ وَسَدَّ كَأْنُهَا، وَالْجِبَالُ وَخُزَانُهَا، وَالسَّحَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْأَرْضُوقِيَعَانُهَا، وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا، وَمَكَّةُ وَبُنْيَانُهَا، وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالسَّبِيَّةُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحَطِيمُ وَرَمَزُ، وَالْمِنْبِرُ الْمُعْظَمُ، وَالتَّجُومُ الطَّوَالِغُ، وَالتَّبْرُوقُ اللَّوَامِغُ، وَالرُّعُودُ الْقَعَائِقُ (12)، وَالرِّيَّاحُ الرِّعَازُ، وَالْأَفْلَاكُ الرَّوَافِعُ. فَالْعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَسَدَّ لَبَّكَ، وَاهْتَضَمَ مَكَ وَغَصَّ بَكَ، وَبَايَعَكَ وَاعْتَرَلَكَ، وَحَارَبَكَ وَسَاقَكَ، وَجَهَّزَ الْجِيُوشَ إِلَيْكَ، وَوَتَّبَأَ الظَّلْمَةَ عَلَيْكَ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ مِنَ الْأَمْرِ وَالْفَاعِلِ وَالْغَاشِمِ وَالْخَاذِلِ. اللَّهُمَّ فَتَبِّتْني عَلَى الْإِخْلَاصِ وَالْوَلَاءِ، وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، وَانْفَعْنِي بِمَوَدَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى عِنْدِ رِجْلِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَفَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُل: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الطَّيِّبُ الطَّاهِرُ، الزَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ وَابْنُ رِيحَانَةِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَيْهِدِ مُحْتَسِبٍ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، مَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ وَأَجْرَلَ ثَوَابَكَ، وَالْحَقُّكَ بِالذَّرْوَةِ الْعَالِيَةِ حَيْثُ الشَّرْفُ كُلُّ الشَّرْفِ، فِي الْغُرْفِ السَّامِيَةِ فِي الْجَنَّةِ فَوْقَ الْغُرْفِ، كَمَا مَنْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلِ وَجَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. وَاللَّهُ مَا صَدَرَكَ الْقَوْمُ بِمَا نَالُوا مِنْكَ وَمِنْ أَيْبِكَ الطَّاهِرِ صَدِّمَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَلَا تَلْمُوا مَنْزِلَتَكُمْ مِنَ الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ، وَلَا وَهَنْتُمْ بِمَا أَصَابَكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا مِلْتُمْ إِلَى الْعَيْشِ فِي الدُّنْيَا، وَلَا تَكْرَهْتُمْ مُبَاشَرَةَ الْمَنِيَا إِذْ كُنْتُمْ قَدِ رَأَيْتُمْ مَنَازِلَكُمْ فِي الْجَنَّةِ قَبْلَ أَنْ تَصِيرَ إِلَيْهَا، وَاخْتَرْتُمَا قَبْلَ أَنْ تَنْتَقِلَا إِلَيْهَا، فَسَدِّرْتُمْ وَسَدَّرْتُمْ. فَهَنِينَا لَكُمْ - يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ - التَّمَسُّكُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسَّيِّدِ السَّابِقِ حَمْرَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، وَقَدِّمْنَا عَلَيْهِ وَقَدْ أَلْحَقْتُمَا بِأَوْثِقِ عُرْوَةِ أَقْوَى سَبَبٍ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ الْمُكْرَمُ وَالسَّيِّدُ الْمُقَدَّمُ، الَّذِي عَاشَ سَعِيدًا وَمَاتَ شَهِيدًا وَذَهَبَ فَقِيدًا، فَلَمْ تَتَمَّعْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَلَمْ تَتَشَاغَلْ إِلَّا بِالْمَتَجَرِّ الرَّابِحِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنَ الْفَرِحِينَ «بِمَاءِ تَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبَشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (13) وَتِلْكَ مَنْزِلَةٌ كُلُّ شَهِيدٍ، مَنْزِلَةُ الْحَبِيبِ إِلَى اللَّهِ الْقَرِيبِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فِي كُلِّ لَفْظَةٍ وَلِحْظَةٍ وَسُكُونٍ وَحَرَكَةٍ، مَزِيدًا يَغْبِطُ وَيَسْعَدُ أَهْلَ عِلِّيِّينَ بِهِ، يَا كَرِيمَ النَّفْسِ، يَا كَرِيمَ الْأَبِّ، يَا كَرِيمَ الْجَدِّ إِلَى أَنْ تَتَنَاهَى، رَفَعَكُمْ اللَّهُ مِنْ أَنْ يُقَالَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ، وَافْتَقَرَ إِلَى ذَلِكَ غَيْرَكُمْ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ. ثُمَّ تَقُولُ: صَدِّمَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرِضْوَانُهُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَاشْفَعْ لِي أَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ، فِي حَطِّ الْأَثْقَالِ عَنْ ظَهْرِي وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي، وَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي لَكَ وَلِلسَّيِّدِ أَبِيكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ. ثُمَّ انْكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَقُل: زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ كَمَا شَرَّفَكُمْ فِي الدُّنْيَا، وَأَسْعَدَكُمْ كَمَا أَسْعَدَ بِكُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ وَنُجُومُ الْعَالَمِينَ.

1- الكَلَاءَةُ: الْحِفْظُ وَالْحِرَاسَةُ (النَّهْيَةُ: ج 4 ص 194 «كَلَاءُ»).

2- وَزَادَ فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ هُنَا: «ظَاهِرُ الْكَرَمِ».

- 3- .الحنديس : الليل الشديدي الظلمة (الصحيح : ج 3 ص 916 «حديس»).
- 4- .الضربية : الطبيعة ، يقال : إنه لكريم الضرائب (كتاب العين : ج 7 ص 32 «ضرب»).
- 5- .في المصدر : «إذ زهد»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 6- .في بحار الأنوار : «وألزمك» بدل «وأردت» .
- 7- .طَحَطَحَ بهم : إذا بَدَّهَم (الصحيح : ج 1 ص 386 «طحح»).
- 8- .القسطل : الغبار الساطع (لسان العرب : ج 11 ص 557 «قسطل»).
- 9- .الهبوة : الغبرة (لسان العرب : ج 15 ص 350 «هبا»).
- 10- .الْقَتَب : رحل صغير على قدر السنام (الصحيح : ج 1 ص 198 «قتب»).
- 11- .الهملجة والهملاج : حسن سير الدابة في سرعة (لسان العرب : ج 2 ص 394 «هملج»).
- 12- .الْقَعَاقِعُ : تتابع أصوات الرعد (الصحيح : ج 3 ص 1269 «قعع»).
- 13- .آل عمران : 170 .

سپس به سمت پاهای باگرد و بگو: سلام بر تو، ای ابا عبد الله، و بر فرشتگان صف کشیده پیرامون گنبدت و گرد آمده بر تربت و طواف کننده در صحن و سرایت و در آینده برای زیارتت! سلام بر تو! من، آهنگ تو کرده ام و به رستگاری نزد تو امید بسته ام. سلام بر تو؛ سلام عارف به حرمتت، خالص در ولایتت، تقرب جوینده به خدا با محبتت، بیزار از دشمنانت؛ سلام کسی که دلش در مصیبت تو، زخم دار و اشکش به گاه یاد تو، اشکبار است؛ سلام فاجعه دیده اندوهگین، سرگردان و در هم شکسته؛ سلام کسی که اگر با تو در طف (کربلا) بود، تو را با جانش از تیزی شمشیرها، نگاه می داشت و جانش را سپر تو می نمود و پیش رویت می جنگید و بر سرکشان بر تو، یاری ات می داد و تن و جان و مال و فرزندش را فدایت می کرد. جانش، فدای جان تو و خاندانش، سپر حفظ خاندان تو باد! اکنون که روزگار، مرا عقب آورده و تقدیر، مرا از یاری تو، باز داشته است و نبوده ام تا با جنگجویان با تو بجنگم و در برابر برافرانندگان پرچم دشمنی با تو، بایستم، پس هر صبح و شام، بر تو می نالم و به جای اشک، از دیده، خون می افشانم، از سر حسرت و تأسف بر تو، و دریغ و افسوس بر گرفتاری هایی که به تو رسیده، تا آن گاه که از سوز مصیبت و غم فقدانت بمیرم. گواهی می دهم که تو، نماز را به پا داشتی، و زکات را پرداختی، و امر به معروف و نهی از تجاوز و منکر کردی، و از خدا پیروی کردی و او را سرپیچی ننمودی، و به ریسمان او چنگ زدی، و او را خشنود ساختی، و از او ترسیدی، و او را در نظر داشتی، و از او شرم کردی، و سنت ها را پایه گذاری کردی، و فتنه ها را خاموش نمودی، و به هدایت، فرا خواندی و راه های استواری را روشن ساختی، و آن گونه که باید، برای خدا جنگیدی، و مطیع خدا بودی، و پیرو جدت محمد صلی الله علیه و آله، و گوش به فرمان پدرت، و به وصیت برادرت، شتابان بودی. ستون دین را برافرانده، و طغیان را کوبنده، و طاغیان را در هم شکننده، و امت را خیر خواه، و در مرگ غوطه ور، و با فاسقان رودر رو، و حجت های خدا را برپا دارنده، و اسلام را نگاه دارنده، و مسلمانان را دلسوز، و حق را یاور، و به گناه بلا، شکیبیا، و دین را نگاهبان، و قلمروش را مرزدار، و آیینش را حمایتگر بودی. هدایت را مراقبت و یاری می کردی، و عدالت را بسط و نشر می دادی، و دین را یاری و آشکار می نمودی، و بیهوده کار را باز می داشتی و نهی می کردی. حق فرودست را از بالادست می ستانندی، و میان نیرومند و ناتوان، یکسان حکم می رانندی. تو، بهار یتیمان، و دستاویز مردمان، و عزت اسلام، و معدن احکام، و همواره نعمت بخش بودی. پوینده راه جدت و پدرت، مانند برادرت در وصیت [به امامت]، و وفادار به پیمان ها، با خوی های پسندیده، و برخاسته به عبادت در دل تاریکی ها، و استوار در راه ها با سابقه هایی سترگ بودی. از تباری شریف و خاندانی والا، بلندمرتبه، پرفضیلت، با بخشش هایی فراوان، بردبار، محکم، عالم، ره یافته، امامی شهید با گریه و زاری و توبه و بازگردنده [به خدا]، بخشنده، و محبوب و باهویت بودی. تو فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، و تکیه گاه قرآن، و بازوی مردمان، و کوشنده در اطاعت فرمان، و حافظ عهد و پیمان، کناره گیر از راه های فاسقان، غمخواری کننده با تمام توان و طول دهنده رکوع و سجود بودی. به دنیا، بی رغبت بودی، همچون بی رغبتی کوچ کننده از آن و درنگرنده به دنیا با چشم بیمناکان از آن. آرزوهایت از آن، برچیده بود و هممت، از زیور آن چرخنده، و نگاه هایت از شادی آن کنار کشیده، و رغبتت به آخرت، شناخته شده بود. تا ستم، دست خود را دراز کرد و بیداد، نقاب خود را باز نمود و گم راهی، پیروانش را فرا خواند، در حالی که تو در حرم جدت مدینه ساکن، و از ستمکاران، جدا، و با خانه و محراب، همنشین، و از لذت ها و شهوت ها، به کنار بودی. منگر را با دل و زبانت، به اندازه تاب و توانت، انکار می کردی و سپس علمت، مقتضی انکار گشت. جهاد با کافران را اراده کردی و با فرزندان، خاندان، پیروان و وابستگان، حرکت کردی و حقیقت و برهان روشن را فراز آوردی. با حکمت و اندرز نیکو، به سوی خدا فرا خواندی و به اجرای حدود شرعی و اطاعت از معبود هستی، فرمان دادی و از پلیدی ها و طغیان، باز داشتی و آنان، با ستم و تجاوز، با تورویارو شدند و تو پس از اندرز دادن و تأکید بر حجت هایی بر ایشان، با آنان، جهاد کردی و آنان، پیمان و بیعت با تو را شکستند و پروردگار و جدت را خشمگین کردند و با جنگ، تو را ترساندند و تو در برابر ضرب نیزه و شمشیر، پایداری کردی و لشکر فاجران را در هم کوبیدی و پراکنده ساختی و در غبار جنگ، فرورفتی و با شمشیر ذو الفقار، قهرمانانه جنگیدی، گویی که علی برگزیده،

تویی . و هنگامی که تو را استوار دل و بدون ترس و وا همه دیدند ، نیرنگ های نابود کننده شان را بر تو برافراشتند و با مکر و شرارت ، با تو جنگیدند و [عمر بن سعد] لعین ، سربازانش را فرا خواند تا تو را از آب و ورود به آن ، باز دارند و به کارزار با تو ، شتاب کردند و به جنگ با تو ، اقدام نمودند و تو را هدف تیر و سنگ خود ، قرار دادند و دست نابودی به سوی تو گشودند و پیمان تو را رعایت نمودند ، و در کشتن دوستان تو و غارت کاروان تو مردم را نیز نادیده گرفتند . تو در غبار [جنگ] ، پیش آمدی و آزارها را به جان خریدی و فرشتگان آسمان را از شکایت به شگفت آوردی . دشمنان ، از همه سو ، گردت را فرا گرفتند و با زخم های کاری ، تو را زمینگیر کردند و میان تو و آب فرات ، جدایی انداختند و یآوری برای تو ننمادند و تو برای رضای خدا ، شکیبایی بودی . از زنان و فرزندان ، دفاع می کردی تا آن که تشنه و زخمی ، از اسبت به زیر افتادی و اسب ها ، تو را زیر سُم هایشان گرفتند و طاغیان ، با شمشیرهای بُزان ، بر سرت ریختند و عَرَق مرگ ، بر پیشانی ات نشست و چپ و راست پیکرت ، منقبض و منبسط می شد و نیم نگاهی از زیر چشم ، به چادرها و سرایت داشتی و [دردهایت] تو را به خود و نه فرزندان و خانواده ات مشغول کرد و اسبت ، به شتاب گریخت و با شیهه و زاری ، آهنگ خیمه های تو کرد . هنگامی که زنان ، اسبت را خوار و پریشان و زین تو را بر آن ، واژگون دیدند ، از پرده بیرون آمدند ، موهایشان را پریشان کردند و بر گونه های خود زدند ، صورت های خود را گشودند و ناله سر دادند و پس از عزّت ، خوار شدند و به سوی قتلگاهت شتافتند ، در حالی که شمر ، بر سینه ات نشسته و شمشیرش را در گودی گلویت فرو برده و محاسن سپیدت را به دستش گرفته بود و با شمشیر هندی خود ، تو را ذبح می کرد . حواس تو ، آرام گرفت و نفس هایت ، آهسته گشت و سرت ، به بالای نیزه رفت و خاندانت را مانند بندگان به اسارت گرفته ، غل و زنجیر کردند و بر پشت شتران نشانده و آفتاب سوزان نیم روز ، چهره هایشان را سوزاند و در صحراها و دشت ها رانده شدند ، در حالی که دست هایشان را به گردن بسته بودند و آنها را در بازارها می چرخاندند . پس وای بر عاصیان فاسق ! با کشتن تو ، اسلام را کُشتند ، و نماز و روزه را تعطیل کردند ، و سنّت ها و احکام را زیر پا گذاشتند ، و پایه های ایمان را منهدم کردند ، و آیه های قرآن را تحریف کردند ، و در تجاوز و سرکشی ، فرو رفتند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، داغدار خون تاوان نگرفته تو شد و کتاب خدای عزوجل ، مهجور گشت و به حق ، خیانت شد ، هنگامی که تو را مقهور سلطه خود کردند . با از دست رفتن تو ، تکبیر و تهلیل و حرام و حلال و تنزیل و تأویل [قرآن] ، از دست رفت و پس از تو ، تغییر و دگرگونی و کفر و معطل گذاردن [احکام الهی] و هوس و گم راهی و فتنه و باطل ، آشکار شد . خبررسان شهادت ، با چشم اشکبار ، نزد قبر جدّت پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و گفت : ای پیامبر خدا ! نوه و جوانت را کُشتند و حرمت خاندانت را شکستند و پس از تو ، فرزندان را به اسارت بردند و آنچه می ترسیدی ، بر خاندان و خویشانت فرود آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله ، ردایش را کند و فرشتگان و پیامبران ، او را به شهادت تو ، تسلیت دادند و مادرت زهرا ، داغدار تو گشت . و فرشتگان مقرب ، دسته دسته می آمدند و می رفتند و به پدرت ، امیر مؤمنان ، تسلیت می گفتند و مجلس سوگواری تو ، بر پا شد و حوریان بهشتی ، در مصیبت تو ، بر صورت زدند و آسمان و ساکنانش ، بهشت و خزانه دارانش ، و کوه های گسترده و دامنه هایش ، و زمین و کرانه هایش ، و دریاها و ماهیان ، و مگه و پایه های آن (کعبه) ، و بهشت و کودکانش ، و کعبه و مقام [_ ابراهیم] ، مشعر الحرام و غیر حرم و حرم ، و حطیم و زمزم و منبر بزرگ داشته شده ، و ستارگان برآمده و برق های درخشنده و رعدهای پُرصدای پی در پی آمده و بادهای تند و از جا برکننده و فلک های برافراشته ، بر تو گریستند . خداوند ، لعنت کند کسی را که تو را کُشت و لباست را بُرد و تو را خُرد کرد و حَقّت را غصب نمود و با تو ، دست بیعت داد و از یاری ات ، دست کشید و با تو جنگید و تو را راند و لشکرها بر ضدّ تو تجهیز کرد و ستمکاران را بر تو جهانداد ! از فرمان دهنده و انجام دهنده و آزار دهنده و وا گذارنده ، به خدای سبحان ، بیزاری می جویم . خدایا ! مرا بر اخلاص و دوستی و چنگ زدن به ریسمان آل عبا ، ثابت بدار و مرا از مودّت ایشان ، بهره مند بگردان و در زمره ایشان ، محشور کن و با شفاعت ایشان ، به بهشت در آور که تو صاحب اختیار این کاری ، ای مهربان ترین مهربانان ! سپس به سوی پاهای امام حسین علیه السلام بگرد و بر [سر قبر] علی اکبر علیه السلام بایست و بگو : سلام بر تو ، ای صدیق پاک و پاکیزه ، محبوب مقرب پاک و فرزند ریحانه پیامبر خدا ! سلام بر تو ، ای شهید شده به خاطر رضای خدا ، و نیز رحمت و برکات خدا بر تو ! چه جایگاه بزرگی و چه بازگشتگاه شریفی داری !

گواهی می‌دهم که خداوند، تلاشت را ارج نهاد و پاداشت را فراوان داد و تو را به قلّه‌های افتخار و شرف رساند، در غرفه‌هایی رفیع، بالاتر از همه غرفه‌ها در بهشت، همان‌گونه که پیش‌تر، بر تو منت نهاد و تو را از خاندانی قرار داد که آلودگی را از ایشان زدوده و پاک و پاکیزه‌شان ساخته است. به خدا سوگند، آن قوم (دشمن) با آنچه بر سر تو و پدر پاکت - که دروهای خدا بر شما دو تن باد - آوردند، زبانی به تو [و به پدرت] نرساندند و به جایگاه هر دو نفرتان در بیت المقدّس، ضربه‌ای نزد و هر مصیبتی که در راه خدا به شما رسید، شما را سُست نکرد و به زندگی دنیا نکشاند و شما را به در آمدن به مرگ، بی‌رغبت نمود؛ زیرا جایگاهتان را در بهشت، پیش از رفتن به آن جا دیده بودید و پیش از انتقال به آن، برگزیده و شاد گشتید و شاد شدید. پس، ای فرزندان عبدالمطلب! خوشا به حالتان که با اقتدا به سرور پیش‌گام، حمزه بن عبدالمطلب، به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌پیوستید و در حالی بر او وارد شدید که به استوارترین ریسمان و نیرومندترین رشته، چنگ زده بودید. خدا بر تو درود فرستد، ای صدیق شهید بزرگ داشته‌شده و ای سرور پیشروی که سعادت‌مندان، زیست و با شهادت، در گذشت و از دست رفت و از دنیا، جز عمل صالح، بهره‌ای نگرفت و به چیزی، جز تجارت سودمند [آخرت]، سرگرم نشد. گواهی می‌دهم که تو، از کسانی هستی که شادمان اند «به آنچه خدا از فضلش به ایشان داده است، و به کسانی که هنوز از پی آنان به ایشان نپیوسته‌اند، مژده می‌دهند که نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهی دارند»، و این، منزلت هر شهید است؛ منزلت هر محبوب خدا و مقرب به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله. خداوند، از فضلش در هر سخن و نگاه و سکون و حرکت، چنان بیفزاید که اهل علیین (والاثرین مرتبه بهشت) به آن، غبطه و رشک برند و بدان، خوش بخت شوند، ای که روح بزرگوار است، پدرت بزرگوار است، جدّت بزرگوار است تا به انتهای تبارت! خداوند، شما را برتر از آن نشانده که برایتان رحمت خدا را بطلیم؛ بلکه این نیاز برای غیر شما از همه خلق خداست. سپس می‌گویی: دروهای خدا و خشنودی و رحمت و برکات او بر شما باد! ای سرور پاک! در بر داشتن بار سنگین گناهان از دوشم و سبک کردن آن برایم نزد خدا، شفاعت کن و بر خواری و فروتنی ام نزد تو و سرور حقیقی، پدرت - که خدا بر هر دوی شما درود فرستد -، رحم کن. آن‌گاه، خود را روی قبر بینداز و بگو: خدا بر شرف شما در آخرت بیفزاید، همان‌گونه که در دنیا، شریف‌تان ساخت و خوش‌بختان کرد، همان‌گونه که با شما، دیگران را خوش‌بخت کرد! گواهی می‌دهم که شما، نشانه‌های دین و ستارگان جهانیان هستید.

ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي عِنْدَ رَجُلِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَوْلُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، سَلاماً لا يَفْنَى أَمْدُهُ وَلا يَنْقُطُ مَدَدُهُ، سَلاماً تَسْتَوْجِبُهُ بِاجْتِهَادِكَ، وَتَسْتَحِقُّهُ بِجِهَادِكَ، عَشْتُ حَمِيداً وَذَهَبْتُ فَقِيداً، لَمْ يَمِلْ بِكَ حُبُّ الشَّهَوَاتِ، وَلَمْ يُدْنَسْكَ طَمَعُ النَّزَاهَاتِ، حَتَّى كَسَفَتْ لَكَ الدُّنْيَا عَنْ عُيُوبِهَا، وَرَأَيْتُ سَوْءَ عَوَاقِبِهَا وَفُجِعَ مَصِيرُهَا، فَبِعْتَهَا بِالْأَخْرَةِ، وَشَرَيْتَ نَفْسَكَ بِشِرَاءِ الْمُتَاجِرَةِ، فَأَرَبَحْتَهَا أَكْرَمَ الْأَرْبَاحِ، وَلَحِقْتَ بِهَا «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» * ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيماً» (1). السَّلَامُ عَلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رِيحَانَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ حَبِيبٍ لَمْ يَقْضِ مِنَ الدُّنْيَا وَطِراً (2)، وَلَمْ يَشْفِ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ صَدْرًا، حَتَّى عَاجَلَهُ الْأَجَلُ، وَفَاتَهُ الْأَمَلُ، وَهَنَيْتَا لَكَ يَا حَبِيبَ حَبِيبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَا أَسْعَدَكَ جَدُّكَ، وَأَفْخَرَ مَجْدَكَ وَأَحْسَنَ مُنْقَلَبَكَ! السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوْنَ بَنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّاشِئِ فِي حِجْرِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْمُقْتَدِي بِأَخْلَاقِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالذَّابِّ عَنِ حَرِيمِ رَسُولِ اللَّهِ صَبِيًّا، وَالذَّائِدِ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ، مُبَاشِرًا لِلْحِتُوفِ، مُجَاهِدًا بِالسُّيُوفِ، قَبْلَ أَنْ يَقْوَى جِسْمُهُ وَيَشْتَدَّ عَظْمُهُ وَيَبْلُغَ أَشَدَّهُ، مَا زِلْتَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مُنْذُ يَمَعَتْ (3)، تَطَلُّبُ الْغَايَةِ الْقُصُوى فِي الْخَيْرِ مُنْذُ تَرَعَرَعْتَ، حَتَّى رَأَيْتَ أَنْ تَنَالَ الْحِطَّ السَّنِيَّ فِي الْأَخْرَةِ بِبَدْلِ الْجِهَادِ (4) وَالْقِتَالِ لِأَعْدَاءِ اللَّهِ، فَتَقَرَّبْتَ وَالْمَنَایَا دَانِيَةً، وَزَحَفْتَ وَالنَّفْسَ مُطْمَئِنَّةً طَيِّبَةً، تَلْقَى بِوَجْهِكَ بَوَادِرَ السَّهَامِ، وَتُبَاشِرُ بِمُهْجَتِكَ حَدَّ الْحُسَامِ، حَتَّى وَفَدْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِأَحْسَنِ عَمَلٍ وَأَرْشِدِ سَعِيٍّ إِلَى أَكْرَمِ مُنْقَلَبٍ، وَتَلْقَاكَ مَا أَعَدَّهُ لَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي يَزِيدُ وَلا يَبِيدُ، وَالْخَيْرِ الَّذِي يَتَجَدَّدُ وَلا يَنْفَدُ، صَدِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ تَتْرَى تَتَّبِعُ أَخْرَاهُنَّ الْأُولَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صِدِّيقِ الْوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَدِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْكَ وَعَلَى أَيْبِكَ مَا دَجَا لَيْلٌ وَأَضَاءَ نَهَارٌ، وَمَا طَلَعَ هَالِلٌ وَمَا أَخْفَاهُ سِرَازٌ (5)، وَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ ابْنِ عَمِّكَ وَالْإِسْلَامِ أَحْسَنَ مَا جَازَى الْأَبْرَارَ الْأَخْيَارَ، الَّذِينَ نَابَدُوا الْفُجَارَ وَجَاهَدُوا الْكُفَّارَ، فَصَدِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ ابْنِ عَمِّ لِيخَيْرِ ابْنِ عَمِّ (6)، زَادَكَ اللَّهُ فِيمَا آتَاكَ حَتَّى تَبْلُغَ رِضَاكَ كَمَا بَلَغْتَ غَايَةَ رِضَا، وَجَاوَزَ بِكَ أَفْضَلَ مَا كُنْتَ تَتَمَنَّا. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، سَلاماً يَقْضِي حَقَّكَ فِي نَسَبِكَ وَقَرَابَتِكَ، وَقَدْرَكَ فِي مَنَزِلَتِكَ، وَعَمَلَكَ فِي مُوَسَّاتِكَ وَمُسَاهَمَتِكَ ابْنَ عَمِّكَ بِنَفْسِكَ وَمُبَالَغَتِكَ فِي مُوَسَّاتِهِ، حَتَّى شَرِبْتَ بِكَاسِهِ، وَحَلَلْتَ مَحَلَّهُ فِي رَمْسِهِ، وَاسْتَوْجَبْتَ ثَوَابَ مَنْ بَايَعَ اللَّهَ فِي نَفْسِهِ، فَاسْتَبَشَرَ بِبَيْعِهِ الَّذِي بَايَعَهُ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، فَاجْتَمَعَ لَكَ مَا وَعَدَكَ اللَّهُ بِهِ مِنَ النَّعِيمِ بِحَقِّ الْمُبَالَغَةِ (7)، إِلَى مَا أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكَ بِحَقِّ النَّسَبِ وَالْمُشَارَكَةِ، فَفُزْتَ فَوْزِينَ لا يَنَالُهُمَا إِلَّا مَنْ كَانَ مِثْلَكَ فِي قَرَابَتِهِ وَمَكَاتِهِ، وَبَدَّلَ مَالَهُ وَمُهْجَتَهُ لِنُصْرَةِ إِمَامِهِ وَابْنِ عَمِّهِ، فَزَادَكَ اللَّهُ حُبًّا وَكِرَامَةً حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي جَوَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلِ، فَمَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ فِي نُصْرَةِ ابْنِ عَمِّكَ، وَمَا أَحْسَنَ فَوْزَكَ عِنْدَ رَبِّكَ! فَلَقَدْ كَرَّمْ فِعْلَكَ وَأَجَلَّ أَمْرَكَ وَأَعْظَمَ فِي الْإِسْلَامِ سَهْمَكَ، رَأَيْتَ الْإِنْتِقَالَ إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ خَيْرًا مِنْ مُجَاوَرَةِ الْكَافِرِينَ، وَلَمْ تَرَ شَيْئًا لِلْإِنْتِقَالِ أَكْرَمَ مِنَ الْجِهَادِ وَالْقِتَالِ، فَكَافَحْتَ الْفَاسِقِينَ بِنَفْسٍ لا تَخِيمُ عِنْدَ النَّاسِ (8)، وَوَيْدٍ لا تَلِينُ عِنْدَ الْمِرَاسِ (9)، حَتَّى قَتَلْتَ الْأَعْدَاءَ مِنْ بَعْدِ أَنْ رَوَيْتَ سَيْفَكَ وَسَيْفَكَ مِنَ الْأَوْلَادِ الْأَحْزَابِ وَالطُّلُقَاءِ، وَقَدْ عَصَّكَ السَّلَاحُ وَأَثْبَتَكَ الْجِرَاحُ، فَغَلَبْتَ عَلَى ذَاتِ نَفْسِكَ غَيْرَ مُسَالِمٍ وَلا مُسْتَأْسِرٍ، فَادْرَكَتَ مَا كُنْتَ تَتَمَنَّا، وَجَاوَزْتَ مَا كُنْتَ تَطْلُبُهُ وَتَهْوَاهُ، فَهَنَّاكَ اللَّهُ بِمَا صَدَّرْتَ إِلَيْهِ، وَزَادَكَ مَا ابْتَغَيْتَ الزِّيَادَةَ عَلَيْهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَإِنَّكَ الْغُرَّةُ الْوَاضِحَةُ وَاللُّمْعَةُ اللَّائِحَةُ، ضَاعَفَ اللَّهُ رِضَاكَ عَنْكَ وَأَحْسَنَ لَكَ ثَوَابَ مَا بَدَّلْتَهُ مِنْكَ، فَلَقَدْ دَاسَتْ أَسَدِيَّتُ أَخَاكَ وَبَدَّلَتْ مُهْجَتَكَ فِي رِضَى رَبِّكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (10) وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، سَلاماً يُرْجِيهِ الْبَيْتُ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ أَضْأَتَ، وَالنُّورُ الَّذِي فِيهِ اسْتَضْأَتَ، وَالشَّرْفُ الَّذِي فِيهِ اقْتَدَيْتَ، وَهَنَّاكَ اللَّهُ بِالْفَوْزِ الَّذِي إِلَيْهِ وَصَلْتَ، وَبِالثَّوَابِ الَّذِي ادَّخَرْتَ، لَقَدْ عَظَّمْتَ مُوَسَّاتَكَ بِنَفْسِكَ، وَبَدَّلْتَ مُهْجَتَكَ فِي رِضَى رَبِّكَ وَبَيْتِكَ وَأَيْبِكَ وَأَخِيكَ، فَفَارَ قَدْ حُكَّ (11) وَزَادَ رِيحُكَ، حَتَّى مَضَيْتَ شَهِيداً وَلَقِيتَ اللَّهَ سَعِيداً، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَخِيكَ وَعَلَى إِخْوَتِكَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا بَكْرٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، مَا أَحْسَنَ بِلَاءَكَ وَأَزْكَى سَعْيِكَ، وَأَسْعَدَكَ بِمَا نَلْتَ مِنَ الشَّرْفِ وَفُزْتَ بِهِ مِنَ الشَّهَادَةِ! فَوَاسَيْتُ أَخَاكَ وَإِمَامَكَ وَمَصِيَّتَ عَلَى يَفِينِكَ، حَتَّى لَقِيتَ رَبَّكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَضَاعَفَ اللَّهُ مَا

أَحْسَنَ بِهِ عَلَيْكَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُثْمَانَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، فَمَا أَجَلَ قَدْرِكَ وَأَطْيَبَ ذِكْرِكَ ، وَأَبْيَنَ أَثْرَكَ وَأَشْهَرَ خَبْرَكَ ، وَأَعْلَى مَدْحَكَ وَأَعْظَمَ مَجْدَكَ ، فَهَنَيْتُنَا لَكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ ، وَمَفَاتِيحِ الْخَيْرِ تَحِيَّاتُ اللَّهِ غَادِيَةً وَرَائِحَةً فِي كُلِّ يَوْمٍ وَطَرَفَةً عَيْنٍ وَلَمَحَّةً ، وَصَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ أَهْلِ الْبَيْتِ مِنْ مَوَالِيهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ ، فَلَقَدْ نَلْتُمُ الْفَوْزَ وَحَزْنَتُمُ الشَّرْفَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . يَا سَادَاتِي يَا أَهْلَ الْبَيْتِ ، وَلَيْتُكُمْ الزَّائِرُ ، الْمُثْنِي عَلَيْكُمْ بِمَا أَوْلَاكُمْ اللَّهُ وَأَنْتُمْ لَهُ أَهْلٌ ، الْمُجِيبُ لَكُمْ بِسَائِرِ جَوَارِحِهِ ، يَسْتَشْفِعُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ رَبِّكُمْ وَرَبِّهِ فِي إِحْيَاءِ قَلْبِهِ وَتَرْكِيَةِ عَمَلِهِ ، وَإِجَابَةِ دُعَائِهِ وَتَقَبُّلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ ، وَالْمَعُونَةِ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ ، فَقَدْ سَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ وَتَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِكُمْ ، وَهُوَ نِعَمُ الْمَسْئُولِ وَنِعْمُ الْمَوْلَى وَنِعْمُ النَّصِيرُ . ثُمَّ تَسَلَّمُوا عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَتَقُولُ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ ، وَأَنْصَارَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَأَنْصَارَ الْإِسْلَامِ ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَجَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ ، فَزُتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا **(12)** ، أَشْهَدُ أَنْتُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الشُّهَدَاءُ وَأَنَّكُمْ السُّعْدَاءُ وَأَنَّكُمْ فِي دَرَجَاتِ الْعُلَى ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ عُدَّ إِلَى مَوْضِعِ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ ، وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ صَلَاةَ الزِّيَارَةِ ، تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَسُورَةَ الْأَنْبِيَاءِ ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَسُورَةَ الْحَشْرِ أَوْ مَا تَهَيَّأَ لَكَ مِنَ الْقُرْآنِ ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ قُلْ : سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْجَبْرُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ الْمُسَبِّحِ لَهُ بِكُلِّ لِسَانٍ ، سُبْحَانَ الْمَعْبُودِ فِي كُلِّ أَوَانٍ ، الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ وَالظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ، اللَّهُمَّ تَبَتَّئِنِي عَلَى الْإِقْرَارِ بِكَ وَاحْشُرْنِي عَلَيْهِ ، وَأَلْحِقْنِي بِالْعَصَبَةِ الْمُعْتَقِدِينَ لَهُ ، الَّذِينَ لَمْ يَعْتَرِضْهُمْ فِيكَ الرَّيْبُ وَلَمْ يُخَالِطْهُمْ الشُّكُّ ، الَّذِينَ أَطَاعُوا نَبِيَّكَ وَوَارَوْهُ وَعَاضَدُوهُ وَنَصَرُوهُ ، وَاتَّبَعُوا التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ ، وَلَمْ يَكُنْ اتِّبَاعُهُمْ إِيَّاهُ طَلَبَ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ ، وَلَا انْحِرَافًا عَنِ الْآخِرَةِ الْبَاقِيَةِ ، وَلَا حُبَّ الرِّئَاسَةِ وَالْإِمْرَةِ وَلَا إِيْثَارَ الثَّرْوَةِ ، بَلْ تَاجَرُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ، وَرَبِحُوا حِينَ خَسِرَ الْبَاخِلُونَ ، وَفَازُوا حِينَ خَابَ الْمُبْطِلُونَ ، وَأَقَامُوا حُدُودَ مَا أَمَرَتْ بِهِ مِنَ الْمَوَدَّةِ فِي ذَوِي الْقُرْبَى ، الَّتِي جَعَلَتْهَا أَجْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيمَا آذَاهُ إِلَيْنَا مِنَ الْهِدَايَةِ إِلَيْكَ ، وَأَرْشَدَنَا إِلَيْهِ مِنَ التَّعَبُّدِ ، وَتَمَسَّكُوا بِطَاعَتِهِمْ وَلَمْ يَمِيلُوا إِلَى غَيْرِهِمْ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي مَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ ، وَلَا أَمِيلُ عَنْهُمْ وَلَا أَنْحَرِفُ إِلَى غَيْرِهِمْ ، وَلَا أَقُولُ لِمَنْ خَالَفَهُمْ ، هُوَ لَاءٌ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتُحْظِيهِ وَتُبْلِغُهُ أَقْصَى رِضَاةٍ وَأَمَانِيهِ ، وَعَلَى ابْنِ عَمِّهِ وَأَخِيهِ الْمُهْتَدِي بِهَدْيَتِهِ الْمُسْتَبْصِرِ بِمِشْكَاتِهِ الْقَائِمِ مَقَامَهُ فِي أُمَّتِهِ ، وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ : الْحَسَنِ ، وَالْحُسَيْنِ ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامٌ إِنْ رِبِحَ فِيهِ الْقَائِمُ بِأَهْلِ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ ، وَإِنْ خَسِرَ فَهُوَ مِنَ الْهَالِكِينَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَعْلَمُ شَيْئًا يَقْرُبُنِي مِنْ رِضَاكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ ، إِلَّا التَّوْبَةَ مِنَ مَعَاصِيكَ وَالِاسْتِغْفَارَ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَالتَّوَسُّلَ بِهَذَا الْإِمَامِ الصَّادِقِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ، وَأَنَا بَحِيثٌ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَتُرْفَرُ الْمَلَائِكَةُ وَتَأْتِيهِ الْأَنْبِيَاءُ وَتَغْشَاهُ الْأَوْصِيَاءُ ، فَإِنْ خَفْتُ مَعَ كَرَمِكَ وَمَعَ هَذِهِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ أَنْ تُعَذِّبَنِي فَقَدْ ضَلَّ سَعْيِي وَخَسِرَ عَمَلِي ، فَيَا حَسْرَةَ نَفْسِي ! وَإِنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . ثُمَّ قَبَّلَ الصَّرِيحَ وَقُلَّ : أَيُّهَا الْإِمَامُ الْكَرِيمُ **(13)** وَابْنَ الرَّسُولِ الْكَرِيمِ ، أَتَيْتُكَ بِزِيَارَةِ الْعَبْدِ لِمَوْلَاةٍ ، الرَّاجِي فَضْلَهُ وَجَدْوَاهُ ، الْأَمِلِ قِضَاءَ الْحَقِّ الَّذِي أَظْهَرَهُ اللَّهُ لَكَ ، وَكَيْفَ أَقْضِي حَقَّكَ مَعَ عَجْزِي وَصِغَرِ جَدِّي وَجَلَالَةِ أَمْرِكَ وَعَظِيمِ قَدْرِكَ ، وَهَلْ هِيَ إِلَّا الْمُحَافَظَةُ عَلَى ذِكْرِكَ وَالصَّلَاةَ عَلَيْكَ مَعَ أَيْكَ وَجَدِّكَ ، وَالْمُتَابَعَةُ لَكَ وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكَ ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ فِي سِرِّهِ وَجَهْرِهِ ، وَمَنْ أَجْلَبَ عَلَيْكَ بِخِيَلِهِ وَرِجْلِهِ ، وَمَنْ كَثُرَ أَعْدَاكَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ ، وَمَنْ سَرَّهُ مَا سَاءَكَ وَمَنْ أَرْضَاهُ مَا أَسْخَطَكَ ، وَمَنْ جَرَّدَ سَبْفَهُ لِحَرْبِكَ ، وَمَنْ شَهَرَ نَفْسَهُ فِي مُعَادَاتِكَ ، وَمَنْ قَامَ فِي الْمَحَافِلِ بِذَمِّكَ ، وَمَنْ خَطَبَ فِي الْمَجَالِسِ بِلَوْمِكَ سِرًّا وَجَهْرًا . اللَّهُمَّ جَدُّدٌ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ كَمَا جَدَّدْتَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ ، اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لَهُمْ دِعَامَةً إِلَّا قَصَّ مَتَاهَا **(14)** ، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَّقْتَهَا ، اللَّهُمَّ أَرْسِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ يَدًا حَاصِدَةً تَصْرَعُ قَائِمَهُمْ ، وَتَهْشِمُ سَوْفَهُمْ ، وَتَجْلَعُ مَعَاصِيَهُمْ **(15)** . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ ، الَّذِينَ يَذْكُرُهُمْ يَنْجَلِي الظَّلَامُ وَيَنْزِلُ الْغَمَامُ ، وَعَلَى أَشْيَاعِهِمْ وَمَوَالِيهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ وَتَحْتَ لِيُوَائِهِمْ ، أَيُّهَا الْإِمَامُ الْكَرِيمُ ، اذْكُرْنِي بِحُرْمَةِ جَدِّكَ عِنْدَ رَبِّكَ ذِكْرًا يَنْصُرُنِي عَلَى مَنْ يَبْغِي عَلَيَّ ، وَيُعَانِدُنِي فِيكَ وَيُعَادِينِي مِنْ أَجْلِكَ ، وَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ فِي إِمْتَامِ النِّعْمَةِ لَدَيَّ ،

وإسباغ العافية عليّ ، وسوق الرزق إليّ وتوسيعه (16) عليّ ، لأعود بالفضل منه على مُبتغيه ، فما أسأل مع الكفاف إلا ما اكتسب به الثواب ؛ فإنه لا ثواب لمن لا يُشاركك في ماله ، ولا حاجة لي فيما يُكَنزُ في الأرض ولا يُنفق في نافلة ولا فرض . اللهم إني أسألك وأبتغيه من لَدُنكَ حلالاً طيباً ، فأعني على ذلك وأقدرني عليه ، ولا تبتليني بالحاجة فأعرض بالرزق للجهات التي يفتح أمرها ويلزمني وزرها . اللهم ومدّ لي في العمر ما دامت الحياة موصولة بطاعتك مشغولة بعبادتك ، فإذا صارت الحياة مرتعة للشيطان فاقبضني إليك ، قبل أن يسبق إليّ مقتك ويستحكّم عليّ سخطك . اللهم صلّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ويسّر لي العود إلى هذا المشهد الذي عظمت حرمة ، في كلِّ حولٍ بل في كلِّ شهرٍ بل في كلِّ أسبوعٍ ؛ فإنَّ زيارته في كلِّ حولٍ مع قبولك ذلك بركة شاملة ، فكيف إذا قربت المدة وتلاحت القدرة . اللهم إنّه لا عذر لي في التأخر عنه والإخلال بزيارته مع قرب المسافة ، إلا المخاوف الحائلة بيني وبينه ، ولولا ذلك لتقطعت نفسي حسرةً لانقطاعي عنه أسفاً على ما يفوتني منه . اللهم يسّر لي الإتمام ، وأعني على تأديته وما أضمره فيه (17) وأراه أهله ومستوجبه ، فانت بنعمتك الهادي إليه والمعين عليه ، اللهم فتقبل فرضي ونوافلي وزيارتي ، واجعلها زيارةً مستمرةً وعادةً مستقرّةً ، ولا تجعل ذلك منقطع التواتر يا كريم . فإذا أردت الوداع ، فصّل ركعتين وقُل : السّلام عليك يا خير الأنام لأكرم إمامٍ وأكرم رسولٍ ، وليك يودّعك توديع غير قالٍ ولا سبٍ للمقام لَدَيْكَ ، ولا مؤثّرٍ لغيرك عليك ، ولا منصرفٍ لِمَا هُوَ أنفع لهُ منك ، توديع متأسّفٍ على فراقك ومتمشوقٍ إلى عودٍ لقائك ، وداعٍ من يعدُّ الأيام لزيارتك ، ويؤثّر الغدو والرواح إليك ، ويتلهّف على القرب منك ومشاهدة نجاك صامئاً لله عليك ، ما اختلّف الجديدان (18) وتناوح العصران وتعاقب الأيام . ثمّ انكبّ على القبر وقُل : يا مولاي ما تروى النفس من مناجاتك ، ولا يقنع القلب إلا بمجاورتك ، فلو عذرتني الحال التي ورائي لتركتها ولا استبدلت بها جوارك ، فما أسعد من يُعاديك ويُراوحك ، وما أرعد عيش من يُسيك ويُصيحك ! اللهم احرس هذه الآثار من الدروس (19) ، وأدم لها ما هي عليه من الأنس والبركات والسُّعود ، ومواصله ما كرمتها به من زوار الأنبياء والملائكة والوافرين إليها في كلِّ يومٍ وساعةٍ ، واعمر الطريق بالزائرين لها وآمن سبلها إليها . اللهم صلّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ولا تجعله آخر العهد من زيارتهم وإتيان مشاهدهم ، إنك وليّ الإجابة يا كريم (20) .

- 1- النساء : 69 و 70 .
- 2- قضيت وطري : إذا نلت حاجتك وبغيتك (المصباح المنير : ص 663 «وطر») .
- 3- أيقع الغلام فهو يافع : إذا شارف الاحتلام ولم يحتلم (النهاية : ج 5 ص 299 «يقع») .
- 4- في بحار الأنوار : «نفسك في سبيل الله» بدل «الجهاد» .
- 5- سرار الشهر : آخر ليلة يستسر الهلال بنور الشمس (النهاية : ج 2 ص 359 «سرر») .
- 6- ليس في بحار الأنوار : «لخير ابن عم» .
- 7- في بحار الأنوار : «المبايعة» بدل «المبالغة» .
- 8- خام عنه : نكص وجبن (القاموس المحيط : ج 4 ص 110 «الخيم») وفي بحار الأنوار : «عند البأس» .
- 9- مرّس : أي شديدٌ مجرّبٌ للحروب (النهاية : ج 4 ص 319 «مرس») .
- 10- كذا في المصدر والظاهر من الفقرات اللاحقة - وأيضا وقوعه بين عبدالله بن علي وأبي بكر بن علي - أنه عبدالرحمن بن علي بن أبي طالب ، لا- عقيل بن أبي طالب ، علما أنه قد مرّ في فقرة سابقة السلام على عبدالرحمن بن عقيل بن أبي طالب (راجع : تعليقة العلامة المجلسي قدس سره في بحار الأنوار : ج 101 ص 251) .
- 11- القِدْحُ : وهو السهم الذي كانوا يستقسمون به (النهاية : ج 4 ص 20 «قدح») . والمراد هنا نصيبك .
- 12- زاد في بحار الأنوار هنا : «يا ليتني كنت معكم فأفوز فوزا عظيما» .

- 13- في بحار الأنوار : «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْكَرِيمُ...» .
- 14- الْقَصْمُ : كسر الشيء وإبانتته (النهاية : ج 4 ص 74 «قصم»).
- 15- الْمَعْطِيسُ : الأنف (المصباح المنير : ص 416 «عطس»).
- 16- في المصدر : «وتوسَّعه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 17- في بحار الأنوار : «وأعني على تأدية ما أضمره فيه» .
- 18- الْجَدِيدَانُ : يعني الليل والنهار (الصحاح : ج 2 ص 454 «جدد»).
- 19- درسته الريح : مَحْتَه (لسان العرب : ج 6 ص 79 «درس»).
- 20- مصباح الزائر : ص 221 _ 244 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 231 _ 249 ح 38 .

سپس به اتاقی که نزد پاهای علی اکبر علیه السلام است [وقبر شهیدان دیگر، آن جاست]، رو می کنی و می گویی: سلام بر تو، ای ابا عبد الله الحسین! سلامی پایان ناپذیر و ناگسستی! سلامی که به سبب کوششت، سزاوار آتی و به دلیل جهادت، حق آن را داری! ستوده زیستی و از دست رفتی. خواهش های نفسانی، تو را به سوی خود نکشیدند و طمع زرق و برق فریبی دنیا، تو را آلوده نساخت تا آن که دنیا، زشتی هایش را برایت گشود و بدفرجامی و زشتی مقصدش را دیدی و آن را به سرای آخرت فروختی و خود را از آن خریدی و بیشترین سود را بردی و با آن به کسانی پیوستی که «خداوند به ایشان، نعمت داده: پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان؛ و چه همراهان خوبی! آن، فضلی از جانب خداست و خدا را در آگاهی، بس». سلام بر قاسم بن حسن بن علی، و رحمت و برکات خدا بر او! سلام بر تو، ای فرزند حبیب خدا! سلام بر تو، ای فرزند ریحانه پیامبر خدا! سلام بر تو، ای دوستی که ناکام از دنیا رفت و دلش با انتقام از دشمنان خدا، خُتک نشد و آجل، شتابان به او رسید و آرزویش از دست رفت! گوارایت باد، ای محبوب محبوب خدا! چه نیکوست بخت تو، و چه پُر افتخار است شُ کوهت، و چه نیکوست بازگشتگاہت! سلام بر تو، ای عون بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب! سلام بر تو، ای فرزند پرورش یافته در دامان پیامبر خدا، اقتدا کننده به اخلاق پیامبر خدا، مدافع حریم پیامبر خدا در کودکی، دور کننده دشمنان از حرم پیامبر خدا، در آینده بر مرگ، و جهاد کننده با شمشیر، پیش از آن که تنش نیرومند و استخوانش محکم شود و به کمال خود برسد! تو از همان زمان که بالغ نشده و نارس بودی، از والایان بودی. از همان زمان نوجوانی ات، به دنبال بلندترین آرمان در راه نیکی بودی تا آن که نظرت چنین شد که نصیب والای آخرت را در جهاد و فداکاری و جنگ با دشمنان خدا بجویی. پس پیش رفتی، در حالی که مرگ، نزدیک بود و به پیکار در آمدی، در حالی که جانت، آرام و پاک بود. با صورتت، به استقبال تیرها می رفتی و با خونت، تیزی شمشیرها را می سودی تا آن که با نیکوترین عمل و درست ترین تلاش، به گرمی ترین بازگشتگاه نزد خدای متعال، میهمان شدی و آنچه خدا از نعمت ماندگار روزافزون و از میان نارفتنی و خیر تجدید شونده و تمام ناشدنی، برایت آماده کرده بود، دیدی. درودهای پی در پی و پیاپی خدا بر تو باد! سلام بر تو، ای عبد الرحمان فرزند عقیل بن ابی طالب، برادر تنی وصی، امیر مؤمنان _ که درودهای خدا بر او و خاندانش و بر تو و بر پدرت باد تا آن گاه که شب، تاریک و روز، نورافشان است و هلال ماه، بر می آید و آخر ماه، پنهان می شود! خداوند، از جانب پسر عمویت و نیز اسلام، بهترین پاداشی را که به نیکان برگزیده می دهد، به تو بدهد؛ [پاداش] آنان که فاجران را کنار زدند و با کافران جنگیدند. درودهای خدا بر تو باد، ای بهترین پسرعمو برای بهترین پسرعمو! خداوند، بر آنچه به تو داده، بیفزاید تا راضی شوی، همان گونه که به نهایت رضایت او رسیدی و از برتر از آنچه آرزو می کردی نیز گذشت! سلام بر تو، ای جعفر بن عقیل بن ابی طالب؛ سلامی که حق تو را ادا کند، حق نسب و خویشاوندی ات، ارج و منزلتت، کردارت در از خود گذشتگی و از جان، مایه گذاشتن برای پسرعمویت و مبالغه ات در از خود گذشتن با او، تا آن جا که از جام [شهادت] او نوشیدی و در جایگاه دفن او، جای گرفتی و سزای پاداش کسی شدی که با جان خود، با خدا معامله می کند و از این معامله، شادمان می گردد. این، همان رستگاری بزرگ است که خداوند، آنچه را از نعمت جاودان در برابر سعی بلیغ تو وعده داده بود، و آنچه در برابر حق خویشاوندی و شرکت جستن، برایت واجب ساخته بود، برایت گرد هم آورد و تو به دور رستگاری رسیدی که جز کسی مانند تو، به آن دو نمی رسد: مانند تو در قرابت و مکانت و بذل مال و جان برای یاری امام و پسرعمویش. خداوند بر محبوبیت و کرامتت بیفزاید تا در اعلیٰ علیین (والاثرین جایگاه بهشت)، در جوار خدای جهانیان باشی! سلام بر تو، ای عبد الله بن مسلم بن عقیل! چه مقام والایی در یاری پسرعمویت داری و چه قدر رستگاری ات نزد خدایت، نیکوست! بی گمان، کار تو، کریمانه و امر تو، بزرگ و سهم تو در اسلام، سترگ است. انتقال به سوی خدای جهانیان را بهتر از همسایگی کافران دیدی و برای انتقال، چیزی از جهاد و قتال، نیکوتر ندیدی. پس با جان خود، بی ترس و واهمه از مردمان و با دستی استوار در کارزار، با فاسقان رویارو شدی تا آن که دشمنان، پس از سیراب کردن شمشیر و نیزه ات از خون فرزندان احزاب (نبرد خندق) و آزاد شدگان (فتح مکه)، تو را گُشتند، در حالی که گزند سلاح، به تو رسیده بود و زخم ها، تو را بی

حرکت کرده بودند و با غلبه بر حبّ نفس، نه تسلیم گشتی و نه اسارت را پذیرفتی. به آنچه آرزو داشتی، رسیدی و از آنچه می خواستی و دوست داشتی نیز در گذشتی. خداوند، آنچه را به سوی آن رفتی، برایت گوارا کند و بر آنچه می خواستی، بیفزاید. سلام بر تو، ای عبد الله بن علی بن ابی طالب، و رحمت و برکات خدا نثار باد! تو، خال سپید آشکار میان سیاهی و نور درخشانی. خداوند، رضایتش را از تو، دوچندان کند و پاداش آنچه را بذل کرده ای، نیکو گرداند که تو به همراه برادرت، از خود گذشتگی نمودی و خونت را در راه رضایت پروردگارت دادی. سلام بر تو، ای عبد الرحمان بن عقیل بن ابی طالب، (1) و رحمت و برکات خدا نثار باد! سلام بر خانه ای که تو در آن، جلوه کردی، و [بر] نوری که از پرتو آن، نور گرفتی، و [بر] شرفی که به آن، اقتدا کردی. خداوند، بر رستگاری ای که به آن رسیدی و به پاداشی که برای خود اندوختی، تهنیت داد. از خود گذشتگی تو با جان، بزرگ بود. خونت را به خاطر رضایت خدایت، پیامبرت، پدرت و برادرت دادی و بازی را بردی و سودت، افزون شد تا به شهادت، رسیدی و به سعادت، خدا را دیدی. درودهای خدا بر تو و بر برادرت و برادرانت که خداوند، آلودگی را از آنها زدوده است و پاک و پاکیزه شان کرده است! سلام بر تو، ای ابو بکر بن علی بن ابی طالب، و رحمت و برکات خدا نثار باد! چه نیکو بود امتحان دادن تو، و چه بالنده بود تلاشت، و چه خوش بخت شدی از نیل به شرافت و رستگاری با شهادت! با برادرت و امامت، از خود گذشتگی کردی و با یقینت، در گذشتی تا خدایت را - که درودهایش بر تو باد -، ملاقات کردی و آنچه را به تو احسان کرده بود، دوچندان نمود. سلام بر تو، ای عثمان بن علی بن ابی طالب، و رحمت و برکات خدا نثار باد! چه جلیل است منزلت تو، و چه خوش است یاد تو، و چه پیداست اثر تو، و چه مشهور است خبر تو، و چه والاست مدح تو، و چه بزرگ است مجد تو! گوارایتان باد، ای اهل بیت رحمت، و جایگاه آمد و شد فرشتگان، و کلیدهای خیر! درودها و سلام های خدا، در هر صبح و شام و در هر لحظه و با هر نگاه، بر شما باد، ای یاوران دین خدا و یاران اهل بیت از وابستگان تا شیعیان آنان! بی تردید، به رستگاری رسیدید و شرف دنیا و آخرت را کسب کردید. ای سروران من، ای اهل بیت! دوستدار شما، زائران است؛ ثناگوی شما با آنچه خداوند [از فضائل] به شما بخشیده است و اهل او گشته اید؛ زائری که [افزون بر زبان ثنا] با دیگر اندام هایش، به شما پاسخ می دهد و شما را نزد خدای شما و خودش، شفیع می گرداند تا دلش را زنده کند و عملش را پاکیزه نماید و دعایش را مستجاب گرداند و آنچه را که با آن تقرب جسته، قبول کند و بر کار دنیا و آخرتش یاری اش دهد. اینها را بی تردید، از خدای متعال خواسته و با شما به او توسّل جسته، که او بهترین کسی است که از وی، درخواست می شود، و بهترین سرپرست و بهترین یاور است. سپس بر شهیدان از اصحاب امام حسین - که بر او و بر ایشان درود باد -، سلام می دهی و رو به قبله می گویی: سلام بر شما، ای یاوران خدا، و یاوران پیامبرش، و یاوران علی بن ابی طالب، و یاوران فاطمه زهرا، و یاوران حسن و حسین، و یاوران اسلام! گواهی می دهم که شما، برای خدا خیرخواهی کردید و در راهش جنگیدید. خداوند، از جانب اسلام و مسلمانان، به شما بهترین جزا را بدهد! به خدا سوگند، به رستگاری بزرگی رسیدید! گواهی می دهم که شما، زنده اید و نزد خدایتان، روزی می خورید. گواهی می دهم که شما شهیدان، خوش بخت و در درجات والا هستید. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! آن گاه به جایگاه سر حسین علیه السلام باز گرد و رو به قبله، دو رکعت نماز زیارت بگزار و در رکعت اول، حمد و سوره «انبیا» و در رکعت دوم، حمد و سوره «حشر» را یا آنچه را از قرآن آماده داشتی، بخوان و پس از نماز بگو: منزه است خدای دارای قدرت و جبروت! منزه است خدای صاحب عزّت و ملکوت! منزه است خدایی که با هر زبان، تسبیحش می گویند! منزه است خدای پرستیده شده در همه دوران، آغاز و فرجام، آشکار و نهان، و دانا به همه چیز! این است خداوند، صاحب شما. مبارک است خداوند، پروردگار جهانیان. خدایی جز او نیست. «و خدا از آنچه [برای او] شریک می گیرند، برتر است». خدایا! مرا بر اقرار به تو، ثابت قدم بدار و بر همان [عقیده] محشور گردان، و مرا به گروه معتقدان به آن بپیوند؛ کسانی که تردید در تو، به آنان راه نیافت و شک، با آنان در نیامیخت؛ کسانی که پیامبرت را اطاعت و او را تقویت کردند، بازو به بازویش گذاشتند و یاری اش دادند و از نور فرود آمده با او، پیروی کردند و پیروی شان، در طلب دنیای فانی و یا انحراف از آخرت باقی و یا حبّ جاه و مقام و ریاست و تقدیم ثروت [بر زهد و آخرت] نبود؛ بلکه با دارایی ها و جان هایشان، به تجارتنی سودآور پرداختند،

هنگامی که بخل ورزان، زیان می کردند، و کامیاب شدند، هنگامی که باطل گرایان، ناکام گشتند، و مرز فرمانت را با دوستی با خویشان پیامبر _ که آن را اجر رسالتش را در هدایت ما به سویت و راه نمایی مان به بندگی، قرار داده بودی _، بر پا داشتند و به اطاعت از ایشان، چنگ زدند و به غیر ایشان، تمایل نیافتند. خدایا! من، تو را گواه می گیرم که با ایشان و میان ایشان و همراه ایشان هستم و از آنان، منحرف نشده، به دیگران، میل نمی کنم و به مخالفان ایشان نمی گروم. آنان، از کسانی که ایمان آوردند، ره یافته ترند. خدایا! بر محمد و خاندان محمد و خانواده اش، درود فرست؛ درودی که تو می پسندی و بهره مندش می کنی و به نهایت رضایت و آرزویش می رسانی، و نیز بر پسرعمو و برادر ره یافته به راه نمایی اش، بینا با چراغش و قائم مقام او در امتش، و نیز بر امامان از نسل او: حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجة بن الحسن. خدایا! این، جایگاهی است که اگر قائم به اهل آن، در آن سود برد، از رستگاران خواهد بود، و اگر زیان برد، از هلاک شدگان است. خدایا! من در این جایگاه، چیزی که مرا به رضایت نزدیک کند، نمی شناسم، جز توبه از معصیت تو، و آمرزش خواهی از گناهانم، و توسل به امام راستین، فرزند پیامبر خدا. من در جایی ام که رحمت، نازل می شود و فرشتگان، به صف می ایستند و پیامبران، به نزدش می آیند و اوصیا، آن را در میان می گیرند. پس اگر با وجود کرم تو و با این وسیله ای که به سوی تو آورده ام، باز بترسم که مرا عذاب کنی، تلاشم گم شده و به عملم زیان رسیده است و وای بر من! و اگر مرا بیامری و بر من رحم آوری، تو مهربان ترین مهربانانی! آن گاه، ضریح را ببوس و بگو: [سلام بر تو] ای امام بزرگوار و فرزند پیامبر بزرگوار! همچون زیارت برده از مولای خود، به زیارت آمده ام، به امید فضل و بخشش، و آرزومند ادای حقی که خداوند، برایت آشکار کرده است. و چگونه با ناتوانی و کمی جدیت و بزرگی امر و سترگی منزلت، از عهده ادای حقت بر آیم؟! آیا جز این، می توانم که تو را همواره به یاد داشته باشم و بر تو و پدر و جدت، درود فرستم، و از تو پیروی کنم، و از دشمنان تو و منحرفان از تو، بیزاری بجویم؟ خداوند، لعنت کند هر کس را که در نماند و آشکار، با تو مخالفت کرد و سواره و پیاده را بر تو شوراند، و آن را که با جان و مال خویش، دشمنان را افزون کرد، و کسی را که بدحالی تو، او را شاد، و خشم تو، او را خشنود نمود، و آن را که شمشیرش را برای جنگ با تو [از غلاف بیرون کشید و] برهنه کرد، و کسی را که خود را به دشمنی با تو، مشهور ساخت، و آن را که در مجلس ها، تو را نکوهید و در سخنانی هایش، در نماند و آشکار، به سرزنش تو پرداخت. خدایا! لعنت را بر ایشان، مکرر ساز، همان گونه که درود بر او را تجدید می کنی. خدایا! هیچ پایه ای از آنها را نگذار، جز آن که آن را در هم بکوبی، و اتحاد کلمه ای [از آنها] را، جز آن که پراکنده کنی. خدایا! دست حقی را روانه کن تا ایشان را درو کند، ایستاده شان را بیندازد و تنه شان را خرد کند و بینی شان را بر خاک بمالد. خدایا! بر محمد و خاندان محمد و خانواده پاکش، آنان که با ذکرشان، تاریکی می رود و باران، فرود می آید، درود فرست، و نیز بر پیروان، وابستگان و یاران شان، و مرا با آنان و زیر پرچم ایشان، محشور بگردان. ای امام بزرگوار! به احترام جدت، مرا نزد خدایت چنان یاد کن که مرا در برابر کسی که به من ستم می کند و به خاطر تو با من لجابت و دشمنی می کند، یاری دهد و نزد خدایت، مرا شفاعت کن تا نعمت هایش را بر من، کامل کند و عافیت را بر من، فرو ریزد و روزی را به سوی من برآند و بگستراند تا زیادی اش را به خواهان آن، باز گردانم و با کفاف خرجم چیزی نخواهم، جز آنچه با آن، ثواب به دست آورم، که کسی که تو را در مالش شریک نگرداند، ثوابی ندارد. من، به آنچه در زمین، اندوخته می شود و در کارهای واجب و مستحب هزینه نمی شود، نیازی ندارم. خدایا! من از تو می خواهم و از نزد تو، روزی حلال و پاک می طلبم. مرا بر آن، یاری ده و توانا بگردان، و نیازمند مساز تا در پی روزی، به سویی روان شوم که کارش زشت باشد و گناهش بر گردنم بماند. خدایا! تا آن گاه که زندگی ام به طاعت تو می گذرد و به عبادت تو مشغولم، آن را طولانی کن، و چون چراگاه شیطان شد، مرا به سوی خود ببر، پیش از آن که دشمنی ات به من برسد و خشم بر من، مستحکم شود. خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و بازگشت به این مرقد _ که حرمتش را بزرگ داشته ای _، در هر سال، بلکه در هر ماه و یا حتی هر هفته، برایم آسان بگردان که زیارت هر ساله آن، به شرط قبول تو، برکتی فراگیر است، تا چه رسد به آن که بتوان زودتر و با فاصله کمتر به انجام رساند. خدایا! مرا در به عقب افکندن و فاصله انداختن

در زیارت او با وجود کمی مسافت، عذری نیست، جز هراس هایی که میان من و او جدایی انداخته است که اگر اینها نبودند، از حسرت جدایی و تأسّف بر آنچه از دستم رفته است، جان می دادم. خدایا! به پایان بردن [زیارت] را برایم آسان بگردان، و مرا به ادای آن و آنچه در درون، نیت کرده ام و شایسته می بینم، یاری ده، که تو با نعمت، به سوی او ره نموده ای و بر آن، یاور بوده ای. خدایا! اعمال واجب و مستحب و زیارت را بپذیر و آن را زیارتی مستمر و عادتت را بر جا و پی در پی، نه گسسته، قرار بده، ای کریم! و هنگام وداع، دورکعت نماز بخوان و بگو: سلام بر تو، ای بهترین مردمان برای بهترین امام و بهترین پیامبر! دوستدارت، تو را وداع می گوید، نه از سر دشمنی یا از روی ملالت از ماندن نزد تو و یا مقدّم کردن غیر تو بر تو و یا روی گرداندن از تو و توجّه به کس دیگری که برایش از تو سودمندتر باشد؛ وداعی سوگمندانه بر جدایی ات و با اشتیاق به دیدار دوباره ات؛ وداع کسی که برای زیارت [دوباره] تو، روزشماری می کند و روزها را کنار می نهد تا به صبحگاه حرکت به سوی تو برسد و برای نزدیک شدن به تو و دیدن نجوای تو - که خدا بر تو درود فرستد -، دریغ می خورد تا آن گاه که روز و شب، می آیند و می روند، و صبح و شام، در برابر هم و روزها در پی هم هستند. آن گاه، خود را روی قبر بینداز و بگو: ای مولای من! جانم از مناجات با تو، سیر نمی شود و دل، جز به همسایگی با تو، قانع نمی گردد. اگر وضعیت پشت سرم اجازه می داد، آن را رها می کردم و با هم جواری تو، عوض نمی کردم. چه خوش بخت است کسی که صبح و شام، نزد تو باشد! و چه زندگی خوشی دارد آن که شب و روز، با توست! خدایا! این آثار را از فرسودگی، نگاه دار و اُنس و برکت ها و خوشی کنونی آن را و تکریم پیوسته اش با زیارت پیامبران و فرشتگان و میهمانان آن را در هر روز و ساعت، استمرار ببخش و راه زیارتش را با زائران او، آباد کن و راه های رسیدن به او را ایمن کن. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و این را آخرین زیارت ایشان و آخرین بار آمدن من به مرقد های آنان، قرار مده، که تو مستجاب کننده ای، ای کریم!

1- علامه مجلسی، در تعلیقه ای بر این سلام، نوشته است: «در مصدر اصلی چنین است؛ اما ظاهر عبارت های بعدی و نیز قرار گرفتن این نام، میان نام دو فرزند دیگر علی بن ابی طالب علیه السلام (یعنی عبد الله بن علی و ابو بکر بن علی)، نشان می دهد که او باید عبد الرحمان بن علی بن ابی طالب باشد و نه عبد الرحمان بن عقیل بن ابی طالب که پیش از این، به او سلام داده شد» (ر. ک: بحار الأنوار: ج 101 ص 251).

الفصل الخامس عشر: زيارته من البعد 15 / 1 الحث على زيارته من بعيد الكافي عن ابن أبي عمير عن رواه عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا بعدت بأحدكم الشقة ونأت (1) به الدار، فليعل أعلى منزله وليصل ركعتين وليؤم بالسلام إلى قبورنا؛ فإن ذلك يصل إلينا (2). (3)

كامل الزيارات عن سدير: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يا سدير تكثير من زيارة قبر أبي عبد الله الحسين؟ قلت: إنه (4) من الشغل. فقال: ألا أعلمك شيئا إذا أنت فعلته كتب الله لك بذلك الزيارة؟ قلت: بلى جعلت فداك! فقال لي: اغتسل في منزلك واصعد إلى سطح دارك، وأشر إليه بالسلام، يكتب لك بذلك الزيارة (5).

1- نأيت: أي بعدت (الصحاح: ج 6 ص 2499 «نأى»).

2- قال الشيخ الطوسي قدس سره في تهذيب الأحكام ذيل الخبر: وتسلم على الأئمة من بعيد كما تسلم عليهم من قريب، غير أنك لا يصح أن تقول: «أيتك زائرا» بل تقول في موضعه: «قصدت بقلبي زائرا إذ عجزت عن حضور مشهدك، ووجهت إليك سلامي لعلمي بأنه يبلغك صلى الله عليك، فاشفع لي عند ربك جل وعز»، وتدعو بما أحببت.

3- الكافي: ج 4 ص 587 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 103 ح 179، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 599 ح 3202 عن هشام، المقعنة: ص 490، كامل الزيارات: ص 480 ح 733 وص 483 ح 738، بحار الأنوار: ج 101 ص 365 ح 1 وص 367 ح 8 وص 370 ح 13.

4- قال العلامة المجلسي قدس سره: قوله: «قلت إنه» أي ترك الإكثار المفهوم من سكوته عن الجواب (بحار الأنوار: ج 101 ص 367)

5- كامل الزيارات: ص 482 ح 737، بحار الأنوار: ج 101 ص 367 ح 7.

فصل پانزدهم: زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور

15 / تشویق به زیارت امام علیه السلام از راه دور

الکافی_ به نقل از ابن ابی عمیر، از کسی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: هنگامی که هر يك از شما، دور می افتد و خانه اش [تا مرقد ما] فاصله بسیار دارد، به بالای خانه اش برود و دو رکعت نماز بگزارد و با اشاره به قبرهایمان، سلام بدهد که آن، به ما می رسد. (1)

کامل الزیارات_ به نقل از سَدیر: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای سَدیر! قبر حسین علیه السلام را بسیار زیارت می کنی؟». گفتم: [نه؛] (2) چون گرفتارم. امام علیه السلام فرمود: «آیا چیزی به تو نیاموزم که چون آن را انجام دهی، خداوند، به خاطر آن، برایت زیارت می نویسد؟». گفتم: چرا؛ فدایت شوم! امام علیه السلام به من فرمود: «در خانه ات، غسل کن و به بام خانه ات برو و با اشاره به او، سلام کن که برایت، زیارت نوشته می شود».

-
- 1- شیخ طوسی در تهذیب الأحکام در ذیل حدیث، گفته است: همان گونه که از نزدیک برائمه علیهم السلام سلام می کنی، از دور بر آنها سلام کن؛ اما درست نیست که [در سلام خود] بگویی: «به قصد زیارت تو به محضر آمدم»؛ بلکه به جای آن می گویی: «با دلم قصد زیارت تو کردم؛ زیرا ناتوان از شرفیابی به محضر هستم، و سلامم را به جانب تو فرستادم؛ زیرا می دانم که به تو_ که دروهای خدا بر تو باد_ می رسد. پس در پیشگاه پروردگار جلیل و عزیزت، مرا شفاعت کن» و سپس هر چه دوست داشتی دعا می کنی.
 - 2- این افزوده را از سیاق پاسخ، برگرفته ایم؛ چنان که علامه مجلسی هم بدان اشاره کرده است.

الكافي عن سدير: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سدير تزور قبر الحسين عليه السلام في كل يوم؟ قلت: جعلت فداك! لا، قال: فما أجفأكم! قال: فتزورونه في كل جمعة؟ قلت: لا. قال: فتزورونه في كل سنة؟ قلت: قد يكون ذلك. قال: يا سدير، ما أجفأكم للحسين عليه السلام! أما علمت أن لله عز وجل ألفي ملكٍ شعثٍ غير يبكون ويذرون لا يفترون، وما عليك يا سدير أن تزور قبر الحسين عليه السلام في كل جمعة خمس مراتٍ وفي كل يوم مرة؟ قلت: جعلت فداك! إن بيننا وبينه فراسخ كثيرة. فقال لي: إصعد فوق سد طحاك، ثم تلتفت يمنة ويسرة (1)، ثم ترفع رأسك إلى السماء، ثم انحو (2) نحو القبر، وتقول: السلام عليك يا أبا عبد الله، السلام عليك ورحمة الله وبركاته (3)، تكتب لك زورة، والزورة حجة وعمره. قال سدير: فرُبما فعلت في الشهر أكثر من عشرين مرة. (4)

1- قال العلامة المجلسي قدس سره: لا يبعد أن يكون الالتفات يمنة ويسرة إلى جانب الفوق للتقية لنألا يطلع عليه أحد (بحار الأنوار: ج 101 ص 366).

2- كذا في المصدر، والظاهر: «تنحو» كما في التهذيب وغيره.

3- في المزار الكبير: «السلام عليك يا أبا عبد الله، السلام عليك يا بن رسول الله، السلام عليك ورحمة الله وبركاته».

4- الكافي: ج 4 ص 589 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 116 ح 205، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 599 ح 3203، كامل الزيارات: ص 481 ح 735 وح 734 نحوه، المزار الكبير: ص 438 ح 5 وليس فيه «قال: فتزورونه في كل جمعة؟ قلت: لا، قال: فتزورونه في كل شهر؟ قلت: لا»، بحار الأنوار: ج 101 ص 366 ح 2_5.

الكافی_ به نقل از سَدیر_ : امام صادق علیه السلام فرمود : «ای سَدیر! قبر حسین علیه السلام را در هر روز ، زیارت می کنی ؟» . گفتم : فدایت شوم ، نه ! فرمود : «چه قدر جفاکاریدا!» . فرمود : «اورا هفته ای يك بار ، زیارت می کنید ؟» . گفتم : نه . فرمود : «در هر ماه ، چه طور ؟» . گفتم : نه . فرمود : «در هر سال ، چه ؟» . گفتم : گاه ، چنین می شود . فرمود : «ای سَدیر ! چه قدر به حسین علیه السلام جفا می کنید! آیا نمی دانی که خدای عزوجل ، دو هزار هزار فرشته پریشان غبارآلود دارد که می گریند و زیارت می کنند و خسته نمی شوند . چه می شود _ ای سَدیر _ که قبر حسین علیه السلام را در هر هفته ، پنج بار و در هر روز ، يك بار ، زیارت کنی ؟» . گفتم : فدایت شوم! میان ما و او فرسنگ ها راه است . امام علیه السلام به من فرمود : «به بالای بام خانه ات برو . سپس به راست و چپ (1) ، توجه کن و آن گاه ، سرت را به سوی آسمان ، بالا ببر و به سوی قبر حسین علیه السلام رو کن و بگو : سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ! . (2) برایت ، يك زیارت نوشته می شود و زیارت ، [معادل] يك حج و عمره است .» . [پس از آن ،] گاه در يك ماه ، بیش از بیست بار ، آن را به انجام می رساندم .

1- .علامه مجلسی گفته است : بعید نیست که رو کردن به راست و چپ و سمت بالا ، به منظور تقیّه باشد تا کسی از کار زیارت کننده مطلع نشود .

2- .در المزار الکبیر آمده است ، «سلام بر تو ، ای ابا عبد الله ! سلام بر تو ، ای پسر پیامبر خدا ! سلام بر تو و رحمت و برکات های خدا بر تو!» .

الكافي عن الحسين بن ثوير: كُنْتُ أَنَا وَيُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ وَالْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَأَبُو سَلَمَةَ السَّرَّاجُ جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَانَ الْمُتَكَلِّمُ مِنَّا يُونُسُ وَكَانَ أَكْبَرَنا سِنًا، فَقَالَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ... إِنِّي كَثِيرًا مَا أَذْكَرُ الْحَسَنَ بْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ؟ فَقَالَ: قُلْ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تُعِيدُ ذَلِكَ ثَلَاثًا! فَإِنَّ السَّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَمِنْ بَعِيدٍ. (1)

بيانقال العلامة المجلسي قدس سره: أقول: قال الشهيد رحمه الله في الذكرى: قال ابن زهرة رحمه الله: من زار وهو مقيم في بلده، قدّم الصلاة ثمّ زار عقبيها. وقال رحمه الله في الدروس: يستحبّ زيارة النبي والأئمة صلّى الله عليهم كلّ يوم جمعة ولو من البعد، وإذا كان على مكان عال كان أفضل. أقول: لا يبعد القول بالتخيير للبعيد بين تقديم الصلاة وتأخيرها لورود الرواية بهما كما عرفت، وما ذكره رحمه الله من جواز الزيارة في أيّ مكان تيسّر وإن لم يكن موضعا عاليا لا يخلو من قوّة، لعمومات بعض ما مرّ من الأخبار، وإن كان الأفضل والأحوط إيقاعها في سطح عال أو صحراء. (2)

-
- 1- الكافي: ج 4 ص 575 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 103 ح 180، المزار للمفيد: ص 214 ح 1، كامل الزيارات: ص 362 ح 618، بحار الأنوار: ج 101 ص 370 ح 14 وراجع: ص 373 ح 16.
- 2- بحار الأنوار: ج 101 ص 370.

الكافی_ به نقل از حسین بن ثُویر_: من و یونس بن ظبیان ، مُفَضَّل بن عمر و ابو سَلمه سَراج ، نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و یونس_ که از همه ما مسن تر بود_ ، سخنگویمان بود . او به امام علیه السلام گفت : فدایت شوم ! . . . من امام حسین علیه السلام را خیلی یاد می کنم . چه چیزی بگویم ؟ فرمود : «بگو : خدا بر تو درود فرستد ، ای ابا عبد الله ! . سه بار ، این را می گویی ، که سلام ، از دور و نزدیک ، به او می رسد» .

توضیحاً علاوه مجلسی می گوید : شهید در الذکری گفته است که : «ابن زهره می گوید : هر کس در سرزمین خود ، مقیم است و زیارت می کند ، نماز را پیش بیندازد و در پی آن ، زیارت کند» و در الدروس گفته است : «زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام در روز جمعه ، هر چند از دور ، مستحب است و اگر بر جایی مرتفع باشد ، بهتر است» . می گویم : دور نیست که بگوییم : زیارت کننده از راه دور ، میان مقدم کردن نماز یا تأخیر انداختن آن ، به دلیل ورود روایت برای هر دو ، مخیر است و جواز زیارت در هر جای ممکن ، حتی اگر مرتفع نباشد ، به دلیل برخی احادیث عام و فراگیری که گذشت ، خالی از قوت نیست ، هر چند بهتر و محتاطانه تر ، آن است که در جایی مرتفع یا صحرا ، انجام شود .

15 / 2 زيارته من بعيد برواية كاملة الزيارات عن البرقي عن أبيه رفعه: دَخَلَ حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: يَا حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ! تَزُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَفِي كُلِّ شَهْرَيْنِ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَفِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا. قَالَ: مَا أَجْفَاكُمْ لِسَدِيدِكُمْ! فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَلَمَّا زَادَ وَبَعُدَ الْمَسَافَةَ. قَالَ: أَلَا أَذَلُّكُمْ عَلَى زِيَارَةِ مَقْبُولَةٍ وَإِنْ بَعُدَ الثَّانِي؟ قَالَ: فَكَيْفَ أَزُورُهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: اغْتَسِلْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ، وَالْبَسْ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ، وَاصْعَدْ إِلَى أَعْلَى مَوْضِعٍ فِي دَارِكَ أَوْ الصَّحْرَاءِ، وَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ 1 بَعْدَمَا تَبَيَّنَ أَنَّ الْقَبْرَ هُنَاكَ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَنَمَّ وَجْهُهُ اللَّهُ» (1) ثُمَّ تَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا قَتِيلَ ابْنِ الْقَتِيلِ الشَّهِيدِ ابْنَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَنَا زَائِرُكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَوَارِحِي، وَإِنْ لَمْ أَزُرْكَ بِنَفْسِي وَالْمُشَاهَدَةِ لِقَبْرِكَ. فَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، وَوَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، وَوَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَوَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، وَوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ، وَوَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ، وَوَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِكَ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ. أَنَا يَا سَدِيدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَإِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، وَإِلَى أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلَى أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، فَكُنْ يَا سَدِيدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي، وَأَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَنْتَقَرِّبُ بِذَلِكَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، فَعَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ وَرَحْمَتُهُ. ثُمَّ تَتَحَوَّلُ عَلَى يَسَارِكَ قَلِيلًا، وَتُحَوَّلُ وَجْهَكَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَوْهُوَ عِنْدَ رِجْلِ أَبِيهِ، وَتُسَلِّمُ عَلَيْهِ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ بِمَا أَحَبَبْتَ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَدُنْيَاكَ. ثُمَّ تُصَلِّيْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَإِنَّ صَلَاةَ الزِّيَارَةِ ثَمَانٌ أَوْ سِتٌّ أَوْ أَرْبَعٌ أَوْ رَكَعَتَانِ، وَأَفْضَلُهَا ثَمَانٌ، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ نَحْوَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَقُولُ: أَنَا مُؤَدِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَيَا سَدِيدِي وَابْنَ سَدِيدِي، وَمُؤَدِّعُكَ يَا سَدِيدِي وَابْنَ سَدِيدِي يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُؤَدِّعُكُمْ يَا سَادَاتِي يَا مَعَاشِرَ الشُّهَدَاءِ، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ. (2)

1- البقرة: 115 .

2- كامل الزيارات: ص 483 ح 739، مصباح الزائر: ص 372، مصباح المتهجد: ص 289 ح 400 وفيه «يستحب زيارة أبي عبد الله الحسين بن علي عليه السلام مثل ذلك بعد أن يغتسل ويعلو سطح داره أو في مفازة من الأرض ويومئ إليه بالسَّلام، ويقول: السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ...»، بحار الأنوار: ج 101 ص 367 ح 10 .

15 / 2 زیارت امام علیه السلام از دور ، به روایت «کامل الزیارات»

کامل الزیارات_ به نقل از بَرَقی ، از پدرش که حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام می رساند _: حَنان بن سَدیر صَدِیرِی ، بر امام صادق علیه السلام وارد شد و گروهی از یارانش نزدش بودند . امام علیه السلام فرمود : «ای حنان بن سَدیر ! ابا عبد الله الحسین علیه السلام را در هر ماه ، زیارت می کنی ؟» . گفت : نه . فرمود : «در هر دو ماه ، یک بار ، چه ؟» . گفت : نه . فرمود : «در هر سال ، یک بار ، چه طور ؟» . گفت : نه . فرمود : «چه قدر بر سَرورِتان جفا می کنید!» . سَدیر گفت : ای فرزند پیامبر خدا ! کمی توشه و دوری راه [نمی گذارد] . فرمود : «آیا شما را به زیارتی مقبول ، راه نمایی کنم ، حتی اگر زیارت کننده ، دور باشد؟» . سَدیر گفت : چگونه او را زیارت کنم ، ای فرزند پیامبر خدا ؟ فرمود : «روز جمعه ، یا هر روزی که خواستی ، غسل کن و پاک ترین جامه هایت را بپوش و به بالاترین جای خانه ات یا بیابان برو و پس از آن که سمت قبر برایت روشن شد ، رو به قبله کن (1) که خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید : « به هر کجا رو کنید ، روی خدا ، آن جاست » . سپس می گویی : سلام بر تو ، ای مولا و فرزند مولای من و سَرور و فرزند سَرور من ! سلام بر تو ، ای مولا ی من ، ای کُشته شده فرزند کُشته شده ! شهید فرزند شهید ! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ! من ، زائر تو هستم _ ای فرزند پیامبر خدا _ با دل و زبان و اعضا یم ، هر چند خودم ، نزد تو نیامده ام و گنبدت را نمی بینم . بر تو سلام ، ای وارث آدم ، برگزیده خدا ، و وارث نوح ، پیامبر خدا ، و وارث ابراهیم ، خلیل خدا ، و وارث موسی ، هم سخن خدا ، و وارث عیسی ، روح خدا ، و وارث محمّد ، حبیب خدا و پیامبر و فرستاده اش ، و وارث علی ، امیر مؤمنان ، وصیّ پیامبر خدا و جانشینش ، و وارث حسن بن علی ، وصیّ امیر مؤمنان ! خداوند ، قاتلانت را بکُشد و اکنون و همیشه ، عذابشان را تجدید کند . من _ ای سَرورم _ ، به خدای جلیل عزیز ، و به جدّت ، فرستاده خدا ، به پدرت امیر مؤمنان ، برادرت حسن ، و به تو _ ای مولا ی من _ تقَرّب می جویم . سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ! من ، تو را _ ای سَرورم _ با دل و زبان و همه اعضا یم ، زیارت می کنم [و از تو می خواهم] که شفیع من در پذیرش این زیارت باشی . من با بیزاری جستن از دشمنان و لعنت خواستن بر ایشان ، به خدا و همه شما تقَرّب می جویم . بر تو ، درودها و خشنودی و رحمت خدا باد ! آن گاه ، اندکی به سمت چپ می چرخ و رو به قبر علی اکبر می کنی که نزد پاهای پدرش است و مانند آن [که برای پدرش به جا آوردی] بر او سلام می دهی . سپس آنچه را از امور دین یا دنیایت که دوست داری ، در دعایت از خدا بخواه . پس از آن ، چهار رکعت نماز (دو نماز دو رکعتی) می خوانی که نماز زیارت ، هشت ، شش ، چهار و یا دو رکعت است و بهتر از همه ، نماز هشت رکعتی است . سپس به سوی قبر ابا عبد الله الحسین علیه السلام و رو به قبله ، می گویی : ای مولا ی من و فرزند مولای من ! ای سَرور من و فرزند سَرور من ! با تو وداع می کنم ، و ای سَرور من و فرزند سَرور من ، علی اکبر ! با تو نیز وداع می کنم . ای سَروران من ! ای شهیدان ! با شما هم وداع می کنم . بر شما سلام و رحمت و خشنودی و برکات خدا باد !» .

1- .علامه مجلسی رحمه الله می گوید: شاید جمله «رو به قبله کن» را برای کسی گفته اند که برایش ایستادن رو به قبر و قبله با هم ، امکان پذیر است و این از سخن دیگر امام علیه السلام که فرمود: «پس از آن که سمت قبر برایت روشن شد» ، معلوم می شود؛ زیرا این فرمان برای رعایت استقبال قبر است ، حتی اگر موافق قبله نباشد و از این رو ، به این سخن خدای متعال : « به هر جا رو کنید ، وجه خدا آن جاست » استدلال کرد؛ چون هنگامی که نسبت خدای متعال به همه جا یکسان است ، رو به قبر ایستادن زائر ، مانند رو به قبله بودن است که همان وجه خداست . قرینه این ، سخن دیگر امام علیه السلام در توجّه به قبر علی اکبر علیه السلام است که پس از این می آید : «سپس به سمت چپ می گردی» ؛ زیرا قبر علی اکبر علیه السلام بر سمت چپ کسی است که رو به قبر و قبله ، ایستاده است . و ممکن است

منظور از قبله در این جا، سمت قبر به صورت مجازی باشد. احتمال دیگر، آن که اصل «رو به قبله بودن»، در هر حال است و قبر را به صورت خیالی در سمت قبله تصوّر کنیم و استدلال به آیه را بر این پایه قرار دهیم که منظور از «وجه خدا»، امامان علیهم السلام هستند که نسبت ایشان نیز همه جا یکسان است؛ زیرا علم و نور ایشان، همه عالم را گرفته است و به سمت چپ چرخیدن هم بر اساس همان تصوّر خیالی باشد؛ زیرا اگر رو به قبله باشی و قبر را هم رو به روی خود بپنداری، قبر علی اکبر علیه السلام بر سمت چپ چنین کسی است، همان گونه که اگر به صورت حقیقی نزد قبر باشد و رو به قبله بایستد، چنین می شود. همچنین، بعید نیست که «قبله»، تصحیف «قبر» باشد؛ اما ظاهرتر از همه، احتمال نخست است، همان گونه که شیخ طوسی و دیگران فهمیده اند و به استقبال قبر در هر حال، حکم داده اند و این با روایات دیگری که در باره زیارت از راه دور رسیده است، سازگار است و البتّه خدا بهتر می داند.

15 / 3 زيارته من بعيد برواية مصباح المتهجد المتهدج: روي عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام أنه قال: من أراد أن يزور قبر رسول الله صلى الله عليه وآله، وقبر أمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين وقبور الحجاج عليهم السلام وهو في بلده، فليغتسل في يوم الجمعة، وليلبس ثوبين نظيفين، وليخرج إلى فلاة (1) من الأرض، ثم يصلي أربع ركعات يقرأ فيهن ما تيسر من القرآن، فإذا تشهد وسلم، فليقم مستقبل القبلة، وليقل: السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام عليك أيها النبي المرسل، والوصي المرتضى، والسيدة الكبرى، والسيدة الزهراء، والسبطان المنتجان، والأولاد والأعلام، والأمناء المنتجبون المستخزون، حيث انقطاعا إليكم وإلى آبائكم وولديكم الخلف على بركة الحق (2)، فقلبي لكم مسلّم، ونصرتي لكم معدة حتى يحكم الله بدينه، فمعكم معكم لا مع عدوكم، إنني لمن القائلين بفضلكم، مقرر برجعتكم، لا أنكر لله قدرة ولا أزعم إلا ما شاء الله، سبحانه الله ذي الملك والملكوت، يسبح الله بأسمائه جميع خلقه، والسلام على أرواحكم وأجسادكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. وفي رواية أخرى: إفعل ذلك على سطح دارك. (3)

1- الفلاة: القفر أو المفازة (القاموس المحيط: ج 4 ص 375 «فلا»).

2- في المصدر: «حق»، وما أثبتناه هو الأنسب كما في جمال الأسبوع. وفي بحار الأنوار: «الخلق» بدل «الحق».

3- مصباح المتهدج: ص 288 ح 399، جمال الأسبوع: ص 153، بحار الأنوار: ج 100 ص 189 ح 12.

15 / 3 زیارت امام علیه السلام از دور ، به روایت «مصباح المتهدّج»

مصباح المتهدّج: از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر کس می خواهد قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، قبر امیر مؤمنان ، فاطمه ، حسن ، حسین و قبرهای دیگر حجّت های خدا علیهم السلام را در همان سرزمین خود ، زیارت کند ، روز جمعه ، غسل کند و دو جامه تمیز بپوشد و به زمین فراخی بیاید و چهار رکعت نماز بگذارد و در آنها ، هر چه از قرآن که برایش میسر بود ، بخواند و چون تشهّد و سلام داد ، رو به قبله بایستد و بگوید : سلام بر تو ، ای پیامبر ، و نیز رحمت و برکات خدا نثار باد ! سلام بر تو ، ای پیامبر فرستاده شده ، و [بر علی] وصیّ پسندیده و سرور [زنان ، فاطمه] کبرا و سیّده زهرا و دو نواده برگزیده ، و فرزندان و بزرگان ، امینان منتخب و ذخیره ! از همه بُریده ام و با برکت حق ، به سوی شما ، پدرانان و فرزندان خَلَف تان آمده ام . دلم در برابر شما ، تسلیم و یاری ام برای شما آماده است ، تا خداوند به آیین خود ، حکم کند . با شما هستم ؛ با شما ، نه با دشمن شما . من ، از معتقدان به فضیلت شما و اقرار کننده به بازگشت شما هستم . قدرت خدا را انکار نمی کنم و چیزی نمی گویم ، جز آنچه خدا بخواهد . منزّه است خدای صاحب مُلک و ملکوت ! همه آفریده های خدا ، او را با نام هایش تسبیح می گویند . سلام بر روح ها و پیکرهایتان ! سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد !» . و در روایتی دیگر [آمده است] : «این کار را بر بام خانه ات انجام بده» .

الفصل السادس عشر : الإِسْتِنَابَةُ لِزِيَارَتِهِ 16 / 1 فَضْلُ الإِسْتِنَابَةِ لِزِيَارَتِهِ كَامِلُ الزِيَارَاتِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [الصَادِقِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : قُلْتُ : مَا لِمَنْ يُجَهَّزُ إِلَيْهِ [الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] وَلَمْ يَخْرُجْ لِعِلَّةٍ تُصِيبُهُ؟ قَالَ : يُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ مِثْلَ أَحَدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ ، وَيُخْلِفُ عَلَيْهِ أضعافَ مَا أَنْفَقَهُ ، وَيَصْرِفُ عَنْهُ مِنَ الْبَلَاءِ مِمَّا قَدْ نَزَلَ لِيُصِيبَهُ ، وَيُدْفَعُ عَنْهُ ، وَيُحْفَظُ فِي مَالِهِ . (1)

تهذيب الأحكام عن علي بن ميمون الصائغ : قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، بَلَّغْنِي أَنَّ أَنَسًا مِنْ شِيعَتِنَا تَمَرُّ بِهِمُ السَّنَةُ وَالسَّنَتَانِ وَأَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ . قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي لَأَعْرِفُ أَنَسًا كَثِيرًا بِهَذِهِ الصِّفَةِ . فَقَالَ : أَمَا وَاللَّهِ لِحَظِّهِمْ أَخْطَوْا ، وَعَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا ، وَعَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْجَنَّةِ تَبَاعَدُوا . قُلْتُ : فَإِنْ أَخْرَجَ عَنْهُ رَجُلًا أَيْجُزِي عَنْهُ ذَلِكَ؟ قَالَ : نَعَمْ ، وَخُرُوجُهُ بِنَفْسِهِ أَعْظَمُ أَجْرًا وَخَيْرٌ (2) لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ . (3)

1- . كامل الزيارات : ص 240 ح 357 و ص 248 ح 369 عن صفوان الجمال نحوه ، بحار الأنوار : ج 101 ص 79 ح 39 .

2- . في المصدر : «خيرًا» ، والتصويب من بحار الأنوار .

3- . تهذيب الأحكام : ج 6 ص 45 ح 97 ، المزار للمفيد : ص 225 ح 7 ، كامل الزيارات : ص 492 ح 761 ، الدرر الواقية : ص 73 وليس فيه ذيله من «قلت : فإن أخرج» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 51 ح 4 .

فصل شانزدهم : نایب گرفتن برای زیارت امام حسین علیه السلام

16 / 1 ثواب نایب گرفتن برای زیارت امام علیه السلام

کامل الزیارات_ به نقل از هشام بن سالم_: به امام صادق علیه السلام گفتم: پاداش کسی که خودش به دلیل بیماری به زیارت [امام حسین علیه السلام] نمی رود، اما کس دیگری را به سوی او روانه می کند، چیست؟ فرمود: «خداوند، در برابر هر دره‌می که خرج می کند، مانند کوه أحد، برایش نیکی می نویسد و چندین برابر آنچه هزینه کرده، به جایش به او می دهد و بلاهایی را که فرود آمده تا به او برسد، از او می گرداند و از وی دور می کند و مالش حفظ می شود».

تهذیب الأحکام_ به نقل از علی بن میمون صائغ (زرگر)_: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای علی! به من خبر رسیده که برخی از شیعیان ما، یک سال و دو سال و گاه بیشتر می گذرد و حسین بن علی علیه السلام را زیارت نمی کنند». گفتم: فدایت شوم! من، افراد بسیاری را می شناسم که این چنین اند. امام علیه السلام فرمود: «بدان که به خدا سوگند، نصیب خود را نبرده و از پاداش خدا، کنار مانده و از جوار محمد صلی الله علیه و آله در بهشت، دور گشته اند!». گفتم: اگر مردی را به نیابت از خود روانه کند، او را از زیارت، کفایت می کند؟ فرمود: «آری؛ اما خودش برود، که پاداش و خیر بیشتری نزد خدا خواهد داشت».

كامل الزيارات عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام ، قال : أتاه رجلٌ فقال له: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ ، هَلْ يُرَازُ وَالِدُكَ؟ قَالَ : فَقَالَ : نَعَمْ ، وَيُصَلِّي عِنْدَهُ ، وَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَلَا يُتَقَدَّمُ عَلَيْهِ . قَالَ : فَمَا لِمَنْ أَتَاهُ؟ قَالَ : الْجَنَّةُ إِنْ كَانَ يَأْتِمُّ بِهِ . قَالَ : فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ؟ قَالَ : الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ . قَالَ : فَمَا لِمَنْ أَقَامَ عِنْدَهُ؟ قَالَ : كُلُّ يَوْمٍ بِأَلْفِ شَهْرٍ . قَالَ : فَمَا لِلْمُنْفِقِ فِي خُرُوجِهِ إِلَيْهِ وَالْمُنْفِقِ عِنْدَهُ؟ قَالَ : دِرْهَمٌ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ . (1)

16 / 2 الدعاء الأول بعد الزيارة بالثياب مصباح الزائر: إذا أردت أن تزور أحد الأئمة عليهم السلام عن ذي نسبٍ أو سببٍ (2) ، فسلم على الإمام عليه السلام على نسق التسليم المأمور به ، فإذا فرغت فصل ركعتين ، فإذا سلمت منهما فقل : اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ ، وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ ؛ لِأَنَّهُ لَا يَنْبَغِي الصَّلَاةُ إِلَّا لَكَ ، اللَّهُمَّ وَقَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ زِيَارَتِي وَصَلَاتِي هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَمِنْهُ ، وَأَجْرُنِي عَلَيْهِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (3)

-
- 1- .كامل الزيارات : ص 239 ح 357 و ص 247 ح 367 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 78 ح 39 .
 - 2- .في بحار الأنوار : «إذا أردت أن تزور عن أخيك أو أهلك أو ذي سبب أو نسب أو غيرهم تطوعاً فسلم . . .» .
 - 3- .مصباح الزائر : ص 515 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 262 .

کامل الزیارات_ به نقل از هشام بن سالم_: مردی نزد امام [صادق علیه السلام] آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! آیا پدرت زیارت می شود؟ (1) فرمود: «آری و نزد [قبر] او و پشت [قبر] وی، نماز می خوانند و بر [قبر] او، مقدّم نمی شوند». مرد گفت: پاداش کسی که به زیارتش می رود، چیست؟ فرمود: «بهشت است، اگر به او افتدا کند». مرد گفت: اگر کسی از سر بی رغبتی، آن را ترک کند، چه دارد؟ فرمود: «حسرت روز حسرت». مرد گفت: پاداش کسی که نزد او اقامت کند، چیست؟ فرمود: «هر روزش برابر هزار ماه است». مرد گفت: آن که برای بیرون رفتن به سوی او و اقامت نزد او هزینه می کند، چه دارد؟ فرمود: «هزار درهم، در برابر هر درهم».

16 / 2 دعای نخست، پس از زیارت نیابتی

مصباح الزائر: هنگامی که خواستی یکی از امامان علیهم السلام را به نیابت از خویشان نسبی یا سببی زیارت کنی، بر امام علیه السلام سلام بده، به همان روش که فرمان داده شده است و چون فارغ شدی، دو رکعت نماز بخوان و پس از سلام دادن از آن دو رکعت، بگو: خدایا! برای تو، نماز خواندم و برای تو، رکوع و سجده کردم، که نماز، جز برای تو، سزاوار نیست. خدایا! پاداش زیارت و این دو رکعت نماز را به مولایم فلانی پسر فلانی، هدیه می کنم، به نیابت از فلانی پسر فلانی. آن را از من و او بپذیر و بر آن، پاداشم ده، که تو بر هر کاری، توانایی.

1- شاید این جمله، به این معنا باشد که: آیا اجازه داریم قبر پدر شما را با آداب مستحبّ زیارت، زیارت کنیم؟ یا به این معنا که: آیا می شود به زیارت قبر پدر شما رفت؟ و آیا زیارت ایشان سنت (مستحب) است؟ و آیا این رفتن و زیارت کردن، بدعت نیست؟ م.

16 / 3 الدُّعَاءُ الثَّانِي بَعْدَ الزِّيَارَةِ بِالنِّيَابَةِ مَصْبَاحِ الزَّائِرِ: إِنْ كُنْتَ نَائِبًا عَنْ غَيْرِكَ فَقُلْ بَعْدَ الزِّيَارَةِ وَالصَّلَاةِ وَالِدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ أَوْ نَصَبٍ أَوْ سَعَبٍ (1) أَوْ لُغُوبٍ (2) فَاجْرُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَيَّ، وَأَجْرِنِي فِي نِيَابَتِي عَنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. وَتَدْعُو لَهُ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، وَكَذَلِكَ تَفْعَلُ فِي الْوَدَاعِ. (3)

16 / 4 الدُّعَاءُ الثَّلَاثُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ بِالنِّيَابَةِ مَصْبَاحِ الزَّائِرِ فِي ذِكْرِ حَالِ الْمُتَطَوِّعِ بِالزِّيَارَةِ عَنْ جَمِيعِ إِخْوَانِهِ أَوْ عَنْ بَعْضِهِمْ: إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَزُرِ الْإِمَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَعْضِ زِيَارَاتِهِ، وَاقْصِدْ بِهَا النِّيَابَةَ عَمَّنْ تُرِيدُ، وَصَلِّ رَكَعَتَيْ الزِّيَارَةِ ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذِهِ الزِّيَارَةَ، وَصَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ وَجَعَلْتُ ثَوَابَهُمَا (4) عَنْ جَمِيعِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَعَنْ جَمِيعِ مَنْ أَوْصَانِي بِالزِّيَارَةِ وَالِدُّعَاءِ لَهُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَمِنْهُمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. فَإِذَا فَعَلْتَ أَيُّهَا الزَّائِرُ ذَلِكَ وَقُلْتَ لِأَحَدِهِمْ: «قَدْ زُرْتُ وَصَلَّيْتُ وَسَلَّمْتُ عَلَى الْإِمَامِ عَنْكَ»، كُنْتَ صَادِقًا فِي مَقَالِكَ (5).

1- سَعِبٌ: جَاعٌ (الصَّحَاحُ: ج 1 ص 147 «سَعِبٌ»). وَفِي تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ: «شَعَثٌ» بَدَلُ «سَعِبٌ».

2- اللَّغُوبُ: التَّعَبُ وَالْإِعْيَاءُ (الصَّحَاحُ: ج 1 ص 220 «لُغْبٌ»).

3- مَصْبَاحِ الزَّائِرِ: ص 517، تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ: ج 6 ص 105، الْمَقْنَعَةُ: ص 493، الْمَزَارُ لِلْمَفِيدِ: ص 210 كُلُّهَا نَحْوَهُ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 102 ص 263.

4- زَادَ فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ هُنَا: «هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ».

5- مَصْبَاحِ الزَّائِرِ: ص 516، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 102 ص 262.

16 / 3 دعای دوم ، پس از زیارت نیابتی

مصباح الزائر: اگر از جانب کسی نایب هستی ، پس از زیارت و نماز و دعا ، بگو : خدایا ! هر سختی و رنج و گرسنگی و دشواری ای که به من رسید ، پاداشش را به فلانی پسر فلانی برسان و مرا نیز بر نیابت از او ، پاداش بده . سلام بر تو _ ای مولای من _ از فلانی پسر فلانی ! از جانب او به زیارت آمده ام . مرا نزد خدایت شفاعت کن . و برای او و همه مؤمنان ، دعا می کنی و در وداع نیز ، همین گونه عمل می کنی .

16 / 4 دعای سوم ، پس از زیارت نیابتی

مصباح الزائر_ در ذکر حالت کسی که از سوی همه برادران دینی یا برخی از آنان ، زیارت مستحبی می کند _ هنگامی که خواستی چنین کنی ، امام علیه السلام را با یکی از زیارت هایش ، زیارت کن و قصد نیابت از کسی که می خواهی ، بکن و دو رکعت ، نماز زیارت بخوان و سپس بگو : خدایا ! این زیارت را به انجام رساندم و این دو رکعت نماز را خواندم و پاداش آن دورا از سوی همه برادران و خواهران ایمانی ام و از جانب همه سفارش کنندگان به زیارت و دعا برای امام علیه السلام ، قرار دادم . خدایا ! آن را از من و ایشان بپذیر ، به رحمتت ، ای مهربان ترین مهربانان ! پس ای زائر ! اگر این کار را انجام دهی و به هر کدام از آنها بگویی : «از جانب تو زیارت کردم و نماز خواندم و بر امام ، سلام دادم» ، در سخت راستگو هستی .

16 / 5 الدُّعَاءُ الرَّابِعُ بَعْدَ الرَّيَازَةِ بِالنِّيَابَةِ تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ: بَابُ مَا يَقُولُ الرَّائِي إِذَا نَابَ عَنْ غَيْرِهِ: اللَّهُمَّ، إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا أَوْ فُلَانًا إِلَى مَوْلَاهُ وَمَوْلَايَ لِأَزْوَرٍ عَنْهُ، رَجَاءً لِجَزِيلِ الثَّوَابِ، وَفِرَارًا مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَوْلِيَانِكَ الدَّلِيلِينَ عَلَيْكَ فِي غُفْرَانِكَ ذُنُوبَهُ وَحَطَّ سَيِّئَاتِهِ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ عِنْدَ مَشْهَدِ إِمَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ وَأَقْبَلْ شَفَاعَةَ أَوْلِيَانِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِ، اللَّهُمَّ جَازِهِ عَلَى حُسْنِ نِيَّتِهِ وَصَحِيحِ عَقِيدَتِهِ وَصِحَّةِ مُوَالَاتِهِ، أَحْسَنَ مَا جَازَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَدِمْ لَهُ مَا حَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمَلَهُ صَالِحًا فِيمَا آتَيْتَهُ، وَلَا تَجْعَلْنِي آخِرَ وَافِدٍ لَهُ يُوَفِّدُهُ، اللَّهُمَّ اعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ لَهُ فِي وُلْدِهِ وَمَالِهِ وَأَهْلِهِ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلِّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعَاصِيهِ حَتَّى لَا يَعْصِيكَ، وَأَعِنُّهُ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَانِكَ، حَتَّى لَا تَفْقِدَهُ حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفُ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّهُ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَمِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسُوءِ الْمُتَقَلَّبِ، وَمِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانًا، وَتُحَفَّتَهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ تُقْبَلَ عَشْرَتُهُ، وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتَهُ، وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ، وَتَجْعَلَ النَّقْوَى زَادَهُ، وَمَا عِنْدَكَ خَيْرًا لَهُ فِي مَعَادِهِ، وَتَحْشُرَهُ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ؛ فَإِنَّكَ خَيْرُ مَرْغُوبٍ إِلَيْهِ، وَأَكْرَمُ مَسْئُولٍ اعْتَمَدَ الْعِبَادُ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً، وَلِكُلِّ جَائِزَةٍ، فَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانًا وَالْجَنَّةَ لَهُ وَلِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنُوبُ الْمُقْتَرُّ بِذُنُوبِهِ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ لَا تَحْرِمَنِي بَعْدَ ذَلِكَ الْأَجْرِ وَالثَّوَابِ مِنْ فَضْلِ عَطَائِكَ وَكَرَمِ تَفَضُّلِكَ. ثُمَّ تَرَفَّعَ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ عِنْدَ الْمَشْهَدِ وَقَالَ: يَا مَوْلَايَ يَا إِمَامِي، عَبْدُكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ أَوْ فُلَانِي زَائِرًا لِمَشْهَدِكَ، يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ وَإِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَإِلَيْكَ، يَرْجُو بِذَلِكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتُهُ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ، فَاعْفُ لَهُ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسْتَجِيبَ لِي فِيهِ وَفِي جَمِيعِ إِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (1).

16 / 5 دعای چهارم، پس از زیارت نیابتی

تهذیب الأحكام: باب آنچه زائر به هنگام نیابت از کس دیگری می گوید [و باید بگوید] : خدایا! فلانی پسر فلانی، مرا به سوی مولای خودش و مولای خودم، روانه کرده تا از جانبش زیارت کنم، به امید پاداش فراوان و گریز از سختگیری در حساب [قیامت]. خدایا! او با اولیایت که به تو راه می نمایند، به توری کرده تا گناهانش را بیامرزی و زشتکاری هایش را از دوشش برداری و نزد مرقد امامش _ که درودهای خدا بر او باد _ با ایشان به تو توسل جسته است. خدایا! از او بپذیر و شفاعت اولیایش _ که درودهای خدا بر ایشان باد _ را در باره او بپذیر. خدایا! بر حُسن نیتش و درستی عقیده و درستی دوستی اش، بهترین پاداشی را که به یکی از بندگان باایمانت می دهی، به او بده و نعمت هایی را که به او بخشیده ای، برایش استمرار بخش و او را در آنچه به وی داده ای، به کار شایسته وادار و مرا آخرین فرستاده ای که او به نیابت می فرستد، قرار مده. خدایا! او را از آتش، نجات ده و روزی پاک و حلالیت را بر او گسترده کن و او را از همراهان محمّد و خاندان محمّد، قرار ده و فرزند و دارایی و خانواده و هر چه را دارد، برایش مبارک گردان. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و میان او (روانه کننده) و گناهانش، جدایی انداز تا از تو سرپیچی نکند، و او را بر اطاعت از تو و اولیایت، یاری ده تا هر جا که فرمانش داده ای، او را غایب بینی و هر جا که نهیش کرده ای، حاضر بینی. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و او (روانه کننده) را بیامرز و بروی، رحم آور و از او و همه مردان و زنان باایمان، در گذر. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و او را از هراس در آمدن به محشر و بی تابی روز قیامت و بدی بازگشتگاه، و تاریکی و تنهایی قبر، و از جایگاه های رسوایی در دنیا و آخرت، پناهش ده. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و جایزه اش را در این جایگاه من [که به نیابت از اوست]، آمرزشت، و رهاورد او را در این ایستادن من [به نیابتش] نزد این امام _ که درود خدا بر او باد _، پذیرش عذر لغزشش و قبول پوزش خواهی او قرار ده و از خطای او در گذر، و پرهیزگاری و نیز هر خیری را که نزد توست، توشه راه آخرتش قرار ده و او را در زمره محمّد و خاندانش در آور و او و پدر و مادرش را بیامرز، که تو بهترین کسی هستی که به او رغبت می شود و بهترین کسی هستی که بندگان، در خواست هایشان به او اعتماد می کنند. خدایا! برای هر کسی که زائری را روانه کند، جایزه ای، و برای هر زائری، تکریمی هست. جایزه او را به خاطر [روانه داشتن من و] ایستادنم در این جا، آمرزش و بهشتت برای او و همه برادران و خواهران ایمانی قرار ده. خدایا! من، بنده خطاکار گنهکار اقرار کننده به گناهانم هستم. خدایا! از تو به حقّ محمّد و خاندان محمّد می خواهم که پس از آن پاداش و ثواب [به آنان]، مرا نیز از عطای افزون و تقصّل کریمانه ات، محروم مگذاری. سپس، رو به قبله و نزد مرقد، دست هایت را رو به آسمان، بالا ببر و بگو: ای مولای من، ای امام من! بنده ات، فلانی پسر فلانی، مرا به زیارت مرقدت روانه کرده و با آن، به خداوندت و به پیامبر خدا و به تو، تقرّب جسته است و رهایی اش را از کیفر آتش، امید می برد. او و همه مردان و زنان باایمان را بیامرز، یا اللّهُ یا اللّهُ، یا اللّهُ یا اللّهُ، یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ! جز خداوند بزرگوار، خدایی نیست. جز خداوند والای بزرگ، خدایی نیست. از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و دعای مرا در حقّ او، خودم و همه برادران و خواهران [ایمانی]، و فرزندان و خاندانم، به جود و کرمّت اجابت کنی، ای مهربان ترین مهربانان!

بخش چهاردهم : مزار امام حسین علیه السلام

اشاره

تاریخچه بنای حرم امام حسین علیه السلام

فصل یکم: ارزش بارگاه امام حسین علیه السلام

فصل دوم: شفاخواهی با تربت مزار امام حسین علیه السلام

فصل سوم: دیگر برکات تربت امام حسین علیه السلام

توضیحی در باره برکات تربت امام حسین علیه السلام و شفا خواستن با آن

تاریخچه بنای حرم امام حسین علیه السلام

اشاره

(1)

مزار امام علیه السلام در قرن اول هجری

پس از شهادت امام حسین علیه السلام و آن گاه که دشمنان، میدان جنگ را با بدن های برهنه شهیدان، ترك کردند، طایفه بنی اسد _ که از دوستداران اهل بیت علیهم السلام بودند و مسکن آنان، غاضریّه بود _، در میدان، حاضر شدند و شهدای کربلا را دفن کردند. (2)

اهمیتی که آنان برای امام حسین، فرزندش علی اکبر و برادرش عباس علیهم السلام، قاتل بودند سبب شد برای هر يك از آن بزرگواران مزاری ایجاد گردد. مزاری هم برای سایر شهیدان برپا شد که بعدها به حرم امام حسین علیه السلام ملحق گردید. جابر بن عبد الله بن حزام انصاری، روز اربعین شهادت امام حسین علیه السلام، وارد کربلا شد و بر سر مزار امام علیه السلام رفت. (3) این، نشان از آن دارد که قبر، کاملاً مشخص و معین بوده است. چهار سال بعد از حادثه کربلا، در سال 65 هجری، توأیین، به فرماندهی سلیمان

1- سامان دهی نهایی این مقاله توسط فاضل ارجمند، جناب آقای رسول جعفریان، انجام گرفته است.

2- ر. ک: ج 7 ص 425 (بخش نهم / فصل سوم / به خاک سپارندگان امام علیه السلام و یارانش).

3- .. ر. ک: ص 97 (بخش سیزدهم / فصل دوازدهم / زیارت جابر بن عبد الله انصاری) و ج 8 ص 385 (بخش نهم / فصل هشتم / نخستین زائر قبر امام حسین علیه السلام از مردم).

بن صُرْد خُزاعی ، پیش از رفتن به سوی شام ، از کوفه عازم کربلا شدند و چنان که مردمان در اطراف حجر الأسود ، گرد می آیند ، بر سرِ قبر امام علیه السلام جمع شده ، سوگواری کردند و انبوهی جمعیت در کنار قبر او ، بیش از انبوهی مردم در کنار حجر الأسود بود . (1) این هم نشانی از آن است که چهار سال پس از واقعه عاشورا ، قبری برای امام حسین علیه السلام وجود داشته و شیعیان کوفه ، به زیارت آن می شناخته اند . به روایت خوارزمی ، مختار بن ابی عبید ، اندکی پیش از قیامش در کوفه ، علی القاعده در سال 66 هجری ، زمانی که از مکه به کوفه می آمد ، ابتدا به قادسیه و از آن جا به کربلا بر سرِ قبر امام حسین علیه السلام رفت و آن را زیارت کرد . وی ، خطاب به امام علیه السلام گفت : «لباسم را از تنم در نخواهم آورد ، مگر آن که از کسی که تو را کُشت و با تو جنگید ، انتقام بگیرم ، یا آن که کُشته گردم» و آن گاه با قبر ، وداع کرد . (2) در نقل دیگری آمده است که مصعب بن زبیر ، در وقت رفتن به جنگ با عبد الملک بن مروان ، در سال 71 یا 72 هجری ، بر سرِ مزار امام حسین علیه السلام آمد . در این نقل ، آمده است : فَلَمَّا بَلَغَ الْحَاثِرَ دَخَلَ ، فَوَقَّفَ عَلَى قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (3) وقتی به حرم رسید ، وارد شد و کنار قبر حسین علیه السلام ایستاد . از این عبارت ، چنین برداشت شده است که دستِ کم ، سایبانی روی مزار امام علیه السلام بوده است .

1- ر . ك : تاريخ الطبری : ج 5 ص 590 .

2- مقتل الحسين عليه السلام ، خوارزمی : ج 2 ص 238 .

3- ر . ك : ج 9 ص 72 ح 2487 .

روایات فراوانی دلالت دارند که شیعیان، از زمان امام زین العابدین علیه السلام، به زیارت مزار امام حسین علیه السلام می رفته اند. خود امام زین العابدین علیه السلام نیز گاه گاهی از محلی که در بادیه برای زندگی انتخاب کرده بود، راهی عراق می شد و به زیارت قبر پدر بزرگوارش می شتافت. (1)

مزار امام علیه السلام در قرن دوم هجری

ده ها روایت از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام وجود دارد که از شیعیان می خواهند تا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروند. (2) گرچه به لحاظ سیاسی، دشوار است که بپذیریم در دوره امویان، بر قبر امام حسین علیه السلام بنایی هر چند مختصر، بوده است، اما اشاراتی در برخی از نقل ها آمده است. برای نمونه، از حسین بن ابی حمزه، نقل شده است: در اواخر دوره اموی، حرکت کردم و قصد زیارت قبر حسین علیه السلام را داشتم... تا بر در حرم، قرار گرفتم. (3) در برخی از این نقل ها، از زبان امام صادق علیه السلام، به وجود حائر (حرم) و باب (درگاه) و سقیفه (سایبان)، اشاره شده است. حتی در احادیثی از امام صادق علیه السلام، از «الباب الذی یلی المشرق (دری که سمت مشرق است)» (4) «الباب الذی عند رجل علی بن الحسین علیه السلام (دری که نزد پای علی اکبر است)» (5) و نیز «خارج القبة»

1- الإقبال: ج 2 ص 273.

2- .. ر. ك: ج 10 ص 441 (بخش سیزدهم / فصل یکم: فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و زائرش).

3- ر. ك: ج 11 ص 131 ح 3154.

4- ر. ك: ج 11 ص 355 ح 3236.

5- ر. ك: ج 11 ص 317 ح 3232.

(بیرون گنبد)» (1)، سخن به میان آمده است. همه اینها، حکایت از آن دارد که پیش از سال 148 هجری _ که سال رحلت امام صادق علیه السلام است _، بر مزار امام حسین علیه السلام، بنایی هر چند مختصر، بوده است. جسارت به قبر امام حسین علیه السلام، می تواند از دوران سختگیری هارون الرشید (خلافت از 170 - 193 ق) نسبت به علویان، آغاز شده باشد. اشاراتی در این باره در برخی از منابع، آمده است. (2) گفته شده در نزدیکی قبر امام حسین علیه السلام، درخت سِدْری بوده است که آن را کُتَدند. تحلیل شیعیان، این بود که هدف از این کار، «تغییرِ مَصْرَعِ الحسین (تغییر دادن قتلگاه حسین علیه السلام)» بوده تا مردم از محلّ آن، آگاه نباشند و قبر ایشان را نیابند. (3) هشام بن محمد کلبی هم خبری از آب انداختن بر قبر حسین علیه السلام، نقل کرده است. (4) در این خبر، از فردی از بنی اسد (طایفه ای که بیشتر آنان، شیعه بودند)، یاد شده است که دوباره آمد و محلّ قبر را معلوم ساخت. از آن جا که هشام کلبی، متوفّای 205 یا 206 هجری است، این تخریب، نباید مربوط به زمان متوکلّ عبّاسی (خلافت از 232 - 247 ق) باشد و یقیناً قبل از آن، روی داده است؛ زیرا چنان که خواهد آمد، تخریب ها و برخوردهای انجام شده در زمان متوکلّ (واقعه هائله)، مربوط به سال های 236 تا 247 هجری است. در منابعی که این خبر آمده، (5) از همان شخص اسدی نقل شده که هدف، مخفی

1- ر. ک: ج 11 ص 297 ح 3231.

2- الأمالی، طوسی: ص 321 ح 649.

3- الأمالی، طوسی: ص 325 ش 651.

4- الأمالی، شجری: ص 162.

5- الدرّ النظیم: ص 572؛ تاریخ دمشق: ج 14 ص 245، تهذیب الکمال: ج 6 ص 444.

کردن قبر امام علیه السلام از چشم دوستدارانش بوده است: *أَرَادُوا لِيُخْفُوا قَبْرَهُ عَن وَلِيَّهِ فَطِيبُ تُرَابِ الْقَبْرِ دَلَّ عَلَى الْقَبْرِ*. تصمیم داشتند که قبرش را از دوستش پنهان کنند؛ اما عطر خاک قبر، خود، نشان آن بود. ابن کثیر، با نقل این خبر، (1) این استنباط غلط را دارد که تا آن زمان، محلّ قبر امام علیه السلام مشخص نبوده است، در حالی که درست به عکس، این خبر، نشان از آن دارد که توطئه ای از سوی دستگاه خلافت برای از میان بردن آثار قبر امام علیه السلام، در کار بوده است. در منبعی دیگر، پس از نقل این خبر، آمده است که آب بستن به قبر حسین علیه السلام، یک بار در عصر اُمویان، و بار دیگر در عصر عبّاسیان بوده است. (2) باید گفت: هر چه رُخ داده و در زمان هر خلیفه ای که بوده، می توان یقین کرد که بار دیگر، بنایی بر روی مزار امام حسین علیه السلام ساخته شده است که از چگونگی آن و یا بانی آن، اطلاعی نداریم؛ اما در هر صورت، باید کار شیعیان نواحی عراق باشد. این، همان بنایی است که مردمان، تا روزگار متوکل، به زیارت آن می رفتند.

مزار امام علیه السلام در قرن سوم هجری

مهم ترین جسارت نسبت به مزار امام حسین علیه السلام در تاریخ، مربوط به متوکل عبّاسی است. 3 وی از سال 232 تا 247 ق، تحت تأثیر اهل حدیث متعصب بغداد، بر امور،

1- البدایة والنهائة: ج 8 ص 203.

2- الحدائق الوردیة: ج 1 ص 129.

سیطره داشت. منابع تاریخی، وی را دشمن اهل بیت علیهم السلام دانسته اند و گفته اند که دشمنی سختی با علی بن ابی طالب علیه السلام و خانواده اش داشت. (1) ابو الفرج اصفهانی هم در وصف او نوشته است: متوکل، خاندان ابو طالب را سخت، تحت فشار قرار می داد و نسبت به آنها خشم و کینه داشت. (2) بر این اساس بود که متوکل، تصمیم گرفت مرقد امام حسین علیه السلام را که مهم ترین نماد تشیع بود، ویران کند. در همین منبع، در علت این اقدام، آمده است که متوکل، زن آوازه خوانی را طلبید. وقتی به او گفتند که وی به زیارت امام حسین علیه السلام رفته است، خشمگین شده، دست به این اقدام زد. اگر این خبر صحیح داشته باشد، صرفاً باید يك بهانه باشد.

1- الکامل فی التاریخ: ج 4 ص 318.

2- مقاتل الطالبیین: ص 478.

طبری، این واقعه را ذیل رویدادهای سال 236 هجری گزارش کرده و نوشته است: متوکل، دستور داد که قبر حسین بن علی علیه السلام و خانه ها و اماکن اطراف آن را ویران کنند. (1) متوکل، ضمن انهدام مرقد، با گذاشتن نگهبانان در راه های ورودی به آن جا، دستور داد که هر زائری را در مسیر یافتند، دستگیر کرده، او را یا بکشند و یا به شدت، تنبیه کنند. (2) از برخی روایات، چنین به دست می آید که شیعیان، نگران فشارهای حکومت برای زائران بوده اند؛ اما امامان علیهم السلام بر رفتن به زیارت، تأکید داشته اند. (3) خبری که شیخ طوسی روایت کرده، آن است که متوکل در سال 237 هجری، لشکری را برای انهدام قبر فرستاد؛ اما اهالی شهرهای عراق، شورش کردند و مانع شدند. این کار، متوقف شد تا آن که آن را در سال 247 هجری به انجام رساند و مردم را تهدید کردند که هیچ تعهدی در قبال جان زائران، وجود ندارد. (4) گرچه به نظر می رسد که روایت شیخ طوسی، جزئیاتی در این باره دارد، اما بر اساس منابعی چون طبری (5) و مسعودی (6)، باید بپذیریم که یورش، در همان سال 236 هجری، آغاز شده و به تدریج بر محدودیت ها، افزوده شده است. ابن عساکر، نوشته است که متوکل، در سال 236 ق، دستور انهدام قبر امام

1- مقاتل الطالبيين: ص 478.

2- تاریخ الطبری: ج 9 ص 185، المنتظم: ج 11 ص 237، الكامل فی التاريخ: ج 4 ص 318.

3- ر. ک: ج 10 ص 441 (بخش سیزدهم / فصل یکم: فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و زائرش).

4- الأمالی، طوسی: ص 328 ش 656.

5- تاریخ الطبری: ج 9 ص 185.

6- مروج الذهب: ج 4 ص 135.

حسین علیه السلام را صادر کرد. پس، خانه های اطراف قبر را تخریب و همه را مزرعه کردند و مردم را از زیارت آن قبر، منع کرده، آن جا را به صحرا، تبدیل نمودند. مسلمانان، از این کار، ناراحت شدند و مردمان بغداد، بر روی بام منازل و مساجد، متوکل را دشنام دادند و شعرا، او را هجو کردند. (1) متوکل، به سال 247 ق، کشته شد. عبد الله بن دانیه می گوید که در همین سال، مخفیانه به زیارت امام علی علیه السلام رفته و وقتی به کربلا رسیده، آن جا را صحرا و پُر از آب، دیده است. (2) به نظر می رسد مرقد امام حسین علیه السلام که مورد علاقه اعراب مناطق عراق بوده، مجدداً و به زودی ساخته شده است. نوشته اند که منتصر عباسی که طی سال های 247 و 248 هجری خلافت کرد، دوباره، مزار امام حسین علیه السلام را بر پا داشت. (3) مسعودی هم از حُسن برخورد منتصر با زائران امام حسین علیه السلام سخن گفته است. (4) در خبری، از فرو ریختن سقف مرقد امام حسین علیه السلام در سال 273 ق، یاد شده است (5) که نشان از بازسازی بنای روی مرقد دارد.

مزار امام علیه السلام در قرن چهارم هجری

آل بویه که برای نخستین بار در سال 334 ق، وارد بغداد شدند، فضای عراق را که برای شیعه آماده بود، کاملاً متحوّل کردند. شیعیان، تا حدود یک قرن بعد از آن

1- ر. ک: تاریخ دمشق: ج 72 ص 167.

2- الأُمّالی، طوسی: ص 329 ش 657.

3- المناقب، ابن شهر آشوب: ج 2 ص 211.

4- مروج الذهب: ج 4 ص 135.

5- تهذیب الأحکام: ج 6 ص 111.

_ که آل بویه در عراق بودند (447 ق) _، پشتیبانی مستحکم در عراق و ایران داشتند. یکی از مظاهر حمایت آل بویه از شیعیان، رسیدگی به عتبات مقدّس عراق و عمارت حرم ائمه علیهم السلام در شهرهای مختلف آن و نیز رسیدگی به سادات مقیم این شهرها بود. در دوره سلطنت آل بویه، امیران محلی دیگری هم در عراق بودند که شیعه و علاقه مند به بازسازی حرم امام حسین علیه السلام بودند. در سال 368 ق، به فرمان عمران بن شاهین (مؤسس سلسله شاهینیه در منطقه بطیحه)، رواق هایی در حرم های امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، ساخته شد. (1) وی امیری محلی بود که کسی از خاندان بویه، قادر به آرام ساختن وی نبود و در سال 369 ق، در گذشت. (2) عضد الدوله، بزرگ ترین سلطان بویه ای، در سال 371 ق، به زیارت نجف و کربلا رفت و کمک های بسیاری به فقرای این دو شهر کرد. (3) نیز زمانی که ضبّه بن محمد اسدی، به کربلا یورش برد و حرم را غارت کرد، توسط نیروهای عضد الدوله، تعقیب، دستگیر و مجازات شد. (4) ساکنان شهرهای کربلا و نجف، در تمام ادوار، همگی از شیعیان بوده اند و این دو شهر، از اساس، به عنوان دو شهر شیعه بنیان گذاری شده بود. طبیعی است که مردم عرب و قبایل اطراف، نهایت توجه را نسبت به مرقد های آن بزرگواران داشتند. این، بزرگ ترین حمایت از برقراری و پایداری بناهای ساخته شده بود.

1- فرحة الغری: ص 148، إرشاد القلوب: ص 438.

2- البداية والنهاية: ج 11 ص 295.

3- فرحة الغری: ص 132.

4- الكامل فی التاريخ: ج 5 ص 440.

دو اقدام مهم برای حفظ آبادی عتبات، یکی فراهم کردن آب این شهرها و دیگری، کشیدن دیوار در اطراف آنها بود که معمولاً بانیان خیر، از میان حاکمان و دولت مردان، دست به این اقدامات می زدند.

مزار امام علیه السلام در قرن پنجم هجری

در آغاز قرن پنجم هجری، برخی از بادیه نشینان _ که زندگی سختی داشتند _، به کربلا یورش آوردند. این امر، سبب شد تا در سال 400 ق، با حمایت حسن بن فضل بن سهلان رامهرمزی، وزیر بهاء الدوله بویه، دیواری دور شهر کربلا کشیده شود. (1) اخباری حکایت از آن دارد که کشیدن این دیوار تا سال 403 ق، ادامه یافته است. (2) در چهاردهم ربیع اول سال 407 ق، به دلیل بی احتیاطی، حرم مطهر امام حسین علیه السلام آتش گرفت (3) که علی القاعده، باید به سرعت، بازسازی شده باشد. در این زمان، خاندان بویه، گرچه ضعیف شده بودند، اما هنوز در بغداد، حکمرانی می کردند. جلال الدوله ابو طاهر، فرزند بهاء الدوله، در سال 431 ق، با تواضع تمام، به زیارت عتبات مقدس عراق رفت. وی از يك فرسنگ پیش از رسیدن به حرم امام حسین علیه السلام، پیاده شد و پا برهنه به زیارت رفت. (4) سال 479 ق، سلطان ابو الفتح ملك شاه سلجوقی، مرقد مطهر امام علیه السلام را زیارت کرد و دستور تعمیر دیوارهای آن را صادر نمود. (5)

-
- 1- المنتظم: ج 15 ص 70.
 - 2- المنتظم: ج 15 ص 159 _ 160.
 - 3- المنتظم: ج 15 ص 120، الکامل فی التاریخ: ج 5 ص 635.
 - 4- .. المنتظم: ج 15 ص 274.
 - 5- المنتظم: ج 16 ص 259.

مزار امام علیه السلام در قرن ششم هجری

از نیمه دوم قرن پنجم تا نیمه نخست قرن هفتم، کثرت شیعیان در عراق، از یک سو، و حضور برخی از وزیران و امیران شیعی در مناطقی از عراق، مانند آل مزید در حله، از سوی دیگر سبب توجه خاص به عتبات بود. در این میان، گاه مشکلاتی هم پدید می آمد. برای نمونه، گفته شده است که مسترشد عباسی، در سال 529 ق، اموال خزانه حرم امام حسین علیه السلام را تصرف کرد و گفت: «قبر، گنجینه لازم ندارد!» وی، این اموال را صرف سپاهیان کرد که عاقبت به خیر هم نشد. (1)

مزار امام علیه السلام در قرن هفتم هجری

سقوط عباسیان، مانع عمده ای را از سر راه شیعیان برداشت. در دوره ایلخانان مغول (656 - 736 ق)، بخصوص در روزگار غازان خان و سلطان محمد خدابنده، معروف به الجایتو، به دلیل تمایلات شیعی آنان، توجه خاصی به تمام مزارهای اهل بیت علیهم السلام در عراق شد. حرم امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام دائماً زیارت می شد و به اصلاح و تعمیر و گسترش آنها، همت گمارده می شد. (2) چنان که برای آبادانی آن منطقه نیز اقداماتی صورت گرفت که از آن جمله، کندن نهری به نام «نهر غازی» در اطراف حله برای شیعیان بود. (3) غازان، در سال 694 ق، (4) مسلمان شد و در سال 696 (5) و 698 ق، (6) به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام رفت. در این سفرها، به طور معمول، اموالی هم میان علویان

1- المناقب، ابن شهر آشوب: ج 2 ص 348.

2- الحوادث الجامعة والتجارب النافعة في المئة السابعة: ص 233.

3- تاریخ العراق بین احتلالین: ج 1 ص 382، الحوادث الجامعة والتجارب النافعة في المئة السابعة: ص 235.

4- تاریخ العراق بین احتلالین: ج 1 ص 367.

5- تاریخ العراق بین احتلالین: ج 1 ص 376، الحوادث الجامعة والتجارب النافعة في المئة السابعة: ص 233.

6- تاریخ العراق بین احتلالین: ج 1 ص 382، الحوادث الجامعة والتجارب النافعة في المئة السابعة: ص 235.

مقیم عتبات ، تقسیم می شد.

مزار امام علیه السلام در قرن هشتم هجری

آل جلایر که از سال 736 تا 814 ق ، بر عراق ، مستولی بودند نیز اقداماتی در زمینه عمارت مزار امام حسین علیه السلام داشتند. تاریخ کتیبه ای در حرم امام حسین علیه السلام ، سال 767 هجری ، را سال بنای آن بخش ، نشان می دهد . (1) بانی آبادی این قسمت از حرم ، مرجان امین الدین بن عبد الله ، حاکم عراق از سوی جلایریان بود. سلطان احمد جلایری نیز در سال 786 ق ، دو مناره برای حرم امام حسین علیه السلام بنا کرد. (2) تیمور گورکانی نیز _ که در سال 795 ق ، بغداد را تصرف کرد _ ، به زیارت امام حسین علیه السلام رفت و هدایایی به علویان شهر داد. (3)

مزار امام علیه السلام در قرن نهم هجری

ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو ، به امور عتبات مقدّس در عراق ، توجه داشتند . میر اسپهبد میرزا ، از امیران قراقویونلو _ که گفته اند به خاطر پیروزی ابن فهد حلی در مناظره با علمای اهل سنت ، شیعه شده بود _ ، توجه خاصی نسبت به کربلا ، مبدول می داشت. (4) وقف نامه ای هم برای در ضریح امام حسین علیه السلام از روزگار دولت ترکمانان یافت شده که بر اساس آن ، مقدار قابل توجهی از اراضی کربلا ، به وسیله آنان وقف حرم امام حسین علیه السلام شده است . شگفت ، آن که به نقل از برخی منابع ، ملا علی بن محمد بن فلاح ، از امیران خاندان مُشعشعی خوزستان ، در سال 858 ق ، وارد کربلا شد و بسیاری از اموال

1- نزهة أهل الحرمین فی عمارة المشهدین: ص 34.

2- شهر حسین: ص 288 و 289.

3- شهر حسین: ص 290.

4- شهر حسین: ص 292.

حرم را با خود بُرد. (1) این کار، به رغم ادّعی تشیع آنان، صورت گرفت. این وضعیت، بلافاصله توسط امیر پیر بوداق قراقویونلو، جبران گردید. (2)

مزار امام علیه السلام در قرن دهم هجری

صفویان، در سال 907 ق، بر تخت سلطنت ایران نشستند و بیشترین آبادی عتبات مقدّس عراق، پس از روزگار آل بویه، در دورانی صورت گرفت که صفویان، قدرت را در اختیار داشتند (907 _ 1148 ق). صفویان، هر از چندی که بر عراق تسلّط می یافتند، تمام تلاش خود را برای تعمیر، بازسازی و گسترش عتبات به کار می گرفتند. نام صفویان و بعدها قاجاریان، در جای جای عمارات عتبات، نشان از حضور جدّی آنان در عمارت حرم ائمه علیهم السلام در عراق دارد. در دوره شاه اسماعیل (907 - 930 ق)، شاه تهماسب (930 - 984 ق)، شاه عبّاس اوّل (996 - 1038 ق) و شاه صفی (1038 - 1052 ق)، در دوره های کوتاهی که حکومت عثمانی ضعیف می شد، عراق در اختیار دولت صفوی بود و هر بار، بر طبق اسناد و منابع موجود، مهم ترین دغدغه آنان، رسیدگی به امور حرم امامان علیهم السلام و فراهم کردن تسهیلات برای زائران بود. شاه اسماعیل که نخستین بار در سال 914 ق، به عراق، عزیمت کرد و بر آن تسلّط یافت، دستور داد تا شش صندوق زیبا با پوشش پارچه ای بسیار زیبا، برای شش امام مدفون در عراق، بسازند و جای گزین صندوق هایی گردد که پیش از آن، بر روی مزار امامان بود. (3)

1- شهر حسین: ص 293، تاریخ العراق بین احتلالین: ج 3 ص 144.

2- شهر حسین: ص 295، تاریخ العراق بین احتلالین: ج 3 ص 145 و 146.

3- تاریخ جهان گشای خاقان: ص 292.

اما در بیشتر این دوره، عراق، در اختیار عثمانی ها بود. در این دوره، برخی از سلاطین عثمانی، خود به تعمیر حرم امامان مدفون در عراق، از جمله حرم امام حسین علیه السلام می پرداختند. شاه سلیمان عثمانی (سلطنت از 926 - 974 ق) که عراق را از چنگ صفویان در آورد، در سال 941 ق، خود به زیارت امام حسین علیه السلام رفت. (1) عثمانی ها، به صورت طبیعی، اجازه مداخله به دولت صفوی و ایرانیان برای بازسازی و تعمیر دو حرم کربلا و حتی اهدای نذورات و هدایا را نمی دادند و گاهی هم که نذورات و هدایا را می پذیرفتند، در انبارها نهاده می شد. در عوض، برای نشان دادن علاقه خود به اهل بیت علیهم السلام، در این جهت، تلاش هایی کردند. بر پایه اشاراتی که علامه مجلسی در شرح صحن قدیم امام حسین علیه السلام دارد، (2) چنین به دست می آید که در دوره صفوی و به طور خاص در روزگار شاه تهماسب، حرم امام حسین علیه السلام در سمت مخالف قبله، توسعه یافت. تهماسب، در سال 936 ق، بغداد را تصرف کرد و در تلاش برای آبادی عتبات، برخی نهرا را به سوی آنها کشاند. (3)

مزار امام علیه السلام در قرن یازدهم هجری

شاه عباس صفوی، در سال 1032 ق، به زیارت عتبات عراق رفت (4) و در سال 1033 ق، تلاش بسیاری برای تزیینات داخلی حرم امام حسین علیه السلام انجام داد. (5) در سال 1040 ق، نیز شاه صفی به زیارت عتبات رفت. (6) به دستور او بود که مسجد

1- شهر حسین: ص 301.

2- بحار الأنوار: ج 89 ص 89.

3- ر. ک: شهر حسین: ص 306، الحدائق الناضرة: ج 11 ص 464.

4- تاریخ عالم آرای عباسی: ج 2 ص 1005 و 1007، روضة الصفا: ج 8 (ملحقات) ص 433.

5- تاریخ عالم آرای عباسی: ج 2 ص 1011 _ 1012، روضة الصفا: ج 8 (ملحقات) ص 433.

6- روضات الجنّات: ج 2 ص 66.

واقع در پشت سر امام علیه السلام را توسعه دادند ورواقی در شمال حرم ، بنا کردند که به نام «رواق شاه» ، شهرت یافت. دیوار شمالی صحن نیز برچیده و زمین های آن سمت ، خریداری گردید و صحن ، توسعه یافت. این اقدامات ، در سال 1048 ق ، صورت گرفت. (1)

مزار امام علیه السلام در قرن دوازدهم هجری

بعد از آن که دوباره عراق تحت سلطه عثمانی ها در آمد، گاه آگاهی در باره توجه برخی از امرای عثمانی در عراق نسبت به حرم امام حسین علیه السلام نقل شده که از آن جمله، خبر مربوط به حسن پاشا (حاکم بغداد از 1116 تا 1136 ق) است که طی سال های 1127 تا 1129 ق ، تعمیراتی صورت داد. (2) تجدید و بازسازی نهر حسینی ، از جمله اقدامات حسن پاشا بود. وی همچنین در سال 1129 ق ، ایوان بارگاه را تعمیر کرد و کاروان سرای بزرگی هم در شهر کربلا ساخت تا مورد استفاده زائران قرار گیرد . در سال 1133 ق ، در روزگار سلطنت شاه سلطان حسین (1106 - 1135 ق)، صندوقی برای قبر امام حسین علیه السلام ساخته شد که در حمله وهابی ها به کربلا در سال 1216 ق ، صدماتی دید و سال 1219 و 1225 ق ، تعمیراتی در آن صورت گرفت . (3) در روزگار نادرشاه (1148 _ 1160 ق) هم توجه ویژه به عتبات مقدس عراق ، وجود داشت و گفته شده است که همسر او ، گوهرشاه خانم ، دختر شاه سلطان حسین ، مبالغ هنگفتی (بیست هزار نادی) برای تعمیر و تزیین حرم امام حسین علیه السلام ارسال کرد. (4)

1- شهر حسین: ص 318 و 319.

2- تاریخ العراق بین احتلالین : ج 5 ص 189 و 193.

3- شهر حسین: ص 399.

4- موسوعة العتبات المقدسة: ج 8 ص 201، بغية النبلاء: ص 76.

مزار امام علیه السلام در قرن سیزدهم هجری

در دوره قاجار، نسبت به تعمیر و گسترش حرم امام حسین علیه السلام، همان احساس دوره صفوی، بلکه با شدت بیشتر وجود داشت. روابط آنان با عثمانی ها، در این دوره بهتر بود و آنان می توانستند اقدامات بهتر و گسترده تری در مقایسه با زمان صفویان، انجام دهند. آقا محمدخان قاجار، نخستین سلطان این سلسله، در سال 1205 ق، دستور تجدید بنای گنبد و تذهیب و تزئین آن را صادر کرد. (1) اقدامات وی، بویژه در خصوص گنبد، بسیار استوار بوده است. در سفرنامه ناصر الدین شاه نیز از طلاکاری گنبد توسط آقا محمد خان در سال 1287 ق، یاد شده است. (2) در سال 1213 ق، با تلاش آقا سید علی طباطبایی، از مراجع تقلید وقت، راهی میان مزار شهیدان و مرقد امام حسین علیه السلام گشوده شد و همه شهیدان، در یک مقبره قرار گرفتند. (3) در سال 1216 ق، وهابیان به عراق، یورش آوردند و نه تنها کربلا را غارت کردند، بلکه آسیب هایی جدی به حرم، وارد آوردند. آنان، ضریح و صندوق را از جا کاندند و زیورآلاتی را که در آن جا بود، غارت کردند. خبر این غارت، در بسیاری از منابع تاریخی آن دوران، ضبط شده است. در این حمله، تعداد بسیاری از زائران امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند. (4) در سال 1216 ق، به دستور فتحعلی شاه، ضریح تازه ای برای حرم امام حسین علیه السلام

1- تاریخ محمدی: ص 203 _ 206.

2- شهریار جاده ها: ص 121.

3- شهر حسین: ص 347 _ 348.

4- أعيان الشيعة: ج 1 ص 629، تاریخ العراق بين احتلالين: ج 6 ص 144، موسوعة العتبات المقدسة: ج 8 ص 271 و 272، وهابیان: ص 108.

ساخته شد که در سال 1218 ق، نصب گردید. (1) محمّدعلی میرزا، حاکم کرمانشاه، در سال 1220 ق، اقدامات بسیاری برای اصلاح و تعمیر حرم امام حسین علیه السلام انجام داد. (2) به علاوه، کاروان سراهایی نیز برای زائران در میان راه، ساخته شد. گفتنی است که در طول حکومت صفویان و قاجار، موقوفات بسیاری در ایران برای تأمین هزینه های عتبات عراق، زائران و بهبود کاروان سراها و راه ها فراهم آمده بود. در دوره فتحعلی شاه و بعد از آن تا روزگار ناصرالدین شاه، نه تنها سلطان قاجار، بلکه برخی از درباریان، از جمله زنان درباری، مبالغ هنگفتی هزینه حرم امام حسین علیه السلام کردند. همسر فتحعلی شاه، در سال 1232 ق، ایوان مقابل قبر را طلاکاری کرد. (3) همچنین آمده که در سال 1237 ق، همسر فتحعلی شاه (احتمالاً همان همسر پیش گفته) مناره های حرم را طلاکاری کرد. (4) در سال 1258 و 1260 ق، نجیب پاشا، حاکم بغداد، به بهانه مبارزه با اشراک، به کربلا یورش برد و شمار فراوانی از مردم را به قتل رساند. (5) به طور معمول، برای تعمیرات در عتبات، از طرف شاه یا از میان درباریانی که هزینه ها را می پرداختند، کسی انتخاب می شد که بر کار تعمیرات، نظارت داشت. در این میان، برخی از علما، مسئولیت این کار را می پذیرفتند. طی سال های 1270 تا 1286 ق، شیخ عبدالحسین تهرانی، از علمای برجسته وقت، تعمیرات مفصلی را در حرم امام حسین علیه السلام انجام داد. کمک های مالی، از سوی ناصرالدین شاه، ارسال می گردید. (6) گفته اند که بخشی از هزینه های حرم ائمه علیهم السلام، که توسط شیخ عبد

-
- 1- ناسخ التواریخ (بخش قاجاریه): ج 1 ص 116.
 - 2- تاریخ کربلا و حائر الحسین علیه السلام: ص 256 و 257.
 - 3- شهر حسین: ص 400 و 401.
 - 4- شهر حسین: ص 456.
 - 5- ناسخ التواریخ (بخش قاجاریه): ج 2 ص 835، روضات الجنّات: ج 4 ص 199.
 - 6- ناسخ التواریخ (بخش قاجاریه): ج 3 ص 1342. نیز، ر. ک: أحسن الودیعة: ج 1 ص 62.

الحسین هزینه شد، از ثلث مال مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر بوده است. (1) یکی از بهترین توصیف ها از بنای حرم امام حسین علیه السلام در اواخر قرن سیزدهم هجری، از ادیب الملک است که در سال 1273 ق، به عتبات مقدّس عراق، سفر کرده و وصف جامعی از تاریخ حرم و سابقه تعمیرات انجام شده، به دست داده است. (2) گزارش دیگر، مربوط به سال 1280 ق، از سیف الدوله، در دست است. (3) گزارش دیگر نیز از وضعیت حرم در سال 1284 ق، به وسیله عضد الملک، انجام شده است. (4) ناصر الدین شاه هم در سفرنامه عتباتش - که در سال 1287 ق، صورت گرفته - توضیحاتی در باره حرم امام حسین علیه السلام آورده است. (5)

مزار امام علیه السلام در قرن چهاردهم هجری

از حوالی سال 1300 ق، به بعد، تعمیرات فراوانی در حرم امام حسین علیه السلام توسط قاجارها (اعم از شاهان، شاه زادگان یا همراهان آنها)، صورت گرفته است. جزئیات این تعمیرات، در منابع سفرنامه ای و تواریخی که برای این شهرها نوشته شده، آمده است. در این دوره، شماری از تاجران برجسته ایرانی و عراقی نیز در این قبیل اقدامات، سهیم بوده اند. تجّار و سرشناسان مسلمان هند، بویژه از فرقه های اسماعیلیه، نیز در این قبیل امور، مشارکت فعّال داشته اند، که از جمله آنها، سیّد طاهر سیف الدین هندی است که در سال 1355 ق، با دیدن وضعیت اسفبار حرم امام حسین علیه السلام، اقدامات فراوانی انجام داد. (6)

1- الکرام البررة: ج 2 ص 713 _ 714.

2- سفرنامه ادیب الملک: ص 159 _ 164.

3- سفرنامه سیف الدوله: ص 230 _ 232.

4- سفرنامه عضد الملک: ص 161.

5- ر. ک: شهریار جاده ها.

6- تاریخ العراق بین احتلالین: ج 4 ص 116.

در تمام نقاط حرم، به سان دیگر مراکز زیارتی عراق، نام سلاطین صفوی و قاجار، بر روی کتیبه ها دیده می شد که همگی آنها در دوره حکومت صدام حسین، نابود گردید تا آثار ایرانی و فارسی در عتبات، به طور کامل، محو شوند. امروزه، این نام ها تنها در کتاب ها، خاطرات، سفرنامه ها، برخی تصاویر و به احتمال، اسنادی که در آرشیوهای دوره سلطنت عثمانی بر جای مانده، قابل رؤیت اند.

مزار امام علیه السلام در قرن پانزدهم هجری

در زمان سلطه حزب بعث بر عراق، بروز مشکلات سیاسی میان ایران و عراق، سبب شد تا ایرانیان از مشارکت در بازسازی امور عتبات، باز بمانند. آخرین هجوم و تخریب و ایجاد تغییرات در حرم امام حسین علیه السلام و ابو الفضل العباس علیه السلام، در حکومت بعثی ها، در شعبان 1412 (مارس 1991 میلادی)، در انتفاضه و قیام مردم علیه حکومت بعثی اتفاق افتاد و چندین روز متوالی در شهرهای شیعه در جنوب عراق، بویژه شهرهای مقدّس کربلا- و نجف، میان نیروهای بعثی و مردم، درگیری وجود داشت. در کربلا، بسیاری از مردم در خانه های میان حرم امام حسین علیه السلام و حرم عباس علیه السلام، پنهان شده بودند. زمانی که بعثی ها غلبه کردند، تمام این محله و بازار میان آن (موسوم به بازار بین الحَرَمین) را تخریب و فضای میان دو حرم را کاملاً مسطح نمودند؛ جایی که اکنون، آن را «بین الحرمین» می نامند. همچنین نیروهای بعثی پس از سرکوبی قیام مردم در کربلا، پناهندگان به هر دو حرم شریف را به گلوله بستند و عدّه فراوانی را در کنار ضریح مطهر امام حسین علیه السلام، به شهادت رساندند. در حمله بعثی ها، خسارات فراوانی به هر دو بارگاه، وارد شد و از جمله، گنبد های هر دو مزار، بر اثر اصابت گلوله توپ، آسیب دیدند. البته دولت وقت عراق، اندکی بعد، به پاکسازی هر دو حرم و جبران آسیب های وارد

شده به آنها پرداخت . با سقوط حکومت صدام در فروردین 1382 (صفر 1424 / آوریل 2003 م) ، بار دیگر ، روابط میان دو کشور ایران و عراق ، برقرار شده و شیعیان ایرانی ، فرصتی برای مشارکت فعال در بازسازی این عتبات مقدّس ، به دست آورده اند. آنچه تا کنون توسط «دیوان وقف شیعی» عراق و با کمک جوامع و مراجع شیعه و بویژه ایرانیان انجام شده ، بیشتر ، تعمیرات بوده است . همچنین از سال 1385 شمسی ، ساخت ضریح جدیدی برای مرقد امام حسین علیه السلام توسط هنرمندان ایرانی ، آغاز شده است .

الفصل الأول: فضل مزاره 1 / روضة من رياض الجنة كتاب من لا يحضره الفقيه عن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: موضع قبر الحسين عليه السلام منذ يوم دفن فيه روضة من رياض الجنة. (1)

تهذيب الأحكام عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: قبر الحسين عليه السلام عشرون ذراعا مكسرا (2) روضة من رياض الجنة. (3)

كامل الزيارات عن ابن سنان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: قبر الحسين بن علي عليه السلام عشرون ذراعا في عشرين ذراعا مكسرا روضة من رياض الجنة، وفيه معراج الملائكة إلى السماء، وليس من ملك مقرب ولا نبي مرسل إلا وهو يسأل الله أن يزوره، ففوج يهبط، وفوج يصعد. (4)

-
- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 579 ح 3165 و ص 600 ح 3207، ثواب الأعمال: ص 120 ح 43، كامل الزيارات: ص 456 ح 691، جامع الأخبار: ص 82 ح 124، بحار الأنوار: ج 101 ص 111 ح 23.
 - 2- مكسرا: أي مضروبا؛ أي عشرون في عشرين (ملاذ الأختيار: ج 9 ص 183).
 - 3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 72 ح 135، المزار للمفيد: ص 141 ح 4، كامل الزيارات: ص 458 ح 695، المزار الكبير: ص 360 ح 13، مصباح المتهجد: ص 732 وفيه بزيادة «في عشرين ذراعا» بعد «ذراعا»، بحار الأنوار: ج 101 ص 111 ح 29.
 - 4- كامل الزيارات: ص 222 ح 325 و ص 225 ح 332، روضة الواعظين: ص 450 نحوه وفيه «يعرج بأعمال زواره» بدل «الملائكة» بحار الأنوار: ج 101 ص 106 ح 1.

فصل یکم : ارزش بارگاه امام حسین علیه السلام

1 / 1 بوستانی از بوستان های بهشت

کتاب من لا یحضره الفقیه_ به نقل از اسحاق بن عمّار ، از امام صادق علیه السلام_: جایگاه قبر حسین علیه السلام ، از آن روزی که در آن به خاک سپرده شده ، بوستانی از بوستان های بهشت است .

تهذیب الأحکام_ به نقل از عبد الله بن سنان ، از امام صادق علیه السلام_: قبر حسین علیه السلام ، بیست گز در بیست گز ، بوستانی از بوستان های بهشت است .

کامل الزیارات_ به نقل از ابن سنان ، از امام صادق علیه السلام_: قبر حسین بن علی علیه السلام ، بیست گز در بیست گز ، بوستانی از بوستان های بهشت است و عروج فرشتگان به آسمان ، از آن جاست و هیچ فرشته مقرب و پیامبر فرستاده شده ای نیست ، جز آن که از خدا ، [توفیق] زیارت او را می خواهد . پس گروهی ، فرود می آیند و گروهی ، بالا می روند .

كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُرَعَةٌ (1) مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ . (2)

تهذيب الأحكام بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليّ عليهما السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ: ... إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَقَبْرَ وُلْدِكَ بِقَاعِ مِنْ بِقَاعِ الْجَنَّةِ، وَعَرَصَةٌ (3) مِنْ عَرَصَاتِهَا . (4)

1 / 2 إجابة الدعاء تحت قببها كفاية الأثر عن عبد الله بن عباس عن النبيّ صلى الله عليه وآله في فضل زيارة الحسين عليه السلام: إِنَّ الإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتَيْهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ . (5)

الأمامي للطوسي عن محمد بن مسلم: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَإِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ ... (6)

- 1- التُّرَعَةُ _ في الأصل _ : الروضة على المكان المرتفع خاصّة (النهاية: ج 1 ص 187 «ترع»).
- 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 579 ح 3166، ثواب الأعمال: ص 120 ح 43، كامل الزيارات: ص 456 ح 691 كلاهما عن إسحاق بن عمّار، المزار للمفيد: ص 142 ح 5، المزار الكبير: ص 360 ح 14، بحار الأنوار: ج 101 ص 111 ح 23.
- 3- العَرَصَةُ: كلّ بقعة بين الدور واسعة ليس فيها بناء (لسان العرب: ج 7 ص 52 «عرص»).
- 4- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 22 ح 50، المزار للمفيد: ص 228 ح 12، فرحة الغري: ص 77 كلّها عن أبي عامر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، إرشاد القلوب: ص 441، بحار الأنوار: ج 100 ص 121 ح 22.
- 5- كفاية الأثر: ص 17، الصراط المستقيم: ج 2 ص 145، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 82 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 36 ص 286 ح 107.
- 6- الأمامي للطوسي: ص 317 ح 644، بشاره المصطفى: ص 211، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 617 ح 4، إعلام الوري: ج 1 ص 431، بحار الأنوار: ج 101 ص 69 ح 2 وراجع تمام الحديث: في هذه الموسوعة: ج 11 ص 56 ح 3083.

کتاب من لا یحضره الفقیه_ از امام صادق علیه السلام_: جایگاه قبر حسین علیه السلام، باغی از باغ های برین بهشت است .

تهذیب الأحکام_ به سندش ، از امام حسین علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «... خداوند، قبر تو و قبر فرزندان را مکانی از مکان های بهشت و عرصه ای از عرصه های آن، قرار داده است» .

1 / 2 مستجاب شدن دعا زیر گنبدش

کفایة الأثر_ به نقل از عبد الله بن عباس ، از پیامبر صلی الله علیه و آله ، در بیان فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام_: مستجاب شدن دعا، زیر گنبد او، و شفا، در تربت اوست و امامان، از نسل اویند .

الأمالی ، طوسی_ به نقل از محمد بن مسلم_: شنیدم که امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام می فرمایند: «خداوند متعال، کشته شدن حسین علیه السلام را با قرار دادن امامت در نسل او، شفا در تربت او و استجابت دعا نزد قبرش، عوض داد...» .

فضل زيارة الحسين عليه السلام عن خالد بن إياس الحرّاني عن أبي عبد الله جعفر بن محمد [الصادق] عليه السلام: مَنْ لاذَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَاسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ، وَسَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ، إِلَّا أَجَارَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَأَعْطَاهُ الْجَنَّةَ. (1)

المزار الكبير- في زيارة النَّاحِيَةِ -: السَّلَامُ عَلَى مَنْ جُعِلَ الشُّفَاءُ فِي تُرْبَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ. (2)

المزار للمفيد عن أبي الحسن العسكري عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَوَاطِنَ يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَجِيبُ، وَإِنَّ حَائِرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنْ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ. (3)

فرحة الغري عن حسان بن مهران الجمال: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حَسَّانُ، أَتَزُورُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَبْلَكُمْ؟ قُلْتُ: أَيُّ الشُّهَدَاءِ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَحُسَيْنٌ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. قُلْتُ: إِنَّا لَنَزُورُهُمَا فَنُكْثِرُ. قَالَ: أَوْلَيْكَ الشُّهَدَاءُ الْمَرْزُوقُونَ فَرُورُهُمْ، وَأَفْزَعُوا عِنْدَهُمْ بِحَوَائِجِكُمْ؛ فَلَوْ يَكُونُونَ مِنَّا كَمَوْضِعِهِمْ مِنْكُمْ لَأَتَّخَذْنَاهُمْ هِجْرَةً (4). (5)

1- فضل زيارة الحسين عليه السلام: ص 54 ح 34.

2- المزار الكبير: ص 497 ح 9، بحار الأنوار: ج 101 ص 234 ح 38.

3- المزار للمفيد: ص 209 ح 2، المزار الكبير: ص 595 ح 2، تحف العقول: ص 482 عن الإمام الهادي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 102 ص 257.

4- قال العلامة المجلسي قدس سره: قوله: «لأخذناهم هجرة»، أي لهجرنا إليهم، واتخذنا عندهم وطناً، ويدل على رجحان المجاورة عندهم (بحار الأنوار ج 100 ص 261).

5- فرحة الغري: ص 79، بحار الأنوار: ج 100 ص 261 ح 12.

فضل زیارة الحسین علیه السلام_ به نقل از خالد بن ایاس حرّانی ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس به قبر حسین علیه السلام پناه ببرد و از آتش ، پناه گیرد و بهشت را از خدا بخواهد ، خداوند ، او را از آتش ، پناه داده ، بهشت را به او عطا می کند .

المزار الکبیر_ در زیارت ناحیه_: سلام بر آن کسی که شفا در تربت او قرار داده شد! سلام بر کسی که اجابت [دعا] ، زیر گنبد اوست !

المزار ، مفید_ از امام عسکری علیه السلام_: برای خدای متعال ، جایگاه هایی است که دوست دارد در آن جا خوانده شود تا اجابت کند و مرقد حسین علیه السلام ، از آن جایگاه هاست .

فَرَحَةُ الْغَرَى_ به نقل از حَسَّان بن مِهْران جَمَّال_: امام صادق علیه السلام فرمود : «ای حَسَّان ! آیا قبور شهیدان در کنارتان را زیارت می کنید ؟» . گفتم : کدام شهیدان ؟ فرمود : «علی علیه السلام و حسین علیه السلام را» . گفتم : ما آن دو را بسیار زیارت می کنیم . فرمود : «اینان ، شهیدان روزی خوارند . (1) آنها را زیارت کنید و حاجت هایتان را در کنار آنان ، [به خدا] عرضه کنید ، که اگر مانند شما به ما نزدیک بودند ، آنها را مهاجرتگاه [و مجاور] خویش قرار می دادیم » .

1- اشاره به آیه های 169 تا 174 از سوره آل عمران دارد که می فرماید : « [ای پیامبر!] هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شده اند ، مُردگان اند ؛ بلکه آنان ، زنده اند و نزد پروردگارشان ، روزی داده می شوند ... » .

تهذيب الأحكام عن ابن أبي عمير عن رجل عن أبي جعفر [الباقر] عليه السلام لِرَجُلٍ: يَا فُلَانُ، مَا يَمْنَعُكَ إِذَا عَرَضَتْ لَكَ حَاجَةٌ أَنْ تَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتُصَلِّيَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ؟ فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ عِنْدَهُ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَالصَّلَاةَ النَّافِلَةَ تَعْدِلُ عِنْدَهُ عُمْرَةً. (1)

فضل زيارة الحسين عليه السلام عن ابن عيينة: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ قَبْلَكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ فَصَلَّى عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَةً إِلَّا أُجِيبَ - يَعْنِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (2) - .

عدّة الداعي: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَقِفْ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلْيَقُلْ: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَأَنْتَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ، فَاسْأَلْ رَبِّكَ وَرَبِّي فِي قَضَائِ حَوَائِجِي»، فَإِنَّهَا تُقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (3)

ثواب الأعمال عن بشير الدهان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِهِ. ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَدَسُّ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ، فَإِذَا أَتَاهُ نَاجَاهُ اللَّهُ، فَقَالَ: عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ، أَدْعُنِي أُجِبْكَ، أَطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ، سَلْنِي حَاجَتَكَ أَقْضِيهَا لَكَ. قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَدَلَ. (4)

-
- 1- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 73 ح 141، المزار للمفيد: ص 133 ح 1، كامل الزيارات: ص 433 ح 664، المزار الكبير: ص 354 ح 1، بحار الأنوار: ج 101 ص 82 ح 7.
 - 2- فضل زيارة الحسين عليه السلام: ص 53 ح 32 و 33 نحوه.
 - 3- عدّة الداعي: ص 56.
 - 4- ثواب الأعمال: ص 117 ح 32، المزار للمفيد: ص 31 ح 2، كامل الزيارات: ص 253 ح 379، المزار الكبير: ص 342 ح 5، بحار الأنوار: ج 101 ص 24 ح 21.

تهذيب الأحكام_ به نقل از ابن ابی عمیر ، از مردی ، از امام باقر علیه السلام ، خطاب به مردی _: ای فلانی ! چه چیز ، تو را باز می دارد از این که چون حاجتی پیدا می کنی ، به نزد قبر حسین علیه السلام در آیی و چهار رکعت نماز در آن جا بخوانی و سپس ، حاجتت را بخواهی ؟ بی تردید ، نماز واجب نزد آن ، برابر با يك حج است و نماز نافله نزد آن ، برابر با يك عمره است .

فضل زیارة الحسین علیه السلام_ به نقل از ابن عیینة _: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید : «در کنار شما ، قبری است که هیچ گرفتاری نزد آن نمی آید و دو رکعت یا چهار رکعت نماز نزد آن نمی خواند و سپس از خدا حاجتش را نمی طلبد ، مگر آن که دعایش مستجاب می شود» و مقصودش ، قبر حسین علیه السلام بود .

عُدَّة الداعی : از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس حاجتی از خدای عزوجل دارد ، نزد قبر حسین علیه السلام بایستد و بگوید : «ای ابا عبد الله ! گواهی می دهم که تو ، بر جایگاهم شاهدهی و سخنم را می شنوی و تو زنده ای و نزد پروردگارت ، روزی می خوری . پس ، از پروردگارت و پروردگار من ، بر آوردن حوائج مرا بخواه» ، که بی تردید ، حاجتش برآورده می شود ، إن شاء الله تعالی !

ثواب الأعمال_ به نقل از بشیر دهمان ، از امام صادق علیه السلام _: کسی که به سوی قبر حسین علیه السلام بیرون می رود ، در نخستین گامی که از خانواده اش فاصله می گیرد ، گناهانش آمرزیده می شود . سپس ، گام به گام ، پاك می شود تا به قبر برسد . چون به آن جا می رسد ، خداوند ، با او راز می گوید و می فرماید : «بنده من ! بخواه تا به تو عطا کنم . بخوان تا تو را اجابت کنم . از من بطلب تا به تو ببخشم . حاجتت را از من بخواه تا برایت برآورده کنم .» خداوند بر خود ، لازم کرده که آنچه را زائر [در این راه] هزینه کرده ، [به او] عطا نماید .

كامل الزيارات عن ابن أبي يعفور: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعَانِي الشُّوقُ إِلَيْكَ أَنْ تَجَسَّمْتُ (1) إِلَيْكَ عَلَى مَشَقَّةٍ. فَقَالَ لِي: لَا تَشْكُ رَبَّكَ، فَهَلَّا أَتَيْتَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ حَقًّا عَلَيْكَ مِنِّي؟ فَكَانَ مِنْ قَوْلِهِ: «فَهَلَّا أَتَيْتَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ حَقًّا عَلَيْكَ مِنِّي» أَشَدَّ عَلَيَّ مِنْ قَوْلِهِ: لَا تَشْكُ رَبَّكَ. قُلْتُ: وَمَنْ أَعْظَمَ عَلَيَّ حَقًّا مِنْكَ؟! قَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَلَا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَعَوْتَ اللَّهَ عِنْدَهُ، وَشَكَوْتَ إِلَيْهِ حَوَائِجَكَ (2)؟!!

كامل الزيارات عن المفصل بن عمر: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [الصَادِقُ]: كَأَنِّي _ وَاللَّهِ _ بِالْمَلَائِكَةِ قَدِ اذْذَحَمُوا الْمُؤْمِنِينَ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قُلْتُ: فَيَتَرَاءُونَ لَهُ؟ قَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! قَدْ لَزِمُوا _ وَاللَّهِ _ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى أَتَتْهُمُ لِيَمْسَحُونَ وُجُوهَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ، قَالَ: وَيُنزِلُ اللَّهُ عَلَى رُؤُوسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عُدُودًا وَعَشِيَّةً مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ، وَخُدَامَهُمُ الْمَلَائِكَةُ، لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْدًا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهَا إِيَّاهُ. قَالَ: قُلْتُ: هَذِهِ _ وَاللَّهِ _ الْكَرَامَةُ! قَالَ لِي: يَا مُفَضَّلُ، أَزِيدُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، سَدَّ يَدِي! قَالَ: كَأَنِّي بِسَرِيرٍ مِنْ نُورٍ قَدْ وُضِعَ وَقَدْ صَبَّ عَلَيْهِ قُبَّةٌ مِنْ ياقوتة حمراء مَكَلَّلَةٌ بِالْجَوَاهِرِ، وَكَأَنِّي بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسٌ عَلَى ذَلِكَ السَّرِيرِ، وَحَوْلَهُ تِسْعُونَ أَلْفَ قُبَّةٍ خَضْرَاءَ، وَكَأَنِّي بِالْمُؤْمِنِينَ يَزُورُونَهُ وَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ: أَوْلِيَانِي، سَلُونِي فَطَالَمَا أَوْذَيْتُمْ وَذُلُّتُمْ وَاضْطَّهَدْتُمْ، فَهَذَا يَوْمٌ لَا تَسْأَلُونِي حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتُهَا لَكُمْ، فَيَكُونُ أَكْلُهُمْ وَشُرْبُهُمْ فِي الْجَنَّةِ، فَهَذِهِ _ وَاللَّهِ _ الْكَرَامَةُ الَّتِي لَا انْقِضَاءَ لَهَا، وَلَا يَدْرِكُ مُنْتَهَاهَا. (3)

- 1- جَسَّمْتُ الأَمْرَ وَتَجَسَّمْتُهُ: إِذَا تَكَلَّفْتَهُ عَلَى مَشَقَّةٍ (الصَّحَاحُ: ج 5 ص 1888 «جشم»).
- 2- كامل الزيارات: ص 314 ح 534، بحار الأنوار: ج 101 ص 46 ح 7.
- 3- كامل الزيارات: ص 258 ح 390، بحار الأنوار: ج 101 ص 65 ح 53.

کامل الزیارات_ به نقل از ابن ابی یَعْفور_: به امام صادق علیه السلام گفتم: اشتیاقم به تو، موجب شده که زحمت و مشقت [راه] را بر خود، هموار کنم. به من فرمود: «از خدایت، شیکوه مکن. چرا به نزد کسی نرفتی که حقش بر تو، بزرگ تر از حق من است؟». این سخن او: «چرا به نزد کسی نرفتی که حقش بر تو، بزرگ تر از حق من است»، از سخنش که: «از خدا شکوه مکن»، بر من گران تر آمد. گفتم: چه کسی حقش بر من، بزرگ تر از حق توست؟ فرمود: «حسین بن علی علیه السلام. چرا نزد حسین علیه السلام نرفته ای و خدا را نزد او نخوانده ای و حاجت هایت را نزد او نبرده ای؟!».

کامل الزیارات_ به نقل از مفضل بن عمر_: امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، گویی فرشتگان را می بینم که نزد قبر حسین علیه السلام در کنار مؤمنان، ازدحام کرده اند». گفتم: از بالا به آن می نگرند؟ فرمود: «نه، نه! چنین نیست. به خدا سوگند، چنان به مؤمنان چسبیده اند که دست بر صورت آنان می کشند». سپس فرمود: «خداوند، صبح و شب، خوراک بهشتی برای زائران حسین علیه السلام فرو می فرستد و فرشتگان، خدمت گزار آنان اند و [هیچ] بنده ای، حاجتی از حاجت های دنیایی و آخرتی از خدا نمی خواهد، جز این که آن را برآورده می کند». گفتم: به خدا سوگند، این، کرامت است! به من فرمود: «ای مفضل! برایت بیشتر بگویم؟». گفتم: آری، سرور من! فرمود: «گویی می بینم که تختی از نور، نهاده شده و گنبدی از یاقوت سرخ مزین به جواهر، بر آن زده شده و حسین علیه السلام بر آن تخت، نشسته و گرداگردش، نود هزار گنبد سبز است. و گویی می بینم که مؤمنان، او را زیارت می کنند و بر او سلام می دهند و خداوندت به آنان می فرماید: دوستان من! از من بخواهید، که مدتی مدید است که آزار و خواری و ستم دیده اید و امروز، روزی است که هیچ حاجت دنیایی و آخرتی از من نمی خواهید، جز آن که برایتان برآورده می سازم و خورد و خوراکشان، در بهشت است. به خدا سوگند، این کرامت، جاویدان و بی کرانه است».

تهذيب الأحكام عن إسحاق بن عمار: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُرْمَةً مَعْرُوفَةً، مَنْ عَرَفَهَا وَاسْتَجَارَ بِهَا أُجِيرَ. (1)

قرب الإسناد عن صفوان الجمال عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَا اسْتَخَارَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَبْدٌ فِي أَمْرٍ قَطُّ مِئَةَ مَرَّةٍ؛ يَقِفُ عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، فَيَحْمَدُ اللَّهَ وَيُهَلِّلُهُ وَيُسَبِّحُهُ وَيُمَجِّدُهُ، وَيُثْنِي عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، إِلَّا رَمَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِأَخِيرِ الْأَمْرَيْنِ. (2)

عدّة الداعي: رُوِيَ أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصَابَهُ وَجَعٌ، فَأَمَرَ مَنْ عِنْدَهُ أَنْ يَسْتَأْجِرُوا لَهُ أُجِيرًا يَدْعُو لَهُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، فَخَرَجَ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيهِ، فَوَجَدَ آخِرًا عَلَى الْبَابِ، فَحَكَى لَهُ مَا أَمَرَ بِهِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: أَنَا أَمْضِي، لَكِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ، وَهُوَ أَيْضًا إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ، فَكَيْفَ ذَلِكَ؟ فَرَجَعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَعَرَّفَهُ قَوْلَهُ. فَقَالَ: هُوَ كَمَا قَالَ، لَكِنَّ مَا عَرَفَ أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعًا يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ؟ فَتِلْكَ الْبُقْعَةُ مِنْ تِلْكَ الْبِقَاعِ. (3)

-
- 1- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 71 ح 134، الكافي: ج 4 ص 588 ح 6 والحديث فيه مضمّر، ثواب الأعمال: ص 120 ح 42، المزار للمفيد: ص 141 ح 3، كامل الزيارات: ص 457 ح 694، مصباح المتهجّد: ص 731، بحار الأنوار: ج 101 ص 110 ح 19.
 - 2- قرب الإسناد: ص 59 ح 189، فتح الأبواب: ص 240 نحوه، بحار الأنوار: ج 101 ص 285 ح 1.
 - 3- عدّة الداعي: ص 48.

تهذيب الأحكام_ به نقل از اسحاق بن عمّار_: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «جایگاه قبر حسین علیه السلام، حرمتی شناخته شده دارد که هر کس آن را بشناسد و بدان پناه ببرد، پناه داده می شود».

قرب الإسناد_ به نقل از صفوان جمّال، از امام صادق علیه السلام_: تاکنون، هیچ بنده ای در کاری یکصد مرتبه نزد قبر حسین علیه السلام از خدای عزوجل، خیر نخواسته و او را نستوده و تسبیح و تمجید نکرده و آن گونه که سزاوارش است، ثنایش نگفته، جز آن که خداوند_ تبارک و تعالی_، بهترین کار را به دلش انداخته است.

عدّة الداعی: روایت شده که امام صادق علیه السلام، دردمند شد و به کسی که نزدش بود، فرمان داد تا کسی را برای او اجیر کنند تا نزد قبر حسین علیه السلام برایش دعا کند. از این رو، یکی از وابستگان امام (همان که نزدش بود)، بیرون آمد. مردی را بر درگاه دید و آنچه را که امام علیه السلام فرمان داده بود، برایش حکایت [و او را اجیر] کرد. مرد گفت: من می روم؛ اما حسین علیه السلام، امام واجب الإطاعة است و امام صادق علیه السلام نیز امام واجب الإطاعة است. این، چگونه می شود؟ آن شخص، به سوی امام علیه السلام باز گشت و سخن او را به اطلاع امام علیه السلام رساند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مطلب، همین گونه است که او گفته؛ اما او نمی داند که خداوند، جاهایی دارد که دعا در آن، مستجاب می شود. قبر حسین علیه السلام، از آن جاهاست».

الكافي عن أبي هاشم الجعفري (1): بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَرَضِهِ، وَإِلَى مُحَمَّدِ بْنِ حَمَزَةَ (2)، فَسَبَقَنِي إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ حَمَزَةَ، وَأَخْبَرَنِي مُحَمَّدٌ: مَا زَالَ يَقُولُ: اِبْعَثُوا إِلَيَّ الْحَيْرِ، اِبْعَثُوا إِلَيَّ الْحَيْرِ. فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ: أَلَا قُلْتَ لَهُ: أَتَا أَذْهَبُ إِلَيَّ الْحَيْرِ، ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ، وَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَتَا أَذْهَبُ إِلَيَّ الْحَيْرِ. فَقَالَ: أَنْظِرُوا فِي ذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ لِي: إِنَّ مُحَمَّدًا لَيْسَ لَهُ سِدْرٌ مِنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ يَسْمَعَ ذَلِكَ. فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِعَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ، فَقَالَ: مَا كَانَ يَصْنَعُ بِالْحَيْرِ وَهُوَ الْحَيْرُ؟ فَقَدِمْتُ الْعَسْكَرَ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ. فَقَالَ لِي: إِجْلِسْ حِينَ أَرَدْتُ الْقِيَامَ، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ أَنَسَ بِي، ذَكَرْتُ لَهُ قَوْلَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ، فَقَالَ لِي: أَلَا قُلْتَ لَهُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ، وَيَقْبَلُ الْحَجَرَ، وَحُرْمَةَ النَّبِيِّ وَالْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَيْتِ، وَأَمْرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقِفَ بِعَرَفَةَ، وَإِنَّمَا هِيَ مَوَاطِنُ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ يُدْعَى اللَّهُ لِي حَيْثُ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا، وَذَكَرَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: وَلَمْ أَحْفَظْ عَنْهُ، قَالَ: إِنَّمَا هَذِهِ مَوَاطِنُ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُتَعَبَّدَ لَهُ فِيهَا، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ يُدْعَى لِي حَيْثُ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُعْبَدَ. هَلَّا قُلْتَ لَهُ كَذَا وَكَذَا؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَوْ كُنْتُ أَحْسِنُ مِثْلَ هَذَا لَمْ أُرَدَّ الْأَمْرَ عَلَيْكَ 3. (3)

1- ابو هاشم الجعفري من احفاد جعفر الطيار، وهو رجل ثقة عظيم الشأن، ومن خواص الإمام الهادي عليه السلام. ولمعروفية أبي هاشم الجعفري كان يتعرض للضغط والاذى من قبل المتوكل العباسي، ولعله لذلك لم يكن الإمام عليه السلام راغباً في ذهابه وقال له «انظروا في ذلك».

2- محمد بن حمزة من احفاد زيد بن علي ومن طلاب وخواص الإمام الهادي عليه السلام.

3- الكافي: ج 4 ص 567 ح 3، كامل الزيارات: ص 458 ح 697 وليس فيه ذيله من «وذكر عنه...» وبزيادة «و الحائر من تلك المواضع» في آخره، بحار الانوار: ج 101 ص 112 ح 32.

الكافی_ به نقل از ابو هاشم جعفری (1)_: امام هادی علیه السلام در بیماری اش به سوی من و محمد بن حمزه فرستاد . محمد بن حمزه (2) ، زودتر از من رسید و به من خبر داد که امام علیه السلام پیوسته می فرماید : «کسی را به حائر حسین علیه السلام (کربلا) روانه کنید . کسی را به حائر حسین علیه السلام روانه کنید» . به محمد گفتم : چرا به او نگفتی که من به حائر حسین می روم ؟ سپس بر امام علیه السلام وارد شدم و گفتم : فدایت شوم ! من به حائر حسین علیه السلام می روم . فرمود : «در این کار ، تأمل کنید» . سپس به من فرمود : «محمد ، شجاعت نیایش زید بن علی را به ارث نبرده است و خوش ندارم که این را بشنود» . من ، این را برای علی بن بلال گفتم . او گفت : امام هادی علیه السلام را با حائر ، چه کار که خود ، همانند اوست ؟ من به محله عسکر رفتم و بر امام هادی علیه السلام وارد شدم . چون خواستم برخیزم ، امام علیه السلام به من فرمود : «بنشین» . چون دیدم که با من انس گرفته است ، سخن علی بن بلال را برایش گفتم . امام علیه السلام به من فرمود : «چرا به او نگفتی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به گرد کعبه می چرخید و حجر الأسود را می بوسید ، در حالی که حرمت پیامبر و مؤمن ، از حرمت ، کعبه بزرگ تر است ، و خدای عزوجل به او فرمان داد که در عرفه ، وقوف کند و آن ، جایگاهی است که خداوند ، دوست دارد در آن ، یاد شود . پس من نیز دوست دارم که خدا را برای من در جایی بخوانند که خداوند ، دوست دارد در آن جا خوانده شود» . این سخن [امام علیه السلام] را من این گونه [شنیده و] نقل می کنم و به گونه دیگری نیز نقل شده است که من ، به یاد نمی آورم [و آن ، این گونه است که فرمود] : «اینها جایگاه هایی است که خداوند ، دوست دارد در آنها عبادت شود . من نیز دوست دارم که برایم در جاهایی دعا کنند که خداوند ، دوست دارد عبادت شود . [ای ابو هاشم !] چرا به او (علی بن بلال) این گونه نگفتی ؟» . گفتم : فدایت شوم ! اگر این پاسخ را بلد بودم ، کار را به شما نمی کشاندم

-
- 1- ابو هاشم جعفری ، از نوادگان جعفر طیار و مردی ثقه و عظیم الشأن و از خواص امام هادی علیه السلام است . شاید از آن رو که ابو هاشم جعفری به دلیل معروف بودن ، از سوی خلیفه وقت عباسی ، متوکل ، تحت فشار و آزار واقع می شد ، امام علیه السلام دوست نداشت وی برود و به همین دلیل فرمود : «در این کار ، تأمل کنید» .
 - 2- محمد بن حمزه ، از نوادگان زید بن علی و از شاگردان و خواص امام هادی علیه السلام است .

راجع: ج 11 ص 112 (القسم الثالث عشر / الفصل الخامس / يحفه كل يوم ألف ملك).

1 / 3 جزءاً من أهان تربيته الأمامي للطوسي عن الفضل بن محمد بن أبي طاهر الكاتب: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى السَّرِيعِيُّ الْكَاتِبُ قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، قَالَ : لَقَيْتَنِي يَوْحَنَّا بْنُ سَرَاقِيُونَ النَّصْرَانِيَّ الْمُتَطَبِّبُ فِي شَارِعِ أَبِي أَحْمَدَ فَاسْتَوْقَفَنِي ، وَقَالَ لِي : بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَدِينِكَ ، مَنْ هَذَا الَّذِي يَزُورُ قَبْرَهُ قَوْمٌ مِنْكُمْ بِنَاحِيَةِ قَصْرِ ابْنِ هُبَيْرَةَ؟ مَنْ هُوَ؟ مِنْ أَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ؟ قُلْتُ : لَيْسَ هُوَ مِنْ أَصْحَابِهِ ، هُوَ ابْنُ بِنْتِهِ ، فَمَا دَعَاكَ إِلَى الْمَسْأَلَةِ عَنْهُ؟ فَقَالَ : لَهُ عِنْدِي حَدِيثٌ طَرِيفٌ . فَقُلْتُ : حَدَّثَنِي بِهِ ! فَقَالَ : وَجَّهَ إِلَيَّ سَابُورُ الْكَبِيرُ الْخَادِمُ الرَّشِيدِيُّ فِي اللَّيْلِ ، فَصَدَرْتُ إِلَيْهِ ، فَقَالَ لِي : تَعَالَ مَعِي ، فَمَضَى وَأَنَا مَعَهُ حَتَّى دَخَلْنَا عَلَى مُوسَى بْنِ عَيْسَى الْهَاشِمِيِّ ، فَوَجَدْنَاهُ زَائِلَ الْعَقْلِ مُتَّكِنًا عَلَى وَسَادَةٍ ، وَإِذَا يَبِينُ يَدَيْهِ طَسْتُ فِيهَا حَشُو جَوْفِهِ ، وَكَانَ الرَّشِيدُ اسْتَحْضَرَهُ مِنَ الْكُوفَةِ ، فَأَقْبَلَ سَابُورُ عَلَى خَادِمٍ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ مُوسَى ، فَقَالَ لَهُ : وَيْحَكَ مَا خَبَّرَهُ؟ فَقَالَ لَهُ : أُخْبِرُكَ أَنَّهُ كَانَ مِنْ سَاعَةِ جَالِيسَا وَحَوْلَهُ نُدْمَاوَةٌ ، وَهُوَ مِنْ أَصْحَابِ النَّاسِ جِسْمًا وَأَطْيَبِهِمْ نَفْسًا ، إِذْ جَرَى ذِكْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ يَوْحَنَّا : هَذَا الَّذِي سَأَلْتِكَ عَنْهُ . فَقَالَ مُوسَى : إِنَّ الرَّاغِبَةَ لَتَغْلُو فِيهِ حَتَّى إِنَّهُمْ فِيمَا عَرَفْتُ يَجْعَلُونَ تَرْبَتَهُ دَوَاءً يَتَدَاوُونَ بِهِ . فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كَانَ حَاضِرًا وَقَدْ كَانَتْ بِي عِلَّةٌ غَلِيظَةٌ فَتَعَالَجْتُ لَهَا بِكُلِّ عِلَاجٍ ، فَمَا نَفَعَنِي ، حَتَّى وَصَفَ لِي كَاتِبِي أَنْ أَخُذَ مِنْ هَذِهِ التُّرْبَةِ ، فَأَخَذْتُهَا فَتَفَعَّنِي اللَّهُ بِهَا ، وَزَالَ عَنِّي مَا كُنْتُ أُجِدُّهُ . قَالَ : فَبَقِيَ عِنْدَكَ مِنْهَا شَيْءٌ؟ قَالَ : نَعَمْ . فَوَجَّهَ فَبَجَاوُوهُ مِنْهَا بِقِطْعَةٍ ، فَنَاولَهَا مُوسَى بْنُ عَيْسَى ، فَأَخَذَهَا مُوسَى فَاسْتَدَخَلَهَا دُبْرَهُ اسْتِهْزَاءً بِمَنْ تَدَاوَى بِهَا ، وَاحْتِقَارًا وَتَصْغِيرًا لِهَذَا الرَّجُلِ الَّذِي هَذِهِ تَرْبَتُهُ _ يَعْنِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ اسْتَدَخَلَهَا دُبْرَهُ حَتَّى صَاحَ : النَّارُ النَّارُ ! الطَّسْتُ الطَّسْتُ ! فَجِنْنَاهُ بِالطَّسْتِ فَأَخْرَجَ فِيهَا مَا تَرَى ، فَانْصَرَفَ النُّدْمَاءُ وَصَارَ الْمَجْلِسُ مَاتَمًا . فَأَقْبَلَ عَلَيَّ سَابُورُ ، فَقَالَ : أَنْظِرْ هَلْ لَكَ فِيهِ حِيلَةٌ؟ فَدَعَوْتُ بِشَمْعَةٍ ، فَنَظَرْتُ فَإِذَا كَبِدُهُ وَطِحَالُهُ وَرِئْتُهُ وَفُؤَادُهُ خَرَجَ مِنْهُ فِي الطَّسْتِ ، فَنَظَرْتُ إِلَى أَمْرِ عَظِيمٍ ، فَقُلْتُ : مَا لِأَحَدٍ فِي هَذَا صَنْعٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لِعَيْسَى الَّذِي كَانَ يُحْيِي الْمَوْتَى ! فَقَالَ لِي سَابُورُ : صَدَقْتَ ، وَلَكِنْ كُنْ هَاهُنَا فِي الدَّارِ إِلَى أَنْ يَبَيَّنَ مَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِهِ ، فَبِتُّ عِنْدَهُمْ وَهُوَ يَتَلَكَّ الْحَالَ مَا رَفَعَ رَأْسَهُ ، فَمَاتَ وَقَتَ السَّحْرِ . قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى : قَالَ لِي مُوسَى بْنُ سَرِيعٍ : كَانَ يَوْحَنَّا يَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ عَلَى دِينِهِ ، ثُمَّ أَسْلَمَ بَعْدَ هَذَا وَحَسَنَ إِسْلَامَهُ .

(1)

ر.ك: ج 11 ص 113 (بخش سیزدهم / فصل پنجم / هزار فرشته ای که هر روز او را در میان می گیرند)

1 / 3 سزای توهین کننده به تربت امام علیه السلام

الأمالی، طوسی_ به نقل از فضل بن محمد بن ابی طاهر کاتب_: ابو عبد الله محمد بن موسی سریدی کاتب، از پدرش موسی بن عبد العزیز، برایمان نقل کرد که یوحنا، فرزند سراقیون مسیحی طیب، مرا در خیابان ابو احمد دید. مرا نگاه داشت و گفت: به حق پیامبر و دینت، این کسی که گروهی از شما قبرش را در ناحیه قصر ابن هبیره زیارت می کنند، کیست؟ او چه کسی است؟ آیا از یاران پیامبرتان است؟ گفتم: او از یاران وی نیست. او پسر دختر اوست. برای چه، این را از من می پرسی؟ گفت: داستان لطیفی نزد من دارد. گفتم: آن را برایم بگو. گفت: شاپور بزرگ، خادم هارون الرشید، شب به سوی من فرستاد. به نزد او رفتم. او به من گفت: با من بیا. پس روانه شد و من نیز همراهش رفتم تا بر موسی بن عیسی هاشمی وارد شدیم. دیدیم که او عقلش را از دست داده و بر بالشی تکیه داده است. جلویش تشتی بود که امعا و احشایش در آن ریخته بود و هارون الرشید، او را از کوفه به نزد خود طلبیده بود. شاپور، به یکی از خادمان ویژه موسی، رو کرد و گفت: وای بر تو! ماجرا چیست؟ او گفت: به تو می گویم. وی تا کنون، در سلامت و تن درستی تمام، نشسته بود و ندیمان، گردش را گرفته بودند که از حسین بن علی علیه السلام سخن به میان آمد. یوحنا گفت: این، همان چیزی است که آن را از تو پرسیدم. موسی گفت: رافضیان، در باره او غلو می کنند، تا آن جا که آن گونه که می دانم، تربتش را برای مداوا به کار می برند. مردی از بنی هاشم که حضور داشت، گفت: من، بیماری شدیدی داشتم و هر معالجه ای کردم، سودی نبخشید تا آن که کاتبم برایم این تربت را وصف کرد و من، از آن استفاده کردم و خداوند، آن را برایم سودمند کرد و بیماری ام از بین رفت. موسی گفت: آیا چیزی از آن، نزد تو باقی مانده است؟ مرد هاشمی گفت: آری. آن گاه کسی را فرستاد و تگه ای از آن را آوردند و به موسی بن عیسی داد. موسی آن را گرفت و از سر مسخره کردن کسانی که با آن مداوا می کنند و [برای] تحقیر و کوچک کردن مرد صاحب تربت (یعنی حسین علیه السلام) ، آن تربت را در مقعد خود، فرو برد. هنوز کامل فرو نبرده بود که فریاد زد: سوختم، سوختم! تشت، تشت [بیاورید]! ما تشت را آوردیم و آنچه می بینی، از او بیرون ریخت و ندیمان، باز گشتند و مجلس، ماتم سرا شد. شاپور به من رو کرد و گفت: بین می توانی چاره ای بجویی؟ من، شمعی خواستم و خوب نگریستم. دیدم [بخشی از] جگر و طحال و ریه و قلبش از او بیرون آمده و در تشت است و چیز عجیبی دیدم. گفتم: هیچ کس نمی تواند کاری کند، جز عیسی مسیح که مُردگان را زنده می کرد! شاپور به من گفت: راست گفتی؛ اما این جا در خانه بمان تا ببینم کارش به کجا می انجامد. من، شب را نزد آنان ماندم و او (موسی بن عیسی) به همان حال بود، بدون آن که سرش را بلند کند و سحرگهان، مُرد. موسی بن سریع برایم گفت: یوحنا، با همان دین مسیحی اش، قبر حسین علیه السلام را زیارت می کرد و سپس، اسلام آورد و مسلمانِ نیکویی شد.

الأماي للطوسي عن محمد أبي عبد الله الأزدي: صليت في جامع المدينة وإلى جانبي رجلان على أحدهما ثياب السفر، فقال أحدهما لصاحبه: يا فلان، أما علمت أن طين قبر الحسين عليه السلام شفاء من كل داء؟ وذلك أنه كان بي وجع الجوف، فتعالجت بكل دواء فلم أجد فيه عافية، وخفت على نفسي وأيست منها، وكانت عندنا امرأة من أهل الكوفة عجوز كبيرة، فدخلت علي وأنا في أشد ما بي من العلة. فقالت لي: يا سالم، ما أرى علتك كل يوم إلا زائدة، فقلت لها: نعم. قالت: فهل لك أن أعالجك فتبرأ بإذن الله عز وجل؟ فقلت لها: ما أنا إلى شيء أحوج مني إلى هذا! فسقتني ماء في قدح، فسكتت عني العلة وبرئت، حتى كأن لم تكن بي علة قط. فلما كان بعد أشهر دخلت علي العجوز، فقلت لها: بالله عليك يا سلمة - وكان اسمها سلمة - بماذا داويتني؟ فقالت: بواحدة مما في هذه السبحة - من سبحة كانت في يدها - . فقلت: وما هذه السبحة؟ فقالت: إنها من طين قبر الحسين عليه السلام. فقلت لها: يا رافضية! داويتني بطين قبر الحسين؟ فخرجت من عندي مغضبة، ورجعت والله عنتي كأشد ما كانت، وأنا أقاسي منها الجهد والبلاء، وقد والله خشيت على نفسي. ثم أذن المؤذن فقاما يصليان وغابا عني. (1)

1- الأماي للطوسي: ص 319 ح 648، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 873 ح 90، بحار الأنوار: ج 45 ص 399 ح 9 وراجع: المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 64.

الأمالی، طوسی۔ به نقل از محمد ابو عبد الله آزدی۔ در مسجد جامع مدینه، نماز خواندم و در دو سویم، دو مرد بودند که یکی لباس سفر به تن داشت. یکی به دیگری گفت: ای فلاّنی! آیا نمی دانی که تربت قبر حسین علیه السلام، شفای هر دردی است؟ من، درد شکم داشتم و هر مداوایی کردم، بهبود نیافتم و بر خود ترسیدم و از بهبود آن، ناامید شدم. نزد ما پیرزن کهن سالی از اهل کوفه بود و روزی بر من در آمد که در سخت ترین حالت بیماری بودم. به من گفت: ای سالم! آیا هر روز، دردت بیشتر می شود؟ گفتم: آری. گفت: آیا می خواهی تو را معالجه کنم تا به اذن خدا، بهبود یابی؟ به او گفتم: من به هیچ چیز به اندازه این، نیاز ندارم! او آبی در کاسه به من نوشاند و دردم ساکت شد و بهبود یافتم، گویی که هیچ بیمار نبوده ام. چند ماه بعد، بر پیرزن، وارد شدم. نامش سلّمه بود. به او گفتم: ای سلّمه! تو را به خدا سوگند، مرا با چه چیز، مداوا کردی؟ گفتم: «با يك دانه تسبیح» از تسبیحی که در دستش بود. گفتم: این، چه تسبیحی است؟ گفتم: تسبیح از گل قبر حسین علیه السلام. به او گفتم: ای رافضی! مرا با تربت قبر حسین، مداوا کردی؟! خشمگینانه، از نزد او بیرون آمدم و به خدا سوگند، دردم با شدت تمام، باز گشت، و من، در کمال سختی و گرفتاری، از آن رنج می کشم و به خدا سوگند، بر جانم می ترسم. سپس مؤذّن، اذان گفت و آنها برخاستند و نماز گزارند و از جلوی چشم من، غایب شدند.

1 / 4 ما رُوِيَ فِي نِطاقِ تُرْبَتِهِ وَحَرِيمِ قَبْرِهِ تَهْذِيبِ الْأَحْكامِ عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ عَمْرِ السَّرَاجِ عَنِ بَعْضِ أَصْحابِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [الصَّادِقِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُؤَخَذُ طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَى سَبْعِينَ ذِرَاعًا. (1)

1- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 74 ح 144 ، الكافي : ج 4 ص 588 ح 5 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، كامل الزيارات : ص 468 ح 714 ، المزار الكبير : ص 362 ح 7 ، مصباح المتهجد : ص 732 ، روضة الواعظين : ص 451 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 130 ح 50 .

1 / 4 روایت های قلمرو تربت و حریم قبر امام علیه السلام

تهذیب الأحكام_ به نقل از سلیمان بن عمر سراج ، از یکی از راویان شیعی ، از امام صادق علیه السلام _: تربت قبر حسین علیه السلام از نزد قبر تا هفتاد گز ، (1) گرفته می شود .

1- .در متن عربی حدیث ، واژه «ذراع» آمده که از آرنج دست معمولی تا سرانگشت است که اندکی کمتر از نیم متر و حدود 45 سانتی متر است ؛ همان گز . م .

المزار للمفيد عن سليمان بن عمرو السراج عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: يُؤخَذُ طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ قَدْرَ سَبْعِينَ بَاعًا فِي سَبْعِينَ بَاعًا. (1)

تهذيب الأحكام عن الحجال عن غير واحد من أصحابنا عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: التُّرْبَةُ مِنْ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَشْرَةُ أَمْيَالٍ (2). (3)

كامل الزيارات عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم عن رجل من أهل الكوفة عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: حَرِيمُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَسَخٌ فِي فَرَسَخٍ فِي فَرَسَخٍ. (4)

تهذيب الأحكام عن منصور بن العباس يرفعه إلى أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: حَرِيمُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسَةٌ فَرَسَخٌ مِنْ أَرْبَعِ جَوَانِيهِ. (5)

تهذيب الأحكام عن إسحاق بن عمار: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُرْمَةً مَعْرُوفَةً، مَنْ عَرَفَهَا وَاسْتَجَارَ بِهَا أُجِيرَ. قُلْتُ: فَصِفْ لِي مَوْضِعَهَا جُعِلَتْ فِدَاكَ! قَالَ: امْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْيَوْمَ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا مِنْ قُدَامِهِ، وَخَمْسَةً وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا مِنْ عِنْدِ رَأْسِهِ، وَخَمْسَةً وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا مِنْ نَاحِيَةِ رِجْلَيْهِ، وَخَمْسَةً وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا مِنْ خَلْفِهِ. وَمَوْضِعُ قَبْرِهِ مِنْ يَوْمِ دُفْنِ رَوْضَةِ مَن رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَمِنْهُ مِعْرَاجٌ يُعْرَجُ فِيهِ بِأَعْمَالِ زُورِهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَلَيْسَ مَلَكٌ فِي السَّمَاءِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا وَهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، فَفَوْجٌ يَنْزِلُ وَفَوْجٌ يَعْرُجُ. (6)

1- المزار للمفيد: ص 145 ح 7، كامل الزيارات: ص 471 ح 718، بحار الأنوار: ج 101 ص 131 ح 55.

2- كل ميل أربعة آلاف ذراع، الذراع أربعة وعشرون إصبعا، كل ثلاثة أميال منها فرسخ (معجم البلدان: ج 1 ص 25).

3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 72 ح 136، بحار الأنوار: ج 101 ص 116 ح 41 نقلاً عن تهذيب الأحكام وفيه «البركة» بدل «التربة».

4- كامل الزيارات: ص 472 ح 721، بحار الأنوار: ج 101 ص 114 ح 35.

5- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 71 ح 132، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 579 ح 3167، المزار للمفيد: ص 25 ح 3، مصباح المتهجد: ص 731، كامل الزيارات: ص 456 ح 693، المزار الكبير: ص 358 ح 10، بحار الأنوار: ج 101 ص 111 ح 27.

6- .. تهذيب الأحكام: ج 6 ص 71 ح 134، الكافي: ج 4 ص 588 ح 6 وفيه «سمعته يقول» بدل «سمعت أبا عبد الله يقول»، ثواب الأعمال: ص 120 ح 42 وليس فيه ذيله من «وموضع قبره»، المزار للمفيد: ص 141 ح 3، كامل الزيارات: ص 457 ح 694، بحار الأنوار: ج 101 ص 110 ح 19.

المزار، مفید_ به نقل از سلیمان بن عمرو سَراج، از یکی از روایان شیعی، از امام صادق علیه السلام_: تربت قبر حسین علیه السلام از نزد قبر گرفته می شود تا هفتاد باع (1) از هر سو.

تهذیب الأحكام_ به نقل از حَجَّال، از چند تن از روایان شیعی، از امام صادق علیه السلام_: تربت را از قبر حسین بن علی علیه السلام تا ده میلی (2) آن بر می دارند.

کامل الزیارات_ به نقل از عبد الله بن عبد الرحمان اصَم، از مردی از اهل کوفه، از امام صادق علیه السلام_: حریم قبر حسین علیه السلام، يك فرسنگ در يك فرسنگ در يك فرسنگ است.

تهذیب الأحكام_ به نقل از منصور بن عباس، در حدیثی که سند آن را به امام صادق علیه السلام می رساند_: حریم قبر حسین علیه السلام، پنج فرسنگ از چهار سوی آن است.

تهذیب الأحكام_ به نقل از اسحاق بن عمّار_: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «قبر حسین علیه السلام، حریم شناخته شده ای دارد، و هر کس آن را بشناسد و به آن پناه ببرد، پناه داده می شود». گفتم: محدوده آن را برایم مشخص کن، فدایت شوم! فرمود: «بیست و پنج گز از جای کنونی قبر، از سمت پیش روی او بگیر و بیست و پنج گز از نزد سرش و بیست و پنج گز از نزد پاهایش و بیست و پنج گز از پشتش. جای قبرش از روز دفن، بوستانی از بوستان های بهشت است و در آن جا، نردبانی است که اعمال زائرانش از آن به سوی آسمان، بالا می رود، و فرشته ای در آسمان و زمین نیست، جز آن که زیارت قبر حسین علیه السلام را از خدا می طلبد. پس همیشه گروهی، فرود می آیند و گروهی بالا می روند».

1- واحد «باع» که در متن حدیث آمده، به فاصله میان سرانگشتان يك دست تا سرانگشتان دست دیگر در حالت باز گفته می شود که به طور معمول، حدود 160 سانتی متر است.

2- هر میل، چهار هزار ذراع است و هر ذراع، برابر 24 انگشت و هر سه میل، يك فرسنگ می شود.

راجع: ص 378 (روضة من رياض الجنة).

1 / 5 التَّخْيِيرُ بَيْنَ قَصْرِ الصَّلَاةِ وَإِتْمَامِهَا فِي حَرَمِ تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [الصَّادِقِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِ اللَّهِ الْإِتْمَامُ فِي أَرْبَعِ مَوَاطِنَ: حَرَمِ اللَّهِ، وَحَرَمِ رَسُولِهِ، وَحَرَمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحَرَمِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (1)

الكافي عن أبي بصير عن أبي عبد الله [الصَّادِقِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَحَرَمِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنَ الْأَمْرِ الْمَذْخُورِ إِتْمَامُ الصَّلَاةِ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: بِمَكَّةَ، وَالْمَدِينَةَ، وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَحَائِرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3)

1- تهذيب الأحكام: ج 5 ص 430 ح 1494، الخصال: ص 252 ح 123، بحار الأنوار: ج 89 ص 77.

2- الكافي: ج 4 ص 586 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 431 ح 1497، المزار للمفيد: ص 136 ح 1، كامل الزيارات: ص 430 ح 658، المزار الكبير: ص 357 ح 5 كلَّها عن عبد الحميد خادم إسماعيل بن جعفر، بحار الأنوار: ج 101 ص 83 ح 12.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 442 ح 1283، كامل الزيارات: ص 430 ح 659، بحار الأنوار: ج 89 ص 77 ح 2.

ر.ك: ص 379 (بوستانی از بوستان های بهشت).

1 / 5مُخَيَّرُ بُوْدِنِ دَرِ شَكْسْتِهْ يَآ تَمَامِ خَوَانْدِنِ نَمَازِ دَرِ حَرَمِ اِمَامِ عَلِيَهِ السَّلَامِ

اشاره

تهذيب الأحكام_ به نقل از حمّاد بن عيسى ، از امام صادق عليه السلام_: از علم نهران خدا ، تمام خواندن نماز در چهار جاست : حرم خدا ، حرم پیامبرش ، حرم امير مؤمنان عليه السلام و حرم حسين بن علي عليه السلام .

الكافي_ به نقل از ابو بصير ، از امام صادق عليه السلام_: نماز ، در چهار جا تمام است : در مسجد الحرام ، مسجد پیامبر صلی الله عليه و آله ، مسجد کوفه ، و حرم حسين _ که درودهای خدا بر او باد _ .

کتاب من لا _ يحضره الفقيه : امام صادق عليه السلام فرمود : «از رازهای نهفته ، تمام خواندن نماز در چهار جاست : در مکه ، مدینه ، مسجد کوفه و حائر حسين عليه السلام .

الكافي عن أبي شبل: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: نَعَمْ، زُرِ الطَّيِّبَ، وَأَتِمَّ الصَّلَاةَ فِيهِ. قُلْتُ: فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَرُونَ التَّقْصِيرَ! قَالَ: إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةُ. (1)

تهذيب الأحكام عن زياد القندي: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ - الإمام الكاظم - عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا زِيَادُ، أَحَبُّ لَكَ مَا أَحْبَبْتَهُ لِنَفْسِي، وَأَكْرَهُ لَكَ مَا أَكْرَهُهُ لِنَفْسِي، أَتِمَّ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ، وَبِالْكَوْفَةِ، وَعِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (2)

المزار للمفيد عن عمرو بن المرزوق: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (3) عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ وَفِي الْكَوْفَةِ وَعِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: أَتِمَّ الصَّلَاةَ فِيهَا. (4)

-
- 1- الكافي: ج 4 ص 587 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 431 ح 1496، المزار للمفيد: ص 138 ح 5، كامل الزيارات: ص 429 ح 655، المزار الكبير: ص 358 ح 9 كلَّها نحوه، بحار الأنوار: ج 101 ص 84 ح 14.
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 5 ص 431 ح 1495، المزار للمفيد: ص 137 ح 2، كامل الزيارات: ص 431 ح 660، المزار الكبير: ص 357 ح 6، مصباح المتهجد: ص 731، بحار الأنوار: ج 101 ص 84 ح 13.
 - 3- المراد به هنا هو الامام الكاظم ام الامام الرضا عليهما السلام.
 - 4- المزار للمفيد: ص 138 ح 4، كامل الزيارات: ص 431 ح 661، المزار الكبير: ص 358 ح 8، بحار الأنوار: ج 89 ص 78 ح 3

الكافی_ به نقل از ابو شیبہ: به امام صادق علیه السلام گفتم: قبر حسین علیه السلام را زیارت کنم؟ فرمود: «آری. [امام] پاکیزه را زیارت کن و نماز را در آن جا، تمام بخوان». گفتم: برخی شیعیان، نظر به شکسته خواندن نماز دارند! فرمود: «این، کار ضعیفان است».

تهذیب الأحكام_ به نقل از زیاد قندی: امام کاظم علیه السلام فرمود: «ای زیاد! چیزی را برای تو دوست می دارم که برای خودم دوست دارم، و چیزی را برای تو نمی پسندم که برای خودم نیز نمی پسندم. نماز را در هر دو حرم مکه و مدینه، تمام بگذار، و نیز در کوفه، و نزد قبر حسین علیه السلام».

المزار، مفید_ به نقل از عمرو بن مرزوق: از ابو الحسن علیه السلام (1) در باره نماز در دو حرم (مکه و مدینه) و در کوفه و نزد قبر حسین علیه السلام پرسیدم. فرمود: «نماز را در آن مکان ها تمام بگذار».

1- در این جا، مقصود، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است.

محدوده مُخَيَّر بودن میان قصر و اتمام نماز ، در حرم امام حسین علیه السلام

بنا بر نظر مشهور فقهای امامیه ، یکی از جاهایی که مسافر می تواند نمازهای چهار رکعتی را تمام بخواند ، حائر (حرم) (1) امام حسین علیه السلام است ؛ اما در باره محدوده حائر ، اختلاف نظر وجود دارد . علامه مجلسی در این باره می گوید : سخنان علمای شیعه _ که رحمت خدا بر آنان باد _ در باره محدوده حائر ، مختلف است . يك قول ، این است که حائر ، محدوده ای است که دیوارهای صحن را در بر گرفته است و بنا بر این ، شامل صحن در تمام ابعاد می شود و نیز ساختمان های متصل به گنبد نورانی و مسجد پشت آن . به قولی دیگر ، حائر ، تنها گنبد شریف [و بقعه زیر آن] است . قول دیگر ، آن است که حائر ، علاوه بر گنبد ، شامل ساختمان های متصل به آن نیز می شود ؛ مانند : مسجد و قتلگاه و خزانه و جز آن . قول اول ، اظهر است ؛ هم به دلیل شهرت داشتن حائر با این اندازه در نزد کربلایی ها که از نیاکانشان فرا گرفته اند ، و هم به دلیل ظاهر سخنان بیشتر علما . (2)

-
- 1- حائر ، در لغت ، به معنای زمین فرونشسته ای است که آب باران در آن ، جمع می شود (ر . ك : جمهرة اللغه: ج 2 ص 455) ؛ اما در اصطلاح ، به حرم و بارگاه مطهر امام حسین علیه السلام و در بعضی موارد ، به شهر کربلا ، گفته می شود .
- 2- بحار الأنوار: ج 101 ص 117 .

گفتنی است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام، در باره این که مسافر در کدام محدوده، مخیر بین قصر و اتمام نماز است، سه تعبیر وجود دارد: در برخی از احادیث، آن محدوده، «حرم» (1) و در برخی دیگر، «حائر» (2) نامیده شده و در برخی از احادیث، چنین آمده است که: مسافر می تواند نزد «قبر امام حسین علیه السلام»، (3) نمازهای شکسته را تمام بخواند. نکته قابل توجه، این است که احادیثی که آن محدوده را با تعبیر «حائر» یا «نزد قبر حسین علیه السلام» یاد کرده اند، از نظر سند، معتبر نیستند؛ اما سند دو مورد از احادیثی که در آنها تعبیر «حرم» آمده، صحیح و معتبر است. بنا بر این، برای تعیین محدوده تخییر، باید محدوده حرم سید الشهداء علیه السلام را به دست آورد. در برخی از احادیث، حریم قبر امام حسین علیه السلام، یک فرسنگ در یک فرسنگ، و در برخی از احادیث، پنج فرسنگ در چهار فرسنگ، ذکر شده است؛ ولی این احادیث از نظر سند، معتبر نیستند. در روایت صحیح حسین بن ثویر از امام صادق علیه السلام، (4) فاصله میان شطّ فرات و مزار امام حسین علیه السلام، «حرم خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله» نامیده شده است. به هر حال، گویا روایت معتبری در دست نیست که محدوده حرم امام علیه السلام را

1- ر. ك: ص 403 ح 3375 و 3376.

2- ر. ك: ص 403 ح 3377.

3- ر. ك: ص 405 ح 3379 _ 3380.

4- «إذا أتيت أبا عبد الله عليه السلام، فاغتسل على شاطئ الفرات ثم البس ثيابك الطاهرة، ثم امش حافيا، فإنك في حرم من حرم الله و حرم رسوله...؛ چون به زیارت امام حسین علیه السلام رفتی، در ساحل فرات، غسل کن و لباس پاکیزه خود را بر تن کن. آن گاه، با پای برهنه، پیاده برو؛ چرا که تو [در آن هنگام،] در یکی از حرم های خدا و پیامبرش هستی» (ر. ك: ج 11 ص 319 ح 3233).

به روشنی مشخص کند. بنا بر این، می توان گفت که تعیین محدوده آن، به عرف و اگذار شده و همان طور که بسیاری از فقها گفته اند، قدر مُتَيَقَّن برای محدوده جواز قصر و اتمام نماز، داخل بودن در حرم فعلی آن امام است. البته اگر محدوده حرم، توسعه داده شود، ظاهراً تا هر جا که حرم نامیده شود، مشمول احادیثِ تخییر خواهد بود.

الفصل الثاني : الإستشفاء بِتُربةِ قَبْرِهٖ 1 / 2 الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ الْمُنَاقِبُ لِابْنِ شَهْرَآشُوبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مُخَاطَبَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
-: شِفَاءُ أُمَّتِي فِي تُرْبَتِكَ ، وَالْأَيْمَةُ مِنْ دُرِّيَّتِكَ . (1)

كامل الزيارات عن محمد بن زياد عن عمته : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّ فِي طِينِ الْحَائِرِ (2) الَّذِي فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ . (3)

تهذيب الأحكام عن سليمان البصري عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام : فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الشِّفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَهُوَ
الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ . (4)

-
- 1- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 82 .
 - 2- .الحائِرُ : فِي الْأَصْلِ مَجْمَعُ الْمَاءِ ، وَيُرَادُ بِهِ حَائِرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَهُوَ مَا حَوَاهُ سُورُ الْمَشْهَدِ الْحُسَيْنِيِّ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ : ج 1 ص 479 «حير»).
 - 3- .كامل الزيارات : ص 466 ح 710 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 125 ح 27 .
 - 4- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 74 ح 142 ، المزار للمفيد : ص 143 ح 1 ، كامل الزيارات : ص 462 ح 702 ، المزار الكبير : ص 361 ح 1 ، مصباح المتهجد : ص 732 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 599 ح 3204 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 361 ح 1181 ، روضة الواعظين : ص 451 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 123 ح 18 .

فصل دوم : شفاخواهی با تربت مزار امام حسین علیه السلام

2 / 1 بزرگ ترین دارو

المناقب، ابن شهر آشوب_ از پیامبر صلی الله علیه و آله، خطاب به حسین علیه السلام_: شفای امت من، در تربت [مزار] توست و امامان، از نسل تو هستند .

کامل الزیارات_ به نقل از محمد بن زیاد، از عمّه اش_: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در گِلِ حائر (1) حسین علیه السلام، شفای هر دردی و ایمنی از هر ترسی، نهفته است .

تهذیب الأحکام_ به نقل از سلیمان بصری، از امام صادق علیه السلام_: در گلِ مزار حسین علیه السلام، شفای هر دردی است و آن، بزرگ ترین داروست .

1- حائر: حَرَم؛ حریم مزار؛ محدوده حرم حسین علیه السلام.

كفاية الأثر عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله في فضلِ الحُسَيْنِ عليه السلام: _ألا وإنَّ الإجابةَ تحتَ قُبَيْتِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ، وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ. (1)

الأمالي للطوسي عن محمد بن مسلم: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ، وَإِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ، وَلَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِيًا وَرَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ. (2)

المزار للمفيد عن مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [الصادق] عَلَيْهِ السَّلَامُ: طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ شِفَاءٌ وَإِنْ أُخِذَ عَلَى رَأْسِ مَيْلٍ. (3)

كامل الزيارات عن سماعة بن مهران عن أبي عبد الله [الصادق] عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ طِينٍ حَرَامٍ عَلَى بَنِي آدَمَ مَا خَلَا طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مَنْ أَكَلَهُ مِنْ وَجَعِ شَفَاةِ اللَّهِ تَعَالَى. (4)

مصباح المتهجد عن محمد بن جمهور العمي عن بعض أصحابه: سُئِلَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ طِينِ الْأَرْمَنِِيِّ (5) يُؤَخَذُ لِلْكَسْرِ، أَيَحِلُّ أَخْذُهُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، أَمَا إِنَّهُ مِنْ طِينِ قَبْرِ ذِي الْقَرْنَيْنِ، وَطِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرٌ مِنْهُ. (6)

- 1- كفاية الأثر: ص 17، الصراط المستقيم: ج 2 ص 145، بحار الأنوار: ج 36 ص 286 ح 107.
- 2- الأمالي للطوسي: ص 317 ح 644، بشارة المصطفى: ص 211، إعلام الوری: ج 2 ص 431، عدّة الداعي: ص 48 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 44 ص 221 ح 1.
- 3- المزار للمفيد: ص 143 ح 3، المزار الكبير: ص 361 ح 3، كامل الزيارات: ص 462 ح 703 عن أبي الصباح الكناني، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 360 ح 1175، مصباح الزائر: ص 255، بحار الأنوار: ج 101 ص 124 ح 20.
- 4- كامل الزيارات: ص 479 ح 731، بحار الأنوار: ج 101 ص 130 ح 48.
- 5- الطين الأرميني: طين يجلب من أرمينيا؛ بلدة تقع شمال إيران، والطين الأرميني يميل إلى الصفرة، ويسحق بسهولة، ويستخدم للعلاج؛ خاصّة النزيف والإسهال (معجم ألفاظ الفقه الجعفري: ص 274).
- 6- مصباح المتهجد: ص 732، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 362 ح 1182، الدعوات: ص 185 ح 514 وفيه «للكيس» بدل «للكسر» ، بحار الأنوار: ج 62 ص 174 ح 8.

كفاية الأثر_ به نقل از ابن عباس ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، در فضیلت امام حسین علیه السلام_ : هان که اجابت دعا ، زیر گنبد او ، و شفا ، در تربت اوست و امامان ، از نسل او هستند .

الأمالی ، طوسی_ به نقل از محمد بن مسلم_ : شنیدم که امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام می فرمایند : «خداى متعال ، در عوض کشته شدن حسین علیه السلام ، امامت را در نسل او ، شفا را در تربت او ، و اجابت دعا را نزد قبر او قرار داد و روزهای آمد و رفت زائرش ، از عمرش حساب نمی شود» .

المزار ، مفید_ به نقل از محمد بن سلیمان بصری ، از پدرش ، از امام صادق علیه السلام_ : در گِل قبر حسین علیه السلام ، شفاست ، حتی اگر از فاصله يك ميلی [از قبر] برداشته شود .

کامل الزیارات_ به نقل از سماعة بن مهران ، از امام صادق علیه السلام_ : [خوردن] هر گلی ، بر آدمی زاده حرام است ، جز گِل قبر حسین علیه السلام . هر کس آن را برای دردی بخورد ، خداى متعال ، شفایش می دهد .

مصباح المتهدج_ به نقل از محمد بن جمهور عمّی ، از یکی از راویان شیعی_ : از امام جعفر صادق علیه السلام در باره گِل ارمنی (1) که برای [درمان] شکستگی به کار می گیرند ، پرسیدند که : حلال است ؟ امام علیه السلام فرمود : «اشکالی ندارد . بدان که آن ، از گِل قبر ذوالقرنین است و گِل قبر حسین بن علی علیه السلام از آن ، برتر است» .

1- گِل ارمنی را از ارمنستان ، در همسایگی شمال غربی ایران می آورند . رنگش مایل به زردی است و به سادگی ، آسیاب می شود از طریق خوردن یا ضماد کردن ، در درمان بیماری ها و زخم ها به کار می رود و در گذشته ، آن را برای معالجه بیماری ها ، بویژه خونریزی شدید و اسهال ، به کار می برده اند (لغت نامه دهخدا : ذیل «طین ارمنی») .

المزار للمفيد عن محمد بن سليمان البصري عن أبيه عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: مَنْ أَصَابَتْهُ عِلَّةٌ فَتَدَاوَى مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْكَ الْعِلَّةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عِلَّةَ السَّامِ (1) . (2)

الكافي عن يونس بن الربيع عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إِنَّ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَثَرَبَةٌ حَمْرَاءَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ . قَالَ : فَأَتَيْنَا الْقَبْرَ بَعْدَ مَا سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِيثَ ، فَاحْتَفَرْنَا عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ ، فَلَمَّا حَفَرْنَا قَدَرَ ذِرَاعٍ ابْتَدَرَتْ عَلَيْنَا مِنْ رَأْسِ الْقَبْرِ مِثْلُ السَّهْلَةِ (3) حَمْرَاءَ قَدَرَ الدَّرْهَمَ ، فَحَمَلْنَاهَا إِلَى الْكُوفَةِ فَمَزَجْنَاهُ ، وَأَقْبَلْنَا نُعْطِي النَّاسَ يَتَدَاوُونَ بِهَا . (4)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن المسيب بن زهير عن موسى بن جعفر [الكاظم] عليه السلام: لَا تَأْخُذُوا مِنْ تُرْبِي شَيْئًا لِيَتَّبِعُوا بِهِ ؛ فَإِنَّ كُلَّ تُرْبَةٍ لَنَا مُحَرَّمَةٌ إِلَّا تُرْبَةَ جَدِّي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَهَا شِفَاءً لِشَيْعَتِنَا وَأَوْلِيَانِنَا . (5)

تهذيب الأحكام عن الحسن بن فضال عن بعض أصحابه عن أحدهما عليهما السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ مِنَ الطِّينِ ، فَحَرَّمَ الطِّينَ عَلَى وُلْدِهِ . قَالَ : قُلْتُ : فَمَا تَقُولُ فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ؟ قَالَ : يَحْرُمُ عَلَى النَّاسِ أَكْلُ لُحُومِهِمْ وَيَجِلُّ لَهُمْ أَكْلُ لُحُومِنَا؟! وَلَكِنَّ الْيَسِيرَ مِنْهُ مِثْلُ الْحِمَصَةِ . (6)

- 1- السام: الموت (الصحاح: ج 5 ص 1955 «سوم»).
- 2- المزار للمفيد: ص 144 ح 4، المزار الكبير: ص 361 ح 4، كامل الزيارات: ص 462 ح 704، مصباح الزائر: ص 255 وفيها «فبدأ بطين» بدل «فتداوى من طين»، بحار الأنوار: ج 101 ص 124 ح 22.
- 3- السهله: رمل خشن ليس بالدقاق الناعم (لسان العرب: ج 11 ص 349 «سهل»).
- 4- الكافي: ج 4 ص 588 ح 4، كامل الزيارات: ص 468 ح 713 وفيه «رفيع» بدل «ربيع»، والظاهر أنه تصحيف كما قال في معجم رجال الحديث: ج 20 ص 192، بحار الأنوار: ج 101 ص 125 ح 30.
- 5- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 104 ح 6، عيون المعجزات: ص 105، دلائل الإمامة: ص 315 ح 261 عن محمد بن إسماعيل الحسين عن الإمام العسكري عليه السلام عن المسيب، بحار الأنوار: ج 101 ص 118 ح 1.
- 6- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 74 ح 145، المزار للمفيد: ص 146 ح 1، كامل الزيارات: ص 478 ح 730، المزار الكبير: ص 363 ح 8، مصباح المتعجد: ص 732، بحار الأنوار: ج 60 ص 154 ح 12.

المزار، مفید_ به نقل از محمد بن سلیمان بصری، از پدرش، از امام صادق علیه السلام_: هر کس، بیماری ای به او برسد و با گِل قبر حسین علیه السلام مداوا کند، خداوند، او را از آن بیماری، شفا می دهد، مگر بیماری [منجر به] مرگ باشد.

الکافی_ به نقل از یونس بن ربیع_: امام صادق علیه السلام فرمود: «نزد سر حسین علیه السلام، تربتی سرخ فام است که شفای هر دردی جز مرگ، در آن است». پس از شنیدن این حدیث، به نزد قبر [امام حسین علیه السلام] آمدیم و از طرف سر قبر، زمین را حفر کردیم. چون یک گز، حفر کردیم، به اندازه یک درهم شن درشت سرخ، از قسمت سر قبر، فرو ریخت که آن را به کوفه آوردیم و [با خاک] مخلوط کردیم و به مردم می دادیم تا با آن، مداوا کنند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از مُسَدِّب بن زُهَیر، از امام کاظم علیه السلام_: از تربت من، چیزی برای تبرک بر مگیرید که هر تربتی از ما حرام است، مگر تربت جَدَم حسین بن علی علیه السلام، که خدای متعال، آن را برای شیعیان و دوستان ما، شفا قرار داده است.

تهذیب الأحکام_ به نقل از حسن بن فضال، از یکی از راویان شیعی_: امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای متعال، آدم علیه السلام را از گِل آفرید و گِل را بر فرزندان او حرام کرد». گفتم: پس در باره گِل قبر حسین بن علی علیه السلام، چه می گویی؟ فرمود: «بر مردم، خوردن گوشت یکدیگر، حرام است؛ ولی خوردن گوشت ما (خاک قبر ما) بر ایشان حلال است؟! اما اندکی از آن، به اندازه یک نخود [، اشکالی ندارد]». .

الكافي عن سعد بن سعد: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (1) عَنِ الطَّيْنِ، فَقَالَ: أَكُلُ الطَّيْنِ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَيْتَةِ وَالِدَّمِ وَلَحْمِ الْخِنْزِيرِ، إِلَّا طَيَّنَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمِنَا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ. (2)

مصباح المتهجد: خَرَجَ إِلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ الْهَمْدَانِيِّ وَكَيْلِ أَبِي مُحَمَّدٍ - الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مَوْلَانَا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وُلِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ لِثَلَاثِ خَلَوْنَ مِنْ شَعْبَانَ، فَصُمُّهُ وَادْعُ فِيهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ... الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ. (3)

2 / 2 آدابُ الإِسْتِشْفَاءِ بِتَرْبَتِهَا الْمَزَارِ لِلْمَفِيدِ عَنْ سَلِيمَانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [الصَّادِقِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أَنَّ مَرِيضًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَعْرِفُ حَقَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحُرْمَتَهُ وَوِلَايَتَهُ، أَخَذَ لَهُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَ رَأْسِ الْأَنْمَلَةِ كَانَ لَهُ دَوَاءٌ. (4)

1- المراد به هنا هو الامام الكاظم ام الامام الرضا عليهما السلام.

2- الكافي: ج 6 ص 266 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 89 ح 377، كامل الزيارات: ص 478 ح 729، الأُمالي للطوسي: ص 319 ح 647 عن سعد بن سعيد الأشعري عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 101 ص 130 ح 45.

3- مصباح المتهجد: ص 826 ح 886، المزار الكبير: ص 397 ح 1، الإقبال: ج 3 ص 303، مختصر بصائر الدرجات: ص 34، بحار الأنوار: ج 101 ص 347 ح 1.

4- المزار للمفيد: ص 143 ح 2، المزار الكبير: ص 361 ح 2، كامل الزيارات: ص 466 ح 706، مصباح المتهجد: ص 732 وليس فيه «ولايته» وكلاهما عن أبي بكر الحضرمي، الدعوات: ص 185 ح 512 وفيه «عرف قدر أبي عبد الله» بدل «من المؤمنين يعرف حقَّ أبي عبد الله الحسين عليه السلام وحرمة وولايته»، والثلاثة الأخيرة بزيادة «شفاء» في آخره، مصباح الزائر: ص 255، بحار الأنوار: ج 101 ص 122 ح 10.

الكافی_ به نقل از سعد بن سعد_: از ابو الحسن علیه السلام (1) در باره [خوردن گِلِ پرسیدم . فرمود : « خوردن گِل ، مانند مُرده و خون و گوشت خوك ، حرام است ، مگر گِلِ قبر حسین علیه السلام که شفای هر دردی و ایمنی از هر ترسی در آن است» .

مصباح المتهدّج: [توقیعی] به سوی قاسم بن علاء همدانی ، وکیل امام عسکری علیه السلام آمد که در آن ، نوشته بود : « مولایمان حسین علیه السلام روز پنج شنبه ، سه روز از شعبان گذشته ، متولّد شد . آن روز را روزه بگیر و در آن ، این دعا را بخوان : خدایا ! من از توبه حقّ مولود این روز ، می خواهم . . . ؛ او که به عوضِ کشته شدنش ، امامان را از نسلش و شفا را در تربتش قرار دادند » .

2 / 2 آداب شفاخواهی با تربت امام علیه السلام

المزار ، مفید_ به نقل از سلیمان بصری ، از امام صادق علیه السلام_: اگر بیماری از مؤمنان ، حقّ حسین علیه السلام و حرمت و ولایت او را بشناسد و به اندازه سرانگشتی از تربت قبر حسین علیه السلام برایش بگیرند ، برایش دواست .

1- در این جا مقصود ، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است .

مصباح المتهجد عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله جعفر بن محمد [الصادق] عليه السلام: إذا تناول أحدكم من طين قبر الحسين بن عليّ، فليقل: اللهم إني أسألك بحق الملاك الذي تناول، والرّسول الذي نزل، والوصيّ الذي ضمّن فيه، أن تجعله شفاءً من كلّ داء. ويُسَمَّى ذلك الداء. (1)

مصباح المتهجد عن حنان بن سدير عن أبيه عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: من أكل من طين قبر الحسين عليه السلام غير مُستشفٍ به فكأنما أكل من لحومنا، فإذا احتاج أحدكم للأكل منه ليستشفي به، فليقل: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ، اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةُ الْمُبَارَكَةُ الطَّاهِرَةُ، وَرَبِّ التَّوْرِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ، وَرَبِّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِ، اجعله لي شفاءً من داء كذا وكذا»، واجرع من الماء جرعة خلفه، وقل: «اللَّهُمَّ اجعله رزقا واسعا، وعِلما نافعاً، وشفاءً من كلِّ داءٍ وسُقمٍ»؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْفَعُ عَنْكَ بِهَا كُلَّ مَا تَجِدُ مِنَ السُّقْمِ وَالْغَمِّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (2)

1- مصباح المتهجد: ص 734، الدعوات: ص 187 ح 518، كامل الزيارات: ص 469 ح 715 وفيه «بؤاه» بدل «نزل»، بحار الأنوار: ج 101 ص 127 ح 33.

2- مصباح المتهجد: ص 733، الدعوات: ص 187 ح 517، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 361 ح 1180 وفيه «إتكَ على كلّ شيءٍ قدير» بدل «فإنّ الله تعالى يدفع... إلخ»، مصباح الزائر: ص 260 نحوه وليس فيهما صدره إلى «ليستشفي به»، بحار الأنوار: ج 101 ص 134 ح 71.

مصباح المتهجد_ به نقل از عبد الله بن سنان ، از امام صادق علیه السلام_: هر گاه یکی از شما ، چیزی از گِل قبر حسین بن علی علیه السلام برگرفت ، بگوید : «خدايا ! من از تو ، به حق فرشته ای که [از گِل او] برگرفت و پیامبری که [آن گِل] برای او آورده شد و وصی ای که در آن جای داده شده ، می خواهم که آن را شفای هر بیماری ای ، قرار دهی » و بیماری [خود] را نام ببرد .

مصباح المتهجد_ به نقل از حنان بن سدير ، از پدرش ، از امام صادق علیه السلام_: هر کس بدون قصد شفاخواهی ، از تربت قبر حسین علیه السلام بخورد ، گویی که گوشت ما را خورده است . پس چون هر يك از شما به خوردن از آن برای شفاخواهی نیاز یافت ، بگوید : «به نام خدا و یاری خدا . خدايا ! ای پروردگار این تربت مبارك و پاك ، و پروردگار نوری که در آن ، فرود آمده ، و پروردگار پیکری که در آن جای گرفته ، و پروردگار فرشتگان گمارده بر او ! آن را برای من ، شفا از فلان بیماری ، قرار ده» و پشت سر آن ، جرعه ای آب بنوش و بگو : «خدايا ! آن را روزی گسترده ، دانش سودمند و شفا از هر درد و بیماری ، قرار ده» . پس همانا خدای متعال ، هر بیماری و همّ و غمی را که در خود می یابی ، به وسیله آن ، از تو دور می کند ، إن شاء الله تعالی !

كامل الزيارات عن مالك بن عطية عن أبيه عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إذا أخذت من تربة المظلوم ووضعتها في فيك، فقل: «اللهم إني أسألك بحق هذه التربة، وبحق الملك الذي قبضها، والنبي الذي حصنها، والإمام الذي حل فيها، أن تصلني على محمد وآل محمد، وأن تجعل لي فيها شفاء نافعاً، ورزقا واسعا، وأمانا من كل خوف وداء»؛ فإنه إذا قال ذلك وهب الله له العافية وشفاه. (1)

مصباح المتعبد عن يونس بن ظبيان عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: طين قبر الحسين عليه السلام شفاء من كل داء، فإذا أكلت، فقل: بسم الله وبالله، اللهم اجعله رزقا واسعا، وعِلما نافعاً، وشفاء من كل داء إنك على كل شيء قدير، اللهم رب التربة المباركة، ورب الوصي الذي وارثه، صل على محمد وآل محمد، واجعل هذا الطين شفاء من كل داء، وأمانا من كل خوف. (2)

مكارم الأخلاق عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام: إن طين قبر الحسين عليه السلام مسكة مباركة، من أكله من شيعتنا كانت له شفاء من كل داء، ومن أكله من عدونا ذاب كما تذوب الألية. فإذا أكلت من طين قبر الحسين عليه السلام فقل: اللهم إني أسألك بحق الملك الذي قبضها، وبحق النبي الذي خزنها، وبحق الوصي الذي هو فيها، أن تصلني على محمد وآل محمد، وأن تجعل لي فيه شفاء من كل داء، وعافية من كل بلاء، وأمانا من كل خوف، برحمتك يا أرحم الراحمين، وصلى الله على محمد وآله وسلم. وتقول أيضا: اللهم إني أشهد أن هذه التربة الشريفة تربة وليك، وأشهد أنها شفاء من كل داء، وأمان من كل خوف لمن شئت من خلقك، ولي برحمتك، وأشهد أن كل ما قيل فيهم وفيها فهو الحق من عندك، وصدق المرسلون. (3)

-
- 1- كامل الزيارات: ص 477 ح 727، بحار الأنوار: ج 101 ص 129 ح 42.
 - 2- مصباح المتعبد: ص 733، الدعوات: ص 187 ح 516، كامل الزيارات: ص 476 ح 725، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 360 ح 1176 وليس فيهما ذيله من «اللهم رب التربة... إلخ»، بحار الأنوار: ج 101 ص 129 ح 40 و 41.
 - 3- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 360 ح 1177، بحار الأنوار: ج 101 ص 132 ح 60.

کامل الزیارات_ به نقل از مالک بن عطیّه ، از پدرش ، از امام صادق علیه السلام_: هنگامی که از تربت مظلوم (حسین علیه السلام) برداشتی و در دهانت گذاشتی ، بگو: «خدایا! من از تو ، به حقّ این تربت و به حقّ فرشته ای که آن را بر گرفت ، و پیامبری که آن را به دامن گرفت [و نگاه داشت] ، و امامی که در آن جای گرفت ، می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و شفای سودمند ، روزی گسترده و امان از هر ترس و بیماری را در آن ، برابم قرار دهی» ، که چون کسی این را بگوید ، خداوند ، عافیت و شفا به او می دهد .

مصباح المتهجّد_ به نقل از یونس بن ظبیان ، از امام صادق علیه السلام_: تربت قبر حسین علیه السلام ، شفا از هر بیماری است . پس چون آن را خوردی ، بگو: «به نام خدا و یاری خدا . خدایا! آن را روزی گسترده ، دانش سودمند و شفای هر بیماری ای قرار ده ، که تو بر هر کاری ، توانایی . خدایا! ای پروردگار تربت مبارک و پروردگار وصی ای که در آن ، پنهان [و به خاک سپرده] شده! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و این تربت را شفا از هر دردی و امان از هر ترسی ، قرار ده» .

مکارم الأخلاق_ از امام صادق علیه السلام_: تربت قبر حسین علیه السلام ، مُشکی مبارک است . هر کس از شیعیان ما آن را بخورد ، برایش شفای هر دردی است ، و هر کس از دشمنان ما که آن را بخورد ، مانند دُنبه ، آب می شود . پس هنگامی که از تربت قبر حسین علیه السلام می خوری ، بگو: «خدایا! من ، از تو به حقّ فرشته ای که آن را بر گرفت ، و به حقّ پیامبری که آن را اندوخته داشت ، و به حقّ وصی ای که در آن [مدفون] است ، می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و برای من در آن ، شفای هر دردی و عافیت از هر بلایی و امان از هر ترسی ، قرار دهی ، به رحمت ، ای مهربان ترین مهربانان! و خداوند بر محمّد و خاندانش ، درود و سلام بفرستد . « و نیز می گویی: «خدایا! من گواهی می دهم که این تربت شریف ، تربت ولیّ توست؛ و گواهی می دهم که آن ، شفای هر دردی و امان از هر ترسی برای هر يك از آفریدگان توست که بخواهی ؛ و نیز برای من ، به سبب رحمتت ؛ و گواهی می دهم که هر چه در باره آنان (امامان علیهم السلام) و آن (تربت حسین علیه السلام) گفته شده ، حقیقتی از جانب توست و فرستادگان ، راست گفته اند» .

الأمامي للطوسي عن زيد أبي أسامة: كُنْتُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ عِصَابَتِنَا بِحَضْرَةِ سَيِّدِنَا الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ تُرْبَةَ جَدِّي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، فَإِذَا تَنَاوَلَهَا أَحَدُكُمْ فَلْيَقْبَلْهَا وَلْيَصِدَّ بِهَا عَلَى عَيْنَيْهِ، وَلْيَمْرَها عَلَى سَائِرِ جَسَدِهِ، وَلْيَقُلْ: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا وَثَوَى فِيهَا، وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْحَاقِقِينَ بِهِ، إِلَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَبُرْءًا مِنْ كُلِّ مَرَضٍ، وَنَجَاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزًا (1) مِمَّا أَخَافُ وَأُحْذَرُ»، ثُمَّ يَسْتَعْمِلُهَا. قَالَ أَبُو أُسَامَةَ: فَإِنِّي اسْتَعْمَلْتُهَا مِنْ دَهْرِي الْأَطْوَلَ كَمَا قَالَ وَوَصَفَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، فَمَا رَأَيْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ مَكْرُوهًا. (2)

كامل الزيارات عن أبي حمزة الشمالي عن الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ حَمَلَ الطَّيْنِ - طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَاقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَ«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، وَيس وآية الكرسي، وَتَقُولُ: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ، وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَرَوْجَةَ وَلِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ، وَبِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِي تَصَدَّقْتَهُ، وَبِحَقِّ السَّبْطِ الَّذِي صَدَّقْتَهُ، وَبِحَقِّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ هَذَا الطَّيْنَ شِفَاءً لِي وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةِ، وَجَمِيعِ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَتَقُولُ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَيْمُونَةِ، وَالْمَلِكِ الَّذِي هَبَطَ بِهَا، وَالْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ وَأَنْفَعْنِي بِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (3)

1- الحِرْزُ: الموضع الحصين (الصحاح) ج 3 ص 872 «حرز».

2- الأمامي للطوسي: ص 318 ح 646، بشارة المصطفى: ص 217 عن زيد بن أسامة، مصباح الزائر: ص 259 وليس فيه صدره إلى «كل خوف»، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 361 ح 1179 وفي صدره «سئل عن أبي عبد الله عليه السلام من كيفية تناوله؟ قال: إذا تناول التربة أحدكم فليأخذ بأطراف أصابعه وقدره مثل الحمصة، فليقبلها . . .» وليس فيه ذيله من «فإنني أستعملها . . .»، بحار الأنوار: ج 101 ص 119 ح 4.

3- كامل الزيارات: ص 475 ح 724، بحار الأنوار: ج 101 ص 128 ح 39.

الأمالی، طوسی۔ به نقل از زید ابواسامه: با گروهی از شیعیان، خدمت سرورمان امام صادق علیه السلام بودیم. امام علیه السلام رو به ما کرد و فرمود: «خدای متعال، تربت جدم حسین علیه السلام را شفای هر دردی و امان از هر ترسی قرار داده است و هنگامی که یکی از شما از آن بر می‌گیرد، باید آن را ببوسد و بر چشمانش بگذارد و به بقیه بدنش بکشد و بگوید: خدایا! به حق این تربت و به حق آن که در آن، جای گرفته و مدفون شده است، و به حق پدرش، مادرش، برادرش و امامان از فرزندان، و به حق فرشتگان گرداگرد او، [می‌خواهم] که آن را شفای هر دردی، و سلامت از هر بیماری‌ای، و رهایی از هر آفتی، و حفظ از هر آنچه می‌ترسم و بیم دارم، قرار دهی. سپس، آن را استفاده کند». من، روزگاری دراز است که آن را همان‌گونه که امام صادق علیه السلام فرمود و شرح داد، استفاده کرده‌ام و به حمد خدا، هیچ ناخوشی‌ای ندیده‌ام. (1)

کامل الزیارات۔ به نقل از ابو حمزه ثمالی، از امام صادق علیه السلام: هنگامی که خواستی از گِلِ قبر حسین علیه السلام برداری و همراه خود داشته باشی، سوره «حمد» و معوذتین («قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»)، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ يَٰ أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، «یس» و «آیة الکرسی» را بخوان و بگو: «خدایا! به حق محمد، بنده، حبیب، پیامبر، فرستاده و امینت، و به حق امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب، بنده و برادر پیامبرت، و به حق فاطمه، دختر پیامبرت و همسر ولایت، و به حق حسن و حسین، و به حق امامان ره یافته، و به حق این تربت، و به حق فرشته گمارده شده بر آن، و به حق وصی‌ای که در آن آرمیده، و به حق پیکری که در خود جای داده، و به حق نواده‌ای که در درون آن جای گرفته، و به حق همه فرشتگان، پیامبران و فرستادگان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و این تربت را برای من و هر کس که به آن شفا می‌جوید، شفای هر درد و ناراحتی و بیماری، و امان از هر ترسی، قرار ده. خدایا! به حق محمد و خاندانش، آن را دانشی سودمند، روزی‌ای گسترده، و شفا از هر درد و ناراحتی و آفت و بیماری و همه دردها قرار ده، که تو بر هر کاری، توانایی». و می‌گویی: «خدایا! ای پروردگار این تربت مبارک و خجسته، و فرشته‌ای که با آن فرود آمده، و وصی‌ای که در آن است! بر محمد و خاندان محمد، درود و سلام فرست و مرا از آن، بهره‌مند کن، که تو بر هر کاری، توانایی».

1- در آغاز نقل مکارم الأخلاق، چنین آمده است: «از امام صادق علیه السلام، کیفیت برگرفتن تربت را پرسیدند. امام علیه السلام فرمود: «هر گاه یکی از شما خواست که از تربت، بر گیرد، با سرانگشتانش، به اندازه یک نخود، از تربت بر گیرد و آن را ببوسد و...».

تهذيب الأحكام عن الحسن بن علي بن أبي المغيرة عن بعض أصحابنا: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي رَجُلٌ كَثِيرُ الْعِلَلِ وَالْأَمْرَاضِ وَمَا تَرَكْتُ دَوَاءً إِلَّا تَدَاوَيْتُ بِهِ. فَقَالَ لِي: وَأَيْنَ أَنْتَ عَنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَإِنَّ فِيهِ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَالْأَمْنَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، فَقُلْ إِذَا أَخَذْتَهُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطِّينَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي أَخَذَهَا، وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَاجْعَلْ فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ. ثُمَّ قَالَ: أَمَّا الْمَلِكُ الَّذِي أَخَذَهَا فَهُوَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرَاهَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: هَذِهِ تُرْبَةُ ابْنِكَ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ. وَالنَّبِيُّ الَّذِي قَبَضَهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَالْوَصِيُّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا فَهُوَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّدُ شَبَابِ الشُّهَدَاءِ. قُلْتُ: قَدْ عَرَفْتُ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، فَكَيْفَ الْأَمَانُ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ؟ قَالَ: إِذَا خِفْتَ سُدَّ لِمَطَانَا أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا تَخْرُجَ مِنْ مَنْزِلِكَ إِلَّا وَمَعَكَ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقُلْ إِذَا أَخَذْتَهُ: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَوَلِيِّكَ، أَخَذْتَهَا حِرْزًا لِمَا أَخَافُ وَمَا لَا أَخَافُ»، فَإِنَّهُ [قَدْ] (1) يَرُدُّ عَلَيْكَ مَا لَا تَخَافُ. قَالَ الرَّجُلُ: فَأَخَذْتُهَا كَمَا قَالَ لِي فَأَصَحَّ اللَّهُ بَدَنِي، وَكَانَ لِي أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ مِمَّا خِفْتُ وَمَا لَمْ أَخَفْ كَمَا قَالَهُ. قَالَ: فَمَا رَأَيْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ بَعْدَهَا مَكْرُوهًا. (2)

1- الزيادة من المصادر الأخرى .

2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 74 ح 146 ، كامل الزيارات: ص 473 ح 722 ، الأمالي للطوسي: ص 318 ح 645 ، بشارة المصطفى: ص 214 كلاهما نحوه وفيهما «الحارث بن المغيرة النصري» بدل «بعض أصحابنا» ، بحار الأنوار: ج 101 ص 118 ح 2 .

تهذیب الأحكام_ به نقل از حسن بن علی بن ابی مُعَیْره، از یکی از راویان شیعی_: به امام صادق علیه السلام گفتم: من مردی هستم که بیماری های فراوانی دارم و دارویی نیست که به کار، نبرده باشم. امام علیه السلام به من فرمود: «چرا از تربت قبر حسین علیه السلام غافلِی؟ در آن، شفای هر دردی و امان از هر ترسی است. پس چون آن را بر گرفتی، بگو: خدایا! من، از توبه حقّ این تربت، و به حقّ فرشته ای که از آن بر گرفته، و به حقّ پیامبری که آن را در مُشْت فشرده، و به حقّ وصی ای که در آن جای گرفته، می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و شفای هر درد و امان از هر ترسی را در آن، قرار دهی». سپس فرمود: «فرشته ای که آن را بر گرفت، جبرئیل علیه السلام بود که آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داد و گفت: این، تربت پسرت است که اُمّت پس از تو، او را می کُشند. و پیامبری که آن را، در مُشْت فشرده، محمّد صلی الله علیه و آله بود، و وصی ای که در آن جای گرفت، حسین علیه السلام، سَرور جوانان شهید است». گفتم: شفا از هر درد را فهمیدم. امان از هر ترس چیست؟ فرمود: «هنگامی که از سلطانی یا هر چیز [و هر کس] دیگری ترسیدی، از خانه ات بیرون نو، جز آن که از تربت قبر حسین علیه السلام به همراه داشته باشی، و چون آن را بر گرفتی، بگو: خدایا! این، تربت قبر حسین، ولیّ تو و فرزند ولیّ توست. آن را برای حفظ خود از آنچه بیم دارم و ندارم، برداشته ام که گاه آنچه از آن نمی ترسیدی، بر تو وارد می شود». آن را همان گونه که فرموده بود، بر گرفتم و خداوند، بدنم را سالم کرد و امان من از ترس هر آنچه می ترسیدم و نمی ترسیدم، بود، همان گونه که فرموده بود، و به حمد خدا، پس از آن، ناخوشی ای ندیدم.

المزار للمفيد: يُروى أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُكَ تَقُولُ: إِنَّ تُرْبَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْأَدْوِيَةِ الْمُفْرَدَةِ، وَإِنَّهَا لَا تَمُرُّ بِدَاءٍ إِلَّا هَضَمَتْهُ. فَقَالَ: قَدْ كَانَ ذَلِكَ _ أَوْ: قَدْ قُلْتُ ذَلِكَ _ فَمَا بِالكَ؟ قَالَ: إِنِّي تَنَاوَلْتُهَا فَمَا انْتَفَعْتُ بِهَا! قَالَ: أَمَا إِنَّ لَهَا دُعَاءً، فَمَنْ تَنَاوَلَهَا وَلَمْ يَدْعُ بِهِ وَاسْتَعْمَلَهَا لَمْ يَكْدَ يَنْتَفِعْ بِهَا. قَالَ: فَقَالَ لَهُ: مَا أَقُولُ إِذَا تَنَاوَلْتُهَا؟ قَالَ: تُقْبَلُهَا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَصَدَّعَهَا عَلَى عَيْنِكَ، وَلَا تَنَاوَلْ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ حِمَصَةٍ؛ فَإِنَّ مَنْ تَنَاوَلَ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا أَكَلَ مِنْ لُحُومِنَا وَدِمَائِنَا، فَإِذَا تَنَاوَلْتَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ. فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَاسْتَدِرْهَا فِي شَيْءٍ وَقْرَأْ عَلَيْهَا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، فَإِنَّ الدُّعَاءَ الَّذِي تَقَدَّمَ لِأَخْذِهَا هُوَ الْإِسْتِئْذَانُ عَلَيْهَا، وَقِرَاءَةُ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» خَتْمُهَا. (1)

1- المزار للمفيد: ص 147 ح 1، مصباح المتهجد: ص 734، الدعوات: ص 186 ح 515، المزار الكبير: ص 363 ح 9 وليس فيه «فإن من تناول... دمائنا»، مصباح الزائر: ص 256 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 101 ص 135 ح 73.

المزار ، مفید : روایت شده که مردی از امام صادق علیه السلام پرسید و گفت : شنیده ام که می گویی : تربت حسین علیه السلام ، از دواهای منحصر به فرد است و آن ، بر دردی نمی گذرد ، جز این که آن را از میان می برد ؟ فرمود : «همین گونه است (/ این گونه گفته ام) . چه می گویی ؟» . آن مرد گفت : من ، از آن خوردم ؛ ولی سودی نبردم ! امام علیه السلام فرمود : «آن ، دعایی دارد که هر کس از آن استفاده کند ، اما دعا را نخواند و به کار ببرد ، از آن ، سودی نمی برد» . مرد به امام علیه السلام گفت : به هنگام استفاده از آن ، چه بگویم ؟ فرمود : «پیش از هر چیز ، آن را می بوسی و بر چشمانت می گذاری و بیشتر از يك نخود آن را استفاده نمی کنی ، که هر کس بیشتر از این ، از آن استفاده کند ، گویی از گوشت ها و خون های ما خورده است ؛ و چون استفاده کردی ، بگو : خدایا ! من ، از توبه حق فرشته ای که آن را بر گرفت ، و به حق پیامبری که آن را اندوخت ، و به حق وصی ای که در آن جای گرفت ، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و آن را شفای هر درد و امان از هر ترس و حفظ از هر بدی ای قرار دهی . و چون آن را گفتی ، در چیزی [مایع] ، آن را هم بزن و سوره قدر را بر آن بخوان که دعای پیشین به هنگام بر گرفتن تربت ، مقدمه استفاده است و قرائت سوره قدر ، پایان بخش آن است» .

الكافي عن علي بن محمد رفعه: الختم على طين قبر الحسين عليه السلام أن يقرأ عليه «إنا أنزلناه في ليلة القدر». ورؤي: إذا أخذته فقل: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطَّاهِرَةِ، وَبِحَقِّ البَقْعَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِحَقِّ الوَصِيِّ الَّذِي تُوَارِيهِ، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَالْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ يَحْفُونَ بِهِ، وَالْمَلَائِكَةَ العُكُوفِ (1) عَلَى قَبْرِ وَلِيِّكَ، يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اجْعَلْ لِي فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأَوْسَعَ بِهِ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَصِحِّ بِهِ جِسْمِي. (2)

1- عَكَف يَعَكِفُ عَكُوفًا: لَزِمَ الْمَكَانَ (لسان العرب: ج 9 ص 255 «عكف»).

2- الكافي: ج 4 ص 588 ح 7، كامل الزيارات: ص 471 ح 719 و 720 وليس فيه «بسم الله» وبزيادة «وغنى من كل فقر» بعد «وأمانا من كل خوف»، مصباح الزائر: ص 259 وليس فيه صدره إلى «ليلة القدر»، بحار الأنوار: ج 101 ص 127 ح 36 و 37.

الكافی۔ به نقل از علی بن محمد، در حدیثی که سند آن را به یکی از اهل بیت علیهم السلام می‌رساند: پایان بخش [دعای وقت خوردن] تربت قبر حسین علیه السلام، خواندن سوره «قدر» است. و روایت شده که چون آن را بر گرفتی، بگو: «به نام خدا. خدایا! به حق این تربت پاک، و به حق این بقعه پاکیزه، و به حق وصی ای که در آن [به خاکش سپرده و] نهانش کرده ای، و به حق جدش، پدرش، مادرش، برادرش، فرشتگان گرداگردش و فرشتگان معتکف بر قبر ولایت که یاری دادنش را انتظار می‌کشند. که خداوند، بر همگی آنان، درود فرستد. آن را برای من، شفا برای هر دردی و امان از هر ترسی و عزت از هر خواری ای قرار ده و با آن، روزی ام را وسعت ده و پیکرم را سالم بدار».

2 / 3 شرط الاستشفاء بتربتها الكافي عن ابن أبي يعفور: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَأْخُذُ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَنْتَفِعُ بِهِ، وَيَأْخُذُ غَيْرُهُ وَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ! فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، مَا يَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَهُوَ يَرَى أَنَّ اللَّهَ يَنْفَعُهُ بِهِ إِلَّا نَفَعَهُ بِهِ. (1)

2 / 4 ما يَمْنَعُ الْإِسْتِشْفَاءَ بِتُرْبَتِهَا كَامِلَ الزِّيَارَاتِ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [الصادق] عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطِّينُ كُلُّهُ حَرَامٌ كَلْحَمِ الْخِنْزِيرِ، وَمَنْ أَكَلَهُ ثُمَّ مَاتَ مِنْهُ لَمْ أَصَلِّ عَلَيْهِ، إِلَّا طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَمَنْ أَكَلَهُ بِشَهْوَةٍ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِفَاءً. (2)

1- الكافي: ج 4 ص 588 ح 3، كامل الزيارات: ص 461 ح 699، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 361 ح 1178، بحار الأنوار: ج 101 ص 122 ح 12.

2- كامل الزيارات: ص 478 ح 728، علل الشرائع: ص 532 ح 2 وفيه «طين القبر» بدل «طين قبر الحسين عليه السلام»، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 362 ح 1183 وفيه «شيء» بدل «شفاء» وليس فيهما «فإن فيه شفاء من كل داء»، بحار الأنوار: ج 101 ص 129 ح 43.

2 / 3 شرط شفا یافتن با تربت امام علیه السلام

الکافی_ به نقل از ابن ابی یَعْفور_ م: به امام صادق علیه السلام گفتم: فردی، از تربت قبر حسین علیه السلام بر می گیرد و از آن، بهره مند می شود و کس دیگری از آن، بر می گیرد و بهره ای نمی برد. امام علیه السلام فرمود: «نه! به خدایی که جز او خدایی نیست، سوگند ، کسی که باور دارد که خدا با آن بهره مندش می سازد، آن را بر نمی گیرد، جز آن که خداوند، بهره مندش می سازد» .

2 / 4 مانع شفا یافتن با تربت امام علیه السلام

کامل الزیارات_ به نقل از ابو یحیی واسطی، از مردی، از امام صادق علیه السلام_: هر گلی، مانند گوشت خوک، حرام است و هر کس آن را بخورد و به سبب آن بمیرد، بر او نماز نمی خوانم، مگر گل قبر حسین علیه السلام که شفای هر دردی در آن است، و هر کس، آن را از روی لذت [و نه برای شفاجویی] بخورد، شفابخش نخواهد بود .

2 / 5 نماذجٍ مِمَّنْ شَفَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِبِرْكَةِ تَرْبَتِهَا _ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ كَامِلُ الزِّيَارَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: خَرَجْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَنَا وَجَعٌ، فَقِيلَ لَهُ [أَيُّ لِيَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَجَعٌ، فَأَرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرَابًا مَعَ غُلَامٍ مُعْطَى بِمَنْدِيلٍ، فَنَاولَنِيهِ الْغُلَامُ وَقَالَ لِي: إِشْرَبْهُ فَإِنَّهُ قَدْ أَمَرَنِي الْأَبْرَحَ حَتَّى تَشْرَبَهُ. فَتَنَاوَلْتُهُ فَإِذَا رَائِحَةُ الْمِسْكِ مِنْهُ، وَإِذَا بِشَرَابٍ طَيِّبٍ الطَّعْمِ بَارِدٍ. فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغُلَامُ: يَقُولُ لَكَ مَوْلَايَ: إِذَا شَرِبْتَهُ فَتَعَالَ. فَفَكَّرْتُ فِيمَا قَالَ لِي، وَمَا أَقْدِرُ عَلَى التُّهُؤُصِ قَبْلَ ذَلِكَ عَلَى رَجُلِي فَلَمَّا اسْتَقَرَّ الشَّرَابُ فِي جَوْفِي فَكَأَنَّمَا نُشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ (1)، فَأَتَيْتُ بَابَهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ، فَصَوَّتَ بِي: صَحَّ الْجِسْمُ، ادْخُلْ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَأَنَا بَاكِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقَبَّلْتُ يَدَهُ وَرَأْسَهُ. فَقَالَ لِي: وَمَا يُبْكِيكَ يَا مُحَمَّدُ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَبْكِي عَلَى اغْتِرَابِي، وَبُعْدِ الشُّقَّةِ، وَقِلَّةِ الْقُدْرَةِ عَلَى الْمُقَامِ عِنْدَكَ أَنْظُرْ إِلَيْكَ. فَقَالَ لِي: أَمَا قِلَّةُ الْقُدْرَةِ فَكَذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَنَا وَأَهْلَ مَوَدَّتِنَا وَجَعَلَ الْبَلَاءَ إِلَيْهِمْ سَرِيعًا، وَأَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنَ الْعُرْبَةِ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرِيبٌ، وَفِي هَذَا الْخَلْقِ الْمَنْكُوسِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ، وَأَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ بُعْدِ الشُّقَّةِ فَلَكَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُسْوَةٌ بِأَرْضٍ نَائِيَةٍ عَنَّا بِالْفُرَاتِ، وَأَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ حُبِّكَ قُرْبَنَا وَالتَّنَظَّرِ إِلَيْنَا، وَأَنَّكَ لَا تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ، فَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِكَ وَجَزَاؤُكَ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ لِي: هَلْ تَأْتِي قَبْرِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ عَلَى خَوْفٍ وَوَجَلٍ. فَقَالَ: مَا كَانَ فِي هَذَا أَشَدَّ فَالتَّوَابُ فِيهِ عَلَى قَدْرِ الْخَوْفِ، وَمَنْ خَافَ فِي إِيْتَانِهِ آمَنَ اللَّهُ رَوْعَتَهُ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْصَرَفَ بِالْمَغْفِرَةِ، وَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ، وَزَارَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا يَصْنَعُ (2) وَدَعَا لَهُ، وَانْقَلَبَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ سُهُ سَوْءٌ، وَاتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ لِي: كَيْفَ وَجَدْتَ الشَّرَابَ؟ فَقُلْتُ: أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَأَنَّكَ وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ، وَلَقَدْ أَتَانِي الْغُلَامُ بِمَا بَعَثْتُهُ وَمَا أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أُسْتَقِيلَ عَلَى قَدَمِي، وَلَقَدْ كُنْتُ آيسًا مِنْ نَفْسِي، فَنَاولَنِي الشَّرَابَ فَشَرِبْتُهُ فَمَا وَجَدْتُ مِثْلَ رِيحِهِ، وَلَا أَطْيَبَ مِنْ ذَوْقِهِ وَلَا طَعْمِهِ وَلَا أَبْرَدَ مِنْهُ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغُلَامُ: إِنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَكَ إِذَا شَرِبْتَهُ فَأَقْبِلْ إِلَيَّ، وَقَدْ عَلِمْتُ شِدَّةَ مَا بِي، فَقُلْتُ لِأَذْهَبَنَّ إِلَيْهِ وَلَوْ ذَهَبْتُ نَفْسِي، فَأَقْبَلْتُ إِلَيْكَ فَكَأَنِّي نُشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ! فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ رَحْمَةً لِشِعْيَتِكُمْ. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ الشَّرَابَ الَّذِي شَرِبْتَهُ فِيهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ أَفْضَلُ مَا أُسْتَشْفَى بِهِ، فَلَا تَعْدِلْ بِهِ، فَإِنَّا نَسْقِيهِ صَبِيَانًا وَنِسَاءً عَنَّا فَنَرَى فِيهِ كُلَّ خَيْرٍ. فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّا لَنَأْخُذُ مِنْهُ وَنَسْتَشْفَى بِهِ. فَقَالَ: يَأْخُذُهُ الرَّجُلُ فَيَخْرُجُهُ مِنَ الْحَائِرِ وَقَدْ أَظْهَرَهُ، فَلَا يَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْجَنِّ بِهِ عَاهَةً وَلَا دَابَّةً وَلَا شَيْءٍ بِهِ آفَةٌ إِلَّا شَمَّهُ، فَتَذْهَبُ بَرَكَتُهُ فَيَصِيرُ بَرَكَتُهُ لِيُغَيِّرَهُ، وَهَذَا الَّذِي تَتَعَالَجُ بِهِ لَيْسَ هَكَذَا، وَلَوْ مَا ذَكَرْتُ لَكَ مَا تَمَسَّحُ بِهِ شَيْءٌ وَلَا شَرِبَ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَفَاقَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَمَا هُوَ إِلَّا كَالْحَجَرِ الْأَسْوَدِ أَتَاهُ أَصْحَابُ الْعَاهَاتِ وَالْكَفْرِ وَالْجَاهِلِيَّةِ وَكَانَ لَا يَتَمَسَّحُ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَفَاقَ، وَكَانَ كَالْيَبْرِ يَاقُوتَةٍ، فَاسْوَدَّ حَتَّى صَارَ إِلَى مَا رَأَيْتَ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ؟ فَقَالَ: أَنْتَ تَصْنَعُ بِهِ مَعَ إِظْهَارِكَ إِيَّاهُ مَا يَصْنَعُ غَيْرُكَ، تَسْتَخْفُ بِهِ فَتَطْرَحُهُ فِي خُرْجِكَ وَفِي أَشْيَاءِ دُنْسَةٍ فَيَذْهَبُ مَا فِيهِ مِمَّا تُرِيدُهُ لَهُ. فَقُلْتُ: صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَالَ: لَيْسَ يَأْخُذُهُ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ جَاهِلٌ بِأَخْذِهِ، وَلَا يَكَادُ يَسْلَمُ بِالنَّاسِ. فَقُلْتُ: أَذْهَبُ جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَكَيْفَ لِي أَنْ أَخْذَهُ كَمَا تَأْخُذُهُ؟ فَقَالَ لِي: أُعْطِيكَ مِنْهُ شَيْئًا؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: إِذَا أَخَذْتَهُ فَكَيْفَ تَصْنَعُ بِهِ؟ فَقُلْتُ: أَذْهَبُ بِهِ مَعِي. فَقَالَ: فِي أَيِّ شَيْءٍ تَجْعَلُهُ؟ فَقُلْتُ: فِي ثِيَابِي. قَالَ: فَقَدْ رَجَعْتَ إِلَى مَا كُنْتَ تَصْنَعُ، إِشْرَبْ عِنْدَنَا مِنْهُ حَاجَتَكَ وَلَا تَحْمِلْهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ لَكَ. فَسَقَانِي مِنْهُ مَرَّتَيْنِ، فَمَا أَعْلَمُ أَنِّي وَجَدْتُ شَيْئًا مِمَّا كُنْتُ أَجِدُ، حَتَّى انصَرَفْتُ. (3)

1- فكأنما أنشطت من عقال: أي حل (النهاية: ج 5 ص 57 «نشط»).

2- «وما يصنع» كذا في المصدر وبحار الأنوار، ولعلها من زيادة النسخ.

3- .. كامل الزيارات: ص 462 ح 705، بحار الأنوار: ج 101 ص 120 ح 9 وراجع: الاختصاص: ص 52.

2 / 5 نمونه هایی از کسانی که خدا به برکت تربت حسین علیه السلام شفایشان داده است

الف - محمد بن مسلم

کامل الزیارات_ به نقل از محمد بن مسلم -: به سوی مدینه بیرون آمدم ، در حالی که دردمند بودم . به امام باقر علیه السلام گفته شد که محمد بن مسلم ، دردمند است . امام باقر علیه السلام ، نوشیدنی سرپوشیده ای را با حوله ای همراه غلامی برای من فرستاد . غلام ، آن را به دستم داد و به من گفت : آن را بنوش که به من فرمان داده که باز نگردم تا آن را بنوشی . آن را نوشیدم . بویش ، بوی مُشک و نوشیدنی خوش طعم و خُنکی بود . هنگامی که آن را نوشیدم ، آن غلام به من گفت : مولایت می گوید : «هنگامی که آن را نوشیدی ، بیا» . من در آنچه به من گفت ، اندیشیدم و پیش از آن ، نمی توانستم بر روی پایم بایستم ؛ اما هنگامی که نوشیدنی در درونم جای گرفت ، گویی بند از پایم گشوده شد . به در خانه امام علیه السلام رفتم و اجازه ورود خواستم . امام علیه السلام صدایم زد که : «بدن ، سالم شد . وارد شو!» . بر او وارد شدم و در حالی که می گریستم ، بر او سلام دادم و دست و سرش را بوسیدم . امام علیه السلام به من فرمود : «ای محمد ! چرا گریه می کنی ؟» . گفتم : فدایت شوم! بر غریبی ، دوری راه ، و ناتوانی ام بر ماندن نزد تو و نگریستن به تو می گریم . امام علیه السلام به من فرمود : «اما ناتوانی ات . خداوند ، دوستداران و اهل دوستی با ما را این گونه قرار داده و بلا را به سوی ایشان ، شتابان کرده است . و اما غربت را که گفتمی . مؤمن ، در این دنیا و میان این مردم وارونه ، غریب است ، تا این که از این سرا به سوی رحمت خدا ، بیرون رود . و اما دوری راهت . به ابا عبد الله الحسین علیه السلام بنگر که در سرزمینی دور از ما ، در کنار رود فرات است . و اما آنچه از علاقه ات به ماندن نزد ما و نگریستن به ما گفتمی و این که بر آن قادر نیستی ، خداوند ، آنچه را در دل توست و پاداشت بر آن را می داند» . سپس به من فرمود : «آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می روی ؟» . گفتم : آری ؛ با ترس و لرز . امام علیه السلام فرمود : «هر چه این کار ، سخت تر باشد ، پاداشش [بیشتر و] به اندازه هراس آن است ، و هر کس با ترس [از ظالمان] به زیارتش برود ، خداوند ، هراس او را در روزی که مردم در برابر خدای جهانیان می ایستند ، ایمن می کند و با آمرزش ، باز می گردد و فرشتگان ، بر او سلام می دهند و پیامبر صلی الله علیه و آله ، او را دیدار و برایش دعا می کند و با نعمت و فضل از جانب خدا و بدون آن که گزند او برسد ، باز می گردد و رضایت خدا را دنبال می کند» . سپس به من فرمود : «نوشیدنی را چگونه یافتی ؟» . گفتم : گواهی می دهم که شما ، خاندان رحمت هستید و تو ، وصی اوصیایی . غلام ، آنچه را فرستاده بودی ، در حالی برایم آورد که قادر نبودم بر پای خود بایستم و از خود ، ناامید بودم . نوشیدنی را به من داد و آن را نوشیدم و نوشیدنی ای به خوش بویی و خوش مزگی و خُنکی آن ، ندیده بودم . چون آن را نوشیدم ، غلام به من گفت : او (امام علیه السلام) به من فرمان داده که به تو بگویم : «چون آن را نوشیدی ، به سوی من بیا» و من ، با این که سختی حال خود را می دانستم ، گفتم : به سوی امام باقر علیه السلام می روم ، حتی اگر جانم برود . پس به سوی تو آمدم ، گویی که بند ، از پایم گشودند! ستایش ، خدایی که شما را برای شیعیان ، رحمت قرار داد . امام علیه السلام فرمود : «ای محمد ! در نوشیدنی ای که نوشیدی ، از گل قبر حسین علیه السلام بود که برترین چیزی است که با آن ، شفا می جویم . چیزی را با آن ، برابر مگذار که ما ، آن را به کودکان و زنانمان می نوشانیم و هر خیری را در آن می بینیم» . به امام علیه السلام گفتم : فدایت شوم! ما ، از آن بر می گیریم و با آن ، شفا می جویم . امام علیه السلام فرمود : «انسان ، آن را بر می گیرد و آشکارا از حائر [حسین علیه السلام] بیرون می برد و بر هیچ جن و جنبنده ای و چیزی که بیماری و آفتی داشته باشد ، نمی گذرد ، جز آن که آن را می بوید و برکتش از آن می رود و به دیگران می رسد ، و آنچه ما با آن ، معالجه می کنیم ، این گونه نیست ؛ و اگر این که برایت گفتم ، نبود ، هیچ چیز ، آن را مسح نمی کرد و چیزی از آن نمی نوشید ، جز آن که همان لحظه ، بهبود می یافت . آن ، جز به مانند حجر الأسود نیست که آفت زدگان و کافران و اهل جاهلیت ، به سوی آن آمدند [و اثرش را کم کردند ،

و گر نه [هیچ کس خود را به آن نمی سُود، جز آن که بهبود می یافت و به سان جواهر، سپید بود؛ اما] بر اثر همان افراد، [سیاه و سیاه تر شد تا آن گونه [شد] که می بینی] . گفتم: فدایت شوم! با آن، چه می کنم؟ فرمود: «تو، افزون بر آن که آن را آشکار می کنی، همان کاری را می کنی که دیگران می کنند: آن را سبک می شماری و در خورجینت و کنار چیزهایی پست می اندازی و از این رو، اثری را که از آن می خواهی، از میان می رود». گفتم: درست گفتی، فدایت شوم! فرمود: «کسی نیست که آن را بر گیرد، مگر آن که به چگونگی بر گرفتن آن، ناآگاه است و برای مردم، سالم و دست نخورده نمی ماند». گفتم: فدایت شوم! چگونه است که من، آن را همان گونه که شما بر می گیرید، بر گیرم؟ امام علیه السلام فرمود: «چیزی از آن را به تو بدهم؟». گفتم: آری. فرمود: «هنگامی که آن را بر گرفتی، با آن، چه می کنی؟». گفتم: آن را با خود می برم. فرمود: «آن را در چه چیزی می گذاری؟». گفتم: در لباسم. فرمود: «به همان باز گشتی که می کردی. نزد ما، به اندازه نیازت بنوش و آن را مبر، که برایت سالم نمی ماند». آن گاه از آن، دو مرتبه به من نوشاند و دیگر چیزی از آن دردها را به خاطر نیاوردم تا این که باز گشتم.

ب _ جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ الْجُعْفِيُّ الْمَزَارِ الْكَبِيرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ: دَخَلْتُ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَشَ كَوْتُ إِلَيْهِ عِلَّتَيْنِ مُتَضَادَّتَيْنِ بِي ، إِذَا دَاوَيْتُ أَحَدَهُمَا انْتَقَضَتِ الْآخَرَى ، وَكَانَ بِي وَجَعُ الظَّهْرِ وَوَجَعُ الجَوْفِ . فَقَالَ لِي : عَلَيْكَ بِتُرْبَةِ الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقُلْتُ : كَثِيرًا مَا اسْتَعْمَلْتُهَا وَلَا تُنْجِحُ فِيَّ ! قَالَ جَابِرٌ : فَتَبَيَّنْتُ فِي وَجهِ سَ يَدِي وَمَوْلَايَ الغَصْبَ ، فَقُلْتُ : يَا مَوْلَايَ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَخَطِكَ ! وَقَامَ فَدَخَلَ الدَّارَ وَهُوَ مُغْضَبٌ ، فَأَتَى بِوِزْنِ حَبَّةٍ فِي كَفِّهِ فَنَاوَلَنِي إِيَّاهَا ، ثُمَّ قَالَ لِي : اسْتَعْمِلْ هَذِهِ يَا جَابِرُ . فَاسْتَعْمَلْتُهَا فَعُوفِيْتُ لَوْقَتِي ، فَقُلْتُ : يَا مَوْلَايَ مَا هَذِهِ الَّتِي اسْتَعْمَلْتُهَا فَعُوفِيْتُ لَوْقَتِي ؟ فَقَالَ : هَذِهِ الَّتِي ذَكَرْتَ أَنَّهَا لَمْ تُنْجِحْ فِيكَ شَيْئًا ! فَقُلْتُ : وَاللَّهِ يَا مَوْلَايَ مَا كَذَبْتُ فِيهَا ، وَلَكِنْ قُلْتُ : لَعَلَّ عِنْدَكَ عِلْمًا فَاتَّعَلَّمَهُ مِنْكَ فَيَكُونُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعْتَ عَلَيْهِ الشَّمْسُ . فَقَالَ لِي : إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ التُّرْبَةِ فَتَعْمَدَ لَهَا آخِرَ اللَّيْلِ ، وَاغْتَسِلَ لَهَا بِمَاءِ القِرَاحِ ، وَابْسُ أَطْهَرَ أَطْمَارِكَ (1) ، وَتَطَيَّبْ بِسُعْدٍ (2) ، وَادْخُلْ فَعِيفْ عِنْدَ الرَّأْسِ ، فَصَلِّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ، تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الحَمْدَ وَإِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ، وَفِي الثَّانِيَةِ الحَمْدَ مَرَّةً وَإِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ القَدْرِ» ، وَتَقْنُتُ ، فَتَقُولُ فِي قُنُوتِكَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَبْدِيَّةً وَرِيقًا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَا لِكِ السَّمَاوَاتِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ ، سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي العَرْشِ العَظِيمِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . ثُمَّ تَرَكَعْ وَتَسْجُدْ وَتُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ أُخْرَاوَيْنِ ، تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الحَمْدَ وَإِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ، وَفِي الثَّانِيَةِ الحَمْدَ وَإِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالفَتْحُ» ، وَتَقْنُتُ كَمَا قَنْتَ فِي الْأُولَى ، ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ ، وَتَقُولُ أَلْفَ مَرَّةً : «شُكْرًا» ، ثُمَّ تَقُومُ وَتَتَعَلَّقُ بِالتُّرْبَةِ ، وَتَقُولُ : يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنِّي أَخُذُ مِنْ تُرْبَتِكَ بِإِذْنِكَ ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ ، وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ ، وَغِنًىً مِنْ كُلِّ فَقْرٍ لِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَتَأْخُذُ بِثَلَاثِ أَصَابِعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَتَدْعُهَا فِي خِرْقَةٍ نَظِيفَةٍ أَوْ قَارُورَةٍ رُجَاجٍ ، وَتَخْتِمُهَا بِخَاتَمِ عَقِيقٍ ، عَلَيْهِ : «مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» ، فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ مِنْكَ صِدْقَ النِّيَّةِ لَمْ يَصْعَدْ مَعَكَ فِي الثَّلَاثِ قَبْضَاتٍ إِلَّا سَبْعَةَ مِثْقَالٍ ، وَتَرْفَعُهَا لِكُلِّ عِلَّةٍ فَإِنَّهَا تَكُونُ مِثْلَ مَا رَأَيْتَ . (3)

1- الطُّمْرُ: الثوبُ الخَلَقُ (النهاية: ج 3 ص 138 «طمر»).

2- السُّعْدُ: نبت له أصل تحت الأرض أسود طيب الريح (لسان العرب: ج 3 ص 216 «سعد»).

3- المزار الكبير: ص 364 ح 10 ، بحار الأنوار: ج 101 ص 138 ح 83 .

ب - جابر بن یزید جُفَی

المزار الکبیر۔ به نقل از جابر بن یزید جُفَی:۔ بر مولایمان امام محمد باقر علیه السلام وارد شدم و از دو بیماری متضادّ به او شکوه کردم که چون یکی را مداوا می کنم، دیگری بدتر می شود. درد پشت و درد شکم داشتم. امام علیه السلام به من فرمود: «از تربت حسین بن علی علیه السلام استفاده کن». گفتم: آن را خیلی استفاده کرده ام؛ ولی در من، اثری نگذاشته است. خشم را در چهره سرور و مولایم دیدم. گفتم: ای مولای من! از خشم تو به خدا پناه می برم. برخاست و با همان خشم، وارد اندرونی خانه شد و به اندازه يك حَبّه (دانه) در کف دستش آورد و به من داد و فرمود: «ای جابر! از این، استفاده کن». از آن، استفاده کردم و همان وقت، بهبود یافتم. گفتم: ای مولای من! این، چه بود که چون استفاده کردم، همان لحظه، بهبود یافتم؟ فرمود: «این، همان است که گفتمی هیچ اثری در تو نگذاشته است». گفتم: ای مولای من! به خدا سوگند، دروغ نگفتم؛ اما گفتم شاید چیزی بدانی و من، آن را یاد بگیرم که نزد من، از هر آنچه خورشید بر آن بتابد، محبوب تر است. امام علیه السلام به من فرمود: «هنگامی که خواستی از تربت برگیری، آخر شب، به سوی آن برو و با آب زلال، غسل کن و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش و خود را خوش بو کن و وارد شو و نزد سر، بایست و چهار رکعت نماز بگزار که در رکعت نخست، حمد و یازده مرتبه سوره کافرون و در رکعت دوم، حمد و یازده مرتبه سوره قدر را می خوانی و در قنوت آن، می گویی: بی تردید و به حقیقت، خدایی جز خداوند یگانه نیست. از سر عبودیت و بندگی، [اقرار می کنم که] خدایی جز خداوند یگانه نیست. خدایی جز خدای یگانه و بی همتا نیست. وعده اش را تمام کرد و بنده اش را یاری نمود و به تنهایی، گروه ها را فراری داد. منزّه است مالک آسمان ها و آنچه در آنها و میان آنهاست! منزّه است خدای صاحب عرش بزرگ! و ستایش، ویژه خدای جهانیان است. سپس، رکوع و سجده می کنی و دو رکعت دیگر، نماز می گذاری که در رکعت اول، حمد و یازده مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم، حمد و یازده مرتبه سوره نصر را می خوانی و مانند دو رکعت اول، دعای قنوت را می خوانی و سپس، سجده شکر می گذاری و هزار مرتبه می گویی: شکر. سپس، بر می خیزی و به تربت، چنگ می زنی و می گویی: ای مولای من! ای فرزند پیامبر خدا! من با اذن تو، از تربت بر می گیرم. خدایا! آن را برای من و همه مردان و زنان با ایمان، شفای هر درد، و عزّت از هر خواری، و ایمنی از هر ترس، و ثروت از هر فقری، قرار ده، و با سه انگشت، سه بار از آن، بر می داری و در پارچه ای تمیز یا ظرفی شیشه ای می گذاری و آن را با خاتمی از عقیق که بر آن نوشته شده: هر چه خدا بخواهد. قدرتی جز به خدا نیست. از خداوند، آمرزش می خواهم مُهر می کنی، و چون خداوند، نیت درست تو را بداند، در برداشتن های سه گانه، جز هفت مثقال، بر نمی گیری و در هر بیماری، از آن استفاده می کنی که مانند آنچه دیدی، می شود».

ج - جَعْفَرُ الْخُلْدِيِّ الْأَمَالِيِّ لِلشَّجَرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ الْخَلْدِيِّ: كَانَ بِي جَرَبٍ عَظِيمٍ، فَتَمَسَّحَتْ بِتُرَابِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ: فَغَفَوْتُ وَانْتَبَهْتُ فَلَيْسَ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْءٌ. (1)

1- .الأمالى للشجرى : ج 1 ص 165 ؛ بغية الطلب فى تاريخ حلب : ج 6 ص 2657 .

ج - جعفر خُلدی

الأمالی، شجری۔ به نقل از جعفر خُلدی۔: من، گری شدیدی داشتم . خود را به تربت قبر حسین بن علی علیه السلام مالیدم و چون چرتی زدم و بیدار شدم، هیچ اثری از آن، در من نبود .

الفصل الثالث : سائر بركات تربته 3 / 1 الأمان من المخاوف الأماي للطوسي عن زيد أبي أسامة عن الصادق أبي عبد الله عليه السلام : إن الله تعالى جعل تربة جدي الحسين عليه السلام شفاء من كل داء ، وأمانا من كل خوف . (1)

تهذيب الأحكام عن محمد بن عيسى اليقطيني : بعث إلي أبو الحسن الرضا عليه السلام رزم ثياب وغلما ، وحنة لي وحنة لأخي موسى بن عبيد وحنة ليونس بن عبد الرحمن ، فأمرنا أن نحج عنه ، فكانت بيننا مئة دينار أثلاثا فيما بيننا ، فلما أردت أن أعبي الثياب رأيت في أضعاف الثياب طينا . فقلت للرسول : ما هذا ؟ فقال : ليس يوجه بمتاع إلا جعل فيه طينا من قبر الحسين عليه السلام . ثم قال الرسول : قال أبو الحسن عليه السلام : هو أمان يذن الله ، وأمرنا بالمال بأمر من صلته أهل بيته وقوم محايج لا يؤبه (2) لهم . (3)

1- الأماي للطوسي : ص 318 ح 646 ، بشارة المصطفى : ص 217 بزيادة «كل سوء و» بعد «أمانا من» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 119 ح 4 .

2- فلان لا يؤبه له : أي لا يبالي به ، ولا يفطن له لذنته وقلة مرآته (لسان العرب : ج 13 ص 555 «وبه»).

3- تهذيب الأحكام : ج 8 ص 40 ح 121 ، الاستبصار : ج 3 ص 280 ح 992 .

فصل سوم : دیگر برکات تربت امام حسین علیه السلام

3 / 1 ایمن شدن از هر ترسی

الأمالی ، طوسی_ به نقل از زید ابواسامه ، از امام صادق علیه السلام_ : خداوند متعال ، تربت جدم حسین علیه السلام را شفای هر درد و ایمنی از هر ترسی قرار داد .

تهذیب الأحكام_ به نقل از محمد بن عیسی یقطینی_ : امام رضا علیه السلام ، بقچه لباس و غلامانی برایم فرستاد و هزینه حجی برای من ، برادرم موسی بن عبید و یونس بن عبد الرحمان فرستاد و به ما فرمان داد که از سوی او ، حج بگزاریم . هزینه ، یکصد دینار و برای هر سه نفر بود . هنگامی که خواستم لباس ها را آماده و مرتب کنم ، در لا به لای لباس ها ، تربتی دیدم . به پیک گفتم : این چیست ؟ پیک گفت : امام علیه السلام هیچ کالایی را نمی فرستد ، جز این که تربتی از قبر حسین علیه السلام در آن ، قرار می دهد . سپس پیک گفت : امام رضا علیه السلام می فرماید : «آن ، به اذن خدا ، امان [از دستبرد و تباهی] است» . امام رضا علیه السلام به ما فرمان داده بود تا با آنچه برایمان فرستاده بود ، به خاندانش و نیازمندیانی که به آنان توجهی نمی شود ، رسیدگی کنیم .

المزار للمفيد عن محمد بن عيسى عن رجل: بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خُرَاسَانَ رِزْمَ ثِيَابٍ وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ طِينٌ، فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ: مَا هَذَا؟ قَالَ: طِينٌ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَا كَانَ يُوجَّهُ شَيْئًا مِنَ الثِّيَابِ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا وَيَجْعَلُ فِيهِ الطِّينَ، وَيَقُولُ: هُوَ أَمَانٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. (1)

الأمان: لَمَّا وَرَدَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْعِرَاقِ اجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ، فَقَالُوا: يَا مَوْلَانَا تَرَبُّهُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، فَهَلْ هِيَ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ أَمِنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، فَلْيَأْخُذِ السُّبْحَةَ مِنْ تَرَبُّتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَدْعُو بِدُعَاءِ لَيْلَةِ الْمَبِيتِ عَلَى الْفِرَاشِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَقْبَلُهَا وَيَضَعُهَا عَلَى عَيْنِهِ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا، وَبِحَقِّ جَدِّهِ، وَبِحَقِّ أَبِيهِ، وَبِحَقِّ أُمِّهِ، وَبِحَقِّ أَخِيهِ، وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ، ثُمَّ يَضَعُهَا فِي جَيْبِهِ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْغَدَاةِ فَلَا يَزَالُ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى الْعِشَاءِ، وَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْعِشَاءِ فَلَا يَزَالُ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى الْغَدَاةِ. (2)

3 / 2 تَضَاعَفُ فَضْلُ السُّجُودِ عَلَيْهَا كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّجُودُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُنَوِّرُ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ. (3)

-
- 1- المزار للمفيد: ص 144 ح 6، كامل الزيارات: ص 466 ح 707، المزار الكبير: ص 362 ح 6، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 542 ح 1787، بحار الأنوار: ج 101 ص 124 ح 23.
 - 2- الأمان: ص 47، فلاح السائل: ص 392 ح 266 نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 276 ح 41.
 - 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 268 ح 829.

المزار، مفید_ به نقل از محمد بن عیسی، از مردی_: امام رضا علیه السلام، بقیچه لباسی از خراسان، به سوی من فرستاد که میان آن، تربتی بود. به پیک گفتیم: این چیست؟ گفت: تربت قبر حسین علیه السلام است. امام علیه السلام هیچ لباس و یا کالای دیگری را نمی فرستد، جز آن که در آن، تربت قرار می دهد و می فرماید: «آن، به اذن خدای متعال، امان [از دستبرد و تباهی] است».

الأمان: هنگامی که امام صادق علیه السلام به عراق وارد شد، مردم، گردش را گرفتند و گفتند: ای مولای ما! تربت قبر حسین علیه السلام، شفای هر دردی است. آیا آن، ایمنی از هر ترسی هم هست؟ فرمود: «آری. هر گاه کسی از شما خواست که از هر ترسی ایمن باشد، از تربت حسین علیه السلام، تسبیحی بسازد و در بسترش، سه بار دعای لیلۃ المَبیت را بخواند. سپس، آن تسبیح را ببوسد و بر چشمش بگذارد و بگوید: خدایا! من از تو، به حق این تربت و صاحب آن، و به حق جدّش، و به حق پدرش، و به حق مادرش، و به حق برادرش، و به حق فرزندان پاکش، می خواهم که آن را شفا از هر دردی و ایمنی از هر ترسی و حفاظت از هر بدی ای قرار دهی سپس، آن را در جیبش بگذارد که اگر این کار را در صبح بکند، پیوسته تا شامگاه، در امان خدا خواهد بود، و اگر در شامگاه انجام دهد، پیوسته تا صبح، در امان است».

3 / 2 چند برابر شدن ثواب سجده بر تربت امام علیه السلام

کتاب من لایحضره الفقیه_ از امام صادق علیه السلام_: سجده بر تربت قبر حسین علیه السلام، تا زمین هفتم را نورانی می کند.

مصباح المتهجد عن معاوية بن عمار: كان لأبي عبد الله [الصادق] عليه السلام خريطة (1) ديباج (2) صَفراءُ فيها تربةُ أبي عبد الله عليه السلام، فكان إذا حصَّرتُه الصلاةُ صَبَّهَ على سَجادَتِهِ وَسَجَدَ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّجُودُ عَلَى تربةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرِقُ (3) الحُجْبَ السَّبْعَ. (4)

إرشاد القلوب: كان الصادق عليه السلام لا يسجد إلا على ترابٍ من تربةِ الحسين عليه السلام تَدُلُّ لِلَّهِ تَعَالَى، وَاسْتِكَانَةً إِلَيْهِ. (5)

مكارم الأخلاق_ في فضلِ المسبحةِ من تربةِ الحسين عليه السلام_: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَدَارَهَا مَرَّةً وَاحِدَةً بِالإِسْتِغْفَارِ أَوْ غَيْرِهِ، كُتِبَ لَهُ سَبْعِينَ مَرَّةً، وَإِنَّ السُّجُودَ عَلَيْهَا يَخْرِقُ الحُجْبَ السَّبْعَ. (6)

الاحتجاج_ في ذِكْرِ أَسْئَلَةِ الحَمِيرِيِّ لِلإِمَامِ الحُجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ_: وَسَأَلَ عَنِ السَّجْدَةِ عَلَى لَوْحٍ مِنْ طِينِ القَبْرِ، وَهَلْ فِيهِ فَضْلٌ؟ فَأَجَابَ: يَجُوزُ ذَلِكَ، وَفِيهِ الفَضْلُ. (7)

3 / فَضْلُ المَسْبُوحَةِ مِنْهَا المِزَارِ الكَبِيرِ عَنِ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَتْ سُبْحَتُهَا مِنْ خَيْطِ صُوفٍ مُفْتَلٍ مَعْقُودٍ عَلَيْهِ عَدَدُ التَّكْبِيرَاتِ، وَكَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامَةُ مُتْدِيرُهَا بِيَدِهَا تُكَبِّرُ وَتُسَبِّحُ، حَتَّى قُتِلَ حَمزَةُ بْنُ عَبْدِ المَطَّلِبِ، فَاسْتَعْمَلَتْ تُرْبَتَهُ وَعَمَلَتْ التَّسَابِيحَ فَاسْتَعْمَلَهَا النَّاسُ، فَلَمَّا قُتِلَ الحُسَيْنُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَدَّ عَلَى قَاتِلِهِ العَذَابَ - عُدِلَ بِالأَمْرِ إِلَيْهِ؛ فَاسْتَعْمَلُوا تُرْبَتَهُ لِمَا فِيهَا مِنَ الفَضْلِ وَالمَزِيَّةِ. (8)

1- الخريطة: وعاء من آدم وغيره، يشرح [أي يشد] على ما فيها (الصحيح: ج 3 ص 1123 «خرط»).

2- الديباج: ثوب سداه ولحمته إبريسم (المصباح المنير: ص 188 «ديج»).

3- .. في المصدر: «يغرق»، والتصويب من المصادر الأخرى.

4- مصباح المتهجد: ص 733، الدعوات: ص 188 ح 520 و 519، بحار الأنوار: ج 85 ص 153 ح 14.

5- إرشاد القلوب: ص 115، بحار الأنوار: ج 85 ص 158 ح 25.

6- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 68 ح 2171، بحار الأنوار: ج 85 ص 334 ح 16.

7- الاحتجاج: ج 2 ص 583 ح 357، بحار الأنوار: ج 85 ص 149 ح 8.

8- المزار الكبير: ص 366 ح 11، المزار للمفيد: ص 150 ح 1 عن عبد الله بن إبراهيم بن مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص

30 ح 2065 عن إبراهيم بن مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ وكلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 333 ح 16.

مصباح المتهجد_ به نقل از معاوية بن عمّار_: امام صادق عليه السلام، انبانی از دیبای زرد داشت که در آن، تربت ابا عبد الله الحسين عليه السلام بود و چون وقت نمازش می شد، آن را بر سجّاده اش می ریخت و بر آن، سجده می کرد. سپس می فرمود: «سجده بر تربت ابا عبد الله الحسين عليه السلام، حجاب های هفتگانه را می دَرَد» .

إرشاد القلوب: امام صادق عليه السلام، بر خاکی بجز خاک قبر حسين عليه السلام، سجده نمی کرد، برای اظهار خواری و فروتنی در برابر خدای متعال .

مكارم الأخلاق_ در برتری تسبیح ساخته شده از تربت امام حسين عليه السلام_: از امام صادق عليه السلام روایت شده است: «هر کس، آن را يك دور به ذکر آموزش خواهی یا ذکر دیگری بچرخاند، هفتاد مرتبه برایش نوشته می شود و سجده بر آن، حجاب های هفتگانه را می دَرَد» .

الاحتجاج_ در یادکرد پرسش های حمیری از امام زمان عليه السلام_: او از سجده بر لوحی از گِل قبر [حسين عليه السلام] پرسید که: آیا فضیلتی (برتری ای) دارد؟ امام عليه السلام پاسخ داد: «این، جایز است و فضیلت دارد» .

3 / 3 برتری تسبیح تربت امام عليه السلام

المزار الكبير_ به نقل از محمد ثقفی، از امام صادق عليه السلام_: تسبیح فاطمه، دختر پیامبر خدا_ که درود خدا بر آن دو باد_، از نخ پشمی تابیده بود که به عدد تکبیرها، گره داشت و او با دستش، آن را می چرخاند و تکبیر و تسبیح می گفت تا آن که حمزة بن عبد المطلب، به شهادت رسید، پس تربت او را برای ساختن تسبیح، به کار برد و مردم نیز چنین کردند. هنگامی که حسین عليه السلام کشته شد_ که خداوند، عذاب قاتلش را مکرّر کند_، به او روی آوردند و تربتش را به دلیل فضیلت و مزیتش به کار بردند .

كتاب من لا يحضره الفقيه عن الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَ مَعَهُ سُبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَتَبَ مُسَبِّحًا وَإِنْ لَمْ يُسَبِّحْ بِهَا. (1)

المزار للمفيد: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَدَارَ الْحُجَيْرَ مِنْ تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَغْفَرَ بِهِ مَرَّةً وَاحِدَةً، كَتَبَ لَهُ بِالْوَحْدَةِ سَبْعُونَ مَرَّةً، وَإِنْ أَمْسَكَ السُّبْحَةَ فِي يَدِهِ وَلَمْ يُسَبِّحْ بِهَا فَفِي كُلِّ حَبَّةٍ سَبْعُ مَرَّاتٍ. (2)

المزار للمفيد عن كتاب الحسن بن محبوب: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ عَنْ اسْتِعْمَالِ التُّرْبَتَيْنِ مِنْ طِينِ قَبْرِ حَمَزَةَ وَقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَالتَّفَاضُلَ بَيْنَهُمَا؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَسْبُوحَةُ الَّتِي مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُسَبِّحُ بِيَدِ الرَّجُلِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسَبِّحَ. قَالَ: وَقَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي يَدِهِ السُّبْحَةُ مِنْهَا، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهَا أَعْوَدُ عَلَيَّ - أَوْ قَالَ: أَخَفُّ عَلَيَّ - . وَرُوِيَ: أَنَّ الْحَوْرَ الْعَيْنَ إِذَا أَبْصَرَ وَاحِدًا مِنَ الْأَمْلاِكِ يَهْبِطُ إِلَى الْأَرْضِ لِأَمْرِ مَا، يَسْتَهْدِينِ التَّسْبِيحَ وَالتُّرْبَةَ مِنْ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3)

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 268 ح 829، بحار الأنوار: ج 85 ص 340 ح 28 نقلًا عن الذكرى .

2- المزار للمفيد: ص 150 ح 2، المزار الكبير: ص 367 ح 12، مصباح المتهجد: ص 735، بحار الأنوار: ج 101 ص 136 ح 77.

3- المزار للمفيد: ص 151 ح 4 و ح 5، المزار الكبير: ص 367 ح 14 و ح 15 و ح 16، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 30 ح 2066 و 2067 و ليس فيه من «قال: وقال» إلى «أخف علي»، بحار الأنوار: ج 101 ص 133 ح 66 و 67 .

کتاب من لا یحضره الفقیه_ از امام صادق علیه السلام_: هر کس تسبیحی از قبر حسین علیه السلام به همراه داشته باشد، [در پیشگاه خدا] تسبیحگو نوشته می شود، هر چند با آن، تسبیح نگوید.

المزار، مفید: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «هر کس دانه های تسبیحی [ساخته شده] از تربت حسین علیه السلام را بچرخاند و یک دور، ذکر استغفار بگوید، هر یک از آنها، برایش هفتاد برابر نوشته می شود و اگر تسبیح را در دستش بگیرد و با آن، تسبیح هم نگوید، در برابر هر دانه، هفت بار [تسبیح] برایش نوشته می شود».

المزار، مفید_ به نقل از کتاب حسن بن محبوب_: از امام صادق علیه السلام در باره به کار بردن دو تربت قبر حمزه و امام حسین علیه السلام و تفاوت آنها پرسیدند. امام علیه السلام فرمود: «تسبیحی که از گل قبر حسین علیه السلام است، در دست انسان، تسبیح می گوید، بدون آن که انسان، تسبیح بگوید». راوی گفت: دیدم که امام صادق علیه السلام، تسبیحی را از آن تربت، به دست داشت و چون در باره اش پرسیدند، فرمود: «این، به حتم، برایم سودمندتر است» یا فرمود: «راحت تر است». و روایت شده که چون حوریان بهشتی، یکی از فرشتگان را می بینند که برای کاری به زمین فرود می آید، از او، تسبیح و تربت قبر حسین علیه السلام را سوغات می خواهند.

تهذيب الأحكام عن الحسن بن علي بن شعيب الصايغ المعروف بأبي صالح يرفعه إلى بعض أصحاب أبي الحسن موسى بن جعفر [الكاظم] عليه السلام، قال: دَخَلْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: لَا تَسْتَغْنِي شَيْعَتُنَا عَنْ أَرْبَعٍ: خُمْرَةٍ (1) يُصَلِّي عَلَيْهَا، وَخَاتِمٍ يَتَخَتَّمُ بِهِ، وَسِوَالِكٍ يَسْتَاكُ بِهِ، وَسُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ حَبَّةً، مَتَى قَلَّبَهَا ذَاكِرًا لِلَّهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً، وَإِذَا قَلَّبَهَا سَاهِيًا يَعَبَثُ بِهَا كُتِبَ لَهُ عَشْرُونَ حَسَنَةً. (2)

المزار للمفيد عن أبي القاسم محمد بن علي بن أبي الحسن الرضا عليه السلام: مَنْ أَدَارَ الْحُجَيْرَ مِنَ الثَّرْبَةِ وَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مَعَ كُلِّ حَبَّةٍ مِنْهَا، كُتِبَ لَهُ بِهَا سِتَّةٌ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَمُحِي عَنْهُ سِتَّةٌ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَرُفِعَ لَهُ سِتَّةٌ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَأُثْبِتَ لَهُ مِنَ الشَّفَاعَةِ مِثْلُهَا. (3)

تهذيب الأحكام عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري: كَتَبْتُ إِلَى الْفَقِيهِ [أَبِي] الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ: هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُسَبِّحَ الرَّجُلُ بِطِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ وَهَلْ فِيهِ فَضْلٌ؟ فَأَجَابَ: وَقَرَأْتُ التَّوْقِيعَ وَمِنْهُ نَسَخْتُ: يُسَبِّحُ بِهِ؛ فَمَا فِي شَيْءٍ مِنَ التَّسْبِيحِ أَفْضَلُ مِنْهُ، وَمِنْ فَضْلِهِ أَنَّ الْمُسَبِّحَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ السُّبْحَةَ، فَيَكْتُبُ لَهُ ذَلِكَ التَّسْبِيحَ. (4)

-
- 1- الخُمْرَةُ: سَجَادَةٌ تَعْمَلُ مِنْ سَعْفِ النَّخْلِ وَتُرْمَلُ بِالْخِيُوطِ (الصَّحَاحُ: ج 2 ص 649 «خمر»).
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 75 ح 147، روضة الواعظين: ص 451، بحار الأنوار: ج 101 ص 132 ح 61 وراجع: مصباح المتهجد: ص 735 والمزار الكبير: ص 368 ح 18 ومكارم الأخلاق: ج 2 ص 29 ح 2064.
 - 3- المزار للمفيد: ص 151 ح 3، المزار الكبير: ص 367 ح 13، بحار الأنوار: ج 101 ص 133 ح 65.
 - 4- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 75 ح 148، الاحتجاج: ج 2 ص 583 ح 357، بحار الأنوار: ج 101 ص 132 ح 62.

تهذیب الأحكام_ به نقل از حسن بن علی بن شعیب صائغ ، مشهور به ابو صالح ، که سند حدیث را به یکی از یاران امام کاظم علیه السلام می رساند :_ بر امام [کاظم علیه السلام] وارد شدم . فرمود : «شیعیان ما ، از چهار چیز ، بی نیاز نیستند : سجاده ای برای نماز ، انگشتری برای دست ، مسواکی برای مسواک زدن ، و تسبیحی از تربت قبر ابا عبد الله الحسین علیه السلام که سی و سه دانه داشته باشد و هر گاه آن را به ذکر خدا بچرخاند ، در برابر هر دانه ، چهل حسنه برایش نوشته می شود و هنگامی که به غفلت و بازی ، آن را می چرخاند ، بیست حسنه برایش نوشته می شود» .

المزار ، مفید_ به نقل از ابو القاسم محمد بن علی ، از امام رضا علیه السلام _: هر کس دانه های [تسبیحی] ساخته شده از تربت حسین علیه السلام را بچرخاند و با هر دانه آن ، «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر» بگوید ، در برابر هر دانه آن ، شش هزار حسنه برایش نوشته می شود و شش هزار گناه ، از او زدوده می شود و شش هزار درجه ، بالا برده می شود و به همین تعداد ، برایش حق شفاعت ثبت می شود .

تهذیب الأحكام_ به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری _: به فقیه [یعنی امام مهدی علیه السلام] نامه نوشتم و از ایشان پرسیدم : آیا جایز است که انسان ، با گِل قبر حسین علیه السلام تسبیح بگوید ؟ و آیا چنین تسبیحی ، برتری ای [بر دیگر تسبیح ها] دارد ؟ امام علیه السلام در پاسخ _ که من آن را خواندم و نسخه برداری کردم _ نوشت : «با آن ، تسبیح بگوید که هیچ تسبیحی از آن ، برتر نیست و از برتری های آن ، این است که [وقتی] دارنده اش از تسبیحگویی غافل می شود و تسبیح را می چرخاند [باز هم در نامه اعمال ،] برایش تسبیح گفتن ، نوشته می شود» .

بحار الأنوار: وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الجُبَاعِيِّ جَدِّ الشَّيْخِ البَهَائِيِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُمَا، نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ رَفَعَ اللَّهُ دَرَجَتَهُ، نَقْلًا مِنْ مَزَارِ بِخَطِّ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الحُسَيْنِ بْنِ مَعِيَّةَ، قَالَ: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ اتَّخَذَ سُبْحَةَ مِنْ تُرْبَةِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، إِنْ سَبَّحَ بِهَا، وَإِلَّا سَبَّحَتْ فِي كَفِّهِ، وَإِذَا حَرَّكَهَا وَهُوَ سَاهٍ كُتِبَ لَهُ تَسْبِيحَةٌ، وَإِذَا حَرَّكَهَا وَهُوَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى كُتِبَ لَهُ أَرْبَعِينَ تَسْبِيحَةً. (1)

3 / 4 الحثُّ عَلَى تَحْنِيكِ الأَوْلَادِ بِهَاتِهِذِيبِ الأحكامِ عَنِ الحُسَيْنِ بْنِ أَبِي العَلَاءِ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ [الصَّادِقَ] عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: حَنَّكُوا (2) أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ؛ فَإِنَّهَا أَمَانٌ. (3)

روضة الواعظين عن الصادق عليه السلام: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ؛ فَإِنَّهَا أَمَانٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. (4)

1- بحار الأنوار: ج 85 ص 340 ح 32 .

2- الحَنَكُ: ما تحت ذقن الإنسان وغيره، الأعلى داخل الفم، والأسفل في طرف مُقَدِّمِ اللِّحْيَيْنِ مِنْ أَسْفَلِهِمَا . وَاتَّقُوا عَلَى تَحْنِيكِ المَوْلُودِ عِنْدَ وِلادَتِهِ ... وَيَسْتَحَبُّ تَحْنِيكُهُ بِالتُّرْبَةِ الحُسَيْنِيَّةِ وَالماءِ؛ كَأَن يُدْخَلَ ذَلِكَ إِلَى حَنَكِهِ وَهُوَ أَعْلَى دَاخِلِ الفَمِ (مَجْمَعُ البَحْرَيْنِ: ج 1 ص 467 «حنك»).

3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 74 ح 143، المزار للمفيد: ص 144 ح 5، كامل الزيارات: ص 466 ح 708، المزار الكبير: ص 362 ح 5، مصباح المتعجب: ص 732، الدعوات: ص 185 ح 513، بحار الأنوار: ج 101 ص 124 ح 24 .

4- روضة الواعظين: ص 451 وراجع: الكافي: ج 6 ص 24 ح 4 وتهذيب الأحكام: ج 7 ص 436 ح 1740 ومكارم الأخلاق: ج 1 ص 489 .

بحار الأنوار: به خطّ شیخ محمّد بن علی جبّاعی، جدّ شیخ بهایی _ که خداوند، روح هایشان را پاك بدارد _، به نقل از خطّ شهید اوّل _ که خداوند، درجه اش را رفیع گرداند _، به نقل از کتابی در موضوع زیارات و به خطّ محمّد بن محمّد بن حسین بن معیّه، یافتیم که نوشته بود: از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «هر کس از تربت حسین علیه السلام تسبیحی برگیرد، اگر با آن، تسبیح بگوید [، که چه بهتر]، و گر نه آن تسبیح در کف دستش تسبیح می گوید، و اگر آن را به غفلت تکان دهد، يك تسبیح برایش نوشته می شود، و چون به ذکر خدای متعال حرکتش دهد، چهل تسبیح برایش نوشته می شود».

3 / 4 تشویق به برداشتن کام کودک با تربت امام علیه السلام

تهذیب الأحكام_ به نقل از حسین بن ابی العلاء _: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «کام (سَق) فرزندان را با تربت حسین علیه السلام بردارید که آن، امان است».

روضه الواعظین_ از امام صادق علیه السلام _: کام فرزندان را با تربت حسین علیه السلام بردارید که آن، امان از هر دردی است .

3 / 5 وَضَعُ تَرْبَتِهِ مَعَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ تَهْذِيبَ الْأَحْكَامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ: كَتَبْتُ إِلَى الْفَقِيهِ [الإمام المَهْدِيِّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ طِينِ الْقَبْرِ يَوْضَعُ مَعَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ، هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لَا؟ فَأَجَابَ - وَقَرَأْتُ التَّوْقِيعَ وَمِنْهُ نَسَخْتُ - : يَوْضَعُ مَعَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ، وَيُخْلَطُ بِحَنَوطِهِ (1) إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (2)

مصباح المتهجد عن جعفر بن عيسى عن أبي الحسن [الكاظم] عليه السلام: ما على أحدكم إذا دفن الميت ووسده الثراب، أن يضع مقابل وجهه لبنه من الطين (3) ولا يضعها تحت رأسه. (4)

منتهى المطلب: يستحب أن يجعل معه [أي مع الميت] شيئاً من تربة الحسين عليه السلام طلباً للبركة والاحتراز من العذاب والسَّتر من العقاب. فقد روي أن امرأة كانت تزني وتضع أولادها فتحرقهم بالنار خوفاً من أهلها، ولم يعلم به غير أمها، فلما ماتت دفنت فانكشفت الثراب عنها ولم تقبلها الأرض، فثقلت عن ذلك الموضع إلى غيره فجرى لها ذلك، فجاء أهلها إلى الصادق عليه السلام وحكوا له القصة، فقال لأمرها: ما كانت تصنع هذه في حياتها من المعاصي؟ فأخبرته بباطن أمرها. فقال عليه السلام: إن الأرض لا تقبل هذه، لأنها كانت تعذب خلق الله بعذاب الله، اجعلوا في قبرها شيئاً من تربة الحسين عليه السلام، ففعل ذلك فسترها الله تعالى (5).

1- الحنوط: ما يخلط من الطيب لأكفان الموتى وأجسامهم خاصة (النهاية: ج 1 ص 450 «حنط»).

2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 76 ح 149، بحار الأنوار: ج 101 ص 132 ح 62.

3- في بحار الأنوار: «طين الحسين» بدل «الطين».

4- مصباح المتهجد: ص 735، بحار الأنوار: ج 101 ص 136 ح 75.

5- منتهى المطلب: ج 7 ص 386، بحار الأنوار: ج 82 ص 45 ح 31.

3 / 5 همراه کردن تربت امام علیه السلام با مُرده

تهذیب الأحكام_ به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری_: به فقیه [یعنی امام مهدی علیه السلام] نامه نوشتم و از او در باره تربت قبر [امام حسین علیه السلام] که همراه مُرده در قبرش می گذارند، پرسیدم که: آیا جایز است یا نه؟ امام علیه السلام در پاسخ_ که من آن را خواندم و از آن، نسخه برداری کردم_، نوشت: «همراه مُرده در قبرش می گذارند و با حنوط (1) او در می آمیزند، این شاء الله!». .

مصباح المتهجد_ به نقل از جعفر بن عیسی، از امام کاظم علیه السلام_: چه مشکلی برای هر يك از شما وجود دارد که چون مُرده را دفن کرد و سر او را بر خاک نهاد، خشتی از تربت [قبر حسین علیه السلام] را در برابر صورتش، نه زیر سرش، بگذارد؟

منتهی المطلب: مستحب است که با مُرده، اندکی از تربت حسین علیه السلام بگذارند، برای برکت خواهی و دوری از عذاب و داشتن پوششی در برابر عقاب. روایت شده که زنی، زنا می داد و چون وضع حمل می نمود، آنها را از ترس خانواده اش می سوزاند و این را جز مادرش نمی دانست. هنگامی که مُرد و دفن شد، خاک از رویش کنار رفت و زمین، او را نپذیرفت. او را از آن جا به جای دیگری بردند. همین ماجرا، تکرار شد. خانواده اش به نزد امام صادق علیه السلام آمدند و داستان را باز گفتند. امام علیه السلام به مادرش فرمود: «این زن در زندگی اش چه گناهی می کرد؟». مادرش از کار او، آنچه را که نهان بود، به امام علیه السلام خبر داد. امام علیه السلام فرمود: «زمین، این زن را نمی پذیرد؛ چون خَلق خدا را با عذاب خدا (آتش)، عذاب داده است. اندکی از تربت حسین علیه السلام در قبرش بگذارید». چنین کردند و خدای متعال، پیکرش را پوشاند.

1- حنوط، آمیزه ای از موادّ خوش بوست که برای خوش بو کردن مُرده، به بدن و کفن او می مالند.

توضیحی در باره برکات تربت امام حسین علیه السلام و شفا خواستن با آن

اشاره

در احادیث، آثار و برکات مختلفی برای تربت سید الشهداء علیه السلام ذکر شده است، مانند: استشفای (شفا خواستن) به واسطه آن، ثواب سجده بر آن، همراه داشتن آن، تبرک جستن به آن در زندگی و حتی پس از مرگ، و برداشتن کام کودک با آن. از نظر عقلی، بدیهی است که خداوند متعال می تواند بر اساس حکمت بی پایان خود، آثار و برکاتی را که بدانها اشارت رفت، بر تربت آن امام، مترتب نماید. به عبارت دیگر، این، کاری است ممکن؛ ولی در باره ثبوت این برکات، پرسش هایی وجود دارد که باید به آنها پاسخ داد، مانند این که: آیا صدور احادیثی که بر این آثار، دلالت دارند، قطعی است؟ چرا تربت دیگر اهل بیت علیهم السلام، چنین برکاتی ندارد؟ محدوده زمینی که خاکش دارای آثار یاد شده است، تا کجاست؟ تأثیر درمانی آن، مطلق است، یا شرایط و موانعی دارد؟

1. اعتبارسنجی احادیث

در میان احادیثی که برکاتی را برای تربت سید الشهداء علیه السلام برشمرده اند، سند برخی ضعیف است؛ اما در میان آنها صحیح و معتبر هم وجود دارد و از این روست که هر چند «خوردن خاک»، در اسلام، ممنوع است و گناه محسوب می شود، فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که خوردن تربت امام حسین علیه السلام به اندازه یک نخود برای استشفای

جایز است و حتی به گفته برخی از فقها، احادیث در این باره، در حدّ تواتر است. (1) افزون بر این، درمان شدن بسیاری از بیماران در طول تاریخ پس از واقعه کربلا به برکت تربت آن امام، گواه روشنی بر صحت این احادیث است.

2. حکمت این برکات

اکنون این پرسش مطرح می شود که: چرا این برکات، تنها از آن تربت سید الشهداء علیه السلام است و تربت سایر اهل بیت علیهم السلام، این ویژگی ها را ندارد؟ در پاسخ، می توان گفت: همان حکمتی که در باره فضایل اختصاصی زیارت امام حسین علیه السلام و عزاداری بر ایشان و گریستن بر مصائب ایشان بیان شد، در این جا نیز جاری است. به طور اجمال، حکمت فضایل و برکاتی که برای تربت سید الشهداء علیه السلام در احادیث آمده، عبارت است از: زنده شدن روح شهادت طلبی و ایثار در راه مبارزه با جهل و ظلم و ضد ارزش ها در جامعه اسلامی، و زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام به رهبری اهل بیت علیهم السلام.

3. محدوده تربت برای استشفای

احادیثی را که در باره استشفای به تربت سید الشهداء علیه السلام وارد شده اند، می توان به چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول، احادیثی که حریم قبر مطهر امام علیه السلام را مشخص کرده اند. برخی از این احادیث، حریم قبر ایشان را بیست گز در بیست گز (2)، برخی 25 گز در 25 گز، (3) برخی یک فرسخ در یک فرسخ، (4) و برخی پنج فرسخ در پنج فرسخ (5)، ذکر کرده اند.

1- مستند الشيعة: ج 15 ص 162.

2- ر.ك: ص 379 ح 3347 و 3348.

3- ر.ك: ص 401 ح 3274.

4- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 71 ح 133، المزار، مفید: ص 140 ح 2 و ر.ك: همین دانش نامه: ج 12 ص 401 ح 3372.

5- ر.ك: ص 401 ح 3372.

دسته دوم، احادیثی که قلمرو تربت آن امام را برای استشفافا، مشخص کرده اند و با اختلاف، این قلمرو را هفتاد گز (1)، هفتاد باع، ده میل (2) ر.ك: ص 401 ح 3371. ، چهار میل، (3) يك میل (4) و یا غیر از اینها ذکر کرده اند. (5) دسته سوم، حدیثی که می گوید: بالای سر امام حسین علیه السلام، تربت سرخ رنگی قرار دارد که درمان هر بیماری ای بجز مرگ است. (6) دسته چهارم، احادیثی که به طور مطلق (کلی و بدون قید)، دلالت بر استشفافا به تربت قبر سید الشهداء علیه السلام دارند و از هیچ قید و محدوده ای نام نبرده اند. در جمع بندی این احادیث، می توان گفت: در میان احادیث دسته اول، سند دو روایت، معتبر است (یکی حدیث دلالت کننده بر بیست گز در بیست گز و دیگری حدیث دلالت کننده بر 25 گز در 25 گز)؛ ولی در هیچ يك از این دو، به استشفافا از تربت این محدوده، اشاره ای نشده است. سند هیچ يك از احادیث دسته دوم نیز معتبر نیست. همچنین، سند حدیثی که دلالت بر استشفافا به تربت بالای سر امام علیه السلام دارد، ضعیف است. بنا بر این، تنها احادیثی از اعتبار لازم برخوردارند که به طور مطلق، دلالت بر

1- ر.ك: ص 399 ح 3369.

2- ر.ك: ص 401 ح 3370.

3- کامل الزیارات: ص 470 ح 717.

4- ر.ك: ص 413 ح 3386.

5- برخی از فقها، به احادیث دیگری نیز اشاره کرده اند که بر چهار فرسخ و یا هشت فرسخ دلالت دارند (ر.ك: ریاض المسائل: ج 2 ص 290، شرح اللمعة: ج 7 ص 326، المهذب البارع: ج 4 ص 220)؛ ولی همان طور که در مستند الشیعی نراقی (ج 15 ص 165) آمده است، چنین احادیثی یافت نشده اند و به بررسی بیشتری نیاز است تا بتوان در باره این دو گروه احادیث، داوری کرد.

6- ر.ك: ص 414 ح 3390.

استشفا به تربت قبر آن امام دارند، و همان طور که فقهای بزرگوار فرموده اند، در معنای این احادیث، به قدر متیقن از مصادیق عرفی قبر، بسنده می شود. بعید نیست همان طور که در حدیثی معتبر آمده، تا فاصله 25 گز از هر سو، عرفا قدر متیقن محسوب شود. در این صورت، برای استشفا به تربت خارج از این محدوده، لازم است که تربت، در آب، حل شود و با آب تربت، استشفا گردد.

4. محدوده تربت برای غیر استشفا

هیچ يك از احادیثی که استفاده از تربت امام حسین علیه السلام را برای غیر استشفا (مانند: سجده کردن بر آن و تبرک جستن به آن) توصیه کرده اند، خاک کربلا را به صورت مطلق، دارای فضیلت و برکت نمی دانند؛ بلکه گل قبر امام علیه السلام و یا تربت ایشان را بافضیلت دانسته اند. پس می توان گفت که در تعیین محدوده تربت امام علیه السلام برای غیر استشفا نیز، صدق عرفی تربت امام، ضروری است. البته از آن جا که استفاده همگان از محدوده عرفی تربت قبر امام، ممکن نیست، عمل به احادیث یاد شده، اقتضا می کند که بخش وسیعی از خاک کربلا، تربت امام حسین علیه السلام محسوب شده باشد، که هر چه به قبر نزدیک تر باشد، فضیلت و برکت آن بیشتر است. با این حال، مقتضای احتیاط، آن است که تبرک جستن به خاک کربلا، در جایی که عرفا تربت امام حسین علیه السلام خوانده نمی شود، به امید مطلوبیت (نیت رجا) باشد.

5. مقصود از استشفا به تربت

تردیدی نیست که مقصود از استشفا به تربت امام حسین علیه السلام، این نبوده که تربت ایشان به طور مطلق (همیشه و همه جا)، جای گزین دارو و درمان گردد. یکی از دلایل روشن این مطلب، احادیث فراوانی است که در آنها به مراجعه به طیب و بهره گیری از دارو، توصیه شده است. (1) بنا بر این، توصیه به استشفا به تربت سید

1- ر. ک: دانش نامه احادیث پزشکی.

الشهدا علیه السلام وگوشزد کردن تأثیر آن در درمان بیماری ها، مانند توصیه به دعا و صدقه در درمان بیماری ها و بیان تأثیر آنهاست. به سخن دیگر، همان طور که دعا و صدقه، در کنار بهره گیری از درمان های معمولی، نقش مکمل درمان را ایفا می نمایند و در شرایط ویژه ای که دارو اثر ندارد، گاهی دردهای بی درمان را درمان می کنند، تربت سید الشهداء علیه السلام نیز به همین گونه، در درمان بیماری ها مؤثر است. همچنین، چنان که هر چه شرایط اجابت دعا بیشتر فراهم شود و موانع آن بیشتر برطرف گردد، دعا به اجابت، نزدیک تر می شود، فراهم ساختن شرایط بهره مندی از برکات تربت امام حسین علیه السلام و برطرف کردن موانع تأثیر آن نیز، موجب بهره وری بیشتری از برکات تربت آن امام است.

6. چگونگی استشفای تربتاً توجّه به احادیثی که ملاحظه شد، می توان گفت: استشفای تربت امام حسین علیه السلام يك مانع دارد و يك شرط و يك ادب. (1) مانع استشفای، انگیزه های غیر الهی است، مانند علاقه به خوردن خاك. (2) شرط استشفای داشتن، اعتقاد راسخ به این حقیقت است که تربت آن امام، به اذن خداوند متعال، در درمان بیماری، مؤثر است. (3) ادب استشفای نیز عبارت است از خواندن دعاهای مأثور، (4) هنگام بهره گیری از تربت امام حسین علیه السلام. (5)

1- ر.ك: بحار الأنوار: ج 101 ص 118 به بعد.

2- ر.ك: همین دانشنامه: ج 12 ص 431 (فصل دوم / موانع شفا یافتن با تربت امام علیه السلام).

3- کامل الزیارات، ص 470 ح 717 و ر.ك: ص 431 (فصل دوم / شرط شفا یافتن با تربت امام علیه السلام).

4- مأثور: روایت شده؛ رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام.

5- ر.ك: ص 417 (فصل دوم / آداب شفاخواهی با تربت امام علیه السلام).

- (2) فصل دوم: شفاخواهی با تربت مزار امام حسین علیه السلام *** 411 (2 /)
- (3) 1 / 2 بزرگ ترین دارو *** 411 (3 /)
- (3) 2 / 2 آداب شفاخواهی با تربت امام علیه السلام *** 417 (3 /)
- (3) 3 / 2 شرط شفا یافتن با تربت امام علیه السلام *** 431 (3 /)
- (3) 4 / 2 موانع شفا یافتن با تربت امام علیه السلام *** 431 (3 /)
- (3) 5 / 2 نمونه هایی از کسانی که خدا به برکت تربت حسین علیه السلام شفایشان داده است *** 433 (3 /)
- (4) الف محمد بن مسلم *** 433 (4 /)
- (4) ب جابر بن یزید جُعفی *** 439 (4 /)
- (4) ج جعفر خُلدی *** 441 (4 /)
- (2) فصل سوم: دیگر برکات تربت امام حسین علیه السلام *** 443 (2 /)
- (3) 1 / 3 ایمن شدن از هر ترسی *** 443 (3 /)
- (3) 2 / 3 چند برابر شدن ثواب سجده بر تربت امام علیه السلام *** 445 (3 /)
- (3) 3 / 3 برتری تسبیح تربت امام علیه السلام *** 447 (3 /)
- (3) 4 / 3 تشویق به برداشتن کام کودک با تربت امام علیه السلام *** 453 (3 /)
- (3) 5 / 3 همراه کردن تربت امام علیه السلام با مُرده *** 455 (3 /)
- (3) توضیحی در باره برکات تربت امام حسین علیه السلام و شفا خواستن با آن *** 458 (3 /)
- (4) 1. اعتبارسنجی احادیث *** 458 (4 /)
- (4) 2. حکمت این برکات *** 459 (4 /)
- (4) 3. محدوده تربت برای استشفای *** 459 (4 /)
- (4) 4. محدوده تربت برای غیر استشفای *** 461 (4 /)

(4) 5. مقصود از استشفای به تربت *** 461 (/4)

(4) 6. چگونگی استشفای به تربت *** 462 (/4)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

